













736

15

I

## ۲۲ - مسئولیت وکلا

مسئولیت سیاسیة وکلا	۶۰۱	۲۰۰
مسئولیت جزائیة وکلا	۶۰۷	۲۰۱
وکلائک مأمورین بتلریدن متولد مسئولیت جزائیة	۶۰۹	۲۰۲
ایکی نقطه نظر	۶۱۰	۲۰۳
مناقشه	۶۱۳	۲۰۴
امور جزائیة ده وکلائک مرجع مسئولیتی	۶۱۶	۲۰۵
وکلائک مسئولیت مالیة سی : افراد قارشی	۶۱۹	۲۰۶
وکلائک مسئولیت مالیة سی : دولت قارشی	۶۲۴	۲۰۷

## ۲۳ - مسئولیت مبعوثان واعیان

مطالعات عمومیة	۶۳۰	۲۰۸
قوای ثلاثیه کوره محاکمه	۶۳۳	۲۰۹
مبعوثانک مسئولیت سیاسیة لری	۶۳۷	۲۱۰
مبعوثانک عزالری ایچون مختلف تصورلر	۶۴۱	۲۱۱

## ۲۴ - پارلمنتونک مصونیتی

اسباب عمومیة مصونیت	۶۴۶	۲۱۲
برنجی نوع ( پارلمنتو داخنده مصونیت )	۶۴۸	۲۱۳
رأی وفکردن مسئولیت	۶۵۲	۲۱۴
نطقلر ونشریات	۶۵۴	۲۱۵
ممالک مختلفه ده جاری اصوللر	۶۵۶	۲۱۶
پارلمنتو اعضاسنک ایکنجی نوع مصونیتی	۶۵۸	۲۱۷
مختلف مملکتلر ده جاری اولان قاعدهلر	۶۶۱	۲۱۸
مصونیتک ماهیتی، اشکالی، انواعی، نتایجی	۶۶۵	۲۱۹
مبعوثانده تعقیب ایدیلن احوال	۶۷۴	۲۲۰



## ۱۹ - قاینه اصولی

وکلانک اکثریت فرقه‌سندن اولماسی	۵۱۳	۱۷۹
بو قاعده‌نک ممالک عثمانیه‌ده طرز تطبیق	۵۱۹	۱۸۰
قاینه‌ده یماناس قاعده‌سی	۵۲۲	۱۸۱
قاینه‌نک مسئولیت سیاسییه ومشرکه‌سی	۵۲۵	۱۸۲
بو اوچنچی قاعده‌نک بزده‌کی تطبیقاتی	۵۲۸	۱۸۳
قاینه‌نک انکلتزه‌ده تاریخی	۵۳۰	۱۸۴
انکلتزه قاینه‌سنک خصوصیت حالی	۵۳۵	۱۸۵

## ۲۰ - حکمدارلق و حقوق سلطنت

حکمدارلق ماهیتی	۵۴۱	۱۸۶
عثمانلی قانون اساسیسنده حکمدارک حقوقی	۵۴۵	۱۸۷
حکمدارک نفوذ معنویسی	۵۵۰	۱۸۸
حکمدار و باش وکیل	۵۵۵	۱۸۹
حکمدار و حق فسخ	۵۵۸	۱۹۰

## ۲۱ - مسئولیت : ماهیتی ، انواعی ، اشکالی

مسئولیتک انواعی	۵۶۲	۱۹۱
دولتک مسئولیتی	۵۶۴	۱۹۲
حکمدارک مسئولیتی	۵۷۱	۱۹۳
قواعدثلاثه‌مسئولیت : حکمدارک مسئولیت	۵۷۷	۱۹۴
جزایه‌سی		
وکلانک مسئولیتی	۵۸۲	۱۹۵
آمیہ شمان	۵۸۴	۱۹۶
وکلانک وظائف حکمداری‌یه اشتراکی	۵۸۹	۱۹۷
حکمدارک مسئولیت‌مالیه و حقوقیه‌سی	۵۹۴	۱۹۸
رئیس جمهورلرده مسئولیت	۵۹۶	۱۹۹

اشكال مختلفه آراسنده مناسب	۴۵۸	۱۵۷
حکمدارلق و جمهوريت	۴۵۹	۱۵۸
حکومت ( مستبده ، مطلقه ، مشروطه )	۴۶۲	۱۵۹
حکومات محدوده مشروطه ده دستور نه در؟	۴۶۴	۱۶۰
حاکميت مليه به نظراً حکومت مشروطه	۴۶۶	۱۶۱
حاکميت مليه و جمهوريت	۴۶۹	۱۶۲
حاکميت مليه و حکمدارلق	۴۷۰	۱۶۳
روسونك فکری	۴۷۱	۱۶۴
حاکميتك غير قابل ترك اولماسی	۴۷۲	۱۶۵
دوغرودن دوغرويه حکومت و حکمدارلق	۴۷۴	۱۶۶
اصول نيابنده حکمدارلق	۴۷۶	۱۶۷
حق عزل و يا خلع	۴۷۸	۱۶۸
انکيلز لرك نقطه نظری	۴۷۹	۱۶۹
بويجئك چوروك نقطه سی	۴۸۰	۱۷۰
حاکميت مليه و حکومت متخده	۴۸۴	۱۷۱
حکمدارلق بر حقيقت علميه دکل بر حقيقت تاريخيه در .	۴۸۶	۱۷۲

## ۱۹ - پارلمنتو و حکومتک يکديکري له مناسباتی

### توازن قوی قاعده لری

ايکی طرز حکومت : تابعيت و يا استقلال اساسلری	۴۸۸	۱۷۳
اسويچر مده توازن قوی	۴۹۰	۱۷۴
توازن قوانك ماهيتی	۴۹۴	۱۷۵
اصول مشروطيت مطلقه و مقيده	۴۹۶	۱۷۶
قوانك اوچ شرطی	۵۰۰	۱۷۷
آمریقاده موازنه قوی	۵۰۶	۱۷۸

## ۱۵ - انتخابات نسبيه

اکثریتله اصول انتخابده کی چوروک نقطه لر	۴۰۷	۱۳۶
شایان دقت بر مثال	۴۰۹	۱۳۷
دیگر مثال لر	۴۱۰	۱۳۸
اکثریت اصولنده کی محاذیرک خلاصه سی	۴۱۲	۱۳۹
مجلس مبعوثان کوجوک مقیاسده برخریطه در	۴۱۴	۱۴۰
انتخابات نسبيه و فعلیات	۴۱۵	۱۴۱
انتخابات نسبيه به نظری اعتراض لر	۴۲۱	۱۴۲
مختلف عملی اصول لر	۴۲۲	۱۴۳
خارج قسمت	۴۲۵	۱۴۴
جدول ترجیح	۴۲۶	۱۴۵
قاسم مشترک	۴۳۳	۱۴۶
فرانسه مجلس مبعوثاننده کی انتخاب انجمنی	۴۳۵	۱۴۷
خارج قسمتک مثال فعلیسی	۴۳۷	۱۴۸
اک بویوک وسطیلر اصولی	۴۳۹	۱۴۹
قاسم منترک اصولی	۴۴۱	۱۵۰
فرانسه مجلس مبعوثاننک قبول ایتدیکی صوک قانون	۴۴۴	۱۵۱

## ۱۶ - انتخابات سلسکیه

انتخابات سلسکیه و حاکمیت ملیه	۴۴۶	۱۵۲
بعض مثال لر	۴۴۹	۱۵۳

## ۱۷ -- تجدید تام - تجدید ناقص

تجدید تامک اسباب رجحانی	۴۵۱	۱۵۴
تجدید ناقصک لهنده کی دلائلک مناقشه سی	۴۵۳	۱۵۵

## ۱۸ - اشکال حکومت

ارسطونک تفسیمی	۴۵۷	۱۵۶
----------------	-----	-----

اعیاندم انتخاب اصولی جاری اولان مملکتلر	۳۴۵	۱۱۱
هیئات متحدهده مجلس اعیان	۳۴۸	۱۱۲
آلمانیا مجلس اعیانی	۳۵۰	۱۱۳
اعیان وزادکانلق جریانی	۳۵۳	۱۱۴
اعیان لهنده اک فعلی دلیل	۳۵۶	۱۱۵
اعیانی اولمایان مملکتلر	۳۵۷	۱۱۶
اعیانک لزومنی کوسترن دلائل	۳۵۹	۱۱۷
قوة تشریمیه ایکیه تقسیم اولونمالیدر	۳۶۱	۱۱۸
اعیان ، حکم وظیفه سی ایفا ایدر	۳۶۵	۱۱۹
اعیان معدلدر	۳۶۷	۱۲۰
اعتراضلر ( نظری اعتراض )	۳۶۷	۱۲۱
فعلی اعتراض	۳۷۰	»
ایکی مجلس بختی یکی دکلدر	۳۷۱	۱۲۲
هرایکی مجلسک طرز انتخابی بر اولدیغنه کورمه وارد اولان اعتراض	۳۷۳	۱۲۳
انتخابات سلکیه واعیان	۳۷۴	۱۲۴
ایکی مجلس آراسنده فرقلر	۳۷۶	۱۲۵
۱۴ - پارلمنتو ایله انتخاب آراسنده کی مناسبت		
بالواسطه وبلا واسطه انتخابات	۳۷۹	۱۲۶
دوائر انتخابیه	۳۸۴	۱۲۷
ممالک مختلفهده انتخاب واحد ومتعدد	۳۸۷	۱۲۸
انتخاب متعددک رجحانی	۳۸۸	۱۲۹
مناقشه	۳۹۲	۱۳۰
اتحاد آرا	۳۹۴	۱۳۱
اکثریت ( اکثریت مطلقه - اکثریت اضافیه )	۳۹۸	۱۳۲
تکرار جمع آرا	۴۰۳	۱۳۳
دولت عثمانیه واصول اکثریت	۴۰۴	۱۳۴
دیگر مملکتلرده اکثریت	۴۰۵	۱۳۵

فرانسه ده ره فوره ندوم و تطبیقاتی	۲۹۴	۸۶
افریقاده ره فوره ندوم تطبیقاتی	۲۹۵	۸۷
کوچک حکومتلرک قانون اساسیسی	۲۹۶	۸۸
کوچک حکومتلرک قوانین مادیه سی وره فوره ندوم	۲۹۸	۸۹
مشترک قانون اساسی وره فوره ندوم	۲۹۹	۹۰
اسویجره ده ره فوره ندوم	۳۰۰	۹۱
دبکر ممالکده ره فوره ندوم	۳۰۲	۹۲

## ۱۲ — حکومت نیایه

نیابت سیاسییه اساسی	۳۰۴	۹۳
معلومات تاریخیه	۳۰۵	۹۴
نیابت فتودالیتنه تک نتیجه سیدر	۲۰۷	۹۵
دره بکک نیابت شکلنه ناصل منتهی اولمشدر	۳۰۹	۹۶
عوام قاره سی نصل وجوده کلدی	۳۱۱	۹۷
قرالیت ایله پارلمنتونک مبارزه سی	۳۱۳	۹۸
وکالت سیاسییه ووکالت عادیه	۳۱۵	۹۹
وکالت مقیده	۳۱۸	۱۰۰
وکالت سیاسییه تک نتایجی	۳۲۰	۱۰۱
مبعونک درجه سر بیستیسی	۳۲۳	۱۰۳
انتخاب ووکالت ملیه	۳۲۶	۱۰۳

## ۱۳ — پارلمنتورلر وایکی مجلس بحثی

پارلمنتور و مدلولی	۳۲۸	۱۰۴
غیر منتخب اعضاده صفت نیابت	۳۲۹	۱۰۵
مختلف مملکتلرده اعیان مجلسلری (فرانسه)	۳۳۲	۱۰۶
انکتره ده اعیان مجلسی	۳۳۴	۱۰۷
ممالک سائرده مجلس اعیان (پروسیا و مجارستان)	۳۴۰	۱۰۸
دولت عثمانیه و ایالتیا	۳۴۳	۱۰۹
روسیه و آسیانیا	۳۴۴	۱۱۰

دولت وقوت	۲۴۰	۶۳
استبداد و آنارشى	۲۴۱	۶۳
حکومت ايله ملت آره سنده تضاد وارميدر؟	۲۴۳	۶۴
حکومتك وسائط معنويه سى	۲۴۷	۶۵
وسائط ماده	۲۴۹	۶۶

### ۱۰ - وسائط دولت حتمده نظريات

وکالت و تمثيل	۲۵۳	۶۷
دولتک برنجى واسطه سى هيئت انتخابيه سيدر	۲۵۴	۶۸
نواب	۲۵۶	۶۹
مأمور لر	۲۵۷	۷۰
تفريقده فائده	۲۵۹	۷۱
آلمان نظريه سى	۲۶۱	۷۲

### ۱۱ - طوغريدن طوغرى يه حکومت

انتخابچيلر عيني ملت صايلير	۲۶۴	۷۳
طوغريدن طوغرى يه حکومت وقواي ثلاثه دولت	۲۶۵	۷۴
ره فوره ندوم و انواعى	۲۶۸	۷۵
روسو و طوغريدن طوغرى يه حکومت	۲۷۴	۷۶
مونسكيونك فكري	۲۷۶	۷۷
ديگر مطاله لر	۲۷۹	۷۸
ره فوره ندومك محسناتى يوقى ؟	۲۸۱	۷۹
ره فوره ندوم و وقتسزلق	۲۸۳	۸۰
عدم وقوف و ره فوره ندوم	۲۸۴	۸۱
روسونك نظرى اعتراضه جواب	۲۸۵	۸۲
طوغريدن طوغرى يه حکومتله نيابت اجتماع	۲۸۸	۸۳
ايدرسه ابي اولمازى ؟		
ره فوره ندوم و حاكيت مليه نك تجزيه سى	۲۹۱	۸۴
قانون اساسى و ره فوره ندرم	۲۹۲	۸۵

## ۷ - افراد ملت و انتخابات

ماهیت انتخاب	۱۷۸	۴۱
انتخاب حقمیدر وظیفه میدر؟	۱۸۲	۴۲
قادینلر و انتخابات	۱۸۳	۴۳
انتخابدن محروم دیگر صنوف ملت	۱۹۰	۴۴
انتخابده مجبورت و تصرف	۱۹۲	۴۵
رأی مکرر	۱۹۳	[۱] ۴۵
اوقومق یازمق و انتخابات	۱۹۵	۴۶
آرای محدودده و انتخاب	۱۹۵	۴۷
عثمانلی قانون انتخابی و آرای محدودده	۲۰۰	۴۸
ممالک ساثردهده آرای محدودده ( انکلتزه )	۲۰۵	۴۹
دیگر بعضی ممنکتلرده آرای محدودده	۲۱۰	۵۰

## ۸ - دولت و اراضی

اراضینک وجود دولتده موقعی	۲۱۲	۵۱
ایکی نفوذ سیاسی	۲۱۴	۵۲
دولتک اراضی اوزرنده انحصار نفوذی و نتایجی	۲۱۵	۵۳
حکومات متحده	۲۱۹	۵۴
اراضینک غیر قابل ترک اولماسی	۲۲۳	۵۵
دولتک اراضیده حق نفوذی نهدن عبارتدر؟	۲۲۹	۵۶
غیرمسکون اراضی	۲۳۲	۵۷
حق رقبه	۲۳۲	۵۸
املاک خصوصیه دولت، املاک عمومیه دولت	۲۳۳	[۲] ۵۹

## ۹ - حکومت

حکومتک تعریفی	۲۳۷	۶۰
امر و تنفیذ امر	۲۳۸	۶۱

[۱] سهواً مکرر (۴۵) دیزلمش.

[۲] سهواً (۴۶) دیزلمش.

خلافت	۷۴	۱۹
بیعت	۷۶	۲۰
ولایت عهد	۷۹	۲۱
خلیفه نك وظائفی	۸۶	۲۲
خلیفه نك خلافتدن سقوطنی ایجاب ایدن احوال	۸۹	۲۳
شرقده تعاملاردن متولد بعض اوکار	۹۱	۲۴
اطوار دولت	۹۵	۲۵
تقسیمات دولت	۹۷	۲۶

#### ۴ — اون یدنجی عصرده حقوق طبیعیہ علماسی

حقوق طبیعیہ علماسی	۱۰۲	۲۷
هوبس	۱۰۴	۲۸
لوق	۱۰۹	۲۹
مونسکیو	۱۱۴	۳۰
روسو	۱۲۴	۳۱

#### ۵ — دولت و حاکمیت ملیہ حقنده بعض مطالعات

تہ اوقراتیق نظریہ لر	۱۳۸	۳۲
ده موقراتیق نظریہ لر	۱۴۱	۳۳
مقاوله اجتماعیه	۱۴۳	۳۴
حاکمیت ملیہ حقنده مناقشه	۱۴۶	۳۵
حاکمیت ملیہ و حق	۱۵۷	۳۶
دولتک خواص ممتازہ سی	۱۶۱	۳۷

#### ۶ — ملت

ملت حقنده ایضاحات	۱۶۷	۳۸
تعاون اجتماعی	۱۷۱	۳۹
نفوذ دولت یالکیز افراد ملتہ می تطبیق اولنور؟	۱۷۷	۴۰



۱ — مدخل

صيفه	صفره نومروسى
۳	۱
حقوق اساسيه نك علوم سائره حقوقيه به نظراً موقى	
۵	۲
حقوق اساسيه ايله حقوق اداره	
۶	۳
حقوق اساسيه نك موضوعى	
۷	۴
حقوق اساسيه نك تعريفى	
۸	۵
حقوق اساسيه نك فائدهسى	
۱۲	۶
حقوق اساسيه نك غايهسى و اخلاق	
۱۶	۷
اخلاق و منفعت عموميه	
۲۳	۸
حقوق اساسيه نك منابى	
۲۹	۹
قوانين اساسيه مکتوبه و عرف و تعامل	
۳۴	۱۰
مکتوب قانون اساسيلرك تابع اولسى ايجاب ايدن شرائط	
۴۰	۱۱
قانون اساسيلرده تعديلات نه صورته اجر ايديلير	
۴۳	۱۲
قانون اساسيلرك مندرجاتى	
۴۶	۱۳
قانون اساسىء عثمانينك ماهيتى و صورت تعديلى	

۲ — دولت و دولت حقننده نظريه لر

دولتك تعريفى	۵۳	[۱] ۱۴
افلاطونك نظريهسى	۵۶	۱۵
آرسطونك نظريهسى	۶۰	۱۶
زه نون	۶۸	۱۷

۳ — حاكميت سياسيه و احكام اسلاميه

خليفه نك وظيفهسى ندر ؟ حكمدارزه قابل قياسيدر ؟	۷۲	۱۸
---	----	----

[۱] ۵۳ نجى صيفه دن ۷۹ نجى صيفه به قدر دوام ايتسى لازم كلن

(۱۴ - ۲۱) نومرولر كتابه سهواً يازيلامشدر .

معلل بالاعتراض بر مقصد سیاسی ایله واقع اولان مراجعت رد اولونور. برده ادعا اولنان شیر غایت سطحی و وهله اولاده تعقیباته اساس اوله میه جفی بدیهی اولور و سرور زمانه ده خلل کثیر مزسه او وقت ده رد اولونور و مجلسك مدت اجتماعیه سنك ختامنه تعلیق ایدیلور . مجلس مبعوثانك اساسی تدقیق ایتیمه رك یالکوز محاذیر سیاسییه حصر مذاکرات و مقررات ایتیمی تفریق قوا قاعده سنك ایجابات اساسیه سندنر عکس حالده مجلس مبعوثان بر محکمه صفتی اکتساب ایتیش اولور که قطعاً غیر وارددر .

مع مافییه مجلس اسناد اولونان جرمنك جنایتی جنحه می اولدیغنه دأر - اساسه کیریشمکسزین و مظلوندن صادر اولوب اولدیغنی ا کلامغه چالیشقمسزین - بر باب مذاکره آچه بیلیر . بور اده مقصد طلب واقعت ۷۹ نجی ماده ده موجود اولان مصونیته توافق ایدوب ایتدیکنی ا کلامقدر؛ یوقسه مبعوثی تجزیه و یا محکوم ایتک دکدر . بر مدت اجتماع خارجنده بر مبعوث حقدنه تعقیبات و محاکمات اجراسی ممکن اولدیغنی حالده بو مدت فوت ایدلکدن صوکره مجلس مبعوثاندن توقیف و محاکمه ایچون قرار استحصالنه تشبث ایدیله مز و مجلس بویله بر تشبثی بحق رذ ایدر چونکه مجلسه مراجعت ایتیمکسزین مبعوثدن طاب حق ممکن ایدی .

مجلس مبعوثان توقیف و محاکمه یه قرار ویردکدن صوکره علاقه دار اولان مبعوث در حال افراد عادیه نزله سنه اینزو و هر در لو مصونیتی غائب ایدر . افراددن بری بر مبعوث علیهنده مجلس مبعوثانه مشتکی صفتیه مراجعت ایتدکدن صوکره مجلس قرارینی ویرمکسزین شکایتدن صرف نظر ایدر سه معاملات متقدمه حکمدن ساقط اولور و مجلس ریسی کیفیتیه هیئته تبلیغ ایدر، بو تبلیغ هیچ بر مذاکره یه اساس اوله ماز .

بهمه حال مجلسه تبليغ ايدر . انجق شكايتمابه يي حرفياً او قومسي معتاد دكلدر . حتى كيمك عليهنده ونه ايچون دعوى اقامه ايدلمش اولديغنى دخى تصريح ايتمز مكر كه علاقه دار اولان مبعوث كنديسى ايضاحات ويرمكه قالقشسون . حاضر اوليان بر اعضانك غيابنده عليهنده كي اقامه دعوى مراجعتماهسى او قونمق معتاد دكلدر . غائبك عودتنه و ختام ماذونيتنه انتظار اولنور . اكر مجلسك مدت اجتماعيهسى يا قلاشمش ايسه مجلس رئيسى بويابده كي مراجعاتى مجلسه بيلديرمز زير ايجلس قريبا طاغيه جضدن مجلسك موافقتى اولمق سزيم دخى تعقيبات و محاكمه امكان حاصل اوله جقدر مع مافيه مرور زمانك سكته دار اولمى ملحوظ اولور ايسه مرور زمان حقنه خلل كله مى ايچون مجلس رئيسك بلافاته وقت مجلسى كيفيت دعوان بر وجه بالا مختصراً و رسماً خبردار ايتمى لازمدر .

رئيس اقامه دعوى كيفيتندن مجلسى رسماً خبردار ايتد كدن صوكره مسئله شعبه لره حواله اولونور . ايجاب ايدر سه حواله مستعجلاً اولور و مستعجلتى علاقه دار اولان مبعوث طلب ايدر ايسه رد اولونماز . بونك ايچون برانجمن تشكيل و برر اپور تنظيم ايديلور مجلسده دائماً بوكي مباحث روزنامه مذاكراتده مسائل سائره به تقديم و الكسريع طريقه لره مذاكره ايديلور .

مجلس مبعوثان انسانى مذاكره ذات مسئله نك تدقيقه قطعياً كيريشـمز زير بوتدقيقات عدليه عاندر . مجلسك صلاحيت تدقيقه سى سياسى اولوب توقيف ايدملك ايسـتهـنيلن مبعوثك بر غرض سياسى به ، برفرقه احتراضنه ، بر انتخاب انتريقه سنه قربان اولوب اولديغنى تعيينه معطوفدر .

اولديني ايچون بويله براحتياط لازمدر .

مدعي عموميلك طرفندن مجلس مبعوثان رياسته خطاباً بر مبعوث عليهنده واقع اوله جق طلبنامه نك تعقيات مساعده ايچون مجلس مبعوثاني آز چوق اقناع ايده جك و مجلس مبعوثاني حال فعاليتها قويه بيله جك درجده دلائلي محتوي اوله جني طبعيدر . فقط افرادك مبعوثان عليهنده غرض و افترا و تزييف و ترذيل مقصديه حركت ايتلمري مستبعد اولديغندن بويله بر مقصد اوغورنده بوتون مجلسي حال فعاليتها قويوب آني عبثله اشتغال ايتدير مك غير جائز و مبعوث عليهنده تعقيات مساعده اولونمسه بيله اووقته قدر مسأله ولوله دار بر شكل آله بيله جكندن مبعوثك حيثتي يرينه كلمسي ده يك مشكل در .

مبعوث عليهنه دعواجي اولان نه مدعي عمومي ونه ده على العاده بر فرد اوليوب دولتك بر مأموري اولور ايسه بودرجه احتياطه محل كورلمز مأمورك استدعا زيرنده كي امضاسي مصدق اولمق كفايت ايدر بر مأمورك مبعوثه ذم و قدح و افترا ايتسي حالنده آمري طرفندن عزل ايله تاديب اولونه بيلمسي تاامينات كافيه عد اولونور . مع مافيه يك كوچوك طبقه ده اولان مأمورلر حقنده فضله احتياطلي بولنمق ده فائده دن خالي دكلدر ظننده يز .

بر مبعوث طرفندن ديكر بر مبعوث عليهنده اقامه دعوي حالنده مبعوثك صفتي تاامينات كافيه كوريله رك بالاده كي احتياطلره محل قالماز . مع مافيه طلب واقعك محل حيثيت و ناموس بر حكمي تضمن ايتمه مسي لزومي آشكاردر .

بر مبعوث عليهنده واقع اولان مراجعتي مجلس مبعوثان رئيسي

چاغيرلمسى ٧٩ نجى ماده نك حكمنه داخل ومصونيت مبعوثان قاعده سنى مغل دكلدر . انجق بو معاملاتك هيچ برى مبعوثك حریت شخصيه سنى اخلال ايده جك بر اجبارده منتهى اوله ماز .

٢٢٠ مبعوثانده تعقيب ايديلن احوال . — بر مبعوثك توقيف

ومحاكمه سنده مجلس مبعوثانك قرار و موافقتى استحصال ايجون تعقيبى لازم كلن اصول نهدن عبارتدر ؟ هنوز بو كجى قواعدى تطبيقه آليشيق اولمديغمزدن وبوكادار ذاتاً احكام قانونيه ونظامات موضوع اولمديغمزدن مشروطيت عثمانيه نقطه نظرندن بو باده صريح بر مطالعه بيان ايتمك كوجدر . مع مافيه ممالك سارده ده كى امثاله باقهرق بعض حقايق استخراجى متعسر دكلدر .

مقام رياست مجلس مبعوثانك خارج ايله خط تماس ووصالى تشكيل ايتديكندن بو باده كى مراجعات رسميه نك او مقامه خطاباً واقع اولمى ضروريدر . نته كيم عثمانلى مجلس مبعوثاننده بو ايله اولمشدر طلب واقع يامدعى عمومىليك طرفندن با ادعائمه عدليه نظارتى واسطه سيله وياخود على العاده افراد طرفندن طوغربدن طوغرى به مقام رياسته مراجعت صورتيله واقع اولور .

ايكنجى تقديرده مستدعى محكمه حضورنده بر دعوى اقامه ايتمش اولديغنى و دعواسنك جريانى مبعوثك مصونيتى ايله سكتهدار اولمش بولونديغنى اثبات ايتمى لازمدر . دعوانك صميميتى ومبعوثك ناحق يره بعض ازعاجات ايله حيثيتك خللدار اولمامسى ايجون بواقلى تاامينات ضرورى كوريلور . بالخاصه افرادك مجلس مبعوثان رياسته اولور اولماز وسيله لرله مراجعت ايدرك شرفى خللدار ايتمك ايسته دكلارى مبعوثى اضرار ايللرى وارد خاطر

الحق عثمانلی قانون اساسی صریح اولدیغندن جرم مشهود  
حائده بو طریقه کیمکه بالطبع امکان یوقدر ممالک سائره نك  
بعضی سنده مجلس مبعوثانك مدت تعطیلیه سی ائناسنده توقیف  
ایدیلن مبعوثلر حقنده مجلسلرک بعدالاجتماع تأخیر محاکمه یه وموقتاً  
مظنونی تخلیه ایتدرمکه حقلری اولدینی حاله بزده بوده مصرح  
اولدینی ایچون بالطبع وارد خاطر اوله ماز .

مصونیت، مبعوثك شخصنه تعلق ایتدیکی کبی مسکتی ده احاطه  
ایدرمی؟ مثلاً مجلس مبعوثان حال اجتماعده ایکن مجلسك موافقتی  
اولمقسزین بر مبعوثك خانه سی تحری واوراقی تدقیق اونونه بیلمی؟  
مبعوثلرک شخصی کبی اقامتگاه و مسکنلری ده تعرضدن مصون  
اولورمی؟ قانون اساسینك سکوتنه نظراً بوراده ده قواعد عمومیه  
جاری اولمق بناء علیه تحری یه بر مانع قانونی کورمه مک لازمدر.  
تحقیقات ابتدایه وحتی تعقیبات بعض احوالده اوراق و مساکن  
تدقیق و تحری اولونمقسزین اجرا ایدیله من و بناء علیه بر مبعوثك  
توقیفه نه درجه شایان اولدینی تعمیق اولونوب مجلس مبعوثاندن  
توقیف و محاکمه ایچون اساسلی بر طلب واقع اوله ماز .

مدت اجتماعیه خارجنده توقیف و محاکمه ایدیلن مبعوثلرک  
تخلیه سنی وموقوفیت و محاکمه لرینك تأخیرینی مجلس مبعوثان  
بعدالاجتماع فرانسه ده وسائر بعض مملکتلرده اولدینی کبی طلب ایدمه من.  
چونکه بوکا دائر مآذونیت صریحاً قانونیه یوقدر .

شوایضاحاته نظراً مبعوثك معلوماتنه مراجعت مقصدیله جلبی،  
کندیسنه دعوتیه ورقه سی ارسالی وحتی شهادت صفتیله محکمه یه

الزمدرد.. بناء عليه اداره عرفيه حكمفرما اوليان يرلرده ويا اداره عرفيه حكمفرما اولديني حالده محاکمه عاديه طرفندن اجرائى تحقيقات و تعقيبات لازم كلديكى احوالده ٧٩ نجى ماده نك حكم مقيدى عودت ايتمك ضرور يدر و ضابطه تحقيقاتى اجرا و مدعى عمومى ادعا نامه سنى درمیان و مستنطق استجواباتنه دوام ايدر و نه وقت توقيف معامله سى يابلق لازم كاپر سه ايسته انجق او وقت مجلس مبعوثانه اشعار كيفيت مجبورى اولور .

جرم مشهود حالنده مبعوثلره عائد بو مصونيت موقته نك زائل و قواعد و احكام عموميه نك جارى اوله جنى ٧٩ نجى ماده نك بر جنحه و جنايت اجرا ايدر كن ويا اجرايى متعاقب طو تولد جقه توقيف و محاکمه اولونه ماز قيدندن مستفاد اولور . بو فقره جرم مشهودك بر نوع تعريفندن عبارت و فقط يالكز جنايتى دكل ، جنحه يى ده شاملدر . ممالك سائر نك قسم اعظمنده جرم مشهود حالنده دخى بر مبعوثك توقيف اولونمقله برابر در عقب مجلس مبعوثان رياسته اخبار كيفيت لازم كليور . فرانسه قانون اساسيسنك بالاده ذكر ايتديكمز ١٤ نجى ماده سنجه اجرا ايديان بر تفسير موجبنجه مجلس مبعوثان تعقيبات و محاکمه دوام ايدلسنه مأذونيت ويره بيله جكى كى ارزو ايتديكى تقديرده تعقيبات و محاکماتى مدت اجتماعيه نك صوكنه قدر تاخير ايتديره رك مبعوثك تخليه سنى طلب ايده بيلير .

بو بابه بك چوقده امثال جريان ايتشدر . ( اوژن پيره مراجعت مع مافيه موسيو دو كوى معافيات و استثنائاتك تقيداً تفسيرينه طرفدار اولديني ايچون بوكا معارضدر )

بخدمت اولان ۷۹ نجی ماده ایله مبعوثانه تأمین ایدیلن مصونیت اداره عرفیه قرارنامه سنه تذیل ایدیلن بالاده کی ماده سایه سنده اعیانده سرایت ایتدیریله من .

«تعقیبات» حقنده وضع اولونان تقییده کلنجه : بزجه اداره عرفیه قرارنامه سنک بوذیلی ۷۹ نجی ماده نك مفاد و مالی اكمال و تفسیر ایتک استعدادنده دکلدر. قانون اساسی بی تفسیر ایتک یا لکز اعیانک حقیدر . بناءً علیه بوراده تفسیردن بحثه محل یوقدر . مصونیت دفعاتله تکرار ایتدی کمز وجهله اساساً استثنائی بر امتیاز اولوب تقییداً تطبیق اولونمق ایجاب ایده جکندن ذیلده کی ماده به رغماً مبعوثلرک «تعقیباتدن» مصون اولماسی اقتضا ایدر سه ده زده قانونلرک قانون اساسی به موافق و یا مخالف اولدیغی تعیین ایده جک مرجع مفقود و بوسبیله علی الاصول قوه تشریحیه دن کچن هر هانکی قانونک حکم ظاهر یله عمل ایدلمدیکی تقدیرده انواع تشوشات ظهوری ملحوظ بولندیغندن حکامک و مأمورلرک ارتق بوذیلده کی ظاهری احکامه رعایت ایتلمی و قانون اساسی به موافقت و یا عدم موافقتی بهانه ایدرک مشکلات و غوائل چیقار ماملری مقتضیدر . بناءً علیه اداره عرفیه جاری ایکن مبعوثلرک فضله بر امتیازی، توقیف اولونمق شویله طورسون «تعقیب» ده ایدیله مه مک امتیازی ظهور ایدیور . فقط بوراده ده سو تفهمه محل قالماق اوزره شمیدین بیان ایتلی بزکه اداره عرفیه محاکمی خارجنده ینه قانون اساسی به رجوع ایتک و اداره عرفیه قانوننامه سنک ذیلنی نظر دقته آلامق



کلیزه (۷۹) نجی ماده عبث و لغو اولور .

هرنه قدر قانون اساسیده مبعوثلرک «تعقیبندن» بحث اولونماسنی مبعوثلرک تعقیباتدن مصون اولوق امتیازینه مالک اوله میه جقلری کوستریورسه ده اداره عرفیه قرارنامه سنه تذیل ایدلدیکنی بالاده یازدیقمز ایکی ماده دن برنجیمی [ ۱۵ جاذی الاخر ۱۳۲۷ و ۲۰ جزیران ۱۳۲۵ ] اداره عرفیه اعلاتی مستلزم احوال دن طولانی مظنون علیه اولانلر هرنه رتبه ده اولورلرسه اولسونلر اراده سنیه استحصال اولونمقسزین تحت محاکمه یه آلورلر انحق اعیان ومبعوثانک تعقیب وتوقیف واتمام ومحا کملری شرائطی حقنده قانون اساسیده معین احکامه خلل کلیه جکدر مالنده اولوب بوندن هم اعیانک مصونیتدن استفاده ایده جکی، هم ده . کرک اعیانک ، کرک مبعوثانک توقیف اولونمق شوبله طورسون تعقیباته دخی دوچار اوله میه جقلری نتیجه سی استخراج اولونور ایسه ده اداره عرفیه قرارنامه سنه تذیل ایدیلن ماده لرک قانون اساسی احکامنی تغیر وحقی تفسیر ایتلری غیر ممکن اولدیغنه نظراً ذیل مذکورده کی اعیانته متعلق حکمک نهایت قانون اساسینک ۴۸ نجی ماده سنه تعلق ایده جکی بدیهیدر . یعنی ۴۸ نجی ماده ده مذکور خیانت وقانون اساسی بی نقض والغایه تصدی وار تکاب جرائم معلومه ثلثه سندن طولانی اداره عرفیه تحتنده متشکل دیوان حربلرک نه مبعوثانی ونه ده اعیانی خود بخود تعقیب وتوقیف واتمام ومحا که ایده میه جکلری معناسنددر . یوقسه موضوع

واعوجاجلی بر طریق طوته جقلمرینه دعوائی جهت جزائیه دن تجرید و محاکم عادیه و حقوقیه حضورنده ضرر مادی و معنوی تضمین ایتدیرمکه تشبث ایتملی دهامفید و مثمر اولور .

مبعوثلرک مصونیتی — مدت اجتماع اثناسنده — اداره عرفیه و دیوان حربلر مقرراتنه دخی تابع دکدر . اداره عرفیه نظامنامه سنه تذیل ایدیلن ایکی ماده بوجهتی نامین ایتمشدر . شو حالده دیوان حرب طرفندن تعقیب و توقیفی لازم کان بر مبعوث ایچون اول امرده مجلس مبعوثانک اکثریت آرایله قرارینی استحصال ایتمک لازمدر . نته کیم ۳۱ مارت حادثه سنده ذیمدخل اولمقله مضمون اولان برات مبعوثی اسماعیل کمال وارگری مبعوثی مفید بکلر حقنده تعقیبات قانونیه اجرایی ایچون ایلك سنه اجتماعیه اثناسنده مجلس مبعوثانندن استیذان کیفیت اولونمش ، فقط مجلس مبعوثان موافقتی ویرمه مش ایدی .

۷۹ نجی ماده بالکمز توقیف و محاکم دن بحث ایدیور عجباً مبعوث حقنده تحقیقات ابتداییه وضابطه و تعقیبات کی معاملات قانونیه به توسل اولونه مازمی ؟ فکریمزجه توسل اولنمی بالکمز قانون اساسینک بوبابده کی سکوتندن طولانی دکل ، ذات مصلحت اعتباریله ده ضروریدر . زیرا بر مبعوثک شایان توقیف و محاکمه اولدیغنه دائر ظن غالب حصوله کتوروب مجلس مبعوثانک موافقتی طلبه نوعاً کسب استحقاق ایده بیلیمک ایچون تحقیقات ابتداییه و حریت شخصیه به خالی کلمه ک شرطیله تعقیبات مقدمه وقوعه

قاعده جاريدير . عجبا بر قباحتدن طولايي تعقيبات قانونيه اجراسي لازم كليرسه ينه مجلس مبعوثانك ماذونيتي استحصال ايتك لازم كليرمي ؟ احكام استثنائيه تقيداً تفسير اولونقم طبيعي اولديغندن قباحتدن طولايي مبعوثانك هيچ بر امتياز ومصونيتلري اولماق لازم كلسنه طرفدارم . باخصوص كه قباحتدن طولايي مبعوثانك دوچار اوله بيله جكلري ازعاجات وظيفه مبعوثانلريني ايفايه مانع اوله جق درجده حائز تاثير واهميت دكلدر . مع مافيه فرانسه ده ١٩٠٤ ده مبعوثانندن بري اوتوموبيل نظامانه مخالف حركت ايتديكندن طولايي صلح محكمه سي طرفندن جلب ايدلمش فقط مجلس مبعوثان مدت اجتماعيك ختامه دكين معاملهك توقيفي جهتنه قرار ويرمشدر . [ ١ تموز ١٩٠٤ ]

عجبا حقوق عاديهدن طولايي مبعوثانك عايننه اقامه ايديله جك دعوي ده عيني اسباب تاخيريه بي حاويميدر ؟ بونك ايچونده مجلس مبعوثانك ماذونيتي وقراريني استحصال ايتك ويا مدت اجتماعيك ختامه انتظار ايتك لازميدر ؟ احكام استثنائيه تحديداً و تقيداً تفسير اولونقم قواعد عموميه دن اولديغندن بوراده ده مبعوثانلر حقنده قواعد عموميه جاري اوله جني بناء عليه مبعوثانلرک هيچ بر مصونيت و امتياز دن مستفيد اوله ميه جكلري طبيعيدير . حتي بعض جرائمندن متضرر اولان اشخاصك تعقيبات جزائيه اجرا ايدوب مجلس مبعوثانك موافقتي استحصاله تشبثلري كبي عسرتلي

اولوناماش فقط انتخابی اجرا اولونہرق مجلسدہ اثبات وجود ایتمش مبعوثدہ مصونیتدن مستفیددر .

مصونیت مبعوثان نہکی نتایج ویریر؟ اگر بر محکمہ ویا مأمور مجلس مبعوثانک موافقتی اولقمیزین تعقیبات و توقیفات اجرا ایتمشہ بو بایدہ کی معاملات کاملاً کان لم یکن حکمندهدر . وقانون اساسی یہ مخالفدر . حتی فرانسهده بالادہ بیان ایتدی کمز و جہلہ جزای مخصوصی مستلزمدر . بزدهده اگر مبعوث توقیف اولونمشہ توقیف ایدنلر حقنہدہ بغیر حق توقیف اشخاص جزاسی تعیین ایدملک لازم کلہ چکی موافق اولور ظن ایدرم .

تعقیبات و محاکمات مجلس مبعوثاندن ماذونیت طلبنی تضمین ایتدیکنندن بو طلب ضرہسنندہ وقت کچمسی ممکندر . شو حالده بوکی معاملات ایچون کچمش زمانلر « مرور زمان » مدتہ محسوب ایدیلہ بیایرمی ؟ فرانسهده بوکا دار مختلف تاریخلرده اتخاذ اولونان مقررات بو بوزدن واقع اولان تأخراتک مرور زمانی قطع ایدہ میہ چکی مرکزندهدر . بومسئله نکل بالخاصہ جرائم مطبوعات اعتباریلہ اہمیتی واردر . چونکہ بونوع جرائم ایچون بزده مرور زمان اوچ آی اولدیغندن مجلس مبعوثانجہ واقع اولان تأخرات ہر وقت « مرور زمان » مدتی کچہ بیلیر و متضرر اولان شخصک ویا حکومتک حق ضایع اولور .

قانون اساسیمز یتمش طقوزنجی مادہده جنجہ و جنایتدن بحث ایدیور . قباحتی ذکر ایتیمور . همان ہر ماکتدہ عین

شايدان دقت اولان جهت اعيانندن بحث ايدلمه مه سيدر . مبعوثانك .  
 بو مصونيتي استثناء اولديغندن يالكيز مبعوثانه منحصر اولمق .  
 ضروريدر . قواعد عموميه و ممالك ساثرده كي امثاله مخالف اولان  
 حكم قانونيده كي بو نقصانك اكال ايدلمسي لازمدر . مع مافيه  
 ٤٨ نجى ماده موجبجه خيانت و قانون اساسى يي نقض والغايه  
 تصدى و ارتكاب جرملرندن بريله مهم اولمق حالنده مبعوثان ايله اعيان  
 مساوى درجده حاز امتياز و مصونيتدر و بوكي جرملردن طولاني  
 تعقيباته جواز ٧٩ نجى ماده موجبجه على العاده اكثرينته دكل  
 نشان اكثرته مطلقه ايله واقع اولمق لازم كلير بالاده كي اوچ  
 جرم خارجنده اعيان ايچون ٧٩ نجى ماده دن استفاده امكاني  
 مفقوددر .

مبعوثانه متعلق بو مصونيت بزده يالكيز مجلس مبعوثانك  
 زمان اجتماعنه منحصردر . عزيمت و عودت زمانلري ايچون مصونيته  
 متعلق برصراحت موجود اولماسي استثناء جاري اولان مصونيت  
 امتيازينك يالكيز تصریح اولونان مدته مختص اوله جفتي كوسته رير .  
 برده مجلسلرك انشاي اجتماعنده - ايام عيديه و مخصوصه مستثنا اولديني  
 حالده - كرك حكومت امرنامه سييله و كرك مجلس قراريله واقع اولان  
 تعطيل و تاجيل مدتلري ظرفنده مصونيتك دوام ايدوب ايتيمه چكي  
 مسئله سي وارد و موجود دكلدر . فرانسده مصونيت بوكي موقت  
 تعطيل زمانلريني على الاطلاق شاملدر . هنوز مضبوطه سي تصديق

اعضای علیهنده هر درلو تعقیبات جزایه ویا من جهت الجزا ومن جهت المال واقع اولان محبوسیت احتیاطیه ( توقیف ) مجلسك طنبی اوزرینه مدت اجتماعیه ظرفنده تعطیل اولنور »

اسپانیا قورتس مجلسلرنده مدت اجتماعیه ایچون فرانسه ده کی مصونیت جاری اولوب مدت تعطیلیه اناسنده بر توقیف ویا بر تعقیب واقع اولور ایسه سرعت ممکنه ایله مجلسه معلومات اعطاسی لازمدر . ومجلس قراری حاکمیتنه بناء ویریر . اعیان ومبعوثان طرفندن ارتکاب اولونان جنایتلرک محاکمه سی محکمه تمیزه عاندر .

ژاپونیا ده ۱۸۸۹ قانونك ۵۳ نجی ماده سی ممالک ساثره ده موجود اولیان بر حکمی حاویدر :

« پارلمنتو اعضاسندن بری مدت اجتماعیه اناسنده منسوب اولدیغی هیئتك مساعده سی اولقسنزین توقیف اولونه ماز . مکرکه جرم مشهود حالنده بولونه ویا خود داخلی ویا خارجی بر اغتشاشه مرتبط بر جرم ارتکاب ایده »

روسیه نك ۱۹ اغستوس ۱۹۰۵ فرمانی موجبجه دوما ( مجلس مبعوثان ) مجلسی اعضاسندن هیچ بری بر محکمه نك قراری اولقسنزین حریتلرندن محروم ایدیله منزله . دین ایچون توقیف اولونه مازلر ( ماده ۱۵ ) بونکله برابر ۱۹ نجی موجبجه ادای دینده عاجز اولانلر عجز مسئله سنك ماهیتی حقنده اجرای تحقیقات ایدیلنجه یه قدر موقتاً مذاکرات سالوننده بولونقدن منع ایدیلورلر .

روسیه ده کی مصونیتك ممالک ساثره ده کی مصونیتلره مشابه اولدیغی شوبجل معلوماتدن اکلاشیلور .

۲۱۹ مصونیتك ماهیتی ، اشکالی ، اتواعی ، نتایجی — عثمانلی قانون اساسی سنك مصونیته متعلق ۷۹ نجی ماده سی یوقاریده ذکر ایتدی کمز . مثاللردن بعض خصوصاً تچه فرقلیدر . بوماده ده الك زیاده

نوروجه اوله اسوج حكمدارينه تبعيتدن طولاني قوه تشرعيه ايله قوه اجرائيه ازه سنده دها زياده استعداد تصادم موجود اولديغندن ستورينغ ( پارلمنتو ) مجلسي اعضاسنك مصونيتي اسوجدن دها زياده تأمين اولونمشدر . قانون اساسينك ٦٦ نجى مادهسى موجبجه ملت وكيللى ستورينغ مجلسنه كرك عزيمتلى و كرك اوراده اقامتلى و كرك اورادن عودتلى ائناسنده - جرم مشهوددن غيري احوالده - توقيف اولونه مازلر .

اوستريانك رايخشات مجلسنده مصونيت مبعوثان دها صقيدر .  
١٨٦٧ قانونك ١٦ نجى مادهسى شو صورتله محرردر :

« رايخشات مجلسي اعضاسندن هيچ بري برمدت اجتماعيه ائناسنده قانون جزانك حكم و شمولنه تابع بر فعلان طولاني مجلسك مساعدهسى اولقنزين توقيف و تعقيبات عدليه دوچار ايديله منر . مكر كه جرم مشهود حالنده بولونه . . جرم مشهود حالنده دخي جهت عدليه در عقب مجلس رياسته اخبار كيفيت ايتليدر . مجلسك طلبى اوزرينه بوتون مدت اجتماعيه ائناسنده معامله توقيفيه رفع و تعقيبات عدليه تعطيل اولونه بيلير . مجلسك مدت اجتماعيه خارچنده واقعا اولان توقيفات و جريان ايدن تحقيقات حقنده ده عيني حقي واردر . »

المانيانك رايخشات مجلسي اعضاسنه متعلق مصونيت ٣١ نجى مادهده مذكور اولوب بوده پروسيانك ١٨٥٠ تاريخلى قانون اساسينك ٨٤ نجى مادهسنك قويه سيدر . بناء عليه رايخشات مجلسي اعضاسيله پروسيا مجلس مبعوثاني اعضاسي عيني مصونيتلردن مستفيددر . ماده شودر :

« مدت اجتماعيه ائناسنده رايخشات مجلسنك مساعدهسى اولقنزين اعضاسندن هيچ بري جرم مشهود حالنده و باجر مك ايرتسى كوني توقيف ايدلمدكه براي تحقيقات جلب و يادعوت و يا كنديسنه اسناد اولونان بر فعل مجرمانه دن طولاني توقيف ايديله منر ديدن طولاني حبس ايتك لازم كلديكي تقديرده عيني مساعدهنك استحصالى لازمدر . رايخشات مجلسي

اولونه بيلير . »

شو ماده يه نظراً مجلسك زمان اجتماعي خارجنده توقيف ايدلن پارلمنتو اعضاسندن برينك تخليه سني ويا تعقيباتنك تاخيريني منسوب اولديغي هيئت امر ايدنه بيلير . فرانسه قانون جزاسنك ۱۲۱ نجى ماده سي بالاده كي احكامه مخالفت ايدن مأمورين ملكيه وعدليه حقننده جزاي مخصوصي محتويذر .

بلچيقاده فرانسه ده كي « جنحه و جنایت » كله سي يرينه ده اعمومي بر تعبير قولالانشدر . يونانستانده مصونيت فرانسه نك عيني در . يالكز مدت اجتماع ائناسنده كي موقوفيت اجتماعك باشلامسيه رأساً ختام بولور . مكر كه حكومت مجلسك مساعده سني استحصال ايدنه . فرانسه ده ايسه بوموقوفيت رأساً تعطيل و تاخيره اوغراميور و حكومت توقيظه دوام اچون رخصت ايستيه چكنه مجلس ايستر ايسه توقيفي سكتته دار ايله بور .

ايتالياده اعيان اچون باشقه مبعوثان اچون باشقه حكوم واردر . جرم مشهوددن باشقه احوالده اعيانندن هيچ برى توقيف اولونه ماز . و اعيانندن يرينه اسناد اولونان جرائمك محاكمه سنه يالكز اعيان هيئتي صلاحيتداردر . مبعوثانه كلنجه اولر مدت اجتماع ائناسنده جرم مشهوددن غيرى احوالده نه توقيف ونه ده مجلس مبعوثانك مساعده سي اولقنيزين امور جزائيه ده محاكم حضورنده تعقيب اولونه بيليرلر .

اسوجده ريكدساغ ( اعيان و مبعوثانك هر ايكي سنه ريكدساغ عنوان مشتركي و يريلور ) مجلسي اعضاسنك يكانه بر امتياز لري وارسه اوده اولجه بر تحقيقات مقدمه سي واقع اولقنيزين توقيف اولونه مامليردر . قانون اساسينك ۱۱۱ نجى ماده سي ديور كه : « ريكدساغ اعضاسندن برى و خيم بر جرمك تهمتي آلتنده بولونور ايسه حاكم طرفندن تحقيقات اجرا ايديلوب لزوم توقيفي تصديق ايدلمدكجه توقيف اولونه ماز . مكر كه جرم مشهود حالنده بولونه . بونكله برابر شايد حاكمك دعوتي اوزرينه اثبات وجود ايتمزسه بوبابده كي قانون عمومينك احكامنه توفيقاً حركت اولونور . »



اصرفاده اعیان و مبعوثان جنایت ، ارتکاب و اسایش عمومی می محل اغتاشات خصوصاً نندن گیری احوالده تعرضدن مصوندرلر و بومصونیت بوتون مدت اجماع ائناسنده دوام ایتدیگی کبی اعضانک مملکتلرندن محل مذاکرهیه کانهجهیه قدر و محل مذاکره دن اقامتکاهلرینه عودت ایدنجهیه قدر امتداد ایدر . مصونیت عزیمت ، اقامت و عودت زمانلرینی استیعاب ایلر . مبعوث ویا اعیانک کیدر ایکن اکیصه یولی تعقیب ایتسنه - طریق اقصردن انحرافی موجب اسباب معذرت کوسترمک شرطیله - ویا عودت ایدر ایکن ایشلرینی کورمک ایچون لازم کلدیگی قدر او طور مسنه مانع یوقدر .

اسویچرده ایکی مجلسه متعلق تأمینات ۲۳ کانون اول ۱۸۵۱ تاریخی قانون مشترکک برنجی وایکنجی ماده لرنده محرردر . برنجی ماده موجینجه مجلس ملی نك و حکومات متحدهیه متعلق مجلس متحدک اعضاسندن هیچ بری علیهنده مجالس مذکورنک مدت اجماعی ائناسنده امور موکوله لری خارجنده کی احوال دن طولای نه تعقیبات عدلیه ونه ده تعقیبات ضابطه اجرا ایدیله بیلیر مکرکه منسوب اولدقلری هیئتلر طرفندن مساعده اولونه .

ایکنجی ماده جرم مشهود دنده بحث ایدرک « جرم مشهود حالنده قوه ضابطه نك مجرمی توقیف واسویچره هیئت متحده سی مأمورینه تسلیم ایدیله جکنی و هیئت مذکوره مأمورلرینک توقیفی ایفا و عدم ایفایه فرار ویره بیله جکارینی » بیان ایدیور .

فرانسه نك ۱۶ تموز سنه ۱۸۷۵ قانون اساسی سنک ۱۴ نهمی ماده سی شو یولده محرردر :

« ایکی مجلس اعضاسندن هیچ بری مدت اجماعیه ائناسنده جرم مشهود حالی مستثنا اوله رق منسوب اولدیغی هیئتک رخصتی اولدقجه جنحه و جنایت مسائلندن طولای نه تعقیب و توقیف اولونه ماز . ایکی مجلس اعضاسندن برینک مدت اجماعیه ائناسنده کی موقوفیتی ، منسوب اولدیغی هیئت طلب ایتدیگی تقدیرده ، بوتون مدت اجماعیه ائناسنده تعطیل

اجتماع زماننده ده مجلسك موافقتی استحصال دایممكن اولدیغندن  
سوء استعمال ظن اولوندیغی قدر درین ایزر براقه ماز .

۲۱۸ مختلف مملکتلره جاری اولان قاعده لر . — بو قاعده

مشروطیت هر یرده از چوق فرقلره جاریدر . انکلتزده بر زمانلر بو  
قاعده پک مفراط بر طرزده جاری ایدی . واقعا او وقت مبعوثان  
واعیانک دینلرندن طولانی حبس اولوناملری مقصدینه معطوف ایدی .  
بو قاعده صوگ درجه توسیع ایدیلهرک مجلس اعضالرینک زوجه لرینه  
خدمتکارلرینه قدر تشمیل ایدیلور ایدی . مبعوثلرک نه خانه لرینه دخول  
ممكن ونه ده ماللرینی جزایتمک قابل ایدی . انجق علی العاده جنحه وجنایانده  
عدایه نك تعقیباتی توقفه اوغرامیوب یالکیز اسباب توقیف مجلسه تبلیغ  
اولونور . ۱۹۰۲ حزیراننده بوئر محاربه سی ائناسنده غالوای مبعوثی لینج  
بوئرلره فعلاً معاونت ایلدیکندن طولانی جنایت تهمتیه دوچار تعقیب  
اولمش وکیمسه تعقیباتک وقوعه اعتراض ایتمه مشدر . اعتراض اولونان  
جهت کیفیتدن مجلسك خبردار ایدلمه سی اولمشدر . مع مافیه ایرتسی کون  
حاکم بر مکتوبله کیفیتکی مجلس رئیسنه ( سده قهر ) اخبار ایتمش ومسئله  
بر طرف اولمشدر . [۱] مصوبیت مدت اجتماعیه دن قرق کون اول  
باشلار قرق کون صوکره یه قدر امتداد ایدر .

[۱] انکلتزه حفته ایسمه نندن خلاصه آلدیغمز بو معلوماته

اوژن پیه رک ویردیکی معلومات مناقض دوشمکده در . اوژن پیه ر  
۱۲۰۸ نجی صحیفه ده انکلتزه ده کی مصونیتدن بحث ایدرایکن پارلمنتو  
اعضاسنک مدت اجتماع ائناسنده جرم مشهوددن غیرى احوالده توقیف  
اولونه میه جقلرینی وجرم مشهود حالنده بر توقیف واقع اولسه دخی توقیف  
اولونان ذاتک منسوب اولدیغی مجلس رئیسنه بلا تاخیر اخبار کیفیت لازم  
کله جکینی و مجلسك دوام تعقیباته موافقت ویا مخالفت ایتمکده بولوندیغنه  
کمال حاکمیتیه قرار ویرمکله مکلف اولدیغی سویله یور .

چکينهرک بويله بر مسئله نك يوم مذاکره سنده او مبعوث نك مجلسده بولو نمامسني اخص آمال ايدينه بيلير و بناء عليه بر بهانه ويا از چوق معقول بر اسناد بوله رق مدعی عموميلکي تعقيبات و توقيفاته سـوقه و حتی افراد اها ليدن بريني مبعوث نك عليه نه تحريکه موفوق اولور ايسه مقصدي حاصل و فقط مملکت ايچون مهم بر منفعت تأمين ايديه بيله چک بر مراقبه نك ثمراتی زائل اولمش اولور . بالخاصه مملکتده بحران حکمفرما اولديني و اختلافات سياسيه شدت کسب ايله ديکي صره لرده بو نوع مصونيته اشد لزوم واردر . حکومت ويا افراد اها ليدن هر هانکي بر معارض و مخالف مبعوثلری مبعوثان خارجنده تعقيباتی مستلزم جزائی وضعيتلره القا ايديه بياير و مبعوثلره لزومسز يره قوغا و عربهده چيقـارته رق ايشه بر جنجه و جنابت سوسى ويره بيلير لر .

مجلس اعضا سندن برينه حقارت جمله سـنه حقارتی متضمن اوله بيله چکندن مجلس مبعوثانک شرف و حيثيت و استقلالی ده بوکي احوالده توقيف و محکمه ايچون اعطای رأی و مأذونيت ايتمسي ايجاب ايتديرير .

مع مافيه بو مصونيت موقته دن مستفيد اولوق ارزو سنده بولونان و بناء عليه امتياز لريني افراد ملتك و حتی حکومتک ضررينه اوله رق سؤ استعمال ايتمک استعدادنده اولان مبعوثلرده اکسيک اولماز . آنجق بر قاعده يي محذور لريله دکل فوائديله اولچمک لازم کلدیکی کي بونوع مصونيت مجلسک يالکوز اجتماع زمانه مقصور اولدقن ماعدا

ايضاح ايدييور . شويلاه كه :

« هيئت مبعوثانك مدت اجتماعيه سنده اعضادن هيچ بري هيئت طرفندن اتهامه سبب كافي بولونديغنه اكثر يتله قرار و يرلمدجكه و يا خود برجنجه و يا جنيت اجرا ايدر ايكن و يا اجرائي متعاقب طو تولدقجه توقيف و محاكمه اولونه ماز . »

مبعوثلر لهنده اولان بومصونيت مغل مساوات چركين بر امتياز كبي كوريلديكي ايچون بك چوق اعتراضاتي دعوت ايتمكده ايسه ده حقيقتده بوراده ده تعقيب ايديلن مقصد عالي مبعوثلرك استقلال راي و فكر لرني تايمين و كنديلرني حكومتك تضديق و افرادك تهديدندن تخليص ايتمك و بوضورتله مجلسده كي مساعيلرينك شمير و مملكت ايچون فائده لي اولمسنه خدمت ايله مكدور . بوا امتياز حد ذاتنده مبعوثك لهنه دكل ملتك لهنه در و مبعوثك حق دكلدر اودر جهده كه بر مبعوث عليهنده بر محكمه حضورنده تعقيبات اجرا ايديلور ايكن مبعوث سكوت ايدوب اول باول مجلس مبعوثانك قراريني استحصال ايتمك لزومني بر مسئله مستأخره اولمق اوزره درميان ايتسه و حتى بن بو امتياز و حقدن صرف نظر ايتدمديه صراحتاً ادعا ايتسه بيله محكمه مسئله مستأخره موجود اولديغنه رأساً قرار و ير مكه و مبعوثك حقندن فراغتني قطعاً نظر اعتباره آلامغه مجبوردر .

مبعوثلرك بالخاصه حق مراقبه مالكيترلرني كنديلر ينك مبعوثان مجتمتع ايكن تعقيب اولونمق دغدغه سندن آزاده اولمليرني مستلزمدر حكومت جربزه لسانيه بي حاز و يابر مسئله نك دقائقه بويوك بر احاطه ايله واقف بر مبعوثك انتقادات و مؤاخذاتندن

انسانسندہ بیان ایتدکری مطالعه لردن طولانی تعقیباته دوچار اوله بیلیرلر .

اسویچره نك ۱۸۵۰ تاریخی قانون اساسی، مشترک نك ۱۷ نجی ماده سی موجبجه مجلس ملی ویا حکومت صغیره مجلس اعضاسی وظیفه لرینه متعلق «en ce qui concerne leur position d' office» بر جرم و جنجه ایله متهم اولورلر سه هر ایکی مجلسك بر قراری موجبجه تعقیبات عدلیه یه دوچار اولورلر .

ایشته پارلمتو اعضاسنك شخصلرندن زیاده منسوب اولدقاری مجلسلره مربوطیتلری حسبیه مستفید اولدقاری امتیازات و معافیات بو ماهیتده اولوب اعضای مذکور نك مسؤلیت قاعده سنه نظراً برده پارلمتو خارجنده کی وضعیتلری شایان دقتدرکه بونی ده بر وجه آتی تدقیق ایدلم :

۲۱۷ پارلمتو اعضاسنك ایکنجی نوع مصونیتی — پارلمتو اعضا. سنك مجلس داخلنده کی مصونیتلرندن ماعدا مجلس خارجنده بر مصونیتلری واردر انجق بوایکنجیسی ناتمام در و تعقیبات و محاکماتی و مسؤلیتی کایاً سالب دکلدر .

بر زمان موقته معطوف اولان بومصونیت مسؤلیتی کاملاً رفع ایتمیوب نهایت تعقیباتی تأخیر و افراد سائر هیه نظراً دهافضله بعض معاملات و مراسمی و مثلاً اعضاسنك منسوب اولدقاری مجلسلرک مأذونیت و مساعده سنی تضمن ایدر . عثمانلی قانون اساسیسنك ۷۹ نجی ماده سی بومصونیت موقته و ناقصه نك ماهیتی

قانون اساسینك ۱۱۰ نجی ماده سنه كوره ريكسداغ اعضاسندن  
بری منسوب اولدیغی هیئتلردن برینك یدیده بش اعضاسی  
طرفندن مأذونیت ویرلدیگی تقدیرده مبعوثلق صفتیه واقع اولان  
افعال و ایراد ایتدیگی نظرلردن طولایی دوچار تعقیبات اولسی  
ممکندر .

نوروجده ستور تیغ اعضاسندن بری مجلسده قزال و خاندان  
قرالی حقنده کی قاعده رعایتی اخلال و یادوست بردولت حقنده کلمات  
تحقیریه ایراد ایدرسه جزای نقدی به وحتی کورک جزاسنه محکوم  
اولور . ۷ تموز ۱۸۲۸ تاریخلی قانون اساسینك ۱۶ نجی ماده سی  
شوقره بی ده محتویدر :

« استور تیغ مجلسی اعضاسندن بری بالاتزام اوراق اخفا  
ویا خود مجلس ویا انجمن حضورنده ابرازی وظیفه سی مقتضاسی  
اولان معلوماتی کتم ایدر ویا قصداً ساخته تاریخلر ایراد و ساخته  
اوراق تبلیغ ایلرسه ساخته کارلق جنایتندن طولایی محکوم  
اوله بیلدکدن ماعدا ۱۰۰ الی ۱۰۰۰ ( سیسدال ) جزای  
نقدی به محکوم و آتیا بر وکالت و مأموریت قبولنه غیر لایق  
اولدیغی اعلان ایدیلور »

دایم ارقه دهده اعضای مجلس ( ریکسداغ مجلسی ) منسوب  
اولدق لری هیئتلر طرفندن مأذونیت ویرلدیگی تقدیرده وظیفه

اولمق اوزره يايغنه مجبوردر يوقسه كنديسني تعقيات قانونيه به معروض اوله جق بر وضعيته ، بر وضعيت خارج عن المجلسسه قويمق مجبوريت قانونيه سي يوقدر . واووقت طبيعي مصونيتي مطلق واصل اولان ضرر مادي ومعنوينك تضميني غير ممكن دركه بوكا ضروري بر فالح ديمك مجبوريتنده يز .

٢١٦ ممالك مختلفه ده جاري اصولدر - ضروري ديديكمز بوفالحق هان هر مملكتك قانون اساسيسنده مندر جدر . از چوق طار مقياسلاره فرانسه ده ١٨٧٥ تاريخلي قانون اساسينك ١٣ نجى ماده سنده « هرايكى مجلس اعضاسندن هيچ برينك حين ايفاي وظيفه ده اظهار ايتديكي افكار واعطا ايديكى رآيدن طولاني تعقيب و تحرى اولونه ميه جنى » مذكوردر .

انكلتره حقوق بياننامه سنك ٩ نجى فقره سي شو يولده  
محرردر :

« پارلمتوده حرريت كلام ومعاملات ومذاكرات سكتهدار ايدله ملي وهيچ بر محكمه عدليه ده و پارلمنتو خارجنده هيچ بر محله موقع تدقيق وتذكره وضع اولونمايلدر . »  
بلچيقاده ، يونانستانده ، پروسياده ، المانيا امپراطور لغنده اوستريا و مجارستانده مختلف عبارات والفاظ ايله عيني احكام قانون اساسيه درج اولومشدر .

مع مافيه اسوچ ، نوروچ ودانيمارقه حكومتلرنده مجلس اعضاسنك حرريت كلاميه سي بدرجه به قدر تقيد ايدلمشدر . اسوچ

مجلسده کی سوزلر بو صورتله مجلس داخلنده کی مصونیتدن آزاده واحکام عادیه یه تابع اولور .

ممالک سائرده دخی اعیاندن ویا مبعوثاندن برینک مجلسده حاضر اولیدان برکیمسه علیهنده ذم ووقدحی متضمن نطقی برغزته ده امضاسیله و مجلسده کی نطقنه عطف ایتمه مک صورتیله تکرار ایتمی تعقیباته محل ویره بیلیر . اساساً حیثیتی کوزهدن بر مبعوث ویا اعیان بو صورتله حرکت ایتمی و مجلسده کی مصونیتک پرده صیاتی ارقه سنه کیزلمه ملیدر .

زیرا مجلس دائره سی داخلنده کی سوزلر صورت مطلقه ده مصونیتی تضمن ایتمیکی ایچون اعضا یا اشخاصه متعلق افاده لرنده صوک درجه احتیاط ایتمی ویا خود احتیاطه لزوم کورمدکلری تقدیرده عین سوزلری بر محرر ویا علی العاده بر فرد ایتمش لر کبی مجلس مبعوثان خارجنده ومثلاً لسان مطبوعات ایله تکرار ایلمیدر . اووقت اعضا علیهنه دعوی اقامه ایدنلر مجلسده سویلدیکی سوزدن طولای دکل ، خارجه سویلمش اولدیغی سوزدن طولای تعقیبات اجرا ایتمش اولورلر . بنساءً علیه بر مبعوثک خارجه کی افعال واقوالی حقمده نه کبی معاملات قانونیه جریان ایده جک ایسه اونک عینی جریان ایدرکه قریباً بو مبحث آریحه ذکر اولونه جقدر . بالاده ایضاح ایتمیکمز نقطه نظرک افراد واهالینک شخصیت وحیثیتی و حقوقی ایچون تأمینات قویه اولدیغی بیانه حاجت یوقدر . انجق مجلس عمومی اعضاسی بونی یا لکز وجدانی بروظیفه



ایله محکوم اولور ایسه اعضالق صفتی زائل اولور و بو افعالک محاکمه سیله مجازاتی عائد اولدینی محکمه طرفندن رؤیت و حکم اولونور »

دیملک که مصونیت بر طرف اولغله برابر مجلس عمومی اعضاسی حقننده بعض تقیداته رعایت اولونور . واضع قانون مجلسک ثلثان اکثریتک موافقتی شرط قیلمقله مبعوث و یا اعیان لهنه احتیاطکارانه بر معامله یاییور . و بوضورتله ده آنی علی العاده افراددن تفریق ایدیور .

۲۱۵ نطقلرونشریات — مجلس عمومیده ایراد اولونان نطقلر مسؤلیتی مستلزم اولدینی کبی بو نطقلرک غزته لر طرفندن حسن نیتله نقل و اقباسی دخی نه خطیبیلر ونه ده نقل ایدن غزته لر حقننده هیچ بر تعقیباته و حتی کندیسنی ضرر دیده عدایدن شخص طرفندن حق جوابه اساس اوله ماز مع مافیبه بونک عکسنه اوله رق مبعوثک و یا اعیانک غزته لر له حقننده واقع اولان مفتریات علیه اقامه دعوایه و تضمین ضرره صلاحیتی اولدینی کبی ایراد ایتدیکی نطقلر لقصد تحریف و یا تزئیف صورتیه بر غزته صحیفه سنه نقل اولونور سه بوده تعقیباتی مستلزم اوله بیلیر .

انکلتره ده و ژاپونیا ده هر هانکی مبعوثک و یا اعیانک مجلسده کی نطقی آیریجه کندی حسابنه بر غزته و یا رساله ده نشر ایتسی افرادک و حکومتک اونطقده مندرج اولان مستلزم مسؤلیت خصوصات حقننده تعقیبات اجرا ایتلرینه اساس اوله بیلیر .

وجزای مستلزم جرم ماهیتده شیلر اولدینی حالده مبعوثان ویا اعیان بونی وظیفه لرینی ایفا ائناسنده ارتکاب ایتدکارندن جرم ماهیتی جائز دکلدز .

معافیله بر مبعوثك ویردیگی رأی پوصله سنك بر رشوت ومنفعت غیر مشروعه مقابلی اولدینی تحقق ایدرسه مصونیت وعدم مسؤولیت جاری اولماز . بوراده قانون اساسینك ذکری کچن ۴۷ نجی ماده سنه مخالفت یوقدر . چونکه مبعوث ویا اعیان ایچون تعقیبات ومسؤولیتی مستلزم اولان حال پارلمنتو دائره سی داخلنده جریان ایدن رأی ویرمك معامله سی دکل ، او رأی ویرمك معامله سنه منتهی اولان افعال واحوال متقدمه وتالیله در . پارلمنتو اعضاسندن بری خارجده ، منفعت غیر مشروعه ایچون رأی ویره جکنی تعهد ایدیور ، رأینی صاتیور وصوکره فکرینی ، رأینی اومقصد غیر مشروعه حصر ایدیور بناءً علیه رأی ویرمك معامله سنك بوس بوتون خارجنده قالان بو فعل ارتکاب وارتما مستلزم جزا در .

مبعوثك ویا اعیانك ارتکاب وارتماسی حالنده دوچار اولدینی تعقیباتك شكلی قانون اساسینك ۴۸ نجی ماده تصرع ایدیور شویله که : « مجلس عمومی اعضاسندن برینك حیانت وقانون اساسی بی نقض والعباه تصدی وارتمکاب تهملرندن بریله مهم اولدیغنه منسوب اولدینی هیئت اعضای موجوده سنك ثلثان اکثریت مطلقه سیله قرار ویریلور ویا خود قانوناً حبس ونفی موجب بر جزا

تعیین استدیکی جرایمی بر شخصصده اجتماع ایده بیلیر [ بو بحثده اوژنه پیهزه مراجعت اولونماید رصیغه ۲۷۳ و مابعدی برنجی جلد ] پارلمتو داخلمده کی بو مصونیتک پارلمتو اعضاسندن اولمیان ذواته ومثلاً سامعینه ومأمورین وخدمه یه شمولی اوله میه جغنی و بونلرک جرائمی حقنده علی العاده طریقله مراجعت ضروری بولوندیغنی و بونلکه برابر مجلساری صورت عمومیه ده انضباطرینه رئیسلمأمور اولدقارندن رئیسلمه مراجعت واقع اولقمسزین تحقیقات و تعقیبات اجرایی موافق نزاکت اوله میه جغنی طبعیدر .

۲۱۴ رأی و فکردن مسئولیت . — جرائم عادیه خارجنده کی احوالده پارلمتو اعضایی حقنده عدم مسئولیت جزاییه و مالیه مطلقدر . اعیان و مبعوثان یالکیز مجلسک علنی و خفی مذاکراتنده دکل انجمنلرده و شعبهلرده ایراد ایتدکاری تطقلردن و تحریر ایتدکاری مضبوطهلردن و ویردکاری رأیلردن طولایی هیچ بر تعقیباته و ضررزبان دعواسنه معروض اولمازلر . ایراد ایتدکاری نطقلر حکومت و یا افراد ایچون بر ضرر مادی و معنوی تولید ایتسه و حتی افترا بی متضمن ایتسه دخی حکم دیکشمز . حتی بر مبعوث بر دعواسنی اثبات ایچون بعض و نائقی ذکر و ازانه ایدوب بو و نائقی ساخته اولدینی تبین ایتسه دخی عینی قاعده مصونیت جاریدر . مبعوثک نطقلرنده حقارتی ، ایمانی متضمن سوزلر و اهالیلنک عصیانه سوقتی موجب تحریک آمیز و آتشین تشویقلر بولونه بیلیر . بونلر علی العاده افراده نظراً تعقیبات

در حال استماع ایتملری بر نوع تحقیقات ابتداییه اولوب تنظیم اولونه جق مضبطه ویا تقریر ضبط ورقهسی حکمنده در .

مدعی عمومیلکجه حقوق عمومیه دعواسنک اقامهسی مطلقاً مقام ریاستک اشعارینه متوقف اولوب اولمدینی جای تردد و اختلاف ایسهده مدعی عمومیلکک اقامه دعوی ایستکدن صوکره تعقیبانه رخصت و ماذونیت ویرمک مطلقاً مجلس مبعوثانک حتی اولدینی متفق علیهدر .

بو حکمی پک شدید و مفرط کورن و پارلمنتو دائره سنی ارباب جنایاتک بر نوع ملجأ و پناهی عدایدنلر و از ایسهده مجلس مبعوثان دائره سنک تعرضدن مصونیتی قاعدهسی بودرجه اولسون بر احتیاطه لزوم کوسته ریر . بر مجلس ریسنک علنی بر جنایت ویا جرم قبیحی حکومتدن کتم و اخفا ایتمسی و بوتون بر مجلسک اکا پرو اولسی اساساً مستبعد اولدینی کبی مدعی عمومیلکک طلب و دعواسی اوزرینه بر مجلسک بر جانی و مجرمی صیانت ایتمسی ده عقله کلز ( مکرکه جرم خفیف و ذاتاً نظامنامه داخلی ایله بر طرف ایلمک ممکن بولونسون ) مع مافیله هر حاله رغماً بر مجلسک بر جانی بی سینه سنده صاقلایه رق تعقیبانه ممانعت ایتمسی حالنده او مجلسک اتخاتک تجدنده جزای معنویسنی چکمیسی طبیعیدر .

شوراسنی ده سویلیلم که مجلس مبعوثان دائره سننده وقوعه کان جرائمدن طولانی نظامنامه داخلی نک تطبیقی حقوق عمومیه دعواسنه خلل کتیرمز . نظامنامه داخلینک جزاسیله قانون جزانک

نظامنامه داخلینک ۱۲۴ نجی ماده سندن ترجمه ایدلشدرد . [ شو تفصیلاته نظراً مجلس مبعوثان دائره سی داخلنده قانون جزانک حکمنه داخل اولان افعال تعقیباتدن مصون اولماز . مبعوثان نظامنامه داخلینده جنایتدن بحث ایدلمه سی مجلس مبعوثان دائره سنده ایقاع ایدیلن جنایتلرک معفو اولدیغی کوسترمز . جنحه حقنده بیله تعقیبات اجراسنه مساع ویرن بر حکم اولویته جنایت حقندهده تعقیباته مساع ویریر .

جرم قانونی ایستر مجلس مبعوثان دائره سنک مذا کره سالوننده اولسون ، ایستر خارجنده ومثلاً انجمنده ، شعبه لرده ویا دیوا . نخانه لرده اولسون حکم مساویدر . کذلک جرم ایستر مبعوثان ویا اعیان طرفدن ارتکاب ایدلسون ایستر اعضادن اویمان کیمسلر طرفدن ایقاع ایدلسون ینه تعقیباتی مستلزمدر .

شوقدرکه کرک مبعوثان وکرک اعیان حقنده بوکی احوالدهده تعقیبات اجرایی نظامنامه داخلینک حکمندن . قانون اساسینک متندن وقواعد عمومی مشروطیتدن مستخرج اولق اوزره بعض قواعد تابع اولق لازم کلیر . شویله که تعقیبات اجرایی همه حال مجلس مبعوثان ریاستی طرفدن صدارته وصدارت واسطه سیله مدعی عمومیایکه بیلدیرلک مدعی عمومی طرفدن اقامه دعوی ایدلک واقامه دعوادن سوکره مجلس مبعوثان طرفدن تعقیبات اجراسنه مساعده اولونمق لازمدر .

مجلس مبعوثان ریسنک مجلسک متتخب کانبلریله برلکده مظنونی

واضع قانونك ايڪنجي شقي قصد ايتديڪي آشڪاردر چونڪه اڪر مبعوث سوزلرندن ورايلرندن طولاني تحقيقات ابتدائيہ و تعقيباتہ دوچار اولوبده سوڪره اتهام اولونه مازسه عبثله اشتغال ايدلمش اولور . «بروجهله» قيدي بو احتمالي رفع ايتديڪي کي ۴۷ نجى مادهنك بالاده كى فقره سنى تعقيباً «مكر كه نظامنامه داخلسى خلافتده حرڪت ايتمش اوله . «دينيلمسى ده مبعوثلرك انجق نظامنامه داخلى دائره سنده بر مسؤليتہ دوچار اوله بيله جكلرينى و اونك خارچنده هيچ بر تعقيبات وازعاجات كوره ميه جكلرينى افهام ايدر .

بومنده ده رايدن و مطالعه دن بحث ايدىور عجباه «فعل» ده عين حڪمه داخل ميدير؟ مجلس مبعوثان نظامنامه داخل سنك ۹۶ نجى و اعيان نظامنامه داخل سنك ۶۸ نجى ماده لرى صريحدر . فى الحقيقه ۹۶ نجى ماده موجبنجه «هيئت مبعوثان دائره سنك داخلنده مبعوثلردن برى بر جنجه بر قباحت ايشليه جك اولور ايسه در حال مذاكراته موقتاً ختام و يريلوب رئيس طرفندن هيئت عموميه به بيان حال اولونور . رئيسك امرى اوزرينه قباحت و جنجه صاحبي رياست او طه سنه جلب اولونوب هيئت مبعوثانك كاتبلرى دخى حاضر اولدينى حالده كندوسندن استيضاح ماده ايديلور . اونك اوزرينه بر مضبطه باييلوب ايجابنه باقيلمق اوزره مقام صدارته كوندريلور . «

اعيان نظامنامه داخل سنك ۶۸ نجى ماده سنده ايسه قباحت و جنجه دينلميه رك جرم و جنايت دينلمش و مضبطه يرينه تقرير كلهسى استعمال اولونمشدر . [بو ايكي ماده فرانسه مجلس اعيانى

عزل آلتیده دکل ، خوف جزا و تضمین آلتیده ده بولو تمام لرینی ایجاب ایتدیرر . مبعوث ویره جکی رأیدن و ایراد ایده جکی نطقدن طولابی جزا کوره جکنه و یا مسـؤولیت مالیه و تضمیناته معروض اوله جفته ذاهب وقانع اولسه استقلالی غائب ایدر ، حکومتک و افرادک بازیچه سی و یایه جفی ایشلرده اونسبتده فاسد اوله رق مملکتک مضرت و مخاطر هیه اوغرامسنه بادی اولور . شو حالده مبعوثک رأی و فعلنده مستقل اولمی ایچون نه کبی احتیاج وارسه واضع قانون انی دریغ ایتمه ملیدر .

بو اصولک محذوری یوق دکل ایسه ده تأمین ایتدیکی منافع محاذیرینه قات قات غالب کورلدیکندن پارلمنتو ایله اداره ایدیان مملکتلرده قاعدهٔ عمومیه حالنده ذر .

بو ایضاحات متقدمه دن صوکره مصونیتک برنجی نوعنی ایضاح ایدم .

۲۱۳ برنجی نوع ( پارلمنتو داخلنده صونیت ) . — مجلس عمومی اعضاسی کرک ویردیکی رأیلردن کرک مجلسک مذاکراتی ائناسنده بیان ایتدیکی مطالعه لر دن طولابی بر وجهله اتهام اولونه ماز . . قانون اساسینک ۴۷ نجی ماده سننده مصرح اولان بو فقره عجبیا مبعوثان و اعیانک رأیلردن و نطق لر دن طولابی دوچار تعقیب اوله بیله جکلرینی افاده ایدرمی . یعنی بوراده کی اتهام اصول محاکمات جزائییه قانوننده کی اتهامک معنای قانونیسنیمی حازدر . یوقسه هیچ بر صورتله تعقیبات اجرا ایدمه جکنیمی کوسته ریر .

اولان افعال واقوال و آراسندن طولایي دوچار دعوی و جزا اولسی وار برده ینه عینی ذاتک پارلمنتو اعضالغیه مناسبتی اولیان ویا پارلمنتو خارجنده وقوعه کلن افعال وافوالندن طولایي مسئولیت جزاییه ویا مالییه معروضیتی واردرکه بونلر ماهیتجه بربرندن فرقلی شیردر .

اونک ایچون بزده پارلمنتو اعضاسنک مصونیت بحثی باشلیجه ایکی مهم شعبهیه تفریق ایده جکوز .

پارلمنتو اعضاسنک عزل اولونمق، شویله طورسون تعقیبات جزاییه ومدعیات حقوقیه ومالیه دن تماماً ویا بعض قیود وشروطه تابع اولمق طولایسیله مقیداً مصونیتلری قاعده مساواتی اخلاص ایدن اڭ چیرکین بر حال کبی کورینور وعادتا مملکت ایچنده بر قسم کیمسه لرك افراد سائرهبه نظراً موقع امتیازده بولوندیغی کوستیرر ایسه ده بو عدم مسئولیت ومصونیت تحلیل اولونورسه کوریلورکه مستلزم اولدیغی منفعت ظاهرده پارلمنتو اعضاسی لهنده ایسه حقیقته عموم ملته عائددر . عموم ملتک سلامتی مبعوثان واعیانک سویلدکاری نطقلردن ، ویردکاری رایلردن طولایي کرک حکومت و کرک افراد طرفندن ازعاج اولونماملرینی وحتی پارلمنتو خارجنده کی حرکات عادیه لرندن طولایي دخی دوچار تعقیب اولور ایکن بعض تأمیناته تابع اولملرینی مستلزمدر . فی الحقیقه مبعوثلرك وظیفه تشریحیه ومراقبه ومالیه لرینی سلامت عمومیهیه اڭ موافق شکلده ایضا ایده بیلملری یالکوز خوف



اسقاط ايديوركه تعريف ايتديكمز نظرياتك موافق اولاني بودر . اسويچرهنك برن ، آرغووي ، شافهوز ، سولور لوسرن قانونلرينه بو اصول ادخال اولومش وقانون اساسيلره درج اولومشدر . [ ره فهره ندوم حقنده كي تفصيلاته مراجعت ] انجق بوتون منتخبلرك حق عزللريني استعمال ايتلري اسويچره كي ، دها دوغريسلي اسويچره نك قانتونلري كي ممالكده جاري اوله بيلير . اوراده بيله بو حقك استعمالي خيلي تشوشات سياسييه سبيت ویرمكده در . اسويچره كي بر یرده بو قدر تشوشاتي انتاج ایدن برحالك بويوك ملتدرده نه قدر قارغشله ني موجب اوله جغني بيانه حاجت كورمیز . [ بو بحث ايچون ايسمه نه مراجعت ]

### پارلمنتونك مصونيتي

٢١٢ اسباب عموميّه مصونيت — بوندن اولكي ، بيجنده پارلمنتو اعضاسنك مسؤليت سياسيهنندن ، يعني عزل اولونمه صالح اولوب اولدقلرندن بحث ايتدك . شمديده پارلمنتو اعضاسنك مسؤليت جزاييه وماليه سي موضوع بحث اولوب اولميه جغني تدقيق ايده جكز . پارلمنتو اعضاسنك عزلدن مصونيتلريني انتاج ایدن اسبابك كافه سي تعقيبات جزاييه دنده مصونيتلريني موجب اولمقده در . فقط بوراده كي مصونيتي دها كوزل اكلاشيلمق اوزره ايكي قسمه آيرمق لازمدر . شويله كه :

پارلمنتو اعضاسندين اولان ذاتك مجلسده حسب الوظيفه واقع

مبعوثانك وسائر صورتلره منتخب اولان مجالس اعضاسنك عزل ايدللىرى ايجون اوچنچى بر اصولده بروجه آتيدر:

رداثره انتخابيه ده بولنان منتخبلرك عددى مبعوث وياسائر منتخب اولان ذاتك اولجه استحصال ايتمش اولديغى مجموع آرايه فائق اولوبده او بولده مجلسه مراجعت ايدرايسه مثلاً ؛ حين انتخابه بش بيك راي قازانان برمبعوث عليهنده آتتي بيك راي ايله برعزل طلبنامه سي واقع اولور ايسه مجلس بومنتخبلك حين انتخابه حقيقه رايه اشتراك ايدن كيمسه لراولديغى تحقيق ايلدكن صوكرامبعوثك وياسائر صورتله منتخب اولان ذاتك [ فرنا اعياندىن ويا ولايت وبلديه مجلسى اعضاسندن ايسه ] عزلى جهتنه كيدر .

مبعوثاندىن مسيو قورنوو ۱۸۹۶ تشرين ثانياسنده فرانسده مجلس مبعوثانسه بوكا دائر بر لايحه ويرمش ، فقط لايحه سي بر نتيجه يه اقتران ايدمه مامشدر . بوفكرى تروج ايدن مؤلفلرده واردر .

هپسندن زياده عقله يقين كلان بواصول عزلك ايكي قصورى واردر : فعلى اولان برنجى قصور : مبعوثى انتخاب ايدنلردن زياده مقدارده منتخبلك طوپلانوب عزله قرار ويرملرى مشكلاتيدر . ديكرى ، اول و آخرايضاح اولنديغى وجهله مبعوثك يالكز اوداثره انتخابيه مبعوثى اوليوب بوتون ملتك مبعوثى بولونمسيدير : ( نظرى )

مبعوثلره هپچ عزل اولنه مازمى ؟ .. اولنه بيليرلر ، اوده اكر عزل ديمك جا ايسه فسخ اولنق صورتيله . اكر مملكتده بو حق قوه اجر ائيه يه عائددر . آنحق اسويچرده حق عزل ديمك اولان حق فسخ منتخبلره ويرلمشدر . منتخبلك مجموعى بوتون مبعوثلرى عزل ايديبورلر . و بوضورتله بوتون ملت بوتون مجلسى وكالتدن

ايچون حقيقي برتهد نامه اوليور . مبعوث قانوناً اعلاننه مجبور اولديغي نامزدلكي ايله برابر ( فرانسه نك ١٧ تموز ١٨٨٩ قانوني) پروغرام تنظيم ايدر . بو پروغرام دائره انتخابيه نك انتخابات قوميته سنه منسوب اعضادن لاقل اللى كشي طرفندن امضا ايديلور . و محلي متصرفنه تبليغ اولنور . بو انتخاب بوشرايط دائره سنده وقوعه كلنجه مبعوث ايله منتخب ارسنده عادتاً برمقاوله نامه تنظيم ايدمش ديك اولور ، هر مقاوله كبي بوده ايجابنده موقع اجرايه وضع ايدلك حالنه معروض بولنور .

بونصوري ترويج ايدنلك فكريجه بحلك صلح حاكمي مبعوثك پروغرامه مخالفت ايدوب ايتديكيني تدقيق و محاكمه يه صلاحيت داردر دائره انتخابيه ده كي منتخبلردن برويا برقاچ كشينك مراجتي اوزرينه صلح حاكمي و جاهي محاكمه يه مراجعت ايتكسز ين حكمتي درجه اخيره ده اعطا و مبعوثني ابطال ايدم بيلور . امور و خدمات دولتي مقاوله شكلنده تلق ايتك نظريه سي بو صورتله الك صوك نتايجنه قدر ايصال ايدلمش اوليور كه بونك بطلانني بيانه حاجت بو قدر . ديك طرفدن بواصول ترويج اولنديغي تفديده حكومت نيابيه اساسندن چور ايدلمش اوليور . بوندن ماعدا بواصولك سروجلري طرفندن تعقيب ايديلان نظريه - كه منتخبلرك مبعوثلرني عزل ايدم بيلملى صلا - حيتيدر - دخي بو صوله محو وانكار ايديلمور . زيرا حق عزلي سر بست اوله رق اجرا ايتيورلر . بو حق آنجق بعض شرايطك حدوشنده اوده حاكم طرفندن استعمال اوليور . برده انتخاب مسئله سي بسبتون ماهيتيني غائب ايدمرك نظري غير مشهود برنوع مقاوله شكلي آليور . بوندن عدا پروغرام صرف سياسي اولديغندن قوه عدليه صرف امور سياسييه متعلق بر بحثده نصل حكمتي ايفا ايدم بيلير ! حكام آنجق قانوناً معين اولان شيلري رؤيت ايدم بيليرلر . سياسيات كبي حائز الاستيقت بي نهايه اولان شيلري رؤيته قالميشير لسه مقتضى اولان سلامت حكيمه قالماز .

ایتمش اولیور . ایکی درجه اوزرینه انتخاب جاری اولان یرلرده منتخب نانیلر نه ایسه بو انتخاب قومیتلری ده هان هان او وضعیتده بولنیورلر . شو حالده - متتخبیلرک حق عزلی تسلیم ایدلدیکنه نظراً - انتخاب قومیتلرکده برنوع وکالت حقنی احراز ایدرک حق عزلی موجود اولمق اقتضا ایدر :

بوصورتله قوریان بنای نظریاتک چور وک اولدیغی میدانده در . زیرا بو طرز توکیل هیج بر یرده موجود اولمقدن ماعدا - یوقاریدن بری ایضاح ایتدیکنمز قواعد و نظریات موجبجه - مبعوث بوتون ملتک وکیلی اولدیغندن بوتون ملتک اول امرده او دائرة انتخابیه نی ودرجه نایه ده او دائرة انتخابیه نکده او انتخاب قومیتلرکی توکیل ایتمش بولنمسی فرض ایدمک اقتضا ایدرکه بوده صرف توهانیدن عبارتدر .

شو تقدیره کوره بر انتخاب هیئتک بوجه بالا استعفا نامه نی بر سلاح مقامنده قوللانهرق مبعوثک عزلی جهتیه کیتمسی عادنا بوتون ملتک حقنه بر تجاوز معناسنی افاده ایدرکه باطلدر . وکالت مقیده اصولنه طرفدار اولان برچوق ذوات بیله بوجه بالا عزل کیفیتنی قبول ایتمیورلر . وآنک یرینه بشقه بر تکلیفده بولنیورلرکه اوده آیریجه شایان ایضاحدر .

بوصورت عزل موکلرک وکالت مقیده دن استفاده ایتملرینی اختیارلرینه تعلیق ایلدیور . تقییدات لازمه مبعوثلق ایچون نامزدلکنی وضع ایدن ذاتک پروغرامنده طبیعتیه مندرج فرض اولنیور . یعنی پروغرام مبعوث

اولان قومیت‌لر یدینه تودیع اولنیور . بو قومیت‌لر ایجابی حالتده استعفانامک بوش یرلرینی طولدیروب مجلس مبعوثان رئیسینه کوندرییورلر . حالبوکه بو استعفانامه هیچ بر وقت عزل معناسنی افاده ایدمهز . مجلس مبعوثان بو استعفانامه‌نی قبول ایتسه بیله منتخبلرک حق عزلنه بنساء دکل مبعوثک مبعوثلقدن چکیلمسی حقنه بنساء بونی یاییور . مع مافیله استعفانامه دخی یالکیز مستعفیئک اختیاریله تمام اولور بر معامله دکلدر . بلیکه بو استعفانامه ده مجلسکده حتی واردر . مجلس ایسترسه استعفانامه‌نی قبول ایتمز . ذاتاً معامله‌نک اساسنده بطان واردر . مبعوث حین استعفادهنوز مبعوث دکل که حق استعفاسنی استعمال ایتسون . دیگر طرفدن شؤن و وقایع آتیه عطفاً ترک حق ایتک دوغری اوله ماز . مجلس مبعوثانک استعفانی قبول و تصدیق ایتسنه تعلیق کیفیت اولنسی بحثنه کلنجه ؛ بوده یک موافقدر . بو صورتله مبعوثلرک منتخبلرک بازیچه آمال و منافعی اولماسنه محل ویرلماش ، استقلال مبعوثان تأمین اولمش اولور . برده استعفانامه‌نی لدی ایجاب طولدیروب استعمال ایدن قومیت‌نک منتخبلرله تماماً هم فکر اولدینی قابل تعیین بر ماده دکلدر ، دائرة انتخابیه‌نک عموم منتخبلری نامنه حرکت ایتکه کندیلرنده صلاحیت کورده بوهیئلر بعضاً منافع مخصوصه تعقیب ایدر بر نوع شرکتلردن بشقه بر شی دکلدرلر . بو نظریه‌یه کوره انتخاب قومیت‌سی اولجه او مبعوثک نامزدلیکنی اعلان و آنی حمایه ایدوب منتخبلرده او یولده رأی ویرمش اولقله عادتا قومیت‌نی کندیلرینه وکیل

مجلسده اظهار ایدیلان افکاردن ، ایرد اولنان نطقلردن دولایی مبعوثلرک عدم مسئولیتنی روبسیپه رده قبول ایدیور . ذاتاً مبعوثانک عدم مسئولیتی ایشته بویله بر عدم مسئولیتدر . فرانسه انقلاب کبیری اثناسنده بوفکرلرک حصولی مسئولیت جزائیله ایله مسئولیت سیاسیله ارسنده کی حدفاصللرک لایقیله تعیین ایدیله مامسندن ایلری کلش ایدی .

۲۱۱ مبعوثلرک عزللری ایچون مختلف تصورلر . — زمانمزده

مبعوثلرک عزل ایدلمسی بحثی ینه تازه لنیور . ومبعوثلرک عزلی ایچون بعض طریقلر ارأه اولنیور : [°]

اولجهده وکالت مقیده بحثنده بر نبذه بحث ایتمش اولدیغمز وجهله مبعوثلرک عزل ایدیله بیلملری ایچون کندیلرندن بشیناً بر استعفانامه آلیور . بو استعفانامه انتخاباتی اجرایه مأمور

[°] قانون اساسینک ۷۴ نجی ماده سی موجبجه هیئت مبعوثان اعضاسندن بری وفات ایدر ویا اسباب حجریه مشروعه دن برینه دوچار اولور ویا اوزون

مدتده مجلسه دوام ایتمز ویا خود استعفا ایدر ویا محکومیت ویا قبول مأموریت جهتیله اعضالقدن ساقط اولور ایسه برینه نهایت کله چک اجتماعه یتیشمک اوزره اصولی وجهله دیکری تعیین اولونور دینلیورکه بوراده اسباب حجریه مشروعه دن برینه دوچار اولق ویا بر اوزون مدت مجلسه دوام ایتمه مک مبعوثلقدن برنوع سقوط وعزلی تضمن ایدر کی کورینور ایسه ده عزل دینلن معامله نك ماهیتی ایله بو معامله ارسنده فرق عظیم اولدیغنی آشکاردر . مجلس اعیان حق تفسیرینه بناءً اوزون مدت بلا مآذونیت عدم دوامی دوره اجتماعیه نك نصفندن زیاده بر مدتده حصر ایتشدر .

اوقومك ده هيچ قانون اساسيى يوقدر زيرا اووقت بو وكيلا ر هيچ بر جزا قورقوسى اوليه ر ق كنديلرى اهانت ايده بيله جكلرى كپي باشقه لرينك اهانت ايتسنه ده ميدان ومساعده ويره بيليرلر . اكر حكومت نيايه دن مقصد بويلا برعدم مسئوليت ايسه اعتراف ايده رم كه بنده بو طرز حكومت حقنده روصونك روا كوردكي بالجمله تلغيناتي قبول وتصديق ايده رم .

[ ١٠ مائيس تاريخلى قوانينون جلته سى ]

روبسيهر ، بالاده كي فكرينك نيجه سى اولق اوزره ايكي شى تكليف ايديورايدى :

اولا : - حق عزل . . مع مافيه بو عزلك نه صورتله اجر ايديلاه جكنى اوده تعين ايتامشدر . روبسيهر ، ديورايدى كه : « ملت طرفندن منصوب بالجمله مأمورين دولتك ينه ملت طرفندن تعين ايديلاه جك اشكال دائره سنده وموكلرك وكيلا ريني عزل ايده بيلمك حق طبعيسندن بشقه هيچ بر سبب بولمق سزى عزل ايده بيلملى ايسترم »

ايكنجى تكليف ده شو ايدى : « ملي محكمه تشكيل ايدلسون بوملى محكمه نك يكانه وظيفه سى مأمورين دولتك سوء استعمالاتي تدقيق ومحاكمه دن عبارت اولسون . قوه تشريعه نك اركانى مجلسده اظهار ايتدكلى افكاردن دولايى بو محكمه نك تعقيباتنه دوچار اولسونلر . آنجق ارتكاب ايده بيله جكلرى ارتشا و خيانت جرملى بو محكمه ايچون كنديلرى حقنده تعقيبات ومحاكمات اجرا ايدلسون . ارتكاب ايتدكلى جرائم عادييه كلنجه اونلرده محاكم عادييه عائددر .

كوريلىور كه مسئوليت مبعوثانى صوك درجه يه ايصاله طرفدار اولان روبسيهر بيله نهايت بيلمه رك شمديكى نظرياته متهى اوليور . خيانت وارنكاب جرمندن دولايى ذاتاً مبعوثانك مسئول ايديلاه ميه جكلرى قبول ايدن اليوم هيچ بر صاحب عقل يوقدر . كذلك جرائم عادييه دن دولايى مبعوثانك محاكم عادييه تابعيتنى كيمسه انكار ايتيور .

حق عزلك منتخبلره اعطاسی تقدیرنده ايشته بواساس كو كندن  
 احما ايدلمش اوليور . ديكر طرفدن حاكيت مليه قاعده سننده  
 طبان طبانه ضدر . زيرا اولجده برقاچ كره سويلش اولديغمز  
 وجهه و كلای ملتك هر بری بالكز منتخبلرينك دكل بوتون ملتك  
 و كيلدر . حق عزل ايله و كالت مقيدنك مردوديتی مستلزم اولان  
 اساسلر همان همان بر برينك عيندر . و كالت مقيدنه چوروتن دلائل  
 و اعتراضات منتخبلرك حق عزلی بایندهده تماماً وارددر . مبعوث  
 وظيفه سنی حسن ایفا ایچون منتخبلرك تعقیبات قانونیه سندن ازاده  
 بولمق اقضا ايدر . مبعوثك ارتباطی آنجق مدت انتخابیه نك  
 ختامنده و تكرار انتخاباته كندی عرض ایتدیكنده ظاهر اولور .  
 منافع عمومیه نقطه نظرندن هم مؤثر ، هم ضرر سز یكانه  
 مسئولیت ايشته بوندن عبارتدر .

فرانسه نك ايلك قانون اساسیسنده نظریاته موافق اولان بو اساس  
 تصریح ایدلدیگی و بر سوء استعمال وقوعه كلدیجه مبعوثلرك عزل ایديله مینه جی  
 مصرح ابكن مونتانيارلر طرفندن وضع ایدیلن ۱۷۹۳ قانون اساسی  
 مفروضی بوسا غلام اساسدن عدول ایتش وروبسیه ر ايله هرول سه شهل  
 مبعوثلرك عزلی نظریه سنی شدتله ترویج ایتشلردر .

روبسپیه ، قوه تشریعیه ارکانی داخل اولدیغی حالده بالجمله مأمورین  
 دولتک مسئولیت ضروریه و طبیعیه لرینی شدتله التزام ایدرك : «بر قوم که  
 وکیلری وظيفه موکوله لرندن دولانی کیمسه به حساب ویرمه که مجبور  
 دکلدرب اوقومک قانون اساسیسی یوقدر ... کذلک بر قومکه مأمورلری  
 بالکز مصون عن التعرض اولان بعض وکیلره حساب ویرمه که مجبوردر



ايرى و مستقل اولدوقدن بشقه اوقوت اوزرنده ملت نامنه اجرای مراقبه ايتمکده در .

حق فسسخدن بوراده بجه لزوم يوقدر . قوه اجرائيه نك بو حقی استعمال ايتمی حق عزلی اولديغنه دليل دکل بلکه اولجه بيان ايتديکمز وجهله بر موازنه متقابله احداثی مقصدینه مستنددر . برده حق فسسخك اثنای استعمالنده حقیقتده بر عزل يوقدر . زیرا عزل ایدن قوت آنی تکرار او وظیفه به تعیین ايتدير مامک صلاحیتی ده حاز اولمق لازم کلیر . . . حالبوکه فسح نتیجه سنده بویله اوليور . انتخابات جدیده اوزرینه مدت انتخابیه سی فسسخ ایدیلان مبعوث تکرار انتخاب اولمق ممکندر . بوصورتله ملت بر نوع حکم قلیور . ملت بو معامله نه ایتنده یا مبعوثه یا حکومته حق ویرییور .

قوه عدلیه ده بو عزله صلاحیتدار اوله ماز . زیرا آنک دائره صلاحیت و وظیفه سی منازعات و اختلافات مخصوصه نك حلنه و دعاوی جزاییه نك رؤیتنه حصر وقصر اولمشدر .

شو تقدیره کوره وکلای ماتی عزل ایتک شانندن اولان بر طرف وار ایسه اوده ملتدر ، اوده منتخبلردر . آنجق بو منتخبلرک حق عزلی فعلیاتده غیر قابل تطبیق اولدوقدن ماعدا اولجه ایضاح ایتمش اولديغمز نظریات و قواعدده منافیدر .

حکومت نیابیه قوه تشریعیه اعضاسنک اتخاذ قرار و اجرای مناقشه و مباحثه خصوصنده حریت مطلقه سنی استلزام ایدر .

۲۱۰ مبعوثانك مسئولیت سیاسیہ لری — ثالثاً: قوۃ تشریحیہ بی حاز اولان وکلای مات بحی قالیور . ملتك صفت نیابتی اك زیاده احراز ایدن بونلر اولدینی ایچون بروجہ بالا ایضاحات دائرہ سنده کی عدم مسئولیتك اك واسع معناسدن بونلر مستفید اولمقده درلر . اوتہ دن بری جاری اولان برمعافیت موجبنجہ مات وکیللری وظیفہ لرینك انزای ایفاسنده كرك اظهار ایتدکلری فکزلردن ، كرك اعطا ایلدکلری رأیلردن دولایی مسئولیت جزائیہ یه مغروض دکلردر .

« مجلس عمومی اعضاسنك یعنی اعیان و مبعوثانك استقلال رأیلرینی متضمن اولان قانون اساسینك ۴۷ نجی ماده سی شودر : « مجلس عمومی اعضاسی رأی و مطالعه بیاننده مختار اوله رق بونلردن هیچ بری برکونه وعد و وعید و تعلیمات قیدی آلتنده بولونه ماز و كرك و یردیکی رأیلردن و كرك مجلسك مذا کراتی انساننده بیسان ایتدیکی مطالعه لردن طولایی بروجہ ایله اتہام اولنه ماز مکرکه مجلسك نظامنامہ داخلیسی خلافنده حرکت ایتمش اوله . بوتقدیرجہ نظامنامہ مذکور حکمنجہ معامله کوریر . » دیگر ظرفدن بونلر مدت انتخابیہ لرینك ختامنه قدر بالضروره اك زیاده لاینعزل ذواتنددر . فی الحقیقه : بونلر صلاحیتلرینی انتخاب اولونمق نتیجہ سنده احراز ایدیورلر . شوحالده منطقیاً دوشونمك لازم کلیرسه کندیلرینی کیم عزل ایده بیلیر ؟ . . . قوۃ اجراییہ می ؟ . . . شہہ سز خایر ! . زیرا بو ، آندن تماماً

محکمه به نقلی جائز اوله بیلیر اعضا ملازملری و ضبط کاتبلری کی محکمه نك اجزاسندن عد اولونان مأمورلرک صفتلرینه یا قیشیمان احوال دن و یا خود عدم اقتدارلر دن طولای غزلرینه لزوم کوروندی بی بولونقلری محکمه طرفندن تبلیغ اولونور ایسه عدلیه نظارتی جانبندن ایجابی اجرا اولونور قرق طفوزنجی ماده موجینجه حکامک حاکمک صفتنه یا قیشیمان حال و حرکتلری محکمه تمیزجه تحقق ایلدکده اقتضاسنه کوره اخطار و یا تکدیر و موقتاً قطع معاش ایله مأموریتدن تعطیل اولونور لر و مجازات تریهیه و تأدییه و معایب احوال دن طولای حبسی مستلزم مجازات تکدیریه ایله محکومیتلری حالنده عزل ای دیلور لر .

ینه بو مادهیه واقع اولان ٢٨ نیشان سنه ٣٠٤ تاریخلی بر علاوه کوره بدایت و استیناف محکمه لر دن صادر اولوب رأساً و استدعا اوزرینه تمیز اولونان بالجمله اعلاماتک انای تمیزنده برسنه ظرفنده بر محکمه دن ویرلمش اولان اعلاملرک نصفی محکمه تمیزدن نقض ایلدیکی حالده اول محکمه نك اصلاحی تمیز رئیس لری با مذکره نظارتدن طلب ایده جک و نظارت ده قاعده سنه توفیقاً بالاستیدان محکمه مذ کوره هیئتنی تبدیل ایده جکدر .

المنجی ماده موجینجه بر آیده اوچ کره عذر سنر و رخصت سنر دوام ایتمین حکام استعفا ایتمش عد اولونوب یرلرینه باشقه سی تعیین اولونور .  
الی ایکنجی مادهیه کوره بدایت محکمه سی رئیس و یا اعضاسندن بری علیه امور مأموره سندن طولای وقوع بولان جنجه و یا جنایت دعواسی او محکمه نك منسوب بولوندیغی استیناف محکمه سنده و بر استیناف محکمه سنک رئیس و یا خود اعضاسی علیه وقوع بولان او متللو دعوالر محکمه تمیزده کوزیلور .

الی بشنجی مادهیه تذیل ای دیلن ماده موقتهیه کوره حقوق مکتبتندن مأذونیت رؤسی ایله حاکم یتشدریلنجهیه قدر حکامدن حسن ایفای وظیفهیه عدم اقتدار لری محکمه تمیزجه تحقق ای دنلرک عزالری جائز اوله بیلیر .

اجرا ایدرلر . فرانسه ده عزل کیفیتی محکمه تمیز طرفندن برقرار صادر اولدقجه اجرا ایديله من . بزده حکام شرعیه ایله حکام نظامیه نك صورت عزل و نصبری بشقه بشقه در .

حکام شرعیه اصولنده دخی اساساً لاینعزللك قبول ایدلمش فقط بوکا مقابل نیابت شرعیه مدتی ایکی سنه ایله تحدید اولمشدر . مع مافیله بوتوقیت بعض افعال فوق العاده ده عزل و تحت محاکمه ایله آلق کبی احتمالانك حدوتنه مانع اولما مقده در .

حکام سائر ایسه هنوز بر استقراره تابع اوله مامقدر . [۱]  
حکامک اصول انتخاب و تعیینی بر قاعده سلمه یه بر بپایدیلور و حکام حقیقه اک ناموسلی و متمیز بر صنف تشکیلنه موفق اولورلر ایسه او وقت بزده ده حکامک لاینعزللكی قاعده سنی مستلزم اولدینی قیود ایله برابر وضع ایتمیدر ذاتاً شمیدین بویولده تشبثات مئمره اجرا ایدلمشدر . [۲]

[۱] اخیراً بو اصولی بر درجه یه قدر تعدیل ایدن برقرار اتخاذ اولونمشدر فیا بعد حکامک مدت مأموریتلری منقضى اولسه دخی انفصالرینی موجب بر حال وقوعه کلدیکی تقدیرده وظیفه لرینه دوام ایتملری تأمین اولونمشدر . (۲۲۹)

[۲] تشکیلات محاکم قانونی حکامک صورت عزل و تبدیل و توخیخه دائر احکامی محتویدر . قانون مذکورک ۴۸ نجی ماده سی موجبجه شرائط مخصوصه سنه توفیقاً انتخاب و تعیین اولونان حکام لاینعزلدر . رضالری منضم اولدقجه دیگر مأموریته تعیین اولونه مازلر فقط استعفالری قبول اولونور و رضا و موافقتلریله بر محکمه دن اودرجه ده بولونان دیگر

واوده تکلیفات و تحدیدات مخصوصه به تابعدر .

مع مافیہ اولیکی بختلرده برنبذه بخت ایتمش اولدیغمز وجهله بومسئولیت جزائیهدخی تعاملاً متروک و قوۀ اجراییه رئیسندن وکلایه انتقال ایتشدر . تاریخ و تکامل تاریخی نمره سی اولان بواصول ایوم نظریات و قواعد حقوقیه اکی قریب عد اولمقدهدر .  
ثانیاً : — قوۀ عدلیه مأمور لرینک یعنی حکامک — ایستر موقت ، ایستر قید حیاته تعیین ایدلسون — لاینغزل اولماری عمومیتله قبول ایدلمش بر قاعدهدر .

بونترک وظیفه و مأموریتلرندن متحدث مسئولیت جزائیهلری بک نادر احوالده موقع تطبیقه وضع اولمقدهدر . [ وظیفه نی سؤ استعمال ایتک کبی ] مسئولیت مدنیه و نقدیه لری ایسه یالکیز خطا و اعمال و قوعنه دکل و خیم بر قصور اجرا ایتلمینه متوققدر .

رد حاکم و اشتکاء عن الحکام طریقله دخی حکام حقنده تشبثات اجرا ایدیلور .

معزولیت بختنه کلنجه : بوکا نادراً مراجعت اولنور . فرضاً انکلترده حکام آنجق مجلس مبعوثان و اعیان طرفندن تقدیم اولنه جق عریضه اوزرینه طرف حکمداریدن عزل ایدیله بیلور . بو عریضه نک مذا کره و قبولی انناسنده کی معاملات عادتاً آمپه شان اصول و طریقتی اخطار ایدر . شو تقدیرده اولاً عوام قارده سی هیئت اتمامیه و بعده لوردلر قارده سی محکمه وظیفه سنی

وظیفه‌دن محرومیتی مستلزم اوله‌جقدر - ویره‌جک اولان هیئتک  
کیم اوله‌جغنی بیانده مشکلات وارد ر .

مسئولیتک ایکنجی صفحه‌سنی ازانه‌ایدن قابلیت عزل بختنه  
کلنجه : وکلای ملتک وظیفه‌لرینی تجماوز ایتمدکجه غیرقابل عزل  
اولملری حکومت نیاییه اصولنک روحنی تشکیل ایدر .

بونلر محضا وکلای ملت اولدقلری ایچون - بوصفتک وسعت  
وحدودی تحمل ایتدیکی قدر - سربستی افعاله مالکدرلر و حقوقجه  
فعالرینک حسابی ویره‌مکه مجبور دکادرلر . ملتک کندیلرینه  
قارشی اتخاذایده‌جکی یکانه تأمینات مدت اتخاییه‌لرینی تحدیددر .  
حکامه کلنجه ؛ اونلر علی‌الاکثر بوقیدندن ده آزاده‌درلر .  
وقیدحیات ایله تعیین اولنورلر . هر حالده حق عزل، عزل مسئله‌سی  
جمعیت ایچون بر سبب اغتشاش ویا بر عنصر ضعف اولدقجه بر طرف  
قیلمشدر .

بونی او چ نقطه نظر دن تدقیق ایدهلم :

۲۰۹ قوای تشمیه کوره محاکمه . - اولاً : - قوه اجرائیه  
اینه تشریمه آراسنده بر تفریق حقیقی تأسیسنه امکان حاصل اولان  
وقوه اجرائیه بر درجه‌یه قدر استقلال بخش ایدنک ایستیلان  
کافه مالکده قوه اجرائیه ویا رئیس ویا رؤسائک ناقابل عزل اولدقلری  
قوانین اساسیه‌ده تصریح اولمشدر .

جمهوریتلرده بیله رئیس جمهورلر حقنده قابلیت عزل جزاسی  
تعیین اولنماز و اونلره بالکیز . مسئولیت جزاییه ترتیب اولنور

كافة نتایجی ایله برابر قبول ایتك ممکن اوله میور . بالجمله قوانین جاریه و عادات حاضره بالاده کی نظریه نك هیچ اولمازسه وکلای ملت حقننده کی نتایجنی بر طرف قیلمقده در . بونك ده - هر ایکیسی ده نظریاتدن زیاده فعلیاته عائد اولمق اوزره - باشلیجه ایکی سببی ذکر ایدلمکده در :

فی الحقیقه اول امرده بو نظریه نك تطبیقات فعلیه سنی تنظیم ایتك مشکل و بلدکده مستحیلدر . دیگر طرفدن وکلای ملتک مفید اولملری ایچون حریت قول و فعله مالک اولملری ایجاب ایده جکندن بونلرک فعلی تأثیر خوف ایله معطل و عقیم بر اقیلورسه او وقت مصلحت موکلرک فائده سنه دکل ؛ ضررینه دونمش اولور . . . عادتاً دیه بیلیرزکه حکومت نیساییه بر سوق طبیعی ایله وکیلرک عدم مسئولیتی جهتنه متمایلدر .

آنحقیق بو عدم مسئولیت تعیرینی ایجه و بر صورت سالمده تلقی ایتك ایجاب ایدر . فی الحقیقه ، وکلای ملتک برنجی بر مسئولیتی مسئولیت جزائییه سی وارکه او هیچ بر صورتله قابل ازاله دکلدر : وکیل ملت عن قصد و سوء نیتله قانون اساسی و علی العاده قانونک تعیین ایتدیکی دائرة صلاحیتی تجاوز ایدرسه . . . ایشته او وقت بو مسئولیت محدث ایدر . بوراده ایستر قوه اجرانییه حامللری ، ایستر قوه تشریحیه ممثللری ، ایستر حکام اولسون . مسئولیت تامه اساسی کرک اخلاق کرک فائده اجتماعیه نامنه تعیین ایلر . یالکز بو مسئولیتک نتیجه سنی ، یعنی جزاسنی - که بالطبع

نتیجه به اقتران ایتمک ضروریدر :

( ۱ ) برنجیسی ، بر مأمور ویا ملت وکیلک صلاحیتی تجاوز ایتدیگی حالدہ بر تأیید قانونی به یعنی بر جزایه چار بیلمسی .  
( مسئولیت جزائیہ )

( ۲ ) نجیسی ، بومأمور ویا وکیلک عزل ایدیله بیلمسی .  
( مسئولیت سیاسیہ )

انجق بوتقدیرده عزل صلاحیتی بومأمور ویا وکیله تودیع وظیفه ایدن قوته راجع اولور .

بناءً علیه منبع مأموریت ویا وکالت اولان قوت مأمور ویا وکیلک وظیفه مودوعه سی دائره سی تجاوز ایتمه مش اولمقله برابر اووظیفه نی فائده سز ویا ضررلی بر صورتده ایفا ایتدیکنی کوریرسه وبویله بر فائده سزک و مخاطرده دن قورقه رق تحرز مجبورتی حس ایدرسه بروجه بالا عزله صلاحیتدار اولالیدر . بشقه سی حسابنه ومحضا او بشقه سنک امر واراده سیله ایش کورهن مطلقا بالاده کی قانونه تابعدر .

یک منطقی اولان بو طرز استدلال فرانسه نک ۱۷۹۳ قانون اساسیسنده یر بولمش واو وقت بودستور سیاست وضع اولمش ایدی : « وظائف عمومیه نک حدودی بر قانون ایله صراحة تعیین ایدلمدیگی وکافه مأمورینک مسئولیتی تحت تأمینہ آلمدیگی تقدیرده تأمینات اجتماعیه حاصل اوله ماز » .

بونکله برابر علماً یک طوغری اولان بو طریق استدلالی



## مسئولیت مبعوثان و اعیان

دولتک ، حکمدارک و حکمداره اضافۀ حائز صلاحیت و نفوذ اولان و کلانک عالم مسؤلیتمده کی موقعلرینی تعیین ایتدکن صکره قوۀ تشریعیه نیک مسؤلیتمه ، قوۀ تشریعیه ارکاننک طرز مصونیتنه دائر معلومات و یرمک زمانی ککشدرد . بو مبحثدهده مسؤلیت سیاسییه بی مسئولیت جزاییه ایله مسؤلیت حقوقیه دن تفریق و اول امرده مسئولیت سیاسییه بی تدقیق ایده جکز . بوندن ماعدا قوۀ عدلیه نیک دخی قابلیت عزلیه معناسنده اولان مسؤلیت سیاسییه سنی مناسبت دوشمش ایکن پک مختصر صورتده ذکر ایده جکز .

۲۰۸ مطالعات عمومیہ — اولجه قانون طرفندن تعیین ایدمش بر خط حرکتی تعقیبه مجبور اولان کیمسه لارک یعنی مأمورلرک و کذلک ملت و کیلارینک یعنی آز چوق کیفی بر صلاحیته مالک اولان وبالخاصه ملتہ عطفاً اجرای حاکمیت و اصدار اراده و آمریت ایلیان ذواتک دخی قاعدۀ و منطقاً حصه مند مسؤلیت اولملری اقتضا ایدر . چونکه نهایت ملت و کیلی کندینہ عائد بر حقی دکل ، بشقه سنک حقی اجرا ایدیور . بویله بر ذاتک کندیسنه عائد اولمیان بر حقی اجرا ائناسنده بو حقی پامال و اولبابده کی صلاحیتی سوء استعمال ایتسندن تولد ایده جک تهلیکه دها بویوک اوله جغندن تولد ایتسی مقتضی اولان مسؤلیت ایکی

ایکنجی شق دها معقولدر هیچ کیسه ، حتی دولت دیکرینک ضررینه اوله رقی منتفع اوله ماز . دولت بدلی باشقه سنه تضمین ایتدیردیکی بر فاندینی مجانا تقبل ایده مز .

بوتفصیلات فرانسه کی مترقی بر مملکده بیله نظارک مسؤ . لیتلری بجه صریح بر شکل ویرلمه مش اولدیغنی ارانه ایتمکده در . بو نقصان قانونی بی ازاله ایچون مختلف زمانلرده تشبثات واقع اولمش فقط هنوز بر نتیجه حاصل اولمامشدر .

وکلانک انواع مسؤلیته درجه تابعیتلری حقنده بزده ده بر قانون موجود اولدیغنی معلومدر سعید پاشا قاینه سی بویله بر تصورده بولونمش ، فقط تصوری موقع اجرایه وضع ایچون وقت بوله مامشدر .

عادیه نك تماماً وظیفه دار اولدقلرینی سویله یور . واقعا محاکم عدلیه بر فعل اداره نك قانونیتی تصدیقه صلاحیتدار دکلدزلر آنجق فعل اداره دن « قابل افراز » بر فعلی تقدیره تماماً صلاحیتدار در لر بو « قابل افراز » فعل ایسه موجود در و تخصیصات اولمق سزین و یا تخصیصات حدودینك فوقنده صرفیات اجرایی ایشته بودیمکدر امامدینه جک که بو بر خطای اداریدر و بر محکمه عدلیه خطای اداری بی تدقیقه اهل دکلدر . بو طوغری دکلدر . خطای اداری ایله خطای شخصی آره سنده کی تفریق فائده سی شودر که اداره مأمور لرینك مسئولیتی انتاج ایدن یالکمز خطای شخصیدر . بوراده بر خطای اداری اولسه بیله قانونك بر صراحتیله بو خطا اداره مأمورینك مسئولیتی موجیدر چونکه شخصی بر خطا عد اولونمقده در قانون اونی فعل اداریدن تفریق و افراز ایدیور بناءً علیه محاکم عدلیه یه تابع اوله بیلیر . ذاتاً حال ایکیدن خالی دکلدر یا خطا فعل اداریدن قابل افراز دکلدر او حالده نهدن شورای دولت صلاحیتدار اوله مسون و یا خود بالعکس بو خطا فعل اداریدن قابل افراز در او حالده محاکم عدلیه شبهه سز صلاحیتدار در لر .

بومسئولیتك درجه و سعتی نهدر ؟ اوله بیلیر که مأذونیت خارجنده اختیار ایدیان مصرف دولت ایچون متمر اولمشدر . بناءً علیه مسئولیت مالیه توجه ایتدیکی تقدیرده بومسئولیت مأذونیت خارجنده کی کافه صرفیاتی استیعاب ایدر بوقسه بو صرفیاتك حاصل ایتدیکی نمره و قیمت لدی التزیل یالکمز باقیسنه می شاملدر ؟

نظراً آنجق حساباته موافقت و یا عدم موافقت کبی بیاناتده بولونمقله اکتفا ایدر . بر ناظره قارشو مستثنا اوله رق محکومیت قراری اعطا ایلمسی ایچون بر قانون مخصوصه احتیاج واردر .

لافه ریه ردن نقلاً موسیو ایسمه نك بالایه درج ایتدی کمز مطالعاتنه بالمله مؤلفلرجه اتباع ایدلمه مکده در . موسیو دوکوی بوفکری قبول ایتیمور . و ماذونیتی تجاوز ایدن ناظرلرک صرفیاتی حقننده دیوان محاسباتدن محاسبه قطعیه قانونی کلدیکی وقت مجلس مبعوثانک حق کلامی اولدیغنی سویله یور .

مجلس مبعوثان ویا اعیان اقامه دعوی ایدلمسنی رأس کارده اولان حکومتدن طلب ایتلیدر . حکومت رأساً بر دعوانی تعقیب ایدمز چونکه هر نه قدر ناظرلر پارلمنتونک قراری اولمقسزین صرفیات اجرا ایدمز لرسده بعض اجلاآت مستعجله و ضروریه سببیله ناظرلرک مجلسلرک قراری اولمقسزین بره صرف اختیار ایدمبیله جککری احوال ظهور ایدمبیلیر . شوشرطلدکه مؤخرأ مجلسک اجازتی استحصال اولونسون بناء علیه پارلمنتونک بومصرفی تصدیق ایتسنه امکان بر اقلیدر شو حالده اقامه دعوی مجلسلردن هیچ اولمازسه بریسی اجازت و تصدیقی دریغ ایتدیگجه واقع اوله ماملیدر .

ایشته بوصوله باش-ایان اقامه دعوی کیفیت هانکی محکمه ده تدقیق اولونه بیلیر . موسیو دوکوی متمدن برملکتده بودعوانی رؤیت ایدمبیله جک بر محکمه نك فقدانسه قائل اوله میور و محاکم

١٨٨١ - ٨٢ ده موسيو قايو نامنده كي ناظر لر حقنده مجلس  
 مبعوثان دفعاتله بومسؤوليت ماليه بي دعوت ايتمكه چالشمش و حكومتي  
 سالف الذ كر ناظر لر حقنده اقامه دعوايه سوق ايتش ايسه ده تشبثات  
 مذ كوره هب نتيجه سز قالمشدر. زيرا مسؤوليتك اساسنه هر نه قدر  
 كيمسه اعتراض ايتيور ايديسه ده احوال حاضره تشرعيه به نظراً  
 بودعوا حقنده اعطاي حكما ايدجك و محكوه يتي اصدار ايله جك  
 صلاحيتدار بر مرجع محاكمه بولق ممكن دكل ايدى . محاكم عاديه  
 حقوقيه صلاحيت عدليه ايله صلاحيت اداره نك تفريقي قاعده سنه  
 بنسأء بالطبع وظيفه دار اولامازلر . محاكم اداره ده وظيفه دار  
 اوله مازلر . چونكه شوراي دولت تخصيصاتك حديني تجاوز ايتمش  
 بر ناظر ويا ناظر سابق حقنده انجق ذمتي تين ايتديكي ويا  
 حساباتندن طولايي دوچار تعقيب اولمى لازم كلديكي تقديرده  
 مسؤوليت جهتنه كیده بيلير. ايمدى ذمتك تين ايتمى ويا بر حساب  
 ايچون تعقيبات اجراسى انجق محاسبه مأمورلرينه ، متعهد و ملتزم لره  
 و الحاصل طوغربدن طوغرى به حسابات و نقود دولته واضع ايد  
 اولانلره قارشو اولور . يوقسه اداره لرنده كي خطيئاتدن طولايي  
 دولتي اضرار ايتمش آمر اعطالره و دولت مأمورلرينه قارشو  
 دكل ... شوراي دولتك بونقطه ده كي تعامل حقوقيسى قطعيدر .  
 ديوان محاسباته كلنجه اونك ده صلاحيتي آمر اعطالره دكل محاسبه  
 مأمورلرينه شامل اولديغي معلومدر. ديوان محاسبات آمر اعطالره

مقصودن غیرى بر مقصد ایچون استعمال ایدر .

ناظرک بو کبی احوالده مسئولیت مالیه سنی تعیین ایتک ایچون ایکی احتمال دریش اولونمق لازم کلیر . برنجی احتماله کوره ناظرک بر حرکتی اساساً مستلزم جزا بر فعل ممنوع ، بر جنحه و جنایت در . او تقدیرده ذاتاً دیوان عالیجه حقدنه تعقیبات و محاکمات اجرا اولونه جفدن نتیجه حکمه کوره محاکم عادیه حقوقیده ضرر و زیان دعواسی اقامه سی طبعیدر . بو تقدیرده ناظر جزاء ده ، مالاً ده مسئول اولمش اولور .

فقط اک زیاده حقوقشناسانی مباحثات و مناقشاته سوق ایدن ایکنجی احتمالدر ، یعنی ناظرک اداره سندن دولته عارض اولان ضررلرک اساساً جزا تهدیدی آلتنده اولیان بر فعل و حرکت اولمسیدر .

بوراده ده اک بسیط بر محاکمه ناظرک مسئولیت مالیه یه تابعیتی استلزام ایدر مع مافیله ناظر طرفندن اجرا اولونان - و تضمیناتی انتاج ایدن - فعل بر فعل اداری اولدیغنه کوره عجباً بالاده افرادک مطالب و مدعیاتی بجمنده تفصیل و تشریح ایتدی کمز قواعد ینه وارد اولیه جقمی ؟

بونک ایچون موسیو ایسمه نک بو بجمه متعلق مطالعاتی نقل ایدلم :

« ۱۸۲۹ ده موسیو پهرونه ، ۱۸۲۳ ده موسیو دو مونتهل ،

( عزل اولونه بيلمکه برابر) مسئول اوليان جهت عدليه مأمورين و حکامنه تشبيه اولونيور . حاکم بوخطبانک نتايجنه دوچار اولان طرفک دعواسنه معروض اولماز مکرکه اشتکا عن الحکامده اولدینی وجهله قانون کنديسني استثناء و صراحةً مسئول طوتسون بو نظريه يه کوره اداره مأموري ده بويله اولمق لازم کليور. مأمورك فعانی قابل ابطال قيلان خطای فعلی و يا حقوقی کنديسني اصلا ضرر و زيان دعواسنه معروض قيلماز. بونک ايچون فضله برشيته احتياج واردر . برده بويله بر مسئوليت استثنایه انجق محاکم طرفدن تعيين ايديله بيلير . بونکله برابر لافهريه رک بو نظريه سي حقنده بعض شهه لر اظهاری ممکندر . حاکمی صيانت اي دن عدم مسئوليت قاعده سنی اداره مأمورينه تشميل ايتک جرأتکارانه برادعا اوله بيلير . انکلير قانونی بوايکی نوع مسئوليت اره سنده عمیق برفرق تعيين ايتمش، یعنی مأموری دائماً مسئول و حاکمی دائماً تماماً غير مسئول عد ايلش اولدینی کبی فرانسه قانونی ده مأمورلر حقنده صريح و قطعی بر اصول حمايه تشکيل و تأسيس ايله مشدر .

٢٠٧ وکلانک مسئوليت مالیه نی : دولته قارشو وکلانک برده مالاً بر حساب ویرمه که مجبوریتلری، بر مسئولیت مالیه لری واردر . بو مسئولیت بر وجه آتی اسبابدن تولد ايده بيلير :

ناظر کنديسنه اصولاً کشاد ايدلش اولان تحصيلات حدینی تجاوز و يا خود بو تحصيلاتی قوه تشریعیه نك وضع ايتدیکی

بر حائل وضع ایتمز . فقط عجباً حقوق اداره‌ده بو دعوایه مانع بر شی یوقیدر ؟ . . . صلاحیت اداره ایله صلاحیت عدلیه‌نک یکدیگرندن تفریقی قاعده‌سی هنوز زائل اولمامشدر . بو قاعده تفریق فرانسه حقوق عمومی و سیاسی‌سنک مناسبی تشکیل ایدر ، و بونی رفع ایتمک امور حقوقیه‌ده تشوش عظیمی موجب اولور . ایمدی بر ناظرک مدار مسئولیتی اوله‌جق فعل ، غیرم شروع و یولسز اولمق محتمل اولمغله برابر همان دائماً محاکم عدلیه‌نک رؤیتنه صلاحیتدار اولدقلری بر فعل اداریدر ، محاکم عدلیه انجق صرف شخصی و وظیفه و مأموریتک ایجابندن قابل فک بر فعل قارشوسنده - که پک نادر اوله‌بیلیر - حائر صلاحیت اوله‌بیلیرلر . ایشته بوفرضیه نادره‌دن صرف نظر ایدیلورسه فرد ناظرک فعلندن طولایی محکمه اداره‌یه مراجعه مجبوردر . تا که بو محکمه بوفعلک ماهیتی تقدیر و ایجابنده ابطال ایده‌بیلسون انجق بو طریق تعقیب ایدلدکن صوکره ناظرک فعلی اداره دخی یولسز و کآن لم یکن اولدینی بیان ایدیلورسه او تقدیرده ضرر و زیان دعواسنه سربستهجه مباشرت اولونه‌مازمی ؟ بوده قطعی و محقق دکلدرد . . زیرا لافدریه‌رک ماهرانه بر نظریه‌سی موجبجه - که انجمن اختلافجه نظر دقتسه آلمش کورینور - بر مأمور اداره‌نک غیرقانونی ، باطل و یا ممکن الابطال هرهانکی بر فعلی کندیمی علیه‌یه بر مسئولیت حقوقیه و نقدیه‌یه محل ویرمز . اداره مأموری ویردیکی حکملرده کی فعلی و یا حقوقی خطیئاتندن طولایی



حقیقته مجلس مبعوثانجه بر اتهام ویا - وکلا محاکم عادیه جزائیه ده دوچار تعقیب اولایلملرینه نظراً - محاکم عادیه ده بر حقوق عمومیه دعواسی سبقت ایتمه مش ایسه فرد حق شخصیسنی اقامه ایتمک صلاحیتدن محروم اوله جقمی ؟ هیچ کیمسه غیرک فعل غیرمشروعندن متضرر اوله میه جفندن افرادک هیچ بر حقوق عمومیه دعواسی سبقت ایتمه مکله برابر وکلایه قارشو حقوق شخصیه لرینه حاکم وناظم اولدقلرینی فرانسه نك اکثریت مؤلفینی تصدیق ایتمکده درلر . متضرر اولان هر شخصک ضررینی تضمین ایتمکده درمی حقوق شخصیه نك مقتضاسیدر [۰]

مع مافییه بو نقطه ده دخی تطبیقات اعتباریله بعض مشکلات ظهور ایتمکده در . موسیو ایسمه ن بوکا دائر شو مطالعاتی سرد ایدیور :

« حقوق اساسیه وکلایه قارشو ضرر و زیان دعواسنه هیچ

[ \* ] رومانیا ده ۱۹۱۲ ده بر ناظرک مسئولیت مالیة سیله نتیجه نین مهم بر دعوی وقوعه کادی . بکرش تراموی قومپایه سنه ویریلن امتیازی محافظه کاران فرقه سنه منسوب بلدییه وبلدییه نك فکرینی ترویجاً محافظه کار داخلیه ناظری کیری آلمق ایسته مش ، حتی بونک ایچون مجلس مبعوثانه بر قانون مخصوص قبول ایتمیش ایکن منازع فیه مسئله ذاتاً وضع ید ایتمش اولان محکمه بدایت مذکور قانونک قانون اساسیه مخالف اولدیغنی بیان و محکمه تمیزده بو رایه اشتراک ایتمش ، فضله اوله رق تموزده استیناف محکمه سی ناظر موسی الیهی مذکور تراموی شرکتته ( ۵۰۰ ) بیک فرائق ضرر و زیان اعطاسنه محکوم ایلشدر .

فی الحقیقه فرانسه اختلال کیرنده جاری اولان فکره کوره  
مجلس ملینک اتهامه متعلق امرنامه سی اولمدجه وکلا افرادک ضرر  
وزیان متعلق دعوالرینه معروض اولمازلر ...

شوحالده افراد کندی اختیارلریله وکلانی مسؤل قیله مازلر .  
نهایت اولسه اولسه مجلس مبعوثانه مراجعتله اونک واسطه سیله بر  
اتهامنامه الده ایستدکن صوکره دعوای جزائی یه تبعاً دعوای شخصی  
درمیان ایده بیلیرلر .

بونکله برابر حال حاضرده وکلانک مسؤلیت جزائیله لری  
اختیاری اوله رق کاه دیوان عالیده کاه محاکم عادیده تعین ایتمکده  
( دها اولکی مبحثه باق ) اولدیغندن متضرر اولان اشخاص  
دعوای شخصیلرینی زرده اقامه ایتمک صلاحیتداردر ؟ اعیان  
برمجلس سیاسی اولدیغندن صرف حقوقی بر دعوایی بالطبع رؤیت  
ایده من بناء علیه حکم جزائی یی ویردکن صوکره متضرر اولانلری  
محاکم عادیه حقوقیه به سوق ایدر . آنجق وکلا محاکم عادیه  
جزائیله ده دوچار تعقیبات و محکومیت اولمشلر سه ( که بزم قانون  
اساسیمزه کوره جزا اعتباریله بوجهتک وارد اولدیغنی یوقاریده  
کوردرک ) اوتقدیرده هر نه قدر فرانسه قانونلرنده بر صراحت یوق  
ایسه ده حقوق شخصیله اقامه سنه متعلق قواعد عمومیه یی تطبیق  
ایتمه مک ایچون بر سبب یوقدر .

مع مافیله بو تضمینات و ضرر و زیان دعوالری هب تعقیبات  
جزائیله نک بر فرع و نتیجه سی عد ایدیلور . عجیباً وکلا

اولماق لازمدر . على العموم مأمورلر مسئوليت اصله تابع اولدقلرى حالده وکلانک استئنا ايدلمسى بالطبع عقلمه کله من . بو مسئوليت باشليجه ايکي صفحه ارانه ايدر :

في الحقيقه وکلانک مسئوليتي يا على العاده افراده قارشو اولور ويا دولته قارشو ...

قانون اساسيمزده وکلانک افراده قارشو مسئوليت ماليه لري حقه بر قيد وصراحت يوق ايسه ده کړک على العموم مأمورلرک مسئوليتلرينه متعلق بر ماده نك وجودي وکړک قاعده عموميه مدنیه مزده وکلانک مسئوليتي بچمنده بر استئنا وضع ايدلمه مش اولسي قاعده عموميه مسئوليتک وکلا حقه ده لزوم جرياني کوسته رير . آنغولوساقسون اقوامي افرادک مأمورلردن ضرر وزيان و تضمينات طلب ايتلمري قاعده سني پک ايلري کورتور مش اولدقلري حالده فرانسه ده و بزده بوکام متعلق نظريات علميه هنوز تدوين وساحه اجرا و تطبيقه وضع ايديله مامشدر . مثلا فرانسه ده الان افرادک ضرر وزيان و تضمينات طلب ايتلمري وکلانک اولجه مجلس مبعوثان طرفندن اتهام و مجلس اعيانجه محکوم ايدلملرينه وابسته اولديغني ترويج ايدن مؤلفلر واردر . [١]

[١] وکلانک مجلسلرجه تعين ايدن مسئوليت سياسييه و جزائيه سي خارجنده اولوق اوزره برده محاکم عاديه بعايد و کنديسي متضرر عدايدن هر هانکي بر شخصک استدعاسي اوزرينه بو محاکمک وظائف نظارتک جريانه وضع يد ايتلمريني مستلزم ديگر بر نوع مسئوليتک بولونسي فکريني بوتون امثال سابقه تشريعيه رد ايدر . ( لافه ريه ر )

پروسیادهده مجلسلردن برینک و کلا حقیقه کی آتہامی اختیاریدر مجلسلردن بری قانون اساسی بی الغایه تصدی و ارتکاب و خیانت جرملرندن طولایی و کلا بی آتہام ایده بیلیر فقط آتہامک درجہ مشروعیتی تعیین ایتمک محکمہ تمیزه عأددر .

یونانستانده مجلس مبعوثانک تمیز و استیناف رؤسا و اعضاسندن قرعه ایله افراز اولونمش ۱۲ کشیدن مرکب بر دیوان عالی حضورنده آتہامه حق واردر .

شو ایضاحات مختلفه همان هر مملکتده و کلانک وظیفه لرینه تعلق ایدن اموردن طولایی مسئولیت جزائیہ لرینی تعیین ضمننده قواعد استثنائیہ یه تابع اولدقلرینی بالغاً ما بالغ ارانه ایدر .

۲۰۶ کلانک مسئولیت مالیه سی : افراد قارشو . — و کلانک وظیفه و مأموریتلری داخنده کی افعالدن طولایی مسئولیت مالیه و حقوقیه لری قاعده سی ده بر حقیق علمیه اولمق اوزره قبول ایدنکده در اول امرده شوراسنی سویلک لازم کلیرکه و کلانک شخصلرینه و ذاتلرینه عأد افعالک مسئولیت مالیه و حقوقیه سی کاملاً کنیدلرینه عأددر و بو خصوصده افراددن قطعاً فرقلری یوقدر . کذلک شونی ده شمیدن بی ان ایتمک اقتضا ایدرکه و کلانک داخل دائره وظیفه لری اولان افعالدن طولایی مسئولیت مالیه و حقوقیه لری هر حالده غیر مشروع و غیر قانونی بر حرکتده بولونمش اولملرینه وابسته در .

و کلانک مسئولیت مالیه بحثنده علی العاده مأموریتدن فرقلری

حتی ۱۸۹۱ ده «دره نفوس» مسئله سنده دیوان حرینی تضییق ایتمکله مهم اولان حربیه ناظری جنرال مرسیه نیک دیوان عالی یه سوقی ایچون وکلا طرفندن مجلس مبعوثانک نظر دقتی جلب یوللو واقع اولان تکلیفی بیله بالاده کی مطالبه یه بناء مسموع اوله نامشدر . وکلانک وظیفه لرندن طولایی محاکم عادیه ده محکوم ایدلدکلرینه فرانسه ده بر مثال واردر : عدلیه ناظر سابق لرندن موسیو باهیو پارس محکمه جنایتنده ارتکاب تهمتیله محکوم ایدلشدر .

ایتالیا و اسپانیاده مجلس مبعوثانک ناظرلری اتهام و دیوان عالی یه سوق ایتمکله صلاحیتی واردر . اسویچرده خیانت ، عصیان و هیئت متحده یه قارشو اعمال جبر و شدت و مسایحاً واقع اولان اغتشاشدن متولد جرائم و حنایات سیاسیة اعضاسی مجلس اعیان طرفندن منتخب فده رال مجلسنک دائرة وظیفه و صلاحیتنده در .

بلجیقاده مجلس مبعوثانک حق اتهامی و محکمه تمیزک صلاحیت حکمیة سی واردر شه و قدرکه قوانین جزائیة ده مصرح احواله خال کلامک اوزره جزالر قلعه بندلکی تجاوز ایده منز .

فلمنکده مبعوثان و اعیان اعضاسی ، وکلا ، والیر بویوک مأمورلر محکمه تمیزه تابعدرلر محکمه تمیز اعضاسی مجلس مبعوثان طرفندن منتخب برجدولدن مفرز ذوات آره سنده بااراده قرالی نصب اولونورلر تعقیبات مجلس مبعوثانک امریله قرالک نامنه اجرا ایدیور .

جرأئمن طولاییده محاکم عادیه به تابع اولورلرسه دیوان عالیده وکلایه متعلق هیج بر صفت وصلاحیت قلامش وبنام علیه قانون اساسی عبثه اشتغال ایتمش اولور مگرکه دیوان عالی وکلایه تعلق ایدن مسائله منحصرأ وکلانک قانونه تماشای اتمهین افعالی محاکمه و غیر قانونی مقررات اعطایله . . که بوده دیوان عالی بی وکلایه نظراً بک عجیب بر موقع قانون شکنانه به وضع ایتمش اولور بو فکرک بطلاتی یوقاریده ارأه ایتدک .

مع مافیله بعض مملکتلرده بو مرجعیت محاکمه اوقدر صریح دکدر . امریقاده دیوان عالی وظیفه سنی اجرا ایدن هیئت اعیان رئیس جمهوری، رئیس جمهور وکیانی و بویوک مأمورلری مجلس مبعوثانده - اتهام ایلدکدن صکره - ثلثات اکثریتله محکوم ایده بیلیر. فقط بو محکومیت مأموریتدن انفصالی و امریقا حکومتنده شرفلی و معتمد بر موقع و مأموریت احرازینه ممانعتی تضمن ایدریوقسه محکوم، محاکم عادیده تعقیبانه و مستحق اولدینی جزایی کورمه آریجه معروضدر.

فرانسه ده ناظرلر مجلس مبعوثان طرفندن تحت اتهامه وضع اولونه بیلیر و اوقتدرده اعیان طرفندن محاکمه ایدیلورلر . دیمک فرانسه به نظراً وکلایی امور موکوله لرندن طولایی هیئت اعیانه سوق ایتمک مجبوری دکل اختیاریدر و اتهام وظیفه سی منحصرأ مجلس مبعوثانک وظیفه سی عد ایدیلدرک وکلانک تکلیفی اوزرینه مجلس مبعوثانک صفت اتهامیه اکتساب ایتمک مجبورتی یوقدر .

غفلتی برناظر دین صادر و مملکت ایچون وخیم نتایجی شامل اولورسه  
دها شدید بر عاقبت جزاییه - فقط اولجه قانونده یازلمش اولوق  
شرطیه - اقتران ایتدیر یله بیلیر ، علی العاده افراد ایچون قباحت  
ویا جنحه عد اولونان منہیات ویا مأموراتدن بری ناظر موضوع  
بخت اولونجه جنایت ماهیتنی اکتساب ایدیه بیلیر . فقط قانونده  
اولجه بونک بویله اولدینی ذکر ایدلک شرطیه ..

۲۰۵ امور جزائیهده وکلانک مرجع مسئولیتی . — وکلانک  
وظیفه لرندن متولد مسئولیت جزائیه لرینک مرجع محاکمه سی  
دیوان عالیدر . قانون اساسینک ۳۳ نجی ماده سنک مفهوم مخالفی  
بوننی کافی درجهده صراحتله بیلدیریر . فکر عاجزانه محجه وکلایی  
مأموریتلری انساننده ارتکاب ایتدکاری جراثمدن طولایی محاکم  
عادیه محاکمه ایدیه مزو محاکمه بی خارجه از وظیفه عد ایتدکه مجبوردر  
« وکلانک مأموریتلرندن خارجه و صرف ذاتلرینه عائد هر نوع  
دعاویده » محاکم عمومیه به تابعیتلری وکلانک مأموریتلری داخلنده  
وذاتلرینه غیر عائد هر نوع دعاویده دیوان عالی به تابعیتلرینی بالغا  
مابلق افهامه کفایت ایدر . ذاتاً ۹۲ نجی مادهده دیوان عالی نیک  
وظیفه سی « وکلایله محکمه تمیز رؤسا و اعضاسنک وذات و حقوق  
شاهانه علمیه حرکتیه ودولتی مخاطره به القایه تصدی ایدنلرک  
محاکمه سیدر » دینلمسی ده بومطالعینی تمامینه مؤیددر .

عکسی ذاتاً وارد خاطر اوله ماز : جراثم عادیه لرندن طولایی  
ذاتاً محاکم عادیه به تابع اولدقلری حالده مأموریتلرینه متعلق

اولیٰ اوزره - امثال دکل - فقط قانونی صراحتاً موجوددر .  
 ۱۷۹۱ ، سنه ۳ ، ۱۸۴۸ قانون اساسی دیوان عالی به قانونده  
 مندرج اولیان افعالدن طولانی جزا تعیین اتمک صلاحیتی  
 ویرمه مشایدی .

دیوان عالی بر محکمه فوق العاده غیر قانونیه شکلنه افرای اتمک  
 ایسته یئرلرک ک قوتلی دلیلری عقلدن زیاده حسی مخاطب عدايدر .  
 بعض خطیئات واجتهادات سیاسیسی سببیه خارجی بر حربک  
 ویا داخلی بر اختلالک اوکنی آلامیان ویا بر غفلتی ساقه سبیه  
 مملکتیه بک مضر بر معاهده نامه قبول ایتدیرن بر ناظر حقنده  
 قانون سا کتدر دیه هیچ بر جزا تعیین اتمه مک اکثریا وطنرورلرک  
 قلبنی عصیانه سوق ایدر . فقط مسائل حقوقیه بی تمایلات حسیه  
 ایله حل اتمک امکان یوقدر . خطیئات سیاسیته نك اولجه کشف  
 و تخمیننی ممکن اولماق ، اولجه ناظرلرک مأموریتلرندن لاینفک  
 بعض احوال و افعالدن بعض اجرا آدن و حتی بعض اجرا آتمز -  
 لکارندن طولانی مسئولیت جزائیله لرینی صرح احکام قانونیه وضع  
 ایدمه مک ظلم ایچون و قانونسز بر جزا حکمی ایچون سبب  
 و معذرت اوله ماز .

مع مافییه بک مشروع اولان بوقیل حسلری تطمین اتمک ده  
 بوس بوتون بعیدالامکان دکلدر و کلانک مسئولیت جزائیسی حقنده  
 ممکن مرتبه مفصل قانونلر یا بیلیمق لازمدر: علی العاده بر مأمورک



اعیاندن عبارت دکدر . کرك دولت عثمانیهده و كرك دها دیگر بعض ممالکترده دیوان عالییه ممکن مرتبه عدلی وقضائی بر صفت اعطاسنه چالیشیلمشدر . بزده کی دیوان عالی اونی هیئت اعیان ، اونی شورای دولت و اونی محکمه تمیز واستیناف رؤسا و اعضاسندن قرعه ایله تعیین وتفریق اولونمق اوزره حقیقی بر محکمه در . هیئت اتهامیه سنه کلنجه اوده مجلس مبعوثان کی ماهیتی صرف سیاسی اولان بر هیئت دکدر . دائرة اتهامیه طقوز اعضادن عبارت اولوب بونک اوچی هیئت اعیان و اوچی دیوان تمیز و استیناف و اوچی شورای دولت اعضاسندن دیوان عالییه آنه جق اعضا ایچنده قرعه ایله انتخاب اولونور .

بو ایضاحات دیوان عالی نك بر محکمه سیاسیه و بناء علیه قوانینه حصر و درجی ممکن اولمیان بی حد و بی حساب افعال و ایجابات سیاسیه نك جزا تهدیدی آلتده حاسمی و حاکمی اولدیغنی بالغاً مابلغ کوسته ریر .

بعضلری دیوان عالینک هیچ بر قانون جزا ایله مقید اولدیغنی اثبات ایچون فرانسهده ظهور ایتمش بروقه بی مثال اوله رق ایراد ای دیورلر . ۱۸۳۰ ده کی تموز انقلابی متعاقب بو انقلابه سببت ویرن او تنجی شارلک و کلاسنی تعقیب و محاکمه ایتمه که لزوم کورلیدی . فی الحقیقه بونلر قانوناً مصرح بر جرماری تین ایتدیگی حالده محکوم و دوچار مجازات اولدیلر . انجق ینه فرانسهده بونک عکسنه

قدر کیدلسی نظریات جزایه نك ادرا کنه امکان اولدینی قرون وسطا اعصارنده قابل تصور اوله بیلیرایدی . فقط شمدی بر طرفدن مسئولیت وکلانک سیاسی و جزائی قسملرینی یکدیگرندن تفریقه امکان حاصل اولدقندن و قواعد جزایه بودرجه تکملات کوردکدن سوکره « جنایات نظار » نامیله ماهیتی غیر معلوم و غیر مسبوق و قانونندن خارج جنایتلرک وجودینه قائل اولمق عبئدر .

۲۰۴ مناقشه . — برنجی نقطه نظری — که بحق غدارانه عد ایده بیلیرز — قبول ایدنلر آمپه شمان اصولنک بر اتمش اولدینی ایزلردن آریله میورلر واقعا دیوان عالی مؤسسہ سی بیله آمپه شمان اصولندن مأخوذدر . فقط دیوان عالی اورادن اقتباس اولونمقله اونک قواعد عمومیه حقوقیه مخالف اولان صلاحیتلرینی ده اقتباس ایتک لازم کلز . آمپه شمان اصولنده کی شدت وحتی ظلم صریح انکلترده بیله بعض تقیداته دوچار ایدلسنی وحتی فعلاً متروکیتی انتاج ایتشدر . شو حالده کنندی مملکتنده بیله ایشلیه میه جک بدرجه عطالته اوغرامش بر اصول سخیفه و متروکینی هر طرفه نشر و تعمیم ایتک معناسزدر .

دیوان عالینک سیاسی بر ماهیتده اولسی بر محکمه سیاسییه و بناء علیه بر محکمه کیفیه اولسنی انتاج ایتز . اساساً هر یرده دیوان عالی فرانسه ویا آمریقاده اولدینی کبی صرف بر هیئت سیاسییه و مثلاً هیئت آتہامیہ سی مجلس مبعوثان اولمق اوزره مجلس

بوترز تلقی قبول ایدلیدیکی تقدیرده دیوان عالی وظیفه سنی  
 یابان اعیان مجلسنک شایان تجزیه افعالی تعیینه صلاحیتی اولدینی  
 کبی بوافعال حقنده کی جزالری ده تعیین خصوصنده مآذونیت کامله یی  
 حآزدر . بترامهن قونستان دیورکه: «مسئولیت نظارقاعده سنک  
 ماهیتی حکامه جزایی تطبیق وحتی جزایی انتخاب و تعیین مجبوریتی ده  
 تحمیل ایلر .»

۲ — وکلانک وظیفه لرینه متعلق افعال جنایه لرینک جزایی  
 بحثنده دیگر بررأی دها واردرکه بزجه دها معقولدر بوایکنجی  
 رأی قواعد عمومیه جزایشه دن استعانه ایدر اولجه برقانونده  
 ممنوع ومستلزم جزا اولدینی . مصرح اولمیان بر فعل ایچون جزا  
 ویرلمز . کرك بر فعل مأمور بهك عدم ایفاسنه و كرك بر فعل ممنوعك  
 اجراسنه عأد جزالر قوانینده اولجه نشر واعلان اولوملیدر . .  
 بوقاعده حریت شخصیه نك الفباسیدر .

عثمانلی قانون اساسینک اونجی ماده معدله سی بوبابده يك  
 قطعی حکمی محتویدر : « برحریت شخصیه هر درلو تعرضدن  
 مصوندر . هیچ کیمسه شرع وقانونك تعیین ایتدیکی سبب وصورتن  
 ماعدا بر بهانه ایله توقیف و مجازات اولونه ماز » وکلانک بوماده ده کی  
 « کیمسه » قیددن استثناء ایدله میه چکی طبعییدر . علی العاده افراد ایچون  
 قانون اساسینک وضع ایتدیکی تأمیناتدن استفاده ممکن اولدینی حالده  
 نظارك نوعما خارج از قانون قلمی وقانونده . مصرح اولمیان  
 احوال و افعالدن طولانی ده مسئولیت جزایشه لرینه وحتی اعدام لرینه

جزاسی موجودایسه - حکم ایده بیلیر .

بحث مخصوصنده تفصیل ایتدیگمز آپه شمان اصولنک بقایاسی اولان بو طرز تلقی بی مؤلفلر بروجه آتی ایضاح ایدیورلر :  
بویابده اکیلری کیدن مؤلف حقوق اساسیه بی فرانسه ده اک اول  
تعلیم و تدریسه موفق اولمش اولان متوفی به نزامن قونستاندرکه  
خلاصه رأی شودر :

وکلانک مسئولیتلری برحق قانونینک سؤاستعمال ایلمسنه  
معظوفدر . بناء علیه حقمن و یا حسن اداره ایلمه مش برحرب ، ایجاب -  
حالك صولك درجه ضروری قیلمدیغی فدا کارلقلری محتوی برصلح  
معاهده نامه سی ، یولسز معاملات مالیه ، اداره عدلیه یه بوزوق  
ویا مهلك اشكال ادخالی ، الحاصل قانوناً مجاز اولمقله برابر ملت  
ایچون وخیم ویا افراد ایچون مضرو و مزعج هر هانکی صلاحیتک  
بر منفعت عمومیه ملاحظه سی اولمدیغی حالده استعمالی . . ایشته  
مسئولیت جزاییه نك دائرة شمولنه داخل اولان خصوصات . .

مؤلف مشهورك فکرینه کوره نظاره خاص ، یعنی مجلس  
مبعوثانده اتهامی و دیوان عالیدن حکمی تضمن ایدن مسئولیت  
جزاییه منحصرأ بوکی احواله مختصدر . اصل جرائم یعنی  
قانون جزاده جرمیتلری و جزالری مصرح اولان افعالک -  
نظاردن صادر اولدیغی تقدیرده - محاکم لری محاکم عادیه  
جزاییه عاندر .

اولا بیلیرلر؟ ثانیاً بوجز الرک تعییننه هانکی مرجع و محکمه وظیفه دارد؟

برنجی جهت ظاهراً بک بسیط اولدینی حالدہ بالعکس کرک فعلیات و امثال وادیسندہ و کرک نظریات علمیه نقطه نظرندن بک چوق مناقشاتہ سببیت و یرمکده در . بوبادہ باشلیجه ایکی رأی متخالف واردر که بروجه آتی خلاصه اولته بیلیر:

۲۰۳ ایکی نقطه نظر . — ۱ وکلانک محاکمہ سی دیوان عالیہ جریان ایتدیکی تقدیرده دیوان عالی بر محکمه ماهیتندہ اولمقله برابر بر هیئت سیاسیہ ماهیتی غائب ایدہ مدیکندن قانون جزاده مصرح اولان افعال ممنوعه دن طولایی وکلانک مسؤلیتی تعیین اقتدارینی حاز اولدینی کبی . که بوجهت بک طبیعیدر — قانون جزاده مندرج اولیان و بناء علیه قانوناً ممنوع عدایدلمین افعالدن طولایی ده وکلانک مجرمیت و محکومیتنه قرار و یره بیلیر . بو خصوصدکی صلاحیتی صووک درجه و اسعدر . وکلایی یالکز دولت ایچون مضراولان هر هانکی فعللرندن طولایی دکل ، خطائرنندن ، اهماللرندن ، یا ککش تدبیرلرندن طولایی ده — هیچ برینه متعلق برصراحت قانونیه موجود دکل ایکن — تماماً مسؤل طوتار ؛ اودرجه ده که قانونده جرمیتی مذکور اولیان بر فعله جرم ماهیتی بخش ایدہ بیلدیکی کبی بو صورتله احداث ایتدیکی جرمک جزاسنی ده کندیسسی تعیین و بوجزایی ایستدیکی مقداره ابلاغ و تشدید و حتی جزای اعدامی بیله . — اکر او مملکتده سیاسی جرملرندن طولایی اعدام

صراحت ایسه بالعکس وکلانک جرائم عادیه دن دولایی محاکم عادیه تابعیتلری مرکزنده در . قانون اساسینک ۳۳ نجی ماده سی قطعیدر : « مأموریتلرندن خارج و صرف ذاتلرینه عائد هر نوع دعاویده وکلانک سائر افراد عثمانیه دن اصلا فرقی یوقدر بوئللو خصوصاتک محاکمه سی عائد اولدینی محاکم عمومیه ده اجرا اولونور . »

وکلا وظیفه لرینک حین ایفاسنده بیله وظیفه لری خارجنده بر جرم ارتکاب ایدر لرسه بالاده کی ماده نک شموله تابعدر لر . برده وکلانک وظیفه لری خارجنده کی دعاویدن طولایی محاکم عمومیه سوقتی آمر اولان ( ۳۳ ) نجی ماده عینی زمانده وکلانک وظیفه لری داخلنده کی دعاویدن طولایی محاکم عمومیه تابع اولدقلر . یعنی نتیجه اعتباریله پک صریح اوله رق کوستر مشدر .

۲۰۲ وکلانک مأموریتلرندن متولد مسئولیت جزایه . — وکلانک یالکز امور عادیه دن طولایی دکل مأموریتلری حسبیلده مسئولیت جزاییه معروض اولدقلری عثمانلی قانون اساسینجه مصدق اولدینی کی دیگر دولتلر قوانین اساسیه سنده ده مصر حددر . انجق وکلانک بو مسئولیتنده کی ماهیت مؤلفین اره سننده عینی تاقی به اوغرامامش اولدینی ایچون بوبابده بعض ایضاحات ویرمک ضروریدر .

بوبابده کی اختلاف باشلیجه ایکی نقطه نظره تعلق ایدر : برنجیسی وکلانک کی احوال دن طولایی جزاء مسئول ونه کی جزالره معروض

مصرح و موضح اولق قواعد عموميۀ جزائيه دندر. محاكم عاديۀ دن. غيري محاكمه تابع اولق ايچون قانونده بر صراحت بولونمق لازمدر. مثلا مأمورلرك محاكم اداريه تابعيتي صراحتاً ذكر ايدلمديكي تقديرده محاكم عاديۀه تابعيتلري حقيقتي - آيري بر تصريحه حاجت قالمق سزین - كنديلكندن تين ايدر و كلانك ديوان عاليه سوقده عيني قواعد عموميۀ جزائيه دائره سنده قالمق ضروريدر. واقعا عثمانلي قانون اساسيسنك ٩٢ نجى ماده سى ديوان عاليدين بحث ايدر ايكن «وظيفه سى و كلايله محكمۀ تميز رؤسا و اعضاسنك و ذات و حقوق شاهانه عليهنده حر كته و دولتي مخاطره به القايه تصدى ايلينلرك محاكمه سيدر. «دينلرك و كلانك مرجع محاكمه سى على الاطلاق ديوان عالي اولق لازم كله چكي استدلال اولونور ايسده بوماده و كلانك مرجعيتي ذكردن زياده ديوان عاليك صلاحيتي تعيين سددنده وارد اولمشدر. ديكر طرفدن ٩٥ نجى ماده موجبجه ديوان عاليك حكملري قابل استيناف و تميز دكلدر دينلمش اولوب بو ايسه ديوان عاليه سوق اولونه جقلرك لهنه دكل عليهنه بر تقيدى تضمن ايدر. على العاده افرادك جرائم عاديۀ دن طولاني استيناف و تميز صلاحيتلرندن مستفيد اولدقارى حالدۀ و كلادن بولونانلرك بو تأمينات قانونيه دن محروم اولملري - صراحت كافيۀ موجود اولينجه - بالطبع وارد خاطر اوله ماز .

مسئولیت وکلا ۶۰۷

اولونہ میہرق ۳۵ نجی مادہ منحصرآ فسخ احتمالی درپیش ایدر  
بر مادہ حالنہ وضع اولونمیش و مسئولیت وکلا بجئی ۳۸ نجی مادہ  
ایلہ لزومندن زیادہ صریح برشکلہ افراغ اولونہرق قانون اساسی نک  
ہیئت عمومیہ سنہ مع التأسف بر عنصر تشوش و بر آہنکسزک وضع  
ایدلمشدر .

۲۰۱ مسئولیت جزائیہ وکلا . — وکلاسیاسہ مسؤل اولدقلری

کبی جزاء دہ مسؤلدرنر . مسئولیت سیاسیہ مسؤلیت جزائیہ احتمالاتی  
تخفیف و تنقیص ایتمش اولمقلہ برابر ( آمپہ شمان بحثنہ مراجعت ۱۹۶ )  
وکلائک مسئولیت جزائیہ لری بر طرف اولمش دکلدر . وکلائک  
مسئولیت جزائیہ لری باشلیجہ ایکی نقطہ نظر دن تدقیق اولونہ بیلیر:  
(۱) جرائم عادیہ ، (۲) وظیفہ و مأموریتلری حسیلہ ارتکاب  
ایلدکلری جرائم ..

جرائم عادیہ دہ وکلائک علی العادہ افراد دن ہیچ بر فرقی  
اولماق لازم کلیر . فرانسدہ رئیس جمهور ایچون بر استنا موجود  
اولدیغنی کوردک . واورادہ رئیس جمهور جرائم عادیہ دن طولایی  
دخی دیوان عالی یہ سوق اولونور انجق کرک اورادہ ، کرک ممالک  
سارمده قاعدہ عمومیہ وکلائک جرائم عادیہ لرندن طولایی محاکم  
جزائیہ دہ تعقیب و محاکمہ اولونملری مرکز ندہ در قاعدہ مساواتی  
اخلال ایدن مہرمانکی بر امتیاز استثنائی (لہدہ اولسون علیہ دہ اولسون)



ماضي به يعنى حكومتك اساساً ياپيلمش بتمش اجرا آتبه تعلق  
ايد بيلير ايدى .

شو حالده قاينه يي ياپمش اولدني بر حر كتن طولايي تخطئه  
ماضي به راجع اولدني ايجون بو ماده نك شموله كوچ كيرر  
ايدى .

بو تفصيلاتدن شو نتيجه لرى چيقاره بيليرز : اولاسي قانون  
اساسي موجبنجه و كلانك افعال و حر كات واقعه و ماضيه لر نندن  
طولايي استيضاح اولونملرى ممكن ايدى . فقط بو حق مراقبه  
نا تمام و قوه تأييديدن محروم ايدى . بناء عليه مراقبه  
اولونه بيلمك اعتباريله مجلس و كلانك مجلس مبعوثان حضور نندن  
چكلمسى احتمالى ضعيف ايدى .

ثانياً و كلانك قانون وضع ايتدير مك صورتيه احراز ايد بچكلى  
صلاحيت اجرايه اعتباريله ، يعنى آتى به معطوف اصلاحات  
و حر كات اجرايه لرى نقطه نظر نندن مجلس مبعوثان ايله حال اختلافده  
بولونملرى ممكن ايدى و او وقت اختلاف نتيجه سنده پادشاهده  
كنديليرنى حقسز چيقارير ايسه عزل اولنه بيلير لر ايدى بو صورتله  
اور تشر يعيه ده مجلس مبعوثانه قارشو مسؤليتلى ده ممكن ودها  
واسع بولونبور ايدى .

مؤخرآ تعديلاتك حين اجرا سننده بو نقطه لر لايقيه تقدير

وتفصیلاً اسباب موجبہ بیانہ قطعاً و مکرراً ردایدیکی خالدہ وکلانک تبدیلی ویاخود مجدداً مدت قانونیہ سندنہ انتخاب اولونمق اوزرہ ہیئت مبعوثانک فسخی منحصرأ یداقتدار حضرت پادشاهیدہ در . « [۴]

ظاہراً فسخ حقنہ وارد کبی کورینن بومادہ حقیقتہ مجلس وکلانک دہلدی الایجاب مجلس مبعوثانک برقراری قارشوسندنہ تبدیلی اولونمسی امکانی احضار ایچون وضع اولونمش ایدی . زیرایدنجی مادہ موجبنجہ فسخ حق ذاتاً صورت مطلقہ حکمدارہ ویرمش ایدی . بورادہ مقصد حقیقی مجلس مبعوثان ایله ہیئت وکلارہ سندنہ اختلاف ، باخصوص قانونلرک مذا کرہ و قبولنہ متعلق اختلاف ظہورندہ ( چونکہ مجلسک وظائف تشریحہ سنہ دکل وظائف مراقبہ و تفتیشہ متعلق اختلافات اولسہ اولسہ استیضاحہ متعلق ۳۸ نجی مادہنک دائرہ شمولنہ گیرہ جک ایدی ) مقام حکمداری نی حکم قیلیمق ایدی . پادشاه ایستر ایسہ ہیئت وکلایی دیکشدریر ایسترایسہ مجلسی فسخ ایدر ایدی . و بودہ ضروری برحل ایدی چونکہ قارشولقلی ضدیت مصلحت دولتی عقیم قیلہ بیلیر ، قبولی الزم اولان بر قانونک عدم قبولی امور دولتی سکتہ تعطیلہ اوغرادہ بیلیر ایدی بو اختلاف ماهیتی اعتباریلہ آتی بہ ، یعنی تطبیق اولونمسی مصمم قانونہ عائد ایدی مراقبہ حقندن تولد ایدہ بیلن اختلاف ایسہ

[۴] بومادہ مؤخرأ تعدیل اولونمشدرکہ صورت معدلیہی ۱۹۰ نجی

مسئوليت سياسيه دن ، يعنى سقوط ايله نهايت بولان مسئوليتدن عبارتدر. وکلانک ديوان عالی به سوقنی یعنی مسئولیت جزائیہ بی متضمن دیگر برطاقم ماده لړک ( ٣١ نجی ماده کې ) وجودی ده بومعنای تأیید ایدر.

نالذا وکلایه عاډم مسئولیت سياسيه نك ايکي مجلسدن يالکمز مجلس مبعوثانه قارشو جريان ايتمیدر. اعيانک استيضاح صلاحيتنه نائل اوله مامسی وباخصوص استيضاح نتیجه سنده برقرار وبرقرار اسقاط اتخاذ ایدمه مسمی بوندندر . [ ایلریده استيضاح بحثنه مراجعت ]

٩٣ قانون اساسیسی ايله ٣٢٥ قانون معدلی اره سنده روحاً ومعناً موجود اولان دیگر بر تفاوت عظیمه دلیل ده مالک سائر قانون اساسیلرنده نظیرینه تصادف ایتدی کمز ٣٥ نجی ماده مشهوره سنک وجودیدر. (٩٣) قانون اساسیسی هر نه قدر استيضاح حقی مجلس مبعوثانه ویرییور ایدیسده استيضاح نتیجه سنده مجلسک برقرار اتخاذ ایده بیله چکنی ذکر ایتیور ایدی. دیگر طرفدن مجلس مبعوثان ايله هیئت وکلایه سنده يالکمز حق مراقبه نك اجر اسندن طولای دکل، سائر امور دن ومثلاً وضع قانوندن طولای ده اختلاف ظهوری ملحوظ اولدیغندن مجلس مبعوثان قارشو سنده بر هیئت وکلانک چکیله بیلمسنی تأمیناً واغلب احتمال بوملاحظه به بناء ٣٥ نجی ماده وضع اولونمش ایدی . فی الحقیقه او وقت ٣٥ نجی ماده شو صورتله محرر ایدی :

« وکلایله هیئت مبعوثان اره سنده اختلاف اولونان ماده لردن برینک قبولنده وکلای طرفدن اصرار اولونوبده مبعوثان جانبندن اکثریت آرا

تأخیرینی طلب ایتمک حقنی [\*] حائز اوله بقدر . نتیجه استیضاحده هیئت مبعوثانک اکثریت آراسی ایله حقنده عدم اعتماد بیان اولونان ناظر ساقط اولور رئیس وکلا حقنده عدم اعتماد بیان اولوندینی حالده هیئت وکلا هب بزدن سقوط ایدر . «

بالاده کی ایکی ماده بزه اوچ حقیقت کوسته ریور : اولو  
وکلا مجلس مبعوثان حضورنده مسؤلدلر . ثانیاً مسؤلیت

[\*] بو جملهده کی تعدیل مشهور بروقه نیک تأثیرینه تابعدر ، کامل پاشا قاینه سی استیضاحه جواب ویرمکی تأخیر ایتمک ایسته مش و تحریری اسباب موجهه ویرمش ایسه ده مجلس مبعوثان بوکا قناعت ایتیه رک کندیسنه غیابنده عدم اعتماد بیان ایتمش و کامل پاشا چکیلمش ایدی تعدیلات واقعه ده هیئت وکلانک تأخیر طلبنه حق اولویور فقط مجلس مبعوثانک بو طلبی قبول وعدم قبوله مختار اولدینی افهام ایدلک ایسته نیلیور . بو صورت تلقینک نه درجه به قدر وارد اولدینی کسدر یله منر بر هیئت وکلانک تأخیره صلاحیتی مطلق اولمیدر . فقط مجلسکده بالقابله بو صلاحیتی سؤ استعمال ایتمک ایسنه یلره قارشو عدم اعتماد بیان ایتمک صلاحیتی مطلق اولمیدر . مجلس قانون اساسی ایچون ، مملکت ایچون بر تهلاکه والحاصل فوق العاده بر مستعجلیت کورور ایسه عدم اعتماد قرارینی تأخیر ایده منر . فقط حکومتی ده بهمه حال جلب ایده منر ودعوته مسارعه اجابت ایتین رئیس وکلا قانون اساسی بی پا مال ایتمکله متهم اوله میه جنی کبی بو عدم اجابنه قناعت ایتین بر مجلس مبعوثانک عدم اعتمادینی اظهار ایتیبی ده قانون اساسی به مخالف دوشمن بناء علیه بوراده ده تعدیلات واقعه فضله صراحی محتوی اولوق حسبیله زاندر .

[ ماده نیک فقره اخیره سی ایچون ۱۸۳ نجی مبعثه مراجعت (صفحه ۵۲۸) ]

مشترکاً و دائره نظارت لرینه عائد معاملات دن طولانی منفرداً مجلس مبعوثانه قارشو مسئولدرلر ( دیور. ۱۲۹۳ قانون اساسی ایله ۱۳۲۵ ده اجرا ایدیان تعدیلات ارسنده کی فرق عظیمی ا کلامق ایچون ینه بوماده نك شکل قدیمی نقل ایده لم : ) وکلای دولت مأمورین لرینه متعلق احوال و اجرا آتن مسئولدر . )

شوحالده ابتداءً مجلس مبعوثانه قارشو مسئولیت اساسی بوق ایکن مؤخرآ بوقید علاوه اولونمش و بوضورتله قانون اساسیمز اصول مشروطیت مقیده شییه ایکن و وکلانک یالکز حکمدار لر قارشو مسئولیت لرخی متضمن ایکن ۱۳۲۵ تعدیلاتی قانونده کی روحی کاملاً تغیر و تجدید ایتمش اولویور . ۳۸ نجی ماده ده اجرا ایدیلان تعدیلات دخی عین حالت روحیه نك وجودینه دلالت ایتمکده در. فی الحقیقه ۳۸ نجی ماده ۱۲۹۳ قانوننده بوجه آتی ایدی .

« استیضاح ماده ایچون وکلادن برینک حضورینه مجلس مبعوثانده اکثریتله قرار ویریلهرک دعوت اولندقدمه یا بالذات بولونهرق ویاخود معیننده کی رؤسای مأموریندن برینی کوندره رک ایراد اولنه جق سؤلرله جواب ویرمک ویاخود لزوم کوریر ایسه مسئولیتنی اوزرینه آلهرق جوابی تأخیر ایتک صلاحیتنی حاز اوله جقدر . »

بو ماده نك حین تعدیلهنده فقره آیه علاوه اولونهرق قانون

اساسینک معنا و ماهیتی کاملاً تغیر اولونمشدر :

« ... یاخود لزوم کوریر ایسه مسئولیتی اوزرینه آلهرق جواب نك

## مسئولیت وکلا

مسئولیتك حكمدار دن وكلايه سبب و صورت انتقالی مسئولیت حكمدار فصانده - ایضاح ایتدك. شیمدی مسئولیتلری ضروری اولان وکلانك مسئولیتنده کی ماهیت و اشكال حقنده بعض معلومات ویرمك زمانی ككشدر . وكلا اساساً انواع نائنه مسئولیتك یعنی مسئولیت سیاسیة ، مسئولیت جزائیة و مسئولیت مالیة ( و حقوقیه ) نك هیچ برندن مصون دكلدرلر .

۲۰۰ مسئولیت سیاسیة وكلا — مسئولیت سیاسیة نك ، یعنی وکلانك انفصالیله ختام بولان و وکلانك عزلی دیمك اولان مسئولیتك ماهیتی حقنده ۱۸۲ و ۱۸۳ نجی مبحثلرله مارالذکر مسئولیت حكمدار بحثنده و آمیه شمان اصولنه متدار تفصیلاتده ( مبحث ۱۹۶ ) بر نبنده معلومات ویرلدی . اساساً وكلا هم مجلس مبعوثانه ، هم حكمداره قارشو مسئولیت سیاسیة بی حازدرلر . حق عزلك پادشاهده اولسی پادشاهه قارشو اولان مسئولیتی صراحة مشعر اولدینی کی یدنجی ماده معدله ده کی « ایجابنده وکلانك علی الاصول عزل و تبدیلی » فقره سی ده بوكا دلیلدر . اوتوزنجی ماده معدله ایله استیضاحه متعلق ۳۸ نجی ماده دخی مسئولیت سیاسیة بختنك مجلس مبعوثانه قارشو و مجلس مبعوثان حضورنده اوله جغنی ارانه ایدر .

اوتوزنجی ماده : ( وكلا حكومتك سیاست عمومیه سندن

شمدى به قدر يالكز بر رئيس جمهور مجلس مبعوثان طرفندن  
 اتمام اولونه بيلمش ، فقط اوده اعيانده قانون اساسى موجبنجه  
 مقتضى نائسان اكثريت احراز ايديله مديكندن طولايى برائت  
 ايتشدر بر رئيس جمهور آندره ف جونسون ايدي و سنده لرحه  
 قونفره به شديدآ مخالفت ايدر طورور ايدي . مجلس مبعوثان  
 كنديسى ۳۵ ماده ايله اتمام ايتش ايكن ، اعيانده مدار تهمت اولان  
 ماده لرك هر برى ايچون آريجه نئشان اكثريت حاصل اوله مديغندن  
 طولايى او توبز ايش ماده نك كافه سندن قور توله بيلمشدر ( ۱۸۶۸ )  
 رئيس جمهور لر مسئوليت جزائيه و حقوقيه اعتباريله حكمدار -  
 لردن آريلور لر حكمدار لر امور جزائيه ده على اطلاق غير مسئول  
 اولدقلى حالده رئيس جمهور لر ايچون بويله بر مصونيت منصور  
 اوله ماز . اولسه اولسه امور جزائيه ده مرجعيت اعتباريله بر فرق  
 كوزه دييله رك قاعده احتياطه رعايت اولونور امور حقوقيه و ماليه ده  
 مدعى و مدعى عليه صفتى قوانين عاديه موجبنجه احراز ايده جكلرى  
 و بناء عليه استنياه غير تابع بولوندىقلى آشكاردر .

افاده ایده میه جگنی و حتی بوکا بناء دیوان عالینک رئیس جمهورک اسقاطنه بیله قرار ویره میه جگنی ادعا ایدیور .

مؤلفلرک قسم اعظمی و از جمله موسیو ایسمه ن موسیو مورو کلامک اهلندن ایسه اعمالی جهتی ترجیح ایدرک بر خدمتوسط تعقیب و امریقایی تقلید ایدرک رئیس جمهورک بوکبی احوالده دیوان عالیجه اسقاطنه قرار ویریله بیله جگنی ادعا ایدرلر .

امریقاده رئیس جمهور هم سیاسی ، هم جزائی مسئولیته تماماً معروضدر امریقاقانون اساسینک ایکنجی ماده سنک دردنجی فقره سی شویولده محرردر: « رئیس جمهور ، رئیس جمهور و کیلی ، متحده امریقانک بالجمله مأمورین ملکیمسی نتیجه اتهامده اهانت رشوت و یاساژ جنایات و فضاحی ارتکاب ایتدکلی ثابت اولورسه مأموریتلرندن عزل ایدیلورلر . . . اعیان مجلسنک حاضر بالمجلس اولان اعضاسنک ثلثانی رأی ویرمدکجه هیچ بر محکومیت قراری ویریله منر . . . »

مع مافیله تجربه کوستریورکه امریقاکبی رئیس جمهوری بالفعل اداره حکومت ایدن بر مملکتده بیله بوتدیر او قدره مؤثر اوله ماز . امریقاده رئیس جمهوری مجلسلره قارشو مسئولیت سیاسییه و جزائیه دن تجریده خادم اولوق اوزره ناظرلر طرفندن وضع امضا اصولی موجود اولمدینی حالده رئیس جمهورلرک بروجه بالا اتهام و محکوم ایدملری واقع دکدر .



( Haute trrhison ) حالتدن مسئولدر « دنيليور . رئيس  
 جمهورك جرائم عاديه دن طولاي مسئوليت جزائيه عاديه دن مصون  
 اولديني اولويتله ثابتدر شو حالده رئيس جمهور فرانسه ده مسئوليته  
 نظراً باشليجه اوچ وضعيتده بولونور :

(۱) امور سياسييه و اداره دن طولاي اصلا مسئول اولماق .

(۲) امور مأموره سنه تعلق اوليان جرائم عاديه دن طولاي

تماماً مسئول اولوق .

(۳) اهانت جرمندن طولاي مسئول اولوق .

صوك ايكي سبيدن طولاي افراددن برفرقى وار ايسه اوده  
 كنديسنى محاكمه ايده جك مرجع اعتباريله در . فى الحقيقه رئيس  
 جمهورى جرائم عاديه دن واهانتدن طولاي انجق مجلس مبعوثان  
 اتهم وديوان على حالنده انعقاد ايده جك اولان مجلس اعيان  
 محكوم ايده بيلير . [ فرانسه قانون اساسيسنك ۱۲ نجى ماده مى ]

مع مافيه اهانت جرمنك ماهيتى تعيين ضمننده فرانسه حقوق  
 شناسانى آره سنده مهم باختلاف موجوددر فرانسه قانوننامه  
 جزاسنده اهانت نامى آلتنده برجرمك وجودى تصريح اولونمديغندن  
 نه كى اموره اهانت اطلاق و قانونده موجود اولمايان برجرمك  
 جزاسى ده موجود اوليه جغندن غير موجود برجزانك ناصل تطبيق  
 ايديله بيله چكى بحق جاي تردد كوريليور . حتى بوندن طولاييدر كه  
 مؤلفيندن موسيو دو كوى بوماه ده كى اهانت كلمه سنك هيسج برحكم

اصول مشروطیت مطلقه و کلانک انفصالی آکدیران بو  
 مسئولیتدن ذها شدید و بونکله برابر معنای جزائی بی ده تضمن  
 ایتمک اوزره رئیس جمهورلرک برنوع مسئولیت سیاسی ده  
 واردرکه اوچنجه ناپولیونک بدایت حکومتده قانون اساسی به درج  
 اولومشدر . فی الحقیقه فرانسه نیک محصول تحکم و تزلزل اولان  
 ۱۸۵۲ قانون اساسیسنک بشنجه ماده سنده : « رئیس جمهور ملت  
 حضورنده مسئولدر و ملته مراجعته دایما صلاحیتداردر » ديه  
 مذکوردر . آنجق بومسئولیتک لدی التحلیل خیالی برمسئولیت  
 اولدینی و حکومت شخصیه به برنوع شکل قانونیت ویرمکدن منبه .  
 اولدینی و حقوقی هیچ برقوه تأییدیه بی حائز بولمیدینی ادنی  
 ملاحظه ایله اکلایشله بیلیر .

رئیس جمهورلرک مسئولیتی حقنده زمانم زده مطرد برقاعده  
 یوقدر فرانسه ده رئیس جمهور مشروطیت مطلقه ایله اداره اولونان  
 برمملکت حکمداری کبی غیرمسؤل و امور دولت و اداره به متعلق  
 بالمله مسئولیتلر و کلايه معطوف ایکن تعبیر دیگرله مسئولیت  
 سیاسی دن مصون ایکن مسئولیت جزائی به بخشنده مشروطی حکمدارلره  
 اصلا مقیس دکدر . ایوم مرعی اولان ۱۸۷۵ قانون اساسیسنک  
 التنجی ماده سنک ایکنجه فقره سنده « رئیس جمهور آنجق اهانت

---

نتیجه سنده رئیس جمهورک رد ایتمک برتکیف ۱۴ رأی اکثریتله  
 قبول ایديلنجه موسیو تیه در حال استعفاسنی ویرمش ویرینه ماق ماهون  
 انتخاب ایلمش ایدی .

و آنک وساطتيله بر سهو وقوعه کلديکي ويا غير صحيح معلوماته بناء بر حتمسزلق ارتکاب ايدلديکي فرض اولونه بيلير .

ايشته بوتقديرده متضرر اولان تبعه نك درميان اولنان شكايتهك ماهيتي مقام حكمداري به عرض ايتمه كه مآذون اولسي مناسب اولور . تا كه بوكا چاره بولونه بيلسون بو چاره بر استدغاي حق Petition of right شكائنده ظهور ايدر .

۱۹۹ رئيس جمهور لرده مسئوليت — رئيس جمهور لر ك مسئوليتي حكمدار لر دن ده ا زياده سهولته موضوع بحث اوله بيلير . رئيس جمهور لر ك بعضاً مسئوليت سياسي به بيله معروض اولديني واقعدر . فرانسه ده ۱۸۷۱ دن ۱۸۷۳ . قدر دوام ايدن شكل حكومت اثناسنده قوه اجرائيه رئيسي موسيو تيه رك — باش و كيللك وظيفه سني ايفاليدن رئيس تانينك مسئوليت سياسي سه انضماماً — مجلس ملي حضور نده مسئوليتي وار ايدني ونهايت بو مجلسك بر قراري اوزرينه چكيله كه مجبور اولمش ايدني . [۰]

[۰] ۱۹ ميس سنه ۱۸۷۳ ده فرانسه رئيس جمهور تانيسي موسيو دوفور شكل جمهوريتي تعيين ايتك اوزره اون بش ماده لك بر لايحه قانونيه يي فرانسه مجلس ملي سنه تكليف ايتمش ايدني . جمهوريتي بر شكل قطعي حكومت اولق اوزره قبوله هنوز حاضر لانامش اولان مجلس هان بروسيله ايجاد ايدرك فرانسه نك سياست عمومي سي حقنده بر استيضاحده بولنمش و رئيس جمهور موسيو تيه ر ۱۳ مارت ۱۸۷۳ قانوني موجبنجه بالذات جواب ويرمه قوشمش ايدني . ايكي كون دوام ايدن مذاكره

ذاتیہ سندن متولد ایسه خزینہ خاصہ یه ، امور دولته متعلق ایسه  
خزینہ دولته توجه ایتک لازم کلیر .

مع مافیہ انکلتزده کی قاعده حقوقیه بو نقطه نظر دن ده پک  
شدید در . انکلتز مشاهیر مؤلفیندن بلا قستونک افاده سنه کوره  
برینک حکمداره قارشو بر دعوا ی مالیه اولور ایسه شانسیه  
حکمه سنه بر استمعا تقدیم ایدر شو قدر که شانسیه بر محبوریت حس  
ایتمکسزین بود عوایی محضاً لطفاً استماع ایدر .

انکلتزده کی بو نقطه نظر ایکی صورته ایضاح اولونه بیلیر .  
زیرا بر طرفدن قراللق حالا حکمدار مطلقه عائد امتیازاتی شکلاً  
ولفظاً محافظه ایدر . دیگر طرفدن حکام صلاحیتلری حکمدار دن  
اخذ ایتدکلرندن بو صلاحیتی اکا قارشو استعمال ایده منزلر .  
مع مافیہ مؤلفیندن دیسه ی شو چاره ی بولو یور :

... مع مافیہ مقام حکمداریدن حق تصرفی اخلال بولو صدور  
ایدن ضرر لرله قارشو قانون بر چاره بولو یور شو بله که : مقام حکمدارینک  
تبعه دن برینک قانوناً متصرف اولدینی بر مال و ملکی بغیر حق  
تملک ایتدیکی و یا تبعه دن برینه من جهة الدین و یا بر مقاوله نک عدم  
اجرا سنه بناءً ضرر روزیان نامنه بر مبلغ مدیون اولدینی ادعا اولونور  
و مقام حکمداری یی اجبار ایده جک وسائط مفقود اولور ایسه  
واقعا مقام حکمدارینک تبعه دن برینه عن قصد بر ضرر ایقاعنه  
اشترک ایتدیکی ظن ایدیله من شو قدر که بر مأمور مسئولک یوزندن

تحریری اولان اوامر و مقررات ایچون ایکی امضا وضعی بر تأمینات کافیه ایسه ده شفاهی اولان بعض معاملات ایچون نه بزم قانون اساسیمزده ، نه ده دیگر هیچ بر قانونده قیود لازمه موجود اولدیغندن بوبابده جای تردد بعض نقطه لر وارد خاطر اوله بیلیر ایسه ده اصول مشروطیت مطلقه نك بالاده کی تعریف ایتدی کمز طرز جریاننه کوره بو محذوره وارد دکلدیر . باخصوص که بر ناظرک بو افعال و حرکات غیر تحریریه علمی لاحق اولدیغی تقدیرده مسئولیتی طبیعیدر .

۱۹۸ حکمدارک مسئولیت مالیه و حقوقیه سی -- حکمدارده افراد کی اموال و املاکه تصرف و افراد ایله حقوق جهتمدن علاقه دار اوله بیلیر . شو تقدیره کوره حکمدارک اشخاصدن فرقی اولماق ایجاب ایدر . بونکله برابر حکمدارک بالذات ولو که مالی و حقوقی بر مسئله دن ، عادی بر دعوان طولایی اولسون محکمه یه کلمی ، کندی نامنه اعطای حکم ایدر فرض اولنان بر هیئت و یا بر شخص حضورینه - قرون وسطاده بعض احوالده اولدیغی کی - چیمسی غیر لایقدر . بناء علیه بو قبیل دعوالر اکر صرف حکمدارک امور

---

هر نه قدر حقوق مباحثنده یری اولماق لازم کلیرسه ده حقوق بر قسمی تعاملدن نشأت ایتدیکنه نظراً شرقدده اقوامک عادتاً بر سوق طیبی ایله مسئولیتی مسئولیتلرینی تعیین کوچ و تهلکه لی اولان حکمدارلردن حیات سیاسی لری عارضی و موقت اولان صدر اعظم لره انتقال ایتدیرمش اولدقلری کوریلور .

قرالیه نك زیرینه قانون اساسی به ودولتک قوانین و نظامات عمومیۀ داخلیه سنه ویا مستملکاتک قوانین و نظاماتنه مخالف اولدیفنی بیلدکری حالده وضع امضا ایدر لر، ثانیاً برناظرک امضاسنی غیرحائز اولدیفنی بیلدکری اوامر ویا مقررات قرالییه بی موقع اجرایه وضع ایدر لر سه الخ ... اعظمی اولرق اوچ سنه حبس جزاسنه محکوم وایجابنده حقوق مدنیه دن ساقطا اولور لر.

۱۲۹۳ قانون اساسی عثمانیسنده بوجهت بوس بوتون مسکوت عنه اولدیفنی حالده (۸ آغستوس ۱۳۲۵) تاریخلی قانون اساسی معدک اتوزنجی ماده سی موجبجه ه طرف حضرت پادشاهیدن تصدیقه محتاج اولان مقرراتک معمول به اولسی ایچون صدراعظم ایله دائرۀ متعلقه سی ناظری طرفندن قرار نامه لره وضع امضا ایدیلرک قرارک مسئولیتی درعهده اولمق واولرک امضاسی بالاسنه طرف حضرت پادشاهیدن دخی وضع امضا بویورلوق شرطدر. دنیلمش اولدیغدن انکلتره و فرانسه و دیگر بعض مملکتلرده جاری اولان اصوله تبعیت اولمشدر. [۰]

[\*] صدر اعظمک مهر مایونی حامل اولملری عادتی بر درجه به قدر مسئولیتک پادشاهلردن صدر اعظمله انتقالی تأمین ایشدر. واقعا بو مسئولیت هیچ بر زمان بر قاعده و بر حکم قانون درجه سنده صراحتی حائز اولماش و بونک ایچون بر نظریۀ حقوقیه وضع ایتک کیمسه نك خاطرینه کلمه مشدر. انجق تاریخمک بالخاصه اختلالات مباحثنده خلقک و بکیچریلرک علی الاکثر مسئولیتی صدراعظمله توجیه ایتدکری و حتی آنلری پارلاچایه رق ایشدنلی و وحشیانه جزالری ترتیب ایتدکری واقع اولمشدر. بو افمالک

اجراسنی تسهیل و تأمین ایتک کبی ر مقصد مراسم پروری به معطوف ایدی .  
 اسوجده ۱۸۰۹ قانون اساسیسی موجینجه قرال منفرداً مملکتی  
 اداره ایتکله برابر قانون اساسیده مذکور اولان کافه خصوصانده  
 (Conseil d'Etat) دینیلن ر هیئت وکلانک رأینی آلفه مجبوردر .  
 [ اسوجده هیئت وکلا باشقه یرلده شورای دولت معناسنده اولان  
 (Conseil d'Etat) دیه یاد اولونور ] مناسبات خارجیه و عسکری  
 قوماندایه عائد مسائل مستثنا اولدیقی حالده کافه امور قرال طرفندن  
 هیئت وکلا به تودیع اولونوب اوراده تذکر ایدلک لازمدر .

اسوج قانون اساسینک سکزنجی و طقوزنجی ماده لری وضع امضا  
 صورتبه مسئولیت درعهده ایتک کیفیتک باشقه برشکده جریان ایتکده  
 اولدیغنی کوسته ریور . « قرال حضورنده هیئت وکلا حالنده رؤیت  
 اولونه حق کافه مسائل ایچون برضبط ورقه سی تنظیم ایدیلور حاضر اولان  
 وکلا فکر لرینی بیان و ایضاح و ضبط ورقه سنه درج ایتدیرمکه قطعاً  
 مجبوردرلر . بونکله برابر اتخاذ قرار قراله عائددر . انجی قرالک قراری  
 قرالینک قانون اساسینه آچیقدن آچیفه مخالف اولور ایسه بوقراره  
 قارشو اختارات مؤثرده بولونق وکلانک وظیفه سیدر . بوباده کی فکر  
 مخالفتنی ضبط ورقه سنه درج ایتدیرمهین اولباده کی قرالک اتخاذینه  
 قرالی کنیدیسی تشویق ایتش کبی عد اولونه رق اوصورتبه قرار مذکور دن  
 مسؤل طوبیله جقدر . »

کوریلدیورکه اسوجده مقررات حکمداریدن طولانی وکلانک مسؤییتی  
 یک مؤثر ، بونکله برابر ممالک ساتره دن خیلجه فرقلیدر .  
 فلمنکده وضع امضا شرط اولقله برابر مخالف قانون و مضر اولدیغنی  
 تقدیرده دیگر ممالکده نظیری اولیان برقوة تأییدیه به ، برجزای شدیدیه  
 معروضدر . فلمنک ۱۸۸۱ تاریخیلی قانون جزاسنک ۲۵ نجی ماده سی  
 دیورکه :

« دوائر نظارت رؤسای ( ناظرلر ) اولا اوامر ویا مقررات

قرال اسکیدن لوردلر قاره‌سنده دفعاتله اثبات وجود ایتمش اولدینی حالدده شمدی لوردلر قاره‌سی مذا کراتنده قطعاً حاضر بولانه‌ماز . زیرا کړك محکمه‌ده وکړك بعض خصوصاً‌ده محکمه شکلنی اکتساب ایتمکده اولان لوردلر قاره‌سنده حین مذا کرده اخذ موقع ایتسی مذا کراتنی تحت تأثیرده بولوندیره بیلیر ، وبر تضییق معنوی معناسنی افاده ایلیه بیلیر .

قرال بریسنک حبس ایدلسنی دخی امر ایده من . وهرنه قدر قوه عسکریه‌نک قوماندانی ایسه‌ده هیج برانکلیز حکمداری ایکنجی ژورژک زمانندن بری سفر بر براردویه قوماند ایتمش دکلدز . عکس صورتده حرکت ایده‌جک بر حکمدار انکلیز مشروطیتنه مخالف برایش یامش اولور .

حکمدارک عدم مسئولیتنی تأمین ایچون بر ناظر مسؤلك امضاسنی باجمله عقود و معاملات حکمداریده مشروط قیلمق اصولی ممالک سائرده دخی تقلید اولمشدر .

فرانسه‌نک ۱۷۹۱ قانوننده ماده مخصوصه ایله بو جهت تصریح ایدمش اولدینی کبی ۱۸۷۵ قانون اساسیسنک اوچنجی ماده‌سنده دخی رئیس جمهورک اوامرندن هر بری زیرنده برناظرک امضاسنی بولونق شرطدر ، دینلمشدر .

فرانسه‌ده انقلاب کبیردن اول دخی نظارک قراک امضاسنندن سوکرا (قرال ایچون وقرال ایله Par le roi et pour le roi) وضع امضا ایتلمی عادت ایدی . آنجق بو عادت مسئولیت درعه‌ده ایتک مقصدیه دکل ، وثیقه‌نک اهمیتنی وحتنی بیلدیرمک وامر قراالینک



فقط ايش بوقدرله قلامش ، بالاخره برماهيت عقديه وقيمت  
حقوقيهي حائز اوليان معاملات قراليه وقرضا بر محاوره ويا بر  
تبليغ شفاهي ايجون دخي - بومحاوره و تبليغ قوه اجرائيه  
بركلفت وعهده بخش ايتك شرطيه - برناظر كمعاونت ووساطتته  
لزوم كورولمشدر .

ايشته قرالك بر اجنبي حكومتي ناظري ايله انشاي ملاقاتنده  
انككتره خارجيه ناظرينك حاضر بلجئس بولونمسي عادتى بوندن  
ايلرو كليور . انككتره قرالى ايله بر اجنبي دولت وكلاسي آره سنده  
واقع اوله جق هر درلو مخابرات خصوصيه انكليز اصول مشرو -  
طيتنك تعاملنه وروحنه مخالفدر . ظاهرده اك شخصى اولان  
افعال بيله وقرضا حق عفو كاستعمالى بالضروره برناظر كمداخه  
وموافقتيله واقع اولقدهدر . بوتون بوقواعد و معاملات انكليز لرك  
شودستورنده زبده ايدلمكدهدر : « قرال هيچ بر زمان كندى  
باشنه حركت ايدمىز » ...

ديكر طرفدن ينه عاداتك تاثيريله قرال بعض افعال وحركاتى ،  
برناظر كم موافقتنى استحصال ايتسه دخي ، اجرا ايدمىز . واقعا  
نظرياتجه وقانونبجه قرال بالجمله محاكمده حاضر وناظر عداونور .  
زيرا حكام اونك نامنه اجراى عدالت ايدبيور . بونكله برابر  
كنديسى قانونك فوقنده دكلدرو بالذات دعاوى حقوقيه وجزائيه  
رؤيت وفصل ايدمىز ، بودعاوىي آنجق تعين ايتديكي حاكم  
واسطه سيله حل ايتديرر .

۱۹۷ وکلانک وظائف حکمداری به اشتراکی. — ثالثاً: نظاردن هر برینک قوه اجرائیه رئیسی اولان حکمدارک دائره صلاحیت و امتیازی داخلنده بولنان افعال و حرکاتنه اشتراک ایتیمی مقتضی اولان اوچنجهی قاعده دخی انکلترده نظری بر دستور، بر قانون عمومی اولمق اوزره بردن وضع ایدلمش دکلدرد. بو دستورده بر چوق دساتیر اساسیه کبی آنجق زمان ایله تدریجاً و دائماً بر پارچه سی حادث و حاصل اولمق اوزره ساحه وجوده کیشدر. کذلک بوده، انکلترده بک چوق قواعد اساسیهده کورولدیکی وجهله شکله، فرعه عائد بر مسئله نك محصولی اولمق اوزره اصلی و اساسی برشی اولمشدر.

انکلیزلرک اوتهدن بری بر چوق احوال و خصوصات ایچون بر قاعده لری وار ایدی که اونلرده اراده قرالینک مجبوری الاتباع اولسی ایچون بعض تکلفاته تابع اولسی و فرضاً محرر بولنمی و بعض مهرلری حائز اولسی لزومی ایدی. سائقه اعتیاد ایله بو مهرلرک هر بری بویوک بر مأمور مخصوصک ویا بر ناظرک ید و داعتنه تسلیم اولنمش ایدی که یالکز بوذات مهری باصمغه مأذون ایدی. ایشته بو مأمور ویا ناظر مهر وضع ایتمکله شخصی بر حرکت اجرا و مسئولیتی درعهده ایتمش اولیور.

بو صورتله قرالاک تحریراً و مختوماً واقع اولان معامله و عقدی ایچون بر کفیل بولمق امکانی تدریجاً حاصل اولمش،

اذن و برلمنى تكليف ايتش اولديفنندن والپول: «... هيج برجنات مخصوصه عطف واسناد اولمقنيزين قرالك بنداكانندن برينه پول و برلمنى تكليف ايتك حكمدارك امتيازاتنه قارشو واقع اولان تخطى و تجاوزك اك مهيبدر.» ديمش ايدى . بونكله برابر والپول عوام قاره سنده كي اكثرينك تاثير و تضيقيله راس كاردن چكيلمشدر.

۱۷۸۲ ده ظهور ايدن ايكنجى مثال دهها زياده مقنعدر . تاريخ مذكوره لورد ( نورت ) عوام قاره سنك برى مؤاخذه ديكرى عدم اعتمادى متضمن ايكي قرارى اوزرينه چكيلمش و بودفعه بالكز سديسى دكل بوتون رفقاسى ده برلكده استعفا ايتمشدر كه بو صورته مسئوليت مشركه و متلله عادتي باشلامشدر.

اصول مشروطيت مطلقه و حتى مقيده جارى اولان مملكتلرده مسئوليت سياسيه نك صيق و قوعى آمپه شمان اصولنده كي مسئوليت جزائيه به مراجعته محل بر اقامشدر . بو صورته آمپه شمان قاعده قديمه سى باصلاحه محكوم بر آلت مشابه سنه ايتمشدر . واسطه مانعه ، واسطه زجر يه نك مقامنه چكمشدر . نظارى بعد الوقوع دوچار محكوميت و مجازات قيلمقدن ايسه قبل الوقوع چكيلمكه اجبار ايتك دهها الويريشلى و اسايش و انتظام مملكت نقطه نظرندن دهها فائده ليدر .

انكلتره عوام قاره سى نظارى قولايلىقله دو برمك اقتدارينى اكتساب ايتش اولدقلرتدن آرتق اونلرى اتهم ايتمكه لزوم كورمامشلردر . اصول مشروطيتى قبول ايدن مملكتلرك هم كاهه سنده عين نتايجه واصل اولونمشدر .

فرانسه‌ده الیوم دیوان عالی بی سناتو تشکیل ایتکده‌در. امریقادہ مسئولیت سیاسیة وکلا اصول وشروطیت مطلقه‌به توفیقاً موضوع بحث اولدیغندن وکلانک وحتی رئیس جمهور ایله رئیس جمهور معاونتک دوچار تعقیب اولسی ایچون آمپه‌شمان اصولنه تمامیله رعایت اولمقده‌در . حتی بو اصولک شکل ومراسمی بیله اوراده پایداردر. ممالک عثمانیه‌ده بوس بوتون باشقه بر اصول تعقیب ایدلمکده‌در. بزده دیوان عالی مبعوثاندن (۹)، اعیاندن (۹)، محکمه تمیزدن کذا (۹) ذاتن مرکبدر.

آمپه‌شمان اصولی بوقدر مهم وبوتون ممالک قوانین اساسیه‌سندہ آز چوق تعدیلات ایله مظهر حسن تلقی اولدیغی حالده انکترده شمدی متروک حکمنده‌در.

۱۸۰۵ سنه‌سندن بری آمپه‌شمان اصولنه مراجعت ایدلدیکی بوقدر اک صوک آمپه‌شمانلر ۱۷۸۸ ده (وارن هاستینکس) و ۱۸۰۵ لورد (مه‌لویل) ک دوچار اولدقلری آمپه‌شمانلردر . بونک سببنی مسئولیت سیاسی‌ده آره‌میلدر.

آمپه‌شمان اصولنک مسئولیت سیاسیة عادییه انقلابی بردن بره واقع اولمامشدر. حتی ۱۷۴۹ سنه‌سندہ باش وکیل (روبرت والپول) آمپه‌شمان قاعده‌سنه استناداً مجلسک مواخذه‌سنی دیکله‌مک ایسته‌مشدر. شوبله که : مجلس قراله تقدیم ایتدیکی عریضه جوابیه‌ده روبرت والپوله

مأمورلری طرفندن لوردلر قاره‌سندہ ایضاح ومدافعه ایدیلور . عوام قاره‌سی یا هیئت جموعه‌سیله ویا ایچندن بر هیئت توکیل ایتک صورتیله شهودک افاداتی ، مدافعه‌نامه‌بی وحکمک قرآنتی استماع ایدر. لوردلر اعلامی تحت قراره آلدن اجرای مذاکره ایتدکلری زمان عوام قاره‌سی غیوبت ایتککه مجبوردر. عوام قاره‌سنک فسخی دعوانی نتیجه‌لندیرمز؛ یکی مجلس اولجه توقف اولونان محلدن سوکره محاکمه‌بی تعقیب ایدر. (اوزن بهر برنجی جلد حقیقه ۷۲۳)

اولور ایدی. و بوامکان اسناد اولنان جرم ویا جنایتک حین ارتکابنده. اوجرم و جنایتک ممنوعیتنه و مستلزم مجازات اولدیغنه دائر هیچ برقانون موجود اولمديغنی تقدیرده بیله حاصل اولور ایدی. بیل اوف آتایندره، بعضاً آمپه شمانک مابعد و متممی اولق اوزره، یعنی آمپه شمان طرزنده دوچار تعقیب اولان شخص جواب ویرمکدن امتناع ایتدیگی تقدیرده تطبیق اولنور و بو صورتله تشوش تشریمی و قانونینک ایکنجی و دها مؤثر فصلنی تشکیل ایلور ایدی.

آمپه شمان قاعده سنک دیگر برضعیف نقطه سی ده وار ایدی. قرالک بوکبی تعقیباته دوچار اولانلر حقنده حق عفوی وار ایدی و بو صورتله تعقیبات و جزا زائل اولور ایدی.

آنجیق (آقت اوف سه تلمانات Acte of settlement) بوکاده مانع اولدی و بنساء علییه هیچ بر عفو و عاطفتک عوام قارهمی طرفندن آمپه شمان اجراسنه مانع اوله میه جنفی تقرر ایتدی.

وکلانک بویله و سائط فوق العاده ایله تحت محاکمه یه آلنملری ایشته انکاترده و قتیله آنخاذا ایدلش اولان بالاده کی اصولدن نشأت ایتشدر. نظارک حرکاتی محاکم حقوقیه یه تابع قیلمه بن و حتی افعال و حرکات عادیه دن و امور حقوقیه دن دولایی دخی نظاری بو قبیل محاکمه سوقدن امتناع ایدن مملکتلرده بالاده کی اصول احتیاجات محلیه یه تبعاً تعدیل ایدلک صورتیه اختیار و قبول ایدلشدر. [\*]

[\*] انکاترده عوام قارهمسنگ حقوق اساسیه نك اخلااندن، ارتکابدن، دولته قارشو ارتکاب جنایتدن و سائر جرملردن طولایی وکلا و بویوک مأمورلری اتهام ایتکه حق واردر. منافع عالییه دولتی اخلا ایدمک ماهیتی اولان بر خطای اداریدن طولایی دخی عوام قارهمی اتهامده بولونابیلیر. حکم لوردلر قارهمی طرفندن ویریلور و بنساء علییه بو قارهمک هیچ بر حق اتهامی یوقدر. عوام قارهمسنگ مقرراننده مندرج دلالل اتهامیه بو قاره طرفندن تعیین ایدیلن اتهام

تدریجاً شمعی کورمکنده اولدیغمز مسئولیت سیاسیة وکلا حالی اکتساب ایتشدرد .

آمپه‌شمان اصولنک بعض ضعیف نقطه‌لری وار ایدی . قاعدهٔ و منطقاً دوشونمک لازم کلسه بر ناظرک بو صورتله دوچار اتهام و تعقیب و نهایت مجازات اولسی . ایچون حرکت واقعه‌سنک ممنوعیتی اولجه برقانوننده مصرح و محرر بولنش اولق ایجاب ایدردی . فقط اون یدنجی عصر میلادیده، یعنی احتراصات سیاسیہ انکاتزده صوکه درجه‌ده شدت بولدینی هنکاملرده جنایت و جنحه اولمیان بعض افعال و فرضا بعض خطیئات سیاسیہ ایچون دخی آمپه‌شمان اصولنه مراجعت اولتمشدر . ازجه مملکت ایچون نافع اولمیان بر معاهده‌ینی عقدايتک ویا او معاهده‌نک انعقادینی توصیه ایتک آمپه‌شمان دنیلان تعقیباته دوچار اولغی استلزام ایده بیلردی . بو صورتله سیاسی احتراصات تابع بر محکمه‌نک بی طرف قلمسی ممکن اوله میور ایدی . واقعا ناظرلر بو خوف تعقیباتک تحت تأثیرنده بولونهرق اداره‌لرینک انتظامنه، ناموسکارانه اطوار و معاملاته مجبور اولورلر ایدی . اثبوق لوردلر محکمه‌سی اوفق بروسيله دن بالاستفاده همان تعقیبات اجرا ایتک کبی برتشوش و تغلب قانونی ایله ایش کورمکنده ایدی .

پارلمنتو خصمانسی ازمک ایچون بالکمز بو واسطه‌ینی استعمال ایتیمور ایدی . دها کینی دها شدید و بونسکه برابر دها غریب دیکر بر الت تضییقه بیده مالک ایدی که اوکا (بیل اوف آتایندر Bill of attainder) دینیلور ایدی . بو اصول پارلمنتوک اظهار حاکمیتی ایله برابر قوهٔ تشریحیه ایله قوهٔ عدلیه‌نک دها مشوش اولهرق عینی بر مجلسده اجتماعی کبی بر نتیجه‌یه اقتران ایتمکنده ایدی .

بو اصول موجبینجه؛ پارلمنتودن صادر اولان، یعنی عوام ولوردل طرفندن تصدیق ایدیلان هر هانکی برقرار ایله بر شخصک مالنه حتی جائنه قصد ایتک و فرضا اموالی مصادره و کندیسینی اعدام ایتک ممکن

كذلك مأمورن حميمه حسن نيتله واقع اولان حركتلرنده خلاف قانون احواله سببیت ویرمش بولونسه لر دخی تعقیباتدن مصوندرلر . مع ماهیه ناظرلرک علی العموم مأمورین ایله برلکده مسئولیتلرینی ایجاب ایتدیرن بواحوالدن ماعدا بر مسئولیتلری ده اوردرکه انکلتزه نارنج مشروطیتنده مهم بر موقعی حاضردر . ناظرلر اولکی عصرلرده ده کوچ دوچار تعقیبات اولدقلرندن آنلر حقنده ده مؤثر، ده فعلی وسائط مسئولیتنه مراجعت اقتضا ایتشدر .

۱۹۶ آمپهشمان — بوکا، آمپهشمان (Impeachment)

اصولی دیرلر .

آمپهشمان ، اصول محاکمه سی عوام قاره سنک نو عماره بیئت اتهامیه حالنی آله رق نظاردن برینی لوردلر قاره سی حضورنده اتهام ایلمی ولوردلر قاره سنک ده او ناظره قارشو محکمه شکافی اکتساب ایتسیدر .

حد داننده لوردلر قاره سنک قدیمدن بری صفت حکمی و ارادی . آنجق انکلیز قوانین عمومیه بی مقتضاس . نه هر هانکی بر محکمه تک بر متهمی محکوم قیلمی ایچون اول امرده بر هیئت عدول طرفندن او مهم حقنده بر اتهام موجود بولنمی شرط ایدی . هر قوتلقده ذاتاً بوبله بر زوری واردی .

مرور زمان ایله عوام قاره سی بوتون مملکتک منجب بر هیئت عدولی خدمتی ایفا ایدی . عوام قاره سی ایسه بوتون قوتلقلرک ولیل و تمثالی اولسنه نظراً بوتون انکلتزه ایچون بوندن ده مکمل و واسع بر هیئت عدول تصور اولونه باز ایدی . ایشته بو صورتله ۱۲۷۶ سنه - سفندن اعتباراً بو عادت انکلیزک حیات سیاسی سنه داخل اولدی . حد داننده بر ماهیت سیاسی بی حائز اولان آمپهشمان طرز تعقیباتی بالاخره

دخی واقع اولان حرکتی قانوناً ماڈون اولدییی درجهنی متجاوز بولوندیغی تقدیرده علی العاده افراد کبی مسئول اولور . بو صورتله مهم اولان مأمور افراد مذکورده نه یولده، نه صورتله، هانکی محاکمه دوچار تعقیب اولیور ایسه عینی معامله دوچار اوله جقدر . مدار اتهام اولان ماده نك ثبوتی تقدیرنده مأمور اداره لازم کلان معامله انتباهیه و تکدیریه و یا عزلییه دوچار اولدقن ماعدا مجازات قانونیه سنی آروجه کورور . قرالین ماعدا هیچ کیمسه - هر نه سببه مبنی اولور ایسه اولسون و حتی ایسترسه اداره مرکزیه نك اک بویوک مأموری بولونسون - بو قاعده دن مستثنا اوله ماز ، فرضاً بر ناظر دولته عائد اک مهم بر منفعتک استحصالی امرنده افراددن برینک خانه سنی باصوب کاغدلرینی الیه ایتک مجبوریتنده بولونسه بیله حرکت واقعیه سی طرق قانونیه ایله اولینجه تعقیبانه دوچار اوله بیلیر . ( دیسه ی ) بو نقطه نظر دن ناظرک علی العاده بر کورجیدن بیله فرقی اوله میه جغنی سویلیور .

مع مافیه بوقاعده نك مطلقیته شدیدیه سنی تخفیف ایدن بعض اوقف تفک استثنای واردر : بر ضابطه مأموری توقیف مذکوره سنی حامل اولدیغی حالده بر شخصی توقیف ایده بیلیر . بو مذکوره حاکم طرفندن یولسز ویرلش اولسه دخی . . بوندن ماعدا بر ضابطه مأموری جنایتله مهم هر هانکی شخص و جرم مشهود ارتکاب ایدن کیمسه یی بلامذکوره دخی توقیف ایده بیلیر . شخص مذکور حقیقتده بو جنایتی ایشله مامش اولسه دخی . . صلح حاکم لربنک دخی توقیف امرلری عینی حکمه تابعدر .



مدار معذرت انخاست اید من . بویله بر امر انکلز حقوقنجه کأن لم یکندر .

۱۹۵ وکلانک مسئولیتی — ثانیاً : وکلانک مسئولیت شخصیه لری انکلترده جاری اولان دیگر بر قاعدنک نتیجه سیدر . انکلترده حضور قانونده مساوات تامه فکری ، جمله صنوف خلقک عینی بر قانون و محکمه به تابعیت کامله لری قاعده سی صوک درجه به ایصال اولونمشدر .

ایشنه بو قاعده به تبعاً غنی و کدا هر کس معامله متساویه قانونیه به تابعدر . باش وکیلدن اعتباراً اک عادی تحصیلداره قدر کیمسه یوقدرکه حرکاتندن دولای علی العاده افراد کبی مسئول طوتولسون . محکمه دن کچهرک جزای مادی و یا نقدی به دوچار اولمش کوچوک و بوبوک مأمور لری عددی پک چوقدر . بوضورتله محکمه دن کچنلرک یا لکیز افراد صفتیه ارتکاب ایتدکاری افعال عادیه دکل ، مأموریت رسمیه لری حسابیه و بو مأموریتلرینک دائره صلاحیتنی تجاوز و سوء استعمال صورتیه اجرا ایتدکاری حرکات دخی تماماً قانون عمومی به تابعدر . بونکچون مادون طرفندن مافوقک تحریری امرینی کوسترمک بیله مدار معذرت اوله ماز .

انکلترده بونک پک چوق امثله تاریخیه سی واردر . بر ناظر ، بر والی ، بر ضابط تحریراً بر امر ارائه ایتسه

بالفعل حکمدار اولانلره اصلاً توجه ایده من . جزایه مستحق اولان حکمدار ذاتاً حکمدارلغه غیر لایق و خلمه مستحقدر . جزاسی بعدالخلع تعیین ایدیلور . یعنی حکمدار اولمدینی زمان جزا و عقوبته مخاطب اولور و شو تقدیرده بالفعل حکمدارک هر هانکی نقطه نظر دن محاکمه ایدیلورسه مسئولیت جزایشه دن مصون اولدینی تبین ایدر . اکر خلع حق بر مملکتک قانون اساسیسنده ذاتاً یوق ایسه اویله بر مملکتک حکمدارندن صادر اوله جق افعال جنائیه قارشو جزا اختلال و عصیان ایله اولور . اختلال و عصیان ایسه هم مسئولیت سیاسی ، هم مسئولیت جزائیه استیعاب ایدر .

حتی انکلیز مؤلفلرندن (دیسهی) ده ایلری کیده رک دیورکه :  
 « اکر قرالیچه - او وقت حکمدار قرالیچه و یقتوریا ایدی - کندی ایله باش و کیلی اولدیرسه هیچ بر محکمه یوقدرکه بو دعویا رؤیت اینسون! »

مع مافیله پک مبالغه لی بر حکم اولان بو قاعده نك منشای اصول مشروطیت دکل اصول استبداددر . محاکم بالجمله صلاحیتی حکمدار دن تلقی ایتمش اولدقلرندن بو صلاحیتی آکا قارشو استعمال ایده منزلر .

قرالک بو درجه مفروضه عدم مسئولیتنک دیگر بر متممی واردر که اوده شودر : هیچ بر شخص بالذات ارتکاب ایلدیکی فعل غیر قانونیدن دولای بر امرنامه قرالیینی

بيله بو مصونيتدن مستفيد قيازلرلر ايدى . واليلر بيله واليلك عهده لرنده بولوندقجه غير مسئول ايديلر . روما ايمپراطورلق شكلنى اكتساب ايتديكى زمان دخی ايمپراطور رومانك تمثال عظمت واحترامى اولمق حسييله غير مسئول ايدى . بالكز قرون وسطاده المانياك مقدس ايمپراطورلغنده حكمدارلر ايجون مسئوليت تامه حقوقيه تطبيق ايديله بيلمش ؛ فقط اوده هيچ بر زمان بر شكل انتظام اكتساب ايدمه مشدر .

شو پك مجمل ايضاحاتدن حكمدارلغده كي مصونيت وعدم مسئوليتك اسباب عقليه سندن ماعدا پك چوق اسباب تاريخيه سي موجود اولدينى مستبان اولوبور . حكمدارلرك بر شكل حقوقى دائره سنده غير مسئول اولملى عادتا بر عنعنه قديمه تاريخيه در .

مسئوليت سياسيه نك شرقده كي معنای حقوقيه سندن بر قاچ دفعه بحث ايتدك . فقط بر حقيقت فقهيه و عاميه اولمق اوزره موجود اولان بو حق خلع هيچ بر وقت اختيار تام ايله ، تغايدن ، قيامدن ، عصياندن آزاده بر شكل ايله نظاھر ايدمه مش ، هيچ بر وقت بر محكمه نك كمال حریت ايله طرفيني محاكمه ايدرك بر حكم واعلام ويرمى طرزينه افراغ اولونه ماشدر . خلع ( يعنى مسئوليت سياسيه ) بر حقدر فقط حقوق دول كبي فعلياته ناتمام بر حقدر .

مسئوليت جزائيه ايسه مسئوليت سياسيه دن صو كره كله جكنندن

ایدولر ایدی . بو بر سنه ظرفنده نه عزل اولونور نه ده جزایه دوچار اولور ایدی . مسئولیت جزائیه نه انجق مقام اقتداری غائب ایتدکن صوکره معروض اولور ایدی ، رومالیلر والیلرینی

تاریخی ایلك قانون اساسیسنده نه یولده حل ایدلیکنی ایضاح ایدلم ۱۷۹۱ قانون اساسیسی قدر نظریات علمیه نك تحت تأثیرنده قلمه آلمش بر قانونه نادرأ تصادف ایدیلور . بونکله برابر بو قانون «قرالك شخصی مقدس و تعرضدن مصون» اولدیغنی تصریح ایتدکن صوکره سقوطی موجب اوله یبله جك احوالی بروجه آتی ذکر ایدمه بیلور ایدی :

• شاید قرال براردونك باشنه کچر واردوبی ملتته قارشو استعمال ایدر ایسه و یاخود کندی نامه اجرا ایدیلن بویله بر تشبیه قطعی بر حرکت ایله مخالفت ایتمز ایسه قرالقدن فراغت ایتمش عد اولونه جقدر . شاید قرال مملکتدن چیقوب ده پارلمنتو طرفندن واقع اولان دعوتنه - دعوتنامه ده تعیین ایدیله جك مدت ایکی آیدن دون اولماق شرطیله - بالاجابه عودت ایتمز ایسه قرالقدن فراغت ایتمش عد اولونه جقدر ... قرالك صریح ویا بروجه بالا قانونی فراغتمدن صوکره قرال افراد ملت صنفنه داخل اوله جق و فراغتمدن صوکره کی افعال و حرکاتی ایچون آنلر کی نهمت و محکومیته دوچار اوله یبله جکدر .»

بوراده قرالقدن فراغت بر فراغت قانونیه ، بر فراغت مجبوریه دیمک اولوب ساقط اولتی ، منخلع و منزل اولتی معناسنی تماماً ، فقط اعوجاجلی بر طریق ایله ، محتویدر . ( ۱۶۷ نجی قمریه مراجعت ) برده حکمدار ایچون بعد الفراغه و بعد السقوط مسئولیت جزائیه ترتب ایدمه جکی ده تصریح ایدیلور که بوده حکمدارک فعلاً مقامده ایکن مسئولیت جزائیه معروض اوله میه جغه بر مثال تاریخی و قانونیه سدر . ذاتاً اون التنجی لوئیک عاقبت الیمه سی ده بو نظریه نك اونودماز بر خاطره فحیمه سیدر .

اولاً ، حکمدارک عدم مسئولیتی ادعا اولمقله یوقاریده دوغریدن دوغریه مسئولیت حکمداریدن متولد محاذیر ومخاطرات فعلیه یعنی حکمدارک مسئولیت شخصیه سی انجق بر اختلال ایله تعین ایده بیله جکی حقیقتنه بر کسوه حقوقیه بخش ایدیش اولور . بوقاعده نك متممی اولق اوزره انکلیز لرك دیگر بر سوزی وار : « قرال فنالق یاپامز » بونک نتیجه سی شو اولیور : « قرالک افعال و حرکاتی هیچ بر محکمه نك دائره صلاحیت ووظیفه سنه داخل اوله ماز . « قرالک بوافعالی علی العاده جنایاتدن اولسه دنخی بالاده کی قاعده نك ضمان مصونیتی آلتنده ملتجیدر .

ظاهرده پك موخش وناقابل هضم کوریلن بوقضیه تحلیل اولونور ایسه ظن اولوندیغی قدر غیر معقول اولمدیغی مستبان اولور . حکمدارک مسئولیت سیاسیه سی ، یعنی منعزل ومنخلع اولسی خصوصنی حقوقاً تنظیم مشکل ، اختلال آمیز وبناء علیه مستحیل اولور ایسه مسئولیت جزایشنی تعیینه عجباً ناصل امکان بولونابیلیر ؟ خلع وعزل ایچون بوقدر محاذیر ومخاطرات موجود اولور ایسه تعیین جزا ایچون عجباً نه قدر محاذیر ومخاطرات ظهور اتمز ؟ هر حالده بر حکمدارک هنوز تختنده ایکن ، مخلوع دکل ایکن جزا دیده اولسی موضوع بحث بیله اوله ماز . [\*] قدیم رومالیرلر تریبونلرینی برسنه ایچون انتخاب

[\*] بومناسبتله مقام حکمدارینک مسئولیتی بمشک فرانسه نك ۱۷۹۱

۱۹۴ قواعد نلثه مسؤلیت: حکمدارک مسؤلیت جزائیه سی : —  
 بواصول مسؤلیت باشلوجه اوچ دستوره تابع طوتولمق لازمدر.  
 اولاً: قوه اجرائیه ریسنک عدم مسؤلیتی ، ثانیاً : وکلانک  
 غیر قانونی اولان هر حرکتدن وحتى اجراسنه اشتراک ایتدکلری  
 خطالی ، ویاساده جه مملکت ایچون ضررلی افعالدن مسؤلیتلیری ،  
 ثالثاً: قرالک مقام حکمداری به مخصوص امتیازات و افعالک انسانی  
 جریاننده وکلایی دخی تشریک قیلمسی وجوبی .  
 شمدی بو اوچ اساسی برر برر تدقیق ایدلم :

اعتمادی قرار ویرمکدر بوعادت مجارستانده کیتدکجه دیگر بیوک مأمورلره  
 تشمیل اولونمش و ۱۲۹۸ تاریخنده نشر اولونان دیگر بقانون موجبجه  
 قرال بالجمله افعال حکومتیه مجلس طرفندن تعیین ایدلمش بعض مأمورلری  
 تشریکه مجبور اولمش و بواشتراک وقوع بولمقزین اصدار اولونان اوامر  
 و ارادات کآن لم یکن حکمنده طوتولمشدر.

اسوجهده حکمدارک موقع مسؤلیتی قدیمدن بری حل اولونمشدر  
 زیرا اورادهده قرالک صلاحیتلری مجالس تشریعیه ایله چوقدن تحدید  
 ایدلمش و اورانک اصول مشروطیتی کندینه مخصوص بر دور تکامل  
 کچیرمشدر. اسوج رجالندن و قانون اساسی واضعلرندن ( هانس ژارتا )  
 دیورکه :

« اسوج قانون اساسیسی اوروپانک قسم متباقینسنده موده اولان  
 سیاسی قوستوملردن هیچ برینه باقیله رق بچلمش دکلدر اسوج قانون  
 اساسیسی اسوجک اسکی ملی قوستومنه، یعنی بله یابیشیق کویلی ژا کتی  
 یچمنه کوره تنظیم اولونمشدر .

مسئوليتك يوشكلى حقنדה خدمتارى مسـبوق اولدينى كوريلور .  
 مونتيكيو واقعا اسوجك مشروطيتدن؛ اصول مسئوليتدن بحث  
 ايتامش ، فقط اونك بو سكوتى او وقت اسوچده - بلكدده  
 انكلتره دن بعض خصوصـاتده دها مكمل - اصول مسـئوليتك  
 فقدانسه دلالت ايتمز . مع مافيه هر حالده اصول مذكوره بي  
 اك زياده فعليـاتده بر طرز مهاديده تطبيق ايدن انكلتره اولدينى  
 قابل انكار اولهاماز .

آتون فرمانده مصرح ايدى - بو حق سايه سنده اك زياده قوه  
 اجرائيه اوزرنده نفوز مشروطيتبرورانه اكتساب ايشلردر  
 بدايه قراللى ايني ويا كوتو هر نه بايلورسه جمله سندن شخصاً  
 مسئول ايدلر حتى سنت آتیه نك قرالغندن ( ۱۰۰۰ ) آتون فرمانك  
 نشرينه قدر ( ۱۲۲۲ ) اوچ قرال بويوزدن موقعلرني غائب ايتدیلر .  
 آتون فرمان دخى قرالك مسئوليتدن بحث ايدیور و بو فرمان احكامنه  
 حكمدار مخالفت ايتديكى تقديردده اهالى به حق قيام ورييور ۱۷۸۹  
 انقلابندن ۵۶۷ سنة مقدم مجارستانك حق قيامى بو صورتله تدوين  
 ايتمى شايان دقتدر . مع مافيه بو حق قيامه محل قالماق ايچون بويوك  
 مأمورلك مسئوليت حقوقيه سى و حتى ۱۲۳۱ تاريخنده مسئوليت  
 سياسيه سى موضوع بحث اوليور .

پالاتن ، يعنى قرال نامنه اجراى حكومت ايدن رئيس قرالك  
 ومملكتك ايشلرني فنا رؤيت ايدر ايسه مجلس ملينك رأى اوزرينه  
 عزل اولونه بيلير مألنده كي ۱۲۳۱ تاريخلى قانون قرالدين مسئوليتى آلوب  
 وكلايه تحمیلدن و بو مسئوليت سياسيه تأسيس ايتمكدن باشقه بر شى  
 ياييور زيرا بو مسئوليت نتيجه سنده جزا يوقدر يالكز موقعى غائب  
 ايتك واردر . بو عاداتا اتهام ايتك وظيفه سنك ياني باشنده برده عدم

سنه سنه قدر دوام ایدن قوه اجرائیه ریاستیدر که اونک ده نتیجه سی  
نصل بر تذبذب اولدینی معلومدر. مع مافیه جمهوریتلرده بر درجه یه  
قدر قابل تطبیق اولان بو مثاللرک حکمداره تابع مملکتلرده حال  
طبیعی اوله رق تطبیقنه قطعاً امکان بولنه مامشدر .

عین زمانده هم مشروطیته وهم حکمدارلق اصولنه تابع  
اولان همان کافه ممالک الیوم تعریف ایتدی کمز انکلیز اصولی  
اختیار ایتشلردر .

بواصولک واضع اصلسی یالکز انکلتره دکلدر. تاریخ تدقیق  
اولنورسه دیگر بعض اقوامک ده ، مثلاً مجارستان واسوچک ده [°]

[°] بر نوع پارلمنتو ایله اداره اولونق وقراله عائد مسیولیتلر وکلایه  
انتقال ایتک قاعده سی - که اصول مشروطیتک ایجابات حاضره سننددر -  
مجارستانه قدیمدن بری وار ایدی . مجارستان رجالندن قونت البراپونی  
مجارستان پارلمنتوسی نام ارنده بوکا دائر ایضاحات آتی بی ویریور :  
« مجارستان قرالرینک صلاحیتلری تازمان نشأ تندن بری ملتک  
مراقبه سنه تابع ایدی بوتون زادگانک اجتماعندن ترکب ایدن مجلس ملی ،  
بتپرستلک زمانندن قاله بو میراث - که ایلک قرالر آنک یرینه بر مجلس  
قرالی تشکیلی صورتیله آندن صرف نظر ایتمی پک ارزو ایدرلرایدی -  
حقیق بر مجلس ملی یه ترک موقع ایتدن کندیسنی متروکیته اوغرا تامشدر .  
دها اون برنجی عصرده قرالر امرنامه لرینی قانون شکلنه افراغ ایچون  
بو مجلس ملی یه اکثریا مراجعته مجبور قالمشدردر . قرال ایکنجی آندره  
آلتون امرنامه سی عنوانیله معروف فرمانیله بو مجلسک هر سنه « بویوک  
کونلر » نامیله اجتماع ایتمی عادتی تأسیس ایتشدر ( ۱۲۲۲ ) بو  
مجلسلر ملتی خدمات عمومی یه تشریک ایتشلردر فقط کندیلرنده بویوک  
مأمورلری تحت آتاهامه وضع ایتک حق ده بولوندیغندن - بو حق بالاده کی



ناظر دن وکلادن محروم بولونسون . بونلر او قدر يوکسکده اولمقلری ایچون مسؤیلتیری موضوع بحث اوله بیلور . ایشته انکلتره مشروطیتی امور اجرایه متعلق مسؤیلتی ، مسؤیلت حکمداری نی بوشکله قومشدر .

بناء علیه انکلزلر مسؤیلتی قرال دن وکلایه نقل ایتمکله قوه اجراییه نك مسؤیلتی کی نازک بر مسئله یی حل ایتمشدر . فقط بونک نتیجه سی اوله رق قرالک قرار اتخاذا ایتمی صلاحیتی ده وکلایه انتقال ایتمشدر . زیرا مسؤیلت آنحق اراده واختیار موجود اولان احوالده واقع اوله بیلور ، ایشته بوندن طولانی وکلایه کم ویا پارلمنتو قارشوسنده حائز مسؤیلت بولنیورلر محاکم حضورنده کی مسؤیلتیری ایسه یالکز غیر قانونی فعللرندن دکل ، خطالرندن وملمته مضر اولان هر درلو حرکتلرندن تولد ایدر .

ایشته بو صورت تسویه حریت حاضره اقوامک اک مهم بر تمائی تشکیل ایتمکده در . بونک عکس حالی ده وارد خاطر در . او تقدیرده قوه اجراییه رئیسیت تماماً مسؤل اولدیغندن مسؤیلتی وکلانک مسؤیلتنه محل براتماز ، فقط بو تقدیرده طرز حکومت دیکشدگدن ماعدا ، مطلقاً غیر طبیعی بعض افعال حادث اولور . فرانسه ده ایکی مثال وار : برنجیسی ؛ ۱۸۴۸ ده ناپولیونک ریاست جمهوریتدرکه نتیجه ده نصل بر تغلب حاصل اولدینی کورولدی . دیکری ( تیه ر ) ک ۱۸۷۱ دن ۱۸۷۳

قدر شدید بر بحرانی انتاج ایدیه بیلیر و بویله وسائطه آنجق باشقه چاره وامکان قالمدیغی زمانلر مراجعت ایدیور .

شو ایضاحاته نظرآ مادام که دوغریدن دوغری یه قوه اجرائیه ریسنک مسئولیتی جهتنه کیدیله میور، او حالده بالواسطه بومسئولیت استحصال ایدلسون . رئیس جمهور ایله اداره اولنان مملکتلرده بو بالواسطه مسئولیتک بر قسمنی ریسنک ختام مدت ریاستی تشکیل ایدر . ریسنک بر دها انتخاب اولنماسی ، طولانیسیله برمسئولیت، بر مسئولیت سیاسییه، بر نوع عزل دیمک اولور .

فقط بو بالواسطه مسئولیت بشقه شکلدهده تعین ایدر. معلوم اولدیغی اوزه حکمدار ویا رئیس حکومت هر شیئی کنیدی یاپه ماز . ، تحت قراره آله ماز ، حکومت پک ابتدائی اولمیدر که حکمدار هر شی ایچون حاضر وناظر عد ایدیله بیلسون وهر شیئه پارمغنی صوقه بیلسون .

زمانمزده بر حکمدارک دماغی ، امثالی غیر مسبوق درجهده تنوع کسب ایدن وظائف حکومتک بار تحمل فرسایبی آلتنده زبون تضییق اوله رق صار صیلیور ، شو حالده ، حکمدار بالضروره بعض بویوک مأمورلره ، دوغریدن دوغری یه کندیسینه تماسده بولنان رجاک خدمتته مفتقدردر . بونلرک هر بری تقسیم اعمال قاعده سنه تبعیت ایدرک دولتک باشلوجه وظائفندن برر دانسنی درعهده ، یعنی بر دائره مخصوصه ریاستی اختیار ایدر ایشته بونلره وکلا ویا ناظر دیرلر . آز چوق منتظم بر حکومت تصور اولونه ماز که

مكلف اولان قوه اجرائيه در . آنجق تطبيق ايله مكلف اولان بو هيتك او مكلفيته متناسب بر استعداد سوء استعمالی واردر . قانونی تطبيق ايدر ايكن قانونك حدوديني تجاوزوا كاتعرض هر وقت ممكندر . شو حاليه قوه اجرائيه نك كرك سياسته و كرك جزاء ، كرك مالا مسؤل طوتلمسي اقتضا ايدر . فقط بو مسؤليت فكري مقتضاي عقل ومنطقدن چيقاروب دائرة فعاليتيه صواقار و روح اجرا آتي تشكيل ايدن قوه اجرائيه نك رئيسه يعني حكمداره تطبيق ايتمه ك فالفيشر سهق عادتاً خيال ايله اوغرا شمعده اولديغمز كوريلور ، في الحقيقه قوه اجرائيه نك رئيسي اولان بر حكمداري غير قانوني و يامضر و مملكت ايجون مشؤم و منحوس بعض افعالدن دولايي سياسته و يا جزاء مسؤل ايتك ، آني محاكمه سوق ايتك مملكتي مرج و مرج ايتمكه مساويدر . او حكمداري عزل ايتمدن بر اختلال عظيم اجرا ايتمدن بو مقصده وصول ممكن اوله ماز . تخته وراثتي و اهالينك تلقى اعتيادي سي سوقيله دهها زياده يرلشمش كوكشمش اولان حكمدارلردن صرف نظر ؛ مأموريتلري موقت اولان رئيس جمهورلر حقدنه بيله بو طريقه مراجعت بك مشكل و خطرنا كدر .

واقعا فرضا فرانسه قانون اساسيسي موجبنجه ، رئيس حكومت ، صرح اولان بعض افعالدن دولايي مدت رياستك ختامندن مقدم تحت محاكمه به آلمق لازم كلير . حقوقاً وحتي فعلاً بوكا امكان يوق دكادر . فقط بوكا توسل ايتك بر اختلال احداث ايتك

انجق دولتی مسؤل طوتمق ایچون حق تصرف اخلال ایدلمه مش اولور ایسه او وقت خطا شرطدر انجق بو خطا دولته مضاف اوله ماز چونکه دولت خطا ایشلیه من . خطا دولت نام و حسابنه حرکت ایدنلر طرفندن صادر اولمیدر ا کر بو خطا بو مأمورلرک شخصی خطاسی ایسه دولت دکل انلر مسؤلدرلر فقط ا کر خطا دولنک او ایسه متعلق وظیفه سنک ایجابی ایسه او وقت مسئولیت دولته تعلق ایدر بناءً علیه تحصیل ایدن ضرر خصوصی نك تضمینی اموال عمومیه عائد اولور . زیرا ضرر منافع عمومیه ایچون وجوده کلن خدمات عمومیه ما کتسه سنک بوزوق ایشلمسی نتیجه سیدر .

فقط بوراده کی مسئولیت دولتک خطا ایشلمسندن دکل وظیفه دولته وقوع بولان خطیئات و نقایصه قارشو سیغورطه جی موقعنده اولمسندن تولد ایدیور .

۱۹۳ حکمدارک مسؤلیتی — شمدی مسئولیت بحثی بو عمومیتدن

چیقاروب ده ا خصوصی بر داره یه ارجاع ایدلم :

دولتک شخص معنویسنک اعضا و جوارحی طرفندن اجرا ایدلمش بعض افعال واردرکه هر حالده مسؤلیتی مستلزم اولوق ویا اولماقی نقطه نظرندن محاکمه ایدلمیدر . بو ایسه حکومتک مختلف اورغانلرینه راجح بر ایش اولوب قوه اجراییه نك، قوه تشریعیه نك مسؤلیتلری بحثی اورته یه آمش اولور .

قانون حکمران اولان بر مملکتده قانونک اجرا و تطبیقیله

مسئوليتك خطا اساسنه مستند اوله ميه جغني كوسترن احوال دن برى ده دولتك بعض خصوصاتده ميدانده هييج برخطاي يوقايكن مسئوليت ماليه معروض اولميسيدر . بر اداره مأمورى قانونك حدودى داخنده حركت ايتديكي حالده حق تصرفى صورت مهاديده مغل افعالده بولونورسه او تقديرده دولت حاصل اولان ضررى تضمين ايدر بوراده منفعت مشتركه ايچون خصوصى بر منفعت طوغرىدن طوغرى يه اخلال ايديلهرك بر ضرر مخصوص توليد ايديلور بو ضررك عموم طرفندن قطعى اوله رق درعهده ايدلمى محقدر . ايسته استملاك املاك ويا محاربه وسائر احوال فوق العاده احتياج دولت ايچون اهاليدن تكاليف حربيه آلمسى بوسيدن طولايي بربدل مقابلنده اولميدر كذلك امور نافعنه دن طولايي بالواسطه اشخاصه ايقاع ايديلن ضرر لرده - هييج برخطاي اولديغى حالده - عينى اسبابدن طولايي تاديآتى مستلزمدر .

اجرا اتمسى دولته توجيه مسئوليت ايتديكي حالده بر مأمورك مثلاً دولته عائد فابريقه ايشلتمى يوزندن حاصل اولان ضرر لرى دولتك درعهده اتمسى لازم اولور . بو نقطه نظر كده موافق اولديغى بيانه حاجت كورميز .

انجق حاكميت دولتك، قوه عموميه نك ممثلى اولوق اعتباريله بر مأمورك اجرا آتندن يعنى برنجى نوع افعال دن تولد ايدن مسئوليتك انجق دولت نامنه اجرا ايديلن افعاله عائد اولديغى وبونك عكسى اوله رق بر مأمورك دولت طرفندن دائره و حدود خارجه چيقيديغى حالده بو فعلنك دولته دكل او مأمورك شخصنه معطوف و بناء عليه اكا كورم نتايج مسئوليته تابع بولونديغى بيانه لزوم واردر .

طرق قانونیه به مراجعتی تأمین ایمنش. انجق بو طریقلرک هپسنه مراجعت ایدلمش ویا بو طریقلر استعمال ایدلمه مش ایسه قرار قضائی به ارتق هر کس تبعیت ایتلیدر اگر قانونه مخالف و سیله سیله علاقه دارانک تضمینات طلب ایتسنه جواز ویرلسه قضیه محکمه دینیلن شی تکرار موضوع بحث ایدلک ایجاب ایدرکه احتیاجات اجتماعیه به نظراً بونک امکانی یوقدر. « بالاده کی تفصیلات شاید قضیه محکمه اعاده محاکمه طریقیله موضوع بحث ایدیلوبده محاکمه اعاده ایدلدیکی تقدیرده مسئولیت دولتک نهدن طولانی تکرار واضح قانونجه دخی تصدیق ایدلمکده اولدیغی ده عینی زمانده ایضاح ایدر. [ فی الحقیقه فرانسه اصول محاکمات جزائیه سنک ۸ حزيران ۱۸۹۵ ده تعدیل ایدیلن ۴۶ نجی ماده سی موجبجه محکومک برائتی انتاج ایدن محاکمه قراریله برابر محکومک طلبی اوزرینه کندیسنه محکومیت سابقه سنک سببیت ویرمش اولدیغی ضرر لر تضمین اولونور. عثمانلی اصول محاکمه جزائیه سنجه بویله بر حکم قانونی دخی یوقدر ]

« افعال اداره به کلنجه بوراده بعضلرینک یاپدینی وجهله طوغریدن طوغری به دولت لک حاکمیتی اعتباریله واقع اولان افعالی- Actes d'au torité دولتک علی العاده اشخاص طرفندن دخی یایله بیلن افعالندن ( Acte de gestion ) آیرمغه محل یوقدر. » [\*]

[\*] حقوق اداره متخصصلرندن موسیو بارتلی افعال اداره ی ایکی صنفه آیریور بر صنفی قوه عمومیه نك افعالیدرکه اداره مأمورلری بونلرله اداره اولونان کیمسه لره امر ایدر ویا نلری بعض افعاله بولتقدن منع ایلر لر دیگر صنفی علی العاده افعالیدرکه مأمور لر بونلری یالکز خدمات عمومیه ممثلری اولق صفتیله اجرا ایدر لر. بو ایکنجی نوع افعالی اساساً هر کس ده اجرا ایدیه بیلیر واصلاً قوه عمومیه دولتک وجودینه توقف ایتمز. موسیو بارتلی نك ادعا سنجه یالکز بو ایکنجی نوع افعال درکه دولتک مسئولیتی انتاج ایدر. بالفرض بر مأمورک قوه عمومیه دولتی تمثیل اعتباریله اجرا آتی مثلا توقیفات، تعقیبات و سائر

وافعاله شمول معناسی مندج بولمسننددر . دولتک بویله معنای عمومیتی شامل بر قانون ایله اشخاصه طوغریدن طوغری به تمامی اولماز . بونک نتیجهسی اوله رق عمومیت طریقیله دکل ، بلکه شخصیت طریقیله یعنی بر شخص ویا اشخاص مخصوصه به مضاف اوله رق صادر اولان قانونلر پارلمنتودن کسه لر بیله مسئولیت دولتی تولید ایده بیلیر . بوکا مقابل قوه تشریحیه دن دکل بر اداره مأمورندن ، قولر اجرائیه دن صادر اولان بر نظام ، معنای عمومیتی حائز اولونجه ، - بو نظام قوانین موجوده به مخالف اولسه دخی - مسئولیت دولته بادی اوله ماز . بوراده دوات حاکمیت دولته متعلق بر فعل اصدار ایتیمور . زیرا بوراده کی نظامنامه نك ینه بر اداره مأموری طرفندن بر شخص حقنده اتخاذ اولونان قراردن - منبع وماهیت صدور اعتباریله - فرقی یوقدر بونکله برابر بو ایکنجی قرار عمومیته دکل شخصه تعلق اعتباریله اگر قانونه مخالف اولور ایسه دولتک مسئولیتنی انتاج ایده بیلیر . قانونه مخالف اولان نظامنامه نك عینی نتیجه یی تولید ایتهمسی نظامنامه ده عمومیت معناسی موجود بولومسندن ، تصوری بر ماهیتی حائز اولسندن ، بذاته نظر دقته آلتدینی تقدیرده هیچ بر شخصی اضرار ایده میه جک بر حالده اولسنددر .

« افعال دیپلماتیکه دخی ولو که خطایه اقتران ایتسه دولتک مسئولیتنی انتاج ایده مز . فقط بونک یک خصوصی سبیلری واردر که خلاصه سی اساسی مملکتی علاقه دار ایده بیله جک مذاکرات دیپلماتیکه ده حکومتک استقلال نامنی تأمین ایلمکدر .

« افعال قضائیه به کلنجه بونلر قانونه مخالف اولسه لر دخی دولتک مسئولیتنی موضوع بحث ایده مز . بونکده اسبابی ایضاح اولونور ایکن دولتک بوراده حاکمیتی صفتیله اجرا آده بولوندیقندن بحث ایدیلیور بوراده دولتک حاکمیتی هیچ بر شی ایضاح ایده مین بر تعبیر مهمدر . دولت قوه عدلیه سنک قانونه مخالف بوخطاسندن مسئول اوله میور ایسه بونک سببی قضیه محکمه دینلن قاعده در . قانون حکمره قارشو بعض

عودت ایدیورز دولت ایسه یوقاریده سویلدیکمز وجهله حقوقی بر شخص اولمق اعتباریله یالکمز ارادات و افعال حقوقیه به مصدر اوله بیلیر .

یوقاریده ذکر ایتدیکمز مؤلفردن موسیودوکوی دولتک مسؤلیتی سیغورطه امورنده کی « تهلکه ضرر » اساسنه استناد ایتدیور . بوتون اعضای جمعیت بر سیغورطه شرکتک حقوق متقابله به نائل افراندن عد اولوندقلری تقدیرده نه وضعیتده بولونورلر سه دولته نظراً وضعیتلری اودر دولت اوله بر سیغورطه قومپانیه . سیدرکه دولتک وظائفی اعتباریله افراده ایقاع ایده بیله چکی ضررلری تضمین ایله مکلفدر زیرا بروجه بالا نظریاتجه شخص حقوقی اولان دولتدن صادر اولان فعلک خطا آلود اولمی ممکن اولیه جنی کبی فعلیاتجه دخی کوریورز که دولت نامنه صادر اولان افعالده خطا موجود اولدینی حالده تضمینات ویرمک جائز اولمیان احوالده واردر .

موسیو دوکوی مسؤلیتک خطا اساسنه استناد ایده میه چکنی فعلی مثاللرله رد ایچون دولتی قوه تشریحیه وقوه عدلیه وقوه اجراییه صفتلریله حال فعالیتیه وضع ایدیور و دولتک بوتظاهرات مختلفه ثلثه سنه نظراً وضع مسؤلیتی تشریح ایدیور :

« اول امرده بر قانون قاعده حق پامالی ایسه ، دولته توجه ایدن وظائف حقوقیه به منا اولسه فی دخی بو قانوندن طولایی دولتک مسؤلیتی موضوع بحث اوله ماز . بوراده دولتک عدم مسؤلیتی حاکمیت دولته متعلق بر فعلک صدورندن دکل بلکه قانون دینلن شیده عموم افراد



بر اساس تعقيب ايدلمشدر . مسؤليت دولته ويا شخص حقوقى به طوغريدن طوغرى به دكل بالواسطه يعنى دولت ويا شخص حقوقىك مأمورلى واسطه سيبه توجه ايدر يعنى انسان يالكيز كندى فعلندن دكل بلكه كفيل وضامن اولديني كيمسه لرك فعلندن دخى مسؤل اوله بيلير . شرقة بونك خلافته اوله رق ضمان و مسؤليت شخصيه فاعل و مباشره عاند اولور . ولى و وصيلر محجورينك افعالى ضامن اولماز لر بر شركت ، مأمورلرينك ايقاع ايتديكى ضررلردن مالا مسؤل دكلدر . مجله دن وسائر قواعد اصليه دن مستخرج اولان بواحكام احتياجات جديده سيبيله شرقة پايدار اوله مامش و بناء عليه باشقه سنك ايقاع ايتديكى ضرردن طولاي مسؤليت ماليه قاعده سى تأسس ايتمكه باشلامشدر .

بر شركت ؛ بر شخص حقوقى ، بر قولكتيف هيئت اولديني حالده حالده تعيين ايتديكى مأمورلردن هر برينك ولو كه اثر خطا اوله رق اشخاص ثائمه يه ايقاع ايتديكى ضررلى ضامن اولمى ايشته بونقطه نظر حقوقيدن نشأت ايدر ، شمدي بوقاعده يي دولته تشميل ايدلم : عجباً دولت مأمورلرينك بوتون افعالى ضامنمى ؟

بالاده كى ايضاحات ضامن اولمى ايجاب ايتديرر . دنيلور كه واقعا بوراده ضررى ايقاع ايدن مأموردن ، مأمورك شخصيدر . فقط دولت ده او مأمورى مثلاً اهليتسز اولديني حالده انتخاب ايتمش اولديغندن خطا ايتمشدر خطاسنك ضررىني چكميلدر .

فقط كوريلور كه بوراده ينه مسؤليت ايجون خطا اساسنه

رحی ده اشخاص و یا اشخاص کومه لرندن عبارت بولونمقده در .  
 ایسته بواشخاص و یا اشخاص کومه لری عاداتا شخص مغوینک  
 لسان متکلمی ، دماغ متفکری ، دست مقتدری ، مشابه سنده در .  
 ایسته اولجه بحث ایتدی کمز المان مؤلف لرندن ( کیرکه ) نک زبده  
 نظریاتی بودر .

انجق شخص حقوقی نک ، قولکتیف شخصک بومسئولیتی  
 هانکی اساسه مستنددر؟ یعنی بر شخص حقوقی ایشلیدیکی بر خطادن  
 طولاییمی مسئولدر؟ مادامکه بو حقوقی شخصلر حقیقی ومدر کدرلر  
 او حالده بونلر خطاده ایشلیه بیلیرلر و خطانک نتیجه ضروریه و طبیعیه سی  
 اولان مسئولته معروض اوله بیلیرلر .

مسئولیت ایچون بوخطا اساسنک قبولی اهمیتلی کورمکه  
 برابر مؤلفیندن موسیو دوکونینک بوبابده مهم بر اعتراضی ایراد  
 ایتمکده صرف نظر ایده میز : اشخاص حقوقیه هر نه قدر حقیقی  
 اشخاص ایسه لرده بو حال کندی لرینی بر موجودیت حقوقیه  
 صاحبی اولق وضعیتدن چیقارمه ماز بونلرک اراده سی و فعالیت  
 انجق حقوقی بردارنده دوران ایدر تعیر دیکرله یالکز افعال  
 حقوقیه درکه شخصیت دولتک اراده سندن طوغریدن طوغرییه  
 طوغمش افعال عدادینه داخل اولورلر . شو حالده بوقیل افعال  
 ماهیت حقوقیه بی حائز اولمیان بر فعل مادیدن دکل بر فعل حقوقیدن  
 متولد مسئولته معروض اوله بیلیرلر .

بواعتراضات درپیش ایدیله رک دولتک مسئولیتی ایچون دیگر

۱۹۲ دولتک مسئولیتی — دولتک شخصیت معنویه و حقوقیه  
 سندن بحث ایتمش ایدک . بوشخصیت معنویه و یا حقوقیه به عجباً  
 مسئولیت توجه ایده بیلمیری ؟ مسئولیت انجق فعال و مرید اولان  
 شخصیتلره انعطاف ایده بیلمیر دولت ایسه بذاته فعال و مرید  
 دکل بلکه اراده و افعالی بعض اشخاص واسطه سیله اظهار ایدر .  
 شو حالده دولت نامه بواشخصادن صادر اولان افعال و ارادادن  
 متضرر اولانلرک ضررینی کیمه تحمیل ایلیدر . قاعده و حقوقاً  
 شخصک کندینه مضاف فعلی باشقه ، دولته مضاف فعلی ده باشقه  
 نتایج حقوقیه تولید ایتک لازم کلیر .

بوجهتی دهها کوزل ایضاح ایده بیلمک ایچون اول امرده اشخاص  
 حقوقیه نك مسئولیتی تعیین ایتلیدر قولککتیف شخصلر ، حقوقی  
 شخصلر مسئول اوله بیلمیری ؟ بومبحثده تشریح وتفصیلنه امکان  
 بولونه میان بر نظریه قدیمه به کوره قولککتیف اشخاص ، اشخاص حقوقیه ،  
 اشخاص متشخصه کی ذیر وح و فاعل مختار اولدقلرندن مسئولیتلرندن  
 بحثه محل یوقدر . مسئولیت مهمیت ایله مترادف اوله ماز ، منبغی صراحة  
 تعیین ایتک اقتضایدر . آنجق زمانم زده بونظریه او قدر مقبول دکلدر .  
 بناء علیه شرکتلرک ، اشخاص معنویه نك دخی مسئولیت مالیه لری  
 اساسی ترجیح اولونمقدمه در . بناء علیه قولککتیف شرکتلر  
 و جمعیتلر اراده به مالک ، موجودیتندن خبردار ، یادیغنی مدرک ،  
 برر شخص حقیقی تلقی ایدلمکده و بوشخص حقیقینک اعضا و جوار-

مسئولیت سیاسیه احراز ایدیلن موقع سیاسیدن انفصال ایله ختام بولور؛ مثلاً برناظر بر جوق اسبابدن طولایی سقوط ایله انفصال ایدر، موقعی غائب ایدر؛ بناءً علیه برناظر مسئولیت سیاسیه معروضدر. بر مبعوث مدت انتخابیه سی اثناسنده لاینعزلدر؛ بناءً علیه مسئولیت سیاسیه معروض دکلدر.

مسئولیت جزائییه یا لکز احراز ایدیلن موقع ضیاعیله حاصل اولماز بلکه موقع مسئولیتده بولونان ذات حقنده تحقیقات، تعقیبات و محاکمات و محکومیتی مستلزمدر.

مسئولیت مالیه ایسه مالاً تضمیناتی دعوت ایدر. مسئولیتلرک بعضاً اوچی اجتماع ایدر، بعضاً ده یا لکز برینه و یا ایکسینه لزوم کوریلور. مسئولیتک انواع نلته سی حقنده بوقیصه جق مقدمه دن سوکره یینه بحثک لایقیله تعقیب اولونه بیلمسی ایچون اول امرده دولتی هیئت عمومی سی اعتباریله نظر دفته الهرق اکا، انک شخصیت معنویه و حقوقیه سنه توجه ایدن مسئولیتی، مسئولیت حقوقیه و مالیه یی تدقیق ایده جکز. سوکره دولتک بو عمومیت حالندن آریله هرق قوه اجراییه نك مسئولیتنه نقل کلام ایده جکز.

قوه اجراییه نك مسئولیتی تحلیل صره سنده؛ اولاحکمدارک مسئولیتنه، مسئولیتک انواع نلته سنه نظراً وضعیتنی؛ ثانیاً حکمدار نامنه تدویر امور ایدن هیئت وکلانک كذلك مسئولیتنه و انواع نلته مسئولیتنه نظراً وضعیتنی و ثانیاً قوه تشریحیه نك كذلك عینی صورتله درجات مسئولیتی تحلیل ایده جکز.

اولدیغندن بوندن بعضاً بالکزه هیئت وکلانک دکل ، پارلمنتونک  
دخی معناً منززل اولمسی ملحوظدر .  
آنحقی ، بو واسطه ده تهکه لی اولدیغندن اولور اولمازشی ایچون  
بالطبع استعمال اولونه ماز .

### مسئولیت: ماهیتی ، انواعی ، اشکالی

۱۹۱ مسئولیتک انواعی . — وظیفه و فعالیت اولان زهر یرده بر  
مسئولیت فکری موجوددر . افعال و اجر آتنده فاعل مختار اولان بر  
کیمسه نک و یا بر هیئتک اونسبتده مسئولیت باری آتنده ازمسی ضرور یدر .  
کار نسبتده تهکه واردر ، صلاحیتک وسعتیله ده مبسوطاً متناسب  
بر مسئولیت وار ، خلقک بودستور اساسیسی البته سیاسیاتده دخی  
جاریدر .

عموماً مسالمدر که ایوم دولتک ساحه فعالیتی ، مقدار  
وظائفی چوغالمشدر . دولتک بووظائفی ، بووظائفه مربوط  
اجرا آتی آرتدقجه افراده قارشو اولان مسئولیتی ده بالطبع او  
نسبتده توسع ایلشدر .

فقط مسئولیت بحثنه کیریشمدن اول بو بحثی تعقیب ایدنلرک مقصدینی  
تسهیله مدار اولمق اوزره مسئولیتک — حقوق اساسیه نقطه نظرندن —  
انواعی اجمالاً ذکر ایدهلم :

مسئولیت باشلیجه اوچ نوعدر : (۱) مسئولیت سیاسییه ؛ (۲)  
مسئولیت جزائییه ؛ (۳) مسئولیت مالیه و یا حقوقیه . .

قوة اجرائیه رئیس نامنه واقع اولدیغندن بوبابده کی مقررانده انک امضاسی موضوع بولونمق لازمدر . شاید ناظر طرفندن اجرا ایدیله جک فعل و حرکت بصیرتکارانه اولماز و یا مخاطره لی اولور ایسه رئیس جمهور امضاسنی بلامقاومت و بلا اخطار ویرمزه واقعا رئیس حکومت هیچ بر زمان بوامضایی قطعاً دریغ ایده جک درجه ده اصرار ایدوب ایلری کیتمز زیرا اووقت هیئت وکلا استعفاسنی ویرر و شاید هیئت مذکورہ نک تعقیب ایتدیکی مسلك سیاسی بی مجلس مبعوثان دخی تصویب و تأیید ایتمش اولور ایسه او وقت قوة اجرائیه مطاوعته مجبور اولور مکرکه غایت تهلکه لی برواسطه یه مراجعت ایده که اوده وجهله مجلسی طاغتمقدر . اصول مشروطیت مطلقه یه تابع اولمیان مملکتلرده و حتی جمهوریتلرده حکمدار و رئیس اجرانک موقعی تعیین و تصریحه لزوم کورمدک . چونکه اوراده کی فعلی و قانونی صلاحیتلر ده واسعدر .

رئیس حکومت ، بر رئیس جمهور اولدیغی تقدیرده وکلا اوزرنده دیگر بر نفوذ ده اجرا ایده بیلیرکه اوده طبع و مسلکته موافق کلیان و یا مملکت ایچون تهلکه لی و یا مضر اولان بعض مقررانه وضع امضا ایتمکدن ایسه استعفای ترجیح ایتسی و یا هیچ اولماز ایسه استعفا تهدیدنده بولنمسیدر . زیرا استعفاوقوعنده افکار عمومی نك مختلف فیه مسئله حقدنه غلیانه کلی ملحوظ

ايسته بوندن سوکره فسح دينلن حق سلطنت ذات حضرت پادشاهی طرفندن استعمال بويوريلور .

ثالثاً بالاده کی شرائط ظهور ايتدکن سوکره ديگر براوچنجی شرطک لحوقی لازمدر ؛ اوده مجلس اعيانک موافقتيدرکه بويکی بر قیدی اصول مشروطيت مطلقه يی قبول ايدن مملکتلردن يالکنز فرانسه جمهوریتی قبول ايلشدر .

قانون اساسيده کی بوشرائطک حق سلطنت وحق سلطنت ايله برابر حق ملتی پک زياده تعييد ايدم جکنی نظر دفته آلان سعيد پاشا قاينه سی مجلس مبعوثانه بونک لغوینی تکليف ايتمش ، فقط مجلسک بالاده کی قيدرله واقع اولانردی اوزرينه مجلس مبعوثانی فسح ايدم رک انتخابات جديده يه مراجعت ايتمش ایدی . يکی مجلس تعديلات واقعه يی قبول ايتمش ايسه ده مجلس اعيان طرفندن تعديلات قبول ايدلدن اول مجلس اعيانک ۳۵ نجی ماده ده کی صوک فقره يی تفسیر ايتمی صورتيله مجلس مبعوثان سد اولونمشدر . شمديکی حالده ۳۵ نجی ماده معلوم اولان قيوديله برابر طور بيور . [۰]

اصول مشروطيت مطلقه يه تابع جمهوريتلرده دخی رئيس جمهورک تأثير کليسی واردز . رئيس جمهور فرضا فرانسه ده ايره صره مجلس وکلایه رياست ايدر هر حالده بالجمله فعال واجراآت حکومت

[\*] حقوق سلطنتک هر برينک صورت جريانی حقنده ايلزیده معلومات ويره جکنز .

رأینده اصرار ایدوبده مبعوثان جانبندن قطعياً و مکرراً رد ایدلدیکی حالدہ وکلا یا مبعوثانک قرارینی قبوله ویا استغفایه مجبوردر استعفا تقدیرنده یکی کلن هیئت وکلا هیئت سابقه نك فکرنده اصرار ایدر و مجلس اسباب موجبہ بیانیه ینہ رد ایدر سه طقوزنجی ماده موجبنجه انتخاباته باشلانلق اوزره ذات حضرت پادشاهی مجلسی فسخ ایدہ بیلیر فقط هیئت جدیدہ مبعوثان اولکی هیئتک رأینده اصرار ایدر سه مجلس مبعوثان رأی و قرارینک قبولی مجبوریدر .

بو ماده نك متنندن مستبان اولویورکه : اولاً مجلس مبعوثان علی الاطلاق برسیدن طولای فسخ اولونه ماز . فسخ مطلقاً هیئت وکلا ایله اختلاف ظهورینه یعنی ( یدنجی ماده ) ده کی حق سلطنت انحق ( ۳۵ نجی ماده ) نك ظهور حکمنه وابسته در . ممالک ساروده اولدینی کبی تعدادی ممکن اولیان برچوق اسباب فسخک موجود اوله بیله جکی نظر دقته آلماش وحق فسخ شایان حیرت برقییده تابع طو تولمشدر .

ثانیاً بو اختلاف حالی ده تقییدات متنوعیه دوچار اولمشدر . شویله که : اولاً اختلاف وقوعه کله جک ، ثانیاً وکلا رأینده اصرار ایدہ جک ، ثالثاً مبعوثان جانبندن قطعياً و مکرراً رد اولنه جق ( تکرار لا اقل ایکی دفعه بی تضمن ایدر ) رابعاً وکلا مجلسک رأینی قبول ایتدیکی تقدیرده استعفا ایدہ جک ، خامساً یکی کلن هیئت وکلا اسکی هیئتک فکرنده اصرار ایدہ جک ، سادساً مجلس اسباب موجبہ بیانیه ینہ رد ایدہ جکدر .



شو ایضاحات حکمدارک فسسخه تعلق ایدن حقنک قواعد مشروطیتده نه مهم وعینی زمانده نه قدر خطرناک بر موقع اشغال ایتدیکنی کوسترمکده در حکمدار فسسخ طریقنی تعقیب ایده جک یکی بر صدر اعظم تعیین ایده بیلدیکی کبی بونک عکسنه اوله رق فسسخنی توصیه ایدن مسئول بر صدر اعظمک معروضاتی نظر دفته آلمیه رق صدر اعظمنی فدا و مجلس مبعوثانی ملتله هم روح وهم حس عدایدرک ترجیح ایدر و بوتقدیرده دخی فسسخنه لزوم کوستریلن مجلسک بالعکس ادامه سی رأینده بولونان بر مسئول صدر اعظم بولمق ضرور ایدر .

۱۹۰ حکمدار وحق فسسخ — عثمانلی قانون اساسیسنک حق فسسخه تعلق ایدن احکامی مقام سلطنتک بالاده کی احتمالات دآره سنده ایضاح ایتدیکنمز حریت نصب و تعییننی مع التأسف تقیید و بوضورتله امور دولتی جداً تشویش ایدیور . حقوق سلطنتی تعداد ایدن یدنجی ماده ده « اوتوز بشنجی ماده موجبنه ججه مجلس مبعوثانک اوچ آی ظرفنده انتخاب اولوب اجتماع ایتک شرطیله و هیئت اعیانک موافقتیله لیدی الاقتضافسسخنی . . » دنیله رک حکمدارک بوحق تصریح و اوتوز بشنجی ماده نک مضموننه عطف ایدیور . مجلس مبعوثان عثمانینک ایلک دوره اجتماعیه سی او اخی ایله ایکنجی دوره اجتماعیه سی مبادیسنی صوک درجه اشغال ایدن و یک زیاده شهرت بولان معدل ۳۵نجی ماده نک متنی ایسه بروجه آیدر :

« وکلا ایله هیئت مبعوثان ارسنده اختلاف وقوعنده وکلا

قبودانك ده دماغ اولی ، مبدأ وجودی ، مولدی حکمدار در .  
 واقعا حکمدار دولتک مجرای سیاستی تبدیل خصوصنده کی  
 بو مؤثر و نافذ صلاحیتلری ده -- سائر تعداد اولونان صلاحیتلری کی -  
 بر مسئول ذاتک کفالتیه استعمال ایدر . انجق کندیسسی ایچون مسئولیت  
 در عهده ایده جک ذاتی تمیز و تعیین ایتک سائر صلاحیتلردن  
 یک فرقلی در دیگر صلاحیتلرده کندیسسه ذاتا روح نفخ اولونمش  
 بر هیئت مسؤله نك امضاسی در . فقط صدر اعظم تعیین عینی  
 زمانده هم نفخ روحی ، هم کندیسسه روح نفخ ایدیلن ذاتک  
 در عقب مسئولیت موقعنه گلکسینی انتاج ایدر .

حکمدارک حق عزلنی استعمال ایتسی ده عین صورتله حائر  
 اهمیت فوق العاده در مجلس مبعوثانله هم آهنگ بولونمیان بر صدر اعظم  
 عزل ایدیله بیله جکی کی ملته بی آهنگ بر مجلس مبعوثانه مستند بر  
 صدر اعظم ده عزل ایدیله بیله فقط بویاکنجی تقدیرده صدر ته کله جک  
 ذات هم سلفنک عزلنی مسئولیتی هم ده ارتق کندیسسه کچینمک محال  
 اولان بر مجلس مبعوثانی فسخ ایتک مسئولیتی در عهده ایدر . شاید  
 فسخ نتیجه سنده افکار عمومیه کندیسسه حق وزیر ایسه حکمدارک  
 اسکی صدر اعظمی عزل ایتکده نه قدر اصابت ایتدیکی تظاهر  
 ایدر . شاید ملت یکی مجلس مبعوثانی ده اسکی مجلس مبعوثانک روح  
 و مسلکنده اوله رق انتخاب ایدر نه عزلده عدم اصابت اشکار و مجلسک  
 فسخنی وظیفه سنی در عهده ایدن صدر اعظمک مسئولیتی ده  
 ظاهر اولور .

بوتون نفوذی و اقتدارى ميدانه چيقار . هانكى فرقه يه منسوب  
 هانكى ذات واردر كه معين بر زمان ايچون مملكتك اك بويوك بر  
 اكثرينى ارقه سندن سوروكله بوب دولتى اداره يه مقتدر اولسون؟  
 هانكى ذات واردر كه معين بر زمان ايچون مختلف فرقه لرى يد  
 واحده جمعه موفق اوله بيله جك بر شهرت و اقتدار ايله ايشه صاريله  
 بيلسون؟ بويله بر آدمى انتخاب سياسيات روزمره يه و قوف تام  
 صاحبي اولغه متوققدر . برده مملكتده ساخته و ظاهرى جريانلر ك ياننده  
 حقيقى و كور و لئيسز جريانلر واردر . حقيقى جريانلرى ساخته جريانلردن  
 تفريق ايتك ، بويله بر ساخته جريان مجلسى مبعوثانه انتقال ايتمش ،  
 مجلس مبعوثانده بر اكثرت وجوده كتر مش اولسه دخى مجلس  
 مبعوثانك ملتك افكار عموميه حقيقه سنى تمثيل ايدمه مديكنى تقدير  
 ايتك و بناء عليه بويله بر اكثرتكم تمايز ايتمش رجالى مجلس مبعوثانده  
 اقليت و فقط سينه ملتده حقيقى بر اكثرت ارانه ايدن فرقه رجالى  
 امور حكومه دعوت ايتك و حتى ايجابنده بو اقليت فرقه سى  
 رجاليه عارضى و غير حقيقى سه رتده افكار عموميه يه رجمان  
 اولان مجلسى فسخ ايتديروب انتخابات جديده يه مراجعت ايتك  
 حكمدارك عد و احصايه كلين ك دقيق غوامض و نكات سياسيه يه  
 لزوم اطلاعى كوسته رن احوال دندر . حكمدار بر صدر اعظم  
 تعيين ايتمكه بر مسلكك تم طاشنى وضع ايتمش ، سفينه دولتك  
 عادتاً دو منى بدينه طومش اولور . واپورده بالفعل قپودانلق ايتمز ؛  
 فقط قپوداننى كندى تعيين ايدر . قپودان واپورك دماغى در فقط

قرال نامنه و قرال امضا ساسيله واقع اولان افعال و مثلا قانون لايحه لری ، امر نامه لر و مأمورین و رجالک انتخابی و سائرہ ... شو حالده قرال مجلس و کلاسنده نه یاییور ؟ بر حاکم کی تقدیر ایدیور فقط هیئت و کلاسنی اجبار ایده میورا اگر هیئت و کلا امر قرالی به متابعت ایدر ایسه موافقت عمومیه به اقترا ان ایده جک انی بر شی یاپدیغنه امین اوله بیلیر امر قرالی دن انحراف ایدر و کندی فکرینی ترویج ایچون مسؤلیتدن بحث ایده رک ایراد دلائله قالمیشیرسه قرال آرتق اصرار ایتمز . ناظر دیدیکی یاپار ، خطا ایدر دوشر و قرال او وقت هیئت و کلاسنی دیکشدریر ... « مشهور تیه رک » قرال اجرای سلطنت ایدر فقط اداره ایتمز .  
*Le roi règne mais ne gouverne pas* « ديه وضع ایتدیکی دستور سیاست ده اصول مشروطیت مطلقه نك بالاده کی احکام و وقیود دائره سنده مقام سلطنته و یردیکی موقعی کویسته یریر .

۱۸۹ حکمدار و باش وکیل — فقط حکمدارک جریان امور دولته ده یک مهم و یک اساسلی دیگر بر تأثیری ، بر تأثیر فعلیسی واردر : اصول مشروطیت مطلقه بحثنده ( ۱۷۹ نجی مبحث ) ایضاح ایتدیکمز وجهله حکمدار باش و کیلی نصب و تعیین ایدر . فرقه لر هر یرده انکلتره ده اولدینی کی بر انتظام و اطراد ایله تأسس ایتمش بر نوع مناوبه ایله زأس کاره کچمه که نامزد بولونمش اولدینی ایچون باش و کیلیک انتخاب و نصبی هر یرده او قدر سهولتمله واقع اوله ماز . فرقه لر متعدد اولور ، بر فرقه ایچنده تمیز ایتمش متعدد رجال موجود بولونور ایسه او وقت حکمدارک

اوزرنده متمادی برتأثیر اجرا ایده بیلمشدر اویله برتأثیر که قیمتی  
کیسه استخفاف ایده من . . . .

« قبولی الك سریع وعاجل ظن ایتدی کمز برتدیرک انحاذی  
مناسبیله بزی تهدید ایدن مخاطره لری عمیق برنفوذ نظرله، عادتا  
برکشف ایله کوره رک بزی دفعاتله درین برتأثیر آلتنده برامشدر.  
بوتدیرک لزوم اجراسنه اوتمامیله قانع اولمدینی حالده بز اصرار  
ایدر ایسه ک تهلکه لی برشی یابه جغز قناعتی فکر مه . بوتون  
ارقداش لرمک فکرینه القا ایتمش ایدی تفرعانه کیریشمکسزین  
سویله بیلیرم که قرالیچه نک اوزون سون دورسلطنتده هیچ برناظر  
اولمامشدر که اونک رأینه مخالفت ایتسون ده مؤخرآ تهلکه لی برمسئولیت  
درعهده ایتمش اولدیغنی ا کلامسون. عجیامت نه دیر؟ بحثده شایان  
جهت برو قوفه مالک ایدی. بر مسئله حقنده قرالیچه نک نه دوشوندیکنی  
اوکره نجه ملتک عینی مسئله لرده نه دوشوندیکنی محقق اوکره نمش کی  
اولور ایدم بونی سنه لردن بری سویلیورم و دایما بویله دوشنیورم...»  
مشروطیتله اداره اولونان بر مملکتده حکمدارک نه یابه بیله جکی سؤالی  
فرانسه نک ره ستوراسیون دورنده سیاسی اثر لر نشر ایتمش اولان شهور  
شاتوبریانک ده نظر دقتی جلب ایتمشدر مشارالیه La monarchieselon  
la Charte نام اثرنده شو صورتله اداره کلام ایتمشدر :

« قانون اساسی ایله اداره اولونان مملکتده قرالک حقوق  
وامتیازاتی بحثنده قاعده شودر: افعال حکومتده قرالدن طوغریدن  
طوغری به بر شی صادر اولماز هرشی هیئت وکلایه راجعدر حتی

انکلتره قرالیچه سی و یقتوریانک حین وفاتنده باش وکیل بولونان لوردسالیسبورینک لوردلر قاره سنده بوکاد اتر ابراد ایتدیکی نطق حقیقهٔ جالب دقتدر :

« مشروطیتله اداره اولونان بر مملکت حکمدارینک وضعیتی قولای دکادر . یکدیگریله متناقض کورینن پک چوق وظائفی تألیف ایتک ، دائماً خوش اولمیان پک چوق شیلری قبول ایده بیلیمک لازمدر . . فقط قرالیچه بر طرفدن شایان حیرت بر مزیت واقندار ایله کنديسینی مشروطیتله تابع بر حکمدارک حدود اجراییه سی داخلنده . اکمکمل بر صحت ایله - طوته بیلیمش ، دیگر طرفدن ناظر لرینک افعال و اجرا آتی امور تشریعیه و حکومتک طرز جریانی

مقام حکمداری حکمت طبعیه متأخرین منتسبینی نظرنده ماده و قوتک اسالاسی اولان ائیره کییدر . . . . بو مملکتک ( انکلتره ) صورت اداره سی نیم اله مقامنده اولان بر مستبدک اداره سی دکادر پارلمنتویه تابع بر عوام حکومتک ارثی و تشریفاته تابع رئیسی اولان حکمدار پک چوق امتیازاته واک مهم صفاته مالکدر فقط فن و نظریات اعتباریله کدیسنه اسناد اولونان بو مدهش صلاحیتله اومالک دکادر بو صلاحیتلر اساطیری بر موجوده عائددر اسمی مقام حکمداری ، تاج حکمداریدر . بوکام مقام حکمداری دیه بیله جککز کبی ایسترسه کز ملت ویا آرزوی ملت ویا کامعادل هرهانکی بر تصوری شیئک عنواتی ویره بیلیرسکز . . »

ایشته بو ایضاح حقوق ماهرانه سایه سنده انکلتره ده امور تشریعیه ، امور اجراییه و امور عدلیه کاملاً نفس حکمداریده مجتمع فرض اولونمقددر .

هانگی هیئت وکلا وارد رکه بر حکمدارک نصایح و اخطارات مؤثره سنه قارشو وضعیت و اجرا آتنده تعدیلات اجرا ایتسون . هله ملی بر خاندانه منسوب منور الفکر و خلوق بر حکمدارک نصیحتلری هیج شبهه ایتمه ملیدرکه بر امر ماهیتده در بو ماهیتده اولان امرلرک جریان امور دولتده پک تعدیلکار بر تأثیری اولور .

انکلتره کبی حکمدارینک محاورات سباسبیه سنی بر ناظر مسؤلک تحت کفالتنه وضع ایدن بر دولتده بیله حکمدارلرک وظیفه ارشادیه سی جدا بویوک تأثیرات اجرا ایلشدر . [°]

[°] مع مافیه انکلتره ده فرقه لرک عصرلردن بری دوام ایدن انظام واستقراری حکمدارک وظیفه سنی ممالک سائومه نسبة تسهیل ایلشدر . اودرجه ده که اوراده نظریاتجه حکمداردن زیاده مقام حکمداری به موقع و صلاحیت حقوقیه و یریلور و بو اعتبارله حکمدار دکل ، مقام حکمداری هرشیدره . غلادستونک مقام حکمداری بی تعریف صدندنده و یردی بی ایضاحاتی شایان دقت اولمق اعتبارله بوجه زیر درج اییدیورز :

«انکلتره ، مقام حکمداریسی ( تاجی ) ایی ایشله یین بر فرضیه ماکنه سیدره ؛ انکلیز مشروطیتنی موقع تطبیقه وضع ایتک ویا بو مشروطیت حقننده بر حکم صحیح ویره بیلدک ایچون مقام حکمداری بی ( تاج ) حکمداردن تفریق ایتدکن دها حیاتی بر تفریق متصور اوله ماز . بو تفریق اکثریا کوزه چاربار ، قانون مقاولات بالفل حکمدارلق ایدن ذاتک حقوقنی ، صلاحیتلری ، امتیازلری عادتاً اساطیری ، ابدی ، فعال لمایرید ، محیط کل ، لایخطی ، علم کل اولان شخصیتدن ، یعنی نوعاً اساطیری مؤسسه دن عبارت اولان مقام حکمداریدن - که بوتون اصول حکومه تمزک قوه مرکزیه سی ، رابطه مشترکه سی در - تفریق ایتبور .

متوسط بر ذکا ایله، متوسط براستعداد و جبلیت ایله الك داهی و ذکی  
 بر حکومت آدمندن دهاتمره دار خدمات ابراز ایده بیلیر. ملتربیک  
 در لوسیا سیات فورطنه لرینه اوغرایوب شایان اعما د رهبر لردن محروم  
 اولدق لری زمانلرده حکمدار لر بر قطب جاذبه وار کبی قبله گاه آمال  
 اولور لر هر کسک بر لوای سلامت دییه صیم صیقی صارلدینی بو مرکز  
 آمال اتکا واستناده شایان اولدینی الك اوفوق بر قابلیت، بر قابلیت  
 ماده و معنویه، بر قابلیت فکریه و اخلاقیه، ایله اثبات ایده بیللمیدر.  
 عکسی تقدیرده لوای سلامت قیریلدینی کبی خلق ده بر لکده ده ویریلور.  
 حکمدارک موقع معنویسندن فوآند استحصالی ممکن اولدینی  
 کبی وضع مستقر و مستمرندن دخی کرک ملت و کرک ملتک  
 یوکسه لشمش اولدینی رجال دولت حصه مند اولور. داخلی و خارجی  
 فورطنه لر مختلف سیاستلری تمثیل ایدن رجال دولتی بیقار، ده ویریر؛  
 فقط بویقیلان، یوکسه ان، قیریلان، تعمیر ایدیان سلسله رجال  
 ایچنده هیچ اولماز سه بر ذاتک قائم و پایدار اولسی استقامت دولته کی  
 وخیم انحراف استعداد لرینی تعدیل ایدر. بالخاصه امور خارجه ده  
 بو استقامتی داخلی اعوجاجات سیاسیته نک تاثیرندن مصون قیلحق  
 لازم کلدیکی ایچون حکمدار دائمادولتک انک حکیم و دور اندیش  
 بر مستشار امور خارجه سی، بر رهبر رشید و مرشدی اولور.  
 شبهه یوقدرکه بوتون مقرراتک مسئولیتی وکلاده در. دولتک  
 سیاست داخلیه و خارجه سی، بالجمله افعال تشریحیه و اجراییه سی  
 پارلمنتو ایله هیئت وکلاره سننده متقابلاً تنظیم ایدیلور. فقط



و الحاق اراضی به ، تبعه عثمانیه نك حقوق اصلیه و شخصیه سنه  
تعلق ایدن و دولته مصارفی موجب اولان معاهداتك عقدنده مجلس  
عمومینك تصدیقی شرط اولسی ( ۷ نجی ماده ) بوجه دندر .

۱۸۸ حکمدارك نفوذ معنویسی . — قانون اساسیمزدن مستخرج  
اولان بو احكام قانونیه نك معنای حقیقیسنی قاینه اصولی حقدنه  
وضع ایتدیكمز قواعدشایان حیرت بر صورتده تقیید ایتمكله برابر  
بونهایتسز سلاحر حکمداره و اسع بر میدان نفوذ و جوالیت بر افتقده در .  
مجلس وکلاداخلی و خارجی امور مهمه نك مرجعی ( ۲۸ نجی ماده )  
اولدینی و مسئولیتی داعی كافة افعال دولت هیئت وکلاده تحت قراره  
آلنه رق ارادات سنه ده کی امضای هایون صدر اعظم ویا وکلادن  
برینك امضاسیله بر نوع کفالت آلتنه آلتق شرط اولدینی ( ۲۹ نجی  
و ۳۰ نجی ماده لره مراجعت ) حالده ینه حکمدار پارمنی امور دولته  
پك مهم و مؤثر . — و مقصد و غایه مشروع اولدینی تقدیرده پك نافع —  
بر ایز بر اقییر .

حکمدار اساساً قدیم بر شمشعه ینه ، بر مفاخر بر ماضی ینه  
مالك بر خاندان ، بر خاندان ملی ینه منسوب اولور ایسه نفوذ  
معنویسی افراد ملتك هیچ برنده نظیری بولونه میه جق در جهده  
بو بوك اولور . بویله بر خاندانه منسوب حکمدارك خلق قصور لرندن  
زیاده محاسنی ، حال و شخص حاضر نندن زیاده ماضی و اجدادینی کوریر .  
بویله بر ذاتك حیات خصوصیه و عمومیه سی شین آور بر شکل قییح  
و مستکره اخذ ایتدیكجه اهالی آنك ستار عیوبی اولور . حکمدار

اعضاسنك نك مقداريني تجاوزايمهك اوزره طوغريدن طوغري به طرف حضرت پادشاهيدن نصب ايدلسي ( ۶۰ نجی ماده ) ذات حضرت حکمدارينك قوه تشریعيه به قارشو وضعت ومناسبات متنوعه سنی ايضاح وارانہ ايتمکده در .

برده ذات حضرت پادشاهينك منحصرأ صفت اجرائيه به عائدبر وضعيتلری واردرکه اونده قانون اساسی تعيين ايلشدر :

قانون مخصوصه توفيقاً رتب و مناصب توجیعی ، نشان اعطاسی صدر اعظم و شيخ الاسلامك انتخاب و تعيينی ايله صدر اعظمك تشكيل و عرض ايدجكي وکلانك تصديق مأموريتلری ، ايجانده وکلانك علی الاصول عزل و تبديلی ، دوائر حكومتك معاملاتنه و قوانينك صور اجرائيه سنه . متعلق نظام نامه لر تنظيمی ، احكام شرعيه و قانونيه نك محافظه و اجراسی ، ايالات ممتازه نك شرائط امتياز به لرينه توفيقاً اجرای توجیهاتی قوای بریه و بحریه نك قومانده سی ، حرب اعلانی ، مصالحه عقدي ، مجازات قانونيه نك تخفيف و يا عفو ی علی العموم معاهدات عقدي حقوق مقدسه پادشاهيدندر ( ماده ۷ ) بوندن ماعدا ۲۷ نجی ، ۲۸ نجی و يکرمی طقوزنجی ماده لر هيئت وکلانك ذات حضرت پادشاهی ايله اولان مناسبت و تماس و ارتباطی تعيين ايتمکده در .

من وجه اجرا ومن وجه تشریعه متعلق فقط اجرائی جهتی غالب بعض حقوق دها واردرکه اونلرکده ذکر ی لازمدر :

مجلس عمومينك تصويديه عفو عمومی اعلانی ، صلحه ، تجارته ، ترک

هر نوع قوانین تکلیفی ، مجلس عمومینک میعادنده کشاد و تعطیلی ،  
 مجلس عمومینک احوال فوق العاده و قتلدن اول اجتماعه دعوتی ،  
 ۳۵ نجی ماده موجبجه مجلس مبعوثانک اوج آی ظرفنده  
 انتخاب اولونوب اجتماع ایتمک شرطیه و هیئت اعیانک موافقتیه  
 لدی الاقتضا فسخی ، ( یدنجی ماده ) مجلس عمومینک باراده سنیه  
 آچیلرسی و قاپانسی ( ۴۳ نجی ماده ) رأساً و یا خود مبعوثانک  
 اکثریت مطلقه سی طرفندن وقوع بوله حق طلب تحریری به بناء  
 مجلس عمومینک و قتلدن اول آچیلرسی و هیئت عمومیه نک قراریه  
 و یارأساً مدت معینه اجتماعیه نک تمدید اولونسی ؛ ( ۴۴ نجی ماده )  
 و مجلس عمومینک یوم کشادنده رسم کشاد اجراسیله سنه جاریه  
 ظرفنده دولتک احوال داخلیه و مناسبات خارجیه سنه و سنه  
 آتیه ده اتخاذینه لزوم کورینه جک تدابیر و تشبثاته دأر برنطق  
 هایون قرائت اولونسی ؛ ( ۴۵ نجی ماده ) قوانین لایحه لری مجلس  
 مبعوثان و اعیانده تدقیق و قبول اولونه رق لدی العرض تصدیق  
 ایله اجرای احکامنه اراده سنیه حضرت پادشاهی تعلق ایدرسه  
 دستورالعمل اولسی و عرض اولونان قانونلرک ایکی ماه ظرفنده  
 یا تصدیق و یا خود تکرار تدقیق ایدلک اوزره اعاده ایدلسی  
 و اعاده اولونان قانونک تکرار مذا کره سننده اکثریت ثلثان ایله  
 قبولی مشروط اولسی و مستعجلیتته قرار ویرلمش اولان قانونلرک  
 اون کون ظرفنده یا تصدیق و یا اعاده اولونسی ( ۵۴ نجی ماده ) ؛  
 هیئت اعیانک رئیس و اعضاسی نهایت مقداری هیئت مبعوثان

اولمش و بو کون بو صراحت ۱۶۸۸ تاریخی انکلیز قانوننک متنه داخل اولمشر .

ذات حکمرانینک صفت دینه بی حاز اولدیغنی کویسترن دیگر بر ماده ده شودر :

دردیجی ماده : « ذات حضرت پادشاهی حسب الخلافه دین اسلامک حامیبی و بالمله تبعه عثمانیه نک حکمدار و پادشاهیدر . ایشه بو صورتله عثمانلی حکمدارینک باشلیجه ایکی صفتی ، صفت دینه و دنیوسی موجود اولدیغنی و بو صفتلرک هر برینه عاقد حقوق و وظائفه مالک بولوندیغنی تین ایدر . صفت دینه سی اعتباریله خطبه لرده نامنی ذکر ایتدیرر ، احکام شرعیه بی اجرا و محافظه ایدر ، شیخ الاسلام تعیین ایده رک امور شرعیه نک حسن جریان و تمثیتی تأمین ایلر .

ینه صفت دینه سنک شکل دنیوسی اولان پادشاهانی اعتباریله حقوق و وظائفی یک چوقدر . قانون اساسینک معدل ۳ ، ۷ ، ۲۷ ، ۳۵ ، ۴۳ ، ۴۴ ، ۴۵ ، ۵۴ و ۶۰ نجی ماده لری بو حقوقک نه کی شیردن عبارت اوله بیله جکنی میندر . بو حقوق بر قسمی طوغریدن طوغری به صفت اجرائیه ایله تظاهر ایدر ، دیگر بر قسمی ایسه قوه تشریحیه به قار شودر . ذات حضرت پادشاهینک حین جلوسلر نده مجلس عمومیده و مجلس مجتمع دکل ایسه ایلك اجتماعنده شرع شریف و قانون اساسی احکامنه رعایت و وطن و ملتیه صداقت ایده جکنه یمن ایتسی ( ۳ نجی ماده ) ؛ قوانین عمومیه نک تصدیقیله اعلان مرعیتی

تشریفات امورنده ، كرك سائر معاملات دولتك يالكرز شكله متعلق صفحاستنده ايضا ايلديكي وظيفه بيله - عصر حاضر هنوز ظاهر پرستلكدن سيلكنمكه موافق اولديني ايچون - حد ذاتنده استخفاف اولونهماز ايسهده بر حكمدارك بوتون وظيفه سي و بوتون خدمتي بويله تكلفات مراسمپروريدن عبارت قلمسي ده تجويز اولونهماز . اصول مشروطيت مطلقهده حكمدارك و حتى رئيس جمهورك حقيقي ومؤثر بر اقتداري واردر . قوه اجرائيه نك رئيسي هيچ بر زمان عادي بر قوقله مثابه سفه اينديرييله من . حكومتك بالجملة افعال واجرا اتنده رأي واردر .

انجق حكمدارك نفوذ فعليسنی تصوير ايتمدن اول قانون اساسي نقطه نظرندن اقتدار حقوقيسي نهدن عبارت اولديني اكلاشيلمق ضروري كوريلور . في الحقيقه عثمانلي قانون اساسيسي پادشاهه ناصل بر موقع ويريور :

قانون اساسينك اوچنچي ماده معدله سي « سلطنت سنیه عثمانیه خلافت كبرای اسلاميه بي حاز اوله رق سلاله آل عثماندن اصول قديمه سي وجهله ا كبر اولاده عاندر » دييور كوريليور كه خلافت و پادشاهلق مقام حكمداري به ديني و دنيوي ايكي صفت بخش ايتمش اوليور كه ديكر بعض مملكتلر واز جمله انكلتره و روسيه بو قبيلندر ، انكلتره ده و روسيه ده بر حكمدار نه قبل الجلوس نه بعد الجلوس قاتوليك اوله مااز . او درجه ده كه انكلتره ده استوآرت خاندانه منسوب ايكنچي ژاق قتوليكلكي يوزندن سلطنتدن محروم

ورائی کنیدی اولادینه حصر ایچون قانون اساسی بی تغییره  
ساعی اولور .

خلاصه حکمدارلقك منحصرأ انتخابه تابع اولسی فعلاً  
بعض مضرات ایقاع ایتدیکندن وراثت اصولی بك چوق محاذیر  
نظریه سنه وحتی بعض محاذیر فعلیه سنه رغماً دها زیاده تعمیم ایلشدره .  
حکمدارلق هر هانکی عاملک تأثیریه وجوده ککش اولورسه  
اولسون هر حالده بوتون قوای دولتی نفسنده جمع ایتمش بر مقام  
اولق اوزره طانمشدر . مشروطیت تأسس ایتدیکی اعصارده  
حکمدارلق بو حقلرینی بلا قید و شرط استعمال ایدرلر ایکن  
مشروطیت اصوللرینک انتشاری وقوانین اساسیه نك نشر واعلانی  
اوزرینه حکمدارلرک بوتون قوای دولتی جامع اولان دائرة حق  
وصلاحتلری بالاده کی فصلده تعریف ایتدیکنمز اشکال دائرة سنده  
تعديل و تقییده اوغرامشدر .

۱۸۷ عثمانلی قانون اساسیسنده حکمدارک حقوق — حقوق  
سلطنت نظریاً تبحه نهدن عبارتدر ؟ فعلاً نه صورتله استعمال  
ایدیله بیلیر؟ بو نقطه لریده ایضاحه لزوم واردر .

بعضلری ملتلك ، پارلمنتولرك و پارلمنتولره اسناد ایدن قابینه لرک  
ساحه فعالیت و نفوذینی کوره رک حکمدارلری دولتک اک بویوک  
تشریفات مأموری کبی تاقی ایتک، ایسترلر . حکمدارک کرک

فارولينزیهن حکمدارلری ، المانیا ایمپراطورلری ، ناپولون بونی  
یاپمش اولدقلری کبی عثمانلی حکمدارلری ده کړک مقدا افلاق ،  
بغدان ، مجارستانده وکړک مؤخرآ حادث اولان حکومات جدیده ده  
بونی یاپمشلردر .

سادساً: بالخاصه یکی بر دولت تشکیل ایدلدیکی زمان عقد اولونان  
دولی بر عهدنامه ایله بر حکمدارلق وجوده کتیریلیر .

سابعاً: اخلاقاً غیر محق اولدینی حالده غصب دخی دینیه بیله جک  
اولان تملك صورتیله حکمدارلق تأسس ایدر انجق بواصول  
غیر طبیعی و حرب واختلال زمانلرنده کثرتله واقعدر .  
ثامناً: اجنبی و نافذ بر قوه خارجیه ایله .

مع مافیه اک زیاده متعامل اولان اصوللر ، انتخاب ایله  
ورائتدر . زمانمزده وراثت بوس بوتون تعمیم ایتمشدر . انتخاب  
نه قدر نظری و علمی بر حقیقت اولورایسه اولسون ( حاکمیت  
ملیه و حکمدارلق بحثه مراجعت اولونه) وراثت دخی پک چوق  
فوائد اجتماعیه تأمین ایده بیللمکده در . انتخابده الیق دکل اقوی  
اولان کیمسه نك کندینی حق ایله اصلا مناسبتی اولیان طریقله  
مراجعت صورتیله مقام اقتداره کچمی ممکنسدر . انتخابده ایکی  
ویاز زیاده ذواتک انتخاب اولونمی و بناء علیه فتنه و اختلاف قایسنک  
آچیلمی وارددر . انتخاب ایله حکمدار نصب اولونسه مملکتده  
تأسس ایده جک حکمدار خاندانلری چوغالیر ومدعیات ومدعیلر  
آرتار انتخاب اولنان هر حکمدار دائماً اصول انتخابی دکیشدیروب

استعمال اولونان بو طریق الان جمهوریتلرده جای قبول کورمکده ایسه ده دور حاضرده قبول ایدیلن حقوق سلطنت Droit monar- chique بونی اصلاً تجویز ایتمز .

حکمدارلق نه کی مؤثرات و عوامل نتیجه سنده وجوده کله بیلیر؟ اسمنی ذکر ایتدی کمز بلونچلی حکمدارلقی بروجه آتی اسبابه ارجاع ایدیور :

اولاً: انتخاب.. روماحقوق سیاسیة و عمومیه سنده قرون وسطاده مأمورین روحانیه طرفندن اداره ایدیلن بکلکلرده ، پاییه عائد حکومتلرده ، مجارستانده ، لهستانده ، قیدحیاتله منتخب برذاتی (دوجه) انتخاب ایدن وندیکده ورومایه وارث اولان المان ایمپراطورلغنده حکمدارک منتخب اولسی قاعده ایدی . [ خلفای راشدین دورنده ده انتخابک اصل اولدیغنی کورمش ایدک ]  
ثانیاً: وراثت تدریجاً تقرر و تعمم ایدرک شمدی بر قاعدهٔ عمومیه حالتی آلمشدر .

ثالثاً: قارطاجده و اسکی جرمن اقوامنده تصادف ایدیلن وراثتله انتخاب قاریشیق بر طرز مختلط .

رابعاً: برنوع ولایت عهد اصولی که روماده ایمپراطورلر بونی یاپارلر ایدی بویوک پتروده . بر مدت ایچون بو اصولی تطبیق ایتدیرمش ایدی [ بزده کی ولایت عهد اصولنک ماهیتی بحث مخصوصنده سویلدک ] .

خامساً: بر حکمدار طرفندن باشقه برذاته حکمدارلق توجیهی که



بدايةً انتخابی ، انتهاءً ارثی اولان بو مقام غربده شکل ارثیتی ده‌ها زیاده اکتساب ایتمش اولدینی حالده شرقده بیعت و خلع معامله‌لرینک دوامی هر حاله رغماً حکمدارلقده انتخاب عنصرینک نابدید اولدینغی کوستریر حکمدارلغک وضع حقوقیسی و صورت تلقیمی حقنده شرق و غرب ارسنده موجود فرق عظیمی غایت مهم بر قاچ مثال ایله کوستره‌بیلیرز :

بعض اقوام غربیهده مقام حکمداری قادینلره انتقال ایده‌بیلیر ایسهده شرقده امام و سلطان مطلقا ارکک اولمیدر .

کذلک بعض اقوام غربیهده بعض نقایص بدنیه و معنویه رغماً حکمدار خلع ایله اسقاط اولنه‌میهرق بر نایب حکومت ایله ادارهٔ امور دولت مجبوری ایکن شرقده بو کبی نقایص معنویه و مادیه اسباب سقوطیه و خلعیه دن معدوددر . صاغرلق ، کورلک ، جنت ، عته کبی .

غربده بر حکمدار وظائف حکمدارانه‌سنی پایمال ایدر ، ظلم و اعتساف ایله مألوف اولور ، شرف سلطنتی محل بر جرم عادی ارتکاب ایدر و الحاصل حیات خصوصیه‌سی عیوب و نقایص ایله صوک درجه آلوده اولور ایسه بو کبی اسباب نهایت حکمدارک بر نایب حکومت ایله تحت حجره آلمنسه‌بادی اوله‌بیلیر . بزده ایسه بو احوالک جمله‌سی خلعتک اسبابندندر .

بلونچلی حقوق عمومیه و سیاسییه نام اثرینک یدنجی فصلنده مقام سلطنتک نه کبی اشکال ایله اضاعه ایدیه جکنی تعداد ایدر ایکن خاییده ذکر ایدیور و دیورکه : « قرون وسطاده اکثریا

وظیفه‌لری بو درجه سیاسی یعنی تحوله تابع اولان ذواتک اداره حکومتده اسباب موفقیتلرینه کلنجه اونی دائمی مستشارلرده آرامق لازم کلیر. دائمی مستشارلر قاینه تبدلاتنه تابع دکدرلر. نظارتک سلسلهٔ مأموریتنه ریاست ایدرلر و بوتون انکلترونک عادات و مآثر قدیمی محافظه ایدرلر. کرک بونلر و کرک معیتلری سیاسیات بارو متره سنه تابع اولمازلر.

### حکمدارلق و حقوق سلطنت

۱۸۶ حکمدارلقک ماهیتی. — بالاده کی تفصیلاتک اعطاسندن سوکره معما کی بر سوال پیش تفحصمزه دیکلیور قوهٔ اجراییه نک رئیس ایستراژی ویا منتخب بر حکمدار اولسون ، ایستر موقت بر زمان ایچون منتخب بر رئیس جمهور بولونسون حکمداره ویا رئیس جمهوره اصول مشروطیت مطلقده ارتق نه ایش ، نه وظیفه قالیور ؟ پک مقید ، پک واسع و پک بویوک بروظیفه . . . فقط بو وظیفه یی تعریف و ایضاح ایتمدن اول مقام حکمدارینک موقع و ماهیتی و حقوق سلطنتک نه دن عبارت اولدینی حقنده بعض معلومات جمله ویرمک ایجاب ایدر .

حکمدارلق شرقده اولسون غربده اولسون ک قدیم اعصاردن بری بدایهٔ انتخاب ماهیتی حائز ایکن مرور زمان ایله وراثت شکنه منقلب اولدینی تاریخک تدقیقاتندن و حکمدارلق ماهیتک ضروری اوله رق اکتساب ایده بیله جکی صفحاتک نتایجندن عد ایدیلور .

تمیلدر بوذات عوام قماره سی اعضاسی میانندن انتخاب اولونور .  
 انکلتره واسقوجیا ایچون اولدینی کبی برباش مدعی عمومی  
 ( Attorney général ) و بر معاونی ( Solicitor général ) ی  
 واردر که قرالی محاکم حضورنده تمیل ایدر لر ، عینی وضعیت  
 حقوقیه مالکدر لر .

قاینه ارکانه ویریلان معاشاتده غیر مساویدر بویوک شانسلیه نك  
 اك بویوک محكمه رئیس صفتیه التي بيك ولوردلر قماره سی رئیس  
 صفتیه دوت بيك که من حيث المجموع اون بيك انکلتر لیراسی  
 معاش سنویسی واردر . خزیننه برنجی لوردی ؛ مالیه ناظری  
 و دیگر بش ناظر ( یعنی خارجیه ، داخلیه ، حربیه ، مستملکات  
 و هندستان ناظری ) سنوی بش بيك ، بحریه برنجی لوردی ایله  
 ایرلانده باش وکیلی در در بيك بش یوز انکلتر لیراسی آلمتده در لر .  
 پوسته ناظرینك ایکی بيك بش یوز ، دیگر ناظر لرك ایکی بيك انکلتر لیراسی  
 معاش سنویلری واردر . عنوانلری « بيك محترم » Right honorable در .  
 قاینه نك دیگر مملکتلره نظراً بر فرقیده نظار لک اداره مأمورندن  
 زیاده سیاسی مأمور لر اولسی و وقتلریله مشغولیتلرینك قسم اعظمی  
 پارلمتویه حصر ایتلریدر . سیاسی وظیفه لر نده کندیلرینه سیاسی  
 مستشارلر معاونت ایدر . انجق ناظر عوام قماره سنه منسوب ایسه  
 مستشاری لوردلر قماره سنندن ناظر لوردلر قماره سنه منسوب ایسه  
 مستشاری عوام قماره سنندن انتخاب ایدیلوروزیرا ناظر لرك ایکی مجلسه  
 سر بستق دخالاری یوقدر .

هیئتتدن خارجدر سیاسی وموقت وپارلمنتویه قارشو مسئولدرلر .  
 خامس عشر: بحریه کاتبی که یوقاریده تعریف ایتدی کمز بالفعل  
 بحریه ناظری اولان بحریه برنجی لوردی دکدر وبر نوع مستشار  
 سیاسیدر . ( اوچنجی ماده یه باقی )

سادس عشر: اسقوجیا کاتبی ، یعنی ناظری که ۱۸۸۵ دن بری  
 موجوددر . وظیفه سی اسقوجیایه متعلق امور حربیه ، ضابطه ،  
 معارف ، صیدماهی ، حبسخانه ، بازار وبنایر ، طرق ومعار و سیر  
 سفان ورسوم محلیه به باققدر .

سابع عشر : اسقوجیا اووقاتی لورد ایله مدعی عمومی  
 Solicitor général که بویکی ذات پارلمنتو اعضاسندن واسقوجیا  
 اووقاتلر هیئتتدن انتخاب اولونورلر واسقوجیا ناظرینه معاونت ایدرلر .  
 نامن عشر : ایرلانده لوردی و خدیوی که دو بلنده اقامت  
 و سنوی یکرمی بیک انکلیر لیراسی اخذ ایدر دائما لوردلر قارسی  
 اعضاسندن و پروتستان دینه منسوب اولور .

مقام حکمدارینک ، قرالیتک سائر اقسامنده کی صلاحیتلرندن  
 بر قسمی ایرلانده ایچون کندیسنه مودوعدر و ایشته بوندن طولایی  
 حق عفوه و حتی بعض احوال فوق العاده جریان قانونی بی تعطیله  
 یعنی بر نوع اداره عرفیه اعلانه حق واردر . آلتمش اعضادن مرکب  
 بر مجلس مخصوص کندیسنه رفاقت ایدر .

تاسع عشر: ایرلانده باش وکیلی که حقیقته ایرلانده خدیوینک  
 وظائفی او ایفا ایدر زیرا خدیوک وظیفه سی دهاز یاده حکمداری

ثامناً: معارف عموميه قلمی رئيسی که بر نوع معارف ناظریدر  
واهمیتی صوك سنه لده تزايد ایتشد. صنایع و فنون و معادن مکتبیری  
ایله موزرلر آکاتابعدر تحصیل عالی دارالفونلرده جاری اولدیغندن  
تمامیله مستقل و معارف نظارتنه غیر تابعدر .

تاسعاً: مبانی و انشاآت رسمیه برنجی قومیسری که نافعه  
ناظری در . بوده نظری اوله رق و کلادن مرکب برهیئتک برنجی  
قومیسری ایسه ده حقیقته بوجلس اصلاطوبالانماز و بناء علیه  
مثلا برایکنجی قومیسر یوقدر .

عاشراً: پوسته ناظری ( پوسته افندیسی )

حادی : عشر مدعی عمومی ( Attorney général )

ثانی عشر: مدعی عمومی معاونی ( Solicitor general )

بونلرکهرایکیسی لوردلر قماره سی رئیس و ال بویوک حاکم وعدلیه  
ناظری اولان شانسلیه به معاوندرلر و حکمداری محاکم حضورنده  
تمثیل ایدرلر. اکثریا عوام قماره سنک ال محترم ذواتی میانندن افزاز  
ایدیلورلر؛ مقام حکمداری به عائد اولمیان دعاویده خصوصی دعوالری  
درعهده ایتک صلاحیتی حازدرلر .

ثالث عشر: داخلیه، خارجیه، حربیه، مستملکات وهندستان  
نظارتی مستشارلری که دائمی مستشارلر دکل پارلمنتویه تابع سیاسی  
و موقت مستشارلردر .

رابع عشر : خزینه به مربوط ایکی ناظرکه Secretaries  
of the treasury بالاده ایضاح ایتدیکنز خزینه لوردلری

قرالی بی مبلغ اور اقله خصوصی مهر قرالی بی وضع ایتمکدر. صحتی و سنی فعالیتی مستلزم مشاغلہ مساعد اولیان و فقط باش و کیل طرفدن قاینه یه ادخالی مطلوب اولان اسکی بر حکومت آدمنه تفویض اولونمق معتاددر. ثالثاً: بحریه نک بش لوردی که برنجی لورد بحریه ناظری دیتمکدر. یالکز بوذات پارلمنتویه منسوب اولوب دیگر درت لورد بحریه یه منسوبدر لر. کندیسنه بری دائمی دیگر قاینه ایله برابر سقوط ایتمک اوزره مستشاره مشابه ایکی معاون ویریلور که بونلره بحریه کاجی دینور.

رابعاً لاقاستر دو قه لنی شانسلیه سی که صرف فخری برأموریت اولدینی حالده برووقتر زراعت مجلس عمومیسنه ریاست ایتمکده ایدی.

خامساً: زراعت قلمی رئیس قی که امور صیدیه یه ده باقار و زراعت ناظری مقامنده در.

سادساً: تجارت هیئتی رئیس قی که برنوع تجارت ناظریدر. تجارت هیئتی بر رئیسدن، لورد لر قاره سی رئیسندن، بش وکلادن و عوام قاره سی رئیسندن مرکبدر. حقیقتده بوذوات اصلاً اجتماع ایتمزلر و بوتون ایشلری رئیس بر تجارت ناظری کبی رؤیت ایدر.

سابعاً: حکومت محلیه هیئتی رئیس قی که قونتلق، پارواس و ناحیه و محلی مجلسترینه نظارت و مراقبه اجر ایدر؛ امور صحیه و فقر اویر کوسی ایله وجوده کلن امور خیریه و تنظیمات عمومیه بوذاتک تحت اداره سنده جریان ایلر.

موافقت قرالی ايله تعيين و تحديد ايتمك قاينه يي تشكيله مأمور اولان ذاتك عهده سنه دوشر .

مع مافيه خزينه برنجي لوردی، ماليه ناظری (Chancelier de l'échiquier) لوردلر قماره سی رئيسی که عين زمانده هيئت حکامک رئيسی و عدليه ناظریدر . بحريه برنجي لوردی ، مجلس مخصوص رئيسی، داخلیه، حربيه، خارجيه مستملکات و هندستان ناظرلری همان دائمًا قاينه اعضاسندن درلر .

بوندن ماعدا قاينه ايله برابر دوشن و پارلمنتونك اكثریتدن افزا ايديان بعض ذواتی بالاده کی اون ذاته علاوه ايتلیدر . بونلرده بروجه آتیدر :

اولا : اوچ خزينه لوردی که ذاتاً خزينه برنجي لوردلرک و وظائفی بك اهميتسز اولدیغندن اوکا معاون مقامنده اولان بو اوچ ذاتك ايشی مشهور لورد (قازنينغ) ك افاده سنه نظر آهمن همان مجلس مبعوثانده ناظرلری القشلامقندن عبارت اولویور . بو اوچ ذات بيوك ناظر اولمق ایچون عادتاً تعليم یابارلر . بونلرک ریاستی خزينه برنجي لوردنده در خزينه ایکنجی لوردی بالفعل ماليه ناظری اولان Chancelier de l'échiquier در بشی بردن امور مهمه ماليه يي در عهده ایدرلر . فقط باشلیجه وظيفه ماليه ، ماليه ناظرينه مودوعدر . ثانياً : مهر مخصوص حاملی لورد (Lord du sceau privé) که وظيفه سی بعض براتلره و بويوك شانسليه لره ( یعنی عدليه ناظری و لوردلر قماره سی رئيسی ) بويوك مهري وضع ايتمك ایچون امر

۱۷۸۲ سنه سنه قدر بوعضای فخریه قائینه دن نابید اولامشدر  
بو صورتله اداره امورک نه درجه مشکل اولدیغنی بیانہ حاجت کورمز  
مقام حکمداری ایکی وکلای ابقا ایتمکه قائینه یی ایستدیکی کبی اوینامق  
صلاحیتی احراز ایلور ایدی .

بونکله برابر ، قائینه لرك قرالدر نفوذندن قورتمسی دها اسپکيدر  
بوده صرف اثر تصادف اولان بر سبیدن ایلری کلشدر .

اوجنجی کییوم . واقعا اسلافی کبی وکلاسنی کندی قائینه سنده اجتماعه  
دعوت و مذاکرانه ریاست ایدر ایدی . . . هر بازار وکلاسنه ریاست  
ایدن قرالیچه آتنا زماننده دخی پایدار اولان بو عادت برنجی ژورژ  
زماننده انقطاعه اوغرامشدر . . . المان اولدیغنی ایچون مذاکرانک  
طرز جریاننی تعقیبده مشکلات چکن هانورولی برنجی ژورژ بالطبع  
ریاستی ایفا ایده میهرک مجلسده اثبات وجود ایتز اولشدر . ایکنجی  
ژورژ زماننده ایسه وکلانک قرال حضورنده اولیه رق اجرای مذاکرات  
ایتملی آرتق بر عادت مؤسسسه حکمنی آلمش ایدی . اوجنجی ژورژ  
زماننده عادت سابقه یی اعاده ایچون بر تشبث واقع اولمش ایسه ده دوام  
ایتمشدر .

۱۸۵ انکلتزه قائینه سنک خصوصیت حالی . — انکلتزه قائینه سنک  
دیگر قائینه لره نظراً پک چوق فرقلری واردر . انکلتزه قائینه سی  
دیگر یرلرده اولدیغنی کبی اولجه عددی معین و محدود ناظرلردن  
ترکب ایتز . بوندن ماعدا انکلتزه ده ناظرلق وظیفه سنی ایفا ایدن  
ذواتک مختلف عنوانلری واردر و بو وظیفه لری علی الاکثر مختلف  
منابع تاریخیه دن نشأت ایدر . نه قانون ونه عادت قائینه ارکانندن  
اولان وقائینه مذاکره سنه اشتراکی اقتضا ایدن مأمورلرک کیملر  
اولدیغنی تعیین ایتز . قائینه ارکانی متبدل و غیر معیندر عددینی



بالخاصه ، ۱۶۸۸ انقلابندن صوڪرا حاصل اولان بو ترقیات تدریجیه بر ضرورت فعلیه نتیجه سی ایدی پارلمنتونك غلبه سی او قدر تام؛ ویرکو وضع ایتك ، اردو مرتبائی تعیین ایتك حقیقه کی صلاحیتی او درجه نافذ اولمش ایدی که قرال ایچون پارلمنتو ایله هم آهنگ اولمق سزین اداره مملکت مستحیل ویا هیچ اولماز سه پك زیاده مشکل بر حاله کلمش ایدی .

بو آهنگی حصوله کتیرمك ایچون اك بسیط واك امین بر چاره قاینه اعضاسنی پارلمنتوده حائز اکثریت اولان فرقه اعضاسندن انتخاب ایتکدن عبارت ایدی .

فرقه اعضاسندن قاینه یی تشکیل ایتك ممکن اولسه دخی هیچ اولماز سه بو اکثریت اوزرینه اجرای نفوذ ایده بیله جك و اونلری قوللانجق ذواته مراجعت اولمق ضروری ایدی . . . .

آنجق بدایتده ، یعنی اون یدنجی عصر بدایتده قدر مقام حکمداری بو اصوله - اداره مصلحت نقطه نظرندن و کرها - عادتا موقت بر چاره اولمق اوزره مراجعت ایدر ایدی .

کیوم دورانز زماننده ( ویغ ) لر متجانس بر اکثریتی احرازه باشلا دقلرندن قرال دخی ویغ قاینه سی تشکیلنه مجبور اولمش ایدی . آنجق ده صوڪرا اون سسکنجی عصرک نصف اولنده قاینه لرده بو معانست تامه یی تأمین ممکن اوله مامش و غریب بعض مبیانتلر مشاهده اولمشدر . فی الحقیقه قاینه لرده علی الاکثر ایکی عنصر مشاهده اولمقده ایدی : بونلرک برنجیسی بالفعل قاینه اعضاسی اولانلر ایدیکه یالکیز اونلر زمام اداره یی اله آلمشلر ایدی . اک محرم ، اک مهم اوراق و معاملات بالطبع بونلر یدینه تودیع اولنور ایدی . . . . ایکنجیسی ، نوعمافخری اعضا ایدیلرکه فخری اولمق و حکومته فعلاً اشتراک ایتماکله برابرینه قاینه ده اخذ موقع ایدرلر ایدی . . . . بو صورتله سقوط ایدن ، ایشن چکیلیمکه مجبور اولان ناظرلر رأس کاره کچن خصمای سیاسیهرینک یانی باشنده اخذ موقع ایده بیلورلر ایدی .

حتی ( Cabal ) نامیله معروف بش مشاور مخصوصدن مرکب مشهور بر مجلس تشکیل ایلش ایدی . [\*]

قرالک بویله اک محرم کیمسه لرله تعاطی افکار ایتسی حقیقه بر مجبوریته سیاسییه حانی آلمش ایدی . حکومتک وظائف داخلیه وخارجیه سی آرمش ونزاکت پیدا ایتش اولدینی بر هنکامده حرکات واجراآت حکومتک وحدتی تأمین ایچون کثرتدن ممکن مرتبه اجتناب لازم کلیر ایدی .

بوتون مجلس مخصوص اعضاسنی فعلاً اجرا آتیه تشریکه امکان یوق ایدی بو صورتله مجلس مخصوص اعضاسنک کثرتی نفوذینک آزمسنی وحائز اولدینی صلاحیتلرک امور اجرایه متعلق ایسه قاینه یه ، امور تشریحیه یه متعلق ایسه پارلمنتویه انتقالی موجب اولمشدر .

مجلس مخصوصی ایچون مؤخرأ وازجله اوچنچی کیوم دورانز ایله قرالیچه آنا زمانلرنده وقوعه کلان تشبثلر نمره دار اوله مامشدر

شو حالده زمانمزده کوردیلمز قاینه اون یدنجی عصرک نصف اولنده اکتساب وجود ایتش اولان قاینه در . آنجق او وقتکی قاینه ایله زمانمز قاینه سی ارسنده بر فرق عظیم ، حتی دیه بیلیرزکه بر تضاد تام موجوددر .

فی الحقیقه ، او وقتکی قاینه قرالک ، شخص قرالینک ، قوه اجرائیه ریسنک قاینه سی ایدی . حالبوکه شمدی تدریجاً اریله بر شکل حاصل اولدی که ظاهرده قاینه قرال طرفندن منصوب اولقله برابر حقیقتده کندیسنی نصب ایدن پارلمنتودر . و قواله قارشو تماماً مستقلدر .

[\*] قابل . زمانک اک معروف و قرال نزدنده اک مقبول ومعتبر بش ذاتک اسامیسنده کی باش حروفاتک مجموعندن عبارتدرکه بونلردر ، قلیفورد Clifford آرلینغتون Arlinghton ، بوکنغام Bukingham ، آسلهی Ashley ، لودهردال Loderdale در . قابل قرالک مقربینی مقامنده بر کزیده هیئت حالنده ایدی که بو اسم بر نوع سحر بازلق معناسنده کلور .

مجلس مخصوصك ( ييلديزلى اوپهسى ) امور عدايه ايله اشتغال ايدر ايدى كه آنجق ۱۶۴۱ سنه سنده يعنى برنجى شارل اوزون پارلمنتويه قارشى ضعيف دوشمكه باشلاديني هنكاملرده لغو اولونمشدر . مجلس مخصوصك اك مهم دوره اقبالى اون درنجى ، اون بشنجى ، اون التنجى عصر لره مصادفدر .

اون التنجى عصر اوآخرنده و اون يدنجى عصر اوائلنده مجلس اعضاسندن بعض ذوات ايله وكلا خدمتى ايضا ايدن بويوك كاتلرك بر قسى ديكر لرندن افراز اولونهرق محرم بر مجلس تشكيل ايتشلردر كه قرال اك نازك، اك مهم واك مکتوم ايشلرى بونلره توديع ايدرايدى . بناءً عليه مقررات مجلس مخصوصك هيئت عموميه سنده دكل، بوكوچوك مجلسده انخاذا اولونور ايدى .

ايشته بو مجلس مختلف ناملردن صوكر ا نهايت قابينه عنوانيله ياد ايدلدى ذاتاً ده اولده قرال آرهره . مجلس مخصوص اعضاسى ايچندن اك زياده اعتماد ايتديكى ذوات ايله محرمانه تعاطى افكار ايدر ايدى . . . آنجق استوارت خاندانى زمانده بو تعاطى افكار و استشاره كيفيق بر عادت مستمره حالى آلمش ايدى . بونكله برابر قابينه قانونى بر مؤسسسه اولقى ايچون اقتضا ايدن اوصافى حائز دكل ايدى .

حق انكاز قواعد سياسته مخالفدر ديه قابينه عليهنده دفعاتله تجاوزات و مؤاخذات واقع اولمشدر .

پارلمنتونك برنجى شارل عليهنده كى شكاياتندن برى بو قابينه مسئلهسى اولديغى كى ۱۷۰۰ تاريخلى آقت ده تابليسمانك ماده لرندن برى ده قابينه عليهنده موادى محتوى ايدى .

برنجى شارلك اسباب اعدامندن برينى قابينه تشكيل ايتديكى حالده ايكنجى شارل ينه ( قابينه ) صاحبي اولمقدن كنديسى منع ايده مامش

بشریه به اک موافق اصولک بو اصول اولدینی تین ایدرک همان کافه ممالکده مابه التطبيق اولدینی کبی بالجمله علم دولت و حقوق اساسیه مؤلفلرینی تدقیق لدنیاته مجبور ایشدر .

انکلز قرالرینک سائر مملکتلرده اولدینی وجهله اوتهدن بری بویوک مأمورئی، بویوک کاتبلی (Secetaire d'Etat) وار ایدی . دیگر طرفدن دائمی بر مجلس مخصوصلری (Privy council) وار ایدی که مهم امور دولت اوراده استشاره اولنور ایدی . بو مجلس مخصوصک صلاحیتی بر ارق او قدر وسعت و اهمیت اکتساب ایلدی که (تودور) و بالاخره (استوارت) خاندانی زماننده صلاحیت قضائیه نک بعض اقسامی بیله کندیسنه تفویض اولمشدر ، [\*]

[\*] انکلز اصول مشروطیتی موینبجه بالجمله اجراآت حکمداری مجلس مخصوص واسطه سیله جریان ایدر حکمدار تبعه سنه عائد اولان بیاننامه لری مجلس مخصوصی واسطه سیله تنظیم ایشدر ، پارلمنتوی اجتماعه دعوت ، تعطیل و فسخ ایدر . اسقوجیا لوردلرینک انتخابی امر و محاربه اعلان ، صلح عقد ، قانون مخصوصه مالک اولیان مستملکاته متعلق قانونلر نشر و اعلان ، مستملکات پارلمنتولرینک مقرراتی تصدیق ویا رد ایدر . . الخ

پک اسکي اولان بو مجلس خاندان قرالییه منسوب پرنس لردن ، اک بویوک مأمورین روحانیهدن ، (قانتربوری ، یورق باش پستپوسلری ، لوندره پستپوسی کبی) ۸۹ جسمانی لورددن ، بوتون قاینه اعضای حالیه و سابقه سندن عوام قازه سی رئیسندن و محکمه لر ایله اردویه منسوب اک بویوک مأمورلردن مرکبدر . مذاکراتی سوق و اداره ایدن دائمی وکلادن اولق لازم کلن مجلس مخصوص رئیسینی در نظریاتجه مجلس مخصوص مقام قرالینک یکانه مجلس مشروع و مسئولیدر انجق فعلیاتده مجلس وکلانک آنک یرینی طومسی احوال فوق العاده مستثنی اولدینی حالده تدریجاً عادت اولمشدر ،

مبعوثانی انتخابات جدیدیه مراجعت شرطیه فسخ ایله بیللملیدر،  
قانون اساسیمز ایسه بواحواله میدان ویرمیور قطعی وقیصه بر  
اسقاط ضربه سیله بوتون بواحوالاتی کوکندن کسبور .

اساساً عدم اعتمادقراری ، اوزرینه برقاینه نك سقو طی برامر  
طبیعی در . یالکز بوا مرطبیعی بی بوتون صراحتیه قانونه درج ایتک  
- بعض احوال فوق العاده ایچون احتیاط رعایت لزومنه بناء - جائز  
دکدر . مقام حکمداری انجق مجلس مبعوثان ایله کچینه بیله جک ،  
قابلیت حیاتیه سی اونکله مزوج اوله جق برقاینه نصب و تعیین ایده  
بیلنجه عدم اعتماد اوغرایان بر هیئت وکلای مجلس مبعوثانه رنمأ  
رأس کارده طومتی مملکتده ایش کورولسنی ارزو ایتمه سی  
دیمکدر . شو حالده مجلس مبعوثانی فسخ ایتدیکنه نظراً مجلس  
وکلای تبدیل ایتمی ذاتاً ضروری بر نتیجه اولور . یالکز تعامل  
باشقه درلو اولویور عدم اعتماد دوچار اولدینی ایچون همه حال  
حکمدار طرفندن ده عزل اولونه جق اولان بر هیئت وکلا عزل  
ایدلن اول کندیمی استعفا ایدر .

۱۸۴ قاینه نك انکترده تاریخی . - قاینه ده ، سائر انکلیز مؤسسات  
سیاسیه سی کبی محصول زماندرو ادوار مختلفه تاریخیه نك ثمره تکاملیدر .  
بوده دیکر مؤسسات کبی میدیر تفکرک ، علمی بر نظریه نك نتیجه منطقیه سی  
دکل ، فعلی بر احتیاجک دفعی عاجل بعض ضرورتلرک زاده سیدر . بدایتده  
بر تدبیر شکلنده تقرر ایدن وحی خلاف قانون بر سوء استعمال عد ایدیلن  
«قاینه» دنه نهایت مرور زمانله ، سوق وقوعات ایله انکلیز حیات سیاسیه سنک  
لازم غیر مفارقی اولمش ونه دن صوکر ا حقیقه نظریات علمیه یه ، احتیاجات

چوق مقررات وارد رکه مجلس مبعوثان ایله مجلس وکلا اړه سنده کی  
 آهنکی بوزه بیلیر . اصلاح و اداره دولت ایچون شدتله ملزم بر  
 قانونک ، بر تکلیفک ، بر تدبیر اداری و مالینک ردی ، حکومتجه  
 غیر ملزم بر تکلیفک قبولی ، علی العاده بر قرار مؤاخذه و تنقید  
 دخی بر قاینه نك چکیلمسنی انتاج ایدیه بیلیر کذلک اکثریتی موجود  
 اولان بر قاینه بيله بعض احوال فوق العاده کنديسنی لازم  
 اولدینی درجه ده نفوذ معنوی ایله مسلح عد ایتمه رك ترك اقتدار  
 ایدر؛ بناءً علیه قاینه نك سقوطنی عدم اعتماد قرارینه تعلیق ایتمک  
 اجراءات دولتی پک محدود بر دستور صیقیشدیر مق دیمکدر .  
 واقعا بر مجلس مبعوثانک عدم اعتمادی بر هیئت وکلانک  
 چکیلمسی ایچون پک اساسلی حتی الك اساسلی و مؤثر بر سبیدر .  
 انجق بعض احوال فوق العاده واستثنایه ده عدم اعتماد قرارینک  
 قاینه حیاتی اوزرنده حائز تأثیر اولمامسی دولتک منفعت عالیسنه  
 ده موافق اوله بیلیر . ایمدی قانونده بو درجه قطعی برصراحت  
 بولونمسی بویه بر منفعت فوق العاده یه رغماً قاینه نك قطعی صورتده  
 رأس کاردن تباعدینه و بناءً علیه دولتک نا قابل تعمیر بر ضرره  
 دوچار اولسنه بادی اولور . قاینه لرك عدم اعتماد قراری اوزرینه  
 چکیلمسی محصول تعاملدر . بوتعاملی قوانین اساسیه نك متون صریحه سنه  
 قدر ادخاله حاجت یوقدر . حکمدار بعض احوال فوق العاده ده  
 هیئت وکلانسی حقیقی و مبعوثانی حقسنز عد ایدیه بیللملی و مجلس

بناءً عليه اصول مشروطيته پارلمنتو اجرا آتیه متعلق تکلیفات  
وتشبهاتك اكثریت فرقه‌سی طرفدن اجرایی منطقی وشایان  
آرزو بر حرکت اولمش اولور اكثریت ایسه بوقییل تدابیر وتشبثات  
مهمه نك اجرایی وكلا سنه بر اقلیدر . وكلا بوقییل تکلیفاره  
بولمقله حقیقتده ینه اكثریت - بالواسطه - اوتکلیفی اجرا ایتمش  
اولیور فقط اطراده وانتظام ایله یعنی دهها مساعد ونافع شرائط  
ایله . . . :

۱۸۳ بو اوچنجی قاعده نك بزده کی تطبیقاتی . - قاینه اصولنك  
بو اوچنجی قاعده سنی تطبیق خصوصنده مشروطیت ما کنه سنی  
لایقوله ایشلده مامش اولدیغمیزی وحقی قانون اساسینك استیضاحه  
متعلق ۳۸ نجی ماده سنی: « . . . نتیجه استیضاحده هیئت مبعوثانك  
اكثریت آراسیله حقنده عدم اعتماد بیان اولونان ناظر ساقط اولور .  
رئیس وكلا حقنده عدم اعتماد بیان اولونور ایسه هیئت وكلا هپ  
بردن سقوط ایدر » طرزنده تعدیل ایله بوس بوتون سقط برحاله  
قویدیغمیزی اعتراف ایتملی بز .

اسقاط تعبیر یله مجلس مبعوثانه عزلدن دهاییوك حق ویرلدیکی  
آشکاردر . بو ایسه قاینه اصولنك تشریح ایتدیكمز اوچنجی  
قاعده سیله طبان طبانهدر . زیرا عزل ایتمك حقی پادشاهكدر  
مجلس مبعوثانك عدم اعتماد بیان ایتمسی عزل دکلدردر . بوراده غایت  
اینجه برمیخانز مهی تعریف لازم کلیور . شویله که مجلس مبعوثان  
ر هیئت وكلا حقنده یالکنز عدم اعتماد قراری ویرمز . دهها پك

حکمداره ارائه طریق متضمن بر اشارتدن بشقه برشی دکدر .  
 نظریاتجه اشارت اولان برشی ، فعلیاتده بر امر قدر قوتلیدر ،  
 ایشته بوراده کوریلدور که قوه اجرائیه ایله قوه تشریحیه ارسنده  
 قطعی ، معین دیوارلر ، سنورلر یوقدر . تفریق قوی قطعی  
 اولماقله برابر بویکی قوت ظن ایدلیدیکی کی بر برینه قاریشمیور .  
 ایکی قوت نهایت یکدیگرینه متقابلاً حلول ونفوذ ایتمش بولنور .  
 واقعا نظار بدرجهیه قدر قوه تشریحیه نك قوه اجرائیه یی  
 ایفا ایتمک اوزره وکیلری صایله بیلیرلر . فقط هر شیدن اولده ،  
 رئیس حکومت طرفندن تعیین ایدلمش مأمورلردر وقوه تشریحیه  
 حضورنده اکاوکالت ایدرلر . بوندن شونتیجه چیقارکه وکلا  
 هیئت تشریحیه نك حتی اکثریا واقع اولدینی وجهله هیئت  
 تشریحیه دن مجلس مبعوثانک اوامر و اراداتی تنفیذه مأمور کیمسلر  
 دکدر . بالعکس بعضاً اکثریتی سوق و اداره ، آنلری تحت انضباطه  
 وضع ایله عادتاً امرالتنده بولندیرلر . قوه اجرائیه منتظم ، مطرد  
 بر رفتار ویرمک ایچون بوندن بشقه چاره یوقدر . ذاتاً  
 دوشونیلیرسه بوده بر نتیجه طبعیه در . وکلا موجودیتنی حقیله مدرك  
 بر اکثریتک رؤسای اولدق لرینی اولجه طانتدیرمدقجه قوه اجرائیه  
 رئیسک ( حکمدارک ) انتخابنه بویله عادتاجبری صورتده معروض  
 اولمازلر . بونار کندیلرینی بمقامه اصمادایدن وظیفه یی ، بووظیفه نك  
 ایفاسنه هر وقتدن زیاده لزوم اولدینی برهنکامده ، یعنی مقام  
 اقتدارده ترک ایده مزلر .



و کلاً هیئتجه اتخاذ ایتمشلردر . و یا خود او یله فرض اولنور .  
 بناءً علیه بوندن هیئتجه مسئول بولنورلر . حتی بوندن طولاییدر که  
 هیئت وکلادن صادر اولان مقررات اکثریتله دکل ، اتفاق آرا  
 ایله در .

فقط مسئولیت بویله مشترک و عمومی اولیوب شخصی ، یعنی بالکز  
 برناظره عائد اولورسه . که بالکز برناظره عائد اولان امور علی الا کثر  
 بویله در . او حالدله بالکز او ناظر اوایشی کوروب برای تصدیق  
 حکمداره عرض ایتمش اولور . آنحق عمومی پولیتقیه تعلق  
 ایدن مواد هانکیلریدر ؟ . ایشته بوجهتلری تعیین غایت نازک  
 بر مسئله در .

فرانسه ده و بزده رئیس و کلا قاینه مسئله سنی یعنی اعتماد وعدم  
 اعتماد خصوصنی موضوع بحث ایتمکه حادث اولان مشکلی علی الا کثر  
 بر طرف ایدر . هر حالده بوراده موضوع بحث اولان مسئولیت  
 صرف سیاسیدر و مسئولیت جزائیهدن شوجهتله فرقلیدر که  
 مقام اقتداردن سقوط ایله ساقط اولور . صریح برقرار ایله  
 مجلس مبعوثانده اکثریتی غائب ایدن قاینه هیئت عمومیه سیله  
 استعفا ایتلیدر . منحصرأ کندی نظارتنه عائد بر مسئله دن دولایی  
 اکثریتی غائب ایدن ناظر دخی استعفا سنی ویرملیدر . مجلسک  
 اکثریتی نظاردن و یا ناظر دن دریغ اعتماد ایتمکه بالواسطه برعزل  
 معامله سی اجرا ایتمش اولویور . فقط بوراده ، حقیقته حقوقاً ،  
 قانوناً برعزل یوقدر . بوحال بر طرفدن نظاره ، دیگر طرفدن

لورد بیقونسفیلد برلین معاهده نامه سنه ایلك دفعه اوله رق انكلمتره  
برنجی ناظری (Premièr ministre) ديه امضا ايتمدر .  
بو ذاتك وظيفه لری بوندن عبارت قلماز . آندن سوکرا  
- رئیس حکومت بالذات مجلس وکلاده حاضر بولمدينی تقدیرده -  
مجلس وکلایه ریاست ايدر .

[ فرانسه ده رئیس حکومت مجلسه ریاست ايدر ، رئیس  
حکومتك تحت ریاستنده طوپلانان مجلسه مجلس وکلا ، رئیس  
وکلانك ریاستی آلتنده طوپلانان مجلسه قائمه مجلسی Conseil  
de Cabine دینلور . ]

وکلاره سنده ، خط وصل اودر . مجلسده حکومت نامه  
اداره کلام ایدن اکثریاینه اودر . آنجق انكلمتره ده رئیس  
وکلاره لورد دکسه لوردلر قماره سنده ، عوام قماره سنده دکل ایسه  
عوام قماره سنده اداره کلام ایتمز . ویرینه وکلادن بر مستشاری  
خطیب تعیین ايدر .

۱۸۲ قائمه نك مسئولیت سیاسیه و مشترکسی . — ثالثاً : وکلا  
پارلمنتو حضورنده متسلسلاً و سیاستاً مسئولدرلر و پارلمنتو آنلری  
تحت مراقبه و لدی الحاجه استجوابه آلیر . بوکا مسئولیت متکافله  
دخی دینیله بیلور .

بو مسئولیت ، دولتک عموم سیاستنه تعلق ایدنجه ؛ یعنی  
فعلک ویا افعالک نتایجی بوتون قائمیه شامل بولنور ایسه مشترک  
ومتسلسل اولور . زیرا بو بابده کی افعال وحرکانه متعلق مقرراتی

تا اون سکنزنجی عصر او اخیزینه کلنجهیه قدر باش وکیلک  
 وکلای سارویه نظراً موقع استثنائینی لایقوله تعین ایدهمه مشدر .  
 بالخاصه پیت (Pitt) بوموقعک اهمیتتی تسلیم ایتدیرمش ، حتی  
 ۱۸۰۳ ده تشکیل ایلدیکی قاینهده باش وکیلک نه دیمک اولدیغنی  
 تعریف ایلشدر .

باش وکیل انکلتزده کی مشروطیت ماکنه سنک دورانی ایچون  
 اک لزوملی بر آلتدر . بر فرقه نیک معروف ومعین رئیس اولمق  
 حسیله اوفرقره نیک احراز غلبه ایتسنی متعاقب بالضروره قرالک  
 نظر انتخاب وتمیننه معروض قالیر . ارتق قاینهیه او ریاست  
 و آنی اوسوق و اداره ایدر . اساساً قرال ایله مخابره و تماسده  
 بولونان یالکز اودر . دیگر وکلا آنک وساطتیه قراله معروضاتده  
 بولونورلر فقط زمانزده بو عاده او قدر صیقی صورتده رعایت  
 اولومیور .

باش وکیللرک معین بر نظارتی اولمق نادردر . دها طوغریسی  
 اکثریا بونلر خزینه برنجی لوردانی عنوانی اخذ ایدرلرکه فعلی  
 وظیفه لری همان یوق کیدر . (لورد سالیسبوری) باش وکیل ایکن  
 خارجیه نظارتی درعهده ایتمش ویکنی (مستربالفور) خزینه برنجی  
 لوردلغنی ایفا ایتشدرکه سالیسبورینک وفاتندن سوکره مستربالفور  
 باش وکالته کچجه خارجیه نظارتی لانسدوونه ویرلمش ایدی .

سیدنه ی لوو نام مؤلفک افاده سنه کوره باش وکیللر برلین  
 معاهده نامه سنه قدر باش وکیل عنوانیه امضابیله آمازلر ایتش

رئیس حکومت و یا حکمدار بالجمله قائمه ارکانی بالذات و بلاواسطه انتخاب ایتمز. اگر اکثریتک بر رئیس محقق و قطعیمی وار ایسه اوصرمده اکثریتجه الكزیده کوزده اولان کیمسه بی دعوت و آنی قائمه تشکیلنه مأمور ایدر .

ایشته بو ذاته ، انکلترده برنجی ناظر ، فرانسهده رئیس وکلا ، توریکاده صدر اعظم دینلیور .

انکلتره ۱۶۸۸ انقلابندن اول قرالارک بر نوع صدر اعظملی ، شانسلیه لری وار ایدی . انجق انکلز لر بونی غیر قانونی عد و حتی قرالک اجرا آت سیئه سنه آت اولسی حسینله نفرت ایله یادایدر لر ایدی . فضله اوله رق او وقتکی شانسلیه لر ایله شمیدیکی باش وکیللرک وظیفه و موقعی اره سنده تفاوت عظیم واردر .

انکلتره قائمه سی اعضاسندن بعض ذوات ( ۱۶۸۸ ) دن صوکره رفیقلمینه نظراً تمیز و تقرر ایتمکه باشلامش لر ایسهده رفیقلمدن فضله هیچ بر صفت و صلاحیته مالک اولمامش لر ایدی . بونلر کندی اقتدار و لیاقتلری ایله فعلاً باش وکیل کبی ایدیلر ، یوقسه نظر قانونده ، ملت مجلسی حضورنده هیچ بر صفت ممتازه و فائقلری یوق ایدی . اون سکنزنجی عصر اواسطنده تمیز ایتمش اولان روبرت واپول بیله اوزون مدت و سائط مختلفه یه مراجعتله پارلمنتوده بر اکثریت ادامه سنه موفق اولمش ایسهده ینه زمانمزده تلقی ایدیلان معناسی موجبجه باش وکیل صاینه ماز ایدی .

بو اصولك محاذيرى بالتجربه اكلاشيله رق نظامنامه داخلينك  
 بو ماده سى طى اولوندى. انجق شكل حكومتلك ادوار تبدلنده،  
 اختلال زمانلر نده حرص ، حسد ، عدم امنيت كى شـ و ائب  
 سياسيات ايله اشتغال ايدنلر اوزرنده فوق العاده تخريبات اجرا  
 ايتديكندن بالاده كى اصول دىخى بو مرض روحى به عطف ايدمك  
 لازم كلير. بو مثاللر ده كوسترييور كه، اجتماعيات و سياسيات، بالكر  
 قواعد رياضيه و منطقيه ايله دكل ، بر چوق عوامل معنويه ايله  
 انجق ثمره دار اوله بيلير . تجربه دن زياده منطقه ، افعالن زياده  
 اقواله رعايتكار اولغه آليشيق محيطلر ايجون هر معامله بشريه ي  
 بر كليه منطقه نك قالبه صوغه چالشمق بر احتياج روحدر .  
 بو احتياجك سوقى قانون اساسيمزى بعض لزومسز صراحتلر  
 سوق ايتديكى كى قانون اساسى به اسناد ايتك ايسته ديكمز  
 بالاده كى تعامللرى ده فضله بر ايجاب منطقى به ادخال ايتشدر . بو  
 صورتله ماهيتلى اعتباريله اداره ايتك خاصه لى حاز اولق  
 ايجاب ايدن قايينه لر اداره اولونمق كى ماهيتلرينك تماماً نقيضى  
 اولان بر وضعيته دوچار اولشلر در .

۱۸۱ قايينه ده تجانس قاعده سى . — ثانياً ، قايينه حكومتك

افعال و اجرا آتى هيئته تحت قراره آلدني ايجون متجانس  
 اولق ايجاب ايدر . قايينه اعضاسى مياننده بروحدت مقاصد  
 تأسس ايتلير كه مجاس وكلا اجرا آت عموميه دولته صاغلام و امين  
 براستقامت اعطا ايد بيلسون . بو تركيب متجانسى تسهيل ايجون

ایضاح ایتمکده اولدیغمز دستورلری موجبنجه صدر اعظم مسند  
 صدارتک کندیسنه توجهنندن سوکره رفقاسنی تمیز و افرازا ایتمکده  
 حریت مطلقه یه مالک اولمق ایجاب ایدر. مجلس مبعوثان حضورنده  
 اعتماد جلب ایتمک قابلیتینی حاز اولیان کیمسه لری اتخاب ایتمک  
 صدر اعظم طرفندن رعایتی مقتضی الک بسیط و ابتدائی بر لازمه  
 احتیاط و اداره در. غیر معروف و غیر مقتدر سیمالره موفق اوله میه جفته  
 قانع اولان بر صدر اعظمک کندیسنی مزیتلی ، ناموسلی و مجلس  
 مبعوثانی سوق و اداره یه مقتدر ذوات ایله احاطه ایتمی ضروری  
 و کندیسنه توجه ایدن مسؤلیت عظیمه نك نتیجه طبعیه سیدر. اتخابده  
 بالاده کی اسباب موفقیته رعایت ایتمک شرطیله سربست اولیان بر صدر  
 اعظمک هیچ اولمازسه مسؤلیت معنویه سی تناقص ایدر .

صدر اعظم لر واقعا و کلاهی سائره یی سربسته اتخاب ایتدیلر.  
 انحق و کلا پارلمنتونک اکثریت فرقه سندن اولونجه اکثریت فرقه سنک  
 نظامنامه داخلیسنه عائد اوافق بر ماده صدارتک بوحق اتخابی  
 شایان حریت بر صورتده تقید ایدیور ایدی صدر اعظم سربست  
 اتخاب ایدیور ایدی ؛ فقط مبعوث ناظرلنی قبولده سربست  
 دکل ایدی . فرقه صدر اعظمه بر شی دیمیور ایدی ؛ فقط  
 رفقاسندن اولان ذاته اولا کندیسنک موافقتی استحصال ایتمی  
 لازم کله جکنی نظامنامه داخلیسيله اخطار ایدیور . و بصورتله  
 نظارته تعیین ایدیان ذوات بهمه حال فرقه لرینک انضمام آراسی  
 ایله صدر اعظمه رفاقت ایده بیلدور لر ایدی .

تشکلندن اول ویرمک دها بسیط بر منطقک ایجابی عد اولونمش  
ایدی . واقعا معامله انتخابیه مجلس مبعوثانک صلاحیت قانونیه سی  
داخلنده اولدیغندن صدراعظم لره رفیق لرینک مجلس مبعوثان  
مذاکرات علمیه سی ائناسنده انتخابی کبی بر قانونسزلک یاییلمدی ،  
انجق روح مشروطیته حقیله نفوذ اولنه میهرق اکثریت فرقه سنک  
علنی اولمیان اجتماعاتی ائناسنده صدراعظم اولمغه صالح ذوات ایچون  
رأی طویلا نطق اصولی تطبیق ایدلمش ایدی . ۳۱ مارتدن سوکره  
حسین حلمی وحق پاشا لر اکثریت فرقه سنک خصوصی اجتماعنده  
صدارته اک زیاده رأی قازانان نامزدلردن ایدیلر .

واقعا ذات حکمداری رسماً بر امر واقع قارشوسنده  
بولون دیرلیور ، اکثریت احراز ایدن ذاتک بهمه حال لزوم نصبی  
حقنده معروضاتده بولونیلیمور ایدی . حتی اکثریت آرای  
جمع ایدن ذواتک یانسنده دها از رأی قازانانلرکده . اسامی سی  
ذکر ایدیلیمور وذات حضرت پادشاهی بوذواتدن آرزو ایتدیکنی  
انتخاب ایلیمور ایدی . مقام حکمدارینک حریت و اختیار  
رسماً و تماماً محفوظ قالمقه برابر اکثریت فرقه سی طرفسندن  
ویریان بر قرارک معنوی تأثیریده غیر قابل انکار ایدی . ایشه  
بوندن طولاییدرکه بو تعامل روح مشروطیته منافی ایدی . نته کیم  
مؤخرآ دیگر صدر اعظم لرک نصب و تعیینی ائناسنده بو تعاملده  
ترك ایدلدی .

وکلانک نصب و تعیینه کانجه اصول مشروطیت مطلقه نك

وحریتپرووران فرقه‌لینک مقدارجه همان همان مساوی قوتده اولدقلرینی وبناء علیه حریتپروورانک بر طرفدن مساعی فرقه‌سنه ودیگر طرفدن ایرلانده فرقه‌سنه استنادایتمک احتیاجنده بولوندقلرینی کوستردی . دیگر ممالکده ایسه یالکوز باشنه زمام اداره‌ینی اله آله‌جق درجه‌ده جائز اکثریت فرقه‌لره - انتخابات حریت وخلوص تام داره‌سنده اجرا ایلمک شرطیله - نادراً تصادف ایدیلمور . فرقه‌لر معین بر اکثریت ایله مجلسده عرض وجود ایتمزلرسه رؤسای طبعیه‌لرینی نوعما بر اصطفا شکلنده مقام حکمدارینک نظر تمیز و انتخابنه وضع ایده‌منزلر و او وقت حکمدارک ساحه تمیز و مقایسه‌سی، حریت نصب و تعیینی کنیشه‌لر؛ مجلس مبعوثانده قابلیت حیاتی‌ینی حائز اوله‌بیله‌جک قاینه اعضاسنی تشکیل ایتمکده ده‌ها بیوک بر فعالیت دماغیه صرفنه و مملکتک مختلف جریانلرینی ده‌ها یقیندن تدقیقه مجبور بولونور و قاینه مجلس مبعوثان طرفدن منتخب بر انجمن ماهیتی بوس بوتون غائب ایدر .

۱۸۰ بو قاعده‌نک ممالک عثمانیه‌ده طرز تطبیق . — عثمانلی

مشروطیتنک مبادی‌سنده‌ده قاینه‌یه متعلق بو قاعده حسن تفهم ایدیله‌مامش و صدر اعظم ایله هیئت وکلا مجلس مبعوثان ، ده‌ها طوغریسی مجلس مبعوثانک اکثریت فرقه‌سی طرفدن رسماً دکله‌سه بیله صورت خصوصیه‌ده منتخب اولق لازم‌کلیر ظن ایلمش ایدی . مادام‌که هیئت وکلا‌یه مجلس مبعوثان اعتماد ایده‌جک ایدی مجلس بو اعتمادینی قاینه‌نک تشکیلندن سوکره ویرمکدن ایسه



بر مبالغه لسانيه دن ايلرو كليور . مجلس مبعوثان قاينه ي انتخاب ايتيور . قاينه صلاحيتي حقوقاً رئيس دولتن تلقى ايدر . مجلسك بو خصوصه اولسه اولسه بالواسطه وضمني برحق توصيه سي ، قاينه رئيسي حكمدارك نظر انتخابنه تقديم و توصيه ايتك حقي ، واردر . دها دوغريسي وکلاني تقديم و توصيه صورتيله ده نصب و انتخاب ايتمز . آنلري اصلا حقوقه تماس ايتين بر طرز ايله ، بر طرز اصطفاي طبيعي ايله تعيين ايدر . ا کر فرقه لر حقيقه مضبوط ومنتظم اولور و بونلردن بري ديگرلري اوزرينه برا کثريت محققه يي احراز ايتمش بونلور ايسه او وقت حکمدار ويا رئيس حکومت اکثریت فرقه سنک رؤسائي رأس کاره دعوت ايتمکسزین قابلیت حياتيه و دواميه يي حازر بر قاينه وجوده کتيره من . في الحقيقه قاينه آنجق اکثریتک مظاهرتيله پايدار اوله بينير . اکثریت ايسه قاينه ده کندی مديران ورهبراني اولمق اوزره طائيديني ذواتي کورمدکجه طبيعي مظاهرتي دريغ ايدر . آنجق بو سعی اصطفاي و تشکيلات نا تمام بر حالده قالمش بونلورسه ، يا خود اکثریت غير قطعي و مترددانه اولور ايسه و يا خودده فرقه اکثریتجه ده مرعي الخاطر و اداره فرقه يه مقتدر ذوات بولنماز ايسه او وقت حکمدار وکلانک سربسته جه انتخابي کيفيتي اولدجه واسع بر صورتده اجرا ايدر که بوني موسيو بازه هوده تصديق ايلر . . . . . »

فرقه حياتنک صوک درجه انتظام حالنده جريان ايتديکي مملکتلر نادر درر . انکلتره ده بيله صوک ايکي انتخاب قديم محافظه کاران

داخل اولانلری مجلس اک زیاده مظهر اعتمادی اولانلر میانندن  
افراز ایدر . بونلری واقعا دوغریدن دوغریه انتخاب ایتمز ،  
فقط بالواسطه بوانجمنی ده انتخاب ایده جک درجه ده قدرت  
و صلاحیت کامله بی حازدر . بوندن برعصر مقدم حکمدار ،  
تعیین اولونه جق مسلکی تعیین وتصریح ایده ماملکه برابر هیچ ،  
اولمازسه وکلایی نصب و تعیین ایده بیلیر ایدی . آنجق شمدی  
قاعده عمومیه باش وکیلک مجلس مبعوثانجه عادتا نصب و انتخاب  
اولندیغنی کوس-تریور وهر وقت کوریلورکه فعلاً باش وکالتی  
احراز ایدن ذات - انکلتره نك عوام قاره سندن بحث ایدیورز -  
فرقه نك ریسندن ( لیدر ) باشقه بر شی دکلدز .

«عوام قاره سنده حازنفوذ و اکثریت اولان فرقه ده بر  
ذات واردرکه فرقه آنی صراحتاً ریسی اولق یعنی مملکتی  
لدی الاقتضا اداره ایتمک اوزره انتخاب ایلمشدر .

«شو حالده انکلتره ده دخی همان همان آمریقاده اولدیغی کبی  
انتخاب ایله تعیین ایدیلور اک بویوک بر رئیس اجرامز واردر .  
یالکز بزم بور رئیس ایله متحده آمریقانک ریسی آره سنده بر  
فرق وار: برنجیسی دوغریدن دوغریه ملت طرفندن، ایکنجیسی  
ملتک وکیللری طرفندن منتخبدر . بوده ایکی درجه اوزرینه  
انتخاب ایچون نه کوزل مثال تشکیل ایدر ؟ »

موسبو ایسمه بونظریه بی نقل ایتمکدن صوکر بروجه  
آتی جواب ویریور : « بو طرز محاکمه بر خطای حقوقیدن ،

انتخابیه دن تکرار مبعوثله انتخاب ایدیلور . بو قاعده حد ذاتنده او درجه معقول دکدر . زیرا اصول مشروطیت مطلقه ده بر مبعوثك ناظرلق پایه سنه ارتقاسی قوه اجرائیه رئیسك مطلقا آنی اطماع ایتك ایستدیکنه دلیل دکدر . فضله اوله رق انکتره ده مبعوثلقدن ناظر لغه چیه جق ذاته تکرار انتخابات ایله اوغراشمق صقینتیبی و بعض مصارف زائده تحمیل ایدلش اولور . واقعا یه انکتره ده متخذ اولان اصول انتخابیه و اعتیادات سیاسیه موجبنجه بو محذور پك زیاده تخفیف اولونمش یعنی ناظر ك تکرار انتخاب اولونمشی صرف شکله عائد بر مسئله دن عبارت قالمشدر؛ بونکله برابر بو تعاملک رفمی دفعاتله پارلمنتویه تکلیف و موقع مناقشیه وضع ایدلمشدر بو یولده واقع اولان تعدیل تکلیف لری هنوز قرین تصدیق اولمامش ایسه ده ۱۸۶۷ ده اصول مرعیه برازدها تخفیف اولونمش . شویله که : بر مبعوث ایلك دفعه اوله رق ناظر اولدینی زمان یوزده یوز موقیت انتخابیه ایله نتیجه لنه ك اولان بر انتخابه معروض اولور ایسه ده نظارت تبدل ایتدیکی زمان تکرار انتخاب اولونمق کفتمه قاتلامق مجبوریتنده دکدر .

زمانزده بعض مؤلفر و کلانك بالاده کی صورتله تعیین ایدلمشنی شکلا دکسه بیله هر حالده فعلا مجلس مبعوثان طرفدن بر انتخاب کبی تلقی ایتمکده درلر . مؤلفردن (بازمه هو) انکلیز قانون اساسیسی حقنده یازدینی اثر مهمده ایلك دفعه اوله رق بو فکری اورته یه قویتمش و بوجه آنی محاکمه یوروتمشدر :

« قاینه کلمه سنندن تلقی ایتدیکمز معنی هیئت تشریعیه نك هیئت اجرائیه اولمق اوزره یکی بر انجمن انتخاب ایتسنندن عبارتدر . هیئت تشریعیه نك پك چوق انجمن لری وار . آنجق قاینه بو انجمن لرك اک بویوکدر . بو انجمنه ، بواک بویوک هیئته

۱۶۸۸ انقلابندن اول مأمورین قرالیه نك كندی مجلسلرنده اعضالی ایتملرندن توحش ایتمیورلر ایدی . اون التنجی عصرک نصف اخیرنده وكلا مقامنده اولان اكابر مأمورین قرالیه نك عوام قاره سنده ائیات وجود ایتملرینه کیمسه اعتراض ایتمز ایدی . دیگر طرفدن بو قبیله اكابر مأمورینك وحق مجلس مخصوص اعضاسندن بعض کیمسه لرك عوام قاره سی اعضا فنه آتخاب ایدلرینه مساغ وار ایدی . كذلك عوام قاره سی اعضاسندن بر ذاته طرف قرالیدن بر مأموریت توجیه ایدلدیکی زمان بو ذاتك - بعض مستثنیاتدن صرف نظر - عوام قاره سنده کی اعضا فنی محافظه ایتمسی تجویز اولونور ایدی .

الحق اون یدنجی عصر اوخونده و اون سکننجی عصر اوائلنده بو اصوله قارشو شدتلی بر جریان حاصل اولدی . عوام قاره سی اعضاسندن يك چوق ذواتك مقام قرالیدن معاش آللمری قاره نك استقلالی محل کوریلور ایدی و بونك ایچون بر تدبیر مانع آتخا ذینه لزوم کورلدی فقط تدبیرك شدتی تطبیقنه مانع اولدی ، فی الحقیقه ( ۱۷۰۰ ) تاریخل آقت ده تابلیسمان (Acte D'établissement) فرمانی موجینجه بر مأموریت و وظیفه یه نائل اولانلرك ناظرلر داخل اولدینی حالدده مجلس مبعوثان اعضا فنی محافظه ایده میه جکری تصریح اولوندی . انجق بو حکم ۱۷۱۴ سنه سنده ، یعنی هانوره قرالی برنجی ژورژك مقام حکومته کچمسندن صوکره قابل اجرا اوله جق ایدی . حال بوکه قانونك دها زمان تطبیق کلندن قرال اوچنجی کیوم وکلاسندن بر قسمی عوام قاره سی اعضاسندن افراز ایتمکده و بو اصولك فعلیاتجه محسناتی کورمکده ایدی . بو سببله ۱۷۰۷ سنه سنده فرمان مذکورك احکامنده جزئی بر تعدیل اجرا ایلدی . یعنی مأموریته تعیین ایدلین ذاتك - بعض مأموریتلر مستثنا اولق اوزره - تکرار آتخاباته کندینی معروض قیلغه مجبور اولسی قاعده سی قبول ایلدی . ایشته بونك ایچوندرکه انکتره تعاملنجه ناظر اولان مبعوث مبعوثلندن ساقط اولور ، فقط منسوب اولدینی دائرة

موسیو ایسمن بوقواعد و عاداتی بروجه آتی باشلوجه اوچ اصله ارجاع ایدیور :

اولاً : وکلا پارلمتوده حائز اکثریت اولان فرقه دن ویا هیچ اولمازسه - مجلس ایکی اولدینی تقدیرده - مجلس مبعوثان دن آلملیدر . بواساس وکلانک بالجمله افعال وحرکاتلرندن دولایی مجلس مبعوثان حضورنده مسئول اولملرینک نتیجه منطقیه سیدر . [ مسئولیت وکلا و مبعوثان بختلریخیده قریباً ارانه ایده جکزر . ] فضله اوله رق وکلانک دخی پارلمتو اغضاسندن بولومسی اقتضا ایدر . هر نه قدر بوشرط نه قانونی ونه ده دائمصورت معلفده مرعی ایسه ده بواصولک ضرورت منطقیه سنه تابعدر . بوصورتله عینی اشخاصده صفت تشریعیه ایله صفت اجرائیه مجتمع اولمش اولور . وکلا مجلس مبعوثان اغضاسندن انتخاب ایدیله نجه طبیعی سدرکه اکثریت فرقه سنک رؤساسندن اولورلر . شیمدیکی حالده یالکز اوسترالیا قانون اساسیسنده وکلا اوله بیلمک ایچون مبعوث اولمق ویا آز زمانده ( اوچ آیده ) کنیدی انتخاب ایتمدرمک لازمدر .

انکترده و مؤخرأ دیگر ممالکده بوقاعده و تعامک تأسسی خیلی زمانه توقف ایتمدر . دولت مأموریتی ایله مبعوثلق صفتنک تألیف و اجتماعی دیمک اولان بواصول و قاعده نک، لوردلر تطبیقنده ، اصلا مشکلاتی کورلمه مشدر . لوردلر پایه سی حیاته مربوط اولمق اوزره شخصی ویا ارثی اولدیغندن بر لوردک بر نظارت ویا بر مأموریته قبول ایلمسلیله بالطبع لوردلق ساقط اوله ماز ایدی . انجق عوام قاره سی اغضاسی

## قائنه اصولی

۱۷۹ وکلانک اکثریت فرقه سندن اولسی . — اصول مشروطیت مطلقه نك الك مهم نتیجه سی ، نتیجه ضروریه سی قائینه اصولی در . بواصول هرشیدن اول حکومتک نیایی اولسنی متضمندر . دوغریدن دوغری به حکومت اصولیه قائینه اصولی جاری ومرعی اوله ماز . كذلك روسونک نظریه سی دکل ، مونسیکیونک نقطه نظریخی کوزه تمک و بناء علیه قوه اجرائیه نك حاملی باشقه وقوه تشریعیه نك حاملی باشقه هیئتلا اولق ایجاب ایدر . قوه اجرائیه بوتون خصائص و امتیازاتیه رئیسنه — ایسترحکمدار ، ایستریئیس جمهور اولسون — مفوضدر . ایشته بوقوتک اجراسنه متعلق بالجمله افعال و حرکات آنک نامنه واقعدر . آنجق بوتون بوافعال و یا هیج اولمازسه اک مهملری اول امرده وکلا طرفدن تذکرایدملیدر و بوضورتله نظریاتجه فاعل حکمدار ایکن حقیقته وکلا اولیور . دیگر طرفدن ینه نظریاتجه حکمدار یعنی قوه اجرائیه نك حاملی وکلایی تصب و عزل ایتک حق ظاهر یسنه مالکدر . آنجق نظاری بالخاصه انتخاب و تعیین مسئله . سنده کی صلاحیت فعلیه سی برچوق قواعد و شروط ایله شایان حیرت صورتده تحدید اولونمشدر . هیئت وکلا بوقواعد و شروطه تبعیت مجبوریتنده در . زیرا اصول مشروطیت مطلقه نك روحی بوقواعد و بوقواعد ملحق عادات و تعاملات تشکیل ایدر .

انکلتزده مقدملری قرال پارلمنتوی نه وقت اجتماعه دعوت ایدر ایسه پارلمنتو او وقت طرفلانیر و صوکر اینه قرالک امریله پارلمنتو طاغیلور ایدی واک زیاده یکی ویرکولرک اننای طرح و جباتنده اجتماعات وقوعه کلیرایدی؛ ایشته بو عادات بالآخره بر انتظام مخصوص اکتساب ایده وک نظریاتده موافق اولدینی آکلاشلمشدر .

آنحقی حکومتک بو حق فسخی مقابلنده پارلمنتونکده بر حق واردرکه عینی نسبتده حاز اهمیتدر . فی الحقیقه پارلمنتو حکومتک مسلکنی صورت متهادیه وعمومیتهده نظر تفتیشده بولوندریر .

حکومتک اک بیوک ارکانی (قاینه) آنک قارشیسینده منفرداً و متسلسلاً مسؤلدر . پارلمنتونک تمامی ویا بر قسمی حکومتک مسلکنی تقییح ایتدجکه حکومت چکیلملیدر . آنحقی پارلمنتوی قوه اجرائیهنک افعالنه تشریکدن عبارت اولان بو اصول لازمهنک تطبیقی اک بویوک قوه اجرائیه رئیسنک دخی چکیلمسینی ایجاب ایتسه ، یعنی حکمدارده مجلسک عدم اعتماد ویا تقییحی اوزرینه سقوط ایتسه حکومتده استقرار قالمیه جفندن انکلیرلرک هر مشکلی عملی و آسان برحاله قویمقدمه کی خاصه لری بوکاده برچاره بولمش وقاینه اصولی تقرر ایتمشدرکه اصول مشروطیت مطلقه نک بوتون مقانیزمه سی بونده در .

پارلمنتونک انتخاب ایله تعیین اولونان اعضاسی ( مبعوثان ) ایچون انتخابات اجرا ایتدیرمک ، منتخبری پارلمنتوی اجتماعه دعوت ایلمک ، اجتماعی تعطیل و وقت آخره تعلیق ایتمک ، مجلسک مذاکرانه ختام ویرمک الحاصل بونلرک هپسندن مهم اولمق اوزره پارلمنتوی طاغیده بیلیمک و قانون اساسیده معین اولان مدت ظرفده منتخبری انتخابات جدیده اجراسی ضمنده تکرار ایفای وظیفه انتخابیه دعوت ایلمک کی خصوصات دخی حکومتک پارلمنتو اوزرنده کی تأثیراته قوتلی دلیل تشکیل ایدر . حکومتک بالاده کی حقوقی همان بالجمله ممالکده قبول اولونمشدر .

مجلسک حکومت طرفندن طاغیدلمسی بعض کیمسه لرجه دور استبدادک بقیه سی کی تلقی ایدلمکده ایسه ده حقیقته اصول مشروطیت مطلقه نیک اک اساسلی شرائطندن و منتخبر ایچون اک امین بر واسطه تبلیغ مرامدن عبارتدر .

بر پارلمنتونک صلاحیتی تجاوز ایتمی ، مقاصد مستبدانه تعقیب ایلمی دائما ملحوظ اوله بیله چکندن مجلسی طاغیدوب انتخابات جدیده اجرا ایتمک بو مخاطراته قارشو بر تأمیناتدر .

حکومت ایله پارلمنتو ارسنده بر اختلاف ظهور ایدرده حکومت کندی خط حرکتک منافع حقیقیه دولته موافق اولدیغنه قانع بولنورسه ملتی حکم قیلار ، بر نوع ره فوره ندوم اصولنه مراجعت ایتمش اولور .

مجلسی طاغتمق حق ده انکلیزلرک عادات قدیمه سی بقایاسندندر



موقع جغرافی دخی امریقاده بوسو استعمالاته برسد طبیعیدر ، امریقا براستحکام بحری ایله محاط اولدینی ایچون دولترلرله محاربه پهلهکه سنه آز معروضدر وبو سببله دائمی اردوسی یوقدر، ادملری محبوب قلوب ایدن، شیارتان ، تحکمه سوق ایدن مظفریات ومحاربات پک اذدر بوسببله شرفلی برماضیه مالک ومیال تجبر قهرمانلرک قوه اجرائیه ریاستنه کلوب نابولیون کی قوه تشریحیه پی ازملمری ویا ازمکه موفق اولدقلری تقدیرده ازملمری احتمالاتی اذدر . قانون اساسی تصادم ایچون پک چوق اسبابی محتویدر فقط مصادمه پی کوزه آله حق درجده معنوی ومادی قوتلره مالک ذوات ویا هیئات نادردر .

عینی شکل حکومتک نتایج مختلفه ومتضاده تولید ایدهبیله جکنه برمثالده ایشته بودر . فی الحقیقه فرانسه نک ۱۷۹۱ ، سنه ۳ ، ۱۸۴۸ قانون اساسیلری تفریق قوی اوزرینه مستندایدی تغلبره منتهی اولدی . حتی امریقای وسطی وجنوبی حکومتلری هپ متحده امریقایی تقلید ایتدیلر فقط هربری دائمی اختلالر ، تحکملر ایچنده یووارلانیور ۱۹۱۳ ده مکسیقا رئیس جمهوری ماده رونک قتلبله نتیجه لنن اختلال الیم امریقا شکل حکومتک نه فبیع صحنه لر تولید ایدهبیله جکنه کیکی بردلیدر .

(۳) شرط . — اصول مشروطیت مطلقه نک اوچنجی

بر شرطی ده پارلمنتو وحکومتک یکدیگری اوزرینه متساویاً اجرای تاثیر ایتلریدر .

حکومتک پارلمنتو اوزرنده کی تاثیراتی تبلیغات ونصایح اجرایی صورتبله کوریلور . حکومت پارلمنتونک مذاکراتنده حاضر بولونه جفندن اوراده حضوری یالکز صوریلان سؤالره جواب ویرمکن عبارت دکلدر . بلکه اوراده ده اجرای فعالیت ایدر . حتی نفوذ سوق وتدویرنی احساس ایلر .

ایدر لسه انجمنلره کیدوب اجرای نفوذ ایدر لر . قانونی حکومت کندی  
 تنظیم ایده منر . فقط انجمن ایله تماس دائمی سایه سنده انجمنه بوقانونی  
 تنظیم استیره بیلیر . شو حالده امور اجرائیه و تشریحیه به ایکی قوتک  
 متساویاً اشتراکری حقنده کی ایکنجی توازن قاعده سی امر بقاده قانوناً دکل  
 فعلاً ذاتاً موجود در . یا لکن باشقه منکترده کی بوقانونی تماس و مناسبت ،  
 امور اجرائیه و تشریحیه بوفعلی و علنی مشارکت امر بقاده خفی اوله رق جریان  
 ای دیور . افکار عمومی به لایقوله تنور ایده میور ؛ بک چوق اثر یقه لر ،  
 بک چوق نالایق او بوشمه لر و قوعه کلیور و افکار عمومی به بحق بو حالدن  
 مشتکی بولنیور . قومیت لر هیئت و کلا علیه نده خفی قرار لر ویره رک  
 انلرک چکیلمسنی ایستر لر رئیس جمهور موافقت ایتمزه مجلس ایله رئیس  
 جمهور اره سنده بر اختلاف ظهور ایدر فقط بو اختلاف کیزی قالدینی ،  
 عناصر و عواملی محرم طو لدینی ایچون علنی اختلاف دن بیک قات ده ا  
 زیاده عصیبتی تولید ایدر و حقی کی حقسز کیم اولدینی افکار عمومی به  
 تمیزه مقتدر اوله ماز . واقعا قومیت لر خوشلرینه کیتمین ناظر لر ی مجبور  
 فرار ایتمک ایچون بیک در لو موانع چیقاریر لر قانونلری رد ایدر ، ایشنی  
 کوردیر مزلر . فقط بونلر هب کیزی اوله رق جریان ایدر و بین الناس  
 کین و بغض حسلرینی بریکدیرر . بو بریکن حسیات ایچون مجرای طبیعی  
 انجق پارلمنتوده کی علنی تماس و مذا کره در .

امریقانک خصوصیت حالی اورالرده قانلی مصادمانه میدان ویرمیور  
 فی الحقیقه امر بقا قومی اعتدال مزاجی و آغیر باشیلغی ایله معروف و عاداته  
 فوق العاده تابعدر . بوندن ماعدا قوه تشریحیه و یا قوه اجرائیه نک  
 حاملری فضل به بر نفوذ قازانوب یکدیگرینه تحکم و تغلب خصوصنده دیگر  
 منکترده اولدینی کی میدانی بوش بوله مازلر . اولاً حکومت صغیره نک  
 وجودی حکومت مرکزیه نک ذروث سلطنت و تحکمه قدر چیقسنه میدان  
 ویرمیور قوتک حکومت صغیره به انقسامی مرکزده کی قبضه نک بطش  
 شدتی تنقیص ایدر .

مجلس اعيانك - امريقاده كي تفريق قوی قاعده سنه رغماً - اجرا آته بودرجه مهم صورتده اشتراكي اساساً اعيانك بدایتده بر مجلس تشریعی دن زیاده بر مجلس اجرائی اولسندن ایلری . کلیور قانون اساسینك حین تنظیم ونشرنده هیئت متحده یه یالکیز اون اوچ حکومت داخل اولدیغی ایچون اون اوچ حکومته مقابل ۲۶ اعیان دن مرکب بر مجلسك بر مجلس اجرائی ، دها کنیش مقیاسده بر نوع هیئت وكلا اولسی محذور دن سالم اولماز ایدی . انحق شمدي عدد حكومات ایله متناسباً يك زیاده آرتمش اولان اعیانك عینی صلاحیتلره فعلاً مالکیتی تشوشی انتاج ایدیه بیله جکندن بو صلاحیتلر بر صلاحیت صورتیه حالنده قالمش ، یعنی جسم قانون باقی قالمش ایسه ده روح قانون سونمشدر .

امریقا قانون اساسینده بو نقطه دن صرف نظر دیگر خصوصاً اتده تفریق قوایه لفظ وشکل قانونی اعتباریله يك زیاده اعتنا اولونمشدر : قوه اجرائیه نك مجلس مبعوثانه حق دخولی یوقدر . وكلا مجلس مبعوثانده مذاکراته اشتراك ایدیه منزل ، قانون تکلیف ایدوب علناً مدافعه ایلیه منزل رئیس جمهور اک مهم وعاجل اصلاحات قانونیه مواجهه سنده نهایت مجلسه بیاننامه کوندر وب نظر دقتنی جلب ایتمک کبی مهم بر تاثیر یاپه بیلیر . مجلس مبعوثان واعیانی اجتماعه دعوت ایتمک وبو ایکی مجلس دن صادر اولان قانونلر اوزرنده ( وه تو ) حقنی استعمال ایتمک کذلک رئیس جمهورك مجلسلر اوزرنده کی تأییراتی جمله سن دن غد اولونه بیلیر . فقط قانوناً بوندن زیاده سنی یاپه ماز . حقیقتده ایسه بر چوق احتیاجات بعض تعامللر احداث ایتمش وطوغری دن طوغری یه رئیس جمهوره تابع اوللری لازم کلن وكلا بی مجلس مبعوثانله فقط يك طولامباجلی بر طریقله تماس دائمی حالنده بولندیرمه سوق ایتمشدر . مجلس مبعوثانك منتخب و مجلس اعیانك رئیس مجلس طرفن دن منصوب قومیتلری ( یعنی انجمنلری ) وكلا دن هر درلو استیضاحاتده بولنغه ، هر درلو سؤاللری ایراده مقتدر درلر . مبرم بر احتیاج قارشوسنده بولنان ناظرلر بو احتیاجی دفع ایدیه جک قانونك بر آن اول تنظیمی ارزو

ایدلشدر . شو قدرکه بر عصری متجاوز زماندن بری دوام ایدن تجربه متحده امریقا ایله آتی تقلید ایدن وسطی و جنوبی امریقا حکومتانده کی حقیقی تفریق قواک پک ظاهری اولدیفنی و حقیقته قوه اجرائیه ایله قوه تشریعیه نك یکدیگر بیله خفی مناسبتدن و یکدیگری اوزرینه متقابلاً اجرای نفوذ و تأثیردن خالی اولدقلرینی کوستریور ایشته بوصورتلده ثابت اولویورکه طبیعت اشیادن منولد نتایجی الفاظ قانونیه ایله طور دیرمق غیر ممکن و حتی مجذور لیدر .

امریکانک شکل حکومتی پک چوق حکومت ایچون بر نمونه تشکیل ایتدیکنندن بو حکومتده کی قوتلرک مناسباتی حقتده بعض معلومات ویرمک فائده دن خالی دکلدیر . رئیس حکومت اصول مشروطیته تابع سائر دولترلده اولدیفنی کی غیر مسؤل دکلدیر . انجق بومسؤولیت سیاسییه نه مجلس مبعوثانه ونده برنجی و اوچنجی ناپولیونک یاپدقلری وجهله ملته قارشودر ، یعنی صرف نظریدر . بالعکس ، مسؤولیت بحثنده ایضاح ایده جکمز آمپه شمان قاعده سی موجبجه ، مجلس مبعوثان کندیسنی آتام و مجلس اعیان محاکمه ایدر بومسؤولیت بر جزایه منتهی اوله بیله جکی کی رئیس جمهورک ساده جه اسقاطی ایله ده نتیجه نه بیلیر و ایشته انجق بوصورتله رئیس مدت ریاستی نئاسنده قابل عزل اولمش اولور .

رئیس جمهور مسؤل و بناء علیه اجرا آتنده مستقل و هیچ بر مجلسه غیر تابع اولوق لازم کلیر ایکن پک چوق خصوصاً بومسؤولیت مجلس اعیانک - یعنی قوه تشریعیه دن بر جزؤک - موافقتی استحصاله مجبوردر . بناء علیه بر معاهده عقد ایده جکی وقت اعیاندن ثلثاننک موافقتی شرطدر . سفرائنک ، وکلانک ، محکمه تمیز حکامنک ، قونسلوسلرک و سائر هیئت متحده یه عاندا کابرمورینک نصب و تعیین ایچون اعیانک رأی و موافقتی لازمدر .

شوفردرکه رئیس جمهورک تعیین ایتدیکی وکلا ایچون اعیانک دریغ موافقت ایتمه سی حالته تصادف اولونمور اعیانک بویله بر تعیینه اعتراض ایتمی پک و خیم بعض احوال و اسبابدن نشأت ایتک ایجاب ایدر .

انكلترده اوزون مدت يالكز واردات جديده اعطاسيچون پارلمتونك مساعده سنه افتقار ايدلمش ايكن اون يدنجي عصر اختلا لاتندن و آنلك نتايچندن صوكرامصارفك دخی تحت مراقبه و ضعی وبالخاصه خزينه خاصه ايله مصارف عمومیه دولتك تفریق اصولی برقاعده متخذه شكلی آلمشدر . استقراضه مأذونیتی تضمن ایدن پارلمتو مقرر اتانده ماهیت تشریحیه یی حائز اولوب اولمدينی جای تردد و استقراض عقدي دهه زیاده امور اداره دن معدوددر . بونك كبی دهه پك چوق اداري نظامات وارد كه قوه تشریحیه دن كچور .

الحاصل ، پارلمتو حكومتك بالجمله افعال واجرا آتیه بالواسطه مداخله ایدیور و بوتون بواجرا آت آنك مراقبه سیله وقوعه کلیور .

۱۷۸۸ امریقاده موازنه قوی — قوتلر ارسنده صیق برتفریق یایمك بادیه تشوش و اختلال اولدیغنه دائر فرانسه تاریخنده پك چوق مثاللر وارددر . دیره كتوار دهری تفریق قوی قاعده سنه الك زیاده رعایتكار برقانون اساسی تنظیم ایتمش ایدی ۱۸۴۸ دهکی فرانسه قانون اساسیسی دخی قوه اجرائیه ايله قوه تشریحیه ارسنده تماس و حلول متقابل احتمالاتی مهیا امکن تنقیص ایتمش ایدی . فقط هر ایکی شکل حكومتك تغایر و اختلاللر ايله معلول اولدینی معلومدر . بونكله برابر تفریق قوايه بوتون نتایج حقوقیه سیله برابر پك چوق طرفدارلر موجوددر و بونلر متحده امریقاده موجود شکل حكومتی مثال كوستریورلر .

فی الحقیقه متحده امریقا قانون اساسیسی انكلتره ك ۱۸ نجی عصرده کی تعاملات مشروطیتی تقلید و مونسکیونك افكارینه آباع ایدیله رك تنظیم

پارلمنتونک منحصرآ امور تشریعیه ایله و حکومتک منحصرآ امور اجرائیه ایله اشتغال ایتدیکنه بک چوق مثاللر ایراد اولونه بیلیر: پارلمنتو قوه تشریعیه ایکن هر وقت قانون تکلیف ایتمز بعضاً تکلیف ایدر فقط دائماً قانونی تصدیق و بو باده رأیی اعطا ایدر حکومت ایسه قانونلری تکلیف ایتمکه ، آنلرک لایحه سنی تنظیم ایتمکه ، مذاکره لرنده حاضر بولونمق له ، تصدیق و اعلانلری احرا ایتمکه امور تشریعیه اشتراک ایتمز اولیور .

حکومت بعضاً بوس بوتون صفت تشریعیه ا کتساب ایدر . فی الحقیقه بعض امرنامه و تعلیماتنامه لر ، بعض نظامنامه لر یا پارکه هیج بری پارلمنتویه اوغراماز ، بونکله برابر بونظامنامه لرک عضیلرینک دائره تأثیری واسع اوله بیلیر .

پارلمنتویه کلنجه ، اوده قوه اجرائیه اشتراک ایدر . فرضاً بعض تدابیر اتخاذ ایدرکه امور تشریعیه ایله هیج مناسبتی یوقدر . از جمله بودجه . واقعا بودجه نك واردات قسمنده بدرجه یه قدر ماهیت تشریعیه واردر . ایستر بو واردات ، واردات جدیده تدارک و تحمیلی شکلنی حاز اولسون ، ایستر اسکی وارداتی ابقا وادامه طرزنده بولسون [°] انجق مصارف عمومیه ی تعیین ایدن مبالغ و دوائر مختلفه یه عائد مصارف مختلفه نك ماهیت تشریعیه یی حاز اولوب اولدینی جای تأملدر .

[°] مع مافیه قانونلرک ماهیتنی ایضاح ایده جکمز زمان بو بحثی دها

زیاده تدقیق ایده جکمز .

بو اعتراضك قوتى غير منكر اولمله برابر بعض جهتلرده  
 فعلیاتك مهم بر تأثیر اجرا ایتمش اولدیغنی بیان اقتضا ایدر .  
 فضله اوله رق بالاده کی نظریه نك لب و روحیینه حقیقه قدر .  
 بوراده ظرف و شکله عائد بعض تعدیلات ضروریه اجرا اولونویور .  
 قانون تنظیمی حق اساساً قوه تشریحیه ده در . بعضاً فرعی اوله رق  
 قوه اجراییه مداخله ایدر . قوه اجراییه حقنده ده ، عینی صورتله  
 ایضاحات و یريله بیلیر .

انکتره نك قدیم قاعده حقوقیه سی ، یعنی پارلمنتونك بر اولوب  
 مقام حکمداری بی ، لوردلر مجلسنی و عوام قاره سنی بو وحدت  
 ایچنده جمع ایتمی نظریه سی ایشته بو صورتله اصول مشروطیت  
 مطلقه روحنه توافق ایتمش اولیور .

مع مافیه شو مقدمه دن اکلاشلمسون که ؛ حکومت و پارلمنتو  
 عینی درجه ده امور حکومته مشارکت ایده جکدر . پارلمنتو و حکومتك  
 عناصر تشکیلیه لری باشقه باشقه شیلر اولدیغندن امور دولته ایستر  
 ایسته مز ، باشقه باشقه اشکالده اشتراک ایدر لر . دیگر طرفدن  
 دولتک افعال و وظائفی متنوع و متعدد اولدیغندن بو افعال و وظائفك  
 طرز اجرایی بر بردن يك آریدر .

شوا اعتباره کوره تفریق قوا تعبیری صورت مطلقه ده قبول  
 ایتمسه ک بيله هیچ اولمازسه توزیع و تقسیم وظائف تعبیری ،  
 ده دوغریسی افعال و امور دولتک اجراییه اشتراک تنوعی  
 قبول ایده بیلر ز .

و انتظام سیاسی شکنی ارانه ایتدکلرندن بوده اوراده اصول مشروطیتک حقیله بردوام اولسنه سبب اولیور .

قرال ایسه ظن عمومی خلافنده اوله رق صرف سوسدن بر شکل و تکلف مراسم پرویدن عبارت دکدر . او مهم بر قوه فکریه و معنویه نی تمثیل ایدر . فضله اوله رق انگلیز اها لیسنک حالت روحیه سنی و مقام قرالی یه اولان ارتباط شدیدنی نظر اعتباره آلمیدر . انگلیز وطنک عظمت و حیاتی عوام نظرنده تمثیل ایدن قرالدر .

(۲) شرط . - اصول مشروطیت مطلقه نك دوامی ایچون ایکنجی شرط ؛ بالاده ایضاح ایتدی کمز ایکی رکن قوتک پارلمنتو و حکومتک امور دولته متساویاً اشتراك ایتلریدر که بوده ذاتاً برنجی شرطک نتیجه طبعیه سیدر .

ایشته بوراده تفریق قوا بختنه پک مناقض بر دعوا در میان ایتمش اولیورز . قوتلر تفریق ایدیلنجه امور حکومته کیمک اشتراکه حق و ار ایسه یالکیز اونک اشتراك ایتسی ایجاب ایدر . بناء علیه قوه اجراییه رئیس اولان حکمدار و آنک نصب و تعیین ایتدیکی کیمسه لردن باشقه سی ایشه قاریشیرسه مشا کله و معارضه حاصل اولور .

کذلک قوه تشریحیه و قانونیه ده منحصرأ پارلمنتونک یدنده بولمیلدر و شو تقدیرده قوه اجراییه نك لایحه تنظیم ایتک ، قانونلری مدافعه ایتک کی امور تشریحیه به تعلق ایدن خصوصاتدن اجتناب ایتسی مقتضیدر .



بر وضعیت‌ده‌در. ۱۸۷۵ تاریخی قانون اساسی موجب‌جه فرانسه پارلمنتوسی بری دوغریدن دوغری‌ب‌دیگری یکی درجه‌اوزرینه‌منتخب یکی مجلسدن مرکبدر. ایی مجلسک یانی باشده بررئیس جمهور واردرکه بومجلسلر طرفندن تعیین اولنیور. و محضاً بوسبب کنديسینی ایکی مجلسه قارشومتدنی برموقعه الفا ایدیور. احتمال که بررئیس حکومت کندي نفوذ شخصیسی، اقتدار و فضل و کالیله موقع متدیسینی یوکسلده بیلیر. فقط بوترفع شخصیدر بناء علیه استثنایدر وقانونی اوله‌ماز وایشته بوندن دولاییدرکه فرانسه‌ده اصول مشروطیت مطلقه واردر فقط افراطدرجه‌ینی بولمشدر. پارلمنتو یاواش یاواش متحکمانه برموقع اخذ ایدیور و ۱۸۷۵ قانونک آرزو و مقصدینی فعلاً تجاوز ایدیور.

فرانسه‌ده مشروطیت مطلقه اصولنک اک زیاده توازن ایله جریانی ۱۸۳۰ ایله ۱۸۲۸ آرسنه مصادف اولدینی مؤلفرجه روایت وادعا اولونقده‌در.

انکلتزده مشروطیت مطلقه تماماً موجود فرض ایدیه بیلیر. زیرا قرال و پارلمنتو عینی بر عضو سیاستنک اجزای متساویه‌سندن عدایدیورلر. حاکمیت ملیه‌نک قرال و پارلمنتوده متمرکز بولوندیغنی اولجه سولیش ایدک بونلرک نفوذ وصیتلری متساویدر. عادتاً یکدیگریله محاربه و مصالحه و عقد معاهده ایتمش ایکی قوت جالنده اولدیلری تاریخاً معلوم‌در ذاتاً هر ایکی قوتک داخل مملکتده کی استناد کاهلری مساویدر. پارلمنتو و قبیله‌ده‌از یاده زادگان صنفی تمثیل ایتمکده ایکن ۱۸۳۲ و ۱۸۸۴ ده انتخابات اصلاحاتندن بری عوام‌ده تماماً انتخاباته اشتراک ایتمکده‌در ذاتاً عوام‌ده خواص‌ده فوق‌العاده بر انضباط

ایفا ایدر و فورطنه والکتریق بطاریه لرینک بوشانمنسی تأمین ایدر . عادتاً بر سیر ضاعقه مقامنده در .

(۱) شرط . — اصول مشروطیت مطلقه نك حال طبیعی وانتظامده بولونه بیلمسی وایشلیه بیلمسی ایچون برنجی شرط ؛ پارلمنتو و حکومتک مصدر و منشأ لری نه اولورسه اولسون ، نفوذ وصیت و شهرتجه مساوی اولمایدیر . اگر پارلمنتو ، لسبب من الاسباب قوه اجرائیه یه ، قوه اجرائیه یی نفسنده جمع و تشخیص ایدن ذاته نظراً حال تدنیده بولنور ایسه موازنه در عقب یوزولور و اصول مشروطیت یرینه رئیس حکومتک تحکم و تغلی قائم اولور .

فرانسه ده ۱۸۴۸ قانونی بومدعا یه پک صریح و مقنع بر مثالدر . بوقانون موجبنجه رئیس حکومت آرای عمومیه ایله دوغریدن دوغریه انتخاب اولونیور . مجلس مبعوثانده واقعا آرای عمومیه ایله انتخاب ایدیلور . فقط ریاست شخص واحددن عبارت اولدیقندن وحدتی و بناء علیه قوت و نفوذنی تماماً محافظه ایتدیکی حالده پارلمنتو فرقه لرله متشتت و منقسم بولتمقده در . مجلسده متجانس برا کثرت یوقدر . ازه صره موقت بعض اتفاقلرله فرقه لر بعض صنایع اکثریتلر احداث ایدیورلر . بوکا ریاست جمهوریه یه کچیریلن لوئی ناپولیونک ، نامنده کی جاذبه قوه تسخیریه انضمام ایدنجه موازنه نك پایدار اوله میه جفی طبیعی ایدی . نته کیم ؛ ۱۸۵۱ کانون اولنک برنده اوچنجی ناپولیون برضربه تغلب اجرا ایده رك اعضای مجلسک ایلری کلنلرینی توقیف و تغریب و انتخابات جدیده و آرای عمومیه ایله نفسنی ایمراطور اولورق اعلان ایتشدیر .

شمدی فرانسه رئیس حکومتی ۱۸۴۸ ده کی رئیس جمهورک معکوسی

فعلیه به اولان میلی اصول مذکورہ نك تدريجاً يرلشمسنه ونهايت  
هان بوتون اوروپايى استيلا ايتسنه سبب اولمشدر .

مع مافيه متحده امرىقاده ، اسويچرده ، امرىقاي وسطى  
وجنوبيده بواصول هنوز محل تطبيق بوله مدينى كى المانياده دخى  
شكل اداره الان اصول مشروطيت مقيددن قورتولاماش ،  
روسيه پارلمنتونك ايلك شدت وجلادتنه رنمأ ينه قوه اجرائيه  
تفوق تام حالنده قالمشدر .

اصول مشروطيت مطلقه ، بدائتده يالكز اصول مشروطيت  
مقيدى تعديل ايدر ظن اولنمش ايسه ده بالاخره جمهوريتلرك  
واز جمله فرانسه جمهوريتنك دخى بواصوله انقياددن باشقه چاره  
كورمديكى اكلالمشدر .

۱۷۷ قوانك اوچ شرطى — اصول مشروطيت مطلقه نك  
شرائطى: (۱) ايكي قوتك ، ايكي اورغانك مساوات تامه سى ؛ (۲) دولتك  
فعاليتنه كمال صميميت و مساوات ايله اشتراكلى (۳) يكدى كرينك  
حدودى تعيين ايچون بربرلى اوزرينه متساويأ اجراى تاثير  
ايتلريدر ، پارلمنتو و حكومتك تعاون و اشتراك فعليلرى ، متقابلاً  
بربرلرينه تاثيراتده بولنلرى بولتيقه آلتنك اهمم و روحلى زنبركى  
بولنان قايننه ، يعنى هيئت وكلا واسطه سيله وقوعه كابر .

قاينه ايكي قوتك خط و صليدر . بعضاً ايكي قوت آره سنده  
مدھش كر كينك حاصل اولور . قاينه الكترىق پيلى خدمتى .

مشروطیت مقیدهده مسئولیت حکمداره قارشودر .

عینی اساسلرک نتایج طبیعیه سندن اولمق اوزره اصول مشروطیت مطلقهده ناظرلر بکدیگرینک متکافلاً مسئولی اولمق و بناءً علیه متجانس بولونمق لازم کلیر ایکن اصول مشروطیت مقیدهده بوشرطه دائماً رعایت ایلمک مجبوری دکلدر . باش وکیلک سقوطلی عموم نظارک سقوطلی انتاج ایتمز . و ناظرلرک عینی برپارتی به منسوبیتلری شرط دکلدر .

الحاصل اصول مشروطیت مطلقهده فرقه حیاتی حیات عمومیهنک بر ناظمی ایکن اصول مشروطیت مقیدهده فرقه لرک قوه اجرائیه بی تولید ایتمکده کی خاصه لری اودرجه حائر تأثیر دکلدر .

نظریات و تجارب کوسترییورک؛ قوه تشریحیه و قوه اجرائیه آره سنده حصول توازنه اصول مشروطیت مطلقهدها زیاده خادمدر . واقعا بواصولی میدانه وضع ایدن شی نظریات فنیه دکلدر ؛ هیچ بر مؤلف چیقوبده بونی ، قبل الوقوع تصور و تکلیف ایتمش دکلدر . مؤلفلر بالعکس بونی بعد الوقوع تدقیق ایدهرک بوندن احکام استخراج ایتمش لری . بر تفصیل ایضاح ایده جکمز بو طرز اداره صرف تاریخک ، فعلیاتک ، تجارب متعددهنک محصول معقولی و ثمره تکاملیدر . بالخاصه ، انکلیز قومنک فعلیات و حقیقیات

---

۹۷ رأی مخالفه و ۴۳ رأی مجتبه قارشو ۲۱۳ رأی ایله عدم اعتماد بیان ایلدیکی حالد باش وکیلک موقع قانونیسی متزلزل اولماشدر .

بو تفريق بعض نتایج تولید ایدر. برنجیسنده حکمدارانجق  
 مأذون اولدینی دأرده حرکت قادردر بودأره خارچنده نه قدر  
 صلاحیتار وارسه آنری استعماله اهل اولان ملتدر. ایکنجیسنده  
 ایسه مأذونیت مطلقه حکمداردهدر، ملت یالکز مأذون اولدینی  
 مقدارده صلاحیتاره مالکدر. بناءً علیه ملتک ویا انک وکیلی  
 اولان مجلسک قانون اساسیده تعدادوتصریح اولونان صلاحیتلردن  
 فضله سنی استعمال ایتمسینه حق بوقدر. [۱۳نجی مبحثه مراجعت]

بو ایکی اصول مشروطیتک اساسلری بروجبالا فرقلی اولدینی  
 کبی شکل وجهت تطبیقه لری دخی فرقلیدر.

اصول مشروطیت مطلقهده هیئت وکلانک فعلاً پارلمنتویه  
 تابعیتی اصول مشروطیت مقیدهدن زیادهدر. بالواسطه نصب دیمک  
 اولان اعتماد، بالواسطه عزل دیمک اولان عدم اعتماد اساسلری  
 اصول مشروطیت مطلقه ایجاباتندن اولدینی حالده اصول مشروطیت  
 مقیدهده وکلاهم نظریاتجه وهم فعلیاتجه حکمداره مربوطدرلر  
 بناءً علیه مجلسلرک اعتمادوعدم اعتمادلری قابینه لرک حیات وبقالرینه  
 تأثیرات مهمه ومؤثره اجرا ایده من. حکمدار مجلسک معتمدی  
 اولان بر هیئت وکلایی عزل، بالعکس معتمدی اولیمان بر هیئت  
 وکلایی ایقا ایده بیلیر. [\*]

اصول مشروطیت مطلقهده مسئولیت پارلمنتویه، اصول

[\*] اصول مشروطیت مقیدهده تابع اولان المانیاده ۱۹۱۳سنه سی  
 نسانک ۳۰ نده لهیلرک حقوق تصرفیه سنه متعلق بر مسئله مناسبتیه باش وکیله

تعاملات و عادات و قواعدک اساسلرینی تشکیل ایدن موازنه قانونلرینی مهمامکن ایضاح ایتمکله اصول مشروطیت مقیدهیه متعلق توازن اصوللرینی ذکر و تفصیل ایتمش اوله جغز . فقط اصول مشروطیت مطلقه نك بوتوازن قانونلرینی تعداد ایتمه دن اول اصول مشروطیت مطلقه و مقیده ارسنده کوزه چارپان از چوق عمومی فرقلری تلخیص ایده جگزر :

اصول مشروطیت مطلقه ده [\*] حاکمیت اساساً ملتده موجود فرض اولونور شو قدرکه ملت بعض اسباب و الحآت طولایسیله قوه اجرائیه رئیسی اولان حکمداری بعض قیود و شروط دائره سنده ( بو قید و مشروط از چوق واسع و یاطار اوله بیلیر ) بو حاکمیته شریک ایدر . حق ملت اصل حق حکمدار فرعدر .

ملت حکمداری شریک ایتدیکی کی حکمدارک منسوب اولدینی خاندانی ده حاکمیتک اجراسنه شریک قیلاز . بونی بعض تعاملات موجبنجه یاپه بیله جکی کی مقاوله ماهیتی حازر بر قانون اساسی ایلده یار . بلجیقانک ۱۸۳۱ قانون اساسی سنده اولدینی کی . اصول مشروطیت مقیده ده قوت و سلطنتک ، حاکمیت و حقک منبعی مقام حکمداری اولدینی فرض اولونور ، حکمدار ملتی ایتدیکی قیود و شروط دائره سنده امور حکومته شریک ایدر . حکمدار اصل ملت فرع اولور .

[\*] بوکا اصول مشروطیت تامه و دیگرینه اصول مشروطیت ناقصه ده

ايدى فقط بوشكل حكومت فرانسه يى مزعج و مخرب صار صيفت لردن .  
قورتاره مدى .

موازنه قواعدى قواين اساسيه و تعاملات مشروطيته وضع  
ايتك ايجون او مملكتده حكمران اولان قوتلك درينلكنى اولچمك  
لازمدر . او حالده بر مملكتده خاندان حكمدارينك ، قوه  
عسكريه نك ، قوه عدليه نك ، افكار مليه و عموميه نك ، مطبوعاتك  
طبقات مختلفه خلقك حيات مملكتده اولان تاثيراتى لايقيه اكلاشيلمدن  
جف القلم بر قاعده عموميه و قطعيه وضع ايتمكه امكان يوقدر .

١٧٦ اصول مشروطيت مطلقه و مقيده . — يالكز شمدي  
حكمدار ايله اراده اولونان اكثر ممالكده اشكال موازنه باشليجه ايكي  
طرزه ارجاع اولونمش و بوايكي طرز همان هر مملكتده — جزوى فرقلردن  
صرف نظر — اويغون كلمكه باشلامشدر . بو ايكي طرزى اصول  
مشروطيت مقيده (Régime Cosntitutionnel) و اصول مشروطيت  
مطلقه (Régime parlementaire) عنوانى ايله ياد ايديه بيليرز .

انجق حال حاضرده افكار عموميه نك يوماً فوماً ترقى ايتسي ،  
ممكن مرتبه فضله طبقات خلقك امور حكومه اشتراك حقنى  
اكتساب ايتسي ، آراى عموميه اصولنك تعميم ايتسي ودها بك  
چوق عوامل اصول مشروطيت مطلقه يى اصول مشروطيتك  
متمم و ذيل طبعيسى حاله افراغ ايتمشدر . ايكنجى اصول خلقك  
عادتا دوچار جبر و تضيق اوله رق برنجى به طوغرى تدريجاً  
ايلر ايله بور؛ ايشته اونك ايجون بزده اصول مشروطيت مطلقه دينلان

منافع عمومییه موافقدر . و بونک بویله اولدینی تجربه ده ثابتدر؛ آنجق شو ایکی قوت اره سنده کی مناسبات ده ممکن اولدینی قدر دقیق صورتده تعیین و تصریح اولماز ، اره ده کی تماس و ارتباط نقطه لری بر اصول وقاعده یه تابع قیلنمز ایسه توازن یرینه تصادم حاصل اولمش و نا که ظهور تغلب و تحیر حرکاتنه و اختلالاته میدان ویرلمش اولور ، بوزده تجربه مع زیاده اثبات ایشدر .

بو نقطه حقنده لایتغیر بر دستور وضعی جداً مشکلادر . بر دولتک فعال قوتلرینی غایت صحیح بر ترازو ایله طارتوب قوه اجرائیه یه اصابت ایدن حصه شودر، قوه تشریحیه یه اصابت ایدن حصه ده شودر دیه بر تقسیم عادلانه و متوازن یا بغمه مؤلفین و واضع قانونلر تامیله موفق اوله مامش لر در ترازوی هر مملکتده واقلمه کوره دیکشدر مک ممکن اولدینی کبی زمانک ترقیاتنه کوره عینی مملکتده مختلف عصرلر وزمانلرده تبدیل ایتک دخی ممکندر . امریقاده جاری اولان شکل موازنه فرانسه ده تطبیق اولونسه قوه اجرائیه و تشریحیه اره سنده مصادمه ا کیسک اولماز اسویچرده کی شکل موازنه ینه فرانسه ده تطبیق اولونسه قوه تشریحیه نک آنارشیه سائق اولان تحکم و استبدادینه نهایت کلز فرانسه قونوانسیون دورنده اسویچره اصول حاضره سنه از چوق یقین بر شکل حکومته مالک ایدی فقط بو شکلک تطبیق ندامتی موجب اولدی . کذلک دیرکتوار زمانده امریقا شکلنه یقین بر تفریق قاعده سی جاری



قانونلرده هيئات اجرائيه نك مشاغلنه كلنجه؛ بوده كرك اداره اولونان يرلك كوچكلكي و كرك بوكوچوك يرلرده بيله اهلينك ناحيه ، بلديه وساير تشكيلات سببيله امور حكومتي طوغر بدن طوغري يه رؤيتده كي فضله استعدادي سببيله محدوددر و بناء عليه اور ادهده قوه اجرائيه نك قوه تشريعيه يه تماماً تابع اولسي محاذير توليد ايمه يور .

۱۷۵ توازن قوانينك ماهيتي . — ايكنجى شقه نظر احكومت و آنك مأمورلري ساده جه پارلمنتونك او اميرني تاليق و اجرا ايدنلردن عبارت اوليور . حكومت ده آريجه بر ركن قوت عد اولونويور ، يعنى حاكميت مليه يي توصيف ايدن صفات ثلاثه دن ( تشريعيه ، اجرائيه ، عدليه ) يرني ابراز ايتمش اوليور . او تقديرده ايكي قوت ؛ قوه تشريعيه ايله قوه اجرائيه قارشيلقلى اخذ موقع ايتمش بولونيورلر . حاكميت مليه نك اوچه تقسيمي حقنده كي نظرياتك نه درجه موافق صواب اولايغنى بوراده تعيين ايدجك دكلز . تفريق قوايحي بوبابده كي مناقشات حقنده ايجاب ايدن فكري ويرر . يالكز فعليات دائره سنده نظر دقتي جلب ايدن بر نقطه وارد ركه اوده بتون قوت يالكز بر اورغانده ، بر ركن دولتده تمرکز و تقرر ايتمش اولور ايسه نتيجه سي بالضرره اداره كيفيه ، استبداد و تحكمه منتهي اولور .

شوحالده قوه عدليه بحثي بورايه درج ايتمكدن صرف نظرله ديرزكه ؛ توازن قوانينك حصولي ايجون قوتلري همان مساوي دينيله جك درجه ده ايكي ركن حاكميتك قارشيلقلى اخذ موقع ايتسي

مرکزیه نك مجلس وکلاسنده ده تصادف ایدیلور . رادیقالر ایله  
 محافظه کار لیبرالر علی الا کثر رأس کارده بولنیور . مجلس وکلانک  
 اکثریت آراسنک مجلس ملینک اکثریت آراسنه توافق ایتمی ده  
 شرط دکدر؛ مجلس ملینک اکثریتی رادیقال اعضاسندن ترکیب  
 ایتمی ایکن ۱۸۷۶ دن ۱۸۸۲ سنه سنه قدر هیئت وکلایی تشکیل  
 ایدن یدی ذاتک دردی لیبرال ویا لکز اوچی رادیقال ایدی .  
 بوقدر تضادلری یالکز اسویچره اها لیسنک مونس اولسی ،  
 پارتیزانلقدن خوشلانماسی ، حتی هر هانکی فرقه یه منسوب رجلاک  
 مسلک سیاسیسنه دکل اقتدار ذاتیسنه رعایتکار بولونمی کبی  
 اسباب ایله ایضاح ایتک کافی دکدر . باشقه هر هانکی بر مملکتده  
 اولسه نتایج فجیعه ویره جکنه شبهه اولیان بو اصولک اسویچره ده  
 بالعکس حضور و ترقی و عمرانی انتاج ایتمی اسویچره اها لیسنک  
 بالاده کی اخلاقندن نشأت ایتدیکی کبی اسویچره نك وضعیتدن  
 و تشکیلات سیاسیسنندن ده ایلری کله بیلیر . بی طرفلنی تأمین ایدلمش  
 اسویچره کبی بر مملکتده قوه اجرائیه نك وظیفه سی ساده ل شیر .  
 المهم غوائلدن اولان مناسبات خارجیه و امنیت و اسایش خارجی  
 اهمیتتی غائب ایدر . قوانینک تطبیقندن متولد مشاغل داخلیه یه  
 کلنجه هر قانتونک آیری بر حکومته مالک اولسی بو مشغله یی ده  
 خیلی تنقیص ایتکده در . بو صورتله مرکزی حکومتک النده کی  
 ایشر ذاتاً آزالدیغی ایچون سوء استعمالات و بناء علیه تشوшат  
 و تصادمات احتمالاتی مقدار اقلیسنه اینور .

ومعارضه ايدر لر. هيئت اجرائيه اعضاسنك تكليفلىرى رداولوندىنى  
تقديرده چكىلمدكلىرىنى بيانه لزوم يوقدر. كذلك نه هيئت وكلائك  
ونده رئيسك - كه عىنى زمانده عموم اسويچره رئيس جمهوريدر -  
وه توحقلىرى ، مجلسى فسخره صلاحيتلىرى ، مجلسك تديد وياتنقىص  
مدتى ايچون رايلىرى يوقدر .

كرك قانتونلرده وكرك حكومت مركزيه ده حكومتك مطلقا  
برفرقه يه متسوب اولمى وبرفرقه نك پروغرائنى تطبيقه مامور  
اولمى ده لازم دكدر. اهالى مونس و سياسى كوروتيلردن وفرقه جيلك  
حياتندن متنفر وباخصوص مختلف مقاصد اصلاحاتجويانه ي تليف  
وتوحيدده متميل ومستعد اولدىنى ايچون عىنى برهيئت اجرائيه ده  
متخالف افكار سياسيه احسبانبك وجودىنى حيرتله تلقى ايتمز  
وبصورته هيئت وكلائك متجانس اولسنه حاجت يوقدر اقليته  
قالان فرقه لرك هيئت اجرائيه ده بر مقام صاحبي اولملى عادت حكمنه  
كيرمشدر . حتى برن و ارغووى قانتونلرنده مجبوريت قانونيه  
تختمنده در . قانتونلرده ، ايستر مجلس ، ايستر اهالى هيئت وكلايى  
اتخاب ايتسون مجانست اعتباريله نتيجه بردر هر ايكى نتيجه  
اتخابده متخالف فرقه لرك اعضاسنك عين بر هيئت وكلاده اخذ  
موقع ايتدكلىرى كوريلور و ايشته بوندن طولايى انتخابات نسيه  
بعض احوالده يالكز قوه تشريعيه دكل قوه اجرائيه ده تطبيق  
اولونه بيلور .

قانتونلرك هيئت اجرائيه لرنده مشهود اولان بوحاله حكومت

اعضاسندن اوله مازلر، مجلسه حق دخوللری واردر، مذاکرات قانونیه اشتراک ایده بیلیرلر. قانون تکلیف و قانونلر حقنده راپور تنظیم ایده بیلیر، مجلسه حال اختلافده اولورلر سه استغفايه مجبور دکدرلر.

ناظرلری طوغری بدن طوغری به اهالی طرفدن انتخاب اولنان قانتونلرک اوچنده اهالینک قوه اجراییه ده فسخ، یعنی عزل ایتمهک حق واردر. بونک ایچون اهالینک بر مقدار معینی طرفدن واقع اولان تکلیف ره فوره ندومده اولدینی وجهله اهالینک تصدیقنه اقرار ایتلیر.

حکومت مرکزیه به کلاجه؛ قوه تشریحیه بی ترکیب ایدن ایکی مجلسک یانی باشنده برده (Conseil fédéral) نامیله بر هیئت اجراییه واردر که اعضاسی بر دایره نظارتیه مربوط و ایکی مجلس طرفدن منتخبدر. واقعا بو هیئت اجراییه نک هر سنه انتخابی تجدید ایدر بر رئیس و رئیس ثانسی واردر فقط بونلرک ریاستی بر عنواندن عبارتدر و ریاست کندیلرینی منسوب اولدقلری نظارتدن فک ایتمز. هیئت اجراییه اعضاسی مجلس خارچنده بولنان ذواتدن انتخاب اولونورلر مجلسه حق دخوللری وار، فقط رأی ویرمزلر. قانون تکلیف ایده بیلیمک صلاحیتنه کلنجه اونو یالکیز هیئتجه حازدرلر فقط فعلیاتده هر بری قانون حقنده آیری بر راپور تنظیم و مذاکراته اشتراک ایده بیلیر اودرجه ده که بعضاً بر ناظرک فکری دیگر ناظرک فکرینه مخالف چیقیدینی کبی بعضاده ناظرلر یکدیگر بیه مناقشه

بو صورتله بوتون قوای حکومتی اتخا بکرده سی اولان مشهور قومیتلرک یندنه تمرکز ایتدیرمکده ایدی .

۱۷۴ سوپجرده توازن قوی — شوصورتله برنجی تصور یالکز کتابده وایکنجیسی ده یالکز قانونده قاله رق تطبیق ایدیله مامشدر . مع مافیله ایوم هیئت اجرائیه سی قوه تشریعیه سنه تماماً تابع و منقاد بر مملکت واردرکه اوراده بواصولک تطبیقنه امکان بولونمشدر . سوپجره بو خصوصده بر استنا تشکیل ایدر . فی الحقیقه سوپجرده جاری اولان شکل حکومتک باشقه مملکتلرده نظیری یوقدر . هیئت متحده شککنده اولان بو حکومتک نه فرانسه کبی متمرکز ونه ده هیئت متحده شمالیه کبی متحد حکومتلره مشابهتی یوقدر . زبرده بحث ایده جکمز اصول مشروطیت مطلقه یه تابع سائر مملکتلرده جاری اولان قاینه ، فرقه مسئولیت مشترکه و سیاسیة اصولری موجود اولمدینی کبی هیئت وکلانک مجلس تشریعه کیرملرینه ، قوانین تکلیف ایتملرینه مانع اولان و بناءً علیه تقریق قوایه دهها زیاده رعایتکار بولنان متحده امریقا اصولی ده سوپجرده جای قبول کورمه مشدر .

سوپجرده قانتونلرک ، عددری ایجابنه کوره بش ، یدی ویا طقوزه بالغ اولان ناظرلری یا هیئت تشریعیه طرفندن ویا طقوز قانتونده اولدینی وجهله طوغریدن طوغری یه اهالی طرفندن اتخاب اولونورلر ومدت مأموریتلری علی الاکثر قوه تشریعیه اعضاسنک ختام مدتیله نتیجه لیر کندیلری ناقابل عزلدرلر و مجلسک

اعضاسی کی صفت نیابتی حائزدر لر . بویکی نقطه نظره کوره پارلمنتو ایله حکومتک یکدیگریله مناسبتی ، تأثیر و نفوذ متقابللری بالطبع دیکشیر . برنجی تقدیره کوره مشکل هان هیچ یوقدر حکومت و حکومت مأمورلری پارلمنتونک عادتا معیتی صایله رق پارلمنتو اوزرنده هیچ تأثیر اجرا ایده مز . آنک فرضا مدت اجتماعیه سنی تأخیر و یا تعطیل ایلیه مز لر . هر حال و حرکتلرندن دولایی پارلمنتویه قارشومسئول اولور لر . پارلمنتو ایسه کندیلرینه نه وقت ایستر ایسه یول ویرر . بو اصول بوتون قوه ملیه نك پارلمنتو یدنده تمرکز ایتمسهنمنجر اولور . روسو پارلمنتوی حذف ایده رك بونظریه بی وضع ایتمک ایسته مش ، فرانسه ده (مونتانیار) لر ایسه ۱۷۹۳ قانون اساسیسنده پارلمنتوی حذف ایتمکسزین بویله برقانون تنظیم ایتمشردی . قوه اجرائیه نك پارلمنتو طرفندن منتخب و پارلمنتویه تابع مأمورلردن مرکب اولسنی متضمن مونتانیارلرک قانون اساسیسی (۱۷۹۳) موجبنجه ۲۴ اعضادن مرکب برهیئت اجرائیه تشکیل اولونه جق ایدی . ده پارتمان انتخاب مجلسلری طرفندن بهر ده پارتمانه بر نامزد اصابت ایتمک اوزره ابراز اولونه جق اسامی جدولدن بالاده کی ۲۴ ذات انتخاب ایدیله جک و بوضورتله تشکل ایدر هیئت اجرائیه نك نصفی هر دوره اجتماعیه نك صوک آیلری ظرفنده تجدید اولونه جق ایدی . مع مافیه بقانون بیله تطبیق اولونه مامش و احوال فوق العاده ظهورندن طولایی بر حکومت اختلالیه تأسیس اولونمش ایدی . قونوانسیون مجلسی

استحصال ايتمکه برابر ديگر طرفدن مؤثرات و خاطرات ماضيهدن اولان حکمدارلق مؤسسهي امور طبيعيهدن عد ايتمکهه باس کورميور يابه بيلديکي برشي وار ايسه اوده حکمدارک صلاحيتي تحديد ايدهرک انجق مشروط ومقيد حکمدارلره رضا داده اولمسيدير . روح مسئلهيني تعميق و حکمدارلق ايله حاکميت مليه ارسنده تأليف بينممکني در ؟ سؤال معما انگيزيني تحليله آرتق نلوم کورميور ، ايش يولنده کيتدکن صوکره کيمسهيه فعلاً ضرري دووقونمايان عاداتي بوزمغه نهلزوم وار ؟ با خصوصکه سييهسک ديدیکی کبي حکمدارلر ايجونده انتخاب اصولی وضع اولنديفي تقدیرده ظهوری ملحوظ اولان اعتشاشات وخيمه قوری نظرياتک گوشه نسيانه آتلسنی انتاج ايدر .

## پارلمنتو و حکومتک یکدیگریله مناسباتی

### توازن قوی قاعدهلری

۱۷۳ ایکی طرز حکومت : تابعیت و یا استقلال اساسلری . —  
 دفعاتله بیان ایتمش اولدیغمز وجهله حکومته فعلاً اشتراک ایدن اداره آدملری تعبیر دیگرله قوه اجرائیه مأمورلری یاروسونک نظریه سی موجبجه اصل حاکمیت ملیه یی تمثیل ایدن پارلمنتونک ساده جه مأمورلری (Agent) در و یاخود قوه اجرائیه دن آیری ومستقل بر شکل وصف قوت عد اولونهرق الک بویوک قوه اجرائیه صاحبی اولان حکمدار وانک تمثیلی اولان وکلا ومأمورین اداره وسائره پارلمنتو

اولونویور . تاریخ واقعا برحق احداث ایتمز ، فقط احداث  
ایندیکی عادت ، بعضاً حقه غالب کلیر .

اساساً مایعات ، جر انقال ، جاذبه ارضی قانونلریله حق  
اره سنده کی علاقه و مناسبت نه قدر غیر معقول ایسه وقوعات  
تاریخیه نك مستند اولدیغی قوانیندن حقی تولید و اخراج ایتمک ده  
او قدر غیر وارددر . حق ، حریتک زاده سیدر یوقسه شئون  
مقدره نك دکل ... شئون تاریخیه و افعال بشریه نك توالیسیله  
تا کد ایدن احوالی برحق فرض ایتمسه ک و مثلاً حاکمیت ملیه  
فلسفه حقوقیه سنک حکمدارلق حقیقت فعلیه و تاریخیه سیله قابل توفیق  
اولدیغنه قناعت ایتمسه ک حقوق شخصیه نك مستند اولدیغی دستورلری ده  
کاملاً محو و افنا ایتمش ، قوتی هر شیئه . حاکم قیلمش اوله جغز . [\*]  
مع مافیله ، حقتک بیله توالی شئون و حادثاته کوره ظهور  
ایده بیله جکنی و تکامل تاریخی ایله حاصل اولان حاکمیتک ده  
برحاکمیت مشروع اولدیغی ادعا ایدن اجتماعیون موجوددر .  
معاملات بشریه یی حقه دکل ، حقی معاملات بشریه اسناد  
ایدن مسلک نظرآ ارتق سیاسیاتده ، حاکمیت ملیه مباحثنده  
حقوق طبیعه آرامق عبدر .

مجدداً حیات و استقلال بولان اقوامده نظریات جدیده  
حاکمیت تمامیه کلاشیله رق حکمدارلق مؤسسسه سنه بعضاً لزوم  
کورولمور . فقط اقوام قدیمه بر طرفدن کندی حقوقی تدریجاً

[\*] [ دوات و شخص بحثه مراجعت ]



دخی تشکیل ایتمکده اولدینی اولجده سویلنمش ایدی. حکومت اتحادیهده بو ایکی عنصر شخصی واجتماعییه بر عنصر دها منضم اولیورکه اوده حکومت صغیره در .

۱۷۲ حکمدارلق بر حقیقت علمیه دکل بر حقیقت تاریخیه در . — بورایه قدر ویردی کمز تفصیلاته رغماً حاکمیت ملیه ایله حکمدارلق، حاکمیت ایله وراثت کبی افکار ارسنده بر طریق معقول تألیف و توفیق بوله مدق . مسئله ینه اوله معلقده قالیور . اکر منحصرأ طریق نظریاتی تعقیب ایدر ایسهک ، پرنسیپلردن چیقیمیله حق ایسهک بو معلقتیک الی نهیاه دوام ایده چکنه امین اولمیدر .

آنحجق سیاسیاتده برده فعلیاتک ، تاریحک ، عادات قدیمه نک تأثیرات کلیه سی واردر . یالکمز معاملات بشریه ده دکل سیاسیاتک روح ولبنده بیله بعضاً عادات و تعاملمک قوتلی پارمنی ایشه قاریشور! معاملاتده هر عاداتی عقل و منطق دائره سنه ارجاع ممکن اولمیدنی کبی ، سیاسیاتک ، با خصوص بویله بیکلرجه سنه دوام ایتمش مؤسساتنده عقل و منطقدن زیاده کوره نکک تأثیرنی تدقیق ایجاب ایدر .

حکمدارلق ، عصرأ بعد عصر کوریه کوریه خلق بوکا او قدر آیشمش که شمدی بو مؤسسهی — وضع ایدیلن کافه قیود ایله برابر — حقوق طبیعیه نتایجندن عد ایدر . حکمداردن محرومیت خلق نظرنده عاداتا برحق طبیعیدن محرومیت کبی تلقی

فصل مخصوص صنده عریض وعمیق ویرمش ایدک . انجق موسیو ایسمه نك بوباده شایان دقت بر مطالعه سی واردر : (صحیفه ۲۵۲) «حکومات متحده ده خصوصی حکومتلرک هر رنده بولنان افراد او خصوصی حکومتک حاکمیتنه اشتراک ایتمکله برابر عموم هیئت متحده ده دخی حاکمیته مشترکد لر بوراده حکومت صغیره بیننده حقیقی و تاریخی بر مقاوله اجتماعیه واردر و جمعیت جدیده متحده شرائطی بونکله تعین ایلشدر . حکومت خصوصیّه مختلفه بدایه تمرکز ایتمش بر حکومتده مذاب و مختلط بر حالده بولنمق ید اقتدار لر رنده ایدی و او وقت بر تک حاکمیت حکمفرما اولمش اوله جق ایدی . ایدی مقاوله جدیده لر یله تأسیس ایتدکلری جمعیته نظراً حاضر اولدقلری حاکمیتک بر قسمی تحدید و فضله سی چون او مقاوله دن مقدمکی حاکمیتلرینی تماماً محافظه ایتمش اوله بیلر لر . »

ایسمه نك بورایه قدر سرد ایتدی کمز نظریه سی ، بلا قید و شرط قبول ایدیله مز . جمعیت جدیده حاکمیتک بر قسمی تحدید و تنقیصه صلاحیتدار اوله ماز . چونکه حاکمیتده تحدیدات قبولی انقسامه او غرامسی ایله مساویدر . حالبوکه حاکمیت لایتنج زادر . حقیقتده حاکمیت اصلیه ، حاکمیت تامه حکومت مرکزیه ده در . حاکمیت ملیه دینلان کلیه یه افرادک شخصاً اشتراک ایتلری انقسامه او غرامسی انتساج ایتیمور ایسه بوراده ده کوچوک حکومتک حاکمیتده مشترک اولملری حاکمیتک پارچالانمسی انتساج ایتیمور . ذاتاً ، حاکمیتی یالکیز افراد دکل ، بعض هیئات اقتصادیه و علمیه

برلوردك انتخاب و تعييننده ايسه بوكي اغتياشاتدن هيچ قورقويه محل  
يوقدر . «

بو تفصيلاتده ، حكمدارلق وظيفهسييله حاكميت مليه  
قاعدهسنيك توفيقنده كوريلان مشكلاتي كوسترر . حكمدارلق  
ويا اصيلزادلك ايله حاكميت مليه بينني تاليف ايچون ديكر بعض  
نظريه لر دوشونلش ، فرضا : حاكميتي يارچالامق و بو حاكميتك  
بعض اوصافي بتون ملتك عهدهسنده ابقا ايتمكله برابر ديكر بعض  
اوصافك يالكلز جهنات اجرايه سني ، ( Exercice ) ني دكل  
ملكيتني دخي حكمداره ويا صنف زادكانه تفويض ايتك بو قيل  
تصورلردندر . فقط او وقت ينه قارشومزه حاكميتك غير قابل  
ترك و فراغ اولديني دستوري چيقور . كلي غير قابل ترك اولان  
شيتك ، جزئي ده قابل ترك دكلدر . روصو حاكميتك غير قابل تقسيم  
اولديغي اعلان ايتمكله ايشته بوني قصد ايدور . اوندن اول ديكر  
مؤلفرده ، فقط بو غير قابل تقسيم اولق خاصه سني حاكميتي  
حكمدارده مجتمع فرض ايتدكلري زمان درميان ايتمكلردى .  
حاكميت ، غير قابل تقسيم فرض اولمديني تقديرده نه كي محاذير  
ظهور ايدجكي اولجه بيان ايدلمش اولديغندن تكرارينه محل يوقدر .

۱۷۱ حاكميت مليه و حكومات متحده . — مع مافيه بوراده

بر سوال وارد اوليور : داخلاً وحتي بعض خصوصاتده خارجاً  
مستقل حكوماتك اتحادن حاصل اولان حكومات متحده و متفقده  
حاكميت مليه انقسامه دوچار اوليور مى ؟ بو سوالك جوابي ده اولجه

ایمپراطور لاق زمانده کی اعیان مجالسی ، رهستوراسیونده ولوئی فلیپ دورنده کی اعیان مجلسری بوقیلدندر .

قانون اساسی عثمانی موجینجه دخی اعیان قید حیات ایله تعیین اولونورلر . ( معافیله مجلس مبعوثانجه بو جهت تصدیقه انتظاراً تعدیل اولمشدر ) . فرانسه ده صوک ۱۸۷۵ قانون اساسیسنده بیله برحیات اولان اعیانندن بر قسمی قید حیات ایله تعیین ایدلشلر ایدی که شمسی بونلردن کیسه قالماشدر . انکلترده لوردلر قاره سنک وکالت ملیه صفتنی حائز اولوب اولمدینی پک چوق دفعه لر مناقشات و مباحثاتی انتاج ایلشدر . [\*]

انکلترده ، مبعوثان ایله اعیان ارسنده نه وقت بر قانون مهم حقنده جدی اختلاف ظهور ایدرسه اعیانک وضعیت حقوقیه سی مسئله سی میدانه چیقار . هوم رول مسئله سنده بو بحث تدقیق ایدلش اولدینی کبی ۱۹۱۰ ده زادگانک املاکنه ویرکو ضاممی مناسبیله تحدث ایدن بودجه نزاعنده دخی لوردلر حقنده شدتلی بر هجوم واقع اولمشدر . معافیله لوردلرک اک ضعیف نقطه سی ارسره انتخابات عمومییه ، یعنی اراده ملیه نک صدور و تظاهرینه معروض اولمالریدر و ایشته بوضع قدرکه پک چوق خصوصانده بیون بوکوب مبعوثانک کندیلرینه کوندردیکی قوانینی قبول ایتملرینه سبب اولور .

( سی یه س ) ک وکالت ملیه اعیان مسئله سنده غایت معقول افاداتی وار . دیورکه : « . . . اعیان مجالسی اعضاسنه وظائف تشریحیه و حتی عدلیه ویرلسی یوز سنه اولنه کلنجهیه قدر پک نافذ اولان فه ثودالیه اصولنه حرمتدن بشقه برشی دکلدر . زیرا قرالفک ارثاً انتقالنه جواز ویریلور ایسه بونده هیچ اولمازسه قرالری انتخاب ائناسنده ظهوری ملحوظ اولان اغتشاشاتی منع و برطرف ایتمک کبی بر محسنات واردر .

بيليركه بالواسطه اولغله برابر حقيقي ومؤرددر. بومسئوليت ايسه محدوديت صلاحيت و وظيفه ده ، محدوديت مدت انتخابيه ده مندجدر.

هر كيمك كه، صلاحيتي بر مدت معينه دن سو كرا - بومدت پك اوزون اولماق شرطيله - ختام بولور وبعده وظيفه ومأموريتي تجديد ايدلمديكي تقديرده على العاده افراد ميانه داخل اولور كندينه توديع ايديلن قوتى سوء استعمال ايتمز وهر حالده سوء استعمال ايتسه دخى از بر زمان ايجون ايدر. عزله معروفيتي غير ممكن اولان مأموريتلرك مدت محدودده ايله توجهي حاكيت مليه نك يالكز طبيعي دكل ضرورى بر نتيجه سى عد اولنمليدر. بسيط و بونكله برابر اساسلى اولان بوقاعده نك مؤثر اوله بيلمسى ايجون بو قويل مأموريتلرك موقت و معين بر زمان ايجون - وهر حالده بوتون حيات مدتي استيعاب ايدمه جك درجه ده - اولمى لابددر. بونى ايسه يالكز مونارشى اصولى صورت مطلقه ده قبول ايدن حكومتلر دكل حكمدارلرى انتخاب ايله تعيين ايديلان جمهوريته شيه مونارشيلر دخى تجويز ايتمز.

بو ايضاحات حاكيت مليه نك يالكز حكمدارلق وظيفه سيه دكل اصيلازده لك اصوليله ده غير قابل توفيق اولديغنى كوسترر. بعض مؤلفلر ارثاً ويا قيد حيات ايله حاكيت مليه قوتى اجرا و تنفيذ مأمور اولان كيمسه لرك (اكثر اعيان مجلسلى) على العاده وكالات مليه يى حائز اولدقلىرى ادعا ايدرلر. انككتره نك لوردلر قماره سى، فرانسه نك برنجى وايكنجى

موجود اولمازسه بویله بر تالیف و توازن ممکن اوله میهرق قوای متخالفه و معکوسه بالضروره تصادم ایدر و بونلردن بری کندیسيله هم آهنگ اولمیان قوای سائره بی حذف و الغایه و موازنه بی کندی لهنه تأسیسه غیرت ایدر،

حکومت واحد ( مونارشی ) ایله حاکمیت ملیه اساسلری تالیف ایچون سرد ایدیلن نظریاتک جمله سنده برچوروك نقطه وار : شو یله که حاکمیت ملیه یالکزر بالجمله قوتلرک ملتدن صادر اولسنی و ملتک تفویض ایتدیکی شی یالکزر بو حاکمیتک اجراسنی متضمن دکلدر؛ بو قوتلرک ، بو حاکمیتک تطبیقی وظیفه و مأموریتی درعهده ایدنلرک بو وظیفه و مأموریتی صورت استعماللرندن مسئول اولملرینی دخی تضمن ایدر. بو بر کلیه متعارفه در. فی الحقیقه هر شخص روح و اساسی کندی نفسنده، کندی ملکیتده اولمیان برحقی دکل، دیگرینه عاند و اجراسی خصوصی کندیسنه مودوع برحق ایفا و استعمال ایتدیکی زمان صاحب اصلی به حساب ویرمک مجبوریتنده در .

آنحجق آتیا کور یله جکی وجهله حاکمیتک اجراسی وکالتی تفوض ایدنلر حقدنه عزل و یا تعقیبات جزائیه صورتیله قطعی و طوغریدن طوغری به مسئولیت طریقه کیدلسی بک چوق خصوصاً تدمه غیر قابل اجزا و حتی مضر اولویور :

فرضا، ملتک و کیلاری ایچون یالکزر بر مسئولیت موجود اوله

تمثالی پارلمنتو اولدیغی بیلیرلر . دها اوتتسنی تعمیق ایتمز لر . نظریات ایله فعلیاتی منطق دائره سنده تألیفه قالدقشماز لر . هر حال و حرکتلرنده اولدیغی کی بونده ده سوزدن زیاده ایشه باقار لر .

۱۷۰ بو بحثك چوروك نقطه سی . — حکمدارلق اصولیه

حاکمیت ملیه اصولی تألیفه قالدقیشان قانونلره نظریاتده مهم بر خطا و نقصان وارد که عادتاً بر تناقض تشکیل ایدر . بوراده تدقیق ایده جگمز بحث ، بر مملکتده جمهوریت اصولی یوقسه حکومت واحد اصولی جاری اولور ایسه حریت دها کوزل حکمفرما اولور ؟ ماده سی دکدر ، منحصرآ فعلیاته متعلق اولان بو نقطه یی تاریخ دها کوزل تشریح ایدر . فع مافیله هیچ کیسه ادعا ایده مزکه فرضا انکلترده افرادك آمریقادن دها آز حریتی واردر . بونکله برابر بو ایکی مملکتده شکل حکومت مختلفدر . بوراده تدقیق ایده جگمز تناقض شودر :

عینی بر قانون اساسییه حاکمیت ملیه قاعده سنی وضع ایله برابر حکومت واحد اصولی ادخال اولنور ایسه بو ایکی قضیه یکدیگرینه معکوس اولور . بوراده ظن ایدلسون که نزاع ، بر نزاع لفظیدر و یامسلك و نظریاتجه باختلافدر . مؤسسات سیاسی نكده افکار کی منطقری ، معقولیتلری وار . بر محیطده که فکر محافظه کاری و عادتپرستی پك قوتلیدر اوراده مؤسسات سیاسی یکدیگرینه معارض و متناقض قواعد و غیر ثابت بر توازن حالنده بولونسه بیله ینسه اوزون مدت پایدار اوله بیلر . آنجق بویله بر محیط

هیچ بر وقتده ملئک صورت مطلقهده بوحقه مالک اولدیغنه مانع اولماز . خاع حقننه قیود و شرائط وضع ایدلمسی بوبابده کی حقک تنظیم و تسهیل جریانی و تشوشدن و جمعیتک تذبذبدن و قایه سی مقصدلرینه مستنددر . یوقسه حق خلغ مطلقدر . ملت حا کیمیتی حکمداره تملیک ایتیمور ، یالکز بعض وظائف اجراییه یی - بر مأموره تودیغ ایدر کی - تودیغ ایدیور . ذاتآزیرده کوره جکمز وجهله مأموریت ، مسؤلیتی ، حساب و یرمیکی استلزام ایدر و هر برشی که مسؤلیت و حساب و یرمسنی تضمن ایدر قید حیات ایله اوله ماز ، موقدر و بناءً علیه حکمدار لوقده حد ذاتنده ، ارثی اولوق شویله طورسون قید حیات ایله دخی اوله ماز قید حیات ایله وقوعی اصل دکل فرعدر ، و بوندن دولایی دایما حکمدار قابل عزلدر .

۱۶۹ انکلیرلرک نقطه نظری . - انکلترهده حکمدارلق

حقننه فکر و نظر دها بشقهدر . انکلیرلر فعلیاتنه شبهه یوقدر که حاکمیت ملیه یی رتبهً علیاسنه ایصال ایتشلر ، ملتی ملت اداره ایدیور فکری هر کسک ذهننه یرلشمش و هر حالده اجراءات حکومت هپ بو فعلیات دائره سننده در . بونکله برابر انکلیرلر حکمدارلق اصولنی قبول ایتشلر . واقعا پک اعلی بیلیرلر که صوک سوز ارادهً ملیه نکدر و قرالیت انجق بو اراده نک وجودیله قائمدر . بونکله برابر قانونلرینه هیچ بر زمان حاکمیت ملیه لفظنی وضع ایتمش دکلردر . انکلیرلر تکامل تاریخییه تابع اولوقدن ، فعلیاته قاتیمقدن باشقه برشی یاپمازلر . حاکمیت ملیه نک



بوندن ماعدا، روسونك توصيهسى وجهله ملت شكل حكومه  
الى نهايه مربوط قلمش اوليور وقانون اساسينك لى الايجاب  
تعديلى ايجون بك چوق طريقه كوستريليور ايدى : قراليتك  
تأسيسنه متعلق مواد دخى تعديل اولونمق احتمالدن وارسته  
قاليور ايدى واك زياده معقول بر نتيجه اولمق اوزره تعديلاتك  
اجراسنه دائر مجلسجه اتخاذ اولنان مقررات، نه تصديق قرالى به  
ونده قانون اساسى يى تنظيم ايدن مجلس تأسيساتك موافقتنه  
Constituante تابع دكل ايدى .

۱۶۸ حق عزل وياخلع — بوراده حق عزله دائر اولان  
بحكده نظريات غريبه ده نظريات شريقيه نظرآ ناقص اولديغى  
بيانه حاجت كورميز . روسو ، حقيقتنه دهها زياده تقرب ايدرك  
ملك ، حكمدارى ده ، شكل اداره يى ده تغير وتبديله صلاحيتى  
اولديغى بيان ايدرك اصابت ايتشد .

آنحق نظرياتنه اك زياده توفيق ايدملك ايسستينلان بالادهكى  
۱۷۹۱ قانون اساسيسنده مع التأسف بو حقيقت كمال جسد ارتله  
درج اولونه ميهرق الاستيق وطولام باجلى طريقه اختيار ايدلمشدر .  
برده ملك حق خلمى واردر : واقعا حق خلع آنحق بعض  
شرائطك ظهورى عننده ثابت اولونجه تقييد ايدلمش و بناء عليه  
روسونك وضع ايتديكى اطلاقدن انحراف ايدلمش اوليور ؛ مع  
مافيه حقيقتنه هر ايكي رآى بر بوندن او قدر متباعد دكلدر .  
حق خلمك آنحق بعض شرائطه تعلقاً استعمال ايديله بيلمسى

چوق حاوی بولونمقدمه در. بوقانونده قرال مملکتک مأمور لرندن بری ، مأمورلرک برنجیسی اولمق اوزره تصریح اولونیوردی . بوتون صلاحیتی قوه اجرائیه ماتى تلقى وتفوض ایتمکدن ویالکیز تأخیر ایدیجی موقت بر حکمی اولمق اوزره ( وه تو ) حقنه ممالک اولمقدن عبارت ایدی .

قانون اساسیده «ایوکسک قوه اجرائیه نک قرالک شخصنده موجود اولدینی» بیان ایدیلرک حاکمیت ملیه نک تمثال اجرائیه سی عد اولونیور ایدیسده بونک سببی حقیقته قرالی حاکمیته تشریک دکل ، قوای ثلاثه حکومتی مونتسکیونک قوردینی قاعده موجبنجه تفریق ایتک ایدی وکویا بوسورتله هم روسونک هم مونتسکیونک حقایق علمیه سی قانون اساسیده یر بولمش اولیور ایدی؛ زیرا ینه بوماده قرالک «اراده عمومیه نک ایوکریسی» اولدینی ذکر اولنیور ینه بوسورتله بر اداره واجرا مأموری درجه سنه ایندیریلیور ایدی .

روسو ، حکمدارک عزلده ممکن اولدینی ادعا ایدیور ایدی حالبو که ۱۷۹۱ قانوننده روسونک نظریه سی موجبنجه ملته حق عزل ویرلیور ایدی . شخص قرالینک مقدس ومصون اولدینی بیان ایدیلرکه برابر یالکیز بعض احوال ایچون قرال وظائفی ایضا ایتماش عد اولونه رق بلا اخطار ساقط اولمش فرض اولنیور ایدی وبوتیجه به بر شکل منطقی ویرمش اولمق ایچون او وقت قرال کویا استعفا ایتمش عد اولونه رق علی العاده افراد زمره سنه داخل اولیور ایدی .

ايفا ، يعنى حاكميت اظهار ايتك اوزره بولنديني قوانيني تنظيم ايله مشغول اولديني زمان اصلك ياننده فرع ساقط اولور قاعده سنه بناء حاكمدارده داخل بولونديني حالده بوتون مامورلرك صلاحيتي كنديلكندن در عقب وبلا اخطار ساقط اوليور ايدى . روسونك كندينه مخصوص نظريات اكلاشلم قجه بالاده كي ترتيب بحق ادراك اولونه ماز . ذاتا روسونك بو خصوصده قورديني اساسلر هيچ بر زمان موقع فعله وضع ايدلمش دكلدر .

١٦٧ اصول نيابنده حاكمدارلق . — بونكه برابر برچوق قوانين اساسيه ده حاكميت مليه نك اساسي قبول واعلان ايدلمكه برابر حكومت واحد ( مونارشي ) شكليله تاليفنه چايشلمشدر . شو قدر كه بو صورته تاليف يينه قيام ايدن قانون اساسيلرده بلا واسطه دكل بالواسطه حكومت قاعده سي قبول ايدليكندن روسو طرفندن وضع ايديلان نظرياتدن تباعن ايدلمش اوليور . كذلك حاكميت مليه روسونك دوشونديكي كبي يالكز قوه تشرعيه دن عبارت عد اولنيور ، قوه تشرعيه ، او حاكميتك يالكز صفات ميژه سندن برى فرض اولنيور . قوه اجرائيه ده انك صفت اخراسي اوليور . مع مافيه بو قانون اساسيلرده حاكميه متعلق خصوصاتك يالكز اجراسي حاكمداره تفويض اولونوب حاكميتك رقبه ومالكييتي تفويض اولومديغندن وبوحاكميت ملترده قالدوغندن بو نقطه نظرده كورده روسونك افكارى قبول ايدلمش اوليور . فرانسه نك ١٧٩١ قانون اساسيسي بو قواعد ونظرياتي آز

و صلاحيت تشريعيه سنی بر فرض ايدييور ایدی . دیگر طرفدن  
ملتك بو قوه تشريعيه نی نیابت اصولیه دکل طوغر بدن طوغری به  
اجرا ایتمی لازم کله چکی ظننه ذاهب اولمشدی - که بونلره دار  
تفصیلاتی بالواسطه حکومت بچشنده اوزون اوزادی به در میان  
ایتمشدک - قوه اجراییه به کله چکه ، روسو اکر امکان بولسه  
بولسه بونکده دوغری بدن دوغری به اهالی طرفدن اجرایی  
آرزو ایدر ای دیسه ده نه چاره که بوکا امکان اولدیغندن ، بونی اصل  
صاحب حکم عد ایتدیکی ملتك مأمور لرینه تفویض ایلیور ایدی .  
بناء علیه ، ملتده موجود اولان قوه اجراییه بالضروره بر ویا  
متعدد اشخاصه توجیه اولونه حق ایدی .

قوه تشريعيه ( یعنی حاکمیت مایه ) بوتون ملتك یدنده  
بولوند قجه صلاحیت اجراییه نك بر حکمداره تفویضنده بر بأس  
کورمز و بو شکل اداره حکمدار بر اولدینی حالده ده جمهوریت  
دیملکه تردد ایتمز ایدی . زیرا اصل حاکمیت ، اصل نفوذ  
ملتك یدنده قالیور ایدی . مادام که ملت حاکمیتی دکل ، یالکیز  
اجرایه متعلق وظائفی حکمداره و بعض مأمورلره تودیع  
ایدیيور ایدی ؛ او حالده آرزو ایتدیکی وقت بو توجیهی  
فسخ واقاله ایده بیله جک ایدی . فی الحقیقه نظریاتده اصل  
حکمدار اولان قوه تشريعيه یعنی ملت ، مأمور ویا مأمورین  
اجراییه نك موافقتنه باقمسزین شکل حکومتی ایستدیکی وقت  
تغییر ایده بیله جک ایدی . حتی ملت ، صلاحیت تشريعيه سنی

ضروریه سی واریسه اوراده بی اجرا و تطبیق قدر . حاکمیت ملیه  
 بوتون ملت و ملتیی نفسنده جمع ایتمش اولان دولته ، تعمیر دیکرله  
 یکدیگری نی ولی ایدن کافه بطون وانسال ماضیه و آتییه عاندر .  
 بوکونکی آدملرک بو حاکمیته اشترا کده نه قدر حقلمی وار ایسه  
 دونکیلرینک ده او قدر حقلمی واریدی . و یارینکیلرک ده او قدر  
 حقلمی بولنه جغندن بو امانت مقدسه بی باجمله انسال و بطون  
 یکدیگرلرینه نقل و تودیع ایدرلر .

بعض قانونلر بوجهتی تصریح ایدیور . از جمله فرانسه نک  
 ۱۷۹۱ قانونی ، اوراده حاکمیتک بر ولایتجری ، غیر قابل ترک و فراغ  
 و مرور زمانه غیر تابع اولدینی مصرحدر .

بزم قانون اساسیمزه نظریات و حکمیات مختلفه سیاسیه نک  
 درجنه لزوم کورلماش و بوکی حقایق ذاتا معلوم فرض ایدلمشدر .  
 تفصیلات مذ کوره ملتک حاکمیتی بر حکمدار و یا آنک  
 خاندانه ترک ایتمش اولدیغنه دائر سرد ایدیلن نظریه نک بطارحتی  
 اثبات ایتدیکندن شکل سلطنت ( مونارشی ) ایله حاکمیت ملیه بی  
 تألیف ایچون سرد ایدیلن دیکر نظریه لردن بحث ایدلم ؛

۱۶۶ طوغریدن طوغری به حکومت و حکمدارلق . — شایان  
 دقتدرکه ، روسو : بالاده کی اساسی او قدر قوتله مدافعه ایتدیکی  
 حالده حاکمیت ملیه ایله حکمدارلقی غیر قابل تألیف عدا تیموردی .  
 بو ایسه حاکمیت ملیه حقنده کی افکار و نظریات مخصوصه سندن  
 ایاری کلیور ایدی . روسو حاکمیت ملیه ایله ملتک قوت

مجهول اوزرينه عقود عاديه بيله بنا اولنه ماز . زده  
 قالدی که حقوق سياسيه ! بوندن ماعدا اراده و آرزو کي تصويری  
 و روحی شيلر قابل مبادلہ اموال متقومہ حالنه افراغ اولونه مازلر .  
 بر آدم بن فکرمی صاتم ديمکه قوه مفکره سندن محروم  
 اولورمی ؟ ترک و فراغ مبادلہ ايدیلن شيلر ايچون ممکندر .  
 آرزو و اراده کي غير مادی شيلر ايسه ، مبادلہ اولونه مازلر .  
 بناءً عليه ترک و فراغ ايديله مزلر . بشرک اعضا و جوارحنده  
 ترک و فراغدن بحث ايتک عبث اولدینی کي حقوق سياسيه دده  
 بويله بر بيعدن بحث ايتک معناسزدر . بر شخص کنديمی صاتم  
 ويا هبه ايتدم ديمکه حقیقته صاتم ويا هبه ايتش اولميه جنی کي  
 بر قومده اراده می ، حاکمیتی ، موجودیتی بر حکمدار ويا اجنبی  
 بر حکومت ترک و فراغ ايتدم ديمکه حقیقته بوسوزی لغواولمش اولور .  
 مع مافیه بر آن ايچون فرض ايدلم که ؛ بر ملت حاکمیت  
 و اراده نی ترک ايدہ بيلسون ، تعمیر دیکر له ترک متعلق عقد اولدیکه ايچون  
 اولمته ، اولمتهک حال موجود و حاضرینه نظراً صحیح اولسون .  
 بونکه برابر بوجه اولسه اولسه بر آن غير منقسم ايچون  
 قابل قبولدر . چونکه حاکمیتی ، اراده نی اموال متقومه دن فرض  
 ايدوبده بوجه بالاترکی صحیح عد ايتسهک دنخی بومال آنجق  
 صاحببری طرفدن ترک ايديله بياور . انسان يالکز کنديسنه عايد  
 اولان بر مالی بخش وبيع ايدہ بيلير . ايمدی حاکمیت مایه يالکز  
 بر حیات اولان نسلك مالی دکلدنسل حاضرک صلاحیتی ، بر صلاحیت

ایدی . اون سسکزنجی عصر مؤلفلری ؛ حاکمیت غیر قابل  
ترکدر دیمکله قرالار یدنده بولنان حاکمیتک اهلایه ویاساترلرینه  
ترک اولونه میه جغنی قصد اییدیورلر ایدی . بناء علیه قرال نه قدر  
مساعده کار طاورانیر ، نه قدر امتیازات بخش ایلر ایسه آنلری  
کیری آله بیلیر ایدی . روسو ایسه قرالار یدنده بولنان حاکمیتی  
دکل ، ملت یدنده بولنان حاکمیتی قصد اییدیوردی . اولجده  
بجئی کچمش اولدیجی وجهله روسو حاکمیت ملیه بی ، اراده  
عمومیه ایله توأم عد اییدیور ایدی .

شو حالده ، « اراده عمومیه نك اجرا سندن بشقه برشی اولمیان  
حاکمیت قابل ترک اوله ماز ایدی . واقعا اقتدار و صلاحیت ترک  
ونقل اولونه بیلر ایدی فقط اراده دکل . صاحب حکم وقوت  
اولان شخص ، بن بو آدمک بو دقیقه ده ایستدیکی شیئی ، ویا  
ایستیورم دیدیکی شیئی ، ایسترم دیه بیلیر . فقط بو آدمک یارین  
ایستیه جکی شیئی ده ایستیه حکم دیه من . زیرا آرزو و اراده دنیلان  
شیئک آتی یچونده زنجیر بند اسارت اولسی صاحبه در . و ارزو  
ایدن کیسه نك نفعنه مخالف بر شیئی آرزو ایتمک کیسه نك ید  
اراده و اقتدارنده دکلدر . »

۱۶۵ حاکمیتک غیر قابل ترک اولسی . — معدومی بیع ایتمک  
معدومی هبه ایتمک باطلدر ، آتییه تعلق ایدن ، حین ترک و فراغه  
غیر موجود بولنان ملتک ارادات آتییه سنی ، ملتک حاکمیت  
آتییه سنی ترک و فراغ ایتمک دخی عینی صورتله باطلدر .

مقاوله اجتماعیه اساسی قبول ایلین - هوبس دخی عینی نتیجه یه  
 واصل اولویور .  
 آنک فدرنجه ؛ اعضاسنک موافقتیه تأسس ایدن جمعیتک دوام  
 وبقاسی ایچون، جمله نك اداره سی، اداره واحده ده مجتمع اولمیدر .  
 آنجق بو اراده واحده ، هر فردک کندی آرزو واراده سی ،  
 دیگرینک آرزو واراده سنه تابع قیلمه سنیدن بشقه صورتله  
 استحصال اولونه ماز . او صورتده که بو باشقه سی آسایش مشترک  
 وبقای جمعیت ایچون هر نه ایسترسه هم کافه جمعیتک مجتمعا ،  
 هم جمعیتک فردا فردا اعضاسی طرفندن آرزو اولونمش تلقی  
 اولونسون . شو حالده ، او اراده واحده یه مالک اولان شخصی  
 ( ویا مجلس ) دولتک اعظم قوتی، اعظم نفوذ وامرینی حازدر .  
 بو سببله شخص ویا مجلس مذکورک اقتداری حدودسز اولور . [°]

۱۶۴ روسونک فکری . - کوریلپورکه ؛ بوده وولفدن او  
 قدر فرق ایتمیور . روسو بونلرک بونظریه سی شدتله رد ایتمشدر :  
 روسونک اساس نظریه سی ؛ حاکمیتک غیر قابل ترک و فراغ  
 اولسنه مستنددر . واقعا روسو یکی بر شیء سولیش اولمیوردی .  
 آندن اول دیگر بعض ذواتده بو نظریه یی وضع ایتمشدری .  
 فقط ده اول بو قاعده دن چیقاریلان نتایج ایله روسونک  
 استخراج ایتدیکی احکام بسبتون بر بردن فرقلی وحتى ضد

[°] ۱۷ نجی و ۱۸ نجی عصرده کی حقوق طبیعیه علماسی فصلنه

مراجعت اولونه صحیفه ۱۰۲ الخ



عصر لرده مقاوله اجتماعيه نظريه سنی قبول و تسليم ايدن مؤلف لرك قسم اعظمی - كه حقوق طبيعیه مذهبی سالكلری ایدیلر .. بو فكره ذاهب اولمشلردی . ايشته بو سایه ده بر حقیقت دیه تلقی ایتدكلری حاكیت ملیه بی اوزمانك شكل اداره مطلقه سیله توفیق ایتمشلر و بو صورتله محیطلرینك تأثیراتنه تابع اولمشلردر .

۱۶۳ حاكیت ملیه و حكمدارلق . — بالخاصه غر و چیوس حرب و صلح نام اثر نده بوترك و فراغ ایچونك چوق اسباب كو ستریور . وقوت ایله قضا و قدرده خیلی مهم بر حصه آریور ایدی . دها مؤخر اولان وولف ، قواعد حقوقیه دن آریلمه رق بروجه آتی محاكمه یوریدیوردی .

« حاكیت ملتك مالیدر و آكا عا ئددر . بناءً علیه آنی کیف مایشا تصرف و بشقه سنه ترك ایده بیلیر . » مع مافیه مؤلف وولف شرائط دور و فراغك قابل فسخ ویا غیر قابل فسخ اولسی ویا موقت ویا قید حیات ایله ، یا خود ارثی اوله رق وقوعه كلیسی ویا خودده بو حاكیتك قسماً ویا تماماً ترك اولونسی كبی شرائطك صاحب مشروع اولان ملتجه وضع اولنه بیله جكنی قبول ایدیوردی . آنجق بو خصوصده مؤلف دها ایلرویه كیده رك دیوركه : « ملت حاكیتی تماماً ترك ایده بیلیر و بو صورتله حكمداری او حاكیتك صاحب مستقلی و كندیسی او حاكیتدن تماماً محروم قیله بیلیر ایدی . » .. منفعت پولتیقه سنك مفراط مروجی اولان و روسوكی -

١٦٢ حاكيت مليه و جمهوريت — حاكيت مليه دستوري عموماً  
 مصدق بولنمسنه نظراً طبيعيدر كه « هيچ برهيت، هيچ بر شخص  
 صراحة ملتن صادر اوليان هيچ بر نفوذ و حكمتي اجرا ايدمه من » [حتوق  
 بشر بياننامه سنك اوچنجي ماده سي ] شو حالده بر حاكمدار حقيقتاً  
 او ملتن صادر اولان بر نفوذيمي اجرا ايلور ؟ سؤالي وارد  
 خاطر اولور و بو سبيله شكل حكومت مسئله سيله حاكيت مليه  
 آرسنده كي مناسبات و روابطك تدقيقي اقتضا ايدر .

حاكيت مليه نك جمهوريت عوام اصوليله قابل تاليف اولديني  
 قضيه سي قابل انكار دكلدر . حتى جمهوريت حاكيت مليه نك  
 نتيجه فعليه و ضيعيه سي عد اولونه بيلير . [ايسمن ] بو تقدير جهده  
 بالجملة قواي مليه هيت . مليه طرفندن دوغريدن دوغري يه و يا  
 بالواسطه و موقت بر زمان ايچون رئيس جمهوره توجه اولونديغندن  
 حاكيت مليه فعاليت دائمه و اراده متماديه سي محافظه ايدرك زمان  
 زمان فعلاً تظاهر ايدر .

آنچق حاكيت مليه نك حكومت مطلقه و ارثيه ايله منطقياً  
 غير قابل تاليف اولديني ده انكار قبول ايتز حقايقنددر . في الحقيقه  
 حاكيت مليه بوتون حاكيتك ملته ، اداره مطلقه ايسه بوتون  
 حاكيتك شخص حاكمدار ايدمه موجود بولونمسن مقتضيدر ، بوايسه  
 ايكي ضددر . بو ايكي ضدك يالكنز بر صورته تاليفي ممكندر كه  
 اوده حاكيتك صاحب اصلي و ضروري سي اولان اهالينك بو حاكيتي  
 حاكمدار اولادينه ترك و فراغ ايتميدر . اون يدنجي و اون سكرنجي

انسانسندہ کی موافقتی عصر لرحہ توالی ایدہ جك ساژ وار ثلرہ شامل اولماز . تمثیل و وکالت قضیہ سی موجود اولہ یلمک ایچون توکیل ایدن ملت ایله وکیل تعیین اولنان شخص و یا هیئت آره سندہ بر رابطه موجود بولونمق ، و وکیل موکنه حساب و یرمک مقتضیدر . بو ایسه وکیلک آنجق موقت بر زمان ایچون صفت وکالتی حائز بولونمسیله ممکندر .

بیعت و ولایت عهد اصولی ، بو محذوری مهمما امکن دفع ایدیور: غریبه حکمدارانک مقام حکمداری به تعیینلرنده بیعت اصولی جاری دکلدرد . یالکیز بعض حکمدار لر قانون اساسی به صادق قاله جقلرینه یمین ایتمکله اکتفا ایدیور . دیگر محللرده بو یمین مراسمده یوقدر . شرقده ایسنه ، اوتهدنبری بیعت اصولی وار ایدی؛ آنجق بو بیعت شرقده جاری اولان اصوله بیله موافق دکلدی . دیگر طرفدن حاکمیت ملیه نظریه سیله بیعت ضمننده مندرج اولان وکالتک تألیفنه چالیشمامش ایدی .

اخیراً سلطان محمد خامسک مقام حکومتده جلوسی اوزرینه حاکمیت ملیه بی تمثیل ایدن مبعوثانک طوعاً بیعتہ شتابان اولملری بالاده کی نقصانی تلافی ایتمکده در . [°]

حاکمیت ملیه بحثی ایله اشکال حکومتک تألیفی غرب ارباب قلمنجه نظریات و اختلافات مهمه بی دعوت ایتمش اولدیقندن بو بحثی براز ده تفصیل و تشریح ایتمک فائده دن خالی اولماز .

[°] مدخلده کی معلوماته و سیاست اسلامیه بحثنه مراجعت اولونه

نظريه به توفيق حركتدن زياده كندى مملكتنده سا كن اولميان بولغارلرده ضمناً تشميل حا كميتر .

مجدداً نصب اولنان حكمدارلرك همان كافهسى حا كميته مليه نك تمثالى اولان مجالس ايله عقد مقاوله ايتك صورتيله حكمدارلق مقامنه كچمشلرنر . فرضاً ۱۹۰۳ ده صربستان قرالى قره يور كيويچ - اوبره نوويچ خانداننك صورت فجيعه ده منقرض اولمى اوزرينه - اسقويچنا مجلسى طرفندن بوضورتله مقام حكمدارى به دعوت اولوندينى كبي ۱۹۰۵ ده نورويچ حكومتى اسوجدن انفكالك ايتمى اوزرينه او صورتله دانمارقه پرنسلىردن بريى ، يدنجي هاگون عنوانيله مقام قرالى به اقعاد ايلشدر .

حكمدارك ملتندن تلقى حقوق ايتامش اولدينى تقديرده ملت به بخش حقوق ايتمى ، يوقارنده بيان ايتديكمز وجهله نظريات حقوقيه جه نه قدر مشكلاتى داعى بر مسئله ايله حا كميته مليه نظريه سنى قبول ايتديكمز تقديرده بو حا كميته بر حكمداره ارثاً تفويضى مسئله سنى ايضاح ده همان همان او نسبتده مشكلدر . فرض ايدم كه نصب اولنان ايلك قرال - فرضاً هاگون ويا قره يور كيويچ - ملتك حقيقه و كالت صفتى حازر بولونسون . / فقط ملتك راي و مطالعه سى صورلمق سزىن تحت قرالى به كچن آنك وارثى حقتنده عين سوزى سويلك ممكّن اولورمى ؟ وكالت ، پشينا ولى عهدده ويرلمشدر دنيلسه بوده دوغرى اولماز . زيرا وكالت ، عقد شخصيدر ، معدومه تعلق ايتمز . بناء عليه ملتك ايلك رضاسى

اولدېغنه قائل و معتقد بولنسون . واقعا ، حکمدار لر مياننده آلمانيا ايمپراطوري ، مذهب و استقلال حرکاته و امر و نهيه فرط ميلي حسييله آلان بو ذهابي محافظه ايتمکده در . زمانزده اهالينک حاکميتي ابي و کوتي بر دستور عد اولونويور و آرتق بواساس ، بو حقيقت بيلنه رک آ کا کوره بيان مطالعه ايجاب ايدبيور .

١٦١ حاکميت مليه به نظراً حکومت مشروطه . — بو حقيقت قبول ايديلنجه حکمدارلق نظريه سيله — ولوکه بو حکمدار مشروط و مقيد اولسون — ناصل قابل تاليف اوله بيلير ؟ .

دنييلورکه ؛ ملت صلاحيتيني ايکي رکنه توجيه و تفويض ايدر : پارلمنتو و حکمدار . . حتی فرانسه نك ١٧٩١ قانون اساسيسنده ملتک و کيللري ، مجلس قوانين ايله قرال اولدق لري ، صراحة ذکر اولونمشدر . شو تقديرجه ، فرانسه قرالی دکل ، فرانسزلرک قرالی ديمک ايجاب ايدر .

ذاتاً ١٨٣٠ ده قرال لوتی فليپ فرانسزلرک قرالی عنواني احراز ايدرک مقام حکومته کچمش ایدی . کویاکه ملت ویا آنک و کيللري اولان مبعوثان بر مقاوله نامه عقد ايتمشلدر . قرال کرک قانون اساسيه و کرک بالاده کی عنوانه صادق قاله جغنی هر ايکي مجلس حضورنده يمين ايله تأکید ايتمشلدر . برنجی و اوچنجی ناپوليونده « فرانسزلرک ايمپراطوري » عنوانيله اجراي حکومت ايتمشلدر . بولغارستان قرالی ده کسب استقلال ايتدکن صوکره رسماً بولغارلر قرالی عنواني اخذ ايتمشدر که مقصد حقيقي سي بالاده کی

بالآخره ادعا ایدرک وکلای مسؤل طومغه چالیشمشدر .  
 قرال اون سکزنجی لوئی قانون اساسی یی بخش ایتدیکی  
 زمان ؛ الی الابد بخش اولمشدر قیدینی وضع ایتش ایدی .  
 حالبوکه بخش ایله ابدیت کلهسی یکدیگری نقض ایدر . بناءً علیه  
 بالاده کی نظریه یه کوره ؛ بر محاکمه یوروتک لازم کنجه ، اون  
 سکزنجی لوئی و اخلاقی ایستدکری وقت قانون اساسی یی کیری  
 آله بیلیرلر ایدی . نته کیم : اونجی شارل ، ۱۸۳۰ سنه سنده  
 بومطالعہ حقوقیه استناد ایدرک ، ۲۵ تموز تاریخلی امرنامه لری  
 اصدار فقط تموز اختلالی و بور بونلرک سقوطفی احضار  
 ایتمشدر .

احتمالکه سلطان عبدالحمیدده بومطالعہ یه بناءً قانون اساسی یی  
 کیری آلق ایسته مشدر . زیرا اونکده زعمنجه ؛ او قانون بر  
 لطف مخصوص پادشاهی ایدی . مع مافیه نظریات حقوقیه وادیسنده  
 هنوز بوبله بر مدافعه نامه یازان اولمامشدر . بوندن ماعدا ، سلطان  
 حمید هیچ بر زمان قانونی فسخ ایتدیکنی ؛ رسماً سویلک کبی  
 بر خلوص وجدان کوستره مامش وقانونی دولتک رسمی سالنامه سنه  
 درج ایتدیر مکده اصرار ایشدر . [\*]

زمانزده جدی هیچ بر مؤلف یوقدرکه ؛ حکمدارلرک من  
 قبل الرحمن ملتلی اداره یه مأمور مخلوقات خارقه انکیزدن عبارت

[\*] مدخلده کی قانون اساسی نظریاتنه مراجعت اولونه .

حکمدارک صلاحیت محدودیه مالک اولسی بروجه آنی بر مناقشه‌ی دعوت ایدیور :

١٦٠ حکومات محدودۀ مشروطه ده دستور نهدر؟ — حاکمیت

ملیه دن مستخرج اولان دولتک قوتی اولجه بالدفعات بیان ایدلمش اولدینی وجهه بردر ، لایحزادر ، انقسام وترک قبول ایتمز ،

مرور زمانه ساقط اولماز . شو حاله نظراً بر حکمدار فرض ایدلم که ، حقوقی ملتک توجیهندن تلقی ایتمش اولسون وکندی

حقوقی ماتک حقندن تاریخچه مقدم فرض ایدرک ، بوکا محضا وراثتی سببیه مالک اولمش دعواسنده بولونسون ، ویا اولجه جاری

اولان قاعده موجبجه بونی من قبل الرحمن حائز اولسون . او حالده بونک بو حقوقی ، ماتک آرزوسيله ، اراده سيله ، وجوده

کلیش مجالس طرفندن ناصل تحدید اولونه بیلیر ؟ بو صورتده ، حکمدار اولسه اولسه بعض حریتلری ، بعض حقوقی ، بعض

تأمیناتی بخش ایده بیلیر ، آنجق بو مساعدات صاعلام بر اساسه مستند اولماز . موقت برماهیتی ده حائز اوله بیلیور ، یعنی حکمدار

هبه سندن ، عادتا ایستدیکی وقت رجوع ایده بیلیر . نته کیم : ١٨١٤ ده اون سکزنجی لوئی قانون اساسی بی بخش ایتمش اولدینی ادعا

ایدیوردی . نته کیم ، چار ٢٠ تشرین اول ١٩٠٥ تاریخلی بیاننامه سنده دوما و مجلس ایمراطوری ایله برلکده قانون تنظیم

ونشر ایده جکنی اعلان ایتدی . ( فقط دوما بو حقک بخش اولانه میه جغنی وقانون اساسی تنظیمتک ملتک حتی بولندیغنی

بولنوبده؛ بوده اولجه كندی طرفندن وضع ايدلمش قوانین و یاقواعد  
 عمومیه ایله مقید فرض ایدرایسه اووقت بو حکومت مطلق اولور .  
 شمديکی حالده اوروپاده نه مستبد ، نه ده مطلق بر حکومت  
 قالمشدر . آسیاده حکومت مستقله دن چین ایله افغانستان ،  
 افریقاده فاس حکومتلی [۳] واردر . بونلردن افغانستان وفاس  
 برر حکومت اسلامیه اولدقلرندن و حکومت اسلامیه ، تقرر ایتمش  
 احکام شرعیه به تابع اولوندقلرندن حکومت مستبده و کیفیه میانه  
 ادخال اولنه مازلر . مع مافیه ، بو حقیقت یالکزر دائرة نظریاتده  
 قاله رق اوراده حکمدارلرک نه مقتضای عقلی ، نه مقتضای شرعی  
 طانیدقلری یوقدر و بوسبیله حکومتین مذکورترین قاعده حکومت  
 مستبده دن عد اولنماق لازم کلکله برابر فعلاً حکومت مستبده .  
 دندرلر .

اوروپاده حکومت مستبده و مطلقه ربقه سنندن اک صوک  
 قورتیلانلر ، روسیه ، قره طاغ ، ترکیا حکومتلریدر .

حکومات محدودده و مشروطه به کلنجه : بونلر الیوم هر مملکتده  
 تقرر ایتمشدر . بو نوع حکومتلرده حکمدارک یانی باشنده  
 علی الاکثر پارلمنتودنیلان مؤسسه موجود بولنورکه ؛ بونک هیچ  
 اولمازسه بر قسمی مبعوثان ملت طرفندن منتخب اولور .

[۳] فاس حکومتده ( ۱۹۱۱ ) سنه سی اوخرنده المانیا ایله عقد  
 ایدین بر معاهده نامه ودول سائره ایله حاصل اولان صورتسویه موجینجه  
 فرانسه نك بر معاهده مخصوصه ایله زیر حمایه سنه کیرمشدر .



۱۵۹ حکومت مستبده ، حکومت مطلقه . حکومت مشروطه . —  
حکومتك ید واحدده بولونمسی حکمدار اولان کیمسه نك دائما  
بلا قید ، بلا شرط ، بلا تفتیش بالجمله قوای اجتماعیه و ملیه  
استعمال ایتمی معناسنی تضمن ایتمز . بویله بر وظیفه نك عظمت  
و جسماتی ، حکمداری حقوق و وظائفدن بر قسمی دیگر لرینه  
ترك ایتمکه اجبار ایدر .

حکومت مستبده ، حکومت مطلقه دن شو جهتله فرقلیدر که :  
مستبد اولان حکمدار اولجه تعین و تقرر ایتمش هیچ بر قانون  
ایله باغلی اولمقسزین امر و نهی ایدر . حکومت مطلقه ده ایسه  
مونتسکیونك تعریفی وجهله حکمدار یالکیز باشنه و فقط قوانین  
ثابته و مقرره ایله اجرای حکومت ایدر . ( روح القوانین )  
مع مافیله کرک حکومت مستبده و کرک حکومت مطلقه اره سننده  
بر جهت جامعه واردر که اوده هر ایکسنده ده حکمدارک یانی باشنده  
پارلمنتو بولنماسیدر .

مع مافیله ، ظن ایتمالیدر که استبداد یالکیز حکومت مستبده ده  
شخص واحدک اجرای حکومت ایتسیله قائمدر . بر حکومت جمهوریه ده  
بیله اداره مستبده یه تصادف ممکندر . تاریخ بونك پك چوق مثالریخی  
ارائه ایدر . شو تقدیرجه ، دائره تعریفمزی توسیع ایدر که دیرزکه :  
نه وقت شخص واحدویا اشخاص متعدده دن مرکب اولان حکومت  
اولجه تقرر ایتمش قوانین ایله مقید اوله رق حرکت ایتز ایسه مستبددر .  
نه وقت بالجمله وظائفنی کندنده جمع ایتمش بر اورغان ، بر رکن

بلغارستان مونارشيدر . جمهوريت دكلدر . ( بلغارستان قرالى  
مقدما انتخاب ايله پرنس اولمش ابدى . اولادىنك صفت ارثيتى  
هنوز دول سائرجه مصدق دكلدر . )

مع مافيه ، موسيو ژولنيك تفريق ايچون قوردىنى اساس پك  
چوق خصوصاتجه بادي تردد اوله بيلور . زيرا بردولته ، اك  
يوكسك واك مهم ركنك هانكىسى اولديغى تعيين كوج و بلكه ده  
مستحيلدر .

فرضا ؛ مؤلف اك بويوك ركن دولتك انكلتره ده قرال  
اولديغى ادعا ايديور . بو سيبدين دولاي انكلتره ده مونارشى  
اضلاق ايدلك ايجاب ايدر . حالبوكه انكلتره ده اك مهم ركن  
دولتك عوام قماره سى اولديغى ادعا ايتك قرال اولديغى ادعا  
ايتك قدر و بلكه ده از ياده معقولدر . او حالده ، انكلتره ده جمهوريتى  
ديك اقتضا ايدجك ؟ فرانسه جمهوريت دكلدر ؛ زيرا اك مهم  
ركنى رئيس حكومتدر ادعاسى دخى دوغرى اوله ماز . زيرا  
پارلمنتو رئيس حكومتدن زياته نافذ و مؤتردر . موسيو ژولنيك  
قولنجه ، المانيا ايمپراطورلغلك اك مهم ركنى بوندرشرات دينلن  
حكومات مختلفه مرخصلرندن مركب مجلسدر . بناء عليه ، المانيا  
ايمپراطورلغلك نظرياتجه بر جمهوريت عد و اعتبار ايدلسى لازم  
كله چكى نتيجه غريبه سى مومى اليه طرفندن استخراج ايديليوركه  
بو طرز استدلال ايله آرتق زويه واريله چنى بر آز جاي تأمل  
وملاحظه اولور .

بونلرک وظائفی تعدد وتنوع ايدر . باخصوص پارلمنتوايله اداره اولان مملکتلرده اهمیتی ارتار . شو حالده حکومت اکثریا ریاستده وحدت کوستریر . فقط ریاست حکومتده بعضاً وحدت کورلمز . فرضاً فرانسهده دیره کتوار زماننده جمهوریت یالکز بر رئیس جمهوره دکل ، متعدد دیره کتوارلره ، مدیرلره مودوع ایدی . کذلک الیوم اسویچره مدیران طرفندن اداره ایدلمکده در .

اکثر حکومتلر مونارشی طرزنده در و حکمدارلق ارتا انتقال ایتمکده در . ریاست حکومت ارتا انتقال ایتمدیکی زمان شکل جمهوریت حاصل اولور . شو حالده نه وقت حکمدارلقده وراثت وارسه ، ( مونارشی ) ونه وقت یوقسه ( جمهوریت ) موجود در . بعض مؤلفلر وازجه آلمان مؤلفلرندن ( ژولنیق ) حکومت واحد ( مونارشی ) ایله جمهوریتک آرهسنی تفریق ایچون وراثت واتخاب قاعده لرینی بر طرف ایدره ک دیگر بر اساس دها قوریبور . ژولنیق افاده سنجه دولتک اهمیت واک یوکسک رکنی ، اشخاص متعدده دن مرکب ایسه جمهوریت ، شخص واحد دن عبارت ایسه ، مونارشی وارد در .

دولتک اعظم رکنی مؤلف مومی الیهک افاده سنجه ، دولته خاصه فعل وحرکتی اعطا ایدن ، عطالت و فقدانی دولتک عادتاً موتی انتاج ایدن رکندر . شو حسابجه ، فرضاً مقدما حکمدارلری انتخاب ایله تعیین ایدیلن لهستان ، مقدس روما ایمپراطورلنی وحتی اخیراً ۱۸۷۸ معاهده نامه سی موجبنجه

ویا عوام النده بولونان بر حکومتک کندی صنفه منسوب اولیان  
 کیمسه لردن استعانه ایتامسی مستبعد بر خالدر . خواص ویا عوام  
 مطلقا قوتندن بر قسمنی فرضا بر حکمداره ویا بر طبقه خلقه تودیع  
 ایلر . بر حکمدار مشاور لرینک ، افکار عمومیه نیک ، خواصک  
 نصیحتلرینی ، صداسنی دیکلمکه مجبوردر . کذلک اقوام نه قدر  
 طرز عوامه تابع اولور لرسه اولسونلر بر هیئت مدیرانه انقیاد  
 احتیاجنده درلر . بو حقایق تاریخاً مثبت و عقلاً غیر منکر درر .

بونسکه برابر بو اوج طرز حکومتک تعارض و تشاکلی بو  
 حکومتلردن هر برینک آیری و مستقل بر ماهیتی حائز بولنسنه  
 مانع دکلدر . هر برنده بر اساس واردر که اوکا ملحق اولان  
 مشارکتلر فرعدر .

حکومت واحده ، دیکر لرینک مشارکتی میدنده بر قوت  
 و حکومت تمرکز ایتمش اولان ذاتک مساعده و وکالت مخصوصه سی  
 ثمره سیدر . کذلک دیکر طرز حکومتلرده حکومت و قوت صاحب لری  
 عینی جریانه تابع درلر . فرضاً حکومت خواصده منبع قوت خواص  
 وزادگان ، حکومت عوامده منبع قوت عموم اهالی فرض ایدیلور .

۱۵۸ حکمدارلق و جمهوریت . — شمعی شکل حکومتی مونارشی

ویاره بو بایق اولمق نقطه نظرندن تدقیق ایدلم :

حکومت سیاسییه ، همان اکثریا ، شوشکلده تظاهر ایدیور :  
 بر شخص حکومته عائد کافه حقوق و وظائفک شاملیدر . آنک  
 معاون لری ، معیتی ارکانی وارکه ، اکثریا ناظر تسمیه اولنورلر .

منبعی خالق تعالادر . آنجق بوطرز اشكال نلته نك هر برنده یعنی حكومت واحد ، حكومت خواص و حكومت عوامده دخی قابل تطبیقدر .

سلطنت ید واحدهه مجتمع اولدینی حالده حکمدار بوتون قوتی جناب حقندن اخذ و تفوض ایتمش عد اولونه بیلیرکه بوکا Droit divin دینلدیکنی یوقاریده سویلدك .

بعض حكومت خواص واردرکه اوراده زادكان ینه دین نامنه حرکت ایدرلر . بعض عوام حكومتلری واردرکه اولرده دینك وضع ایتدیکی قواعددن انحراف ایتزلر . شو حالده بو تقسیم ، بر تقسیم رابع اولمق اوزره بالاده کی تقسیمه ادخال اولونمقدن ایسه ( حكومت جسمانیه ) مقابلی اولمق اوزره قبول ایدلك دها موافقدر .

۱۵۷ اشكال مختلفه اراسنده مناسبت . — ارسطونك تقسیمی عجیبا بر تقسیم مطلقمیدر ؟ آنك تعریف ایتدیکی اوچ شكل حكومتدن هیچ برینك صاف و غیر محتاط صورتده وجودینی شمدی یه قدر كورهن اولنامشدر . انسانلر طرفندن وجوده كتیریلان هیچ بر حكومت یوقدرکه بالاده کی اساسلری بر بریله فقط بالطبع درجات متفاوتده قارشدیرمش اولسون . فی الحقیقه بر شخصك یالكیز باشنه حتی الك ابتدائی بر دولتی اداره ایتمش اولمی محال ویا هیچ اولمازسه نادراً واقعدر . ایستر ایسته من بوشخص یدنده کی قوته باشقه لرینی تشریک ایدر . كذلك خواص

## اشکال حکومت

۱۵۶ ارسطونک تقیسی . — بالجمله قوای اجتماعیه نك زرده و کیمده مجتمع اولدینی نظر دفته آلمیه رق بو قوای اعتماعیه نك یالکنز طرز تطبیق و اجرایی دریش اولونورسه اوچ شکل حکومت کوزه چاربار : ( ۱ ) مونارشی ، یعنی حکومت واحد ؛ ( ۲ ) آریستو قراسی ، یعنی حکومت خواص وزادگان ؛ ( ۳ ) ده موقراسی ؛ یعنی حکومت عوام .

قوت و قدرت حکومت شخص واحد ویا اشخاص متعدده ویا بالعموم اشخاص النده بولونمسنه نظراً پك طبیعی اولان بو تقسیم اریسطوت طرفندن وضع اولونمشدر .

دیگر بر تقسیمه کوره حکومت ، یامونارشی ویا (ره بوبلیق) یعنی جمهوریت اولور . حکومت واحده اوچ درلو اوله بیلیر : ( ۱ ) حکومت مستبده ، ( ۲ ) حکومت مطلقه ، ( ۳ ) حکومت محدودده یا مشروطه . . . حکومت مشروطهده یا مشروطیت مقیده ایله ویا مشروطیت مطلقه و تامه ایله اولورکه برنجیسنه ساده جه ( Monarchie Constitutionnel ) دینلدیکی حالده ایکنجیسنه ، Parlementaire اطلاق اولور .

بالاده کی ارسطونک تقسیمات نائهنه دردنجی بر تقسیم علاوه اولونمشدرکه اوکاده Théocratie یعنی حکومت دینه ویا شرعیه دیه بیلرز . بو دردنجی طرز حکومتده بوتون قوای اجتماعیه نك

ملته استشاره ايسه ملتک بر قسمله، ملتک معدود و محدود دوائر  
 انتخابيه سيله اولماز. بوتون هيئت مليه ايله بردن واقع اولورکه  
 تجديد تامده ذاتاً بوني تضمن ايدر. تجديد ناقصله هيچ بر زمان  
 هيچ بر مسئله و هيچ بر سياست حقنده عموم ملتک آرزوسي نهدن  
 عبارت اولديني کسديريله من .

پارلمنتونک سياست عموميه يي تعيين ايتمين ، قاينه لری اسقاط  
 ايدمه ين قسمی، یعنی اعيان مجلسلری - کد استقرار و محافظه کارلنی  
 ارأه و تمثيل ايتمکه اولدق لری بو صورته ده ثابت اوله جقدر -  
 اچون تجديد ناقص اصولنده محسنات متصور اولابيلير ايسه ده  
 مجلس مبعوثان اچون تجديد ناقصک منافعی محاذيرينه، فعلی و نظری  
 محاذيرينه هر حالده غالب کير . بونکله برابر محقق برشی واردرکه  
 اوده تجديد ناقص اصولنه تابع اولان مجلسلرک حيثيت و اعتباری  
 تجديد تام اصولنه تابع اولان مجلسلردن دوندر. از جمله موسيو  
 دوکوی دييورکه :

« مجلس اعيانک ، ۱۸۷۵ دن بری بر وجه بالا انتخاب ايدلمسی  
 بو مجلسک کسر نفوذندن و بوکامقابل مبعوثانک تزيدقوتندن بشقه  
 هيچ بر شيئي منتيج اولدی . . . »  
 برنجی ناپوليون طرفندن طاغيدلمش اولان بش يوزلر مجلسک  
 ثلث اعضاسی سنه ده بر کره تجديد اولونيوردی . فقط مملکتده ده  
 هيچ بر حسن صيتی قالمامشدی .

باچيقا مجلس مبعوثانی ايکی سنه ده بر مناصفه تجديد اولونور.

تجدید ناقص اصولی لهنده شایان دقت دیگر بر مهم دلیلده  
 بوجه آتی ذکر اولونقی ایجاب ایدر : قوانین و اصلاحات  
 تدریجاً واقع اولتی و بر عملی شدید بر عکس العمل تعقیب ایتمک  
 لازمدر . ایمدی تجدید تام اصولنده یکی بر مجلسک اسکی مجلسک  
 تماماً عکسی بر فکر و مشرب ، عکسی پر پروغرامله کلیسی دائماً  
 ملحوظ ، حتی بعضاً واقعدر . شو حالده مسلک جدید ایله کلن  
 مجلسک مجلس سابق مقررات اصلاحیه سنی - که قوانین شکننده  
 تکالیف ایدر - تماماً بوزمسی و بوسورتله جمعیتی صدماته  
 اوغرامسی ممکندر . بوايسه دساتیر عمومیة ترقی و تکاملجه  
 مردوددر .

بو دلیل بک قوی و مقنع کورونمکله برابر مجلسلرک وظیفه سی  
 یالکنز اصلاحاتدن ، یعنی قانون وضع ایتمکدن ، عبارت فرض  
 اولوندیغنه کوره تأمل ایدلمشدر . حال بوکه مجلسلرک برده مهم  
 بر وظیفه مراقبه سی ، تعبیر دیگرله بر صلاحیت سیاسیه سی واردر .  
 مجلسلر دولتک ناظم حرکات سیاسیه سیدر . استقامت سیاسیه  
 آنلرک تلقین و الهامیله تعین ایدر . زیرا حاکمیت ملیه نك  
 مثلیدرلر . بوايسه قابینه لری اسقاط ایده بیلملریله ثابت اولویور .  
 ایمدی حاکمیت ملیه نك نه مرکزده اولدیغنی ، ملتک حقیقی  
 آرزوسی نهدن عبارت بولوندیغنی تعیین واکا کوره بر خط  
 حرکت سیاسی تعقیب ایتمک ایچون ملت مجلسنه آره صره  
 ملتله انسشاره ایتمک ، یعنی انتخاباته مراجعت ایتمک ضروریدر .



ملت مجلسی اگر حقیقہً عینی ملت فرض اولونسه بالادہ کی طرز استدلال غیر قابل رد و ابطال اولور ایدی؛ انجق ملت مجلسہ بو صفت تمثیلیہ بی تصور من ایله بخش اتمکده یزہ فعلیاتہ ہیچ بر زمان وکیل ایله موکل شخص واحد اولہ ماز . وکیل شخص آخر اولدقہ موکلہ حساب ویرمکلہ مکلفدر و بودہ تجدید تام ایله ممکندر .

تجدید ناقصک برده فائدہ فعلیہ سی ادعا اولونیور . فی الحقیقہ مجلسلر کاملاً تبدیل اولونجہ مجالس جدیدہ اعضاسی نہ قدر علم و فضل ایله ممتاز اولور لرسہ اولسونلر ہر حالہ ابتداری برقاچ آی مجلسک معاملات داخلہ سندنہ ، طرز مذاکراتندہ عجمیلک چکرلر . بو عجمیلک برقاچ آی ایشلرک تأخرینی و بناءً علیہ منافع ملیہ نک ضیاعنی انتاج ایدر . تجدید ناقص اصولندہ ایسہ یکی کلنلر دائماً یانی باشلرندہ تجربہ کورمش ، مجلسک دقایق و غوامض معاملاتنہ وقوف پیدا ایش ذوات کورہ جکلرندن تجربہ سزلکلری محسوس اولمدن معاملاتنہ آلیشیر واسکیلردن تعلم و تمشق ایدرلر . واقعا یکی مجلس کاملاً ویا عمومہ یقین بر حالہ مجدداً منتخب ذواتدن اولسہ بو اعتراض پک معقول اولور ایدی . انجق بوتون ممالکدہ کوریلن نتائج انتخابیہ اسکی مجلسلردہ بولونان اعضانک - تجدید تام اصولندہ دخی - یکی مجلسلرہ تکرار کوندرملکدہ اولدیغنی کوسترییور و بوضورتلہ عجمیلک محذوری فعلاً برطرف ایدلش اولویور .

فرضا ، فرانسه‌ده مبعوثان درت سنه ایچون انتخاب ایدلدکری  
 حالده ، اعیان طقوز سنه ایچون انتخاب اولونمقدمه درلر . بوندن  
 ماعدا ؛ اعیانک ثلثی هر اوچ سنه‌ده برتجدد ایتمکده در . بواصول  
 بک چوق کیمسه لرحه مستحسن کورولدیکی حالده بعض مؤلف لرحه  
 بر وجه بالا اسباب ونظریاتدن طولایی مردود عد اولونمقدمه در .

۱۵۵ تجدید ناقصک لهنده کی دلائلک مناقشه سی . — تجدید تام  
 اصولنک صرف علم ونظریات دائره سننده دوشونیلدیکی تقدیرده  
 رجحاننه شبهه اولماقنه برابر تجدید ناقص اصولنکده قوتلی  
 دلیللری وشدتلی مروجلری اولدینی قابل انکار دکدر .

فی الحقیقه تجدید ناقصی بر نظریه علمیه ارجاع نمکندر .  
 ملت ناصل ابدی ونا قابل انقطاع بر حیاته مالک ایسه اونک  
 آینه سی ومثلی اولان پارلمنتوده بویله اولمیدر . ملتک افرادی  
 اولور ، طوغار ، تمادیا تحولاته اوغرار فقط وجود ملتده  
 حاصل اولان بودائی تغییرات هویت ملیه یی تغییر وحیاتی دوچار  
 انقطاع ایلز . مجلسده عینیه بویله اولمیدر . مجلسک اجزا  
 واقسامی تمادیا تحولاته اوغرایه بیللملی ، یعنی ربعی ، ثلثی ، نصفی  
 دیکشه جک صورتده ترتیباته تابع اولملی درکه بو صورتله هویتی  
 تمادی ایتسون . معین مدتدرده اعضاسی کاملاً دکیشن مجلسلرده  
 ایسه بو حال متصور اوله‌ماز . معین برزمان ایچون یاشایان او  
 مجلسلرک هر بری بر هویت معینه یی ، بر ترجمه حاله ، بر حیات  
 محدودیه مالکدر . بو ایسه ابدیت ملت فکریله غیرقابل توفیقدر .

مجلس اعيان دخی مجلس مبعوثان ايله برلكده تجديد ايدلیدر .  
 واقعا اعيان مجلسلری اليوم ممالکک قسم اعظمنده مبعوثان مجلسلریله  
 برلكده تجديد اولونميور . بعضیلری تجديد دینلن شئیته بيله  
 معروض دکدلرلر . آنجق بونوع اعيان مجلسلرینک محصول نظریات  
 دکل ، محصول تاریخ وشئون اولدیغنی دیگر بعض مطالعات ايله برلكده  
 اولجه سويله مش اولدیغمز دن بوراده تکرارینه محل کوره میز .  
 ایکی مجلسک تماماً وعینی زمانده تجدیدنی مقتضی اسبا بدن  
 بری ده ، بو ایکی مجلسک عهده سنه توجه ایدن مسئولیت سیاسییه در .  
 اولجه ، برنبده بحث ایتدی کمز و آتیا مفصلاً بیان ایده جکمز  
 وجهله ملت وکیللری هر درلو مسئولیتدن آزاده دکل درلر .  
 منتخبلرینک قارشوسنده هیچ اولمازسه دوره اجتماعیه نك ختامنده  
 بر امتحانه معروضدرلر .

بوصورتله ملت مجلسی بر جسم واحد کی مسئولیت معنویه  
 معروض بولنمقده در . بوتون پارلمنتو ، بوتون ملته تعقیب ایتدیکی  
 سیاستی کوستر ملیدرکه امتحان تمام اوله بیلسون . . . اگر قسماً  
 انتخابات ايله بو طریق امتحانه کیدیلورسه مسئولیت انقسامه اوغرار ،  
 مقصد قطعاً حاصل اولماز .

اعضایی ، طرف حکومتدن قید حیات ايله منصوب وارناً  
 منتقل اعیان مجلسلرندن صرف نظر ایدر ایسه ک انتخابات ايله تعیین  
 اولنان اعیان مجلسلرینک بيله مبعوثان ايله برلكده وکاملاً تجديد  
 اولنمققلری کوریلایور .

رأینده در که مجلس اعیانی ایشته بوضورتله تشکیک ایتمک ارزوسنده در .  
 حیات اقتصادی واجتماعیه سی ، جریان افکار علمیه سی بک زیاده  
 مترقی اولان مملکتلرده بو مباحثک دهازیاده دقتله تعقیب ایدلمسی  
 ضروریدر . مملکتتمزک ترقیاتی ایسه بومباحثک شمیدیلک نظریات  
 دائرسنده قلمسنی بالضروره استلزام ایتمکده در .

### تجدید تام - تجدید ناقص

#### Renouvellement intégral partiel

۱۵۴ تجدید تامک اسباب رجحانی . -- پارلمنتور معین وثابت  
 زمانلرده تمامآمی ، یوقسه قسمآمی تجدید ایدلمک لازم کلیر؟ بجئی  
 بالاده کی سر نامه نك اتخا ذینه سبب اولمشدر .  
 نظریاتجه دوشونمک بر نتیجه منطقیه ویرمک لازم کلیرسه  
 بلا تردد تسلیم اولنورکه پارلمنتو ، -- ایکی مجلسدن ترکب ایتسه  
 دخی -- تماماً وحتی ایکی مجلس برلکده وعینی زمانده تجدید  
 واتخابات عمومیه به مبادرت ایجاب ایدر .  
 فی الحقیقه . پارلمنتو ملتک وکیلیدر وآنک اراده سنی اظهاره  
 مأمورددر ؛ اراده ایسه تجزی قبول ایتمز و آنی تشکیک ایدن  
 عناصرک کافه سی بردن تظاهر ایتدکجه صادر اولمش صاییماز . اگر  
 پارلمنتور ایچون تجدید ناقص اصولی قبول ایدیلورسه اوتقدیرده  
 یالکز اعضاسی مجدداً انتخاب ایدیلان دوائر انتخابیه اهالیسنک  
 اراده سی اظهار ایدلمش اولور . بوايه یوقاریدن بری طوتدیغمز  
 طریقه مخالفدر .

«ا كراك موافق طرزده برشى تأسيس ايديلك ايستيليورسه  
فكرمه كوره ، مجلس قوانين ( مجلس ملي ) مترقى بر جمعيتك  
حيات و حرڪاتى تشكيل ايدين اوچ مهم مشغليه ، اوچ  
مهم صنعته وقف وجود ايتش ذوات مقدارينه همان همان معادل  
كيمسه لردن مركب اولمايدر . بو اوچ صنعتدن مقصدم صنعت  
صحرائى ( زراعت ) ، صنعت بلدى ( صنايع ) و مركزى هريرده  
بولونوب غايهسى ترقى فكر بشر اولان صنعتدن ( تجارت )  
عبارتدر ... بركون كله جك كه ، بو مسائلك مسائل مهمه دن اولدينى  
ا كلاشيله جقدر . »

مؤخرآ ، تكرار ۱۸۱۵ سنهسى قانوننامه سننده — Acte  
additionnelle — صنايع و تجارتك بر وكالت مخصوصهسى  
بولنه جنى تصريح ايديلمش ، فقط اوندن سو كرا فرانسه ده مسئله  
قوانينه ادخال اولنه مامشدر .

انتخابات سلكيه ويا اقتصاديه نك ماهيت اعتباريله اهميتنى  
تصديقهه بالجمه مؤلفين متحددر . يالكز بعضيلرى بو كى انتخابات  
محصولى اولان مجلسلرك بر حق استشاريسى بولمقلا اكتفا  
ايدلمنى ايستورلر ( ايسمن ) .

باشقهرلى ايسه مجلسك حقيقى بروكالت مليه صفتى ا كتساب  
ايمنى تنى ايدييورلر . برده موسيو كوى ، مجلس مبعوثان ملتك  
اشخاص اعتباريله وكالتنى حاز اولدينى حالده مجلس اعيانك هيئات  
اقتصاديه وعلميه واجتماعيه صفتيله ملتك وكالتى صفتى حاز بولونمى

۱۵۳ عض مثالر -- اساسدہ کی حقیقت اگلاشہلدتدن  
 صوگرا، بو حقیقتک اشکال وصور تطبیقیہ سنی تعیین ارتق واضع  
 قانونہ عائد بر مسئلہ در .

الیوم ، اسپانیادہ بو اصول قسماً جاریدر ( ۱۸۹۰ ) قانونی  
 موجبہجہ دارالقنون ادبیلر ، جمعیات اقتصادیہ، تجارت و صنایع  
 وزراعت اوطہلری ، آری برر دائرۂ انتخابیہ تشکیل ایدوب  
 مبعوث انتخابنہ صلاحیتداردرلر . بونلرک سائر مبعوثلر کی بتون  
 ملتک وکالتی حازر بولوندرقاری ۲۱ نجی مادہدہ مصر حدر .

انقلاب کبیرک بدایتندہ ، بولہ فیکرلرک شدتلہ علیہندہ  
 بولنیلیور ، جمعیتک استبداندن کوزلر او قدر ییلمش ایدی کہ  
 ہرہانکی بر انسان کومہسنگ بر حقوق مخصوصیہ مالک اولسی  
 آغر کوریلیر ایدی .

اصناف ہیٹلرینک ، ژوراند ، مترزلرک سوء استعمالاتی  
 بو درلو جریان افکارک ظہورینی معذور کوسہتریوردی . بو  
 سبیلہ جمعیتلرک تشکیلنہ مساع ویرلمدیکی کی ، اقتصادی جمعیتلرہدہ  
 بوش بر میدان براقلمامش وبالطبع منافع اقتصادیہ نکدہ پارلمنتو  
 لردہ تمثیلی ممکن اولہمامشدر .

مع مافیہ ، دہا او وقت سی یہ س منافع اقتصادیہ جریانلرینک  
 حیات مملکتدہ کی اہمیتی تقدیر ایدہرک قونوانسیون مجلسندہ بو  
 مسلکینی علی طریق الاجمال شو صورتلہ آکلاتیوردی :

بناءً عليه برملتك عناصر تركيبیه سی یعنی اشخاص و هیئاتی كافة مجلس ملی به ادخال ایدلزسه اراده ملیه نك تمثیلی ممكن اولماز . شو حالده انتخابات سلكیه حاكیت ملیه دستوریه غیر قابل توفیق اولمق شویله طورسون ، بالعكس ، او حاكیتك نتیجه ضروریه ومنطقیه سیدر . بر پارلمنتو عنصر شخصی و عنصر اجتماعیدن مرکب اولان برملتك عناصر تركيبیه سنی افاده ایتدیجه بر مملکتك وکیل و تمثالی اوله ماز . موسیو ایسمه ن انتخابات دائره لری ملتك عینی عناصر ندن مرکب اولمق لازم کلیر دیدیکی وقت حقلیدر . فقط ملت ایکی درلو عنصر دن ، اشخاص و جمعیات اشخاص دن مرکبدر . بناءً علیه ایکی درلو دائره انتخابیه بولونمق ایجاب ایدر : اشخاص دن و هیئت لردن مرکب دواثر انتخابیه مدافعه منافعدن تولد ایتسی ملحوظ اولان مهالکه کلهجه بوده صرف اشخاصك وکالتی امرنده جازی اولان اصول حاضر دن فضله اوله ماز .

ذاتاً ، انتخابات سلكیه كوچك هیئتلك منافعی مدافعه ایده جك دکلدر . بالعكس مملکتده الك قوتلی صنایعی ، تجاری جریانلرك و بونلرك تمثالی اولان هیئتلك منافعی كوزه ده جكدر که بوجریانلرك حیات ملیه ده الك برنجی عوامل مؤثر دن اولدینی قابل انكار دکلدر . «

فقط انتخابات سلكیه نك طرزی نصل تعیین ایدیله جك ؟  
قواعدی نصل تنظیم اوله جق ؟ یعنی اساس قبول ایدلدکن  
صوکر طرز تطبیق نه یولده واقع اوله جق ؟

موسیو اسمهن ایسه انتخابات سلکيه اصولنک حاکمیت ملیه قاعده سیله غیر قابل توفیق اولدیغی بیان ایله دییورکه :

« مختلف دوائر انتخابیه بوتون منتخبلر دائره سنک اقسامندن بشقه برشی اوله ماز . اقسام واجزا ایسه اصل وکلک اوصافی حائز بولنق لازمدر ، حکومت نیابیه نك ، حر حکومتك موضوع لهی شو و فرضیه مستددر : افرادك و آنلرك و کیلی اولانلرك ویردیکی رأی وقرار منافع عمومی میدانه چیقارمق و بو منافع عمومی قوانینه ادخال ایتکدر . فقط بونک ایچون کرك منتخبلر ، کرك مبعوثلر کندی خصوصی منفعتلرینی ممکن اولدیغی قدر برطرف ایتلی منطق و عدالت داخلنده حرکت ایتلیدر لر . بو نتیجه یی تأمین مقصدیه اون سکرنجی عصر ارباب تفکری و از جمله (روسو) و (سی یه س) هر درلو اصناف هیئتلرینی ، جمعیتلری منعه چالیشمشلردر . . .

اگر بواصول قبول ایدیلورسه ذاتاً عقل وحقانیته پك کوجلکله انقیاد ایدن منافع ویا قوای مختلفه آره سنده کی جدال و تصادم یسبتون تشویق ایدلمش اولور . »

موسیو دوکوی ، بواصولک حاکمیت ملیه غیر موافق اولدیغنه دائر وارد اولان ، اعتراضی شوصورتله رد ایدیور .

« . . . حاکمیت ملیه اساساً نه در ؟ . بر ملتک ، ملت حالنده یشامق آرزوسی ، ملتک یا جمله عناصر ترکیبه سنک بقا وادامه سنی تأمین ایتک عزم و مرامی دکلیدر ؟ ایمدی بو عناصر یالکیز اشخاصدن عبارت دکلدر . هیئتلردن ، جماعتلردن ده عبارتدر .



## انتخابات سلکیه

۱۵۲ انتخابات سلکیه وحا کیت ملیه . -- Representation  
 -- professionnelle -- کله لرینه مقابل اولمق اوزره ترجمه ایتدیکنز  
 انتخابات سلکیه (مسئله ووافق انتخابات) بک ده مقصدی افاده ایده مزسه ده  
 دها ای بر تعییر بولنجیه قدر بونی قبول واختیار ایدم .  
 انتخابات سلکیه ، انتخابات نسبیه نك متممی ، مکملیدر . بو  
 اصولک اک شدتی مروجی فرانسه مؤلفلرندن موسیو دوکویدر .  
 سیاسیوندن راهب ( لومیر ) ده بو فکرده در . مؤلف موسیو  
 اسمن ایسه بوکا معارضدر . طرفینک ادعاومدافعاتی دیکله یئم :  
 دوکوی دییورکه : « برملتی یالکز اشخاص و سیاسی فرقلر  
 تشکیل ایتمز . دیگر بعض عناصر واردرکه مبنای جمعیتک تشکلات  
 مقاومه سنی وجوده کتیررلر . بولرده . مشارکت منافع و مشاغل  
 اوزرینه تأسس ایتمز هیئتلر ، عینی برصنفه منسوب مسلکداشملر  
 واهل حرف و صنعتدر . اگر هر درلو وکالت و تمثیل ماینک  
 واصل اولماسی لازم کلان غاییه یا قلاشقی ایستر ایسه ک ، اگر  
 پارلمتویی حیات ملیه نك کافه عناصرینک تمالی حالنه وضع ایده جک  
 ایسه ک مختلف فرقلرک قوه ارقامی ایله متناسب اوله رق اشخاص  
 طرفندن ( انتخابات نسبیه اصولنجه ) انتخاب ایدیلان مجلسک  
 یانی باشنه برده هیئات سلکیه طرفندن منتخب بر مجلس وضع واحداث  
 ایتمه مز اقتضا ایدر . »

قایوقابینه سی عینی فکری تعقیب ایتدیلهر . بونکله برابر پک چوق منافع انتخابیه یی اخلال، پک چوق مکتسب موقعلری اضرار، الحاصل داخل ده بر چوق اتریقه لر تولید ایدن بو مسئله یی صورت قطعیه ده حله جسارت ایده میورلر ایدی نهایت پووانقاره قابینه سی فورطنه یه کوکس کره رک قانونی مجلس مبعوثاندن چیقارمغه موفق اولدی .

مجلس مبعوثانجه قبول ایدیلن بوقانونک اعیاندن مشکلاتله کچه جکی ظن وتخمین اولونیور . قانونک اک بویوک خصی سنه لرجه باش وکالنده بولونمش اولان موسیو قله مانسودرکه بویابده صرف مساعی امرنده مهم بر جمعیت وجوده کتیرمشدر انجق انتخابات نسییه طرفدارلری ده تهدیدلره ، تشویشلره اهمیت ویرمیه رک بالمقابله مهم جمعیتلره ارشادات ونشریاتده بولوندقلرندن اک بویوک آدیعی آیلیمش اولان بو اصلاح جدیدک نهایت هدفنه واصل اوله جتی اغلب احتمالدر .

قانون جدید انتخابات نسییه ایله برابر انتخاب متعدد اصولی قبول ایدیور (ماده ۱) هرده پارتیمان بردائرة انتخابیه دره (۷۰) بیک نفوسه بر مبعوث اصابت ایده جکدر . هیچ برفرقه دائره انتخابیه یه اصابت ایدن مبعوثلردن زیاده نامزد ارائه ایده منر . منفرد اولان هر نامزد کندی باشنه برفرقه عد اولونیور .

قانون جدید مقاربت اصولی قبول وبونک مه قانیزمه سنی تعیین ایدیور بوندن ماعدا بیاننامه اعطاسی ، رأی پوصله لرینک تصنیف ، آرانک تعداد وتسجیلی حننده ده احکام وقیودی محتوی اولوب خارج قسمت اصولی اساس طولمشدر . بقیه اصولی ده قبول ایدلمش و ۱۹ نجی ماده سی موجبنجه بر دائره انتخابیه ده نصفدن زیاده رأی قازانان ، یعنی اکثریت مطلقه یی احرار ایدن فرقه ویا حزبه بر مبعوثلق ویریلور . ینه منحل قالان اعضا لق قالیبرسه وسطی اصولیله عائد اولدیقی فرقه یه تفویض اولونیور . بوقانون اعیاندن قبول ایدلیکی تقدیرده (۱۹۱۴) ده اجرا ایدیله جک انتخابات عمومی ده موقع تطبیقه وضع ایدیله جکدر .

[بومعلومات ۱۲ تموز ۱۹۱۲ تاریخلی ده باغزته سندن اقتباس ایدلمشدر]

فرقه‌لر يكدىكريله اتفاق ايتدكلرى تقديرده بقيه كسوراتك هانكى فرقيه عائد اوله جغنى تعيين اچونده بالادهكى عمليه لده براز تمديلات اجرا ايدرك مقصد تايمين ايديلور . فرقه لرك بو صورتله موجوديتلىرى محافظه ايله برابر اتحاد ايتلرينه آپاراتاژ (Apparentage) اصولى ديرلر كه يكدىكرينه قريب اولان فرقه لرك بقيه وكسورات بچنده باشقه فرقه لرى مستفيد قيلماق خصوصنده يكدىكريله اتفاق و تقارنلر يدركه بوكا مقاربت ديه بيليرز . [\*]

١٥١ فرانسه مجلس مبعوثانك قبول ايتديكى صوك قانون — انتخابات نسييه اصولى فرانسه نى سنه لردن برى اشغال ايدن مسائل حياتيه دندر . مشهور غامبتا زمانندن برى انتخابات نسييه لهنده برجرىان فعلى حاصل اولمش ، حتى مشار ايله اكثر يتله انتخابات اصولنك محصله سى اولان مجلس مبعوثانى قيريق بر آينه يه يکزه تمش ايدى . مملكتده حاصل اولان بو جريان مجلس مبعوثانده دخى قوتلى صورتده ارتسام ايتمش و ١٩٠٦ دن برى انتخابات نسييه مجلسك روزنامه مذاكراتنه كيره رك مقدراتنك حلونه منتظر قالمش ايدى ١٩٠٩ تشرين ثاينسنده برىان قاينه سى راس كرده ايكن مجلس برشوق وفوران آتنده ١٤٠ رايه قارشو ٢٧٩ راي ايله انتخاب متعدد و ٢٣٥ رايه قارشو ٢٩٩ راي ايله هم انتخاب متعدد وهم انتخاب نسييه اصولنه قرار و يرمش ايسه ده باش و كيك بعض ايجابات سياسيه يه تبعاً اصرارى اوزرينه مسئله نك مذاكره سى قريب الوقوع اولان انتخابات جديده دن صوكره يه ، يعنى بومسئله حقنده ملتله استشاره عموميه اجراسنه تعليق اولونمش ايدى . فى الحقيقه ١٩١٠ سنه سى انتخاباتنك نتيجه سى انتخابات نسييه اصولى مروجلرى اچون مشعشع برموقيت اولدى برىان قاينه سى وعدينى ايفا ايدرك انتخابات نسييه يه متعلق برقانون تكليف ايتدى . ايكنجى برىان قاينه سى ، مونس قاينه سى ،

[\*] بو مختلف مثاللر ١٩١١ ده نشر اولونان فرانسه مجلس مبعوثانى

آزاي عموميه انجمنك مضبطه سندن اقتباس اولونمشدر ،

انتخابات نسبيه ٤٤٣

اىكنجى فرقه	خارج قسملرك نومرو ضره سيلاه تصديق
٩٤٧	٢١
٧١٠	٢٩
٥٦٨	٣٧
٤٧٣	
٤٠٦	
اوچنجى فرقه	خارج قسملرك نومرو ضره سيلاه تصديق
١٨٧٥	١٠
٨٩٢	٢٢
٥٩٥	٣٥
٤٤٦	
٣٥٧	
دردنجى فرقه	خارج قسملرك نومرو ضره سيلاه تصديق
٢٤٥١	٨
١٢٢٥	١٧
٨١٧	٢٦
٦١٢	٣٤
٤٩٠	٤٣
٤٠٨	
٣٥٠	
بشنجى فرقه	خارج قسملرك نومرو ضره سيلاه تصديق
٢٦٧٤	٦
١٢٣٧	١٥
٨٩١	٢٣
٦٦٨	٣١
٥٣٤	٤٠
٤٤٥	
٣٨٢	

خارج قسم تترك نومرو صره سيلاه تصنيف	برنجي فرقه	
٧	٢٤٨٠	٥
٩	٢٠٦٦	٦
١١	١٧٧١	٧
١٢	١٥٥٠	٨
١٤	١٣٧٧	٩
١٦	١٢٤٠	١٠
١٨	١١٢٧	١١
١٩	١٠٣٣	١٢
٢٠	٩٥٣	١٣
٢٤	٨٨٥	١٤
٢٥	٨٢٦	١٥
٢٧	٧٧٥	١٦
٢٨	٧٢٩	١٧
٣٠	٦٨٨	١٨
٣٢	٦٥٢	١٩
٣٣	٦٢٠	٢٠
٣٦	٥٩٠	٢١
٣٨	٥٦٣	٢٢
٣٩	٥٣٩	٢٣
٤١	٥١٦	٢٤
٤٢	٤٩٦	٢٥
قاسم مشترك ٤٤	٤٧٦	٢٦
	٤٥٩	٢٧
	٤٤٢	٢٨
خارج قسم تترك نومرو صره سيلاه تصنيف	ايکنجی فرقه	
٥	٢٨٤٢	١
١٣	١٤٢١	٢

منحل اعضائى ويرمك ايجونده عيىن عملياته توسل ايديلور يعنى دردنجى فرقه يه عائد آرا بودفعه (٥) ايله دكل ٥ + ١ = ٦ ايله تقسيم اولونور . شويلاه كه :

برنجى فرقه	ايکنجى فرقه	اوچنجى فرقه	دردنجى فرقه
<u>٤٧٦</u>	<u>٤٧٣</u>	<u>٤٤٦</u>	<u>٢٤٥١</u>
			٦
			٣٠٨ =

بشنجى فرقه

٤٤٥

اك بويوك وسطى ٤٧٦ اولديغندن اوچنجى منحل اعضالىق ينه برنجى فرقه يه رجوع ايدر وبوصورتله برنجى فرقه نك استحقاقى ٢٦ اعضا اولديغى تبين ايلر .

بودفعه برنجى فرقه نك ٢٥ دكل ٢٦٠ رآى قازانديغى كوريليور . بوندن اكلايورزكه اساساً قوتلى اولان فرقه لر كسوراتى دها زياده جلب وجذبه موفق اوله بيلوزلر . خارج قسمت اصولى بالطبع دها بسيطدر . فقط اك بويوك وسطيلر اصولى دها دقيقدر .

١٥٠ قاسم مشترك اصولى . — شمى برده عيىن انتخاباته خارج قسمت

اصولنى تطبيق ايدلم . بلجيقا اصولندن بحث ايدرايكن برنبذه تدقيق ايتديكمن بواصول موجبنجه هر فرقه يه عائد آرا قاسم مشترك اولان انجمن اعضاسنك عددينه ، يعنى شو آلديغمنز مثالده (٢٤) . كلنجه يه قدر صر ١٠ ايله ١ ، ٢ ، ٣ ، ٤ ، ٥ الخ عددرينه تقسيم ايدلك لازم كلير . حاصل اولان نتيجه بوجه آتيدر :

برنجى فرقه	خارج قسمتلك نومرو صره سيلاه تصنيف
١	١٢٤٠٠
٢	٦٢٠٠
٣	٤١٣٣
٤	٣١٠٠

هر فرقه‌نك قازانديني آرانك يکوتى اوفرقه‌نك استحقاق اولان عدد اعضايه دکل او اعضايه واحد ضمندن صوکره حاصل اولان يکونه تقسيم ايدرزه. مثلا برنجي فرقه‌نك قازانديني مجموع آرايی که (۱۲۴۰۰) در، بوفرقه‌نك استحقاق اولان (۲۴) اعضالغه دکل ( ۲۴ + ۱ = ۲۵ ) تقسيم ايلرزه. کذلک ديگر فرقه‌لرايچون ده عيني معامله يی تکرار ايدرزه. حاصل اوله جق نتایج شودر :

اوجنجی فرقه	ايکنجی فرقه	برنجی فرقه
$446 = \frac{1780}{4}$	$473 = \frac{2842}{6}$	$496 = \frac{12400}{25}$

بشنجی فرقه	دردنجی فرقه
$445 = \frac{2674}{6}$	$490 = \frac{2451}{5}$

ایشته بوضورتله استحصال ایدیلن بقیه لرك اک بویوکی برنجی فرقه‌یه اصابت ايدرکه ۴۹۶ در . بناءً عليه منحل قالان اوج اعضالقدن بری بوفرقه‌یه توجیه اولونور و بوفرقه‌نك استحقاقی (۲۵) اعضا اولديني تبين ايدر .

ايکنجی منحل اعضالغی توجیه ایچون عینی معامله اجرا ایدیلور . انجق بودفعه برنجی فرقه‌نك يکون آراسی ۲۵ ایله دکل (۱ + ۲۵) = ۲۶ ایله تقسیم اولونجق ایجاب ايدر . حاصل اولان نتیجه شودر :

برنجی فرقه	ايکنجی فرقه	اوجنجی فرقه
$476 = \frac{12400}{6}$	473	446

دردنجی فرقه	بشنجی فرقه
490	445

بودفعه کی بقیه لرك اک بویوکی دردنجی فرقه‌یه عائد اولديغندن ايکنجی منحل اعضالغی دردنجی فرقه‌یه تفویض ایدیلور . اوجنجی و صوکرنجی

اعضایه استحقاق لری اولمش اولور. حال بوکه بزه (۴۴) اعضا لازم ایدی. تقسیم عملیاتک هر برنده بعض بقیه و کسورات قلمسی بو اوچ اعضالک منحل قلمسنه سببیت ویردی. شمدی بو اوچ اعضالنی هانکی فرقه یه ویریرسه ک حقه و یا حقه اک یقین بر ایش کوره جکز ؟ ایشته مسئله نک اک مشکل نقطه سی بودر .

بو مشکلی حل ایتک ایچون خارج قسمتدن کیرده قالان کسر لک هانکیسی بویوک ایسه اکا بر اعضالق ویریر و مسئله نی حل ایدرز. بوکا اک بویوک بقیه اصولی دیرز . شو صورت حله نظراً برنجی فرقه ۲۵ ، ایکنجی فرقه ۶ ، اوچنجی فرقه ۳ ، دردجی فرقه ۵ و بشنجی فرقه ۵ اعضایه مالک اولور .

بورایه قدر ویردیکمز ایضاحات هر فرقه نک اعضالقر مقدارینه اولان استحقاقنی کوستردی. فقط اعضا کیم اوله جق . مثلاً برنجی فرقه نک ۳۰ نامزدی وار ایدی ؛ بونلردن ۲۵ نی ، کذلک ایکنجی فرقه نک ۲۹ نامزدی وار ایدی ؛ بونلردن آلتیسنی بکنمک لازمدر . بونی ناصل تعیین ایدم جکز ؟ بونی ده فرانسه پارلمنتوسنده پک بسیط صورتده یامش لر . نامزدلر آلدقلری آرانک اهمیتیه متناسب بر صره و ترتیبه وضع اولومش لردر . کیملر اک چوق قازانیرسه ، صره ایله اونلر انتخاب ایدیلور . کیرده قالانلر منحل وقوعنه انتظاراً اعضای معاونه و یامنتظره وظیفه سنی ایفا ایدر لر .

۱۴۹ اک بویوک وسطیلر اصولی — ایشته فرانسه مجلس مبعوثاننده

(۴۴) اعضادن مرکب انجمنک انتخابی ایچون تعقیب ایدیلن اصولک خلاصه سی بودر . انجق باشقه اصوللر دخی تعقیب ایدلسه نتیجه همان همان بوکا مساوی اوله جق ایدی . فرضاً اک بویوک وسطیلر اصولی ده اختیار اولونسه همان عینی نتیجه حاصل اوله جق ایدی . یالکز بواصول موجینجه بالاده آچقده قالان اوچ اعضالنی اک چوق کسری اولان فرقه لر عطف و توجیه ایدم جکمزه بروجه آتی بر اصول تعقیب ایدرز . شو یله



شوفصيلاته نظراً حاصل اولان نتيجه بروجه آتی اولمشر :  
استحصال ايديلن آرا

١٢٤٠٠	برنجی فرقه
٢٨٤٢	» ايکنجی
١٧٨٥	» اوچنجی
٢٤٥١	» دردنچی
٢٦٧٤	» بشنجی
<hr/>	
٢٢١٥٢	يکون

بويکونه نظراً هراعضايه اصابت ايتمی لازم کلن آرانک نصابی تعین ایچون بالاده کی ( ٢٢١٥٢ ) يکونی انجمنک اعضای مرتبه سی اولان (٤٤) . تقسیم اونونمشر .

$$٢٢١٥٢ \mid ٤٤$$

$$٠١٥٢ \quad ٥٠٣$$

حامل اولان خارج قسمت

٢٠ دن عبارت اولمشر .

خارج قسمت بچنده ايضاح ايتدی کمز وجهله هر فرقه نك استحقاقی استحصال ايتدیکی آرانک خارج قسمت اولان ( ٥٠٣ ) . تقسیمی صورتيله تحقق ایدر . شو حالده :

برنجی فرقه نك استحقاقی ايکنجی فرقه نك استحقاقی اوچنجی فرقه نك استحقاقی

$$١٧٨٥ \mid ٥٠٣ \quad ٢٨٤٢ \mid ٥٠٣ \quad ١٢٤٠٠ \mid ٥٠٣$$

$$\underline{٢٧٦} \quad ٣ \quad \underline{٣٢٧} \quad ٥ \quad \underline{٢٣٤٠} \quad ٢٤$$

٣٢٨

بشنجی فرقه نك استحقاقی

دردنجی فرقه نك استحقاقی

$$٢٦٧٤ \mid ٥٠٣$$

$$٢٤٥١ \mid ٥٠٣$$

$$\underline{١٥٩} \quad ٥$$

$$\underline{٤٣٩} \quad ٤$$

برنجی فرقه نك ٢٤ ، ايکنجی فرقه نك (٥) ، اوچنجی فرقه نك (٣) ،

دردنجی فرقه نك (٤) ، بشنجی فرقه نك (٥) یعنی من حيث المجموع (٤١)

عددی شرطيله انتخاب واحد اصولنده مصر اولان فرقه ایدی و ۲۴ نامزدی وار ایدی .

بشجی فرقه انتخابات نسبيه اولقسنزین یالکزعلی العاده انتخاباتک اصلاحی طرفداری اولان جمهوریت فرقه سی ایدی و بونکده ( ۲۷ ) نامزدی وار ایدی .

شوالده من حیث المجموع بش فرقه ، ۵۱۳ انتخابی و ۱۳۳ نامزد وار ایدی .

تاميله انتخابات نسبيه به طرفدار اولان نامزدلر ایسه یالکز ( ۳۰ ) ایدی . انتخابه اشتراك ایدن مبعوثلرک هربری انجمنی تشکیل ایدن ( ۴۴ ) ذاتی بوصله اوزرنده یازمقدمه ایدی . ( ۴۴ ) دن زیاده اسامی یازيلهماز ایدی . انجق عینی اسم مکرر یازلمق صورتيله اوفره نك لهنه رأی آرته جق ایدی . شو حسابجه رأیه اشتراك ایدن ( ۵۰۳ ) مبعوثلک بهرینه ( ۴۴ ) رأی اصابت ایده جک ایدی که من حیث المجموع ( ۲۲۵۷۲ ) رأی اظهار ایدلمش بولونه جق ایدی . انجق بعض نقصان رأیلر بولونمش اولدینی ایچون جمع ایدیلن کافه آرا ( ۲۲۱۵۲ ) به بالغ اولمش ایدی . شوالده تعیینی لازم کلن مسائل شونلرایدی : اولاً هر فرقه نه قدر رأی قازانه جق ؟ ثانیاً اعضا انتخاب اولونه جق ذواتک هر برینه نه قدر رأی اصابت ایتسی لازم کله جک ، یعنی خارج قسمت نه اوله جق ؛ ثالثاً هر فرقه به استحصال ایدلکری رأیلره نظراً قاچ اعضا افزای لازم کله جک ؟

۱۴۸ خارج قسمتک مثال فعلیسی . — هر فرقه به عائد بوصله لرده کی

اسامینک یکون ایدلسی هر فرقه لهنده نه قدر رأی ویرلمش اولدینی میدانه چیقارمق ایچون کفایت ایتدی . بوصوله هر فرقه نك قازاندینی مجموع آرابر یکون ایله براره به کتیریلوب عموم فرقه لرک قازاندلری آرا میدانه چیقمشدی . خارج قسمتک تعیینی بختنه کلنجه بوده آرانک یکون عموم یسنک انجمن اعضاسی اولان ( ۴۴ ) ه تقسیميله الده ایدلمشدر .

اولان بوقراری تدقیق ایتمدن مقدم قرارک انخاذهنه پک زیاده غیرت ایتمش اولان مجلس مبعوثان انجمنک صورت تشکلی تحلیل ایده جکیز . زیرا انتخابات نسبییه طرفدارلری انتخابات نسبییه نك قابل تطبیق وعادلانه اولدیغنی هرشیدن اول مجلس مبعوثانده کی اعضایه جانلی وحقیقی بر مثال ایله کوسترمک و آنلری بوضورتله اقناع ایتمک ایستورلر ایدی . ایشته بوندن طولایی پک چوق مشقت وکلفتدن و بر چوق موانع واعتراضاته اوغرادندن سوکره ۱۹۱۰ سنه سی تموزینک اوننده مجلس مبعوثانک آرای عمومییه انجمنی - که انتخابات نسبییه حقنده کی قانون لایحه لرینی تدقیق و مجلسک هیئت عمومییه سنه بولایحه تقدیم ایله جک ایدی - انتخابات نسبییه اصولیله انتخاب ایتمیرمکه موفق اولمشلردر . بوانجمنک صورت انتخابی تحلیل ایدرسه ک انتخابات نسبییه نك اشکال و صفحات مختلفه سی حقنده ده اجمالی بر فکر پیدا ایده بیلیرز . انتخاب ایدیلن ذواتک یکونی (۴۴) و انتخاب ایدنلرک یکونی اوکونکی موجوده نظراً (۵۱۳) اولدیغنه نظراً مثال ممکن مرتبه بسیط رقلرله واقع اولمش دیمکدره . مقصد اصلی مجلس مبعوثانده موجود اولان مختلف فرقه لرله حزبلرک هر برینه عددلریله متناسب اعضا ویرمک وانجمنی بوفرقلر ارسنده کی قوای متفاوته نك تمامیله آینه سی قیلمق ایدی .

انتخابک صورت اجرایی حقنده هر درلو قیود و ایضاحاتی محتوی برنوع قرار اتخاذ اولوندقدن سوکره مجلس مبعوثانده بش فرقه کنندی آرایه معروض قیلدی .

برنجی فرقه منحصرأ انتخابات نسبییه طرفدارلری ایدی و (۳۰) نامزد ارائه ایلش ایدی .

ایکنجی فرقه انتخاباتک اصلاحنه طرفدار جمهوریت فرقه سی عنواتی حائز ایدی و (۲۹) نامزدی وار ایدی .

اوجنجی فرقه انتخاب نسبییه معارضی جمهوریت فرقه سی عنواتی حائز ایدی و (۲۲) نامزدی وار ایدی .

دردنجی فرقه دوائر انتخابیه ده تعدیلات اجرایی ومبعوثلرک تقلیل

بلچيقاده منتخبلر بالکمز بر نامزد اچون رأی ويرير لر؛ شو قدر که بو نامزد اچون ويردکری رأی عين زمانده او نامزدک منسوب اولديني فرقه يه ده ويرلشدرد. ديگر طرفدن شايد فرقه نك نامزدلری فرقه نك صلاحيتدار اولديني مبعوثلر مقداريني تجاوز ايتسه - که همان دأماً بو حال واقعدر - او تقدیرده منتخب مخير براقيلور؛ ايتسر ايسه کنديسنه تکليف ايديلن جدولن بکنديکی ذاته حصر رأی ايدرک انک ياننه بر اشارت وضع ايدر ، ايترايسه تکليف ايديلن جدول صره سنی قبول ايدر .

بو اصولکده خطالری ، مشکلاتی ، محذورلری يوقدکلدر . فقط هر حالده اکثریت اصولنده کی انتخابه نظراً ده از حقسز لقلری داعيدر .

۱۴۷ فرانسه مجلس مبعوثاننده انتخاب انجمنی . - یوقاريدن بری تعريف ايدلر کمز مختلف انتخابات نسبيه اصوللرينک هر برينه قابل تطبيق اولوق اوزره فرانسه پارلمنتوسنده جريان ايتمش فعلی و حقیقی بر مثال اراد ايدلم که بو صورتله موضوع بحث قيلديغمز مختلف اصوللر مهما امکان يکديکرندن تفريق و تمیز اولونه بيلسون . معلوم اولديني اوزره فرانسه ده دخی انتخابات نسبيه اصولی شدتله ترويج ايدلکه باشلامش وسنه لرحه کشمکشدن صوکره نهایت ۱۹۱۲ سنه سی نيساننک ۱۳ نده فرانسه پارلمنتوسنک مجلس مبعوثانی انتخابات نسبيه قانونتی قبول ايتشدرد . انجق مجلس مبعوثان طرفدن مجلس اعيانک تصديقه انتظاراً اتخاذ ايدلش

متشنت بولونملرينه عطف اولونه بيلير . فی الحقیقه هوند اصولنده یوقاريني مثالده کورلديکی وجهله ذاتاً قوتلی ، متحد و حاضراً اکثریت اولان فرقه نك دائماً کسورات و بقيه لره ده تصرف ايتمکه اولديني کوريلور .

شونلردر : ۲۴۰۰۰ ، ۱۲۰۰۰ ، ۱۱۰۰۰ ، ۹۰۰۰ ، ۸۰۰۰  
 صوك خارج قسمت كه بوراده (۸۰۰۰) در قاسم مشترك عد اول نور .  
 بناءً عليه هر فرقه نك قازانديني آرا ده قاچ دفعه ( ۸۰۰۰ ) وار  
 ايسه او قدر مبعوث بولنه جقدر . ( ۸۰۰۰ ) ( ۲۴۰۰۰ ) عددنده  
 اوچ دفعه داخل اولديغندن برنجي فرقه نك اوچ مبعوث اتخابنه ،  
 (۱۱) بيك ده يالكنز بر دفعه داخل اولديني ايچون ايكنجی فرقه نك  
 بر مبعوث اتخابنه ، ( ۹۰۰۰ ) ده كذلك يالكنز بر دفعه داخل  
 اولديني ايچون اوچنجی فرقه نك ده بر مبعوث اتخابنه حقی اوله جقدر .  
 در دنجی فرقه نك عدد آراسی ( ۳۰۰۰ ) اولديغندن وقاسم مشترك  
 اولان ( ۸۰۰۰ ) بورقدن بيوك اولديغندن فرقه رابعه نك  
 مبعوثی اوليه جقدر [°] .

[°] ا کوريليوورکه بواصولده رأيلرك بوشه کيمسی احتمالی دائما وارددر .  
 حتی هر ايکی سنه ده نصفی تجديد اولونمقده اولان بلجیقا مجلس مبعوثانی  
 بوکون بورأيلرك طاغيلمسی يوزندن مملکتک حقیق افکارینی تمثيل ايده ما -  
 مکده در - ۱۹۰۸ و ۱۹۱۰ سنه لری اتخاباتی ثمره سی اولان مجلس  
 مبعوثانده حکومت فرقه سی اولان قتولیکلرک ۸۶ ومخالفلرک - که سوسیا -  
 لیستلر ایله لیبرالردن مرکبدر - ۸۰ مبعوثی وارددر . انجق ۸۰ مبعوث  
 ۱۲۱۶۵۴۷ رأیی تمثيل ایتدیکی حالده اکثریت اولان ۸۶ مبعوث  
 یالکنز ( ۱۱۹۴۶۱۸ ) رأیی تمثيل ايده بیلیورلر . یعنی قتولیکلرک  
 مملکتده کی رأیلری مخالفلردن ( ۴۱۹۲۹ ) نقصاندر . بوصورتله اکثریت  
 اصولنه ایديلن اعتراضک بوراده ده نظیره سنی یا معمدن اولو پور . بوراده کی  
 فرقلر نسبة لاشی اولدقدن ماعدا بونک قصوری بر درجه به قدر ( هوند )  
 اصولنه و برزده قتولیکلرک متحد ومخالفلرک ایکی فرقه دن متشکل اولق اعتباریله

بلچیقاده ایوم تطبیق ایدیلن اصول « قاسم مشترک » اصولیدر.  
 و (هوند) Hondt سیستمنده در . ۱۸۹۸ قانونی موجبنجه جریان  
 ایتمکده اولان بو اصولک روحنی بوراده تعریف ایتمک مناسب  
 اولور :

۱۴۶ قاسم مشترک — فرض ایدلم که بردارؤ انتخابیه ده (۴۷)  
 بیک رأی ودرت فرقه وار. انتخاب ایدیله جک مبعوثلرک مقداریه ده  
 بشدر. اول فرقه لرک قازانه جنی رأیلره باقالم : برنجی فرقه (۲۴)  
 بیک ایکنجی فرقه (۱۱) بیک ، اوچنجی فرقه (۹۰۰۰) درنجی  
 فرقه (۳۰۰۰) رأی قازانمش . مادام که درت فرقه وار بالاده کی  
 رقلری صره ایله (۱) ، (۲) ، (۳) و (۴) عددلرینه تقسیم  
 ایده جکز . اکر فرقه لر بش اولسه یدی بشه ، التی اولسه ایدی  
 آلتی به تقسیم ایده جک ایدک . زبرده کی مثالی موسیودو کوینک اثرندن  
 اقتباس ایدیورز :

۲۴۰۰۰	۱۱۰۰۰	۹۰۰۰	۴۰۰۰	بره
۱۲۰۰۰	۵۵۰۰	۴۵۰۰	۱۵۰۰	ایکی به
۸۰۰۰	الح	الح	الح	اوچه
۶۰۰۰	»	»	»	درده تقسیم اولور.

بروجه بالا خارج قسمتلر انتخاب اولنه جق مبعوثلرک عددینه  
 بالغ اولنجه یه قدر اهمیتلری صره سیله ترتیب اولور . مثالزده  
 بش مبعوث وار . بناء علیه جدولده اک بیوک بش رقی آلبرزکه

زیرا یوز بیک اون مبعوثه تقسیم ایدیلنجه (هار) اصولی  
موجینجه خارج قسمت اون بیکدر و فرقه لری منسوب اوله جق  
اعضا ایشته بو خارج قسمته کوره تعیین ایدلشددر .

انتخابات زمانی کلتجه منتخب عینی زمانده هم منسوب اولدینی  
فرقه نی ترجیح ، همده او فرقه داخلنده کی اشخاصی یوقاریده  
تعریف ایتدی کمز طرزده صریحه وضع ایدر . بناء علیه ترجیح  
ایتدی فرقه داخلنده اوله احمد افندی به صوکره ، محمد افندی به .  
دها صوکره علی افندی به رأی ، رأی احتمال پسنی ویرر .

بو اصولک بر محذوری رأی ویرنلر عادتاً فرقه لیسته سنده  
محرر اسامیدن مطلقاً بر ویا بر قاجنی انتخاب ایتک مجبوریتنده  
بولنلریدر زیرا منتخب فرقه نك لیسته سی خارجنده کیمسه به رأی  
ویره مز بصورتله رأی ویرمک نوعماً مجبوری اولیور و نامزدلر  
عادتاً لیسته نی تنظیم ایدنلرک اسیری بولنیور . مع مافیله بو محذوره  
بلجیقاده مهما امکان تخفیف ایدلشددر . او صورتده که بر نامزد  
ایچون لاقول یوز طالب بولنورسه بو نامزد جدوله کچه بیلیر .  
مبعوثلغه نامزد اوله جق آدم یوز طرفدارده بوله مازسه  
آرتق او مملکتده هیچ بر اهمیتی یوق دیمکدر . بناء علیه بو  
محذوره معدوم حکمنده در . [\*]

[\*] اسویچرده بال وشویچده هیچ بر فرقه به منسوب اولدینی  
حاله مستقلاً نامزدلکنی اعلان ایدنلر دخی نظر دفته آلمش و بوکیلرک  
هربری کندی باشنه بر فرقه ( بر لیسته ) عد اولونمشدر . بولر  
وحشیلر Sauvages دیرلرکه آمانجه Wildhe در .

بالاده کی مشالی اله آلهلم : ( ۱۰۰ ) بيك منتخب وار .  
 درت فرقه وار . فرقه لرك بری ( ۴۰ ) بيك، ديكری ( ۳۰ )  
 بيك، اوچنجیسی ( ۲۰ ) بيك و دردیجیسی ( ۱۰ ) بيك رأی  
 قازامش .

انتخاب ایديله جك اعضايه كانجه اوده اون كشيدير . شو  
 حالده شو اون كشيدين دردی برنجی ، اوچی ايكنجی، ايكيسی  
 اوچنجی ، بری دردیجی فرقهيه منسوب اولمق ايجاب ايدر .

هر فرقه نك آراسی او فرقه نك ذاتاً استحقاق پیدا ایتمش اولدیفی مبعوث  
 عددینه بر علاوه سیله اكا تقسیم اولونور وهانکی فرقه نك خارج قسمتی  
 چوق کلیر ایسه بقیه قالان مبعوثده اوفرقيه ویریلور. ديكر ناحیه لرده  
 بقیه لر ایچون از چوق فرقلرله ینه بوكا یاقین اصولار تطبیق ایدلمکده در .  
 اسویچره هیئت متحده بی مجلس مبعوثانی ایچون دفعانله انتخابات  
 نسبيه اصولی قبول ایدلك ایسته نیلمش فقط بو باده کی تشبیلر نتیجه  
 قطعیهیه افتران ایدمه مشدر . ۱۹۰۰ و ۱۹۱۰ سنه لرده ایکی دفعه  
 بو بولده واقع اولان تکلیف مشترك مجلس مبعوثان و مشترك قانتولر  
 مجلسی طرفندن رد ایدلدکن صوکره ره فرندوم اصولی موجبنجه  
 آرای عمومیه به تابع قیلنمش، فقط اهالی ده هر ایکی دفعه سنده ایکی  
 مجلسك رأینه اشتراکله تکلیفی رد ایتشدر . ۱۹۰۰ ده قانون عموم  
 اهالی طرفندن ( ۱۶۹۰۰۸ ) رأیه قارشى ( ۲۴۴۶۵۶ ) رأی ایله یعنی  
 ( ۷۵۶۴۸ ) اکثریتله رد اولومش اولدیفی حالده ۱۹۱۰ ده عینی  
 قانون ( ۲۳۸۹۵۶ ) رأیه قارشو ( ۲۶۲۰۹۹ ) رأی ایله یعنی آنجق  
 ۲۳۱۴۳ اکثریتله رد اولومشدر که بوده انتخابات نسبيه طرفدارلرینك  
 عموم اسویچره انتخاباتی ایچونده کیتمکجه آرمقده اولدیفی افهام ايدر .



ایدیلکده در . بوکا ( فرقه وشخصه توفیقاً انتخابات نسیبیه )  
 دیلم . بو بختده برنجی درجه اهمیت فرقه یه یعنی فلر و مسلکه  
 ایکنجی درجه اهمیت نامزده یعنی شخصه ویریلور . بناء علیه  
 منتخبلرک عددی اول امرده فرقه لره ودرجه ثانیه ده انتخابی  
 مقتضی اعضانک مقدارینه کوره افرار اولنه رق بری فرقه یه  
 دیگرى شخصه عائد ایکی جدول استحصاا ایدیلور .

بال وشوایج مستثنا اولدینی حالده دیگر قانتونلرده انتخابچینک  
 رأی مجتمعی یوقدر . یعنی عینی بر نامزد ایچون مکرر رأی ویره مزه .  
 هر فرقه نك نه قدر رأی قازاندینی تعیین ایچون ایسته لرده محرر  
 اسامی یه اصابت ایدن آرا جمع ایدیلیر . اظهار اولونماش اولان آرا دخی  
 بو یگونه ادخال ایدیلیر . یعنی بر لیسته ده بر اسمک اوزری چیزلمسی او  
 لیسته لهنده ویرلش بر رأی صایلدینی کبی لیسته ده چیزلماش اولان  
 اسامی دخی لیسته یه ، یعنی فرقه یه مال ایدیلیر . مبعوثك نه قدر رأی  
 ایله انتخاب ایدیله بیله جکئی یعنی خارج قسمتی تعیین ایچون (هاکه نباخ-  
 پیشوف) اصولی تطبیق اولنور شوپله که فرقه یه اصابت ایدن آرانك  
 یکونی انتخاب ایدیله جک مبعوثلره بر ضمیله حاصل اولان یگونه تقسیم  
 اولونور . بناء علیه درت مبعوث انتخاب اولنه جق ایسه آرا (  $4 + 1 = 5$  ) .  
 تقسیم اولنور . حاصل اولان خارج قسمت فرقه نك یکون آراسنده قاج  
 دفعه داخل ایسه فرقه او قدر مبعوثه مستحق اولور . مع مافیله شاید  
 بو صورتله انتخاب اولنان مبعوثلرک عددی انتخابی لازم کلن مبعوثلرک  
 مقدارندن دون قالیرسه ومثلا درت مبعوث انتخاب اولنه جق ایکن هر  
 فرقه دن بعض بقایا قاهره یه بالکیز اوج مبعوث انتخاب اولنه بیلمش ایسه  
 او وقت دردیجی مبعوث هانکی فرقه یه ویرملی . شوایج ، بال و جنوره ده

ديكرله بوراده شخصه كوره خارج قسمت تعيين ايدلمش ، فقط فرقه لره كوره خارج قسمت يوقدر . منتحج سويكي آدم لره متميل اوله رق فرقه جه وظائفى اونوده بيلير .

اونك ايچون ديكر بر اصول ايله بوسوك نقصانك تلافيسنه چاليشلمش . بوكا *systeme de concurrence des liste* et du *double vote simultané* ديرلر كه اسويچره نك [\*] پك چوق قانتونلرنده و ۱۸۹۹ دن برى تعديلاً باچيقاده تطبيق

[\*] اسويچره ده نه سنه ، نوشاتل ، جنوره ، زوغ ، سولور ، شوايچ ، (بال ويل) ولوسرنده انتخابات نسبيه قاعده سى قبول اولونمشدر . تعقيب ايديلن قواعد خلاصه بوجه آتيدر :

مختلف فرقه لر ويا حزب لر يوم معين انتخابدن اول نامزدلرينك جدولنى مأمورين عانده سنه تسليم ايدرلر . جدول لره نامزدلر ك احكام وشرائط قانونيه يي حائز اولوب اولماديفي تدقيق اولونوره . شايد بر اسم ايكي ليسته ده محررايسه هانكي ليسته يي ترجيح ايدمجه كي او اسم صاحبندن صوريلور . انتخابچي نه قدر مبعوث انتخاب ايديله جك ايسه او قدر نامزد انتخاب ايدر . آنجق هيچ بر ليسته اوزرنده اسمي محرر اولميان بر كيسه يه رأى ويره مز . مكر كه شوايچ و (بال ويل) ده اولديفي وجهه نامزد دخي اولسون .

انتخابچي انتخاب ايتديكي ليسته نك بوتون اساميسنى بكنمكه مجبور اولمايوب بو اساميدن ايستديكني چيزه بيلير . حتى ديكر ليسته لر اوزرنده محرر اسامى يي يازم بيلير كه بوكا پاناشار (Panachge) ديرلر و هر ناحيه ده تجويز اولونماز . مثلاً لوسرنده ممنوعدر .

برمخزورده شود زکه بو اصول انتخابده منتخب ایچون شخصاً  
ترجیحات واقعدر فقط فرقهجه ترجیحات موجود دکلدر. تعبیر

مساوی آرایي شخصاً - یعنی منسوب اولدقلری فرقه نامنه دکل -  
استحصال ایللری لازمدر. هر انتخابچی نامزدلرک اسامیسنی کسندی  
ترجیحی دائره ستمده صیره ایله یازار. انتخاب مجلیسی رئیس پوصلهلری  
برر برر صندوقدن چیقاربر و پوصلهلرده محرر ایلك اسمی اوفور. بر  
نامزدک اسمی خارج قسمته مساوی مقدارده ذکر ایدیلرسه آرتق  
او نامزدک کیفیت انتخابی ختام بولمش اولور و دیگر پوصلهلر اوزرنده  
اسمی محرر ایسه بوکا اعتبار ایدلمز. آندن سوکره آرتق، پوصلهده  
محرر اولان ایکنجی اسم اوفونور. فقط پوصلهده محرر اولان ایلك  
ایکی اسمک ایکیسیده خارج قسمتی قازانمش و مبعوث اعلان ایدلمش  
ایسهلر او وقت پوصلهده محرر اوچنجی اسم اوفونور و بو منوال اوزره  
دوام ایدر. بو اصولده انتخابلری سوکره به فالانلرک کیفیت تعییننده  
تصادفک تأثیر کلبی واردر.

پوصلهلرک صندوقدن صورت اخراجندهکی ترتیب نتیجه اوزرنده  
بویوک بر تأثیر اجرا ایدر. فی الحقیقه فرض ایدلم که انتخابچیلر عینی  
نامزدلرک اسمنی رای پوصلهلرینک باشنه کچیرمش اولسونلر. بناء علیه  
صندوقدن ایلك چیقان پوصلهلر یالکیز بو نامزد حسابنه کچر. اوندن  
سوکره چکیلن پوصلهلر ایکنجی نامزدک امر انتخابی تعیین ایدر.

ایدی ایلك چیقان پوصلهلرده محرر ایکنجی اسمک ایکنجی نامزد  
ایچون چکیلن پوصلهلرده محرر ایکنجی اسمدن غیری بر اسم اولسیده  
محتلمدر. اگر سوکره کی پوصلهلر دها اول چکیلدهش اولسه ایدی دیگر بر  
نامزد ایکنجی کلش اوله بیله جک ایدی. [ فرانسسه مجلس مبعوثاننک  
انتخابات نسبییه انجمنی طرفندن ۱۹۱۱ ده تنظیم اولسان راپوری

اکمال ایدلمک ایجاب ایتشددر . فی الحقیقه بوجه بالا اون بیک رأیدن فضله قازانان نامزدلره ویریلن بو فضله آرانک غائب اولمامسی ایچون منتخب بر صره ترتیب ایدر . یعنی اولاحمد افندی . صوکره محمد افندی . دهاسوکره علی افندی بی ترجیح ایدرم دیر . شو تقدیرده شاید احمد افندی اون بیک رأیی ذاتاً قازانمش ایسه منتخبک ویردیکی فضله رأی درجه ثانیه ده محمد افندی به واوده خارج قسمت قازانمش ایسه او رأی علی افندی به و الخ انتقال ایدر .

وهله اولاده پک بسیط کورونن بو اصولک بعض محاذیری یوق دکادر . اول امرده « بقایا » دوشونیلیمک لازمدر شویله که : بتون نامزدلرک خارج قسمت مقداری استحصالی ایتلمی ممکن دکادر . حتی بر فرقنک اکثر نامزدلری خارج قسمتدن دون . بمضاً پک دون مقداده آرا طویلایه بیلیرلر . شو حالده بوزلرک آراسنی هانسی فضله قازانان نامزدک فضله بقایاسندن مستفیدقلیق ایجاب ایدر . فرضا یوقاریکی مثالده اون بیکن اشاعی بش کشی رأی قازانمش اون بیکن یوقاری قازانانلری هانسی اکیسک قازانانلره اکلهمک لازمدر ؟ لاعلی تعیین بقایای بریسنه ضم ایتک ایجاب ایدر ایسه او حالده مقصد اصلی اولان ترجیح حاصل اولمدقن ماعدایش صرف تصادفه بر ایلیمش اولور [\*] . دیگر

[\*] دایماریقه ده جاری اولان اصولی خلاصه سویلیلم :

دایماریقه ده درجه ثانیه انتخابنده خارج قسمت اصولیه انتخابات اجرا ایدلمکده در . نامزدلر انتخاب اولنه بیلیمک ایچون خارج قسمته

مقدار آرا انتخاب اولنان مبعوث لهنده بر حسن شهادت معنويه و اخلاقيه دن باشقه برشي افاده ايمز. شو تقديره كوره هر منتخب بتون مملكت داخلنده نامزديني آرايوب آكا رأيني اعطا ايد بيله جكدر آنجق مبعوثلغه انتخاب اولنه بيانلر يالكز لااقل ذكرى كچن خارج قسمته معادل رأى قازانانلردر . او حالده مملكتده طاغينيق و بر محل مقصوده بولمق حسبيله نامزدلرى ايجون ايجاب ايدن آرايى طوپلامنه غير قادر اولان اقليت فرقه لرى دائرة انتخاب لرى توسع ايد بويرنجه طاغينيق رأيلر ينى طوپلايوب نامزدلرى انتخاب ايتديره بيله جكدر در .

بوني بر مثال ايله آكلانمق ايجاب ايدرسه ديرزكه بر كوچك مملكتده بتون منتخبلرك مجموعى (١٠٠٠٠٠) در و اون دانه مبعوث انتخابى لازمدر . يعنى انتخاب قانونى موجبنه مجلس مبعوثان (١٠) كشيدين مركب اوله جق . شو حالده (١٠٠) بيكى انتخابى ايجاب ايدن مبعوثلرك يكونه تقسيم ايدرز . حاصل اولان (١٠) بيك رأى خارج قسمتدر و بر مبعوثك انتخاب ايدلسى ايجون ايجاب ايدن آرايى كوستير . مملكتك مخلف دواثر انتخابيه سنده طاغينيق بولونان بر اقليت فرقه سى منسوبلرى اتحاد ايدوب اون بيك رأى قازانه بيليرلر ايسه بر مبعوثه مالك اوله بيليرلر .

١٤٥ جدول ترجيح . — مع مافيه « خارج قسمت »

اصولى « جدول ترجيح » ( Liste de préférence ) اصوليله

نامزد ایچون آری آری رأی ویرر۔ ایستر ایسه عین برنامزدک اسمنی درت دفعه عینی کاغذ اوزرینه تحریر ایدر۔ بو صورتله بر منتخب دزت رأی صاحبی اوله بیلیر ، اقلیتده قالان فرقه نك افرادندن هربری کندی نامزدلری ایچون ددر رأی ویرمش اولغله برنامزدی قور تارمنه بلکه موفق اولورلر۔ فقط بورانده عینی محذور وارد وله بیلیر و هر حالده بو اصوله انتخابات نسبیہ دیمک کوجدر اقلیتک مہما ممکن ترویج آمالی ایچون اختیار ایدلمش ناقص بر اصولدر انکلتره واسقوجیاده بلدیہ ایچون بو اصوله مراجعت ایدلدیکی واردر۔

۱۸۸۴ خارج قسمت (quotient) — دهها عالمانه وقاعدہ نسبتہ دهها موافق بر اصول « خارج قسمت » اضولیدر۔ اساساً انکلیز (طوماهار) طرفندن تصور وبلاآخره (ستوآرت میل) وسائر مؤلفر طرفندن شدله ترویج وحتى دایمارقه وکلاسندن آندره طرفندن کچن عصر افرنجی واسطنده تماماً (۱۸۵۵) ده وقوسطاریقا جمهوریتنده قسماً تطبیق ایدلمشدر۔ بو اصولدن اک اول انکلترده نسبتہ اسکی بر زمانده ، یعنی ۱۷۸۰ ده لوردلر قماره سنده دوق دوریشموندر طرفندن بحث ایدلمشدر ۔ بو اصولک اساسی غایت یسپلدر۔ داخل مملکتده موجود منتخبلرک مجموعنی انتخاب اولنه جق مبعوثلرک یکوننه تقسیم ایدرز ۔ حاصل اولان خارج قسمت بر مبعوث انتخابی ایچون لازم کلن آرای اراء ایدر۔ بر مبعوثک انتخاب ایدلمک ایچون لازم کلن آرادن فضلہ قازاندینی

قوانینیده رانک ترتیبی بوجه دن اولدینی کی ( رأی محدود)  
 و ( رأی مجتمع ) اصولاری دخی بو زمره دندر .  
 رأی محدود اصولی شودر ( Vote limité ) .

درت مبعوث استخانی ایله مکلف برداره تخاییده منتخبلردن  
 هربری یالکیز اوچ نامزد ایچون رأی وریبور . بو صورتله  
 افلیتک - اکر بوتون منتخبلرک ربه نه بالغ اولوبور ایسه - بوتون  
 قوتی، رأی طویلابارق آچیقده قالان دردنچی نامزدلی قازانا-  
 بیلیمسی ممکندر . انکلتزده (۴۲) سنه دنبری جاری اولان بر  
 قانون موجینجه بو اصول ناحیه انتخابنده تطبیق ایدلمکده در  
 و اسپانیا وایتالیاده دخی نواحی وبلدیله لده قبول ایدیلن بواصول  
 پک بسیتدر انکلتزده اوچ مبعوث انتخاب ایدن ۱۳ داره  
 انتخابیده ۱۸۶۷ سنه سندن ۱۸۸۴ سنه نه قدر بو اصول تجربه  
 ایدلمش ایسه ده مؤخرأ ۱۸۸۴ اصلاحات عمومیسی اوزرینه  
 ترک اولونمشدر بواصول نظریات علمیه نك آرزو استدیکی  
 حقیقتی تماماً اظهاره کافی دکدر . زیرا فرضا دردنچی نامزدک  
 اقلیتده قلمسی صرف تصادفی بر شی اوله بیلیر . اقلیت فرقه سی  
 پک منتظم اولمایان یرلرده موفقیت مشکو کدر . بو اصولده رأی  
 متعدد قاعده سنک شرط اولدینی بیانه حاجت یوقدر .

رأی مجتمع اصولنه کلنجه : ( vote cumulatif )

بو اصول موجینجه بر داره انتخابیده فرضا درت مبعوث  
 انتخاب ایدیله جک ایسه منتخبلردن هر بری ایستر ایسه درت

الکاول بوفکری میدانہ قویان اسمی کچمش اولان (قونسیدہ ران) نامندہ براسویچرہ لیدرکہ «حکومت نیابیدہ مخالفت» عنوانیلہ ۱۸۴۶ دە بر اثر تألیف ایتمدر . (قونسیدہ ران) طرفدن تکلیف ایدیلمن اصول غایت بسیطدر وبالطبع بعض قصورلردن خالی دکادر . بو ذات دییورکه :

افراد مملکتدن هربری اولجوهانکی فرقیه منسوب اولدیغنی تصریح ایتملی ومبعوثلقلر بو صورتله فرقلر منسبیدنک عددیله متناسب صورتده تقسیم ایلملی . فرضا مملکتده دوت فرقه وار : (س) فرقه سنک طرفدارانی (۵۰) بیك (ی) فرقه سنک (۱۵۰) بیك (ر) فرقه سنک (۱۲۰) بیك (ت) فرقه سنک (۸۰) بیك اولسون . بو حسابجه (س) ۵۰ ، (ی) ۱۵۰ ، (ر) ۱۲۰ ، (ت) ۸۰ مبعوث تمین ایتمش اولور . غایت بسیط وابتدائی اولان بو اصول مملکتده فرقلر آراسنه فرقه دوشوره بیله جکدن محذوردن خالی دکادر .

برده بوسورتله یالکیز فرقلر نظراعتباره آلمقده ونامزدلر جهتی مشکوک بر اقله مقده در . انتخاباتده سربستی ایسه انتخابچینک هم منسوب اولدیغنی فرقه بی هم اوفرقه ایچنده بکندیگی نامزدی انتخاب ایتمنی مقتضیدر .

انتخابات نسبیہ بدایه او قدر ریاضی بر قطعیت ایله تصور ایلمک ایسته بلدیگی ایچون تخمین و قبا طاسلاق اصوللر تکلیفی ایله اکثفا اولونمش ایدی .



کورولن عسرت فوق العاده در . مادامکه تطبیق عادتاً ممنوع دیندله جک درجه ده کوچ بر اصولدر . او حالده بونک ایچون بهوده یره زحمتنه محل وار ؟ آنجق بر چوق مملکتلرده بلدیہ . نواحی مجالسی کبی یرلر ایچون انتخابات نسبیہ اصولی قبول ایدلدکن ماعدا بلجبقا ده ۲۹ کانون اول ۱۸۹۹ قانونی موجینجه ۱۹۰۰ سنه سندن بری بلا مزاحم تطبیق ایدبله کلکده اولدیغندن بو اعتراض ده شمدی اسکیمی قدر قوتی محافظه ایدمه مامکده در .

الیوم اسویجره نک متعدد قانونلرنده انتخابات نسبیہ اصولی قبول ایدلمش و هیئت متحده مشترک مجلس مبعوثانی ایچون ده بواصولک قبولی لهنده شدتلی بر جریان موجود بولونمشدر . بوندن ماعدا دانمارقده ۱۸۵۹ سندن بری ( طوماهار ) سیستمنده انتخابات نسبیہ اصولی جاری بولونمقده در . اسوج حکومتی مجلس مبعوثانی انتخابات نسبیہ قانونی قبول ایتمش ایسه ده بو قانونک مرعیتی ایچون ایکنجی بر مجلس مبعوثانک قانونی قبول ایتسی لازمدر . فنلاندیاده ، وورتمبرغده . هامبورغده . صربستانده . قوستاریقهده و اسپانیاده انتخابات نسبیہ اصول جاریدر .

انتخابات نسبیہ بدایه صرف نظریاتدن و بعض مؤلفلرک قریحه سندن چیقمش بر بحث اولدیغندن بوکا دائر بعض معلومات ایله شمدی به قدر تصور ایدیلن مختلف سیستملر حقنده ایجاب ایدن تفصیلاتی و یرمک فائده دن خالی دکلدر .

۱۴۳ مختلف عملی اصوللر . — روایتہ نظراً مؤلفلر میانده

تطبیق ایدیلہ مدنی کہ بونک تطبیقی انسانندہ بویله برتذبذ و قوعه  
 کله جکی ذهابی حاصل اوله بیلسین . بلچیقاده بو اصولک تطبیقی  
 نتیجه سنده اکثریتله خلل کلدی . قاینه سقوطلری ایسه  
 اولکنه نظر آدوندر .

دیگر رنقطه نظر دن بالاده کی اعتراضی چوروتکم مکندر .  
 فی الحقیقه انتخابات نسبیہ اصولی آنجق پارتیلری منتظم ، تربیه  
 سیاسی ماکمل اولان بر مملکتده قابل تطبیقدر . بو تقدیرده  
 ذاتاً انضباط وانتظام آلتنده بولونان اقلیت فرقه لری بالطبع دها  
 متجانس اولورلر ؛ بو حالی کورن اکثریت فرقه سی ده بالطبع  
 اکثریتک غلبه سی احتمالی دریش ایدره ک افرادینی دها صیقی  
 بر رابطه آلتنده بولوندرلر . اقلیت ، اکثریتی الده ایتمک ،  
 اکثریت ایسه اکثریتی الدن قاجیرمامق ایچون اولکندن دها  
 بویوک ثبات وغیرت ایله چایدشیرلر . بو صورتله موسیو شارل  
 به نوانک دیدیکی کبی افکار عمومی نکل ثقلت اضافیه سی دها  
 کوزل اولچولمش ، جریانلرک استقامتی دها کوزل تعیین اولمش  
 اولور .

بروجه بالا مجلاً ویریلن ایضاحات انتخابات نسبیہ اصولنک  
 هیچ اولمازسه نظریات علمییه دائره سنجه اکثریت اصولنه مرجح  
 اولدیغنی ارئه یه کفایت ایدر .

۱۴۲ انتخابات نسبیہ و عملیات . — فقط معارضلرک دها  
 زیاده کووه ندکلری نقطه انتخابات نسبیہ اصولنک امر تطبیقنده

امرده شوراسنى بيهانه مجبوريت وارد در كه انتخابات نسيه اصولى پارلمنتو ايچين قبول واختيار ايدليكي. تقديرده بونك منطقاً قوه اجرائيه وعدليه يده تشميلي نه دن لازم كلسين؟ انتخابات نسيه نك پارلمنتويه تطبيقي پارلمنتونك كندينه خاص بعض احوال دن ايلرى كلير . بونلر قوه اجرائيه وحتى قوه عدليه يده يوقدر . زيرا ملتى تمثيل ايتك ، ملتك وكيلى اولمق ايچاب ايدن مجلس . مجلس ملندر .

برده نهايت قوه اجرائيه ملت مجلسنك مراقبه سنه تابع اولمق دن خالى اولمايور . شو حالده يالكز ملت مجلسى ايچين بوتقيداته اشد لزوم كوروله رك مجلسك مهما امكن قواى مختلفه مله نك آيينه سى اولمى اقتضا ايدر .

ينه بو نقطه نظر دن بيان ايد بيلير كه انتخابات نسيه نك معقولايتى انتخاب ايله تعيين ايديلن صنف مأمورينه عائددر . حال بو كه نادر مستثنالردن صرف نظر مأمورين اجرائيه منتخب دكل منصوبدر .

«انتخابات نسيه اصوليله ثابت ومطررد برا كثر يت احرازى ممكن دكل در متجانس بر قاينه تشكيل ايديله مز ، پارلمنتو اصولنه تابع بر حكومت وجوده ثله مز» دينايور . بو اعتراضه وپريله جك جوابلر چوقدر . انتخابات نسيه اصولى جارى اولمديغى زمانلرده عجا دائما متجانس ، مطرده متمادى قاينه لر تشكيلنه موفقيت حاصل اوله بيليورمى؟ ديكر طرف دن انتخابات نسيه هنوز تماميله

ومراملری آرقه-سندہ برصام عمومی ملت موجود اولدیفنی  
تقدیر ایندرا ایسک کوریرزک انتخابات نسبيه بو نتیجه نك انتطافنه  
دها مساعددر.

موسیو ایسمه نك دیگر اعتراضاتی بوجه آتیدر :

بعض عجولانه و نابهنگام اصلاحاتی منع ایچون پارلمنتوی  
ایکی به بولمک مجبورتی حاصل اولمش ، شمدی ذاتاً انقسامه  
اوغرامش اولان پارلمنتوی برده انتخابات نسبيه اصولیله برقات  
دها پارچالامق علاج قوللانیم دیرکن زهر ویرمکدر .  
عادتا قوه تشریمییه تذبذب و یروب ذرات بی نهایت تقسیم ایتمکدر .  
انتخابات نسبيه اصولی قبول ایدیلیرسه مجلسده نه ثابت ومطررد  
اکثریت حاصل ونهده متجانس برقایینه تشکیلی ممکن اولور .  
بناءً علیه پارلمنتو اصولی قالماز .

برده انتخابات نسبيه اصولی معقول ایسه مقتضای عقل  
ومنطق بونی یا ایکنز پارلمنتو اعضاسی انتخاباتنه دکل قوه اجرائیه  
ارکاسنک تعیین و انتخاباتنه ، اداره مأمورلرینه و حکامه دخی  
تشمیلدر . برکرده بو مجرای آلدیمی آرتق انتخابات نسبيه  
آنارشییه منتهی بر طریق عد ایتمکن باشقه چاره یوقدر .  
( صحیفه ۲۷۷ — ۲۸۲ « ۱۹۰۸ » ) .

بوتون بو اعتراضاتی اربابی رد ایتمشدردر . پارس مبعوثلرندن  
اولوب انتخابات نسبيه ایله فرط اشتغالی مشهور اولان موسیو  
( شارل بهنوا ) بونلری رد ایتمکده کوچک چکمه مشدر . اول

اگر طوغرییدن طوغری به اجرای حکومت اصولنده اولدینی  
 و جهله ملت کندی اراده سنی طوغرییدن طوغری به و بالا واسطه  
 اظهار ایش اولسهیدی او وقت مسئله مختلف فرقه لردن مرکب  
 اولان ملته طوغرییدن طوغری به راجع اوله حق و اقلیت فرقه لرینک  
 شکایت ایتسنه محل قلمیه حق ایدی ، اقلیت طوغرییدن طوغری به  
 بو اراده به و فرضاً قانون تنظیمنه اشتراک ایلیمه جک ایدی؛ حالبوکه  
 نیابت اصولنده آرزو و اراده ایدن طوغرییدن طوغری به ملت  
 دکدر ، نوایدن ؛ ملنه وکالته پارلمنتودر . شو حالده طوغرییدن  
 طوغری به اعطای رأی ایدیلور ایکن اقلیت حقیقی ناصل استعمال  
 ایش ایسه نیابت اصولنده ده اقلیت ینه رأی و مطالعه سنی درمیان  
 ایتمکن محروم اولمایدن . بو سببله پارلمنتونک دخی ماده کی  
 عناصرک ، فرقه لرک امثالی شامل و محتوی اولسی اقتضا ایدر .

حاکمیت ملیه نک تجزی و تقسیم قبول ایتماسی بحثنه کلنجه :  
 دیه بیلیرزکه انتخابات نسبه ذاتاً بو تجزی ایله قابل توفیق دکدر .  
 بالعکس اکثریت اصولی موجبنجه اگر یالکیز اشخاصک علی -  
 وجه الرؤس آرزو و اراده لرینی حساب ایدر ایسه ک بو آرزولری  
 بر برینه عادتاً بر مساوات ریاضیه ایله مساوی فرض ایدر ایسه ک  
 او وقت بو آرزولری یکان یکان صایوب یکوئی تنظیم ایتک و بو  
 یکنونده حاصل اولان اکثریت ریاضیه به توفیق تأمین ایتک اقتضا  
 ایدر . بو صورتله ایسترا ایتمه من حاکمیتی انقسامه اوغرا ایش  
 اولیورز . حالبوکه او قدر بسیط دوشونمیبوده اشخاصک آرزو

شخصیسی کی تلقی ایٹک ایجاب ایدر. بونک ایسه قطعياً غیر قابل قبول اولدینی معلومدر. زیرا حاکمیت ملیه تقسیم قبول ایتمز. دیگر بر اعتراض ایسه شودر: پارلمنتو بتون ملتک وکیلیدر. شو ویا بوفر قهیه بتون ملتک صفت وکالتی توجیه اولونماز. حالبوکه هر فرقه نیک مطلقاً پارلمنتوده مبعوثانی بولونمق ایجاب ایتمسه پارلمنتو متفرق و متشتت بر جسم اولدینی حالده ملتک دکل فرقه لک وکیلی اولمش اوله جقدر. بو ایسه نیابت ملیه نظریاتنه قطعياً توافق ایتمز.

انتخابات نسبيه نیک بالاده کی ادعایه مخالف اولمق اوزره هم حاکمیت ملیه نیک بر ولایتجری اولمسی قاعده سنه همده نیابت ملیه نظریه سنه تماماً مطابق اولدینی اثبات ایتمک کوچ دکلددر. نیابت ملیه بحثنده دیرزکه: مادامکه بر اراده ملیه نیک، یکوچود بر پارلمنتویه توجیه نیابت ایدن یکوچود بر ملتک موجودیتنی قبول و تصدیق ایدیوروز. او حالده سیاسی اولان، واضع قانون اولان ذاتک حل ایتمسی لازم کلن سوال شوندن عبارت اولور: هانکی اصول انتخاب واردرکه ملت متشخصه نیک اراده سنی ممکن اولدینی قدر حقیقته موافق بر طرزده ارائه ایده جک بر پارلمنتونک وجوده کلکنی تأمین ایتمون؟ ایمدی قاعده مطلقه اکثریت ایله انتخاب ایدلمش بر پارلمنتونک انتخابات نسبيه موجبجه منتخب و مملکتده کی فرق مختلفه نیک معکس حقیقیسی اولان پارلمنتودن زیاده اراده ملیه یی اظهار ایده بیله جکنی ادعا ایتمک بداهتی انکاردن عبارت اولور.

دلایفندن بزده آنک خلاصه مدعیاتی موضوع بحث  
 ایسج. مشارالیه بوندن اولکی بخدمه برسیده بیان ایتمش  
 اولدیغمز وجهله عددک قوتنی هر شیئه غالب فرض ایدرک :  
 « نیابت ملیه نیک بکانه تملی نفوس اهالی اولمق ایجاب ایدر. باشقه  
 برطرز تلتی حاکمیت ملیه قاعدهسنی اخلاص ایدر. حاکمیت ملیه  
 ایسه قانون عددی تعقیب ایدر » دیور. آنجق قاعده عددک قوتی  
 حقسزلق درجهسنی بولمالیدر. بوقانونک عدالت یله مهما ممکن  
 تألیفی ممکن ایکن تألیفی جهنسه کیدلاماسی حقسزلقدر. ملنک  
 برقمسی دیگر برقسمندن برقاچ ، ای اسیک قازانمش دینه مهبادیا  
 ازلمسی ، حقندن ، املندن محروم ایدلمسی قابل تجویز دکلدر  
 وبوباده کی محذوری انتخابات نسبیله یله برطرف ایتک ممکن اپدن  
 بوماکنک تطبیقندن احتراز ایدلمسی موافق عقل و حکمت اوله ماز.  
 بویله برحسره انی رفع و یا دها طوع عریسی نهوین ایچون انتخابات  
 نسبیله طریقنی بعض باب فر توصیه ایدیور. و صورتده که  
 مملکتده بولونان فرقه لردن هر رینک پارلمنتوده کی مبعوثلری  
 مقداری مملکت داخلنده کی وفرقه منس بلرینک عدسنه آرچوق  
 موافق کلسور. بوصوله قانون عددکده حتی ویرلمش اولور.  
 نظریاتجه وارد اولان دیگر اعتراضاتی بوجه آتی خلاصه  
 ایتک ممکندر. شویله که : انتخابات نسبیله اصولی قبول ایدم بیلیمک  
 ایچون اول امرده حاکمیت ملیه دلیل کلیه نیک افراد ملت آره سندم  
 قابل تقسیم ولدیفنی قبول ایتک تختانی هر فردک آیری برحق

شوحالده ملت ايله آنك عادتاً بر آينه به انعكاس ايمچك  
 بر مرآسم و تصويرى ديمك اولان مجلس آره سنده بر مشك  
 حقيقه موجود اوله بيلمك ايجون بو آينه نك پرورسز و مجر  
 اولسى تعبير ديكرله ملتك ظاهرده نه سى وارسه جمله سنك اورايه  
 انعكاس ايمسى مقتضيدر . ايمدى اكثرثيت اصوليله جريان ايدن  
 انتخابات اكثرثيا ملتك بر جوق اعضا و جوارخنى او آينه به انعكاس  
 ايتدبرمز و بوضورتله خريطه مليه ديمك اولان مجلس مبعوثانده  
 اقليتده قالان بك جوق فرقه لرك رنكلرينه تصادف ايدلنز .  
 انتخابات نسبيه ايسه بو غايه به مهما امكن تقرب ايدر و بو اساس  
 اوزرينه يا بيلان خريطه ده ملتك اك كوچك تقسيمات سياسيه سنك  
 او خريطه اوزرنده كوچك مقياسده بر نيكى و بر موقعى اولدني  
 مشاهده اولونور .

۱۴۱ انتخابات نسبيه به نظرى اعتراضلر — بو تفصيلات انتخابات  
 نسبيه اصولنك رجحاننى اثبات ايدر كى كورينور سه ده اصول مذكو-  
 ره به معارض اولانلرك ده قوتلى دليللره مستند مهاجماتى موجود  
 اولدني انكار اولونه ماز . بودلائل باشليجه ايكي مهم بحثده خلاصه  
 اولونه بيلير : (۱) انتخابات نسبيه نك نظرياتجه مردوديتى ، (۲)  
 انتخابات نسبيه نك فعلياتجه صعوبتى . بو اساسلرك هر برينى آبرى آبرى  
 تشريح و انتخابات نسبيه طرفدارلرينك بونلره مقابل نه صورتله  
 ايراد دلائل ايتدكلىرى ارانه ايدلم :

انتخابات نسبيه اك زياده معارض اولان مؤلف موسيو



بناءً سرپرست قالسه بعض مسائلده اکثریت منسوبلری اقلیتہ التحقاق ایدرک اکثریتک وضع و موقعی تبدیل ایدہ بیلیرلر . بو ایسه مجلسده اتخاذ اولونان مقررانک مملکتده کی اکثریت حقیقیه یه توافق شویله طورسون . پک عارضی و غیرطبیعی اوله رق مجلسده حاصل اولان اکثریتہ بیله دائماً تماس ایتدیکنی کوستیرر .

ملتک هیئت عمومیه سنک و هیئت عمومیه سی ممکن اولدیغنه نظراً ضروراً اکثریتک اراده سی دیمک اولان قانون مجلس تشریعیدن بالاده کی شرائط دائره سننده ویریلان مقررات ایله ناصل قابل توفیق اوله بیلور ؟

انتخابات نسبیہ سروجلری مسلکرینک درجه اصابتی اثبات ایتک ایچون اول امرده تعرضی دلائل دیه توصیف ایدہ بیله جکمز بالاده کی مطالعه لرله اکثریت اصولنک نه قدر چوروک بر بنایه مستند اولدیغنی ایضاح و آندن صوکره اکثریت اصولی طرفدارلرینک هجوملرینه تدافعی دلیلرله مقابله ایلیرلر .

۱۴۰ مجلس مبعوثان کوچک مقیاسده برخریطه در . — انتخابات نسبیہ سروجلرینک تعرضی دلائل فرض ایتدیکمز بالاده کی مطالعه لرینه بر تشبیہ مشهور علاوه ایدہ بیلیرز . بوتشبیہ میرابو طرفندن ایراد اولونمش زمامزده پک زیاده زبازد اولمغه باشلامشدر . میرابو دییورکه : « برخریطه بر مملکتک وسعت طبیعیہ و ماده سنه نظراً نه ایسه ملی مجلسرده اولمته نظراً عینیله اوله اولمیدر . بر شینک قویه سی ایستر واسع مقیاسده اولسون ایستر کوچک مقیاسده هر حالده اصلده کی نسبتلری محافظه ایتلیدر . »

اولاً مجلس مبعوثانده کی اکثریت همان اکثر احوالده عموم  
ملتك اکثریت منتخبینته توافق ایتمز . مملکتده اقلیت اولان  
مجلسده اکثریت اولور . بوايه انتخابات نسبيه قاعده سنه تماس  
شویله طورسون اکثریت اصولنجهده مردوددر .

ثانیاً مجلس مبعوثاندهده ذاتاً قرار لر اکثریتله اتخاذ اولونور  
شو حالده مجلس مبعوثان مملکتک اکثریت حقیقیه سنی لایقیله  
ارائه ایتمش اولسه دخی مجلسک یالکیز بر قسیمی - ولوکه اکثریت  
حالنده اولسون - طرفدن اتخاذ اولونان قرار حقیقیته اکثریتک  
اکثریتی طرفدن اتخاذ اولونمش دیمکدر .

ثالثاً مجلسلرک حیاتی لایقیله تدقیق ایدنلر بیلیرلرکه اورادهده،  
دائماً قرار لر اکثریت حقیقیه یه تابع ولماز . اکثریا اعضای  
مرتبه نك یعنی مبعوثان جدولنده اسمی محرر اولان اعضانك دکل .  
بلکه مجلسده سوق تصادفله حاضر اولان اعضانك اکثریتله  
قرار اتخاذ اولونور .

رابعاً مجلسده کی فرقه لرك هر بری آیرجه محتاج تأملدر .  
زیرا فرقه لرك ایچدهده بعض اقلیتلر فرقه نك اکثریتلرنی ذکاواقندار -  
لریله آرقه لرندن سور وکلر لر و هر حالده مقررات مجلسده اکثریتی  
تشکیل ایدن فرقه لرك اتفاق آراسیله دکل نهایت اکثریتی ایله  
وبریلور . ایدمی اوله بیلیرلرکه اکثریت فرقه سنه منسوب بعض  
ذوات اقلیتک بعض خصوصانده فکرینه اشتراک ایدر . فرقه نك  
انتظام وانضباطی ایسه بوکا مانعدر . رأیلر بوانضباط ملاحظه سنه

سنه لری انتخابانده منتخبلرینک یوزده الی اوچنک مجلس مبعوثانده مبعوثلری بولونمامشدر . شو حالده مذکور ایکی تاریخده انتخاب اولنان ایکی مجلس مبعوثان ملتک ا اکثریتنه وکالت اتمک شویله طورسون انتخابه مأمور اولانلرک بیله اکثریتنی احرازایده ممشدر . بونلرک نهایت یوزده (٤٧) سنی تمثیل ایده بیلمشدردر .

مجلس مبعوثانک بتون اعضاسی ملتک ، دها طوغریسی منتخبلرک اکثریتنی تمثیل ایده مزسه مجلس مبعوثانده کی اعضانک علی العاده ضعیف اکثریتلره ویردیکی قرارک ملتک اکثریت آراسنه توافق ایتدیکی اولویتله ثابت اولور . واقعا منتخبلردن برچوغی فعلاً انتخابانه اشترا کدن اجتناب ایدیورلر . بونلرک بو وظیفه بی ایفا ایتمه لری کندیلری ایچون موجب شکایت اولماق لازمدر . حتی روسونک دیدیکی کی انتخابه مستحق اولان کاهه افرادک فعلاً انتخاب اجرا ایتمه لری شرط دکلدر . هر فردک ایستدیکی وقت انتخابه اشتراک ایده بیلمسی کافیدر . مع مافیه اعتراف ایتمیدر که انتخابانده واقع اولان اجتنابانک بر قسمی حقیقه اهاالینک وظیفه ناشناسلغندن ایلری کلپور ایسه بر قسمی ده یأس و فنوردن منبعت اولیور .

منسوب اولدیغی فرقه نامزدینک نص اولسه اقلیتده قاله جغنی محقق بیان بر منتخبلک اوله ده غائب ایده حکم بویله ده دیوب انتخابدن اجتناب ایتسی پک چوق واقع اولمشدر .

١٣٩ اکثریت اصولنده کی محازیرک خلاصه سی — مختلف مثاللردن استحصالی لازم کلن نتیجه شودر :

مرعی الاجرا بولونمش اوليور . بوده کوسـتریـورکه منتخبلرک  
ربعنه بيله واصل اولميان برقم قلیل (١١) مليونه يقين منتخبلره  
دهاطوضریسی بتون فرانسه یه یعنی (٣٩) مليون نفوسه غلبه ایدیور .  
بواحتمالاتک همان دائماً شکل حقیقته منقلب اولمقده اولدیغنی  
آکلامق ایچون فرانسه مجلس مبعوثانک اون دوره اجتماعیه  
انساننده کی انتخاباته متعلق آتیده کی جدولہ بر نظر عطف اتمک  
کفایت ایدر :

سنه	مجلسه کیدن اعضانک قازاندقلى رأیلى	اعضا انتخابه منجر اولميان رأیلى
١٨٧٦ د :	٤٤٥٨٥٨٤	٥٤٢٢٢٨٣
» ١٨٧٧ :	٥٠٥٩١٠٦	٥٠٤٨٥٥١
» ١٨٨١ :	٤٥٦٧٠٥٢	٥٦٠٠٠٠٠
» ١٨٨٥ :	٤٠٤٢٦٦٤	٦٠٠٠٠٠٠
» ١٨٨٨ :	٤٥٢٦٠٨٦	٥٨٠٠٠٠٠
» ١٨٩٣ :	٤٥١٣٥١٠	٥٩٣٠٠٠٠
» ١٨٩٨ :	٤٩٠٦٠٠٠	٥٦٣٣٠٠٠
» ١٩٠٢ :	٥١٥٩٠٠٠	٥٨١٨٠٠٠
» ١٩٠٦ :	٥٢٠٩٦٠٩	٦٣٨٣٨٥٢
» ١٩١٠ :	٥٠٦١٢٧١	[*] ٦٥٩٨٢٨٨

بوجدولدن مستبان اوليورکه فرضا (١٨٩٨) ویا (١٩٠٢)

[\*] موسیو آیهن فلاندهنک راپورندن مستخرج برجدولدر .

تعقیب استدیکی مقصدی بیله تأمینه کافی کلامکده در زیر اقلیتک ازلمسی محق و معقول کورسک بیله بو مثالدن اکلایشلیورکه اکثریت منتخبدنک اقلیت منتخبین طرفدن ازلمسی ممکندر .

بو مثالی صرف بروهم و خیالدن عبارت فرض ایتملیدر . آمریقانک پک چوق ممالکنده بو حاله دفعاتله تصادف اولنمقده در . اوراده قارشو قارشویه بری ره بوبلیقن ، دیکری ده موقرات اولمق اوزره یالکز ایکی فرقه موجود اولدیغندن مجلس مبعوثانه کیرن اقلیت و اکثریتک مملکتده کی فرقه لر منسوبیننه نظراً حقیقی نسبتی بعضاً یوقاریده کی مثالده کورلدیکی اوزره معکوس ظهور ایدر .

۱۳۸ دیکر مثالر . — الیوم جاری اولان اکثریت اصولنک پک معکوس نتایج تولید استدیکنه دائر بودغه تصوری دکل حقیقی بر مثال ده اذ کر اید بیلیرزکه اوده فرانسه ده فعلاً واقع اولمشدر . بونک نظیرینی هر هانکی قانونک حین قبولنده بولمق آساندر . فرانسه ده برقاچ سنه مناقشات و منازعات دورادوره سببیت ویرمش اولان کلیسانک حکومتدن تفریقنه متعلق قانون ۱۹۰۵ تموزینک اوچنده (۳۶۱) رأی ایله قبول ایلدی . (۳۶۱) رأی ویرن اعضا (۲,۶۴۷,۳۱۵) منتخبک و کیلی ایدیله . حالبوکه فرانسه ده کی منتخبلرک مجموعی (۱۰,۹۶۷,۰۰۰) کشی به بالغ اولدیغندن سالف الذکر قانون عموم منتخبلرک اکثریتیه دکل بیوک براقلیتله قبول ایلمش و مملکتده کی اکثریت حقیقیه به رعماً

عارضی بر اقلیت حالته کلیر. بر مثال دها کوزل ایضاح مقصده کفایت ایدر :

۱۳۷ شایان دقت بر مثال . — فرض ایدلم که مملکت هربری ( ۴۰۰۰ ) منتخبدن مرکب ( ۱۰۰ ) دائره انتخابیه به منقسم اولسون . کذاک تصور ایدلم که مملکتده بری ( ج ) و دیگر ( ت ) نامنده ایکی فرقه بولولسون و ( ۱۰۰ ) دائره انتخابیه ( ۵۱ ) ی ( ج ) ایچون ( ۴۹ ) ی ( ت ) ایچون رأی ویرسین یعنی ( ۵۱ ) دائره انتخابیه ده ( ج ) فرقه سنک نامزدی و ( ۴۹ ) دائره ده ( ت ) فرقه سنک نامزدی مبعوث اولسون . طبیعیدر که ( ج ) فرقه سی غلبه ایدر . زیرا مجلسده ( ۵۱ ) اعضای بولونده حق . فقط دیگر طرفدن فرض ایدلم که : منتخبلرک صورت توزع وانقصاصی بوجه آتیدر : ( ۵۱ ) دائره انتخابیه نکه هر برنده ( ۲۵۰۰ ) منتخب ( ج ) فرقه سی ( ۱۵۰۰ ) منتخبده ( ت ) فرقه سی ایچون رأی ویرمش اولسون . دیگر ( ۴۹ ) دائره انتخابیه نکه هر برنده ایسه ( ۳۵۰۰ ) منتخب ( ت ) فرقه سی ایچون و ( ۵۰۰ ) منتخب ( ج ) فرقه سی ایچون رأی اعطا ایتمش اولسون . بکونلر طوتیلورسه کوریلور که مغلوب اولان ( ت ) فرقه سی حقیقتده مملکتک ( ۲۴۸ ) بیک رأیی، غالب کان ( ج ) فرقه سی ایسه آنجق ( ۱۵۲ ) بیک رأینی قازانمش اولیور .

شومثاله نظر آا اکثریت قاعده سی بر قاعده معقوله فرض ایتسه ک دخینه البوم جاری اولان اصول انتخاب بولمزدرو اکثریت قاعده سنک

بکزمہ مک الحاصل پارلمنتو ملنک . مملکت دا خلندہ کی سیاسی جریانلرک ، سیاسی فرقہ نرک حقیقہ بر آیدہ سی بولونمق ایجاب ایدر ؛ حالبوکہ اکثر ممالکدہ جاری اولان اصول اکثریت مع التآف بومہ قصدی ایفایہ کفایت ایدہ میور . اکثریت اصولی دیدیکمز بواصول موجبہ مملکت بر طاقم انتخاب دائرہ لرینہ تقسیم اولونور . ہر دائرہ انتخابیہ دن مبعوثلر اکثریتلہ انتخاب اولونور و اقلیتک نامزد لرینہ عائد اولان رأیلر بوضورتلہ بوشی بوشنہ کیتمش اولور . مملکتدہ ایکی فرقہ بر میامون منتخب و اون دائرہ انتخابیہ فرض ایدہ لم : ہر دائرہ انتخابیہ دہ فرقہ لر دن برینک نامزدی بر رأی فضلہ سبیلہ انتخاب اولونور ایسہ پارلمنتویہ کیدن اون اعضا اکثریت فرقہ سنک اولور . فقط بوتون مملکت دا خلندہ اقلیت فرقہ سنک رأیلری نہایت (۱۰) رأی دون قالمش اولور . یعنی ( ۴۹۹۹۹۰ ) منتخب عادتاً ہیچ مثابہ سندہ قالیر ؛ رأی صفرہ منجر اولور . بولک نہ عظیم بر حقسزلق اولدیغنی ایضاحہ بیلہ حاجت یوقدر . زیرا انسانلر قویون سورسی دکلدزلر . اکثریت نہ قدر ضروری بر قاعدہ اولور ایسہ اولسون اقلیتک ، باخصوص بویلہ بویوک بریکون تشکیل ایتمسی ملحوظ اولان اقلیتک فدا ایدلمسنی ایجاب ایتمز .

رأیلرک کیفیتنی طارتمامق ویا لکزر عدد رؤس اوزرینہ تعداد و تعیین ایتمکدن عبارت اولان بواصول مملکتدہ اکثریتک بیلہ حکمران اولمسنی تأمین ایدہ مز . مملکتدہ حقیقہ اکثریت اولان بر فرقہ مک بعضاً پارلمنتودہ کی اعضاسی اقلیت اولہ بیلیر و بوضورتلہ حقیقی را اکثریت

اکثریت مطلقه حاصل اوله مدینی تقدیرده هیچ اولمازسه دفتر اساسیده اسملری محرر اولان منتخبلرک ربع آراسنی قازانمق ضروریدر. ایستالیاده اکثریت مطلقه شرط اولمقله برابر منتخبلرک لاقول آلتیده بری رایه اشتراک ایتمک لازمدر. عکسی تقدیرده بالوتاز واقع اولور وایکنجی دفعه جمع آرادن مستفید اولان نامزدلر بحارستانده اولدینی وجهله یالکیز برنجی دفعه اک چوق رأی قازانلر اولور.

### انتخابات نسبيه

۱۳۶ اکثریتله اصول انتخابده کی چوروک نقطه لر. — فرانسرجه (représentation proportionnelle) و صوک زمانلرده پک مختصر بر اشارتله (R. P.) و یا دهها صحیح بر تعیر ایله (Election proportionnelle) دیه یاد ایدیلن بو اصول ایوم ممالک متمدنده پک مهم مباحثات و مناقشاته سببیت ویرمکده بولندیغندن بزسخی بوکا دائر بعض معلومات اعطا ایتمک مجبوریتنده بولونیورزه ایوم پارلمنتو موجود و انتخاب جاری اولان مملکتلرک قسم اعظمنده مرعی اولان اصول، اکثریت اصولیدر که تمامینه مقتضیات عدل و حقانیتیه توافقی ایتیمور. حاکمیت ملیه قاعده سنی بر حقیقت اولمق اوزره تلقی ایتدکن و نیابت ملیه اصولانی ده بالضروره تصدیق ایله دکن صوکر ا نوابک و آه بیری کرله ملتی تمثیل ایدنلرک بوسفت تمثیایه سی ممکن مرتبه صحته قریب بولونمق مثل ایله تمثال بر برینه



قبول ایدیلن اصول اکثریت اکثریت اضافیه در بوتاریخی بر تعامل نتیجه سیدر. بوقاعده اودرجه مطلقدرکه موسیو آتین فلانده نك انكلتره مشروطیتنه متعلق اثرنده مندرج اولدیغنه کوره رأیلر ایچون اقلی بر حد بیله تعیین ایدلمز. الكچوق رأی قارانان نامزدلر علی الاطلاق مبعوث اولور و (بالوتاز) جاری اولماز. (برنجی جلد صحیفه ۷۱)

Institution politique de l'Europe contemporaine  
 آمریقادا حکومتات صغیره والیریله - که حکومتات صغیره نك رئیس جمهوریدرلر - اعیانك انتخابدن ماعدا خصوصانده قاعده عمومیه اکثریت اضافیه در. والیرك و اعیانك انتخابی كوچك حكومتلر مجالس تشریحیه سنده واقع اولدیغنه کوره اوراده اکثریت مطلقه احراز ایتینلر ایچون بالوتاز یا عمق قولایدن و ثمره بخمدر. بلایقحا حکومتی انتخابات نسبییه قاعده سنی تطبیق ایتمش اولدیغندن اوراده اکثریت اضافیه قاعده سنكده جاری اولدیغنی بیانه حاجت کورمیز.

كرك آوستریا و كرك مجارستانده اکثریت مطلقه اصولی جاریدر. مجارستانده ایکنجی دفعه جمع آرایه یا لکیز ایلک دفعهده الكچوق رأی قازانانلر داخل اولور.

فرانسهده، ایتالیاده، فلمنکده، دانمارقده، اسوچده ونوروجده اکثریت مطلقه اصولی آزچوق جزوی فرقلرله جاریدر. اسویچرده اکثریت مطلقه قاعده سنی جاری ایسهده

پارلمنتو ایله انتخاب آره‌سنده کی مناسبت ۴۰۵

مبعوث انتخاب ایدلدیگی واقع اوله بیلور . اساساً اکثریت اضافیه ایله انتخاب ایدلدیکندن طولانی حاکمیت . ایله ایله تمامی تناقض ایتش اولان برمنتخب تاینک قوه انتخابیه‌سنده کی بوضع ایکی درجه‌اوزینه انتخاب اصولنک ذاتاً ماهیتده موجود اولان ضعفه منضم اولدوقدن ماعددا منتخب تایلرکده رایلیرینی طاعیده‌رق نصفدن بیله پک دون بر موقعده قاله بیلملری ضعف مذ کوری پک زیاده تزید اتمکده و بواج ضعفک محصولی اولان مبعوثلرده کی صفت حاکمیت و تمثالیته بالطبع او نسبتده متزلزل اولمده در . شو محذوری مهمما امکن بر طرف اتمک ایچون هیچ اولمازسه منتخب تایلرک مبعوثلری اکثریت مطلقه ایله انتخاب ایللری شایان ترجیح کوریلور . مع مافیله بویله بر تدبیر مفرط کورلسه بیله هیچ اولمازسه بر نصاب اقلیت وضع اتمک ومثلاً رایه اشتراک ایدن منتخب تایلرک لا اقل ربع ویا ثلث آراسنی قازانمق مجبوریتنی تحمیل ایلک موافق اولور . زیرا بالفعل رایه اشتراک ایدنلرک ربع ویا ثلث آراسنندن دون رای قازانمش اولانلرک ملت وکیلی عنواننی نه صورتله احرازه مستحق اوله بیله جکلری بحق جای سؤال و تردد کوریله بیلیر .

مالک ساثرده جاری اولان اکثریت اصوللری حقدده برنبده معلومات ویرهلم :

۱۳۵ دیگر مملکتلرده اکثریت . — انکاترده انتخاب واحد اصولی دواثر انتخابیه‌نک قسم اعظمنده تطبیق ایدلمکده اولدینی حالده

اکثریت مطلقه ایله ایشه بر نتیجه ویرمک الی نهابه غیر ممکن اوله .  
چغندر واضع قانونلر بوجع آرانک تکررینه بر حد تعیینی مجبوریتنده  
قالمشلدر . بناء علیه برنجی دفعهده اکثریت مطلقه حاصل اوله مدینی  
تقدیرده ایکنجی ویا اوچنجی دفعهده ارتق نامزدلر کیم اولورسه  
اولسور اکثریت اضافیه ایله اکتفا ضروری کوریلور .

نصاب اکثریتک حاصل اولماسنه بناء عملیات انتخابیه تکررار  
مبادرت ایلمسنه فرانسزجه بالوتاژ دینیلور ...

بعضاً ایکنجی دفعه جمع آراده برقید دهاقونیلور یعنی  
بالکنز برنجی دفعهده اک چوق رأی قارانمش اولانلرک نامزدلی  
اعلان اولونور یکیدن نامزدلر انتخابه ادخال اولونماز . بوسورنله  
بوایکنجی نامزدلردن بری اکثریت مطلقه یی احراز ایدر ایسه  
مطلوب حاصل اولور . ایتمدیکی تقدیرده بونلردن هانکیسی  
اکثریت اضافیه نائل اولمش ایسه اومبعوث اولور .

۱۳۴ دولت عثمانیه و اصول اکثریت . — دولت عثمانیه ده جاری  
اولان اصول اکثریت، کرک درجه اولی آتخاماننده کرک درجه ثانیه  
آتخاباننده ، اکثریت اضافیه در . واقعا انتخابه متعدد اصولنک  
جریانی بر درجهیه قدر بوکا لزوم نوسترمنده ایسهده تعمیق ماده  
اولوندقده اکثریت اضافیه نک زده محذوردن سالم ولدیعی  
کوریلور . بالخاصه درجه ثانیه آتخاماننده بو جهت فوق العاده  
کوزه جارباز و مثلاً ایچی بور منتخب نایسی اولان برسنجاقده  
اوتوز ویلرمی بش کی غایت جزوی و فقط اضافی ونسی اکثریتلرله

قرار اعطا ایلمش اولور لر. بر مجلس مبعوثان، بر محکمه هانکی نوع اکثریت ایله قراره تابع بولونور لر سه بو انتخابچیلر هیئتی ده مبعوثانک حین انتخابنده عینی قاعده یه تابع در لر. بو باده ایکی نقطه نظر ایشته بوندن عبارتدر .

۱۳۳ تکرار جمع آرا Ballotage . - اکثریت مطلقه نیک حاکمیت ملیه یه ده از یاده قریب حسیله مرجع اولدیغنی ذاتاً یوقاریده سویلمش ایدک. انجق «اکثریت مطلقه» فعلیات و تطبیق آنده دائمی ممکن الاستحصال بر نتیجه اولماق اعتبار یله محذوردن خالی اولدیغنی کبی انتخابات نسبیله اصول نه ده مساعد کلددر. فی الحقیقه اکثریت مطلقه - دائره انتخابیه بر مبعوث چیقارسه دخی - هر وقت سهولته تطبیق اولونماز. اکثریت مطلقه نیک بحق متمر اولسی ایچون انتخابچیلرک یک منتظم و عاقل و تشنت آرایه سببیت ویرمکدن محتنب اولملری لازمدر که بوکا هر وقت امکان اوله میور و بوندن طولای اکثر احوالده برنجی دفعه جمع آرا نتیجه سنده نامزدلردن برینک نصفدن بر زیاده رأی قازانسی کوچ اولیور. اکثر قانونلر بوکا چاره اولق اوزره ایکنجی دفعه جمع آرای امر ایدر لر. ایکنجی دفعه ده آز رأی قازانان نامزدلردن بری ویا بر قاجی چکیلیر ومنتخبلر قازانسی محتمل اولان ذاتلره ده از یاده تمایل ایلر ایسه بلکه اکثریت مطلقه حاصل اولور. مع مافیله ایکنجی دفعه ده اکثریت مطلقه حاصل اولماز سه بعضاً اوچنجی دفعه اوله رق معامله انتخابیه جرا ایدیلور. انتخابچیلر رأیلرنده مصر اولدق لری تقدیرده

انتخاب اولونمسنه مانع اولورلر، هم کندی مبعوثلری حقیقتده کندی اختلاط و اتفاق غیر بیلربنک برمدلول ناقص و ناتمامندن باشقه برشی اولماز .

« حقیقتده مسئله بر مذا کره و قراری دکل بر توکیل و تمثیلی لضمن ایدرسه اکثریت متحده و متجانسه هیچ بر صورتله اقلیته حکمران اوله ماز .

« ایشته شمدی به قدر بو ایکی نوع قراری Vofe ( ویا جمع آرا اصولنی ) بر برینه قاریشدر مشلر و بو ایکی نوع قرار حقنده فکر لرده تقرر ایدن بر تشوشدر که اصول انتخابیه بی ده تشویش ایلش و بوتشوش هر دائرة انتخابیه ده اقلیتلرک حقنی ازوب محو ایدن بر اصولی صو کدرجه غیر مشروع، ظالمانه و منفور اولدینی حالده مشروع، محق و معقول عد ایتدیر مشدر .

شو ایضاحاته نظر آ بر مبعوث انتخابی صورتیه حاکمیت ملیه به اشتراک موضوع بحث اولونجه اکثریت اضافیه کافی کلمت ؛ فقط بر قانون قبولی و یا دولته متعلق هانکی بر قرار و تدبیر اتخاذی لازم کلنجه هیچ اولمازسه اکثریت مطلقه آرامق ایجاب ایدیور و ایکی نوع قرار ارسننده ماهیتجه عظیم بر فرق موجود کی کورینبور ایهده بو فکره بوتون مؤلفلر اشتراک ایتماکده در . بو مؤلفلر نظر نده بر مبعوث انتخاب ایدن انتخابیلرک مجموعی مبعوثی انتخاب ایتماکه یا لکمز حاکمیت ملیه به اشتراک ایتش ، بر « قرار انتخاب » اتخاذ ایلش اولمازلر بلکه بر هیئت کی حکمی متضمن

جمله اعضا اتفاق ایدمه مشلر ایسه قرار تعدد ایدمه میه جکندن اکثریتک فکری غالب کلک طبیعیدر . بو نوع قرار مذاکره ده اقلیتک اکثریته تفوق ایدمه میه حکمی بدیهیدر . بناء علیه اکثریتک رأی مجلسک قرار ی عد اولو نور و حتی ناموسکار اکثریتلر اقلیتلرک مشروع آمال و دساتیری میهما ممکن ترویج ایدمه جک استلاف حیوانه فدا کار اقلر اتخاذ الملیدرلر .

« فقط بر هیئت انتخابیه منتخبلرینی انتخاب ایتک اوزره اجتماعه دعوت ایدلدیکی زمان حقیقتده موضوع بحث اولان شی نه در ؟ بر تدبیر حقیقده قرار اتخاذ مییدر ؟ بر مسئله یی شو درلو و یا بو درلو حل ایتکمیدر ؟ بر مذاکره و مناقشه قایسی آچقمیدر ؟ اصلا . . . بوراده موضوع بحث اولان شی هر منتخبک امور دولتده کی حق قرارینی اک مقندر اک لایق برذاته تفویض ایتمیدر . شو حالده بوراده بر قسم منتخبلرک دیگر بر قسم منتخبلرک حقنی اشکال و تعطیل و احایه نه صلاحیتلری اوله بیلیر ؟ ( ۵۰۰ ) و ( ۱۰۰۰ ) و یا ( ۵۰۰۰ ) تخاججینی طویلادیغکز زمان بو انتخابجی هیئتک اکثریتی نه حق ایله اقلیتده قالان قسمی و کیل کوندر مکن منع ایدمه بیلیر ؟ حتی دها ففاسی کندی و یلنی اقلیته قبول ایتدیر مکه اجبار ایدمه بیلیر ؟ آنلک بونک عکسه پک چوق اقلیتلر انتخابجیلر هیئتی آرسنده اک چوق رأیه مالک اولانلرک ممثل و وکیللرینی انتخاب اولونمقدن منع ایچون نه حق ایله اتفاق ایدمه بیلیرلر ؟ بوضورتله هم اک چوق رأی صاحبی اولانلرک رأینی تمثیل ایدن مبعوثک

بر اصول اکثریتیک هر ایکی نوع قرار ایچونده لازم الاتباع بر قاعده اولمامسندده وهله اولاده بر معنا کوریلده منزهده زیرده بحث ایدده جکمنز انتخاب نسییه مروجرلی مقصدلرینی استحصالیتمک ایچون انتخاب متعدده (Scrutin de liste) طرفدار اولدقلرندن و انتخاب متعدده اقلیت فرقه لرینکده مبعوث چیقاره بیللملری امکانی آنجوقا کبثیت اضافیه بی قرار انتخاب (Vote de Libératif) ایچون کافی کوریورلر.

فرانسه مجلس مبعوثاننده انتخاب منعدد و انتخابات نسییه ایچون تشکل ایدن انجمنک مضبطه محرری موسیو آرتور غروسیه تنظیم ایلدیکی جسیم راپورک ۱۲نجی صحیفه سننده انتخابات نسییه اصولنک عادتاً باباسی عد ایدیلن اسسویچره لی ویقتور قونسیده رانک ۱۸۴۲ تاریخنده تحریر ایتدیکی «حکومت نیابیهده صمیمیت» نام اثرندن بو ایکی نوع قراره متعلق فقره بی عیناً اقتباس ایتکده و بو بابده کی دلیلک حالا غیر قابل رد بر قوت وماهیتی حائز بولوندیغنی ادعا ایتکده در. ویقتور قونسیده رانک طرز استدلالنی بوجه آتی نقل ایدم :

«قرار مذاکره - بر مجلس تشکل ایدوبده بر تدبیر اتخاذینه لزوم کوردیکی زمان روزنامه مذاکره به داخل اولان مسئله حقنده باب مناقشه بی آچار بوتون فکرلر کافی درجهده تنور و هرکس او مسئله حقنده بر فکر مخصوص شخصی پیدا ایدنجه آرتق اومسئله او مجلس طرفندن حل اولونماید. اگر

مطلقه ویا طایفه ایله اتخاذ اولونمشدر . ثلثان اکثریت ویا درتده اوج و بشده درت کبی اکثریتلر بالطبع اکثریت مطلقه نك فوقنده بر قیمتی حائزدر .

رایه اشتراك ایدنلرك اوج یوز الیسی بر جهتی ، ایکی یوز الیسی ایکنجی بر جهتی ، ایکی یوزی اوچنجهی ، یوز الیسی دردنجی ، ویوزی بشنجهی بر جهتی ترجیح ایدرسه اووقت بش نوع آرا موجود اولوب بونلرك دیکرینه نسبة و اضافه الك زیاده سی اولان ( ۳۵۰ ) اکثریت ، فقط اکثریت اضافه در .

شو ایضاحاته نظراً قرارلرك باشلیجه ایکی درلو اکثریت ایله اتخاذ اولونه جنی تبین ایدر آنجق جمع آرا نتیجه - سنده کی قرار (Vote) بعض مؤلفلر طرفندن اساساً ایکی نوعه ارجاع اولونیور .

بری بر مسئله حقنده له وعلیده بر رأی و مطالعه در میان ایتمک ایچون دیکری بر شخصی و مثلاً انتخابات بحقنده بر مبعوثی انتخاب ایتمک ایچون اتخاذ اولونور . عجباً اکثریتلرك انواعی و قیمتلری حقنده ایلری به سور دیکمز فکر هر ایکی نوع جمع آرا و قرار حقندهده صحیح میدر . یعنی اکثریت مطلقه هم برنجی شکله کی قرارلره - که بز آکا قرار مذاکره (Vote délibératif) دیه جکز - و هم ایکنجی شکل قرارلره - که بز آکا قرار انتخاب (Vote Représentatif) دیه جکز - تطبیق اولونقمی لازم کلیر؟ حد ذاتنده بر قیمت و مزیتی حائز اولان



و مقیاسمز ( اتحاد آرا ) اولق لازم کلیر . اتخاذ اولونان مقرر آتک عزیت و قیمتی اتحاد آرادنبلن مقیاسه درجه قریت و تبعاً درینه کوره تعین ایدر . برنجی نتیجه شو اولور که قراده اصل اولان اتحاددر . آنجق اتحاد استحصالی دائماً ممکن اولمدینی ایچون اکثریا بو اصلک خلقی اولان ( اکثریت ) اصوله کیدیلور .

۱۳۲ اکثریت ( اکثریت مطلقه ، اکثریت اضافیه ) . — شو حالده هانکی اصول اکثریت ترخیص اولونمق لازم کلیر سؤالنه هانکی اکثریت اتفاق آرایه یاقین ایسه جوابی سهولته ویریله بیلیر . بو نقطه نظر دن اکثریتلرک بر چوق انوعی تصور اولونه بیلیر . اتفاق آرا ناقص واحدن اعتباراً ک دون طبقه قدر اینله بیلیر و مثلاً آلتیده بش ، بشده درت ، درتده اوج ، اوچده ایکی ( یعنی ثلثان اکثریت ) و نهایت آرایه اشتراک ایدنلرک نصفندن بر زیاده سی تصور اولونه بیلیر . بونلرک جمله سی درجات اعتباریله در . آنجق آرانک نصفندن بر زیاده سنه عمومی بر نام ایله اکثریت مطلقه ( Majorité absolue ) و یا اکثریت عادیه اطلاق اولونور . آرایه اشتراک ایدنلرک نصفندن دون مقدارده رأینسه اقتران ایدن مقررات دخی اکثریتله اتخاذ اولونمش صابیله بیلیر و او وقت بوکا اکثریت نسبییه و یا اضافیه ( Majorité relative ) دینیلور . مثلاً برقراده رأیه اشتراک ایدنلرک عدی بیکدر . نصفندن لا اقل بر زیاده رأی ایله یعنی بش یوز بر رأی ایله اتخاذ اولونان قرار اکثریت

اتفاق آرا ایله بر مسئله حقنده اتخاذ قرار ایدن بر ملتک  
 حاکمیتند کی احتشام و شعشعه تظاهره نظراً اکثریتک انواع  
 سائرمی ایله اتخاذ اولونان مقررات بالطبع پک سوتوک قالیر.  
 حاکمیت ملیه نك واقعا اکثریتله ده اتخاذ مقررات اولوندینی  
 تقدیرده تجزی و انقسامه اوغرامش فرض اولونه میه جغنی  
 کوردک . آنجق اتحاد آرا حاکمیت ملیه بی تخریب و انقسام  
 کبی هر درلو شبهه و شائبه دن بوس بوتون تنزیه ایدر .

مع مافیہ هربری آیری بر نسخه کائنات دیمک اولان افراد  
 بشر ایچون بویله بلا مقاومت و تردد عینی بر قرار قالینک  
 بی ادراک بر خمورینی تشکیل ایتک متصور دکلدیر . فرد هویتی،  
 منافعنی مدرک اولدقجه بر تمایل مخصوص شخصی به تابع اولمقدن  
 کندینی منع ایدمهز . انسانلر فابریقه لردن چیمش قوقله لر کبی  
 متحرک اوله میه جقلرندن هربری کندی طلمنده بر استقلاله نائل  
 اولمق ایستر بو مختلف استقلاللرک متوازی اولمی ممکن اولدینی  
 کبی متخالف اولمی ده ممکندر . جمله افرادک عینی بر نقطه ده  
 متحد الامل اولمی پک نادراحواله انحصار ایدمه بیلیر . اکثر  
 احوالده ایسه آرانک تخالفی ضروریدر . وایشته  
 بو تخالف اک کوزل بر اصول اولان اتحاد آرانک  
 بشریت حاضره ایچون پک آر احوالده میسر اولمسنه باهت  
 اولمقددر .

بو ایضاحاته نظراً اتخاذ مقررات خصوصنده کی اساس

حد ذاتنده قرارك اك اييى ، اك نزاعدن آزادهسى  
 ومرام ايله قرار آره سنده اك زياده مطابقت و آهنگ تامين ايدنى  
 شبه يوقدر كه شخص واحد طرفندن اتخاذا اولوناندر . فقط  
 قرار بالخاصه مجلس مشاوره ومذاكره نك ترايدينه مصادف  
 شعصر مشروطيته اكثر احوالده متعدد ومجتمع كيمسهر  
 طرفندن اتخاذا ايديله بيله جك برقرارك اك پروزسى بومتعدد  
 ومجتمع كيمسهرلى شخص واحد حكمنده طومتقدركه بونى  
 آنجق بوكيمسهرلى يكوچود . يك فكر ويك لسان اوله رق اعطاي  
 راي ايتلمى يعنى اتحاد واتفاق ايله قرار ويرملى صورتنده  
 استحصال ايد بيليرز . بوراده واقعا حقيقتده بروحدت موجود  
 اولدينى قابل انكار دكلدر . هر نه قدر اتفاق ايله ويريلن  
 مقررات بيله استقلال رايه مالك اولمسانلرك ديكر لرينه اتباع  
 صورتيله رايلرنده برسلامت وصميميت تامه ، يعنى اصحاب اراده  
 ايله قرار ديديكمز نتيجه ارسنده - شخص واحد مثاننده  
 اولدينى وجهه - برمطابقت كامله يوق ايسه ده خلقت بشريه  
 اعتباريله اشخاص مجتمعه طرفندن بوندن ده كوزل برقرارك  
 صدورينه امكان متصور دكلدر وايشته بوندن طولاييدر كه  
 بردن زياده كيمسهرلردن مركب مجالسده اتفاق آرا ايله ويريلن  
 مقررات منتهاي امكان و بناء عليه كماله اك قريب صاييله بيلير .  
 حاكميت مليه نقطه نظرندن ده تدقيق ماده ايديلورسه  
 اتفاق آرا دنيلن شى حفته عيني حكى ويرمه مك ممكن دكلدر .

(۲۵۲) دیورکه : « ... اکثریت قاعده‌سی طبیعی و لازمدر .  
 و هرکس ایچون مسالمت‌پرورانه و قابل قبول بر اصول وار ایسه  
 اوده بودر . و انما اعطای رأی و اتخاذ قرار ایچون ینه اکثریت  
 قاعده‌سی قدر ساده اولمق اوزره دیگر ایکی طریق واردرکه  
 بونلرک برنجیسی اعطای رأی ایدنلرک اتفاق آراسیدر . دیگری  
 ایسه جمعیتده اک حکیم و فطین اولانلرک رأینه اتباع اصولیدر .  
 آنجق بر آرز و سعتلی و طاغینق اولان بر جمعیتدن استحصال  
 قرال ایچین اتفاق آرا طریقق اختیار ایتمک عادتا خیال آرقه‌سندن  
 قوشمقدر . پک محدود و صوک درجه ابتدائی محیطر استمتنا  
 ایدیلورسه هیچ بریده اتفاق آرا طریقق اختیار ایدلامشدر .  
 بونلکه برابر بویله محدود محیطلرده دخی بواصولک بر نتیجه‌یه  
 اقتران ایتسی حقیقی اولمقدن زیاده ظاهریدر . زیرا بوکبی  
 جمعیتلرده خلق متفکر بالذات دکلدر . متنفذ آدملرک رأینه  
 عادتا مقاوم‌متسوز بر انجذاب ایله تابعدر . منتظم ورشید بر ملتده  
 بواصوله اتباع اونور ایسه هیچ برایش کورلمز و حیسات  
 جمعیت عطالت مطلقه‌یه دوچار اولمش اولور . اک حکیم و فطین  
 اولانلرک رأینی قبول بحثنه کلنجه ؛ بو حکیم و فطین اولان کیمسه  
 لرک خاصهٔ میزهٔ خارجییه‌سی نه‌دن عبارت اولدینی جای تدقیقدر .  
 یالکنز ابتدائی جمعیتلرده بوخاصهٔ میزه‌بی مهما امکان بولمق  
 ممکندر . زیرا اووقت شیخوختک عقل و درایت ایچون مابه .  
 التیمز اولدینی کوریرز . هر حالده کوریلورکه قانون اکثریت  
 عقلک وهلهٔ قبول ایدمیه‌جکی بسیط بر فکردر . »

انفصال و نکتلرینی اونلردن منتظر اولان والیلر ، متصرفلر ، قائم مقاملر ، پره فہلر ، سورہ فہلر فعالیت تامہ ایچندہ بولنورلر . حکومتک نامزدلرینہ نہ قدر ممکن ایسہ او قدر سہولت ابراز ایدر ، خلا فکیرانک ایشنی ایسہ کو جلدشدر دیکہ کو جلدشدر لرلر . دائرہ انتخابیہ کو چیلورسہ بو محذور دہا چیر کین و مؤثر بر شکل اکتساب ایدر . وسعت بولور ایسہ و فرضا بوتون برو لایت استیعاب ایدر ایسہ والینک نفوذی دہ اودر جہ طاغیلمش ، قیرلمش و تعریف ایتدی کمز فنا لک ممکن مرتبہ اوکی آلمش اولور . انتخاب متعدد اصولی تعریف ایتدی کمز محاذیردن بوس بوتون تجرد ایدہ مز سہ دہ اہون صاییلیر . اساساً بو تصور لک بر قسمی اصوللردن زیادہ انسا نلردہ وانسا نلرک اخلا قندہ در . بر طاقم عادتلر ، منفعتلر ، حسلر چابوجق دیکشدیر یلہ مز ، ہر ممالکتک اشرفانی کندی . ممالکتلرینہ وبال نتیجہ کندی شخصلرینہ جلب منفعتہ ساعیدر لر . انتخاب متعددک بالخاصہ بر محسناتی دہا واردر کہ اودہ زبردہ تعریف ایدہ ج کمز انتخابات نسبیہ اصولی تسہیل ایتسیدر .

آنحوق انتخابات نسبیہ بحثنہ کچمہ دن اول کرک مبعوث انتخابندہ و کرک سائر مقرراتک اتخاذندہ جاری اولان اکثریتلرک ماہیتی حقندہ بر بندہ معلومات ویرہ لم .

۱۳۱ اتحاد آرا . — حقوق اساسیہ مؤلفلردن موسیو ایسمہن حقوق اساسیہ نام اثرینک صوک طبعندہ ( صحیفہ

نظر اولنور . موسیو ایسمه‌نک دیدیکی کی مملکتده کی بحران سیاسی ده‌ا کوزل و صریح اوله‌رق تعیین اولنه بیلور : والدهق روسو دیورکه : « انتخاب واحد اصولی انتخاباتی اجرا ایدن دائره‌نک معیار حقیقی افکاری اولمقدن زیاده انتخاب ایدیلن ذاتک درجه شهرته مقیاسدر . انتخاب متعدد اصولنده منتخب انتخاب ایده‌جکی ذاتی علی‌اکثر طانیماز . کندیسنه ارانه ایدیلن جدولی قوت‌تزل ایده‌مز . بو طوغریدر ، فقط بوندن شکایت ایتمک ده‌ما موافقدر . نامزدک شخصاً و تفصیلاً بیلمسنه حاجت یوقدر . - ذاتاً بوکا حقیقتده ده‌امکان یوقدر - فی‌الجمله معروفیت کافیدر . باخصوص نامزد دائره‌نک دکل عموم مملکتک و کیلی اولدیغدن منتخبک اوقدر طانیسنه بیله محل کوربیله‌مز . منتخبلر ایله نامزد آره‌سنده یک صیقی فیقی مناسبت ای بر شینه علامت اوله‌ماز . و هر حالده بو صورتله تعیین ایدیلن مبعوث منتخبلرینک فعلاً اسیری و اولنرک عادتاً قیو چوقداری اولور . اکثر کونلرینی منسوب اولدینی مجلسده دکل ، ناظرلرک انتظار حالوننده کچیرر .

انتخابات دائره‌لرینک کوجلمسندن مهم بر محذورده حکومتهک انتخاباتی ایستدیکی نتیجه‌یه ایصال امرنده حائز اوله‌بیله جکی سهولتدر . راس کارده بولنان حکومت دائماً انتخابات نتیجه‌سنک کندیسیمی ایچون اکثریت تأمین ایتمسینی آرزو ایتمدیگندن انتخابات دوره - سندده داخلیه ناظرلری و آنلره تابع و ترفیع و ترقیلرینی ویا

علیه صرف کندی رأی و اختیار لریله جدول تنظیم ایدمه مزله .  
مختلف فرقه لریك انتخابات هیئت لری طرفندن ترتیب ایدیه جك  
جدول لری ده لایق بیه تفتیش ایدمه مزله . هر کس جدولك باشنده کی  
برنجی نامه - که فرقه لرا کثریا بوایلک اسمی اک زیاده معروفیت  
قزانا نلر ارسندن تفریق ایدرلر - آلدانه رق دیکر لرینی  
طایمه دن عادتا کور کورینه جدولی قبول ایدر .

۱۳۰ مناشه . - موسیو ایسمه نك بو افاداننده کی قوتی  
تصدیق ایله برابر انتخاب متعدد اصولنك قصور لری دها چوق  
اولدینی ادعا اولنه بیلور . هیچ شیهه یوقدر که انتخاب واحد  
اصولی سوء استعمالاته اك کنیش برقیو آچار . انتخاب ایدلمکه  
موفق اولانلر اک عالی ، اک ناموسکار اولانلر دکل اکثریا اک  
زیاده مواعیده بولنانلر ، اک زیاده مأموریت ، نشان استحصا  
ایدن ویا ایتمک استعدادنده بولنانلر و بعضاً ده ساده جه جمع آرا  
ایچون اک چوق باره صرف ایدنلر در . دائرة انتخابیه کوچیلور ،  
انتخاب ایدیه جك ذات یالکنز بر کشی به منحصر قالیرسه  
شخصیات چوغالیر و مناسفی عمومی اولان مسألدن زیاده  
مسائل و منافع محلیه کوزه دیلور . واقعا انتخاب متعدد اصولنك  
قبول ایدلمسیله بوکبی محاذیرك کوکندن کسیمیله جکنی هنوز  
کیسه ادعا ایتماشدر . آنجق بوسوء استعمالنك انتخاب متعدد  
اصولنده دها کوچ ودها بعید الاحتمال اولدینی قابل انکار  
دکلدر . برده انتخاب متعدد اصولنده شخص ایله برابر پروغرامه

مجلس مبعوثانده - پارلمنتو ایله اداره اولنان حکومتارک بودرجه  
 اشد احتیاج ایله محتاج بولندیغی - قوتلی و متجانس اکثریتارک  
 حصولنه خیلی فائده ویرر.   
 ثالثاً، سربستیء انتخابی انتخاب واحد اصولندن دها کوزل  
 تأمین و انتخابات سوء استعمالاتی دها زیاده اشکال ایدر. اداره  
 مأمورلرینک تضییق و تشویقی دائرة انتخابیه توسع ایتدکجه آزالیر  
 برنامزدک جمع و استحصال آرا ایچون واقع اولان سخاوتلرینه،  
 نقداً اختیار ایدم جملری فدا کارلقلمه دها آرز میدان قالیر  
 زیرا دائرة انتخابیه دهارتمان درجه‌سنده وسعت بولورسه نامزد  
 طرفندن بویولده اختیار ایدیلن مصارف مؤثر و مثمر اوله بیلیمک  
 ایچون دها جسم بولمق اقتضا ایدر. بوند طولایی پاره ایله  
 رأی آلمق اصول سخیفه سی محکوم زوال اولنور.

بو اوصاف و مزایاتک بر قسمی محقق و قطعی و فقط دیکر بر  
 قسمی ده شبهه لیدر. هر حالده بو اصولک غیر قابل اعتراض  
 قصور لریده واردر.

با خصوص نظریات دائرة سندن فعلیانه کیلورسه بو قصور لر  
 دها زیاده کوزه چاریار. فی الحقیقه انتخاب متعدد اصولی نازکدر  
 و استعمالی کرجدر. عوامه اتکا ایدن قضا و خشین پارمقلمه  
 اوقدر یا قیشماز. بودرجه نازک و تکمیل ایتمش بر آلت منتخبلرک  
 قسم اعظمی طرفندن ایی قوللانیله ماز. بونلرک بر چوغی  
 دهارتمانده نامزد قید اولنانلری کافی درجه‌ده طایمازلر و بناء



و فرقه لرمقارشو آنى قوتلى بولوندير مق ايسترميسكنز؟ اكار قداش  
ويريكز قوتلى تشرىك ايديكز ، انسان كتله لى تريبه  
ايديكز وايشته يالكز بوكتله لردر كه مقاومت ايد بيلير لر .

انتخاب واحد اصولى مروج اولان موسيو ايسمن انتخاب  
متعدد اصولنه استناد اولان فضائلى ده اشاعيده - قسماً رد  
وابطال ايتك ايجون - بروج آنى تعداد ايد بيلور كه بزده  
انتخاب متعددك فضائلى كو سترمك ايجون نقلى مناسب كوردك .  
«اولا ، انتخاب متعدد اصولنجه منتخب بر دكل متعدد  
مبعوثلر انتخابنه مجبور اوله جفندن بو اصول منتخبلر ك تزويد  
حق و غيرته باعث اولور .

ثانياً بو اصول انتخاباته ده بو بوك بر معنا و قيمت سياسيه بخش  
ايدر . فى الحقيقه برامبعوث نامزدىك بر ولايت ويا ده پارتمانده  
اكثريتك آراسنى نفسنده جمع ايد بيلمسى ايجون پروگرامى  
كافى درجه ده توسيع ايتسى ، مقاصدينه ده واسع حدودلر  
ويرمسى ، صرف منافع محليه دن تجريد نفس ايدرك ده اشموللى  
بر نظر مالك اولمسى ايجاب ايدر . بر آرونديسمانك - ممالك عثمانيه ده  
بر قضايه آز چوق معادلدر - منافعى كوزه ديپلورسه او منافع  
محدود قانير . حالبو كه بر ده پارتمانك هيئت عموميه سنه عائد ير  
منفعتك دولت و مملكت عموم منفعتنه مربوط اولمامسى نادر -  
الوقوعدر . بو صورته انتخاب متعدد اصولى ملته موجود بيوك  
افكار جريانلرينه مساعد بر مجرى كشاد ايد بيلور بناء عليه

وکیللری دکل بالعکس بتون هیئت نواب بتون هیئت ملتک وکیلدر . شواساس قبول ایدیلمجه اک موافق اصول - اکر امکان اولسه - بتون ملت افرادینک عینی زمانده بتون نوابی انتخاب ایتمسندن یعنی مملکتک هیئت عمومیه سی منفرد بردائرة انتخابیه فرض ایدیله رک نوابک کافه سی عینی برجدوله درج ایله انتخاب صندوقه آتمسندن عبارت اوله جق ایدی . فقط بوکا ماده امکان اولدیغندن بو مقصده مهما امکان قریب اولان اصوللر التزام ایلمک ایجاب ایدر . حقیقت تامیله استحصال ایدیلمینجه حقیقته مهما امکان یا قلاشمیلدر . فن و نظریاتک تعقیب ایتمدیکی غایه امله - امکان دائره‌سنده - نه قدر تقرب ایدیله ایه طبیعیدر که او قدر ای برایش کورلمش اولور . مسئله یی فعلیات نقطه نظرندن تدقیق ایتمدیگمز تقدیرده مع التأسف اودرجه بسیط کوره‌میز .. انتخاب متعدده اک زیاده طرفدار اولان بلجیقایلیر انتخاب واحدی « محاربه اشخاص » انتخاب متعددی ایسه « محاربه افکار » عد ایدر لر . زیرا انتخاب متعدد منتخبی محیط محلی روزکارندن ممکن مرتبه مصون قیلار . مشهور روویه قولارک زیرده کی سوزی بلجیقایلیرک بالخاصه رهبری اولمشدر :

« انتخابچینک هر نه کورمکه مجبور ایسه کورمسی و آندن فضله برشی کورمامسی ایسترمیسکنز ؟ آنی هوای محلیدن تجرید ایدیکنز ، بوکسلدیکنز ، افقی کنیشه تیکنز حکومته

کوندره بیلیرلر ایدی. انجق تاریخ مذکوردن بری انتخاب واحد اصولی اوراده تقرر ایتشدور .

اسوچده مجلس مبعوثان ( ۲۳۰ ) اعضادن مرکبدر . مملکتی تشکیل ایدن دوائر انتخابیه دن (۱۹۱) ی بر مبعوث انتخاب ایدرایکن یعنی بونلرده انتخاب واحد اصولی جاری ایکن یالکمز بش دائرة انتخابیه متعدد مبعوث کوندرمکده در . شو خالد نوروج الیوم انتخاب واحد و انتخاب متعدد نقطه نظرندن اصول مختلطیه تابع دیمکدر .

مختلط اصوله تابع مملکتلردن بری ده انکاتره در . عوام قاره سی اعضاسی (۱۷۰) دن عبارت اولوب اعضای مذکورہ ( ۶۴۳ ) دائرة انتخابیه طرفندن انتخاب ایدیلور . بناء علیه (۲۴) بورغ و (۳) دارالفنون استناد ایدیلیرسه هر دائرة انتخابیه دن یالکمز بر مبعوث چیمقده در . ۲۴ بورغ ایله (۳) دارالفنونه ایسه ایکیشر مبعوث انتخاب ایدیلور و بناء علیه انتخاب متعدد اصولی جاری اولور . اوقسفورد کمبریج و دربلن دارالفنونلری ایکیشر مبعوث کوندرلر .

۱۲۹ انتخاب متعدد رجحانی . — مختلف ممالکده جاری اولان انتخاب واحد و انتخاب متعدد اصوللری حقنده بونک مختصر معلوماتدن سوکره بوبحی تنقید و محاکمه ایتک لازمدر . بونک ایچون مسئله یی ایکی صفحه اعتباریله . یعنی اول امرده نظریات ، درجه ثانیه ده فعلیات اعتباریله تدقیق ایده جکر . نظریات جهتی درپیش ایتدیکمز تقدیرده انتخاب متعدد اصولنک رجحان علمی و عقلیسنی تصدیقده کوجلک چکمز . اولجه نیابت ملیه اصولنی ایضاح ایتدیکمز صروده دیمش ایدک که وکلای ملت حقیقتده منسوب اولدقلری دائرة انتخابیه نک

ایدلشدر . او وقتدن بری انتخاب متعدد اصولنک اعاده سی ایچون دفعاتله واقع اولان تکلیفله ره رغماً انتخاب واحد اصولی بیدار بولمقده در . شمدیکی حالده بومسئله انتخابات نسییه بختنده سویله جگمز وجهه مجلس مبعوثانده مذاکره ایدلمکده اولوب نتیجه سنه انتظار اولومقده در . ( ۱۹۱۲ )

فرانسه ده بالنسبه آرزمانده او قدر دفعه لر بونقطه حقننده تبدیل قانون و مسلک ایدلسی بوبابده قطعی برقرار اتخاذا ایدله مدیکنه دلالت ایدر . اکلایشیلدیورکه هرابیکی اصولکده محسنات و محاذیری چوقدر . بعض الحجات سیاسییه ده بوکا انضمام ایدهرک قطعی برقرار ویره رک ایکیسندن بری ترجیح ایدله میور .

۱۲۸ ممالک مختلفه ده انتخاب واحد و متعدد . — دیگر مملکتله کنجه اونلرکده برقمنده انتخاب واحد دیگر برقمنده انتخاب متعدد اصولری جریان ایتمکده در . بالفرض فلنک و دائیما رقه ده و مجارستانده انتخاب واحد اصولی جاریدر .

بلجیقاده آرون دیسمانلردن متعدد مبعوث چیقارلمسیله اکتفا ایدلیهرک بعضاً برقاچ آرون دیسمان برلشدر لیکده و بوضورتله انتخاب متعدد اصولنه براندها کشایش ویرلمکده در .

اسویچره نک ۹ : دائرة انتخابیه سی واردرکه هر رندن برالی بش مبعوث چیقارلمقده در .

ایتالیاده بر آره اق انتخاب واحد اصولی حکم فرما ایکن ( ۱۸۲۰ ) الی ( ۱۸۶۲ ) بالاخره انتخاب متعدد اصولنه رجوع اولونمش ( ۱۸۸۲ ) الی ( ۱۸۹۱ ) فقط شمدی انتخاب واحد اصولی جاری بولومشدر . نوروج حکومتی ۱۹۰۵ سنه سنه قدر انتخاب متعدد و انتخاب واحد اصولنی مختلطاً تطبیق ایتمکده ایدی . بعض دوائر انتخابیه متعدد مبعوث

مع مافیه بولیسته اصولی يك چوق اعتراضات و مناقشات  
موجب اولدیغندن بوبابده بر قاج سوز سوزیلکه لزوم کوریورز :  
فرانسه ده لیسته اوزرینه انتخابات اصولنده ده پارتمان وتك  
اسم اوزرینه انتخابات اصولنده آرون دیسمان دنیلن تقسیمات اداره  
اساس طوتلدیغندن بو بابده کی مناقشه ده پارتمان واورندیسمان  
اوزرینه انتخابات نامرلیله یاد اولمقده در .

۱۸۴۸ قانون اساسی موجبجه فرانسه حکومتی لیسته اوزرینه  
انتخابات قاعده سنی وضع و تطبیق ایتمش و انتخابات ممکن مرتبه غل و غشدن  
آزاده اولسی ایچون بوندن بشقه چاره اولدیغنه ذاهب اولمش ایدی .  
۱۸۵۲ ده اوچنجی ناپولیون بو اصولی تغییر ایتمش و انتخاب واحد  
اصولنی اعاده ایتمش ایدی . ۱۸۷۱ محاربه سندن سوکرا جمهوریتك  
عودتی اوزرینه ینه انتخاب متعدد اصولی ۱۸۴۸ اساسی موجبجه اعاده  
اولمش فقط ۱۸۷۵ قانون اساسیسنك چین مذا کره سنده بو اصول  
هرنه قدر غامتتا ودها سائر ذوات طرفندن مدافعه اولمش ایسه ده  
انتخاب واحد اصولنك شدتله مروجی اولان ( لوفه و رپورتالیس ) ك  
تکلیفی قبول اولمشدر . ۱۸۸۲ ده غامتتا رئیس وکلا اولدیغی زمان  
انتخاب متعدد اصولنی قبول ایستدیرمکه سوک درجه چالیشمش ایسه ده  
مقصدینی ترویججه موفق اولمدن قابینه سی دوشمش و براز سوکرا کنیدی ده  
ترك حیات ایلمشدر . مع مافیه ۱۸۸۵ ده انتخاب واحد اصولنك  
محدورلری کوزه چاره برق انتخاب متعدد یعنی ده پارتمان اوزرینه انتخابات  
اجراسی قرار کبر اولمش و بوحال ۱۸۸۹ سنه سنه قدر دوام ایتمشدر .  
۱۸۸۵ ده بولانزه طرفدارلرینك چوغلمسی و بوذاتك براوچنجی ناپولیون  
اولتی استعدادینی اخذ ایلمسی اوزرینه ۱۸۸۵ قانوننك احکامی اعاده

انتخابیہ نك هر برنده يالكز بر مبعوثی انتخاب ايدلك يوقسه  
انتخاباتی دها واسع طوتهرق هر منتخبه برقاچ مبعوث انتخاب  
ایتمک صلاحیتنی می بخش ایتمک دها موافدر؟

فرانسه ده برنجیسنه: (Scrutin uninominal)، ایکنجیسنه  
(Scrutin de liste) دنیلورکه بزونی اسانمزه انتخاب واحد  
و انتخاب متعدد طرزنده ترجمه ایدلم:

اليوم ممالك عثمانیه ده كرك منتخب ثانيلره كرك مبعوثلره  
كوره لیسته اصولی یعنی انتخاب متعدد طرزنی جریان ایتمکده در  
كرك درجه اولاً ، كرك درجه ثانیه انتخاباتنده منتخبلر يالكز  
براسم یازوب انتخاب صندوقه آئیمورلر ، متعدد اسملری  
بردن یازیورلر ۱۳۲۴ و ۱۳۲۸ انتخاباتنده بك اوغلی شعبه  
انتخابیه می درجه اولاً انتخاباتنده هیچ او قومق یازمق بیلمیان  
منتخب اوللرك برلیسته اوزرینه یوزه قریب منتخب ثانی  
اسامیسنی یازدقلری و یادها طوغریسی یازدیردقلری واقع اولدی.  
لیسته لر بودرجه طویل الذیل اولنجه البته محذورن سالم  
اولماز . زیرا او قومق یازمق بیلمینلر شویله طورسون اولدجه  
درایت و معلومات صاحبی اولانلر بیله نه اودرجه واسع بر  
احاطیه نه ده لیسته ده کی اسامی ایله او قدر صیتی بر معارفیه  
مالکدرلر . مع مافیہ بودفعه کی درجه اولی انتخاباتنك بوشکل غیر  
مقبولی یالكز استانبولده كورلمش و طشرلرده هر قضانك منتخب  
ثانیلری ناحیه اعتباریله انتخاب اولندیقندن لیسته لرك طولی حد  
معقولنه اینشدر. [انتخاب بحثنه مراجعت]

درجه اوزرينه انتخاباً کثريا يا ککش تلتی ايدلديکی وجهله مطلقاً آرای محدودی تضمن ایتمز ایکی درجه اوزرينه انتخاب اصولی آرای عمومیه ایلده تماماً قابل تألیفدر .

بر مملکتده هم آرای عمومیه، هم بلا واسطه انتخاب اصولری تطبیق ایديله بیلیر . نته کیم بر مملکتده آرای محدودده اصولنک تطبیقده مطلقاً بالواسطه انتخاب اصولی تضمن ایتمز . آرانک ساحه سی طار و محدود اولور بونکله برابر رایلر بلاواسطه ویریلور .

۱۲۷ دوائر انتخابیه . — حاکمیت ملیه قاعده سنک تمامی انکشاف و تظاهری ایچون بوتون ملت بر دائرة انتخابیه عد اولنق و بناءً علیه کافهً منتخبین دفعهً کافهً نوایی انتخاب و تعیین ایتمک و مثلاً بر ممالکت داخلنده اوچ یوز مبعوث بولنه حق ایسه هر بر منتخب بر جدول اوزرينه (۳۰۰) مبعوثک اسمنی یازمق اقتضا ایدر . آنجق ملیونلرجه منتخبه مالک اولان مملکتلرده بوکا امکان بولنمدینی طبیعیدر و بو عدم امکان قارشوسنده بولنان قانون واضعلری تسهیلاً للمصلحه مملکتی انتخاباته کوره بعض دوائر تقسیم ایتمشردر . دوائر تقسیم بحی اساساً کوچ اولوب آتیاً انتخابات نسبیه بحمنده تدقیق ایده جکمز وجهله پک چوق جهتک دریش اولمنسی اقتضا ایدر . مع مافیه بو مسئلهده مهم بر نقطه دها واردر که اونی بوراده صرہ سی ککش ایکن تدقیق ایتمک ایجاب ایدر . دوائر

دیگر له او مملکتک اهاالیسی طوغریدن طوغری به مبعوث انتخاب ایده جک درجه ده اهلیت اکتساب ایده بیلمش ایسه او تقدیرده ایکی درجه اوزرینه انتخابه کیتمکده معنا یوقدر اهالی کندی کندینه تدویر امور ایدرک ، یعنی طوغریدن طوغری به طرز حکومت کیده مه مکه برابر هیچ اولمازسه مبعوثلرینی تمیزونیابت اصولیه اجرای حکومت ایدیور دیمکدر . عکس حالده ینه اهالی به طوغریدن طوغری به مبعوث انتخاب ایتدیرمک تحصیل ابتدائی پی کورمینلری مکاتب تالیه به قویغنه بکزر .

بومبجده شهر لیدر ایله کویلیلری بر درجه به قدر یکدیگر نندن تفریق ایتمک لازم کلیر . معارف عمومی سی متوسط درجه ده بولونان بر مملکتده شهر اهاالیسنک قابلیت سیاسی اکثریا کویلیلردن زیاده اولور . صنعتکار و تجارتگاه اولان بر بلده اهالی فعاله سنک نعمت معارفدن بالنسبه محرومیتی ضروری اولان قیر سکنه سنه تمیز و ادراک سیاسی اعتباریله متفوق اولدینگی اکثر یرلرده کوریلپور . بناء علیه بر مملکت ایچونده سیاناً بلا واسطه ویابالواسطه انتخاب اصولانی وضع ایتمک ، بعضاً طوغری چیقماز . ممالک عثمانیه به کلنجه ؛ بعض بویوک شهرلرده معارف بالنسبه دهه متعمم اولغله برابر قواعد انتخابیه ایله الفت دون اولدیغندن بر قاج سنه دهه شهرلرک ایکی درجه اوزرینه انتخابه تابع طوتولسی دهه فائده لی کوزونمکده در .

بو بجه ختام ویرمدن اول شوراسنی ده سویلیلم که ایکی



کې منتخب ټاڼيلر ده رأی ویرمکده سر بستدر . وهیچ بروع ووعیده تابع دکلدر . حال بویله ایکن فعلیاتده مبعوثلرک دوچا تقید اولماسی مشکلدر . واقعا بعض مملکتلر ده ومثلا آمریقا رئیس جمهوری انتخاب ایچون انتخاب ایدیلمن منتخب ټاڼیا تعلیماته ووکالت مقیده یه تابعدرلر . فقط بالفرض ممالک عثمانیه منتخب ټاڼیلر قانوناً هیچ بر تعلیماته تابع دکلدرلر . ایستدکلرک مبعوث انتخاب ایدرلر بونکله برابر منتخب ټاڼیلرک منتخب اولدیله بر نوع معنوی مقاوله و تعهدی وار او تعهددن چیقما اونلر ایچون حسیات وجدانیه یه مخالف دوشر . هر نه قدر منتخب ټاڼیلر رأی خفی ایله مبعوث انتخاب ایدرلر و بناء علیه منتخبلریند حقیقی وجدی بر مراقبه سندن متأثر اولمازلر سه ده منتخب ټاڼیلر ده بوتون انسانلر ده اولدیغی کی اصل اولان تعهدد عدم نکول اولدیغندن خفياً رأی ویرلمسی حالنده دخی تعهد مذکور خار جنده حرکت ایده جک منتخب ټاڼیلر او قدر کیش اولماز .

ایکی درجه اوزرینه انتخاب اصولی بو مهم محاذیرینه رع بعض مملکتلر ایچون طوغری بدن طوغری یه انتخاب اصولنه مرجع صاییلور . بالواسطه انتخاب اصولی تدقیق و محاکمه اولونور ایکر برنجی درجه ده کوزه دیله جک نقطه بو اصولک تطبیق اولوندیغی محیط ملیدر . بر مملکتده معارف ترقی ، تربیه سیاسیته متعار و باخصوص امور انتخابیه ده تجربه و ممارسه حصوله کیش ، تعهد

ثانیاً منتخب اولر مبعوثلرینی طوغریدن طوغری به انتخاب ده بیلیمک صلاحیتدن محروم قالدقلرندن طولایی قوه مغنویه- ی منسکر و امور دولته اشتراک ایچون خواهشلی اونسبتده قطع اولور . زیرا منتخب اول کندیسنه شدت علاقہ سی لان بر مسئله ده نتیجه سی بللی اولمیان طولاماجلی بر ایش ورمش اولویور. ایمدی حر ووقور اولان بر ملت افرادندن بری هدفنی بیلیمی و آدیننی او هدفه طوغری بیلهرک آتملی در. مبعوث انتخابی ایسه حاکمیت اعتباریله ال مقدس و عالی بروطیفه لدیغندن منتخب اول مبعوثنی بیلیمی ، رأی بوصله سنی آثار کن وایتک مبعوثنه عادتاً التصاق ایده جکنه قانع اولمیلدرکه و ردولته اشتراک ایتمش اولمقدن متولد حظ مغنوی بی طویسون . ثالثاً منتخب اولر حقنده بالاده ایضاح ایلدیکمز محذوری مع ایچون ضروری الوقوع اولان تدبیر بوس بوتون نیابت سیاسی تشویش ایدر . فی الحقیقه منتخب اول محضاً عاقبتی هول اولمیان بر فعله تشبث ایتمش اولمامق ایچون ، تعبیر کرله مبعوث انتخاب ایده جکی ذاتی مهما امکان اولندن کسیدره لملک ایچون منتخب ثانی بی عادتاً وکالت مقیده ایله تقیید و نوعاً لان نامزدی مبعوث انتخاب ایتمک شرفیله سنی انتخاب ایدیورم ، بر عقد اجرا ایدر . ایمدی بو اصول نه نیابت سیاسیله نک تضای حقیقی سی اولان سربستی رأی تأمین ایدیور ، نه ده راحه بروکالت مقیده معناسنی افاده ایلیور . چونکه مبعوثلر

با خصوص مجلس مبعوثان همچون اليوم بالواسطه انتخاب اصول  
قبول اولمشدر .

مع مافیه بعض مملکتلرده و از جمله دولت عثمانیه ده انتخاب  
شکلی بالواسطه در یعنی ایکی درجه اوزرینه در. بو ایکی طرز  
هانکیسی دیکرینه مرجحدر؟ بونی قطعی بر جواب ایله تفهیم  
وتلخیص ممکن دکلدر. حاکمیت ملیه نك ترك و فراغ و بناء  
علیه وکالت دخی قبول ایده میه جکی نظریه سنه کوره مسئله  
تدقیق ایدرسهك شبهه یوقدرکه ایکی درجه اوزره انتخابک بو  
نظریه مقتضاسنه موافق دوشمییه جکنی کوره جکزر بر درجا  
وکالتی بیله قبول ایتیم بر فکرک ایکی درجه اوزرینه وکالتی  
قبول ایتیه جکی او لوبتله ثابت اولور. مع مافیه وکالت سیاسی  
قاعدہ سنی قبول و بونی مبعوثان حقیقده تطبیق ایدنجه منتخب نایملر،  
یعنی درجه اولی منتخبلری طرفندن مبعوث انتخابنه مأمور ایدیلنلری  
عینی قاعدہ نك نناچندن محروم قیلمغده بر سبب معقول قالماز.  
مع مافیه ایکی درجه اوزرینه انتخاب اصولنه ایدیلن اعتراض  
بالکزر بالاده کی نظریه یه مبتنی دکلدر نیابت اصولنی قبول ایدنلر  
بیله ایکی درجه انتخابک بعض ضعیف نقطه لرینی ذکر ایدیورنر  
اولا نمره حاکمیت و تمثال ملت عد ایتدی کمز منتخب پارلمنتو  
بالواسطه اصول ایله منبع اصلی قوتندن مها ممکن تباعد ایتمش  
و بناءً علییه ملت اوزرنده کی قدرت سوقیه و تدویریه سی بالطبع  
تناقص ایتمش اولور .

کتر دول متمدنه ده اعیان دخی انتخابه اولیور. حتی ساحه ترقی ده  
هم خطوم لر آتان اقوام آرای محدوده بی ترک ایتمش، آرای  
مومیه به طوغری میل ایدیور لر. بعض یرلرده انتخاب دوغری دن  
وغری به دیگر یرلرده بالواسطه یعنی ایکی اوج درجه واقع  
ولیور.

کذلک بر دائرمدن بر مبعوثی متعدد مبعوثی انتخابی لازم  
لیر، اکثریتله انتخاب ایدیلن مبعوثلرک اکثریتنده کی ماهیت  
اوللی، اکثریت بر اکثریت مطلقه می یوقسه بر اکثریت  
ضافیه می اولمیدر؟ بوندن ماعدا ایوم اقوام متمدنه نک قسم  
عظمی فعلاً دکلسه بیله ذهنأ اشغال ایدن بر شکل انتخاب  
وارد و اوده انتخابات نسبیهدر بونک درجه مشروعیتی وامکان  
لطیقی نه راده ده در؟ برده انتخابات سلکیه دن آری بر مبحث وارد.  
حاصل کوریلدیور که انتخابک ماهیتی تشریح ایتک کافی کلدیکی  
کی پارلمنتونک ده ترکیباتی بیلیمک مقصدی تماماً تأمین ایتدیور.  
ماهیتی ایضاح ایتدیکمز انتخاب نه کی مجاری به دوکیله رک  
پارلمنتو شکلنده تصلب ایدیور. انتخاب ایله پارلمنتو آره سنده کی  
طرق مواصله و ارتباط نه در؟ بونلرده آریجه تدقیق اولونمق  
ایجاب ایدیور.

۱۲۶ بالواسطه و بالواسطه انتخابات. — انتخابات بختنده اک  
اول وارد خاطر اولان جهت انتخاباتک بالواسطه می بالواسطه می؟  
اجرا ایدلمسی لازم کله جکیدر. ممالک متمدنه نک قسم اعظمنده

ایتمه مکدر . مع مافیه عین منبعدن صادر اولان ایکی هیئتک قوت و بناءً علیه حق و صلاحیتجه متساوی اولماسی کوجدر . ذاتاً قوه تشریحیه نك وظائفندن بحث ایده جکمز صروده ایکی مجلسک مساوی اولماسی قواعد مشروطیت ایجابندن اولدیغنی کوزه جکمز . آنجق منبع قوتلری بر اولیان مجلسلرکده مساوی اوللرینه نه قانوناً نه فعلاً ونه ده عقلاً امکان بولونه ماز .

### پارلمنتو ایله انتخاب آره سنده کی مناسبت

پارلمنتولرک صورت ترکیبی حقننده ویردی کمز معلوماته لاحقه اولق اوزره شمدی ده پارلمنتولره کوندریلن اعضا نك نه صورتله انتخاب ایلدیکنی ایضاح ایده جکمز . اول امرده شوراسنی بیان ایده لم که انتخاب قانونلرینک تفصیلات و تفرعاتنی بوراده موضوع بحث ایده جک دکلز .

کذلک انتخابک ماهیت حقوقیه و علمیه سی حقننده تشریح اتده بولونمیه جغز زیرا بونی یوقاریده بحث مخصوصنده بر تفصیل سویلدک . دیگر طرفدن اعضاسی ارثی ویا منصوب اولان مجالس وکالت ملیه بی کالیله احراز ایتمش صابیله میه جققرندن اولنرده بالطبع شو بختمزک خارچنده در . الیوم همان کافه ممالکده تمایلات، مبعونان وحتی اعیان انتخاباتنک آرای ملیه ایله اولسی جهته معطوف اولدیغندن بزسخی اهالی طرفندن واقع اولان انتخاباتک صورت جریانی حقننده برنبده اداره کلام ایده جکمز .

۴ - اعیانک مدت انتخابیه سی مبعوثانک مدت انتخابیه سندن اوزون اولور .

۵ - مبعوثان کاملاً تجدید اولدینی حالده اعیان قسماً تجدید ایدیلور .

۶ - مبعوث اولق ایچون ویرکو ویرمک شرط اولدینی حالده اعیان اولق ایچون اشاغی یوقاری مهم بر ویرکو ویرمک مجبوریتمی تحمیل اولونور .

۷ - مبعوث اولق ایچون اهالیدن اولق کافی کلدیکی حالده اعیان انتخاب اولونمق ایچون بعض مهم مأموریتلرده بولونمغه لزوم کوریلور .

۸ - مبعوثانی انتخاب ایدن کیمسه لر باشقه، اعیانی انتخاب ایدنلر باشقه اولور .

۹ - یوقاریده سویلندیکی وجهله اعیان ایکی درجه اوزرینه منتخب اولدینی حالده مبعوثان بالواسطه انتخاب ایدیلور .

۱۰ - مبعوثان آرای عمومیه ایله انتخاب ایدلیدیکی حالده اعیان آرای محدوده ایله انتخاب اولونور .

ونلرک هریری ایچون مختلف دولتسارک مجالس اعیانی حقنده ویردیکمز تفصیلاتدن مثاللر ارئه اولونه بیلیر .

اعیانک مبعوثانه بوس بوتون بکزه مامسی ایچون وضعی لازم کلن فرقلردن بریده ایکی مجلسی صلاحیتجه متساوی عد

اساسيسنى تحليل ايدرك ديبور که « مجلسلردن برى سعى و عملك ديكرى سرمايه نك و كيلي فرض اولونه بيلور .

۱۲۵ ايكي مجلس آره سنده فرقر . — اعيان مجلسنك انتخاب اساسنه مستند اولماسى حقوق اساسيه قواعدى ايجابندن اولديغنه نظراً بو طرز انتخابى مبعوثانك طرز انتخابه مائل اولسونى اولسونى ؟ يعنى اعيانده مبعوثانك نسخه ثانيه سى بولونسونى بولونسونى ؟ سؤالى وارد خاطر اولور . بوكا دائر يوقارى به درج ايتديكمز اعتراضك قوه منطقيه سنى انكار ايمه مكله برابر اكثر دولتر فعلى فوائدى ايجابات منطقيه به ترجيح ايدرك منتخب اعيان ايله منتخب مبعوثان آره سنده بعض فرقر تعيين ايتشلردر . اهالىسى عنصر واحدن مركب اولان ، تشكيلى هيت متحديه تماس ايتين ، زادكانلق اصولندن تاماً متباعد اولان بر مملكتده ، نوروجده اولدينى كى ، اعيان مبعوثاننك نسخه ثانيه سى اولسه دى ينه ايكي مجلسك حالت روحيه سنده اطوارنده بر فرق كورولمامك ممكن دكلدر . مع مافيه بويله ملت و حكومت واحده حالنده اولان اكثر ممالكده منتخب اعيان ايچون مبعوثانه نظراً بعض شرائط وضع اولونور كه انواعى خلاصه ايدلم :

- ۱ — اعيان مبعوثانندن اعضانك عددى اعتباريله دون اولور .
- ۲ — اعيانك سنى ، مبعوثانك سفندن فضله اولور .
- ۳ — مبعوث انتخاب ايدمكك دوائر انتخابيه طار ، اعيان انتخاب ايدمكك دوائر كنش اولور .

اولسی آرزو ایدیلور ایسه پارلمنتونک ایکی مجلسدن  
 ترکیب ایتسی، فقط بوجلسلردن برینک دها زیاده تمثال اشخاص  
 ( مجلس مبعوثان ) ، دیکرینک تمثال منافع اجتماعیه ( اعیان )  
 اولسی اقتضا ایدر. هر مملکته کوره تخلف ایتسی طبیعی اولان  
 برطرز انتخاب سایه سنده ملتک بوجه بالا کافه عناصر اجتماعیه سی  
 برجلسده جمع اولنه بیلیر . ایشته اووقت پارلمنتو ملتی تشکیل  
 ایدن عناصر قوتک هیچ برندن محروم قالمش و مجلسک ایکی  
 اولسندن منتظر اولان فوائد حقیله اقتطاف ایدلش اولور .  
 مع مافیله بوفکر هنوز دائره تطبیقانه پک آز یول آلمشدر .  
 شمدیکی خالده مؤلفرله ارباب قلم و بعض سیاسیوندن ماعدا کیمسه  
 طرفندن ترویج ایدلدیکی یوقدر . فرانسه ده راهب لومیر ۱۸۹۴  
 ده بومالده بر فکر در میان ایتش و عثمانلی مجلس مبعوثاننک برنجی  
 سنه اجتماعنده بومقصدی ترویج ایچون خیلی بسط مقال  
 اولمشدر . مملکت مزده مجلس اعیان ایچون بوبله بر طرز انتخابه  
 هنوز او قدر شدید بر احتیاج حس اولنه ماز ایسه ده فعالیت  
 اقتصادی سی صوک درجه به کلش اولان مملک مترقیه ده بواحتیاج  
 کرکی کبی کبی کندی نی احساس ایتسه یاشلامشدر .

پارلمنتوی تشکیل ایدن بوجلسلرک بو طرزده انتخابی ترویج  
 ایدلردن بری ده مشاهیر مؤلفیندن ( ژولینق ) اولوب بوزات مملک  
 متمدنه ده مسائل اقتصادی نک زمانمزده مسائل حیاتیه رنگنی آلمش  
 اولدیغنی بیاندن صوکر آسترالیانک ویقتوریا حکومتی قانون



اصوليهي؟ يوقسه آرای محدودہ ایلہ ایکی اوج درجه انتخاب  
 اصوليهي؟ . دہا موافق اولديني مسئلہسی وارد خاطر اولور .  
 بو مسئلہی حل ایتک ایسه قولای دکلدر . بونک صورت  
 تسويهسی مملکتک سویه عرفانہ ، معارف عمومیه سنک ، تربیه  
 سیایہ سنک درجه تعممنہ باغلیدر . معافیہ بواصوللردن هانکی  
 بری دیگرینه مرجح فرض اولنسه دخی - بورججانیت ایستر  
 صورت مطلقده اولسون ، ایستر بعض مملکتلرک خصوصیت  
 حالنه کوره اضافی اولسون - بومرجح اصولک یالکز بر مجلسه تطبیقی  
 ایلہ دیگرینک بونک محسنتندن محروم قیلنمسی البته موافق  
 اوله ماز . زیرا اووقت مجلسلردن بری حسن انتخاب ایدلش  
 دیگر ی ایدنامش اولور .

۱۲۴ انتخابات ملکیه واعیاز . — بک قدیم اولان بواعترض  
 منطقی بی کمال اهمیتله ذکر ایدن موسیو دوکوی حل دعوا ایچون  
 زیرده کی صورت تسویه بی قبول ایدیور . «... بومشکاک صحیح  
 وحقیقی بر صورت حلنی بولمق ایجاب ایدرایسه باشقه اساسلری  
 باشقه نقطه نظرلری کوزہ تمک ایجاب ایدر . ملتک قوای حیا  
 تیهسی یالکز اشخاصنده دکلدر . ملت یالکز افراددن دکل ،  
 بعض افرادک بر آرمه کلنندن تشکل ایدن هیئتلردن ترکیب ایدر .  
 بونلرک تمایلات وحسیاتندن آریلور . عائلهلر ، نواحی مجلسلری  
 عمله ، زراعت ، صناعت ونجارت ، شرکتلری وحقی فنی ، مذهبی  
 هیئات بوجمله دندر . اگر پارلمنتونک حقیقه آینه مملکت وملت

اولسی دهاز یاده احتمال داخلنده در. نور و جد و اوستریال یاده  
ایکی مجلسک عینی طرز انتخابه مالک اولدینی و عادتا بری دیگرینک  
شعبه سی بولندیغنی کوردک .

۱۲۳ هرایکی مجلسک طرز انتخابی بر اولدیغنه کوره وازد اولان اعتراض .  
برده شهه دن ازاده در که مجلسلردن برینک اعضانی ارنی و یا  
طرف حکمداریدن منصوب اولور ایسه بو مجلس اراده ملیه بی بحقی  
اظهار ایده منبتون منابع قوت اهالیدن اقتباس ایدیلن بر  
مملکتده بو اصول پک اشکار بر منطقسزلقدن باشقه برشی  
دکلدر .

بو ملاحظاته بناء ودها پک چوق اعتراضلری دفع مقصدیله  
بروجه آتی بر صورت حل اعطاء ایدمک ایستقلمش شویله که:  
هرایکی مجلس مختلف طرز زرده انتخاب ایدمکله برابرینه مملکتک  
وکالتنی حائز اوله بیلور. فرضا مجلسلردن بری آرای مخصوصه  
ایله وطوغریدن طوغری به انتخاب ایدلدیکی حالده دیگرینه  
آرای عمومیه ایله فقط ایکی ویا اوچ درجه انتخابدن سوکره تعیین  
اولنه بیلیر . بو صورتنه ایکی ویا اوچ درجه انتخاب اوزرینه تعیین  
اولنان مجلس حکومتک اودرجه محتاج بولندیغنی خاصه مهده بی  
حائز اوله بیلور . زیرا اعضاسی دهاسیچمه در . قاعده تصفیه به  
دها موافقدر. ظاهرده پک معتدل کورینن بو صورت تسویه ده  
فکر منرجه مسئله بی غیر قابل رد بر صورتله حل و تسویه ایده منر.  
اول امرده آرای عمومیه ایله وطوغریدن طوغری به انتخاب

زماننده بو بحث پك زياده تعميق اولونمش و او وقت كي افكار مفرطه مجلس مليتك منفرد اولسي رآيني ترجيح ايتمشدر . او وقته استناد ايديلن دلائلك اك مهمي حاكيت مليه نك بر ولايجزا اولسي ايدى ديكر بر دليل ده شو ايدى: يايكي مجلسك طرز و صورت انتخابلى بر در و او حالده ايكي سندن برى زائد و بى لزومدر ؛ يا خود طرز و صورت انتخابلى باشقه در . او تقديرده بونلردن برى حقيقتده اصيلزادكان و ممتازاندن مركب بر مجلسدن باشقه برشى اولماز . آنجق حاكيت و اراده مليه نك بر ولايجزا اولسي قاعده سندن استخراج ايديلن نتيجه نك نفس . الامر موافق اولديني يوقارنده ايضاح اولنش اولديني كبي ايكنجى اعتراضده محضا او صره لرده زادكان قسمنه قارشو بسنيلن حسياتك بر نتيجه سى عد اولنه بيلير . مع مافيه ۱۷۸۹ده ماتيو دومونوره نسي طرفندن ايراد اولنان بوملزمانه دعوانك قوتى قابل انكار دكلدر . حقيقت ايكي مجلس اعضاسى عيني صورتله انتخاب ايديلور ايسه برى ديكرينك بر شعبه سندن ، بر قويه سندن باشقه برشى اوله ميه جنى ايجون وجودينه محل اوله ماز . شو حالده مطلقا برينك طرز انتخابى باشقه ديكرينك باشقه اولمليدر . واقعا ايكي مجلسك انتخابى عيني صورتله اولسه دنخى بالا خره افكار و تمايلات متخالفه يه مالك اولملىر بسبتون احتمالدن بهيد صاييلماز . آنجق بو تمايلات متخالفه نك منافع عموميه مملكتك طرز تلقيسنه دكل پارتى نزا علرينه و احتراصات شخصيه يه معطوف

ایدیلورسه اهمیتک قسم اعظمی غائب ایدرو حتی بلکہ دہ بر نعمتہ دونر .  
 فی الحقیقہ بر ملتہ چوق قانون دکل، ائی قانون لازمدر . امور  
 تشریحیہ دہ پک چوق تحولات وقوعہ کلسی، بو تحولات عقلاً  
 وارد کورلسہ دخی، فائدہ دن زیادہ محاذیری مؤدیدر . بر جمعیتی  
 سوق وادارہ ایدن منافع کافی بر امنیتہ مظهر اولمیدر . بو  
 امنیت ایسہ آنجق امور تشریحیہ دہ از چوق بر استقرار  
 وجودینہ وابستہ در . اصلاحات مهمہ یہ کلنجہ بونلری دہ خام  
 ایکن دہ وشیرمک قدر مخاطرہ لی بر شی یوقدر فی الحقیقہ بو  
 کبی اصلاحات عجولانہ بر سعی ایلہ دوشونیلمش اولدینی ویاخود  
 مملکتک افکار وسطیہ سی بو اصلاحاتی ترویج ایده جک بر قوامہ  
 کلدیکی ایچون سرعقلہ گیری آلمق تہلکہ سنہ معروض اولور لرایکی  
 مجلس اصولنک بو اصلاحات مهمہ یہ تحمیل ایتدیکی دورہ انتظار  
 اصلاحات مذکورہ ایچون پک زیادہ سلامتبخشدر . بو بایده کی  
 مقاومت، افکار عمومیہ نک شدت تضییقیہ مغلوب ایدیلورسہ بو  
 مقاومت بیلہ او اصلاحاتک ظفر کاملنی برقات دہا نکیمدن باشقہ  
 برشی انتاج ایتمز . ایکی مجلس آرمسندہ اکثریایوقوعہ کلن تصادمک  
 نتیجہ سندنہ کی بازارقلی صور تسویہ بیلہ قابلیت تطبیقیہ اعتباریلہ  
 اک ائی صور تسویہ در . دنیایی سوق وادارہ ایدن شی حکمت  
 وسطیہ ، وسطدن دون اولان ذکادر . »

۱۲۲ ایکی مجلس بحی یکی دکلدرد . — مجلسک برمی ؟

ایکیکی ؟ اولسی لازم کلہ جکی بحی یکی دکلدرد . فرانسه انقلاب کیری

بوشكلده تلقى اولونمايدير. اول و اخير تعريف ايتديكمز وجهه پارلمنتونك عمومى بردن بر جسم واحد كې ملتك عمومى بردن وكالت ايدر . وحدتى پارلمنتونك ماهيتنده اراملى، يوقسه آنى تركيب ايدن اجزا واقسامده دكل . بالاده كى اعتراض معقول كورونك لازم كليسه او وقت وكالت مليه مطلقا قابل تجزى وانقسام اولمق شانندن اوليان بر تك شخصه تفويض وتوجيه ايدلك ايجاب ايدر كه يونك ده بزي پله بيسيت ونهايت استمداده قدر سور و كليه جكي آشكاردر .

(۲) فعلى اعتراض . — مجلس اعيانك تاخير ايديجى وحتى اصلاحاتى تعطيل ايديجى بر مؤسسه اولدينى حقنده نظريات علميه دن دكل فعلياتدن مستخرج اعتراضك ماهيتنه كنجه بو اعتراضى اك كوزل بر تشبيه ايله تجسم ايتديرن ذات آمرىقانك اون سكزنجى عصر رجالندن فراتقطن اولمشدر . مشار اليه : « ايكي شعبه يه آيرلمش بر قوه تشريعيه برى او كده برى آرقه ده فقط معكوس استقامتله متوجه ايكي حيوان طرفندن چكيان بر آرايايه بكرر . » ديمشدر . ذاتاً انتخاب اساسنه مستند اعيان مجلسلرينه وارد اولان اك قوتلى اعتراضده بودر . بوده شبهه يوقدر كه شاين تأسفدر . مع مافيه موسيو ايسمهن بوكا دائر شوپوكسك ودرين مطالعه يي يوريدسيور : « مجلس اعيان ديكر خصوصاتده تأمين ايتديكى فوائد مهمه يي بوفيتاتله ساتون آيرساق ينه بزه اوخوزه مال اولمش اولور . مع مافيه بو عذور بيله پك ياقندن تدقيق

آنحق بو نایت ملزم کورینن طرز محاکمه نك اساسی مقبول دکدر . زادکانلق جریاتی مثل بر هیئتک وجودی نظریات وقواعد حقوقیه ایله قابل تطبیق اولدیفنی ایچون بر مملکتده شبهه یوقدرکه نیابت وتمثیل یالکزملمته مستند اولمیدر . فقط بو اساسدن مجلسک بر اولسی لزومنی دکل ملتک هر ایکی مجلسه ده استنادکاه ومنبع قوت اولسی لزومنی استخراج ایتمک اقتضا ایدر . هر ایکی مجلس مجتمعاً ملتک تمثالی درلر . یوقسه هربری آری آری دکل . . بناءً علیه مجلسردن برینک بر ماده حقنده اوت، دیکرینک خایر دیمسی ملتک عینی مسئله حقنده هم اوت هم خایر دیمس اولدیفنی کوستریز . ایکی مجلس آره سنده کی بوتناقض یالکزم ملتک هنوز وکیلاری واسطه سیله هیچ بر اراده اظهار ایتمه مش اولدیفنی کوستریز . قانونلر ایچون ایکی مجلسک اتقاقی شرط اولدیفندن نه وقت ایکی مجلس بر بر مسئله حقنده اوت ویاخایر دیمکده متفق قالیرلرسه او وقت ملتده اوت ویاخایر دیمس اولور .

برده نظریات علمیه دن استخراج ایدلمک ایستیلین بالاده کی اعتراضی محق فرض ایتمک لازم کلیرسه بر تک مجلسکده حاکمیت ملیه به منافی اولسنی قبول ایتمک ضروری اوله جقدر . زیرا بر تک مجلسده اعضا متعدددر . وبو اعضا اقلیت وا کثریت تشکیل ایدرلر . بالاده کی نظریه به کوره او وقت بر تک مجلسده حاکمیت ملیه بی انقسامه اوغراشمس اوله جغز . حقیقت ایسه

اولونجه آرتق مجلس اعيان اساسنه اعتراض ايتمهك لازم كليز  
ايكن ينه ايكي مجلس اصولنك شدتلي معارضلري واردر. مجلس  
واحد اصولي ترجيح ايدنلك ايكي مجلس اصولنه اعتراضلري  
باشليجه ايكي نقطهده خلاصه ايديله بيلير :

- (۱) مجلس اعيان حاكيت مليه نك وحدتي اساسنه مخالفدر
  - (۲) مجلس اعيان اصلاحاتي تأخير ومملكتي عطالته سوق ايدر.
- (۱) برنجي اعتراض درميان ايدنلر فكر لريني شويولده ايضاح  
ايديسورلر : حاكيت مليه اداره مليه دن عبارتدر . قانون  
بواراده نك تجسم ايتمش برشكليدر . مادام كه ملت بردر و حاكيت  
مليه آ كا تبعاً بر ولايتجزي وغير قابل ترك و فراغدر  
او حالده بر ملته وكالت ايدن مجلس ده بر اولق لازمدر . هله  
مملكتده هيچ بر اصيلزاده لك جرياني موجود دكل ايسه ايكنجني  
مجلسك مملكتك نه كني بر شيني تمثيل ايدجكي معلوم بيله اولماز .  
باخصوص اراده مليه بر شي حقنده وارد اولونجه او شي  
حقنده يا مثبت ، يا منفي بر آي و قرا و يرر ، تعبير ديكر له بر شي حقنده  
يا اوت ، يا خاير ديه بيلير . ايمدي ملتك عيني زمانده بر شي  
حقنده هم اوت ، هم خاير ديمسنه امكان يوقدر . حال بوكه پارلمنتو  
ايكي به تقسيم ايديلنجه ملتي تمثيل ايدن مجلس مبعوثان بر شي  
حقنده اوت ديديك حاليده ينه ملتي تشكيل ايدن مجلس اعيانك  
عيني شي حقنده خاير ديمسنه دائماً تصادف ايديله بيلير . بو ايسه  
اك صريح بر تناقضدر .

۱۲۰ اعیان مددر. — رابعاً مجلس اعیان مسال و مؤخرا  
 وظیفه سنی ایفا ایدر که بوده سلامت مملکت آریجه خادمدر .  
 مجلس واحد اولدینی تقدیرده پک چوق مقررات سرعتله  
 و بعضاً بلا تأمل صادر اولور . احوال فوق العاده تصدیق  
 وقایع مجلسی ایاغه دوشن بعض ناخوش و عواقبی ناقابل تعمیر  
 تدابیر و مقررات تشریحیه اتخاذینه حتی کرها سوق ایدر .  
 خطا و عجله نتیجه سنده ویا هیجانه کلش افکار عمومی سطحیه بی  
 تطمین مقصدیله اتخاذ اولونان مقرراتک تعمیری پک کوچ  
 اولدینی ایچون مجلس اعیان خطایی تصحیح ، عجله بی ازاله  
 و مملکتک عظیم و بحران انکیز هنکاملرنده وقت قازانمش اوله رق  
 ثمره تصدیق اولان مقرراتی تعدیل ایدر . ناکهظور بر وقعهده  
 شدتلی بر غلبان مجلس مبعوثانده سکونت و اعتدال دمی غائب  
 ایتدیریر . حال بوکه بو حالت استثنائی روحیهده بولونونان  
 بر مجلسک ویره چکی قرار مجلس اعیانه کیرنجهیه قدر وقت  
 قازانیلور . اذهانده سکون و استقرار عودت ایدر . و او وقت  
 اعیان دها مساعد و دها آز مضیق بر محیط ایچنده وظیفه  
 تعدیلکاری سنی ایفا ایلر ویا دها طوغریسی ایفا ایده بیلیمسی  
 احتمالاتی چوغالیر .

۱۲۱ اعتراضلر (نظری اعتراضی) . — همان اکثر ممالکده

قوه تشریحیه نك ایکییه تقسیم ایدلمسی مثالی حد ذاتنده مقنع  
 بر دلیل تشکیل ایندیکی حالدله بالاده کی ایضاحات بوکا منضم



اجرائيه ايله متفق اولور ايسه او وقت افكار عموميه نك قوه اجرائيه به حق ويره ماسي ممكن دكلدر. قوه اجرائيه بو صورتله افكار عموميه مظاهرتيله مجهز اولور سه مجلس مبعوثان حقسنز وياهيچ اولمز سه افكار عموميه ده قوتسنز اولديغني تقدير ايدرك اصرار ندن صرف نظر ايدر. بالعكس اعيان مجلس مبعوثان ايله متفق اولور ايسه او وقت قوه اجرائيه خلق نظر نده كي ضعف وبلدكده حقسنز لغني آكلار. وهر ايكي تقدير ده اعيان بر مصلح خدمتي ايفا ايدر.

بعضاً اختلاف مجلسك ايكي جزؤي آره سنده واقع اولور. بونك ده وخامتي واردر. فقط او وقتده قوه اجرائيه حكملك ومصلح وظيفه سني ايفا ايدر. بالفرض مجلسلردن بري منتخب ايسه آني طاغيدوب انتخابات جديده مراجعت ايدر ا كثر يا قابل فسخ اوليان مجلس اعيان ايسه هنوز ملتدن اخذ حيات وقوت ايتمش بر مجلس مبعوثان، حكومتله متفق بر مجلس مبعوثان قارشوسنده آرتق طاياناميه رق سرفرو ايتمك مجبوريت قانونيه سنده دكلسه بله - مجبوريت معنويه سنده در. زيرا ا كثر يا ده اعر باشلي فرض ايديلن مجلس اعيانك كنديني افكار عموميه نك وحا كمت مليه نك او قدر فوقه آتيمه جق قدر بصيرتكار اوله جنفي وعكس حالك اشاغيدن يوقاري ناقابل مقاومت شدتله سببيت ويره جكني تقدير ايدم جكي طبيعيدر.

انگلیند مشاهیر مؤلفیندن ( بریس ) آمریکا قواعد  
 مشروطیتندن باحت بر اثرنده دیورکه : « شمدی ایکی مجلسک  
 لزومی علم سیاستک بر دستوری حکمنه کیرمشدر . بو دستور  
 شوطنه مبتنیدرکه هر مجلس کنندی تمایل فطریسی ایجابی  
 اوله رق عجول ، متحکم و بوزولغه مستعددر . بو تمایل  
 آنجق نفوذجه مساوی دیگر بر مجلسک وجودبله توقیف  
 و تحدید اولونه بیلیر . آمریقایلر قوه تشریعیه لرینی ایکیه تقسیم  
 اتمکله تحدید ایدیورلر . رومالیلرده وقتبله قرال یرینه ایکی  
 قونسوس اقامه اتمکله قوه اجرائیه لرینی بو صورتله تقسیم و تحدید  
 ایشلردر . »

۱۱۹ اعیان حکم وظیفه سی ایفایدر . — ثالثاً اعیان بر حکم  
 وظیفه سنی ایفایدر . بالاده ایضاح ایلدی کمز جبر و تغلب احتمالاتی  
 اثناسنده اعیانک بر نوع حکم موقعنده قاهره مدعش مصادمه لرده بر  
 وظیفه مانعه ایفا ایتسی ممکندر . زیرا اختلاف قوه اجرائیه  
 ایله مجلس مبعوثان آره سنده ظهور ایدر سه هر ایکی طرف گاه  
 هزرت نفسنی ، گاه حقوق و صلاحیتی وسیله ایدرک طور دینی  
 رده صاپار طرفینی بو وضعیت متقابله و متخالفه دن ناصل چیقار ملی ؟  
 ایکی جدالجو آره سنه بر متوسط کیر مزسه بو جدالجولرک  
 نهایت حقله دکل قوتله حل دعوی ایده جکلری طبیعیدر .  
 بو ایسه اک فنا برشیدر . ایشه او وقت اعیان بو متوسط ، بو  
 حکم وظیفه سیله امداده یتیشور . بر اختلافده اعیان قوه

منفرد بر مجلس حالنده بولونديني تقدیرده ناصل دوچار غرور اولماز؟ هر شیده اي کوتو کندی آرزوسنی اسعاف ایتدیر مک هوسنه قارشو ناصل کندینی ضبط ایدر؟ باخصوص بویله بر مجلس اقوامک تاریخده اکثریا کورلدیکی وجهله کندیسنی تولید ایدن هوسات واحترافات عمومیه به قارشو مقاومت ایدمه یه رک حاصل اولان سیل افکار کندیسنی ایسته مدیکی وادیرله قدر سوق ایتمیزی؟ تجربه نابتدیر که بو مجلسلرده حساسیت چوقدر. اعتدال دمی محافظه ایتمک بوقییل منفرد مجلسلره نادر آ میسر اولان نعمتلردندر. وبوصورتله علی الا کثر قوه اجرائیه ایله قانوناً حل اولنه میه جق صورتده. حال اختلافده بولونور. اختلافک صورت تسویه سی بالدفعات کورلمشدر که یا قوه اجرائیه نک غلبه سنه یعنی ضربه حکومت وقوعنه ویا مجلسک تحکمنه - که یوده آیری بر ضربه در - منتهی اولور. بونلر ایسه فوق القانون طرق فوق العاده اولوب ملت قارشو قانونه رعایتکارلق خصوصنده حسن مثال تشکیل ایتمز. حکومت ویا مجلسدن هر هانکی بری اختلافی بر معامله جبر و شدتله نتیجه ندریر لر سه حاصل اولان نتایج مهلك اولور. مجلس غالب کلیر سه قوه اجرائیه بی معدوم حکمنده بولوندریر هیئت وکلای نفوذینه منقاد قیلار قوه اجرائیه غالب کلیر سه مجلس آنک بر بنده فرمانبری، بر هیئت مطیع سه اولور. هر ایکی شق ایسه حیثیت ووقار ومنفعت و حقوق ملت ایله قابل توفیق اوله ماز.

اعتباریله تقیید ایدر . فی الحقیقه برتک مجلسک - ولو منتخب اولسون - تحکم واستبداد ایتیمی ملجوظدر وبویله مجتمعا واقع اولان تحکمک ضرری برتک شخصک تحکمندن ضررجه دون دکدر . « فیکر مزجه حتی ضررجه فائقدر . چونکه تحکم ایدنلرک کثرتی هم تحکم ایدنلرک ضعفی هم محکوم اولانلرک ضعفی انتاج ایدر . ضعیف بر مستبدک تحکمی آنارشی تولید ایدر آنارشی ایسه استبداددن دها وخیمدر .

مجلسک سوء استعماله قابلیق اولان بوصول حیتلری نه کبی شیلردر ؟ مجلس صفت تشریحیه بی حائر وبلغله علی الاکثر قانون اساسینک ، یعنی شکل حکومتک تعدیل وتبدیلنده هم بررول اوینا . دینی کبی قوانین ساثره ایله دولتک هر درلو حرکاتنک ناظمی ، حتی دیگر قوتلرک کنديسنه نظراً اولان موقعنک کندي لهنه معنلی اولور . مجلس ، ملتک کیسه سنه حاکم اولقله بوتون معاملاتی بر آنده طور دیره . ملتک قدرتنه مالکدر . کذلک مجلس مراقبه . یتیمکه بوتون معاملات دولتی طوغریدن طوغری به دکلسه بیله طولایسیمله تحت نفوذنده بولندیرمش اولور حال بوکه قوتلرک یکدیگرینه معاوتی اصول مشروطیت مطلقه نك نه قدر مقتضای ایسه بونلرک تفریقی ویکدیگر یله توازن حالنده ومهما امکان مستقل بولندیرلمسی ده اصول مذکور نك اودرجه ایجاباتنددر .

ایمدی بو مدهش سلا حله مجهر اولان قوه تشریحیه

موازنه سنی بوس بوتون تشویش ایدیه بیلیر. ایدنی قوه تشریحیه  
ایکی بولندیکی تقدیرده بومحدور برطرف اولونمق ممکندر.  
ایلك قانون اساسیلرک تنظیمنده تعقیب ایدیلن مقصد  
مهم شوایدی: شخصی حکمدارلرک اداره کیفیه سنه قارشو محافظه  
وصیانت... پارلمنتو حکمدارلرک قوتنه قارشو تعدیلکاروتحدید  
ایدیحی بروظیفه ایفاسی مقصدیله احداث اولونمش وایشته بونک ایچون  
بومجلسه برنفوذ ویرلمش. انجق پارلمنتو اعضاسنک انتخاب ایله  
تعیین ایدلسی پارلمنتو مجلسنک صلاحیت و تقووزنی قطعياً  
تجاوز ایتیه چکنه تأمینات مقنعه عد اولوبه نماز. شمدیکی حالده  
منفرد مجلسدن عبارت بر پارلمنتونک تجبر و تحکمنه مانع اولمق  
ایچون مهما امکان بولونه بیلن بر بجزره مجلس مبعوثانک یانی  
باشنه بر مجلس اعیان وضع ایتمک اونشدر. مجلسک واحد  
اولسی تقدیرنده مجلس مراقبه سنزه عنانسنز. قوتیله تقابل  
ایده جتک بر قوه موازنه دن محروم وحقی مسئولیتدن دخی آزاده  
صایبله بیلیر. زیرا بر مسئولیت که یوزلرجه کشی ارمسند انقسامه  
اوغرار. او مسئولیت عادتاً حس اولونه میدحق درجه  
کوچولمش، طاغیلمش. آنونیم یعنی غیر معین بر حاله گلش  
اولور.

مونتسکیو انکلتزه قانون اساسیسی تعریف ایدر ایکن  
دیورکه: « اوراده قوه تشریحیه ایکی قسمدن مرکب اولدیغندن  
بری دیکرینی ممانعت متقابلهده بولونمق صلاحیتی حائز اولمق

۱۱۸ قوه تشریعیه ایکی به تقسیم اولونلیدر. — ثانیاً مجلسک واحد اولسی حالده اسایشک فقدانی اغلب احتمال اولسنه مقابل مجلس ایکی به تقسیم ایدلدیکی حالده قوه تشریعیه ده کی بو انقسام توازن تولید ایدر. توازن ایسه مملکت اسایشی و بناء علیه منفعتی لهنه برتدبیردر. فی الحقیقه قوه تشریعیه نك بالخاصه عصر مزده نفوذ و صلاحیتی کوندن کونه متزاید و منبسط اولویور. بوقوت مجلس واحدده تمرکز ایتدیکی تقدیرده حکومت نیاییه پی تهلکه یه قویه بیله جک بروضع خطرناک آله بیلیر.

مدینت ایلر یلدکجه وظائف اجتماعیه تنوع وبو وظائفک هر برینک منتظماً ایفاسی قوانین نشرینه متوقف اولدیقندن مجلسلرک قانونلره متعلق مشاغلی ده اونسبتده تراید ایتمکده در. وظیفه تشریعیه نك بو کثرتی غایت طبعی اوله رق مجلس تشریعی نك قوت و صلاحیتی ده ترید ایتمکده در. دیه بیلیر زکه زمانزده قوه اجرائیه ایله قوه تشریعیه آره سنده برمس اوواث و موازنه دائمه احدائی قوه تشریعیه نك یوماً فیوماً توسع و انبساط ایدن بو استعداد استیلاجویانه سی حسیله کوجلشیور و ایکیده بر موازنه پی اعاده ایچون ایکی قوتک وضعیات متقابله. سنده تعدیلات اجراسنه احتیاج کوریلدیور،

قوه تشریعیه ده کی بوتمایل مستولیانه هر مملکتده مشهود اولدیغنه نظراً بونک مجلس واحد و برلسی ونوعاً اید واحدده تمرکز ایتسی مستعد اختلال اولان (قوه تشریعیه - قوه اجرائیه)

مثالر مجلس واحد اصولی علیهنده بک مدھش حجتلر تشکیل  
ایده بیلیرسهده بونده بوس بوتون ظواھر حاله آلدانقده  
موافق انصاف دکلدردر. بالاده کی فترت دوره لرینی یالکز محاذیری  
ایله دکل محسناتی ایلهده اولچمک لازمدر. بو فترت زمانلرنده  
مجلسک بر اولسی ایشک دھا چابوق کوسترلمسنی ومملکتک  
داخلی وخارجی بلایادن بر آن اول قورتولسنی انتاج ایلمشدر  
(ذاتاً مجلس واحد طرفدار لرینک استناد ایتدکلری اک قوی دلیل  
فعلی بودر.) فرانسهده اختلال کبیر ائسانسنده یالکز بر مجلسک  
حاکمیت ملیه بی نفسنده جمع ایتسی هر طرفدن مملکتی پا مال  
تجاوز ایدن اعدانک دفعنه اک بویوک سائق اولمشدر. کذلک  
۱۸۷۰دن سوکره فرانسهک استیلادن تخلیصنه تضمینات حربیه نک  
تسویه سنه ومملکتنده بر بنای جدید سیاسی قورولمسنه اک زیاده یاردم ایدن  
عواملدن بری ده مجلسک منفرد اولسی دره شو حالده فرانسه تاریخنده  
نک مجلسلرک انعقادی ائسانسنده اغتشاشات ظهوری وبونک  
نتیجه سنده حکومت مستبده تأسس ومصائب سائر نک توالی  
ایتمسی منحصرأ مجلس منفرد اصولنک نتایج ومحاذیرندن ایلری کلز  
با خصوص مجلس ایکی اولدینی زمانلرده دخی مملکت ظن  
ایدلیدی قدر مصیبتسز کچمه مشدر. برنجی ناپولئونک جبروتحکمی  
مجلسلرک ایکی اولدینی زمانه مصادف ایدی. بناءً علیه بالاده کی  
دلیلک قوتی اعتراف ایله برابر بونی قطعی اوله رق قبول  
طوغری اوله ماز.

۱۱۷ اعیانک لزومی کوسترن دلائل . — مع مافیہ اکثریت اقوامک ایکی مجلس اصولی قبول ایتسی کافی درجہ دہ بر دلیل فعلی فرض اولنسه دخی برچوق دلائل عقلیہ ایکی مجلسک امور دولنک انتظامنہ فوق العادہ خادم اولہ جغنی کوسترہ بیلیرا کثر مؤلفین حاکمیت ملیہ نک برولایتجری اولدینغنی تصدیق ایتدکری واهالینک بو حاکمیتی انتخابدن باشقہ بر صورتلہ اظهار ایتسنہ امکان بولدقیری و الحاصل مملکتدہ نہ صنوف خلق تقسیماتنہ ونہ دہ حکومت صغیرہ یہ دائرہ تشکیلات موجود اولدینغی حالہ مجلس اعیانی نہ حکومت نیایہ نک عادتالازم غیر مفارقی و مجلس معوثانک متممی فرض ایلیورلر . کویستردکری اسباب بروجہ آتیدر :

اولا فرانسنک آرائہ ایلدیکی تاریخی مثالردن عبرت بین اولمق اقتضا ایدرسہ کوریلور کہ نہ وقت مملکتدہ مجلس واحد اصولی قبول ایدلمش ایسہ محاربه ، اختلال ، مظالم یکدیگری ولی و تعقیب ایدرک حضور و اسایش خلق منسلب اولمشدر . مجلس واحد زمانلرنده کوریلن بو عظیم فترتله مقابل مجلس ایکی اولدینغی زمانلرده بالعکس بالنسبہ سکون حاصل اولمش ، مملکت نعمت اسایشدن اوزون مدت استفادہ ایدہ بیلیمشدر .

رہستوارسیون ، لوی فیلیپ و اوچنجی جمہوریت دورہ لری ایکی مجلس اصولنک قبولنہ تصادف ایتمشدر . بالعکس ترور ۱۸۴۸ زماندہ کی عملہ انارشیسی ، ۱۸۷۰ دہ کی قومون مجلس واحد حکمفرما اولدینغی زمانلرہ تصادف ایدر . بو تاریخی



مجلس مبعوثان دن عبارت در. مع مافیه روسیه وانسکتره بر مجلس اعیان تشکیل ایتمنی ۱۹۱۲ حادثات نشوشه سی اتناسنده ایرانه توصیه ایلشدر در. بالقان حکومات صغیره سنک بعضینی مجلس واحد اصولده ثبات ایتشلدر در. بلغارستان و یونانستان کبی. صربستان بر آره لوق ایکی مجلس وضع و تأسیس ایتد کدن صو کره بالا آخره قانون اساسینی دکیشدیره رک مجلس واحد اصولی اختیار ایتشدر. ۱۹۰۱ ده تنظیم ایدیلن صرپ قانون اساسینی موجبجه اسقوچینا مجلسنک (پارلمنتو) یانی باشنده اعضایی قسماً منتخب و قسماً طرف قرالیدن منصوب و بر قسمی ده بحق و راساً اعضا اولمق اوزره دیگر بر مجلس وجوده کتیرلمش ایدی. فقط قرال الکساندر و قرالیچه دراغانک صورت فجیعه ده اتلاف ایدلمرینی متعاقب بروجه بالا قانون اساسی موجبجه وجوده کلمش اولان اعیان و مبعوثان مجلساری عقد اجتماع ایده رک پترو قره دیوکیه ویچی قرال نصب ایتشدر و ۵ حزیران سنه ۱۹۰۱ قانون اساسینی یرینه یکی بر قانون اساسی وضع ایتشدر در که یک جزئی فرقلردن صرف نظر ده اول حکمفرما اولان ۱۸۸۸ قانون اساسیسنه مشاهددر ایشته بویکی قانون موجبجه صربستانک مجلس اعیانی یوقدر. اورویاده لوکسمبورغ حکومتکده قانون اساسینی یوقدر آمریقاده مکسیقا، خط استوا، پترو و بولیویا حکومتلری مقدا مجلس واحد اصولی قبول ایتشدر ایکن بالا آخره ایکی مجلس اصولنه رجوع ایتشدر در.

بولدینی ویا موجود اولسه دخی انقلابات ایله ازاله ایدلدیکی وزیرده بحث ایدم جکمز انتخابات سلیکبه توفیقآده اعیان تشکیل اولونم دینی حالدیه نه قوه تشریحیه بی ایکی به تفریق ایتمکه لزوم وارمی ؟ بالفرض هنوز تشکل ایتمش بر حکومت واحدهده مجلس مبعوثانک یانی باشنه برده اعیان مجلسی بولوندر مغه حاجت قالیرمی ؟ اکثر مؤلفینک قولی واکثر ممالکک اجتهادی بولزوم واحتیاجک لهنده در . پارلمنتوسی صرف اهالی عنصرینه مستند وحکومتی واحد و ماضی جریانلرندن آزاده بر مملکتده بیله اعیانک لزومنی کویسترن اک بویوک دلیل فعلی ایوم همان کافه ممالکده ایکی مجلس اصولنک قبول ایدلش اولمسیدر . اگر اعیان مجلسی فائده لی ولزوم لی اولسه هر متمدن قوم بر مجلس اعیان - بو مجلسک نشأت ومنبع قوتی نه اولورسه اولسون - وجوده کتیرمز ایدی . بو مجلسک وجودی بر نفع تأمین ایدیورکه همان کافه اقوام ، حتی اک یکی تشکل ایدنلر و مثلاً آسترالیایا بیله اک لیبرال واک زیاده اهالی عنصرینه مستند ایکن بویله بر ایکنجی مجلس تأسیسنی سلامت ومنفعت مملکت ایچون الزم عد ایتمشله . شو حالدیه هیچ بر دلیل عقلی ومنطقی اولسه دخی مجلس اعیانک محضاً بو مثال عمومی سببیه بر مؤسسسه لازمه اولدیغنی تصدیقده تردد ایتمه ملیدر .

۱۱۶ اعیان اولیان مملکتله . — یالکیز بر قاچ مملکت واردرکه پارلمنتوری مجلس واحددن سر کبدر . ایران پارلمنتوسی

کنندی امل و حا کیتلرینه مزاحم و مانع اولماق شرطیله موافقت ایدیورلر. ذاتاً اکثر مملکتلرده زادکاندن مرکب اولان بوقیل اعیان هیئتلرینک محصله ملت صاییلان مبعوثان هیئتلریله حقوق و صلاحیتجه متساوی اولاملری بوندن ایلری کلیر . عصر اخیرده انکلترده بوتون نفوذک اعیاندن مبعوثانه و مبعوثاندن ملکه انتقال ایتسی بوندن طولاییدر .

برده ماهیت اجتماعی تعریف ایتدیگمز شکلده اولان اعیان مجلسلرینک مطلقاً محافظه کار اوله جقلمری ادعا ایتک طوغری دکلدرد . زیرا بو فکری اک زیاده ممثل فرض ایدلین انکلتزه لوردلر قماره سنک بر قسم اعضاسی قدیمدن بری لیبرال در . کذلک پک چوق مبعوثان مجلسلری واردر که محافظه کار عنصرلری محتویدرلر . حتی عنصر محافظه کاریسی غالب کلن مبعوثان مجلسلری پک چوقدر . شو تفصیلات زادکانی بر صنف سیاسی دکل بر صنف اجتماعی تشکیل ایدن مملکتلرده بیله ارثی اعیانک قرون وسطادن قلله آثار عتیقه نوعندن بر نمونه عد ایلمسی لزومنی کوستیرر . زادکانلق جریانلری مفقود ، طبقات اجتماعیسی بوقیل تشکیلاتدن آزاده اولان مملکتلرده ذاتاً اعیانک نه ماضیسی نهده مملکتده کواکشمش بر استنادگاهی اوله میه جفندن اورالرده ارثی اعیانک هیچ بر معناسی اوله ماز .

۱۱۵ اعیانلنده الکفعلی دلیل . — هیئت متحده شکلی موجود اولمدینی و مملکتده ماضینک بو کبی جریانلری مفقود

تولد و ثروت و حائز شرف اولق اعتباریله مختار بعض ذواته  
 تصادف اولونور. اگر بونلر خلقه قاریشدیریلور و اونلرده هرکس  
 کبی یالکیز بر رایه مالک بولونور سه حریت مشترک کنیدیلرینک  
 اسارتنه بادی اولور و بناء علیه حریتی مدافعه ده هیج بر منفعتلری  
 قالماز زیرا اتحاد اولونه حق مقرر اتک قسم اعظمی کندی  
 علملرینه اولور. شو حالده امور تشریعیه ده کی حصه لری دولتدن  
 حائز اولدقلری سائر فواید ایله متناسب اولمیدر بو ایسه  
 آنجق ملتک تشبثلرینی طور دیرمغه صلاحیتدار بر هیئت  
 تشکیل ایده بیلملریله ممکندر ناصل که ملت ده آنلرک تشبثلرینی  
 طور دیرمق اقتدارینی حائز اولور. بو صورتله قوه تشریعیه  
 هم زادکان هیئتنه هم ده ملتی تمثیل ایده جک مبعوثانه تودیع  
 ایدیلور بونلرک هربری آیری مجلسلره، آیری مذاکراته و آیری  
 منافع مالک اولمش اولور ...»

زادکانلق بر مملکتده امور طبعیه دن عد اولندیغی بر صر ده  
 یازمش اولان بالاده کی فقر دنک قوتی او محیطه کوره قابل انکار  
 اولیان بر حقیقتی احتوا ایدیلیرسه ده اساس تشکیلاتی مساواة  
 و حقوق خلقه استناد ایدن بر جمعیت ایچون بو مطالعه نیک غیر  
 وارد اولدیغی بیانه حاجت یوقدر. حقیقتده زاده لک وزاده لکی  
 مثل هیئتلر ده بکک اصولنک انقاض تاریخیه سندندر و بونلر یالکیز  
 ماضیلرینک و اراضی یه اولان ارتباط قویلرینک تأثیر یله قابل  
 تحملدر لر. اقوام حاضره بویله بر انقاض قدیمه نیک دوام حیاته

انتخابات سلكيه بختنده ايضاح ايده جكمز وجهه ارايه و اظهار ايدر . بعضاً بو مطالعه لك هيچ برى وارد اوليه رق اعيانك وجودنده باشقه منافع آرانوب اكا كوره تشكيلا تى اجر ايديلور و مثلاً ايتالياده و بزده اولدينى كې نصبي و ا كثر ياك چوق مملكتلرده كورلديكى وجهه منتخب مجلس اعيانلر وجوده كتيريلور .

هيئت متحده حكومتلرنده كى اعيان مجلسلرينك منافعنه ارجاع كلام ايتيه جكمز زادكانلق و محافظه كارلق جرياننه كلنجه آنك حقننده مطلق و قطعى بر حكم و ير مك قولاي دكلدر . فى الواقع بعض مملكتلرده زادكانلق انقلاب كيره و بونجه نقليات فكر يه به رغماً مملكتلردن بوس بوتون سو كولما مشدر . انكلتره ، پروسيا ، مجارستان و سائرده زادكانلق بر طبقه سياسيه دكلسه بيله بر طبقه اجتماعيه در . قانون نظر ننده مساواة و ارايه ده بو مساواة روح جمعيتدن روح عاداته تماماً كيرمش دكلدر . بو حيثيته اورالده اعيان مجلسى زادكانلق و محافظه كارلق جرياننك بر نوع محصله سى اولور . محافظه كارلق نفوذلى مجلس اعيانده و ترقيات سريعه يه معطوف نفوذلر مجلس مبعوثانده جمع ايدلمش عداولنه بيلير و پارلمنتو مملكتته مهمامكن حقيقى بر آينه خدمتى ايفا ايتمش و حيات عموميه اجتماعيه يى اداره ايدن باشليجه قوتلر تنظيم و توزين ايدلمش اولور .

نيايت طرفدارى اولدينى كى انكلتره يى مشق اتخا ز ايدراك پارلمنتونك ايكى به تفريقى دخى شدتله ترويج ايدن مونتسكيونك بوم بحثنده كوسترديكى اسباب موجب شورد : « بر دولتده دائماً

۱۱۴ اعیان و زادکانق جریان . — مختلف مملکتلرده مختلف اساسلره تبعاً من القدیم تشکل ایتمش و یا مؤخرآ تشکیل اولونمش اعیان مجلسلری حقنده مختصراً لازم کلن تفصیلاتی سرد ایتدک . بونلردن حکومات متحدهیه عاند اولان اعیان مجلسلرینک ماهیتی بوس بوتون باشقه بر شی اولدیغنی کوردک؛ آنجق اعیان مجلسلرینک اشکال سائره سنی و مملکتده نه کی جریانلره بر تمثال عد ایدلمکده بولندیغنی و یاخود نه کی نظریات علمینه و یا فوائد فعلیهیه استناد ایتدیرلمکده اولدیغنی موضوع بحث ایتدکن ماعدا اساساً هر هانکی بر سبب و مؤثرک سوقیه اولورسه اولسون پارلمنتوی ایکییه تقسیم ایتدک نظریات حقوقیه و حیات اجتماعیه ایله ممکن التالیف اولوب اولدیغندن، تصیر دیکرله اعیان مجلسنه لزوم و ارمی یوقی جهتلرندن اصلاً بحث ایتدک . بو سببله هیئات متحدهده کی اعیان مجلسلری حقنده ویردیکمز معلومات مجمله ایله بالا کتفا دیکر مجالسک مملکتلرده نه کی اجتماعی جریانلره بر تمثال عد ایدلمکده اولدیغنی خلاصهٔ تفهیم ایدلم :

مملکتده کی جریانلری تمثیل اعتباریله اعیان یا بوجه بالا هیئات متحده حکوماتنه تمثال اولور و یاخود مملکتده بر زادکانلق و محافظه کارلق صنفی بولونوب او صنفک منافع مادیه و احوال روحیه سنه ترجمان فرض ایدیلور و یاخودده بر مملکتده مختلف منافع اقتصادیه و احوال فکریه جریانلری اولور که اونلری

اول امرده بوندرشرات مجلسنده ابتداءً تدقيق اولونور اوندن صكره رايخشتاغ مجلسنه كوندربلور رايخشتاغ مجلسي قانوني مذاكره ايتدكدن صوكره بوندرشرات تكرار تدقيق وایمپراطور طرفندن اعلان ايدلسنه مأذونيت اعطا ايدر .

بوندرشراتك دها پك چوق واسع صلاحيتلری واردر . نظاماتك نشر واعلانی خصوصنده برنوع شورای دولت وظیفه سنی ایفاء ، مأمورلر طرفندن قانونك تطبیقنده كوریلن نقایه سی محتوی راپورلری تدقیق ، بعض بویوك مأمورلك ایمپراطور طرفندن حین تعییننده رأی موافقتی اعطا ايدر ایمپراطور آنجق بوندرشراتك موافقتیله اعلان حرب ايدر ایمپراطورلغه متعلق قوانینك تعدیلنی متضمن امرنامه لری عقد ايدر ورايخشتاغ مجلسنی فسخ ایلر . بعضاً محكمه وظیفه سنی ایفاء وامور اتحادیه یه متعلق وظیفه لرخی ایفاء ایتمن حكوماتی بووظیهنك ایفاسنه اجبار ، حكومتلر ارسنده کی اختلافات صوك درجه یه كلكلری زمان حل ايدر الحاصل بوكا مقیس دها پك چوق حقوق وصلاحیتلره مجهز اولان بومجلس المان مشاهیر مؤلفینندن ژه لئیق طرفندن ایمپراطورلنك ركن اعظمی عد اولونقمده در . بونی سائر حكومات متحده ده کی اعیانه قیاس ایتك البته طوغری اوله ماز . علی العموم اعیان مجلسلرندن فرق اعضاسنك تعلیماته تابع اوله رق حكومت متبوعه سنه حساب ویرمه مجبور اولسی برنوع دیپلومات مجلسی حالی آلمسیدر . هیئت متحده اعیان مجلسلرینه ده كمتیره من چونكه حكومتلك هربرینه عائد اولان مقدار آرا مساوی دكلدر . بونكه برابر رايخشتاغ ایله مشتركاً امور تشریعه یه اشتراك ایتسی ، رايخشتاغك مجولانه ، وایمفرطانه قانونلری اوزرنده برتأثیر معدل اجرا ایده یلمسی والحاصل سائر مملكتلرده کی اعیان مجلسلرندن نه کی فوائد استحصال ایدیورسه اوفوئدی تأمین ایلیه یلمسی اعتباریله بر مجلس اعیان صایه ییلر .

اولونمئسدر : پروسیانک ۱۷ رأیی واردر . ( روسیایه کجش اولان هانورده ، هس الهقتورال ، ناساو ، فرانقورت داخل اولدینی حالده ) باویرا ۶ ، ساقسونیا ۴ ، وورتهمبرغ ۴ ، باد ۳ ، مکلبورغ شهوه رین ۲ برونسویق ۲ ، دیگر حکومتلر وشهرلر ( که هسامبورغ ، لوبهق ویره مهن شهرلیدر ) برر رأیه مالکدرلر . هیئت متحدهینی تشکیل ایدن دولتلدن هر بری نهقدر رأیه مالک ایسه اوقدر مرخص کوندوره بیلیر بونکله برابر بودولتک حائز اولدینی رأیلرک مجموعی آنجق جهت واحدهیه اعطا اولونه بیلیر . »

بوندرشرات اعضاسنک جله سی مرخصدرلر ومثلا وکلا ، دائره مدیرلری ، شورای دولت اعضالری ، شهر امینلری ، مشاور خاصلر وسائره درلر . هیئات متحده ارکاندن اولان حکومت ، بونلری نصب وتمین وفضله اوله رق صریح تعلیمات ایله تجهیز ایدرلر یعنی مرخصلر وکالت مقیدهیه تابعدرلر . هر حکومت نهقدر رأیه مالک ایسه اوقدر مرخص کوندرمکه مجبور دکلدلر . بوندرشرات اعضاسندن اولان ذاتک رایخشتاغده مبعوث اولسی ممکن دکلدلر چونکه برنده حر دیگرنده مقیده اولدینی ایچون متناقض رأیلر ویرمسی ممکندر . قرارل بعض استثنالردن صرف نظر اکثریت عادیه ایله ویریلور . بوتون ایمپراطورلغه عائد اولیان بر مسئلهده بوتون اعضا قراره اشتراک ایتمزلر ویا لکنز اومسئله هانکی حکومتلره تعلق ایدنیورسه اوحکومتلرک مرخصلری قراره اشتراک ایدرلر مجلس سنهده لااقل بردفده اجتمع ایدر ثنک اعضاسی طلب ایستکلری حالده اجتماعه دعوت اولونور . ریاستی آلمایا ایمپراطورلنی باش وکیلنده در . رئیس ریاستی بروکیل ایله ده اداره ایده بیلیر . مجلس مبعوثان حال اجتماعده اولدینی زمان بیله بوندرشرات طویلاننه بیلیر .

بودجه داخل اولدینی حالده ایمپراطورلغه متعلق بوتون قانونلر حقنده



حکومت و یا قانتونک ایکیشر اعیان اعزانه حق لری واردر. امریقا حکومت صغیره سندن هر برینک عدد نفوسی نه مقداره بالغ اولور ایسه اولسون، هر ایکی مجلس ده ملتی تمثیل ایدیور. فقط بریسی افراد اهالی اعتباریله دیکری حکومتونه منقسم اولوق اعتباریله ..

امریقا هیئت متحده شمالیه سی اهالیسی انکلز عرقنه منسوب وانکلتره عادات سیاسیه سنه مألوف اولدقلرندن طولایی ایکی مجلس اصولی کندی حکومت لری ماهیتله توفیق خصوصاً صنده بر استعداد مخصوص عرقی کوستر مشلر سده اساساً اهالیسی ده موقراتیق و جمهوریت پرور اولان اسویچر ده دخی بواصولک تقلید ایلمسی قاعده مذکوره نک حکومت صغیره نک استقلالانی محافظه ده کی فوائد عظیمه سنی کوسترر .

فی الحقیقه اسویچر نک کوچوک حکومتلرنده بیله اعیان مجلس لری یوق ایکن ۱۸۴۸ قانون اساسی سنده بونی قبول ایتمش لردر .

۱۱۳ المانیا مجلس اعیانی . — المانیا ایمپراطور ل فنک ده بر بوندر . شرآت مجلسی وارکه بونی نه درجه یه قدر بالاده کی دستوره توفیق ممکن اوله بیله چکی جای تدقیق در . ایمپراطور ل فنه مخصوص قانون اساسینک التنجی ماده سی موجب نجه « بوندر شرآت مجلسی هیئت متحده یی ( قانون اساسی قونغه دراسیون یعنی هیئت متفقه کله سنی استعمال ایدیور ) تشکیل ایدر و حکمدار و حکومت لک وکیل مرخصلرندن Maudalaires pléni poteuliaires مرکبدر . « مجلس مذکورده رأی و یرمک حق شو نسبت دائره سنده تقسیم

امریقا حکومتی مجلس مبعوثانی اہالینک و مجلس اعیانی حکومت صغیرہ نك ممثلی قیلمغله بو آھنکی تأمین ایتمش و بوضورتله حکومت صغیرہ نك کنڈیلرندن نسبتاً دھا بویوک اولان دیگر حکومت صغیرہ طرفندن تحت تأثیر و نفوذده قالمیرینه و برکون کلوب موجودیت مستقلمیرینی غائب ایلمیرینه و الحاصل دیگر حکومت طرفندن بلع اولومیرینه مانع اولمشدر . فی الحقیقه بواصول موجبجه مجلس مبعوثان اھالی یه تابع اولدیفندن عددی اھالینک مقداريله متناسب اولور . حکومت صغیرہ نك نفوسی چوغالیرسه مبعوثلری ده اکا تبعاً آرتار . آزالیرسه بالطبع مبعوثلرینک عددی ده تناقص ایدر . پارلمنتو صرف مجلس مبعوثانندن یعنی اھالی یی تمثیل ایدنلردن مرکب اولسه نفوسی چوغالان حکومت صغیرہ نك پك چوق خصوصاتده نفوسی قلیل اولان حکوماته اکثریت قاعده سنه تبعاً غلبه چاله جنی و حکومتلر آره سنده مساوات حقوق و صلاحیت قاعده سنک سکتهدار اوله جنی طبیعیدر . ایشته بومساواتسز لکه مانع اولمق ، هر حکومتک هیئت متحده یه داخل اولور ایکن شرط اساسی اتخاذ ایتدیکی موجودیت و استقلالنی صیانت ایتمک ایچون اھالی جریانلیرینه سد راه اولان بر مجلس ، مجلس اعیان وجوده کتیرلمشدر . بومجلسه کیدن اعیان منسوب اولدقلری حکومت نامنه کیدر لر و حکومتلر مساوی اولونجه انتخاب ایلدکلری اعیانکده مقداری مساویدر . حکومت مثلامتحدة امریقادو اسویچره جمهوریت متحده سنده هر

مجلسی (لاقتینغ) ایچون رأی خفی ایله افرایا دیلور . کیریده فلانلر (اوده لستینغ) عنوانیه یاد ایدین مجلس مبعوثانی تشکیل ایدرلر . هر ایکی مجلسک مدت انتخابیه سی مساویدر . مع مافیه قواننده حق تقدم (اوده لستینغ) مجلسنده اولوب ایکی مجلس ارسنده اختلاف ظهورنده هیئت عمومی ستورینغ اولوق اوزره عقد اجتماع وثلثان اکثریتله اتخاذ قرار ایدر .

اوسترایالاده دخی مبعوثان واعیان عینی منتخبلر طرفندن انتخاب اولوتور ومبعوث واعیان اولوق ایچون مقتضی شرائط قانونیه یکدیگرینگ عینی ایسه ده اوراده یالکسر اعیانلق مدتی مبعوثلق مدتک ضعفی یعنی آلتی سنه در ومبعوثلر تجدید تام اصولنه تابع اولدقلری حالده اعیان هر اوج سنه ده مناصفة تجدید اولونور .

۱۱۲ هیئات متحده ده مجلس اعیان . — مجلس اعیانلری هیئت متحده یی تشکیل ایدن حکوماتک ممثلی اولوق اوزره وجوده کلن دولتلر بالطبع بوس بوتون باشقه اساس تعقیب ایتمکده درلر .

امریقا متحده شمالیه سی ، اسویچره و المانیا امپراطورلغی بو نوع دولتلر ارسنده علی طریق المثال ذکر اولونه بیلیر .

یوقاریده مبحث مخصوصنده تفصیل ایدلدیکی وجهله (مبحث ۵۴) بو صورتله اداره اولونان دولتلر باشلیجه ایکی عنصری محتویدر : اهالی و حکومت صغیره . دولت بر نقطه نظره کوره بوتون اهالی دن دیگر نقطه نظره کوره بوتون حکومت صغیره دن مرکبدر . هر ایکی عنصرک حقی تماماً ویرمیدر که دولتک قیامنده بر آهنگ و توازن حصوله کله بیلسون .

صکرمه ویرکویه متعلق شرائط مذکورہ بی ایفا ایدہ میہ جک وضعیتہ بولونانلرہ مستعفی نظریلہ باقیلور .

هردرلو صدمات زمانہ یہ قارشو موجودیت و مؤسسات احرارانه سنی محافظه ایتمش اولان فلنسنکده دخی انکلتره ، اسوج ، اسویجره و مجا - رستانه قیاساً بعض تشکیلات تاریخیه تک بقایابی محافظه اولمش حتی پارلمنتونک هیئت عمومیہ سی الا آن ( نه نازمہ رو ) عنواتی محافظه ایلمکده بولنمشدر . برنجی ( اعیان ) وایکنجی ( مبعوثان ) مجلسندن مرکب اولان نه نازمہ رونک هر ایکی قسمده منتخب ، فقط طرز انتخاب باشقہ در . مبعوثان آرای عمومیہ یہ یقین برطرزه تابع ایکن اعیان ولایت مجلسلری طرفندن انتخاب ایدیلیر . انتخاب طقوز سنه مدتلہ در . اعضانک عددی ( ۵۰ ) در . اوچ سنهده ثلثی تجدید اولونور . اعیان انتخاب اولونه بیلک ایچون ( ۳۰ ) یاشنده اولتی ، مملکتک اک زیاده ویرکو ویرنلردن بولونتی ویاخود حالاً ویا ماضیاً اک مهم بر وظیفه سیاسیہ ویا مأموریت ایفا ایتمش اولتی لازمدر . هر ولایتدن کلن اعیانک مقدراری مساوی دکلدر . اک چوق اعضا کوندرن ولایت جنوبی هولانده درکه اون اعیانہ حق وارددر . اعیان مجلسنک امور تشریحیہده صلاحیتی پک محدوددر . عادتاً بر مجلس تسجیل خدمتی ایفا ایدر .

مجلس اعیانی منتخب اولقلہ برابر دهازیاذه شایان دقت مملکت وارسه اوده نوروجدر . ۱۹۰۵ سنه سندن بری استقلال تام پیدا ایتمش و تمامیت ملکیه سنی انکلتره ، المانیا ، روسیه دولتلرینک تحت ضمانتہ وضع ایلمش اولان بودوات اک ده موقراتیقی بر طرز اداره تعقیب ایلمش در . مبعوثان و اعیان عینی کیسه لو طرفندن منتخبدر . هر مجلسه کوره آیری منتخبلر یوقدر . ( ستوربنغ ) عنوانیلہ معروف اولان بومجلسک ( ۱۲۳ ) اعضاسی بولونوب بو اعضانک استخابلری تصدیق اولونور اولونماز ربی اعیان

اره‌سنده اولورسه ولايتك اوج ، برملیوندن زیاده اولورسه درت اعیان  
انتخاب ایتکه حق واردر ]

نالکاً قرائك مخدوملری ویا بولونمقدلری تقدیرده خاندان قرالینك  
اجرای حکومت ایده‌جك شعبه‌سنه منسوب پرنسلیر ... بونلر (۱۸)  
باشنده مجلسه داخل فقط انحق (۲۰) باشنده رأیه‌صاحب اولورلر .  
بوندن ماعدا اعیان اوله‌بیلیمك ایچون بلجیقالی و حقوق سیاسیه  
ومدنیه‌سنه مالک بولونمق بلجیقاده مقیم و لااقل قرق باشنده اولمق  
وخزینته‌یه سنوی لااقل ۱۲۰۰ فرانق ( پانت ویرکوسی داخل اولدینی  
حالده) طوغریدن طوغری‌یه ویرکویرمك ویا لااقل (۱۲۰۰۰) فرانق  
واردات ویرن برملکه صاحب بولونمق .

اسوه‌جده ۱۸۰۹ اختلالنه‌رغمأ پارلمنتونك وضع قدیمی تبدیل اولو-  
تمامش و ۱۸۶۶ده قانون اساسی تعدیل ایدیلنجه‌یه قدر (ریکسداغ)  
مجلس زادگان ، رهبان ، اصناف واهالیدن عبارت اولمق اوزره درت  
صنفتدن ترکب ایلش ایدی . تاریخ مذکورده بوحاله نهلیت ویریله‌رك  
قانون اساسینك برنجی ماده‌سی موجبنجه ریکسداغ برنجی وایکنجی  
مجلس عنوانیله ایکی‌یه تقسیم ووکالت مقیده اصولی الفا وهرایکی مجلسك  
انتخاب ایله وموقت برزمان ایچون تعیین ایدیله‌جکی اعلان اولمشدر .

برنجی مجلس ، یعنی اعیان مجلسی (۱۵۰) اعضادن مرکبدر .  
ولایت مجلسلری ایله ولایت مجلسلرنده وکیللری بولونمیان شهرلرك بلدیه  
مجلسلری اعضای مذکورده‌نی (۹) سنه مدته انتخاب ایدرلر . اعیان  
اوله‌بیلیمك ایچون ۳۵ یاشنی اکمال ایتمش ، اوج سنه‌دن بری لااقل  
(۱۱۲۰۰۰) فرانق قیمتنده اولدینی محرر برملکه صاحب بولنش ویا  
ینه اوج سنه‌دن بری لااقل (۵۰۰۰) فرانق واردات سنویه ویرن بر  
سرمایه‌یه ویا برصنعت و مشغوبیته مالک اولمش اولمق لازمدر. انتخابدن

هرولایتک باش پستقوس و پستقوسلریله دارالفنونلر و بعض شرائطی جامع اقتصادی هیئتلر طرفندن تعیین ایدیلور .

کریک روسیه و کریک اسپانیاده اعیان اعضاسنک بر قسمی منتخب اولدیفی کبی منتخب اولان اعضاسنکده بر قسمی مسالک و صنایع مخصوصه اربابی و هیئات علمیه طرفندن انتخاب ایدیلورک ایلریده موضوع بحث اوله حق اولان انتخابات سلکیه اصولنه قسماً تبعیت ایدلشدور .

ارثی ویا نصبی اولان ویا ارث ایله نصب ویا ارث و نصب و انتخاب مختلط اولان اعیان مجلسلری حقنده بروجه بالا مختصراً ایراد ایتدیکنز مثالرله بالا کتفا اعضاسی کاملاً منتخب اعیان مجلسلرینه بر قاج مثال کتیرهلم :

۱۱۱ اعیانده انتخاب اصولی جاری اولان مملکتلر . — (۴)

اهمیت مخصوصه سی حسبیه یوقاریده آریجه ذکر ایتدیکنز فرانسه دن ماعدا بلجیقا ، اسوج و نوروج و آوسترالیا و فلمنک حکومتلرینک اعیان مجلسلری کاملاً منتخبدر .

بلجیقانک ۱۸۳۱ قانون اساسیسی موجبجه مجلس اعیان ایله مبعوثانی عینی منتخبلر انتخاب ایدر و اعیانک مقدراری مجلس مبعوثانک نصفی تجاوز ایدمیز . مع مایه ۱۸۹۳ ده بو قانون تعدیل اولونهرق آنجق سنی اوتوزه بالغ اولان منتخبلرک اعیانلق ایچون رأی ویرمیری و فضلله اوله رق ولایت مجلسلرینکده اعیان انتخابنه اشتراک ایللری تقرر ایتشدور . شو حالده بلجیقا مجلس اعیانی بروجه آتی طرز انتخابه تابعدر :

اولا بهر (۸۰) بیک نفوسه نظراً بر اعیان انتخاب ایدلک اوزره اهالی طرفندن طوغریدن طوغرییه منتخب اعیان ، ثانیاً لا اقل (۵۰) بیک نفوسه مالک بهر ولایته ایکی اعیان اصابت ایتک اوزره ولایت مجلسلری طرفندن منتخب اعیان [ولایت اهالیسی (۵۰۰) بیک ایله برملیون

معارف و علوم مدن : یدی سنه اقامه می و مجلس عالی معارف  
اعضای افتخار ایفای خدمت ایلینر؛ (۷) صنف اصناف وزرا عدن:  
صنعت تجارت و زراعت لری حسینیه اوج سنه دن بری سنوی  
(۳۰۰۰) فرائق طوغریدن طوغری به ویرکو ویرنر؛ (۸)  
و نهایت وطنه شرف ویره جک خدمات و لیاقت ابراز ایدن ایتالیا  
تبعه سی ...

اعیان مجلسی بالاده کی صنوف آره سننده نصب اولونان  
ذواتک شرائط نصیبیه یی حائز اولوب اولمدقلرینی برانجمن  
مخصوص واسطه سیله تدقیقه صلاحیت داردر .

۱۱۰ روسیه و اسپانیا . — (۳) نصب ایله انتخابی مختلطاً جاری  
اولان ممالکه مثال اوله رق روسیه ایله اسپانیایی ذکر ایده پیلیرز :  
روسیه نك سناتو مجلسی ۱۸۹۶ قانون اساسیسی موجب نهجه مجلس ایمرطوری  
عنوانی اخذ ایدرک اعضاسنك عددی (۹۶) مقدارنده تزید ایدلشدر .  
بو (۹۶) اعضا انتخاب ایله تعیین ایدیلدورلر . انتخاب ایدنلر اورتودوقس  
رهبانی ، هیئات علمی و فنیه تجارت اوطله لری ، ولایات اسیلزادگان  
مجلسلری ورنوع ولایت مجلسی اولان زه مستور مجلسلری در . اعیان  
اوله یلمك ایچون معین برورکو ویرمك و اوصاف و شرائط مخصوصه یی  
حائز بولونمق ایجاب ایدر .

اسپانیا اعیان مجلسی اولای بحق یعنی موقعلری و وظیفه لری ایجابی  
اولمق اوزره اعیانلغه مستحق اولانلردن ، ثانیاً قرال طرفندن قید حیاتله  
تعیین ایدیلنلردن ، ثالثاً بش سنه ده نصفی تجدید اولونمق اوزره اون  
سنه مدته انتخاب ایدیلن اعیانندن مرکبدر . بو (۱۸۰) منتخب اعیانك  
(۱۵۰) سی ولایات مبعوث هیئت لریله نواحی دلکه لری طرفندن و متاقیسی

طلبلیله دولتجه سائر مأموریته تعیین اولونانلر اعضالق مأموریتدن ساقط اولور .

- ایتالیاده خاندان قرالمیه منسوب ذواندن ماعدا طرف قرا -  
 لیدن قید حیاتله منصوب اعیان واردر . قرالك غیر محدود  
 مقدارده اعضا تعیین صلاحیتی وار ایکن اوچ سنه ظرفده .  
 (۲۱۰) اعضا تعیین ایدلسی ۱۸۹۲ ده اعتراضاته سببیت ویرمش  
 وبونک اوزرینه اعیان اعضالقلمینک مقداری (۳۹۰) ی تجاوز  
 ایتیه جکی تقرر ایتشدر . تعیین اولونه جق اعضانک شرائطی  
 معیندر: (۱) هیئت روحانیهدن : باش پسقبوس و پسقبوسلر ؛  
 (۲) مبعوثاندن: مجلس مبعوثان رئیسلی و اوچ دوره اجتماعیه  
 اشتراك ایتمش ویا الی سنه مبعوثلق ایتمش ذوات ، (۲) صنف  
 مأموریندن : اوچ سنه وکللق ، سفیرلك ، فوق العاده سفیرلك  
 بش سنه شورای دولت اعضالقی ، یدی سنه متصرفلق ایتمش  
 اکابر مأمورین ؛ ( ۴ ) صنف حکامدن : تورینو ، فلورانسه ،  
 ناپولی ، پالرم وروما محکمه تمیزلری رؤسالی ایله دیوان محاکمات  
 سیات رئیسلی ، استیناف محاکمی رئیس اوللری ، محکمه تمیز  
 باش مدعی عمومیلری ( بش سنه بومأموریتده بولنلق شرطیله ) ،  
 اوچ سنهدن بری بالفعل استیناف محکمه سی رئیس اولانلر ،  
 بش سنهدن بری محکمه تمیز و دیوان محاسبات اعضالقی ایدنلر ؛  
 (۵) صنف عسکریدن : بری و بحری قوماندانلقده بولونانلر  
 و بش سنهدن بری بریه و بحریه لوانلی ایدنلر ؛ (۶) صنف



اوليان ومع مافيه اصلاحاتدن مقدم بوجلسده حاضر بولونان اميلزادگان نامنه (۵۰) ذات تعين اولونمشدرکه بونلرک بالا خره عددي تدریجاً (۲۰) . ایشدر .

۱۰۹ دولت عثمانیه وایتالیا . — اعضاسی کاملاً طرف حکمداریدن منصوب اعیان مجلسرینه مثال اولهرق دولت عثمانیه وایتالیا حکومتلرینی ذکر ایده بیلیرز .

عثمانلی مجلس مبعوثانی ۱۳۲۵ ده قانون اساسینک اعیانک نصبی اولسنه متعلق بحثنی تعدیل ایتک ایستمش ایسه ده مجلس اعیان بونی قبول ایتهمش اولدیغندن ایوم مرعی الاجرا اولان قانون اساسی موجینجه قرق یاشنی ا کمال ایتمش ذوات اوصاف وشرائط مطلوبه بی ده حائز بولونورلرسه اعیان اوله بیلیرلر . بوبابده بروجه آتی احکام واردر: هیئت اعیانک رئیس واعضاسی نهایت مقداری هیئت مبعوثان اعضاسنک ثلثی مقدارینی تجاوز ایتهمک اوزره طوغریدن طوغری به طرف حضرت پادشاهیدن نصب اولونور . هیئت اعیانه اعضا تعین اولونه بیلیمک ایچون آثار و افعالی عمومک وثوق واعتمادینه شایان وامور دولته خدمات ممدوحه سی مسبوق و متعارف ذواتدن اولمق و قرق یاشندن اشاغی بولونماق لازمدر . هیئت اعیان اعضالنی قید حیاتله در . بومأموریتلره وکلالات و و الیک واردو مشیرلکی وقاضیه سکرک و ایله چیلک و بطرک و خاخم باشلیق مأموریتنده بولونمش اولان معزولیندن وبری و بحری فریقاندن وصفات لازمه بی جامع سائر ذواتدن مناسبلری تعین اولونور . کندو

قيد حيات ايله نصب اولونان اعضا آنجق بعض هيئتلىر و صنوف خلق طرفندن تقديم ايديلن نامزدلر آره سندن انتخاب و تعيين ايديلنورلر. مع مافيه برصنف ويا هيئته منسوب اولوبده بروجه بالا نصب اولونان اعضالرا هيئت و صنفه منسويت صفتنى غائب ايدرسه اعيانلغى ده قالماز . ايسته كوريليوركه پروسىادهكى اعيانك بر قسى ارثى اولدقدن ماعدا نصبي اولانلرك بيله بعضاً اعضالقرلى موقت اولويور .

ماغنا مجلسى ديه ياد ايديلن مجارستان مجلسى قونت آلبر آپونى طرفندن ويريلن معلوماته نظراً من حيث المجموع ۴۰۹ اعضادن سر كيدر . بونلرك اون يديسى خاندان قرالى يه منسوبدر . بوندن ماعدا پارلمنتويه متعلق اصلاحاتدن مقدم مجلسده حاضر بولونمغه صلاحيتى اولان ذوات ايله استيناف محكمه لر ينك ايكي رئيسى يعنى ۱۹ ذات اعياندرلر .

مذاهب مختلفه يه منسوب رؤساي روحانيه ايچون بروجه آتى اعضالقرلر واردر : ايكي قتوليك مذهبه منسوب بسقپوسلر (۲۳) روم اورتودوكس مذهبي بسقپوسلرى (۹) ، اوچ نوع پروتستان مذهبنك بهرى ايچون آلتى اعضادن عبارت اولاق اوزره (۱۸) ، اونتياريهن جماعتى ايچون (۱) .

بو اعضالقرلر ارثاً كنديلرينه اصالت انتقال ايدن ذواتى علاوه ايتملدركه بونلر مجلسك اكثرث عظيمه سنى تشكيل ايدرلر و مقدارلرى ( ۲۳۴ ) . بالغ اولور . مع مافيه بونلردن برينك اعيان اوله بيلمسى ايچون اصلاحات اخيره موجبنجه لا اقل آلتى بيك فرائق اراضى و ير كوسى و ير مى لازمدر .

قرال طرفندن نصب اولونان اعضانك مقدارى (۵۰) در . ولايت ديت مجسندن (۲) اعضا تعيين ايدلديكى كچي لازم كلن (۶۰۰۰) فرائق و ير كوني و يره مديكرندن طولايى مجلسده حاضر بولونمغه صالح

۱۰۸ ممالك ساژده مجلس اعيان ( پروسيا و مجارستان ) . —  
 ممالك ساژده اعيان مجلسرينك تركيبات و تشكيلات و وظيفه و صلاحيتلری  
 بر برينه تماميله بکزه مه مکده اولديغنی بيانه حاجت يوقدر . مع مافيه  
 طرز ترکیبلی مختلف اولان بو مجلسلر باشليجه بر قاج اساسه ارجاع  
 اولونه بيلير :

وراثت ، قيد حياتله نصب و وراثت ، نصب و انتخاب مختلط اولمق ،  
 انتخاب ، حكومات متحده دن مركب دولتلرده حكومات صغيره ني تمثيل ..  
 مجلس اعيانك كافة اعضاسی اعضالق كنديلرينه انتقل ايتك صورتی  
 انكلترده بيله تماميله جاری اولديغنی يوقاریده كوردك . نصبي اولان  
 اعضانك ده ماهيت نصبلیری تخالف ايدر . منتخب اولان اعيان هر  
 مملكتده عینی طرز و شكل انتخابه تابع دكلدر . بوس بوتون بشقه بر  
 دستوره مستند اولان حكومات متحده مجلس اعيانی بيله هر یرده عینی  
 شكل و ماهيتی حائز دكلدر . برده بعض اعيان مجلسلرنده بر مسلك  
 و صنعت مخصوصه اربانی مثل اولمق اوزره نصب و تعیین ويا انتخاب  
 اولونان ذوات واردر . بو اشكالك انواعی ایچون مثاللر ذكر ایدلم :  
 (۱) اعضالرنده وراثت جهتی نصب جهتنه غالب كان دولتلره مثال  
 اولمق اوزره پروسيا ويا مجارستانی ارانه ایده بيليرز .

پروسياده قانون اساسی مجلس اعيان ( هه رونهاوز ) اعضاسنك  
 عددينی تحدید ايتمز . ارثی اولان اعضا شونلردر : هوهه نزلورن  
 سيكمارنيكن خاندانی رؤسası ، امپراطورلغه مربوط و بالفعل اجرای  
 حكومت ايتمش اسكي خاندانلر رؤسası ، ( ۱۸۴۷ ) تاريخنده با امرنامه  
 قرالی اعيان مجلسنده حاضر بولونمغه دعوت ايدیل اصيل عالملر  
 منسوبینی ، اراده مخصوصه ايله اعيانلق كنديلرينه ارثاً توجه  
 ايدن ذوات .

اتحاددن سوکرده دوام ایتدی آنجق انکلتره پارلمنتوسنده  
 اخذ موقع اتمک صلاحیتی بوایکی مملکت لوردلرینک انجق بر  
 قسمنه تفویض اولوندی. انکلتره پارلمنتوسنک هر دوره اجتماعیه.  
 سنده انتخاب اولونمق اوزره اسقوجیادن اون آلتی وقید  
 حیاتله انتخاب ایدمک اوزره ایرلاده دن یکریمی سکز لورد  
 کوندرلمسی تقرر ایتدی. ایشته بوضورتله انکلتره نك ارثی  
 و منصوب لوردلری یاننده برده منتخب، موقت ویا قید حیاتله  
 لوردلر اخذ موقع اتمش بولونیور.

اوروپانک سائر فتودالیته مجالسندله اولدینی کبی مانیوم  
 قونسیلیوم مجلسنده دخی بویوک دره بکلرله برلکده کلیسارؤسا  
 و سرآمدانی عقد مجلس ایدرلر ایدی. ایشته بوضورتله جسمانی  
 لوردلرک یانی باشنده روحانی لوردلر کورلدی. بونلر بدایه  
 انکلتره قرالیتنک ایکی باش یسقبوسوی ایله عموم یسقبوسلرندن  
 عبارت ایدی. بالآخره دیگر رؤسای مهمه روحانیه دخی  
 اعضا اولدیلر. بر ارمق روحانی اعضانک عددی جسمانی  
 اعضایه فائق بیله اولدی. ایوم بر قسم یسقبوسلر وارکه بحق  
 لوردلر یعنی یسقبوسلقلری کندیلرینه اوصفتی ویریر  
 دیگرلری منحل بکلرلر و منحل اولان یر اک قدملییه توجیه  
 اولونور. روحانی لوردلرک قید حیاته اولدینی بیانه حاجت  
 یوقدر. کنتربوری و یورق باش یسقبوسلری، لوندره،  
 دورهام، وینچستر یسقبوسلری مجلسک اعضای طبیعیه سندندر.

عدديني تحديد ايدييور ايدي . اوزماندن اعتباراً مجلسه حق دخولى ويرن شى بالذات دره بلكلكه متعلق توجهات دكل ، قرالك دعوت و اراده سى ايدي . اون دردنحى عصرده برقانون بو نقطه يى برقات دها تبين ايتدى . بو قانون موجبجه لورد صفتيله پارلمنتويه بركره دعوت اولونوب اجابت ايدن هر ذاتك عيني زمانده دها سوكره كى دعوت اولونه حق ديكر پارلمنتولرده دعوت اولمغه حق اولور ايدي . حتى بر ذات كندى وفاتندن صكره بو حق وارثنه ترك ايدر ايدي وبو صورتله لوردلق انگليز قانونى موجبجه اكبر اولاده عائد اولمق اوزره الى نهايه عائلده قالير ايدي . بو عادت تقرر ايتدكبن سوكره قرالك بر عقد مخصوص و قطعى اينه برذاته لوردلر قماره سنده اخذ موقع ايتك پايه سنى توجهيه ايتسنه بك كوچوك بر خطوه قاليور ايدي . بو خطوه يى ده بالاخره آتديلر . قرال بافرمان مخصوص (patent) لوردلق پايه سى احداث ايدي . قرالك بو حقنه يالكز بر حد قوندى اوده لوردلق توجهيه ايدر ايكن اونى يالكز قيد حياتله توجهيه ايتمه سى ، اونى عيني زمانده وبالضروره ارثى قيلمى ايدي .

انكلتره يه مخصوص ارثى لوردلقلر ك صورت تحدىي بودر . آنحق مؤخرآ اسقوجيا و ايرلانده نك التحاقيله بو ايش براز قاريشدى . فى الحقيقه بو ايكي مملكت ده صورت توسع و انبساط لرى انكلتره يه متناظر اولمق اوزره لوردلر مجلسنه مالك ايديلر وبو مجالس

متحد ایدیئر وقونتلقر داخلنده کی مختاریت وتمثیل تشکیلاتی شوالیه لره امتیازلی شهر وقصبه لرده کی بورژووالره ( یعنی صنعت وتجارتدن اکتساب ثروت وموقع ایتمش اولانلر ) مائل بر وظیفه اجتماعیه ویرمش ایدی .

برطرفدن رؤسای روحانییه وبویوک زادکانک دیگر طرفدن شوالیه لره شهرلیلرک آیری آیری ( وبونکه برابر اغلب احتماله کوره عینی دائره ده ) اجرای مذاکره ایتملرینه ایلك دفعه اوله رق صورت صریحه ده ( ۱۳۳۲ ) تاریخنده تصادف ایدیلیور . بوتفریق ۱۳۴۱ ده تماماً تقرر ایتمش . ۱۳۵۱ ده قومون یعنی عوام مجلسی آیری آیری بر دائره یه ده نائل اولمشدر . ۱۳۷۷ تاریخنده ایسه مجلس عوامک باشنده برده رئیس بولونیور .

مجلس مبعوثان واعیانی بوصوتله بربرندن تفریق ایدنجه اعیان مجلسنک کیملردن مرکب اولدیغنی ایضاح ایده لم :

بالآخره عنوانی لوردلر قاره سنه منقلب اولان مانیوم قونسیلیوم بدایه اک بیوک دره بک رؤساسندن ( واسال ) مرکب برفتودالته مجلسی ایدی . بناء علیه بالفعل دره بکی اولان بوتون دوقلر وقونترلر وسائر بو مجلسک اعضای طبعیه سندن ایدی . انجق برنجی ادوارک دور قرالیسندن صوکره لوردلر قاره سنه باشقه بر اساس ویره جک برتحول حاصل اولدی . فی الحقیقه قرال اولجه دعوت ایدیلن بروجیه بالا بارونلرک

عصر دن اعتباراً پارلمنتوده اخذ موقع ایتمکن ناصل خالی اولدیغنی،  
تفهیمه کفایت ایدر .

رهبان بر طرف اولدق دن صوکره پارلمنتوده قالان عناصر  
باشلیجه ایکی کومه تشکیل ایدنلر جسمانی لوردلر ورؤسای  
روحانیه ( که روحانی لوردلدر ) بر طرفده ، قونتلقدن  
کلن شوالیه لر ایله ( قومون ) لردن یعنی علی العموم شهر و قصبه لردن  
کلن مبعوثلر دیگر طرفده قالدیلر . بو بعض طبیعی استیغناسلردن  
ویا بعض اسباب خارجه دن تولد ایتمش ایدی . بارونلرله رؤسای  
روحانیه پارلمنتوده اخذ موقع ایتمکه برابر ( مانیم قونسیلیوم )  
ده کی وظیفه لرینی ده ایفا ایله یورلر ایدی و بو اعتبارله آیری بر  
مجلس تشکیل ایله یورلر ایدی . بارونلرله رؤسای روحانیه نك  
بو صورتله آیری جلسه یاپملری نه قدر طبیعی ایدی ایسه  
قونتلقدن کلن شوالیه لرك ( که کوچوک زادکان ایدیلر )  
شهر و قصبه مبعوثلریله برلکده طویلانسی ده او قدر طبیعی  
ایدی . ذاتاً بر نقطه جامعه لری وار ایدی . اوده شوالیه لرله  
شهر و قصبه مبعوثلرینك منتخب و کیلر اولمسی ایدی . فقط بونلر  
آره سنده ده! صیغمی ودها قدیم مشابعت نقطه لری وار ایدی .  
هر نه قدر شوالیه لرك نشئتلی و اصلتلی اعتباریله شهر  
و قصبه لیره نظراً فرقلی بر موقعده قالملی ایجاب ایدر ایدیه ده  
حقیقتده مرور زمانله آرده تدریجی بر تساوی حاصل اولمش  
ایدی . بونلر بارونلره ( یعنی بویوک زادکانه مخالف ایتمکه .

اولوندی. (نته کیم فرانسه ده اوج صنف طرفندن ایری آری مذاکرات اجرا ایدیلور ایدی) شو حالده شو دوت صنفدن مرکب بر هیئتک ایکی مجلسه انقسامی اک بعید الاحتمال اولمق ایجاب ایدر ایکن کندیلکسندن حاصل اولان ایکی بسیط مسئله بو بعید الاحتمال شیئی انتاج ایلدی. فی الحقیقه بر طرفدن رهبان پارلمنتوده آری بر صنف ایتمش کبی عقد مجلس ایتمکدن صرف نظر ایتمش اولدقلری کبی رؤسای روحانیه دخی (مانیوم قونسیلیوم) مجلسنده اوطورمغه دوام ایتدیلر. شو قدر که کلیسا باش راهبیری و سائره اانعقادہ دعوت ایدیلن مجلسلره کیتمز اولدیلر. بونک سببی پک بسیطدر. فی الحقیقه پارلمنتوی دعوت ایچون باشلیجه سبب مقام قرالی طرفندن طلب ایدیلن اعانه نقدیه ایدی. ایدی رهبان کندیلرینه مخصوص ویرکو. لری آریجه و صورت مستقلده رأی ویرمکی ترجیح ایلدیلر. فی الحقیقه رهبان قونوقاسیون دینلن مجالس مخصوصه رهبانیه ده ویرکولرینه عائد معاملاتی رؤیته باشلادیلر فرانسه ده کی رهبان مجلسلری دخی بویله ایدی. ذاتاً رهبان انکلترده بو امتیازینی چوق زمان محافظه ایتدی. واقعا کیت کیده بو امتیاز لوردلر قماره سی رئیس ایله باش پستقوس آره سنده عادی بر ائتلاف درجه سنه ایندی مع مافیہ ۱۶۶۴ تاریخندن اعتباراً انکلز هیئت رهبانیه سی دیگر اهالی کبی وعینی شرائطه ویرکوبه تابع اولدی. ایشته بو ایضاحات رهبان صنفنک اون دردنچی



عموميى اعضاسى ، آرونديسمان ( قضا ) مجلسى اعضاسى ، هر بلديه مجلسى طرفندن ناحيه منتخبلرى ارسندن انتخاب اولونمش مرخصلر.. بو صورتله انتخاب ايكي وحتى اوچ درجه اوزرينه واقع اولويور مدت انتخاب ايسه طقوز سنه اولوب مجلسك هر اوچ سنه ده ثلثي تبدل ايدر . مجلس مبعوثانه نظراً اعيانك صلاحيتى دون فرض ايديليور يالكيز حق فسـخه اشتراك وموافقـت ايتـمـسـنـدن ، ديوان عالي وظيفه سنى ايضا ايتسندن ودها سائر خصوصاتدن متولد بعض تفوقلرى واردر .

۱۰۷ انكلتره ده اعيان مجلسى . — انكلتره ده اعيان مجلسك بدايته مانيوم قونسيديوم عنوانى حائر اولديغنى سويلش ايدك . (مبحث ۹۶) آنجق اوراده پارلمنتونك برى اعيان ديكرى عوام ناميله نه زمان ونه صورتله ايكيه انقسام ايتديكنى ذكر ايتيمش ايدك . ذكرى كچن مودل پارلمان بارونلر ، رؤساي روحانيه ، راهبر و قونتلق شهر وقصبه طرفندن انتخاب اولونمش مبعوثلردن مركب ايدى . رهبان ملك بر صنف مخصوصى كبي تمثيل ايديليور ايدى . بر چوق مؤلفلر بو مختلف صنوف اهالى بي تمثيل ايدن ذواتك اوللرى مشتركاً اجراى مذاكرات ايتمش اولدقلىرىنى ادعا ايديو رلر . مع مافيه بو خليطه (اسوچده اولدينى كبي ) باشليجه درت معين صنفه قابل تقسيم ايدى . (فرانسه ده ايسه نه تاژه نه رو يالكيز اوچ صنفه انقسام ايتلش ايدى .) حتى مؤخرأ بر مسئله بودرت صنفك هر برنده آريجه مذاكره

تضمن ایتمکده ایسهده مجلس اعیان هر ایکی قانون اساسیده  
منتخب دکلدی . حتی برنجیسنده اعیان ارثی ایدی . ایکی  
مجلسک تنظیم قوانین خصوصنده حقوقی مساوی ایدی .  
مع مافیہ امور مالیهده حق تقدم انکلتزه اتباعاً اعیانه  
ویرلمش ایدی . ایکنجی جمهوریت وایکنجی ایمپراطورلق  
زماننده مجلس اعیان یوق ایدی . ایکنجی ایمپراطورلق  
صوکلرینه طوغرو ( ۱۸۷۰ ) مایسنده بر مجلس اعیان تشکیل  
اولمش ایسهده پایدار اولاماشدر . اوچنجی جمهوریت مبا-  
دیسنده یالکز بر مجلس موجود ایسهده ایکنجی بر مجلس  
( یعنی بر مجلس اعیان ) تشکیلی ذاتاً تحت قراره آلمش ایدی .  
نهایت ۱۸۷۵ قانون اساسیسی ایله فرانسدهده دخی پارلمنتونک  
بر مجلس مبعوثان و بر مجلس اعیانندن مرکب اولسی تقرر ایتمشدر .  
بوایکی مجلسک الیوم فرانسدهده نه صورت انتخابلری ، نه صلا-  
حیتلری مساوی دکلدر . یالکز قوانین تنظیمنده عینی صورتله  
حرکت ایدرلر . فقط امور مالیهده حق تقدم وحق تشبث  
مبعوثانکدر .

۱۸۷۵ قانون اساسیسی موجبنجه فرانسه مجلس اعیانی  
اعضاسندن یتمش بشی قید حیاتله منصوب اوله جق و متباقیسی  
انتخاب ایدیله جک ایدی . ۱۸۸۴ ده قانونک بو حکمی تعدیل  
اولومش و اعیانک ده پارتمانلرده بروجہ آتی ذوات طرفندن  
انتخابی تقرر ایتمشدر : ده پارتمانک مبعوثلری ، ده پارتمان مجلس

۱۰۶ مختلف مملکتلرده اعیان مجلسلری (فرانسه ده) . —  
 فرانسه ده الیوم مجلس اعیان انتخاب ایله تعیین اولونورسه ده بو هر وقت  
 بویله اولما مشدر ۱۸۱۴ ده قرال اعیانی تعیین ایدر ایدی . اعیان قید  
 حیات ایله تعیین ایدلدیکی کی عددری ده معین دکل ایدی . قرال  
 عددرینی ایستدیکی قدر تزید ایتک حقه مالک ایدی .  
 ۱۸۳۱ ده لوی فیلیپ زماننده اعیانده کی صفت وراثت رفع  
 اولونمش ایسه ده قرال ینه معتبران میانندن ایستدیکی مقدارده  
 اعیان نصب ایتک صلاحیتنه مالک ایدی .

فرانسه ده ایلك مجلس اعیان قونوانسیوندن صکره تنظیم  
 ایدیلن قانون اساسیده تشکیل اولمشدر . بو قانون اساسی  
 موجبجه قوه تشریعه مجلس اعیان ایله بشیوزلر مجلسندن  
 مرکدر . ایکی مجلس اعضاسنک صورت انتخابی بر ایدی .  
 قوانینک تنظیمنده حق تقدم وتشبث بشیوزلر مجلسنه ویرلمش  
 ایدی . مجلس قدما (اعیان) تنظیم ایدیلن قانونک هیئت مجموعه .  
 سنی قبول ویا رددن باشقه بر شی یاپامازدی . ناپولیونک ایلك  
 اوان حکومتنده (سنه سکز قانون اساسیسی) تنظیم ایدیلن  
 دیگر قانون اساسیده بر مجلس اعیان دها تشکیل ایدلمش ایسه ده  
 بوکا حق تشریعی ویرلماش و کویا یالکز قانون اساسینک محامه  
 فطهسی تودیع اولمشدر . بوربونلرک عودتی اوزرینه تنظیم  
 ایدیلن ۱۸۱۴ قانون اساسیسی ایله اورلئانلرک عودتی متعاقب  
 نشر ایدیلن ۱۸۳۰ قانون اساسیسی بر مجلس اعیان ومبعوثانی

ووکالت دنیلن شیئک موجود اوله بیلمسی ایچون هیئت موکله ایله هیئت وکیلله ، تمثال ایله ممثل آره سنده نوعما بر تماش بولنق ایجاب ایدر . بو تماش و مناسبتی انکار ایتمک فعلیاتی غیر موجود فرض ایتمک دیمکدر . امدی بر مجلسک اعضانی ارثاً انتقال ایدر ویا طرف حکمداریدن توجیه اولنورسه بو مجلسله هیئت انتخابیه آره سنده نه کبی بر ارتباط و مناسبت فعلیه اوله بیله جکنی کورهمپورز .

مجلس مبعوثان عثمانیده دخی منصوب اعیانک صفت وکالتی حائز اولوب اولدینی مسئله سی حکومت طرفندن تکلیف ایدیله جک قانون لایحه لرینی بدایه تدقیق ایتمسی حقنک اعیانه ده ویرلمسی حقنده کی لایحه قانونیه نك مجلس مبعوثان قانون اساسی انجمنی طرفندن رد اولونمسی اوزرینه موضوع بحث اولمش ایدی . انجمن مضبوط سندده « ... حاکمت ملیه اساسی قبول ایدلیکی حتی محضا بو مقصدک مهما امکان تأمینیه ضامننده هیئت اعیانک انتخاب ایله تعیینی ایچون مواد مخصوصه تنظیم ایدلیکی جهتله بو اساس قبول ایدلمدکجه ایکی مجلسک تدقیق قوانین خصوصنده صلاحیت متساویه به مظهرتی اساسلری نك قبولنه کیدیله مامک طیبی اولدیغندن . . » دیه اعیانک تکلیفی رد ایتمش و مجلس ده ۴۶ رایه قارشو ۱۳۷ رای ایله انجمنک فکرینه اشتراک ایتمشدر . ( ۷ شباط ۱۳۲۶ )

مجلسي - كه بتون اعضاسي منصوب ايدى - كنديني فرانسه قومنك طوغريدن طوغرى به وكيلى فرض ايدرك بو قرارى و يرمش ايدى ، ۱۸۳۰ ده كى قانون اساسى فرانسه مجلس مبعوثان واعيانى طرفندن بعدالتصديق يكي قرال لوتى فليپ طرفندن دخى قبول ايدلمش و قرال بو قبولندن صوكرام « فرانسزلك قرالى » عنوانى اخذ ايلشدر . بو صورته كويا فرانسز ملتي ايله قرال اراسنده بر مقاوله عقد اولمش و ملته اضافه ووكاله مقاوله بي تنظيم وامضا ايدن مجلس مبعوثان ايله « اعضاسي منصوب » مجلس اعيان اولشدر . بر سنه صوكرام فرانسده اعيانلك توارث ايمسى قيدي رفع ايدلمش بو صورته كيزو ، قازيمير پهره و تهر كى ذوات طرفندن ايراد اولنان نطقرده بروجه بالا اعيان منصوبه نك صفت وكالتى حائز اولدقلىرى ادعا اولمشدر .

مؤلفين حاضردهن موسيودو كوى بو فيكره معارض كورينور :  
 « غيرمنتخب بر مجلسك وكالت ماهيتنى حائز اوله ميه جنى ظننده بولنيورز . زير املت ايله هيئت نواب اره سنده كى روابطك ماهيت حقوقيه سي حقنده - هر هانكي بر صورت تسويه وتلقى بي قبول ايدرسه ك ايدلم - هر نه دينر سه دينسون هر حالده محقق برشى واردر كه اوده بو روابطك موجود بولمسيدر . هيئت نواب ايستر وكالت ايله اتصاف ايتسون ايستر وجود دولتك بر عضوى (اورغانى) اولسون بو تفرى بلك بو بختده او قدر اهميتى يوقدر . تمثيل

پارلمنتو دينلن مجلسى، يالكز مجلس مبعوثاندىن عبارت  
 فرض ائتمهك ايجاب ايده جكنى بيانه حاجت كورمىز. اكثر  
 مملكتلرده اعيان مجلسلرى دىخى واردر وايكىسى بردن پارلمنتويى  
 تشكيل ايدرلر. برده پارلمنتو دينلنجه مطلقا اعضاسنك طرف  
 ملتدن برر شكل و صورتده منتخب مجلس قصد ايدلا يكنه  
 ذاهب اولمامليدر. چونكه بعض مجلسلر واردر كه پارلمنتويى  
 داخل اولدقلى حالده اعضالى كافه طرف حكمدارىدن  
 موقت و يا غير موقت بر زمان ايجون نصب اولونورلر. حتى  
 بعضلى واردر كه اعضالى قيد حياتله دكل ارثاً منصوبدرلر  
 و اعضالى مال موروث كې كنديلرينه اباعن جد انتقال ايدر.  
 بو مجلسلر ك بعضاً ايكىسى ده منتخب، بعضاً يالكز بريى  
 منتخبدر. ايكىسى ده منتخب اولدقلى تقديرده على الاكثر  
 صورت انتخابلى فرقليدر. ايكى مجلسك بعضاً صلاحيتلى  
 بر، بعضاً مختلفدر. هر حالده محقق بر شى واردر كه اكثر  
 مملكتده پارلمنتو ايكى مجلسدن تركب ايدر.

۱۰۵ غير منتخب اعضاده صفت نيابت. — منصوب و غير  
 منتخب اعضادن مركب اعيان مجلسلرينك نيابت مليه صفتى  
 حائز اولوب اولدقلى اوتهدنبرو جاي سؤال كورلمكتدهدر.  
 فرانسه ده و ممالك سائرده اعيان مجلسلرينك دىخى نيابت ايله  
 اتصاف ايديله بيله جكلى دفعه تله ادعا اولمشدر.

۱۸۱۴ ده نابوله تونك سقوطنه قرار ويرمش اولان سناتو

## پارلمنتور و ایکی مجلس بحثی

۱۰۴ پارلمنتو ومدلولی . — پارلمنتو الیوم لسان سیاسیاتده  
علی العاده استعمال اولنه کلن کلماتنددر . قانون تنظیم ، بودجه  
تصدیق و حکومت اوزرنده اجرای تفتیش و مراقبه ایتمک کی  
وظائف اصلیه به مالک اولان کافه مجالسه عمومی بر نام اولمق  
اوزره پارلمنتو تعیر اولونور .

فرانسزجه پارلمان کله سندن مأخوذ اولان بوتعبیرک نشاتی  
اساساً لاتینجه اولوب بر قاج عصردن بری انکلتزده قرال  
ایله برلکده حاکمیتی جریان ایتمیرن لوردلر و عوام قماره سسفه  
اطلاق اولنمقدهدر . بونکله برابر پارلمنتو اک بیوک محکمه لرده  
اطلاق اولونور ایدی . بوقبیل محکمه صفتی حائز پارلمنتورک  
اک قدیمی پارس پارلمنتوسی اولوب اسکی محکمه قرالیدن تولد  
ایلمش ایدی . ایشته بو پارلمنتو قرالک فرمانلرینی قید و تسجیل  
ایتمک ایچون حائز اولدینی صلاحیتدن و انکلتزده کی پارلمنتو  
ایله اسم مشابهتدن استفاده ایتمک ایستیره رک بر وظیفه سیاسیه  
ایفاسنه و برحق تشریحی اجراسنه تشبث ایلمش ایسه ده ۱۷۹۰ده  
محکمه شکلنده اولان بو پارلمنتوده مجلس ملی قرار ایله وقرالک  
بوندن استفاده ایتمک آرزوسنه مانع اولمق اوزره نابیداولارق  
کریک انکلتزده کریک فرانسه ده و کریک ممالک سائرده پارلمنتو  
دینلنجه بالاده کی وظائف سیاسیه یعنی بودجه ، قانون و مراقبه  
ایله موظف مجالس قصد ایدلمکله باشلامشدر .

ایکی مجلسه تودیع ایتدیکنی قبول ایتدک. فقط بعضاً ملت وکالتی بر مجلسه دکل بر شخصهده تودیع ایدمبیلیر و بوده حاکمیت ملیه نظریهسنه منافی دوشمزم. زیرا بر مجلسی انتخاب ایدن ملت بر آدمی ده انتخاب ایدمبیلیر. تا روما تاریخنده تریبونلرک انتخابی بوقاعدهیه مبتنی اولدینی کی فرانسه نك ۱۷۹۱ قانون اساسیسنده دخی «ملتک وکیلاری مجلس ملی ایله قرال اولدینی» بیان اولنقله یالکز بر شخصک وکیل اوله بیله جکی تصریح اولنشدرد. ۱۸۴۸ ده فرانسه ده باشقه بر طرز اختیار اولنش و «فرانسه قومی قوه اجرائیهی رئیس جمهور عنوانی اخذ ایدن بر ذاته تفویض ایدر» دینلمشدر. رئیس جمهور دوغریدن طوغرییه آرای عمومیه ایله انتخاب اولنه جق ایدی. بو ذات - که اوچنچی ناپولیوندر - ایمپراطور اولدقدن صوکر ا دخی دائماً کنديسنه ملتک وکیلی عنوانی ویرمکدن فارغ اولماش ایدی. بونکله برابر شخص واحدک وکالت ملیه یی احراز ایتسی بسبتون دغدغه سنر و اعتراضنر بر مسئله دکلدر. بویله بر صلاحیت یالکز بر شخصه قید حیات ایله توجیه و تودیع اولنه بیلیرمی؟ باخصوص قوه اجرائیه و حاکمیت ملیه بر شخصه - قید حیات ایله دکل ده - توارث طریقیله تفویض اولنه بیلیرمی؟ . . بو مسئله اهمیت مخصوصه سنه بناء آیروجه تدقیق اولونه جقدر. [\*]

[\*] حاکمیت ملیه و اشکال حکومت بحثنه مراجعت .



آله مازلر. وکالت نظریه سی تعریف ایتدیگمز اوصاف و شرائط  
دائر سنده قبول ایدلدکدن سوکره بونک نتایجنی درپیش ایدلم :

۱۰۳ انتخاب ووکات ملیه . — بتون پارلمنتونک بر جسم  
واحد کبی بتون ملتک وکیلی اولمسندن استخراج اولنان  
نتیجه اولی شودر که یالکمز منتخب اولان مجلسر وکالت  
ملیه صفتنی حائزدرلر . بوندن مقصد هر انتخاب ایله تعیین  
ایدیلن مجلسک وکالت ملیه صفتنی حائز اولدیغنی بیان دکلدرد .  
زیرا بلدیله، ولایت وسائر مجالس واردرکه وکالت ملیه وصفنی  
احراز ایتمز لر . آنجق انتخاب ایله واقع اولمیان مجالسک هیچ  
بری ملتک وکیلی عدا اولونماز . ایشته بوندن طولاییدرکه اعضائنی  
توارث ایدن ویا طرف حکمداریدن موقت ویا قید حیات ایله  
تعیین ایدیلن مجالس سیاسییه ده صفت نیابت آرانماز . بعض  
مملکتلرک مجالس اعیانی کبی مجلس اعیان عثمانینک شکل حاضرنده  
نیابت ملیه یوقدر . زیرا اعضاسی منتخب دکل منصوبدر .

بالاده کی نظریاتدن استخراج ایده جگمز ایکسجی بر نتیجه ده  
شودرکه وکالت ملیه صفتنی حائز اولق ایچون مجلسک مطلقا  
بر اولسی شرط دکلدرد . زیرده ایضاح ایده جگمز وجهله  
شرائط مطلوبه بی جامع اولنجه ایکی مجلس دخی ملتک وکالتنی  
حائز اوله بیلیر . بناء علیه اعیان ومبعوثانک ایکسسه بردن نیابت  
ملیه تفویضی ممکندر .

دیگر بر نقطه؛ شمعی به قدر ملتک وکالتنی بر مجاسه ویا

اجرا ایدمک اوزره طرف حکومتدن فسح اولنور. او وقتده ملت بر حکم، بر میز وظیفه سنی فعلاً نه یولده ایفا ایدر؟ طبیعیدرکه بتون هیئت ملت، بتون هیئت منتخبه منفرد بردائرة انتخابیه تشکیل ایدوبده رأینی اعطا ایده مز. بویله بر شیکتک ماده اجراسنه امکان یوقدر و بوسبيله بالضروره ینه مملکتک دوائر انتخابیه به تقسیميله بودوائر داخلنده تشکل ایدن اکثریتلر واسطه سبيله بیان رأی ومطالعه ایجاب ایدر. بوندن شو نتیجه چیقارکه وکالت ملیه بی حائز اولان هیئتلر هر حالده منتخب وموقت بر زمان ایچون منتخب اولمیدر.

بوندن آکلاشلیورکه وکالت مسئله سنده دائره انتخابیه نك نظر یا نجه هیچ حکمی اولمدینی حالده فعلیاً نجه دونوب دولاشوب ینه دائره انتخابیه به منجر اولور. بوسبيله مبعوثلر ایله دائره انتخابیه ومنتخبلر آره سنده بالضروره صیتی بعضی روابط ومناسبات تأسس ایدرکه بونلرک اهمیتتی درپیش ایتمک غیر قابلدر. موکلر ایله وکیللر آره سنده بو مناسبات بعضاً وکیللر ایچون تحملفرسا بر درجه بی بولور و مبعوثک بارمشاغلی ترید ایدر. اودرجه ده که مبعوثلر منتخبلرینه قارشو حس ایتدکلری شکرانک مقابلنی ادا ایتمک ویا ایکنجی دفعه انتخاب ایدمکه مستحق اولمق ایچون دوائرده قیو چوقدارانی ایتمکدن ومبعوثلق مشاغله منحصر اولمق ایجاب ایدن وقت و زمان قیمتداری نظارک انتظار سالونلرنده اضاعه ایلدن عاداتا باش

شرطه رعایت ایتیمان بر مجلس البتہ معاتبدر . فقط بو عتاب ،  
 بو سؤال و حساب نہ یولده توجه ایدر؟ . مأمور لک امر لرینہ  
 قارشو مسئولیتلری کبی بر معنا افاده ایدہ بیلیر می ؟ . . شہہ سز کہ  
 خیر . . اول امر دہ مبعوثلرک ملتک بر فردی اولمق اعتبار پله  
 کندیلرندن صادر اوله جق افعال و حرکاتک مسئولیتندن آزاده  
 اوله میہ جقلرینی بیان ایدوب بو یوزدن تولدی ملحوظ اولان  
 بر تشوشی بر طرف ایتک ضرور ایدر . بز بوراده مبعوثلرک  
 یالکمز مبعوث اولمق صفتیلہ واقع اولان فعل و حرکتلرینی موضوع  
 بحث ایلدوروز . بحث بو شکل و جریان دائرہ سنده تلقی اولننجه  
 عیبا یوقاریده ذکر ایتدی کمز بتون هیئت مبعوثانک بتون هیئت  
 ملته حساب ویر مسی قضیه سی نہ یولده واقع اوله بیلور ؟ . ایشته  
 بو حساب ویر مک کیفیتی انتخابات عمومیه یه نک اجرایی  
 صورتیلہ واقع اولور . ملت اولجه انتخاب ایلدیکی مبعوثانک  
 خدمتندن نہ درجه ممنون اولدیغنی ایکنجی انتخابات ائناسنده  
 اظهار ایدر . عینی مبعوثلر تکرار انتخاب ایدیلور سه هیئت  
 مبعوثان حساباتی تمیز اوله رق ویر مش دیمکدر . انتخابات باشقه  
 نتیجه اکتساب ایدر سه ملت غیر ممنون دیمکدر . بو صورتله  
 انتخابات عمومیه مبعوثلر ایچین بر نوع امتحان اولور و بوندن  
 طولاییدر کہ امتحانلرک صیق صیق یا پلسی خاکیت ملیه قواعدینه  
 دها موافق اولور . ره فہرہ ندوم اصولی دہ بو امتحانک باشقه  
 بر شکلده تجلیسندن عبارتدر . بعضاً مجلس انتخابات جدیدہ

اسو پچره، آمریکا قانونلری ده عینی مقصدی تعقیب ایدیورلر . انکتردهده واقعا بوکا دائر بر متن قانونی یوقسهده - اساساً انکتردهده قانون اساسی ایچون متن بولوق کوجدر . - اصول و تعامل بالاده کی قواعدی چوقدن تحکیم و تأکید ایتشدر .

۱۰۶ مبعوثك درجه سربستیسى . - شمدي به قدر ویر دیکمز تفصیلاتدن آ کلاش-یلیمور که بر مبعوث منتخبلرک او امرینه ، تعلیماتنه تابع دکلددر . آنلر طرفندن عزل اولنه ماز ، استعفا نامه سی بیله - یوقاریده تعریف ایلدیکمز شرایط دائره سنده اولورسه - نظر قبوله آنه ماز . شو حالده عجباً مبعوث کیف مایشا حرکت ایده بیله جکمیدر ؟ منتخبلرک امرینه تابع دکلددر . آنلره هیچ بر حساب ویر مسکه مجبور دکلمیدر ؟ موسیو ایسمه من منتخبلرک کندیلرینه تعیین ایدلین صلاحیت دائره سنده حرکت ایتدکدن سوکره سربست و حتی کیفی اوله رق هر شی حقنده بیان رای ایده جکلرینی سویلیور . واقعا نظریاتجه بوسوز پک طوغریدر . مبعوث حریت مطلقه یه مالکدر و بتون ملتک و کیلی عد ایلدیکی جهتله هر نه سویلرسه اراده ملییه تر جان اولمش کیدر . کندیسنی انتخاب ایدن دائره نك هیچ برسئوال وجوابده بولنغه حتی یوقدر . بویله بر حتی اولدیغنی ادعایتمک حاکمیت ملییه نك بر ولایتجزی اولدیغنی قاعده سنه مخالفدر . فقط بتون مجلس بتون ملتله قارشو حساب ویر مکدن بسبتون مستغنی عد اولونا ماز . ملت مجلسی آنجق کندی اداره ملییه سنه موافق قرار لر اعطا ایتک شرطیله تعیین وتوکیل ایتش ایدی . بو

قانون اساسی عثمانیك (۹۳ تاريخی) ۷۱ نجی ماده سی موجبہ  
 « هیئت مبعوثان اعضاسنك هربری کندی انتخاب ایدن دائره نك  
 آروجه وکیلی اولیوب عموم عثمانلیلرک وکیلی حکمنده در . »  
 « حکمنده در » قیدی بوراده پک مناسبدر . زیرا ایضاحات مبسو-  
 طه دن مستبان اولدینی وجهله وکیل تعیرینی علی الاطلاق  
 استعماله امکان اولینجه هیچ اولمازسه « حکمنده در » قیدی  
 وضع ایدیلهرک کلمه نك معنای مطلقیتی تحدید ایدلمشدر .

فرانسه نك مختلف قانون اساسیلرنده بو جهت تصریح ایدلش  
 اولدینی کبی ۱۸۷۵ قانون اساسیسنك فضلہ اوله رق ۱۳ نجی ماده  
 سنده هر درلو وکالت تقییدیه نك حکمز و تأثیرسز اولدینی آروجه تصریح  
 اولنمشدر . بو حکم قانونی موجبجه فرانسه مجلس مبعوثانی رئیس  
 مبعوثانك قبل الانتخاب آچیق بونو ویرر کبی منتخبلره ویرمش اولدینی  
 استعفا نامه یی نظر اعتباره آلیور . ۱۸۹۳ ده انتخاب اولنان موسیو  
 غروسیه وده ژانت اوچ سنه صوکره ناصلسه منتخبلرینك خوشنه  
 کیتدیکندن منتخبلر اولجه یدلرنده بولنان استعفانامه یی مجلس مبعوثانه  
 کوندرمشله فقط رئیس مجلس بو استعفا نامه لری بحق معدوم عد  
 ایشدر . ۱۸۸۸ ده ( وار ) ده پارتمانی موسیو قلسره اسمنده برینی  
 وکالت تقییدیه ایله و تعلیمات ایله مبعوث انتخاب ایشده مجلس  
 مبعوثان مضبطه لرك حین تدقیقنده بو قیدلرك هیچ برینی نظر اعتباره  
 آلیه رق مبعوثی تصدیق ایشدر .

آلمانیایا امپراطورلنی قانون اساسیسنك ۲۹ نجی ماده سی وکالت  
 تقییدیه یی حکمز عد ابتدیی کبی بلچیقا قانونی ده مبعوثلرك بتون ملتك  
 وکیلی اولدقلمینی ایضاح آلیور .

ایدر. رابعاً تعلیماتی و پیشیناً استعفای تضمین ایدن وکالت تقییدیه اصولی (Mandat imperatif) ادوار سابقه بقایاسندن بر امر مردوددر. بونک نتیجه سی اوله رق مبعوثلرک استقلال نامی واردر. منتخبلر کندیلرینی عزل ایتک شویله طورسون [مبعوثلرک مسئولیتی بختنه مراجعت] آنلری تعلیماته تابع طوته مازلر بر مدت معینه ایچون وحا کیت ملیه نک بعض اوصا. فنی استعمال ایچون کندیلرینه وکالت صفتنی احاله و تفویض ایدن ملتک مثل قانونیسیدرلر. بناءً علیه منافع عمومیه نه بی اقتضا ایدرسه اونی ایفا ایدرلر. و بو خصوصده عادتاً ملت طرفندن انتخاب ایدلمش حاکم و اجرا مأمورلر بدر بناءً علیه قرارلری حکم حاکم کبی حجت متعدیه در و بوتون افراد ملت اکا اتباعه مجبوردر. بو اعتبارله مبعوثک انتخاب اولونور ایکن نشرایتدیکی پروضامه داخل اولان تعهدات کندیسی ایچون بر مجبوریت قانونیه افاده ایتمز؛ اولسه اولسه بر مجبوریت معنویه تحمیل ایدر انجق بو مجبوریت معنویه دن تباعد دولتک بعض مبرم و شدید احتیاجات و منافع عالیه سی سوقیله اولملیدر. هیچ بر ضرورت حقیقیه و منفعت عمومیه یوق ایکن تبدیل فکر و مشرب ایدن مبعوث ایچون قانوناً یاسیله جق هیچ بر معامله یوق ایسه ده معناً موقعی قیریلور و انتخابات جدیده اثناسنده منتخبلر انک حقنده لازم کلن حکملرینی ویریرلر. بو حقیقت همان اکثر قوانین اساسیه ده درج اولنمشدر.

ایلهده قابل توفیق دکلدر . چونکه حقوق سیاسیه و انتخابیه سنه مالک هر فردک شخصه مربوط و شخصندن لایفک برحق توکیلی موجود اولمق لازم کله چکی فرض اولنسه حاکمیت ملیه و اراده عمومیه دیدیکمز ناقابل تجزی مادهک تجزی ایتمش اولسی و حاکمیت ملیهک علی رؤس الافراد پارچالانسی اقتضا ایدرکه بونک بطلانی دفعاتله اثبات ایتدک ! . .

مبعوثک بتون ملت نامنه دکل یالکمز منسوب اولدینی دائرة انتخابیه نامنه حرکت ایتدیکی و یالکمز او دائرهک وکیلی و او دائرهک تعلیمات و تقییداتنه تابع فرض اولوندینی تقدیرده او وقت او دائرة انتخابیه آرزو و اراده سنی بتون ملته عاداتا جبراً قبول ایتدیرمش اولوز . بر دائرة انتخابیهک علی العموم دوائر انتخابیه به اسماع رایه صلاحیتدار اولسی البته باطلدر . ایشه بوندن طو لایدرکه منتخبلر طرفندن ویریلن کافه تعلیمات کان لم یکن حکمنده اولدینی کبی مبعوثکده لدی الايجاب استعمال اولمق اوزرهموکللری یدینه استعفا نامه تودیع ایلسی حکمسزدر .

۱۰۱ وکات سیاسیهک نتایجی . — شو تفصیلاتدن ا کلا .

شیلدورکه اول امرده وکالت تعیرینک استعمال ایدلسی بر استعمال حقیقی دکلدر . بو استعمال ضرورته بناء در . ثانیاً وکالت لفظی قبول ایدلیدیکی تقدیرده آنجق بوتون هیئت مبعوثه بوتون ملتک وکیلی اوله بینور . ثالثاً بر مبعوث کندی دائرة انتخابیه سی نامنه دکل عموم ملت نامنه اداره کلام و اعطای رأی ایدر .

سی یهس وکالت خصوصیه و مقیده ادعاسنی پک کوزل رد  
 ایدیورایسه ده اراده ملیه نك وکالت کله سیله ناصل تفسیر اولمقده  
 اولدیغنی بو اراده نك مدلول وکالتله ناصل تطبیق ایلدیکنی ایضاح  
 ایده میور . معلوم اولدیغنی اوزره وکالت کله سنی معنای تامیله  
 قبول ایتمکلمز ایجاب ایتسه افراد ملتک هر برینک مبعوثان  
 انتخابنده رأی منضم اولمق ایجاب ایدر . حالبوکه اقلیتک انتخاب  
 اولنان مبعوثانده رأی ویرمسی و بناء علیه تفویض وکالت ایتسی ممکن  
 اوله مار بوضورتله وکیل دیدیکمز مبعوثلر بر قسم خلقک وکالتنی  
 اخذ وتلقی ایتماش اولورلر . ائمدی یوقاریدن بری تعریف  
 ایتدیکمز وجهله مبعوث یالکز کندی دائرة انتخابیه سننده کی  
 اکثریتک دکل کندی دائرة انتخابیه سننده کی اقلیتک وحتی بوتون  
 ملتک نامنه اعطای رأی ایدر . بو ایسه هیچ بر قاعده وکالتله  
 قابل توفیق اولدیغندن بوراده وکالت کله سنی - تکرار ایدیوروز -  
 ضروره باشقه چاره بولنه مدیغندن طولانی استعمالده اضطرار  
 حاصل اولمشدر .

مبعوثلرک وکالت مقیده ایله تقید ایدلاملرینی ایجاب ایتدیرن  
 بر نقطه ده شودر : اکر مبعوث یالکز کندی دائرة انتخابیه سنک  
 وکیل اولسه و بناء علیه اونک تعلیماته تابع و اونک عزلیله متمزل  
 اولسه هم استقلال رأی و فکری زائل اولمش همده مملکتده کی  
 فکر وحدت تفرقه شکلنی اخذ ایتمش اولور . مملکت بوضورتله  
 بیارچالانمق استعدادینی اخذ ایتدکنن ماعدا بوضورت نظریات



ایده بیلیرز. معافیہ ددی کمز و جهله بوتعیری ضروره و تسهیل  
 للافاده قوللامق مجبوریتده اولدیغمزی اعتراف ایجاب ایدر.  
 ۱۰۰ وکالت مقیده. — بعضیلری بو مجبوریته قاتلاماق  
 ایچون نظریاتجه پک مردود اولان وکالت مقیده اصولنی قبول  
 ایتشلردر. (Mandat impératif) بوفکر بر عصری متجاوز  
 زماندن بری خیلی مناقشاتی موجب اولمش واختلال کیر ائناسنده  
 (به تیون) بومقصدی شدتلی ترویج ایلش ایدی. اونک نظرنده  
 بمعوتلر وکیل و آنلری انتخاب ایدنلر موکلدرلر. بناءً علیه  
 بووکیللر موکلرینک یعنی کندیلرینه صلاحیت تفویض ایدنلرک  
 امر و اداره سنه تابعدرلر و بوحیثیتله وکالت عادیه ایله اشبو وکالت  
 سیاسیه آره سنده هیچ برفرق پوقدر. بونظریه اووقت مظهر  
 قبول اوله مامش و بونک اشدتلی معارضی مشهور راهب سی یهس  
 اولمشدر.

سی یهس وکالت کله سی کلیاً انکار ایتما مکه برابر بو وکالتک  
 اراده ملتن عبارت اولدیغی بیان ایدیور. و دیور که: «معوت  
 کندیسی انتخاب ایدن دائره نک وکالتی صفتی احراز ایتمور ایسه  
 بونک سببی اودائره انتخابیه نک دکل بوتون ملتک وکیلی اولمایدر.  
 اکر دائره انتخابیه صفت وکالتی توجیه و تفویض ایدر سه ملتک  
 اقسام متبایه سنک حقه نه تجاوز ایتمش اولور. زیرا الکنز ملتک  
 هیئت مجموعه سندن وکالت صادر اوله بیلور. و اراده ملیه شکننده  
 بولغان بو وکالت تجزی قبول ایتمز.»

مصدق بعض اشخاص معنویه نیک و کیلیری ایدیلر . شهرلر ،  
 قصبه لر، قونتلقلر، هیئات رهبانیه بوجمله دن ایدیلر بونلر باذات  
 اثبات وجود ایدمه چکلر نندن وکیل واسطه سیله مدعی و یامدعی  
 علیه اولور و موکلری اولان هیئت لک منافعی تعقیب واستحصال  
 ایدرلر ایدی . شو قدر که بویوک زادکان و بویوک رهبان بویله  
 دکل ایدیلر چونکه اونلر باشقه سی طرفدن دکل کندی نامرینه  
 اثبات وجود ایدرلر ایدی ایشته مبعوثلرک تعلیماته تابع اولملری  
 و بو تعلیمات دن خارجه چیقما ملری اساسی بوندن نشأت ایتمش  
 ایدی حتی فرانسه ده ۱۷۸۹ ده نه تا زه نورو مجلسی ۱۸۵ سنه  
 فاصله دن صوکره اجتماعه دعوت ایدلدیکی زمان مبعوثلرک هر  
 برینک بر تعلیمات دفتری وار ایدی . انقلاب کبیر نظریه لری  
 و انکلترونک او وقته قدر تکمل ایتمش اولان اصول نیابتی  
 بو عادت قدیمه یی بالطبع ابطال ایتدی . فی الواقع ۱۷۸۹ انقلابنده  
 مجلس ملی بو ذهاب غیر صحیحی ازاله ایچون مبعوثلرک منسوب  
 اولدقلری صنف (Ordre) و یاداره انتخابیه نیک و کیلیری اولدیغنی  
 بیان ایدره ک نظریات علمیه ده ها زیاده یاقلا شمش ایدی . بو  
 سببه بر مبعوثلرک بر داره انتخابیه ده کی متتخبیره منسوبیتی  
 صفتیه « وکالت » ایله اتصاف ایتمی طوغری اوله ماز .

آنحجق بوتون پارلمنتونک یکو وجود ولاینفک برملته قارشو  
 بر شخص واحد کی صفت وکالتی حائر اولمسنده بر مانع یوقدر  
 وابسته بوندن طولایی . مبعوثان هیئتک جموعنی ملتک و کیلی عد

موکل صراحةً وکيلي ایستمدیکی حالده وکالت نزع اولوعق اقتضایدر ایکن مبعوثلقده بویله اولیور زیرا منتخبلرک برقسی مبعوثه رأی ویرمهش ، اونی صراحةً کندیلرینه مخالف عد ایتمش بناءً علیه مبعوثلغنه قطعياً راضی اولامش اولدقلمری حالده ینه مبعوث هم کندی علیهنده رأی ویرنلرک هم بوتون ملتک وکيلي صایلیور .

موکل بهک معلوم اولسی وکالت اقتضاسی اولدینی حالده مبعوثلقده بوشرطهده رعایت ممکن دکلدر . زیرا نهکی مسائل تحدث ایدوب مبعوثک بومسائل حقنده نهکی رأی ومطالعه در میان ایده جکنی اولدن تعیین ایتمک محالدر .

موکلر غیر معلوم اولق جائز اولدینی کبی معدوم اولمقده البته غیر جائزدر . بناءً علیه وکالت انسال آتیبه معطوف اوله ماز وویللار هنوز طوغمیان کیسه لره تحمیل عهد وکلفت ایلیه منزلر حال بویله ایکن مبعوثلرک تنظیم ایلدیکی قوانین ودولت نامنه درعهده ایلدکلمری خصوصات انسال آتیبهده معطوفدر .

موسیو ایسمه بو مسئلهده وکالت کلمه سنک استعمالی عادتاً بر اثر قضادر و وقتیه صنوف ثلثه ناسک نه تازمه نهرو مجالسنه ویردکلمری وکالتک انقاض وبقایاسندن در دیبور . فی الحقیقه کرک فرانسهده نه تازمه نهرو مجلسی ، کرک انگلترهده پارلمنتو بدایه حقیقی وکالت قاعده سنه مستند ایدیلر . مبعوثلر وجودلمری

۹۹ وکالت سیاسیه و وکالت عادیه . — بویک مجمل معلومات تاریخیه دن سوکرا بالاده اساسی ایضاح ایتدیگمز نیابت و وکالت بختنه ارجاع کلام ایده لم : بومبختده اول امرده وکالت کله سنک نه درجه استعماله شایان اولدیغنی تدقیق ایتک ایجاب ایدر . طبیعیدرکه بوراده عل العموم عقود عادیه ده جاری اولان وکالتک احکام و شرائطی جریان ایده مز . و بنسأً علیه وکالت و نیابت کله لرینی بوراده اطلاق اوزره تلقی ایتک جز اوله ماز . نه مجله نك کتاب الوکاله سنده کی شرائط و احکام ونه ده ممالک ساثره اجنییه نك قوانین مدنیه سنده وکالته دائر مندرج اولان قیود و اوصاف بوکله نك مدلول تامنه تطابق ایده مز . وکالتی معنای موضوع لهنده ، معنای حقیقی سنده قبول ایتدیگمز تقدیرده بو مطالعه یی درمیان ایتمک کمز طبیعیدر . وکالت عادیه ایله بوراده کی وکالتک — که بونی مبعوثلره نظراً وکالت سیاسیه و حکمدارک حائز اولدیغنی صفت وکالته نظراً بیعت کله لر یله تفسیر و ایضاح ایتک بزجه دها موافقدر — قواعد عمومی مدنیه مز کوره فرقلری آشکاردر . وکالت سنه موکلك عاقل و بالغ اولسی شرط ایکن مبعوثلری توکیل ایدنلر بوتون ملت اولدیغنه نظراً بونلر ایچنده اطفال و محجورین صنفی واردر . کذلک نسوان توکیل وظیفه سنی ایضا ایتمورلر .

وکیلک مه کل علیه نه اداره کلام ایتسی ممنوع و باطل ایکن منافع عمومیه ایچون دائرة انتخابیه سی علیه نه اداره کلام ایتسی جائزدر . .

حقى تقرر ايمكله برابر تشوشدن خالى دكل ايدى . قرال امرنامه لر نشر ايمكله موجود قانونلرك حكمنى تغيير ايمك صلاحيتنه مالك ايدى . بوندن ماعدا بعض كيمسه لرى قانونه تابع اولمقدن عفو ايمك حق قراليسنه مالك ايدى . حتى بعض خصوصاتى قانونك يالكز زمان حاضره نظر آ دكل ، زمان سابقه نظراً دخى حكمنى ابطال ايليه بيلير ايدى . قرالك پاره احتياجندن طولايى پارلمنتويه مربوطيى دخى پك شديد دكل ايدى . اول امرده مقامنك ارثى پك چوق الاك و وارداتى و ارايدى . فضله اوله رق پارلمنتو هر درلو سلطنتك مبدأنده قرالك بوتون حياتنه شامل اولق اوزره غايت مهم باواسطه تكاليف وضع ايدرايدى . ممالك اجنبيه ايله مناسبات تجاريه تنظيمى حتى قرالك اولديغندن قرال كرك بومناسبتله و كرك جزاى نقدى بى استديكى قدر حكم صلاحيتنه مالك اولديغندن بو صلاحيت وسيله سيله دخى واردات تدارك ايله بيلير ايدى . تودور خاندان قراليسى پارلمنتولرك حقوقنه تجاوز ايتيمهرك مناسباتى اخلاص ايتدى آنجق استوارت خاندانى زمانده حكمدارلرك حقوق الهيسى نظريه سى تعميم ايلش و فرانسه ده اصول استبداد تقرر اينش اولديغندن زاق ودهاصو كره برنجى شارل پارلمنتو ايله اوزون بر دوره محاربه آجش و غلبه پارلمنتو ده قاله رق قرال برنجى شارل اعدام و حتى لوردلر قاره سى الفا اولومش ايدى . پك آز زمان صكره لوردلر قاره سى اعاده اولنديغى كى استوارت خاندانى ده . عودت اينش فقط تصادم ينه اكيلىميهرك نهايت ايكنجى زاق اسقاط اولومشدر . ( ۱۶۸۸ ) كرك برنجى شارل زمانده كى ۱۶۲۹ تاريخلى ( استدعاى حقوق ) فرمانى و كرك ۱۶۸۸ ده كى فرمان انكلترة پارلمنتوسنك حقوقنى تأمين اينش و قرالك بالاده كى صلاحيتلر بى حذف و پارلمنتو ايله قرال آره سنده كى مناسبات متقابله بى مهيا امكان تنظيم ايتمشدر .

۹۸ قرالیت ایله پارلمنتونک مبارزه سی . — «قونسلر شهرلر  
 وقصبه لرك مبعوثلری فرانسه ته تازه نهرو مجلسنده اولدینی کبی اوللری  
 قراله کندی طای اوزرینه یالکیز «معاونت ونسیحت» ایتمک ایچون اجتامه  
 دعوت اولونورلایدی. حتی قرال طرفندن تنظیمی تصور ایدیلن نظاملر  
 بیله اولنرك نظر تدقیقنه وضع اولونمازایدی و بونقطه ده کافی السابق یالکیز  
 (مانیوم قونسیلیوم) مجلسنك رأیی صوریلور و بوجلس اسمکی شخصیت  
 وصلاحیتلرینی الاآن محافظه ایلیور ایدی . آنجق اون دردنجهی عصر  
 مبادیدن اعتباراً عوام قاره سنك اهمیتی سرعتله آرتدی. جسمانی زادگان  
 ایله روحانی بویوک رهبانلردن مرکب مجلس کبی عوام مجلسنك ده موافقتنی  
 استحصاله لزوم کورلدی و سرور زمانله قانون تکلیف ایتمک حقنی ده بالضروره  
 محتوی اولان اصل حق تشریم بوجلسه انتقال ایتدی. اووقته قدر صفت  
 وقوة تشریمیه ده اولدینی کبی قانون تکلیف ایتمک حقنی ده منحصرأ قرالده  
 ایدی واقعا بوحق لورد له عوامک موافقتیه استعمال اولونور ایدی  
 فقط لوردلر له عوام ویرکویه موافقت واستدعا کبی ایکی قیمتدار حق کمال  
 مهارتله استعمال ایدرک قوه تشریمیه و ائک شرط ضروریسی اولان  
 حق تکلیف قانونی به نائل اولدیلر . « [حق استدعا حجتنه مراجعت |  
 عوام قاره سیله لورد قاره سنك حق تشریمی و ویرکویه موافقت ایتمی

وسائر مادی مکلفیتلر هب اومنبه ارجاع اولونور . نساء علیه ذاتاً شرعاً  
 تقرر ایتمش قوانین و تکالیف ایچون اوروپاده اولدینی کبی مراسم و معاملانه ،  
 مجادلات و مبارزانه حاجت قالمش . تعین ایتمش برشی ایچون اوغراشقی  
 حاصلی تحصیل قبلندن ایدی و بوسیله شرقة ملت ، زادگانک ، حتی دره بکرك  
 بوکبی مباحثده مهم موقعلری کوریله مه مشدر . زمانزده بوکا احتیاج  
 کورلمسی ایسه بوس بوتون باشقه سوائقک و پک یکی برطاقم احتیاجلرک  
 سوقله در .

بولونديرييلور ايدى زيراقونئلق تعضو ايشى ، بر درجهيه قدر مستقل وچوقدن برى وظائف مختلفه عليه ايچون وكيل اتخابنه آليشيق بر تقسيم اداره تشكيل ايليور ايدى. هر قونئلقدن ايكي شواليهك پارلمنتويه كونديريلهرك بارونلر و بويوك رهبان ايله برلكده موقع اخذ ايتلمرينه ايلك دفعه اوله رق ۱۲۵۰ تاريخنده قراله بر معاونت ايفاسى مناسبيله تصادف ايديليور ۱۲۶۱ و ۱۲۶۴ سنه لنده بو حادنه تكرر ايتدى . قونئلقلردن كونديربان شواليه لره امتيازلى شهر رقصه دن هر بيرينه منسوب ايكي مبعوث ترفيق اولوندى. بوده سيمون دو موغفور نامنده بر ذاتك رآى و تكليفيله اجرا ايدلش ايدى . حتى بوندن طولاني بو ذات انكترده مشروطيتك حقيقي موجودى اولق اوزره تلق ايديليور . بالاخره ۱۲۷۱ ، ۷۵ و ۸۲ تاريخلى اجتماعلرده بو حال تكرر ايتدى . فقط انكازلر ۱۲۹۵ ده برنجى ادوارد طرفندن اجتهاع دعوت ايديلن پارلمنتوينى مودل پارلمنتو عد ايديليورلر فى الحقيقه بو رلمنتو بوتون ملتك و كيلرينى محتوى ايدى و (مايوم قونسييوم) مجلسنى تشكيل ايدن عناصرك يانى باشنده رهبانك قونئلق دائره اداره سنك و شهر و قصباتك و كيللرى بولمقده ايدى [\*].

[\*] شمدى به قدر و پرديكمز ايضاحات حكومت نيبايه و شكل مشروطيتك اوروياما اكننده منظار كئي نبت ايمه مش اولديغه دئراجالى بر فكر ويره بيلير . اكلابورزكه ممالك غريبه ده بو مؤسسسه لك هر برينك بر ماضيسى ، مديد بر دور تكاملى وارد هر برينى مهم بر احتياج توليد االمشدر . شرقده ايسه بونلك هيچ برينه تصادف اولونماز . مثلاً حكمداره ويركوه و عسكرجه معاونت ايچون شرق ويركوه و عسكرى ويرن علاقه دارانك رآينى اوتنه دن برى صورمه لروم كورمه مشدر . بوده ويركو ويرمك و قانون وضع ايتك كئي شيلرك شرقده من القديم بوس بوتون باشقه اساسنه استناد ايتديرلش اولديغندن ايلرى كلشدر . قانونلك جمله سى منع خلقدن دكل منبع حقدن نبعان ايدر ، ويركولر

ایتمک اختیاری غائب ایتمش ایدی . دره بکارک اساساً دره بکارک قوانین وقواعدی موجبنجه قراله عسکر وپاره جه معاونته مجبوریتلری وار ایدی . فقط احوال فوق العاده ده واقع اوله حق معاونت تقدیه لر ایچون نه بایسه حق ایدی ؟ بویوک فرمانک ماده لرندن بری بونی ده تصریح ایلیور ایدی . بوماده به کوره قرال فتودالیتیه موجبنجه من القدییم نائل اولدیغی اوج درلو معاونتدن غیری خصوصاًتده ( قومون قونسیلیوم ره بی ) نک یعنی ناحیه مجلس قرالیسنک موافقتی اولمق سزین مظهر معاونت اوله میه حق ایدی . بوو ( قومون قونسیلیوم ) مجلسنده بویوک ره بان ایله بارونلردن ماعدا مقام قرالیدن طوغریدن طوغری به اراضی تفوض ایتمش کیسه لرده وار ایدی . مع مافیه اک چوق ویرکو ویرنر مانیوم قونسیلیوم اعضاسی اولدیغندن ( قومون قونسیلیوم ) بواعتبارله ایضای وظیفه ایتمه مش کورینیور . ایشته مانیوم قونسیلیوم لوردلر ، قومون قونسیلیوم عوام قاره سنک مبادیسیدر . لاینجه اولان بوکله لریک مؤداسی الان موجوددر وعوام قاره سنه حالا قومون مجلسی دنیلیور .

۹۷ عوام قاره سی ناصل وجوده کلدی ؟ — مع مافیه عوام قاره سنک صورت تشکیلی برار دها تشریح وبلاده کی معنومات بجمله بی کندیسنندن اقتباس ایتمدیکمز موسیو ایسه نک بوکا دائر ویردیکی تصویلاتی نقل ایله لم :

« اسپانیا قورتن مجلس لرینه ، فرانسه نه تازه نهرو مجلس لرینه جرمانیا ایمراطورلغی دیت مجلس نه بلاد وقصبات ممتازه وکیللریسک کوندرلرینی استلزام ایدن اسباب انکلتزه دده عین نتیجه بی حصوله کتیردی . اوراده دخی ره بان وجسمانی زادکان ایله برلکده اجتماعه دعوت ایدی لری یالکز بلاد وقصبات ممتازه مبعوثلری دکل ایدی بلکه فضل اوله رق قونتلق دینیلن تقسیمات اداره نک مبعوثلری دخی برلکده .



ايدر ايدى واقعاك بويوك حاكم قرال اولدينى ايجون صفت قضايه سنده كي استقلال مطلق قالير ايدى واجتماع ايدن رؤسا بر مجلس مشاوره دن باشقه بر شي اوله ماز ايدى آنجق مرور زمان ايله قرالك صرف استشارى اولان بوجلسه كرك قضايه وكرك تدابير مهمه به متعلق يكي نظاملرله قانونلرى حواله ايتى معناد اولدى. قرال بوجلس طرفندن اتخاذا اولونان مقررانه تبعيت مجبور يتنده دكل ايدى بونكله برابر بوجلسى بو صورتله بر صفت تشريه به بر صفت قضايه اخذ ايتكه باشلايور ايسى. ( مانيوم قونسيليوم ) تعبير اولونان بوجلسه ابتدالى، يعنى بارونلر ده ا ۱۲۱۰ تاريخنده ( اراضيسز ژان ) دن بويوك فرمانى قوبارمدن اول، بويوك بارونلرله بويوك رهبان دعوت اولونيور ايدى. بوجلسك صلاحيتلرى هب قرالدىن نبعان ايديور ايدى وقرال ايكيدى بر صلاحيتلرله تجاوز وضعيتنى اخذ ايدن كلېسايه قارشو كندى مقررانتك نفوذ مغنويسنى كوسترمك ايجون ايشلرني بويوك زاتكانه كوردرييور ايدى. اون اوچنچى عصرده بوجلس ده منتظم اجتماعات عقد ايتكه باشلامش، هر سته ومضاً سنده بر قاج كره دعوت ايدلديكى بيله واقع اولمشدر. مجلسه بالخاصه امور عدليه اعتبارله قرال طرفندن يريلن صلاحيت كسب اهميت ايتمش وكيت كيدى مملكتك ديكر محاكمندن صادر اولان مقررانتكده مرجعى بوجلس اولمشدر. نهايت مجلس كندى اعضاسنى دخى محاكمه ايتك واك بويوك مأمورلر عليهنده تعقيبات اجرا ايتك صلاحيتنى اكتساب ايتمشدر كه برنجى جهتدن صفت تميزه سى ايكنجى جهتدن ديوان عاليك صفتى تكون ايتمشدر.

ملاك برده صفت تشريه سى وار ايدى آنجق قرال اول باده كي مقررانه اتباع ايتكله مكلف دكل ايدى وحق استعدا بختنده ايضاح اولونه جنى وجهله اوچنچى ادوارد زمانندن اعتباراً بو مقررانه تبعيت

انکلیز قومنک مؤسسات ملیه سنی دها زیاده محافظه ایله بونلری آنجق مبرم احتیاجلرک تضییقه تهوین و تعدیله راضی اولسنه برقات دها یاردم ایدن جهت انکلیز طور اغنک محاط بولوندیغی سور سیال سیبیله اجنبی استیلا سندن مصون اولسی اولمشدر . مخاطرات خارجیه به هدف اولان اقوام قوتلرک قبضه واحده ده مجتمع اولسنه برسوق طبیعی ایله منمکدرلر . بوايسه فرانسه ده دره بکلرک قوتنی قیرمه و مرکزیت و مطلقیت اداره نکلرک بر بویوک نعمت تلقی اولومسنه تأثیر عظیم اجرا اتمشدر . فرانسه ده دره بکلرک سوق و قایم ایله کلیشی کوزل و غیر منتظم تأسس ایتمش اولدیغندن بونلرک بعضیسی پک بویوک بر جسامت کسب ایتمش و اهالی به ظلمی اونستده آرتیرمش ایدی . بناءً علیه فرانسه ده قرالدر دره بکلرک نفوذینی قیرمق ایچور اکثریا اهالی ایله متفق اولور ایدی . انکله ده ایسه قرالدر اهالیدن استعانه به آنجق کلیسانک نفوذینی قیرمق ایچون محتاج اولمشدر و دره بکلرک دائماً اهالیکن کاه کلیسایه ، کاه قراله قارشو متفق موقعنده قالمشدر .

بو و بونک کبی دها پک چوق اسباب و مؤثرات عینی مبدأدن باشلایان دره بکلرک شکل حکومتنک ناصل تماماً معکوس هدفله و اصل اولدیغنی ایضاحه کفایت ایدر .

۹۶ دره بکلرک نیابت شکنه ناصل منتهی اولمشدر ؛ — دره بکلرک اصولنک نیابت شکنه ناصل استحاله ایتدیگی بحثنه کلنجه دره بکلرک طرز اداره سنده دخی قرال قوه اجرائیه و تشریحیه و عدلیه نکل بکاه منبعی ایسه ده قوتنی دره بکلرک وجودی قرالک نظری اوله رق مالک اولدیغنی بو حق مطلقده بعض تعدیلات وقوعه کلسنه سبب اولمشدر . دره بکلرک اره صره قرال طرفندن چاغیر یایر و کندیلرینه قرالغه متعلق مسائل مهمه شرح و ایضاح اولونور ایدی . بو مسائل علی الا کثر مهم دعواله تعلق

اسبابك عینی نتایج تولید ایتمسی ظاهراً غریب کورینور ایسه ده . انکتره فتودالیته سنک اساساً نورمانلرک استیلاسیله خارجدن یعنی فرانسه دن عارضی اوله رق مملکته ادخال ایدلش اولسی اوراده کی دره بکک تقسیماتک فرانسه ده اولدینی کبی سوق وقایعه تصادفاً وجوده کلش غیر منتظم مؤسسه لر شکلی اخذ ایتمه سنه یلردم ایتمش ، یعنی انکتره ده فتودالیته رتقییات اداره کبی منتظم طویلمش در . هر منتظم تقسیمات وتشکیلاتده اولدینی کبی بوراده دخی بر قوت حاصل اولمش و بو قوت قرالارله دهها منتظم صورتده مبارزه به امکان بر اقمش در . فی الحقیقه فرانسه ده بر نه تا زه نه رو مجلسی وار ایدی . انکتره ده ده نه تا زه نه رویه تماماً مشابه بر مجلس تشکل ایتمش ایدی . برنجیسی زادکانی ، ( یعنی دره بکرتی ) رهبانی و ( Tiers Etat ) دیدکرتی صنف ناک ناسی تجسم ایندی ریور ایدی . آنجق بو صنف ناک قرون وسطانک احتیاجات تحفظ وانضباط پرورانه سنندن وتقرر ایتمش تماملرندن اولق اوزره یالکزر امتیازات مخصوصه به مالک قیلنمش شهرل اها لیسندن عبارت ایدی . انکتره ده ایسه فتودالیته عارضی وحادث بر تقسیمات اولدینی جهتله بلاد ممتازه مبعوثلرینی دعوت ایتمک ایجاب ایندی کی زمان اوراده ذاتاً ینه او انتظامک سوقیله تقرر ایتمش وموجودیت وحریت مخصوصه اکتساب ایتمش قونتلق تقسیمات اداره سنک دخی مبعوثلری بولوندی رلیسی تفسیب اولومش ، تعبیر دیگرله مبعوث وکیل کوندرمک حق قونتلق اها لیسنه ده توجیه ایدلمش در . بو اسبابه اقلیم وجغرافیایک واحوال واحتیاجات عسکریه نک ده تأثیراتی علاوه ایتمک التضا ایدر . انکلیز قومی طبیعتجه ، عزیمه کندی جقوقنه رعایت ودیکرینک حقوقنه تجاوز ایتمه مک جهتلرنجه فرانسه دن فرقلی ونظریاتدن زیاده فعلیات وفوائد متمسکدر . ذاتاً طبع ملیسی محافظه کار اولان

شده دیکي شکل تلقیسنه نه علماً نه فعلاً واصل اوله ماش ایدی ۱۸۷۹ انقلابه قدر بوجت فعلیاده مهم قالمش ایدی . باخصوص هر منتخب دائرة انتخابیه سنک وکیلی عد و اعتبار عد اولنیور واصناف واصیلزادگان ورهباندن مرکب اولان نه تازه نورو مجلسی بونلرک هر برینی آیری آیری تمثیل ایدر فرض ایدیلور ایدی .

۹۵ نیابت فتودالیه نك نتیجه سیدر . — اصول نیابت حقیقتده روسونك تقبیح ایچون كله بولمقدن عاجز اولدینی الكفنا بر شکل اداره نك ، فتودالیه دینلن اوروپایه مخصوص دره بلك اصولنك مرور اعصار ایله تکامل ایتمش بر شکلیدر . باشقه مملکتلرده وبالخاصه فرانسه ده فتودالیه اون التنجی واون یدنجی عصردن اعتباراً شکل مطلقیت واستبداده منتهی اولمش اولدینی حالده انکترده بالعکس اون یدنجی عصرده قرالیتك نفوذی تحدید اولنه رق الیوم کورمکده اولدیغمز شکل نیابت ومشروطیت تقرر ایلشدر . اوروپاده دره بلك اصولنك نتیجه تکاملی اولان نیابت شکننه مظهر اولمش دیکر دولتلر آره سنده اسوج ایله مجارستان دخی ذکر اولنغه شایاندر بالاخره بوتون اوروپاده شکل مطلقیت تعمیم ایتمش ایکن بالخاصه مجارستان اوزون مدت اراضیسنك قسم اعظمی عثمانلیرک تحت استیلاسنده بولونمق طولایسیله مؤسسۀ قدیمۀ ملیه ستنی مطلقیت لهنه بوزمامش ، دولت عثمانیه اوراده کی مؤسسات سیاسییه - که فتودالیه موجبنجه نیابت دخی بومؤسسات جمله سندن ایدی - ایچون نوعما بر پوشیده صیانت خدمتی ایفا ایلشدر . بپوشیده مرتفع اولدینی زمان مجارستان مطلقیت طوغری واقع اولان رفتارنده کبری قالمش و بو تاخرات آلمک ایچون مهم بر منفعت ونفوق تأمین ایتمش بولونیور ایدی . بالاده کی ایکی استنادن ماعدا عموم آوروپاده فتودالیه نك انکتره - ده کینک تماماً عکسنه بر نتیجه یه اقتران ایتسی ، دها طوغریسی عینی

ودائره شمولتك توسيع ايدلميدر. ازمنه قديمهده وافعا اصل اولان قوانينك طوغريدن طوغرى به ملت طرفندن تصديق ايدى . فقط ملتك طوغريدن طوغرى به وبالاصاله وضع قوانينه امكان بوله مديغى بحلرده بالضروره اصلتك خلفى وفرعى اولان وكالت جهته كيدلمشدر . حكماك . اعظم مأموريتك وحتى - رومانك ادوار مؤخره - منده - حكمدارلك وظائفي و اوامر و نواهيى دائما ملتة عطفاً واقع اولمشدر . روما ايپراطورلى بيله ملتك وكيلىرى باشقه برشى عد اولنموردى . سائر بيوك مأموريتلر فرضاً ولايت رؤساي ، پره فة دوپره خار ودها ديكر مأموريتلر مضاف اليه ملت ايدى . س نانو مجلسى ملتك وكيلى فرض ايديلور ايدى قرون وسطاده نيابت مليه فكري اورتندن قالقيور . بعضيلرى مثلا مونسكيو فرائق حكمدارلى وجرمن رؤساي طرفندن جمع ايديلن مجالسى شمديكى پارلمنتورك منابع اضليه فرض ايتك ايشمشلرايسهده حقيقت بومر كزده اوليوب جرمانلرده مجالس مذكوره اغاب احتماله كوره نيابت صورتيله دكل طوغرودن طوغرويه اجراى حكومت ايدن جمعيتلردن عبارت ايدى . ايلك فرائق حكومتلى طرفندن جمع ايديلن مجالسه كلنجه اونلر دها زياده برر شوراي عسكرى به مشابه وعلى العاده رؤساي عسكريه دن مركب ايديلر، الحاصل انكترهده پارلمنتو وجوده كتير لنجه به قدر نيابت اصولي آكديرر مؤسسات مفقود ايدى . فرانسهده نه تازمه نورو دنيلن مجلسك تشكلنه قدر نيابت فكرينه تماس ايدن مجالسه تصادف اولنماقده در . غريبدر كه ده ۱۴۸۴ ده (طور) ده عقد اجتماع ايدن نه تازمه نورو مجلسى حاكيت مليه اصولي قبول ايتمش وملتك معطى قوت اولديغنى بيان ايتمش ايدى . ملت ايسه نه تازمه نورو دنيلان مجلسدن عبارت فرض اولمش ايدى . آنجق بر درجه به قدر نظرياتجه اكلاشيله بيلمش اولان بوقاعده

و بو آرزونک تأیمراتی مقامنده طوتیلور . بو حقیقت مناسبات خصوصیه وعادیده مشهود اولدینی کبی مناسبات عمومیه وسیاسیه یهده مظهر قبول اولمشدر . نیابته قبول ایدیلن اساس شودر : ملت مجلسنک وکالتی ملتك بر شخص اولمی فکرینه مبتیدر . بو نظریه موجبنجه ملت حاکمیتی نفسنده جمع ایتمش بر شخص متشخصدر . بو شخص دیگر بر شخصه وکالت تفویض ایدیور که او دیگر شخصده پارلمنتودر . پارلمنتو بو وکالتی ملت نامنه ایشه بو صورتله اجرا ایدر . کویا که عقد وکالت شو صورتله جریان ایدیور : شخص واحد لایتجزی حالنده اولان ملت ، پارلمنتویه وکیل اول دیور . پارلمنتوده بو وکالتی قبول ایدرهک ایجاب و قبول ایله منعقد بر عقد تام حاصل اولور . ایشه بو صورت تلقی نتیجه سنده پارلمنتونک بالجمله افعال و حرکاتی سانکه ملتن صادر اولمش فرض اولونهرق عینی تأیمراتی اجرا ایدر . حاکمیت نه پارلمنتوده کی اعضای مختلفه آرسنده تقسیم و تجزیه اولونمقده ، نهده مبعوثلری انتخاب و تعیین ایلین دوائر مختلفه انتخابیه آرسنده انقسام ایتکدهدر .

۹۶ . معلومات تاریخیه . بو نظریه بی تعمیق ایتهدن اول نیابت اصولنک ادوار مختلفهده نه کی اشکال اخذ ایتمش اولدینی بیان ایتک فائده دن خالی دکدر . واقعا ظاهرده پارلمنتو نیابت اصولی قرون متأخریه عائد بر ایجاد بدیع کبی کورونمکده ایسهده حقیقتهده بویه اولیوب روما و یونانستان تاریخلنده نیابت اصولنک جریان ایتمش اولدینی کورلمکدهدر . یکی برشی واریسه اوده اصول نیابته چوق انتظام و ترتیب اعطا اولنمی

مگر که آمریقا ده اولدینی کبی طوغریدن طوغری به اهالی به دکل حکومت صغیره نك مجالس تشریعیه سنه مراجعت اولنه. مع مافیه بوره فوره ندوم اصولنده صورت مطلقه ده کوریله جك بر نکتته مهمه واردر که اوده مملکتک او صروده کی احوال نسبیسیه داخلیه سیدر. تذبذب ایچنده بولونان بر مملکتده ره فوره ندوم اصولنه مراجعت مملکتک سلامتی نظریات حقوقیه به قربان ایتمک معادل اولور. اساسی پک مکمل اولان ره فوره ندوم اصولی بحق ثمره دار اوله بیلیمک ایچون دولتری کوچوک کوچوک اجزا واقسامه تابع قیلمق و بوتون جهانی اسویچریه به بکزه ده رک روسونک روحنی شاد ایتمک لازم کلیر. عکس تقدیرده فائده یرینه ضرر تولد ایدر.

### حکومت نیایه

۹۳ نیابت سیاسی اساسی. — طوغریدن طوغری به اجرای حکومت قضیه سنک فعلاً مشکلاتی مشهود اولسنه بناءً حکومت تمدنه حاضره نك قسم اعظمی نیابت اصولنه مراجعت ایتمشدردر. ملت حاکمیتی، تمایلات مختلفه سنی نواب و وکلایی واسطه سیله اظهار ایدر. بر باشقه سندن صادر اولان آرزو و مرام او باشقه سنک آرزو و مرامی کبی عد و اعتبار اولوندجه نیابت موجوددر فرض اولونه بیلور تعبیردیگرله وکیلک آرزو و مرامی و بو آرزو و مرامک حصوله کتیردیکی تأثیرات مؤکک آرزوسی

بوکا تمیل واردر . مع مافیہ آوسترالیاده واقع اولان بویولده کی تشبثات هنوز قطعی ثمرات اعطا اتمه مشدر . بلچیقاده فرالک پارلمنتوجه مصدق بر قانونی ردایتمدن اول او قانونی ره فہرہ ندوم واسطہ سیلہ اہالینک نظر تصدیقہ وضع ایتدیرمکہ صلاحیتدار اولسی ۱۸۹۲ شہباطندہ تکلیف اولونمش ایسہدہ بالآخرہ صرف نظر اولونمشدر . مشروطیت و نیابت اصولنک مہد ظہوری اولان انکترہدہ بیلہ رہ فہرہ ندوم اہندہ بر جریان افکار حصولہ کتیرلسنہ چالیشلمقدہ و مجلسلرک صیق صیق فسخی صورتیہ رہ فہرہ ندومہ مہما امکان تقرب ایدلمکدہ در مع مافیہ انکترہدہ مجلسلرک فسخی معاملہ سیلہ رہ فہرہ ندوم ارہسندہ عظیم فرقلر موجود اولدیغنی بیانہ حاجت یوقدر . خلاصہ رہ فہرہ ندوم ، حق تکلیف قانونی ، اہالینک

طوغریدن طوغری به وضع قانون اتمسی بحثلری نظریاتلہ حل اولونتمدن زیادہ فعالیت ، فائدہ اجتماعیہ و قابلیت تطبیقیہ نقطہ نظر لرندن محاکمہ اولونمق ایجاب ایدر . بر مملکت اہالیسی سویہ عرفانجہ دون ، رشد سیاسیدن محروم ، حقوق سیاسیہ سنی استعمالدن عاجز اولور ایسہ اویلہ یرلردہ بالادہ کی اصولاری تطبیقہ قالدیشمق البتہ عظیم بر فلاکتی انتاج ایدر . دیگر طرفدن مملکتک وسعتی و نفوسنک کثرتی نظر اعتبارہ آلمق موافق احتیاط اولور :

مملکتلر بویودکجہ رہ فہرہ ندومک دائرہ شمولی قصر ونحدید اولونمق شرطدر . متوسط مملکتلر دہ اولسہ اولسہ قوانین اساسیہ نک مجددآ تنظیمی ایچون بو طریقہ اختیار ایدلسنہ بلکہ جواز یریلہ بیلور . بویوک مملکتلر دہ بوکدہ جواز یریلہ مز .



تنظيم ايديلىن مشترك قانون عادى ۵۰ بىك نفوس ويا (۱) قانتون طرفندن اهاينك تصديقنه وضع اولونسون تكليفنه معروض اولورسه او قانون عادى آرايه وضع ايديلور .

مشترك قوانين عاديه نك حق تكليف اهالى به تابع اولوب اولامسى بحثنه كلنجه؛ بو جهت مختلف تاريخلرده واقع اولان تشبثاته رغماً دوچار مشكلات اولقدهدر . معافيه ۱۹۰۶ ده اهاينك مشترك قانون اساسى يى تعديل تكليفنه صلاحيتدار اولديغى كې مشترك قانون عادى يى دخى تعديل تكليفنه صلاحيتدار اولسى برلايحه قانونيه ده موضوع بحث اولمش واز جمله اللى بىك كشي ويا سكر قانتون قوانين عاديه موجوده دن برينك تنظيم، تاديل ويا الغاسنى تكليف ايتدكلى تقديرده مشترك پارلمنتونك بو تكليفنك قانون اساسى به ومعاهدات موجوده به مخالف اولديغى بيان ايتدكدن صوركه اهاينك نظر تصديقنه وضع ايتسى جهتي موضوع بحث اولمشدر .

اسويچرده مشترك قانون اساسى ومشارك قوانين عاديه ايچون جارى اولان ره فەر مندوم احكامنك خلاصه سى بودر . كوريليدور كه اهاينك تعديل تكليفنه صلاحيتى قانون اساسى به قدر سر ايت ايتمشدر . امر يقاده ايسه حق تكليف قانون بك طار بردائورده محل تطبيق بولويور حق تكليف قانون ايسه البته ره فەر مندوم دن دها وسعتلى واهالى به دها زياده مداخله صلاحيتى بخش ايديجى بر اصولدر .

اسويچره نك كوچوك قانتونلر نده (ناحیه لر) جارى اولان قاعديه كلنجه، بونلرده كرك قانون اساسى كرك قانون عادى ايچون ره فەر مندوم وحتى حق تكليف قانون على العاده امور درجه سنه اينديرلمشدر . يالكز فرايبورغ قانتونى مستنادر .

۹۲ ديكر ممالكده ره فەر مندوم . ديكر ممالكده ره فەر مندوم اولان خواهش تر ايد ايتمكدهدر، بالخاصه بكي تشكىل ايدن اوسترايلايه كى حكومتلرده

اسویچره نك عمومه متعلق قانون اساسینك ایلک دفعه اوله رق اهالی به تصدیق ایتدیلمیسی ۱۸۰۲ ده در . تاریخ مذکورده معتبراندن مرکب بر مجلس بر قانون اساسی تنظیم ایتمش و او صره لرده فرانسه قانون اساسیلری ایچون موده اولدینی وجهه بونی یکریمی یاشنی اکمال ایدن بوتون اسویچره لی ذ کوره تصدیق ایتدیلمش ایدی . مع مافیله بو قانون اساسی اسویچره لی هیئت متفقه حالنده بولوندی ریور ایدی . اسویچره نك هیئت متفقه عنواتنی محافظه ایتمکله برابر هیئت متحده ماهیتنی اخذ ایتسنه باعث اولان قانون اساسی (۱۸۴۸) تاریخنه تصادف ایدر که بوده فرانسه ده کی اختلال هنگامه لرینه مصادفدر . بو قانون اساسی موجینجه هر هانکی بر قانون اساسی ویا قانون اساسیده وقوعه کتیر یله جک هر هانکی بر تعدیلات اهالی طرفندن تصدیق اینک ایجاب ایدر ایدی . بوندن ماعدا قانون اساسی بی تعدیله ایتدیلمک ایچون ده ملته بر حق تکلیف وریلیور ایدی مجلس مبعوثان واعیان آره سنده قانون اساسینک تعدیله حقنده اختلاف ظهورنده ملت حکم قیلدینی کبی اللی بیک نفوس دخی قانون اساسینک تعدیله ملتک نظر تصدیقنه وضع خصوصنی تکلیف ایله بیلیرلر ایدی . هر ایکی تقدیرده تعدیلات واقعه ک طرز تحریرینی تنظیم مجلسره عائد ایدی . ۱۸۹۱ ده اهالینک حق تکلیفی بر قات دها تصریح اولونمش (۵۰) بیک نفوس ذ کور قانون اساسی تعدیلاتک اهالی به تصدیق ایتدیلمسینی یالکز صورت بمله ده دکل ماده ماده تنظیم ایدلمش لایحه قانونیه شکلنده دخی تکلیف ایتمک حقنی احراز ایتشددر .

ایشته اسویچره قانون اساسیسی ایله ره فوره ندومک مناسبتی بوندن عبارتدر . عموم اسویچره به عائد قوانین عادیه نك ره فوره ندوم ایله ارتباطنه کلنجه ؛ ۲۹ مایس ۱۸۷۴ ده تعدیله اولنان قانون اساسی موجینجه بوکبی قوانین ایچون ره فوره ندوم اختیار ایدر . پارلمنتو طرفندن

انعقادہ دعوت ایدرہ اشبو قونوانسیون مجلسنک قبول ایتدیکی تعدیلات تکلیفک برنجی شکنه کوره عموم حکومت صغیره مجالس مبعوثاننک درتده اوچی طرفندن وایکنجی شکنه کوره ( یعنی اساساً کوچک حکومتلر مجالس تشریعیه سندن نشأت ایتش ایسه ) حکومت صغیره نك هر برنده عقد ایدله جک قانون اساسی مجلسلرنک ( قونوانسیون ) کذلاک درتده اوچی طرفندن تصدیق اولونمق مقتضیدر .

شو تقدیره کوره واقعا مشترک قانون اساسی به عائد تعدیلاته ملت طوغریدن طوغری به تماس ایتیمور و بوده ذاتاً مستحیلدره . انجق ملنک مختلف حکومتلرده کی مجالس معتاده سی ( یعنی مجالس تشریعیه سی ) ویا مجالس فوق العاده سی ( یعنی صورت مخصوصه ده عقد ایدیان قونوانسیون مجلسلری ) تعدیلاتی قبول و تصدیق ایتکله حاصل اولان معامله ره فهره ندومه خیلی تقرب ایتش اولویور . بوتفصیلات کوستریورکه آمریقاده یالکنز حکومت صغیره نك دکل ، حکومت مرکزیه نك بیله قانون اساسیسی دکشیدیرمک صوک درجه دغدغلی و مشکلاتیلیدر .

۹۱ سو یچره ده ره فهره ندوم . آمریقا حقنده ویردی کمز بو ایضاحات بجله به رغماً ره فهره ندومک وطن اصلدسی سو یچره اولمق اوزره تلقی ایده یلیزره قرون قدیمده جرمان قبائلندن قاله بسیط وحتی اوزون مدت سو یچره دخی حقیر کورلمش بر عادتک عصرأ بعد عصر استحاله کچیره رک ونهایت روسونک طوغریدن طوغری به حکومت بختنده فرانسه ده حصوله کتیردیکی انقلاب سیاسی نك عکس تأثیرندن حاصل اولان تجارب ونظریات جدیده دن استفاده ایلیره رک زمان حاضرده کی شکل تکاملنی اخذ ایدن سو یچره ره فهره ندومی حقوق اساسیه ده آریجه تدقیق و تأمله شایان بر بحث تشکیل ایدر . انجق بودور مدیدتکاملک صفحات مختلفه سنی بوراده تشریح حوارائه به امکان بونومدیغندن یالکنز حال حاضرده سو یچره نك ره فهره ندومه نظراً وضعیتنی کوسترمکله اکتفا مجبوریتنده یز .

ره فہرہ ندومہ تابع طوتیلیمسی امر ایئدیکی قانونلر نہ ماہیتده شیلردر؛ بو باندہده بالطبع قطعی بر اساس و عمومی بر قاعدہ یوقدر. بعض یرلردہ مثلا بر پایخت انتخابی ویا بردار الفنون مرکزینک ویا بودرجه اہمیتی اولان بر مؤسسہ مرکزینک تعیینی ویا بر مقدار معینی متجاوز بر استقراضک عقدی (رودیزلاند حکومتندہ) ویا بعض شرکتلرہ مؤسسات اعتباریہ بہ تخصیصات اعطاسی ویا خود بر مقدار معین ویرکودن فضلہ مقدارده ویرکو تحصیلی ویا بانقنوط چیقارمغہ مآذون باقہلر تأسیسی حقندہ کی قانونلر ره فہرہ ندومہ تابع اولور.

یا لکیز بر حکومت واردر کہ (ره فہرہ ندوم) ی ده کچہ رک اہالینک قانون تکلیف ایتمسی حقیقہ قبول ایتمشدر. بو حکومت (صوت داقتا) حکومتیدر.

فقط بوتون بو تفصیلات حکومت صغیرہ قوانین عادیہ سنہ عاندر . قوانین مشترکہ عادیہ ایچون متحدہ آمریکا پارلمنتوسی طرفندن تنظیم ایڈیلان قوانین عادیہ نک ره فہرہ ندوم ایلہ مناسبی یوقدر.

۹۰ مشترک قانون اساسی ورہ فہرہ ندوم . — قوانین مشترکہ عادیہ ایچون ره فہرہ ندوم اصولی قبول ایڈلہ مش اولدیگی کی بوتون متحدہ آمریکاہ شامل اولان مشترک قانون اساسی ایچون ده ره فہرہ ندوم یوقدر. مع مافیہ بو مشترک قانون اساسینک صورت تعدیلی حقندہ کی قانون واصل جالب دقت بر شکل استثنائی بی حائر اولدیگی ورہ فہرہ ندومہ مشابہ بولدیگی ایچون جای ذکر در.

مشترک قانون اساسینک تعدیلی تکلیفی یا مجلس مبعوثان و اعیانک ثلثان اکثریتی طرفندن ویا خود حکومت صغیرہ مجلس مبعوثانلرینک ثلثانی طرفندن واقم اولور . بو صورتلہ تکلیف واقم اولونجه قونفرہ دینیلن متحدہ آمریکا مشترک مجلس مبعوثانی بر قانون اساسی مجلسی (Convention)

۸۹ کوچك حكومتلك قوانين عادييه سي وره فوره ندوم . — كوچك حكومتلده قوانين عادييه متعلق بك چوق احكامك قوانين اساسيه وضعي صورتيله ره فوره ندومه تابع طوتيلمسي كافي كورلميه رك ره فوره ندوم . بعض حكومتلده بر قسم قوانين عادييه تطبيق ابدلكده در . بو خصوصه عمومي ومطرده بر قاعده يوقدر . بعض حكومتلك قانون اساسيسي ساكت اولديني حالده مجالس تشريعيه اهل خبره به مراجعت صلاحيقنه قياساً قوانين عادييه نك بر قسمي بعدالتنظيم اهالينك نظر تصويبنه وضع ايدييورلكه محاكمك اجتهادي بوكا مخالفدر وحتى بو بولده اهالي به تصديق ايتديريلن قانونلري قانون اساسيه مخالف دي احرار ائتمه شلدر . بو بولده استناد ايديلن دليل شودر : بر مجلس بر حكم وقرار اعطاسنه مأذون ايكن او حكم وقراري بالذات اعطا ايتكله مكلفدر . بر حاكم ويا بر مأمور بالذات ايفاي وظيفه ايتديكي كي بر مجلس تشريعي دخي — اكر قانون اساسي موجبجه صفت وقوه تشريعيه كنديسه توديم ايدلمش ايسه — بالذات ايفا واتمام وظيفه ايليدر .

بعض مجالس تشريعيه بر قانوني بعدالتنظيم و التحرير دكل قبلالتنظيم و التحرير — استمزج واستشاره طريقيله — اهالينك نظر تصديقنه وضع ايدرله محكمه لر بوني اولكي حاله قياس ايتبه رك طوغرو بولويورلر . زيرا قرار اتخاذي ينه مجلس تشريعيده قايلور . مم مافيه ماته صور بلان رأي على الاده اهل خبره به صور بلان رأي كي دكلدر و اير قدر مهم بر ايشار تدر . { استشاري ره فوره ندومه مراجعت | بوجهته ده بو اصول نظريات تلميه به موافق كورلميور .

بعض قانون اساسيلر ايسه بالعكس قانونلك بر قسمي ايچون صراحة ره فوره ندومي امر ايدييور . او وقت مجلس تشريعي بالطبع قانون اساسي ايله ايفاسنه مأمور اولديني بر معامليني يا عيش اولور . قانون اساسينك

اووقت معامله بوجه آتی جریان ایدر : بو تعدیلاتی تکلیف و حتی تحریر ایتمک حق قانون اساسیسی تعدیل ایتمک ایستینلن حکومتک علی العاده مجلس مبعوثانته عائددر. یالکز علی العاده مجلسک بوباده کی مقرراتی عادی اکثریتله اوله ماز. بونک ایچون ثلثان ویا درتده اوج کبی اکثریتلر ایستیر و اول امرده بر برینی تعقیب ایدن ایکی مجلس مبعوثان طرفندن متوالیاً طلب اولونمسی اقتضا ایدر. بعض کی حکومتلریالکز بر مجلس مبعوثانک طلب ایتمسی کافی عد ایدیورلر. کرک بر مجلس و کرک ایکی مجلس مبعوثان طرفندن واقع اولان و مطلقاً اکثریت معتاده دن فضله برا اکثریته اقترا انیمسی لابد اولان بوجه بالا تعدیل تکلیفی ده اهالی طرفندن تصدیق ایدلمکجه قانون اساسی تعدیلاته اوغرامش صایلماز.

آمریقایلرک اکثریا قوانین عادیه ده دخی بر بولمسی ممکن اولان پک چوق موادی قانون اساسی به درج ایتمک تمایل و اعتیادنده بولوندقنری درپیش اولورسه علی العاده مبعوثان مجلسلرینه امور تشریعیه عادیه ده نه قدر آز میدان بر اقلیدینی و عادی قانونلرک دخی - قانون اساسیده ناصلسه بر بولمش اولمق سببیه - ره فوره ندومه تابع طویلیدینی نمایان اولورکه بوضورتله قوانین اساسیه و قوانین اساسیه به مزج ایدلمش بر چوق قوانین عادیه ناقابل تزلزل بر استقرار پیدا ایش اولوزلر. بونک محاذیری آشکاردر. مجالس تشریعیه به بر نوع عدم امنیتدن نشأت ایدن بو حال مجالس مذکوره نك وظائف معتاده تشریعیه لرنده میدانی پک طار بولمیرینی و بوضورتله تنظیم ایلدکاری قوانین عادیه ایله قوانین موجوده و اساسیه آره سننده تعارض و تشاکل وقوعه کلسنی انتاج ایدرکه بو تعارض و تشاکل اکثریا محاکم طرفندن حل اولونمقده و محاکم قوانین عادیه نك بر قسمتی قانون اساسی به مخالفدر ديه تطبیقندن امتناع ایلکدهدر. بویسه مجالس تشریعیه نك اعتبار معنویسنی صارصمغه و عادات و تعاملاته قوانین مکتوبه دن زیاده اهمیت ویرلمسنه بادی اولمقدهدر.

۸۸ کوچك حكومتلك قانون اساسيى . — متحده آمريقادہ رەفەرەندومك اشكالى لايقيه تدقيق ايچون اونى برقاچ صفحه دە تحليل ايتك اقتضا ايدر . اولاً حكومات صغيره قانون اساسيلى اعتباريله ، ثانياً حكومات صغيره قوانين عاديەسى اعتباريله ، ثالثاً اصل حكومات متحده نك قانون اساسيى اعتباريله . . .

حكومات صغيره قانون اساسيلىك تنظيم و تعديل امرندە جريان ايدن قاعده و اصوللىرى بروجه آتى خلاصه ايتك ممكندر :

اولاً بر قانون اساسيى كاملاً تعديل و تنظيم ايتك . . . بونى تكليف ايتك حكومتك على العاده مجلس مبعوثانە عائددره . على العاده مجلس مبعوثان بوتكلىنى اجرا ايتكدن سوكره قانون اساسيى بى مجددأ تنظيم ايتك لازيميدر . دكليدر و بونك ايچون بر قانون اساسيى مجلسى تشكيلى مقتضيميدر دكليدر ؟ مسئله سنك حلى اهالى به توديع اولونور . بناء عليه قانون اساسيىك تعديل تامى مجلس مبعوثان طرفندن تكليف و اهالى طرفندن تصويب ايدلدكجه قانون اساسيى مجلسى تشكيل اولونه ماز و هر حالده تعديل تام حالنده قانون اساسيى مجلسى اجتماع ايتدير يلور . حتى اهالى رأى و يريرا يكن قانون اساسيى مجلسى تشكيلنه لزوم و ارمى يوقى صورتندە اعطاي رأى ايدر . قانون اساسيى مجلسى ايسه ( Convention ) ناميله ياد اولونور .

ثانياً اهالى قونوانسيون مجلسى تشكيل و قانون اساسيىك لزوم تعديل تامنى تصويب ايدكدن سوكره بو مجلس يكي بر قانون تنظيم ايدر . فقط بو قانون دخى تكرار منتخبلرك نظر تصديقنه وضع ايديلور . بو صورتله مجدد بر قانون اساسيى تنظيمندە و يا عمومى بر تعديل ائناسندە مضاعف بر تصديق معامله سى اجرا ايدلش اولور .

ثالثاً قانون اساسيىده اجرا ايديله چك تعديلات تام اوليوبده جزوى و قسمى اولور سه - كه بوكا آمر بقاليلر ( Amendment ) تعبير ايدر لر -

تکلیف قانونی درج اولونمشدر . مجالس ابتدائیه نك بوجه بالا تعیین اولونان مقصداری طرفندن قانون اساسینك تعدیلی ایچون طلب واقع اولدینی تقدیرده مجلس ملت کاهه مجالس ابتدائیه بی بوبله برتعدیله لزوم وارمی یوقمی کیفیتنی تعیین ایتمک اوزره اجتماعه دعوت ایتمکه مجبور طوتیلور ایدی .

۸۷ آمریقادا ره فوره ندوم تطبیقاتی . — شمالی آمریقا هیئت متحده سی هنوز استقلال پیدا ایتمدن پک احرارانه مؤسسـه لره مالک و بناء علیه اهلینک امور حکومتی اشتراکی واقع ایدی . حکامی و مأمورینی انتخاب و قوانینی وضع ایتمک انکلتردهن شمالی آمریقایا مهاجرت ایدن کیمسه لک حقوق صریحه و معتاده سندن ایدی . انجق بالاخره اهالی تکثر ایدنجه طوغریدن طوغری به وضع قانونده مشکلات کوریلرک قوانینی اعضاسی منتخب مجلس لره تنظیم ایتمیرمک اصولی تعقیب اولوندی . بالاخره شمالی آمریقادا کی انکلیر مستملک لری اعلان استقلال ایتمک لری زمان اصول نیابت همان کاملاً تقرر ایتمش ، حتی حکومت متحده بی بدایه تشکیل ایدن اون اوچ حکومتک هر برینه متعلق قانون اساسیلر بیله — ایکیسی استثنا ایدلیدیکی حالده — اهلینک نظر تصدیقنه و ضم اولونماش ایدی . قانون اساسیسی اهالی به تصدیق ایتمیرن حکومتلر ماساچوسهت (۱۷۷۸-۸۰) ایله نیوهمشیر (۱۷۷۹-۱۷۸۴) در .

انجق بالاخره فرانسه نك انقلاب کبیر نظریاتی آمریقایا انعکاس ایدرک یکیدن تشکیلی ایدن حکومتلرده قانون اساسیلر تصدیق عامیه اقرارن ایدرلیدیکی کی موجود اولان قانون اساسیلرده وقوعه کتیریلن تعدیلات دخی ره فوره ندوم اصولنه تابع قیلنمشدر . بالکزده لاوار حکومتی واردرکه قانون اساسیسنک تعدیلاتنی منتخبلرک نظر تصدیقنه وضع ایتمبور . بناء علیه آمریقای شمالیده حکومت متحده صغیره قانون اساسیلری ایچون قاعده عمومیه ره فوره ندومدر .



۸۶ فرانسه ده ره فوره ندوم و تطبیقاتی. — شمیدی بوره فوره ندوم  
 بحثنده نظریات عالمندن چیقوب بر ازده فعلیات عالمنده بونک جهات و صور  
 تطبیقیه سی تعقیب ایدلم : فرانسه ده ره فوره ندوم اصولی پک . وقت بر  
 زمان ایچون و اوده . منحصرأ قانون اساسیلره تطبیق ایدلمک اوزره قبول  
 ایدلمش ، بالا آخره بو قاعده دن قوانین اساسیه ایچون ده صرف نظر  
 اولونمشدر . قوانین عادیه ده یالکیز بر دفعه ره فوره ندوم اصولنک تطبیقنه  
 تشبث اولونمشدر که اوده مونتا یارلرک یایدینی ۱۷۹۳ قانون اساسیسی  
 جمله احکامندن ایدی . بو قانون اساسی موجبجه مجلس مبعوثان امرنامه لر  
 ( ده قره ) ایله قوانین تنظیم ایدر . امرنامه لر صورت قطعیه ده مجلسجه  
 قبول ایدیلیر ، فقط قانونلر مجلس تشریح طرفندن تکلیف و اهالی طرفندن  
 قبول ایدیلیر . بو قانون اساسی حد ذاته ده ( ره فوره ندوم ) دن زیاده  
 ره فوره ندومک و تو شکلی قبول ایتمکده ایدی . قوه تشریحیه طرفندن  
 بوجه بالا تنظیم و ملت ، ده ها طوغریسی او صره لرده تشکیل  
 قیلنمش اولان ملت مجالس ابتدائیه سنه تکلیف ایدیاوب ده قرق کون  
 ظرفنده اعتراض و مخالفت واقم اولمازسه تکلیف واقم ، یعنی قانون لایحه سی  
 قطعیت کسب ایدمک ایدی . انجق اعتراضک یعنی و تونک مسوع اولسی  
 ایچون ده پارلمانلرک تصفندن بر زیاده سنده موجود اولان ملت مجالس  
 ابتدائیه سنک اوند ری طرفندن در بیان ایدلسی اقتضا ایدرایدی .  
 ۱۷۹۳ قانون اساسیسی تطبیق اولنه مدن حکمدن ساقط اولدی .  
 ترمیدور وقعه سی بو قانونی وضع ایدنلرک اک هم قافله لرینک حیاته ختام  
 و یردی شوخالده فرانسه ده قوانین عادیه ده ره فوره ندوم یالکیز بر قانون  
 اساسیه قبول ایدلمش ، فقط بو قانون اساسی ده طوغار طوغمار بر محل  
 تطبیق کورمدن اولمشدر .  
 ۱۷۹۳ قانون اساسیسنه یالکیز قانون اساسینک تعدیلی ایچون حق

ایتمه سی موافق عدالت دخی دکلدر. حتی بوندن طولاییدر که فرانسه انقلاب کبیری اثناسنده ۱۷۹۲ سنه سنده قونوانسیون مجلسی «قانون اساسی مات طرفندن قبول ایلمدکجه قانون اساسی اوله ماز» قاعده سنی اتفاق آرا ایله قبول ایتمش بالآخره ۱۷۹۳ قانون اساسیسی، سنه ۳ قانون اساسیسی، سنه ۸ قانون اساسیسی هپ بو قاعده به تبعاً ملتک نظر تصدیقنه وضع اولونمش ایدی: او وقت روسونک مقاله اجتماعیه به متعلق افکاری غلبه ایتمش ایدی.

بالاده کی مطالعه نك مقاله اجتماعیه نظریه سنه مستند قسمی باطل اولدیغنی بیانه حاجت کورمیز. فرانسه کبی قدیم بر دولته دولت و جمعیتی وجوده کتیره جک شی مجدداً تنظیم اولونان بر قانون اساسی اوله ماز. بلکه بالعکس او قانون ذاتاً موجود بر حالی وضع و تعیین ایدر. قانون اساسی ماهیت قانونیه اعتباریله سائر قانونلردن فرقلی دکلدر. یالکنز مبنای دولته تعلق اعتباریله اهمیت مخصوصه اکتساب ایدر. بوسبیله قوانین عادیه ایچون تجویز اولونمیان بر شینک قوانین اساسیه ایچون تجویز اولونمسنده محل یوقدر. برده ره فهره ندوم قوانین اساسیه ایچون ایی بر تدبیر ایسه قوانین عادیه بی بوتدبیردن محروم قیلمغه محل یوقدر. یوق قوانین عادیه ایچون ایی بر شی کبی کورنیمورسه قوانین اساسیه ایچون ده ایی بر شی اولیه جغنی اولویتله ثابت اولور. [قوانین اساسیه بحثنه مراجعت].

ايتدكلريني ، هېسنى ديكه يوب قناعت تامه ايله حكم ورايتلريني وبردكلريني ظن ايتك خطادر . بعضاً اعضا مقدماتي بيلمز ، مباحثه يي ايشتمه مش اولور ازره راي ويرير ويا خود اختصاصي اولمديني ايجون بر ريفقنك رايته اتباع ايدر . بعضاً ده هيئت عموميه يي بكه نيرده تفرعاتك بر قسمي كنديسنجه مردود قالير . بونسكه برابر عمومي فدا ايتمهك ايجون خصوصي بر طرف ايدر . شو حالده موسيو ايسمهك اعتراضي بر درجه يه قدر حكمني غائب ايدر كي كورينور سه ده هر حالده بر مجلسده بو كي محاذير خلقك آراسنه مراجعت اصولنه نظراً بالنسبه دوندر ومطلوب اولان ده اودر .

۸۵ قانون اساسي وره فوره ندوم . — حكومت نيابيه اساسي قوانين عاديه ايجون قبول ايدلسه دخي قوانين اساسيهك تنظيم وتعديلي ائناسنده بهمه حال ملتك رايي استحصال ايتك لازم كله جيكي بحثنه كلنجه؛ واقعا ظاهرده بو ادعا معقول كوريله بيلير . زيرا قانون اساسي هر كون تنظيم وتعديل ايدلك لازم كلن قوانين جمله سندن اولمديغندن بر ملت مجلسي طرفندن اولجه صريض وعميق مذاكره نتيجه سنده مستحضر اولان بويله بر قانونك اهالي طرفندن تصديق ايدلسي حضور واستقرار مملكت اعتباريله بويوك بر محذوري دعوت ايتديكي كي قانون اساسي — مقاله اجتماعيه نظريه سنه كورم — جمعيتك مولدي اولديغندن بويله جمعيتي توليد ايدن بروثيقهك علاقه دارانجه تصديقه اقتران

اولمازسه او وقت بو حرکتنک قوۋه تایدیه سی متعاقباً کلز ،  
یعنی در عقب ملتک امتحاننه هدف اولمار .

ایشته کوریلدیور که رده رده ندوم حکومت نیاییه ده ذاتاً  
موجود خسته لقلری بوس بوتون تشدید اییدیور . اهالینک  
موافقتی ده پک زیاده تشویش ایدر . ریرا اهالی اولجه حاضر لاش  
بر قانون قارشو سنده بولونارق بزدن اول بونی دوشونمشلر ،  
اعمال ذهن ایتمه لم دیر . ذاتاً اکثر احوالده اعمال ذهنه بیله  
قادر دکلدیر . بو صورتله یوقاریده (دولوم) دن تقلاً ایضاح  
ایلدیکمز محاذیر بوس بوتون میدان آلیر .

۸۵ رده رده ندوم وحاکمیت ملیه تک تجزیسی . — مؤلف موسیو

ایسمه ن دیگر بر نقطه حقننده ده بوجه آتی بر اعتراض در میان اییدیور :  
« اهالی به تکلیف اولونان شی بر قانوندر . بر قانونک هیئت  
عمومیه سی انقسام قبول ایتمز بر کتله در . ا کر قانون ماده لرینک  
هرری آیر بجه اهالی به قبول ایتدیریلورسه ایچندن چیقيله میه جق  
مشکلات فعلیه حاصل اولور . شو حالده رای سربست ویرلمز  
زیرا رای ویرنا کثریا شوایی شق آره سنده صیقیشوب قالیور :  
یا اساسنی بکندیکی بر قانونی غیر قابل قبول عدایتدیکی بر ماده .  
سندن طولانی رد ایتمک و یا خود بوتون قانونی رد ایتمش اولماق  
ایچون او ماده بی قبول ایلمک . »

بو حقیقت قابل انکار دکلدیر . فقط پارلمتوده ده بو حال بر  
درجه به قدر مشاهده اولونور . بر قانونه رای موافقت اعطا  
ایدن اعضانک قانونک عموم کلمات و حروفنی بلا استثنای قبول

بوحاليله برابر ره ففهره ندومك پك مجبر و عاجل اصلاحاته مانع اولديني قابل انكار دكلدر .

فضله اوله رق ره ففهره ندوم ادعا ابدلديكي وجهله ايكي شكل حكومتك محسناتي صورت مضاعفده جامع اوليور ، بلكه ايكي سنك ده ضعيف نقطه لريني بر آره يه كتيرييور . زيرا ره ففهره ندوم حكومت نيابيه بي اعتبار دن اسقاط ايتديكي حالده ينه حذف ايتيور ، في الحقيقه ره ففهره ندوم جاري اولان بر مملكتده مجلس مبعوثان وقار واستقلاتي حقيله محافظه ايدمه من ، مسؤليت ففكريله حر كت ايليه من . يابه جني قانون لايحه سنك مسوده سني لايقيه تدقيق ايليه من : زيرا صوك سوز ملتك اولونجه ذاتا اهمال وتسيه مستعد اولان ميل وطبيعتي بوس بوتون منكشف اولور . افرادي كتير اولان مجلسلرده اعضانك بر برينه كلفت وزحمت تحمیل ايتدك لري و بنده اولسه م بود كر من دوزر ديوب دوامسزلك ودقتسزلك ايتدك لري معلومدر . ذاتا بو وضعيتده اولان بر مجلس «نه مه لازم اصل قراري ملت ويره جك دكلمی ؟ نه دن او قدر اعمال ذهن ايليه يم ؟» ديمكه دها زياده مستعد اولمازمی ؟

ديكر طرفدن شهرته حريص ، عوامفريب سوزلر سويلمكه منهمك ، ملتك كي فنه وباخصوص هوا وهوسات جاهلانسه سنه خادم بعض مبعوثلرك تجديدا انتخاب مقصديله ملتك باطل ذهابلرينه ، ساخته منفعتلرينه موافق سوز سويليه رك قانون تنظيم ايتلري ده وارد خاطر در . واقعا مجلس على العاده احوالده ده بوني يبار فقط هيچ

زیرا بوتون منتخبری هر قانون ایچون جمع ایتمک امور دولتی برمانده آراهه سی ایله یوروتتمک کیدر . برده بوجسیم منتخبلر ماکنه سنی هر مناسبتله تحریک ایتمک آسایش نقطه نظرندن بویوک برمسئولیت درعهده ایتمک متوققدر .

شایان دقتدرکه ره فهره ندوم اصولنی محافظه کارلرله ترقیات مفرطه اربابی عین خواهشله مدافعه ایدرلر . بوغرابت وتناقض سهولتله قابل ایضاحدر . زیرا اهالی وعوام نه قدر افراطپرور اولورسه اولسون دیندار وبالطبع محافظه کار اولدیفندن مفرط و پک مترقی قانونلر و تدبیرلردن خوشلانماز، ایسته بو صورتله ره فهره ندومک نتیجه سی اولان قانونلرا کثریا محافظه کارانه وحتی متعصبانه اولور: اسویچرمده مشترک قانون اساسی بی اهالینک حق تکلیف قانونی سی صورتیله ایلك دفعه تعدیلاته دوچار ایتمک لری وقت (۱۸۹۳) موسوی قصابخانلری علیهنده قانون مذکور بر فقره درج ایتمک مشلدر .

دیگر طرفدن، حکومت عوام اصولنک ، حاکمیت ملیهنک اساسلری ره فهره ندوم قواعدیله دههازاده قابل تألیف اولدیفندن، نظریاتی هر شیئه تقدیم ایدن مفرط ترقیپرورلرده بو قاعده بی غایه لرینه موافق بولویورلر . بو صورتله هم عوامک مطلوبی اولان اساسلر خللدن مصون قالمش ، همده پارلمنتولرک بعضاً پک جرأتکارانه اولان مقررات وقوانینه خلقک حس وتماایل محافظه کاریسی کم طاقش اولور .

ملتك آراسنه مراجعت امكانى تسهيل ايدلمش اولويور. انكلترده هيتت وکلانك مجلسده حائر اکثریت اولديغی حالده مهم و منازع فيه بر قانونده مجلسی فسخ ایدوب آرای عمومیه به مراجعت و بوصورتله اکتساب قوته سمی ایتمی و مجلسك یدی سنه ارلان مدت اجتماعیه سنی هیچ بروقت بش سنه دن اوتیه کچیر مامسی بو حکمته مبتنیدر. بوصورتله نیابت اصولنك مهد ظهوری اولان دولت مذکورہ رة فہرہ ندوم اصولنی تطبیق ایتمه مک ایله برابر بو اصولك محسناتدن مستفید اولویور. مع مافیہ بونی، اهمیتى نسبتاً دون اولان قانونلره تطبیق ایتمه مکله، اصول قدیمه نیابتی ده تماماً محافظه ایلمش اولویور.

۸۳ طوغریدن طوغری به حکومتله نیابت اجتماع ایدر سه ای اولمازی؟ — رة فہرہ ندوم حکومت نیابیه ایله طوغریدن طوغری به حکومتك محسنات مضاعفہ سنی جامع اولمق اعتباریله شایان تر جیحدر قضیه سنی نه صورت مطلقه ده قبول ونه ده صورت مطلقه ده رد ایلمیدر. مجاس اعیانی اولمیان، قانونلری تصدیق حکمداری به محتاج بولونمیان و با خصوص اهالیسی کوچك تقسیماته تابع و رشده سیاسیسنه تماماً مالک اولان بعض مملکتلرده — اسویچر ده امثالی کورلیدیکی وجهله — بوقضیه طوغریدر. فقط بالاده کی اوصافی حائر اولمیان یرلرده رة فہرہ ندوم وضع قانونك بر آلت معطله سی، تشوش عمومینك و فقدان انضباط و سکونك اک مؤثر بر عنصریدر. بک چوق نافع قانونلر بطائت و تأخره دوچار اولور.

موقوف اولونجه اوچنجیسنک عینی منوال اوزره وکالتیه تابع اولمامسی ایچون بر سبب جبری و معقول قاله ماز .

روسونک حاکمیت ملیه یی یالکیز قوه تشریحیه دن عبارت فرض ایتمسی حالنده .دخی بو حاکمیتیه اوقدر طار بر معنی ویروب آنی وکالتیه قابل تألیف عد ایتمه مک باشقه بر نقطه نظر دن ده مفرط بر مطالعه در . زیرا الویررکه قانونک تملی ملت اولسون . ملت آرتق ایسترایسه طوغریدن طوغری به اوقانونی یاپار ، ایسترسه اعتماد ایتمدیکی کیمسه لره یایدیریر . منبع اصلی ، بوتون قوه قانونیه نک استناد کاهی ملت اولونجه وارد اولان اعتراضک قیمتی ده تناقص ایدر . یالکیزینه روسونک مهم بر اعتراضی قالیورکه اوده ملت اکر حقیقه حاکمیتیه مالک قالیور ایسه اوحالده توکیل ایتمدیکی کیمسه لره مقرر اتی نه وقت ایسترایسه بوزار . ایمدی مادامکه مجلس مبعوثانک مدت انتخابیه سننده بوزه میور ، یعنی حکمنی یوریده میور . اوحالده حاکم دکل ، محکوم اولمش اولور .

بوعتراضی دفع ایچوندرکه اکثر اقوام ملت مجلسنک مدت اجتماعیه سنی مهما ممکن تنقیص ایتمشلر ، درت وحقی ایکی وبر سنه به قدر تزییل ایتمشلر ، فضله اوله رق فسخ و انتخابات جدیدیه مراجعت صورتیه ملتک محکوم اوله بیلیمسی احتمالی مهنا ممکن دفع ایتمشلر در .

بوصورتیه واقعا صادر اولان قانوندر ملتیه تماس دائمی حالنده بولنه میورسه ده اره صره بو وسائط ایله صوک سوز صاحبی اولان



ملیه کوره محاکمه ابتدیکمز تقدیرده روسوی رد ایده میز .  
 انحق نفع و معقولیتی نظر تأمله آنجه جواب ویرمک دها آسان  
 اولورونیابت اصولی بر مملکتک دها زیاده فائده سنی ودهامعقول  
 قانونر تنظیمی انتاج ایدر سه اونی طوغریدن طوغری به اولان  
 شکل حکومته ترجیح ایتهمک ایچون بر سبب قالماز .

انحق بر مملکتده که طوغریدن طوغری به حکومت عینی  
 زمانده نافع و معقول قانونره منتهی اولویورسه اوراده اصلک  
 خلفی اولان نیابته کیتمک ایچون بر سائق حقیقی موجود  
 اوله ماز .

برده انتقال ایدن شی سی به سیک دیدیکی کبی بالذات حاکمیت  
 دکلدیر، انک اجر اسیدر . وحتی بوندن طولایبیدر که اوچ قوتک  
 وجودینه قائل اولمق امکانی حاصل اولویور روسویه کوره  
 حاکمیت یالکیز قوه تشریحیه دن عبارت اولدینی ایچون اونک  
 بو مقدمه سیله استمزاج ابتدیکی نتیجه یعنی حاکمیتک وکالت  
 قبول ایتهمسی ارسنده بر آهنگ واردر . فقط قوای ثلثیه  
 قبول ایتدی کمزه کوره قوه اجرائیه و عدلیه ایچون ده عینی  
 نتیجه به کیتمک لازمدر ایدمی بو ایکی قوتک ملت طرفندن  
 طوغریدن طوغری به استعمالی غیر ممکن اولدینی - ویریلن  
 تفصیلات ایله - معلوم اولونجه بو ایکی قوتده وکالت و تمثیل  
 طریقی قبول ایتمک ضروری اولور . حاکمیت ملیه اوچ قوتی  
 تضمن ایدوب بونلردن ایکسینک استعمالی مطلقا نیابت و تمثیل

اولسی، ثانیاً فضله صائیش میلله خواصدن زیاده عوامه خطاب مجبوریتنده بولونداقلرندن تدقیقات مخصوصه علمیه بی مستلزم قوانین حقنده درین معلومات ویرمکه قارئلرینی تبرید ایتمکدن محترز بولونملری وظیفه تنویرییه بی بحق ایفا ایتلرینه مانع اولور برده حقایقک تینی اکثریا مباحثه و مجابو به ایله ممکن اولور غزته لرده ایسه مباحثه و مجابو به مفروض اولسدخی اووقت بوتون اهالیسک بوتون غزته لره ابونه اولملری لازم کلیرکه بوکا نهوقت، نه کیسه مساعد اولماز اهالیسی غزته او قومقدن ویا ا کلامقدن عاجز اولان مملکتلر ایچون ارتق بومطالعه نك قطعاً وارد اوله میه جغنی سیانه بیله لزوم کورمیز .

۸۲ روسونک نظری اعتراضه جواب . — روسونک اعتراضه کلنجه بونک اجتماعی و فعلی فائده لر اعتباریله جوابلرینی یوقاری به درج ایتدک . انجق اعتراضک نظری و منطق قوتی باقیدر یالکنز سی به س معقول بر جواب ویریورکه بونی بر از دها ایضاح و تفصیله امکان واردر :

حاکمیت ملیه ترك و فراغ و بنساء علیه وکالت قبول ایتمز دینیلدیکی زمان حاکمیت ملیه نك اساس و مشروعیتی بختنده سویلش اولدینمز وجهله مقتضای عقلی و منافع مشروعاً عمومیه جهتلری موضوع بحث اولیور ایمدی بو ایکی نقطه دریش ایدیلنجه حاکمیت ملیه نك مهما ممکن نظاهرینی دخی عمومه نك نافع واک معقول شکله ارجاع ایتک لازمدر . یالکنز اراده

آرانان شی ایسه کمال دکل ، کماله بالنسبه تقرب اولدیغندن بو اعتبارله نیابتک طوغریدن طوغری به شکل حکومته تفوقی آشکاردر .

۸۱ عدم وقوف وره فوره ندوم. — عدم وقوف بختنه کلنجه بو خصوصده عینی طرز استدلالی تعقیب ایده بیلیرز . واقعا بوتون ممالکک مبعونان هیئتترینه مجمل بر نظر عطف ایدرسه ک ملتیری حجابه سوق ایده جک درجه ده جاهل و محروم اختصاص بعض مبعونلرده کوزه چارپار . بونکله برابر هر شیده نسبت آرایجه ینه ملتیر ایچون بادی اقتضار صاحب ذکا و معلومات مبعونلرک اکسیک اولدینی کوریلور .

طوغریدن طوغری به حکومت اصولنی ترویج ایدنلر اهالی بی تنویر ایتمک و بناء علیه عدم وقوفدن متولد محذوری دفع ایتمک ممکن اولدینی رأینده درلر . نطقلر و قونفرانسلر خلقی — باخصوص بی طرفانه و عادلانه بر صورتده — نه درجه ارشاد ایتمک ممکن اوله جنی جای تأملدر ذاتاً بوکا ماده ده امکان یوقدر . کوچک بر مملکت ایچون مشکل اولان برشیئک بویوک بر مملکتده — او مملکت نه قدر دوائر انتخابیه به تقسیم ایدیلورسه ایدلسون — مستحیل اوله جنی اوسرتبه ثابت اولور . عجبا غزته لر بو وظیفه بی ایفا ایده مزمی ؟ غزته لرک خلقه معلومات مجمله و بسیطه ویره مکده کی خدمت فوق العاده سی قابل انکار اولماقده برابر بونلرک اولابی طرف اولملری غایت نادر

ملتك تصدیقی بر كفالت معنویه تشكیل و اوقانونك عظمت  
 و قدسیتنی تأمین ایتزمی ؟ بو بخلرده آریجه محتاج تدقیقدر .  
 یوقاریده کی ملاحظادن مستبان اولویور که اهاالینک طوغریدن  
 طوغری به اجرای حکومت ایتمسندنه کی محاذیر فعلیه باشلیجه  
 اینکیدر : وقتسزلك وعدم وقوف .

۸۰ رده فوره ندوم و وقتسزلك . — وقتسزلك بخلنده مبعوثلق  
 مستوفی معاشلی بر ماہوریت مستقله ماهیتی آلمدقجه نیسابت  
 اصولنده دخی محذورك بو جهتی کوریللیور یا لکنز زمانمزده  
 حاکمیت ملیه بی یوماً فیوماً دها زیاده تقدیره باشلا یان ملتیر  
 مبعوثلر نی مهمالمن مشاغل سائرہ خصوصیه لرندن آزاده قیللمق  
 ایچون کندیلرینه بعضاً از بعضاً چوق بر تخصیصات ویر مکده درلر  
 کرك بو تخصیصاتک اکثر احواله مبعوثلق شرف و مصرفی  
 ایله متناسب اولماسی و کرك وظیفه مبعوثیتک موقت اولمق  
 حسبیه مبعوثلر وظائف سائرہ اصلیه معیشتندن معنی قیلمامسی  
 — استقلال و سربستی مبعوثان جهتمنده کی محاذیرندن  
 صرف نظر — اکثریا مبعوثلرک مبعوثاقدن باشقه ایشرله  
 اشتغال ایلرینی و بنساء علیه اونک ایچونده وقتسزلیکی  
 انتاج ایدیور . بونکله برابر وقتسزلیکدن متولد شو محذوری  
 هراییکی نقطه نظره کوره متساوی عد ایتکده حقسزلق اولور .  
 هر حاله علی العاده افراد مبعوثلردن دها از امور حکومت  
 و وظائف تشریعیه ایله اشتغاله وقت بوله بیلرلر . کائناتانده

خالص، تعديلاتسز «طوغريدن طوغرى به حكومت» ك عدم  
امكانى مسلم اولمقله برابر ره فوره ندوم اصولك - كه طوغريدن  
طوغرى به اجراى حكومتك شكل معدل و مخفيدر - هيج  
بر مزيتى يوقى، باخص - و ص بعض مملكتلر بونى كمال  
موفقيه تعطيقى ايلدك نردن بو مثاللر ميدانده اولدينى حالده  
«ره فوره ندوم» اصولنى بوس بوتون محكومى ايتك لازم كلير؟  
مادام كه آرزو اراده مليه يى بر حقيقت اولمق اوزه قبول  
ايتك او حالده تعقيب واستتحصال ايديله جك مقصد اعطاي  
راى ايدن هيئت مجموعه انتخابيه ايله - كه حكماً ملندر - قانونى  
تنظيم ايدن هيئت - كه ملت مجلسيدر - اره سنده قانونك اثنائى  
تنظيمينه ممكن اولدينى قدر دواملى و نقصانسز بر ارتباط  
و آهنگ تأمىنى ايجاب ايتزمى؟ برده ره فوره ندوم اصولى مجلس  
ملى يى كلياً الفا ايتديك نردن اصول مذكوره هم طوغريدن  
طوغرى به شكل حكومتك مقتضيات نظريه سنى هم بالنسبه  
حكومتك ايجابات عمليه و مفيده سنى جمع ايتش اولماز مى؟  
ملت مادام كه اولجه تذكر ايدلمش، تعميق اولومش بر قانون  
حقنده بيان مطالعه به دعوت اولونيور و وظيفه سنى حكمدارك  
بر نوع امضاسندن عبارت قاليور او حالده بو فضله تأمينات  
عادتا شكلى بر ماهيت اكتساب ايدن و بونكله برابر قوانينك  
قوة معنويه سنى و اهالينك آنلره ميل اطاعتى تزيب ايلين  
بو تكلفات بر فائده منضمه اولماز مى؟ بالخاصه قانون اساسيلر ده

اجتماعیه سیله قابل قیاس اولدیغنی و ملیونلرجه ارباب مساعی موجود بولوب بونلری قرون اولاده اولدیغنی کبی اسرا میاننه ادخال ایله حقوق سیاسیهدن محروم قیلماق غیر ممکن اولدیغنی و کندیلری سبی ایله تأمین معیشت ایتدکلرندن لازم کلن دقت و وقوفه مالک اولدقلرینی اثبات و نیابتک حاکمیت ملییه منافی اولدیغنی و افرادک حق حاکمیتلرینی ترک ایتمکسزین انک اجرا جهتنی تودیغ ایده بیله جکلرینی ایضاح ایلیور . ینه مشارایه احوال اجتماعیهده هر شیک و کالتله جریان ایتدینکنی بیان ایدیور و دییورکه « اصول نیابت حکومت عوام و حاکمیت ایله قابل تألیفدر بر بنانک کندی طبیعی تملیله غیر قابل تألیف اواسی ممکنمی ؟ یوقسه معارضلر جمعیتک یالکمز تملده قالمسینمی آرزو ایدیورلر حال اجتماعی انسانلری دائماً بوتون حیاتلرنده بنان محروم اولغه محکومی ایدیور؟ »

۷۹ ره فوره ندومک محسناتی یوقی ؟ - بو ایضاحاتدن مستبان اولیورکه طوغریدن طوغری به حکومت ده اون سکزنجی عصرده پک شدتلی مهاجماته اوغرامشدر . هر حالده شبهه یوقدرکه بلا قید و بلا تخفیف طوغریدن طوغری به اجرای حکومت اصولی شمیدیکی حالده غیر قابل اجرادر . بوکا مقابل ممتاز و منور الافکار ذواتدن مرکب بر هیئت تشریعیه نک تنظیم قو این امرنده بالذات تنظیم قانون ایدن اهالیدن ده زیاد اهل و صالح اولدیغی ده انکار قبول ایتمز . انجق اصل ، حقیقی ،

بهمه حال برقرار اتخاذی لازم کلدیگی ایچون اورایه کیدن خلقک قسم اعظمی دها آز اهمیتلی دیگر خصوصاته کندیلری ایچون بادیء حرمت و حجاب اوله جق بعض اسبابه تبعاً اعطای قرار ایدرلر. غنر معتاد بر منظره ، مجلسک محل اجتماعده بر تبدل ناکهانی ، بر حرکت ، بر شایعه شو عمومی قرار سزلق ائناسنده اکثریت حضارک غیر مأمول برقرار اتخاذ ایتسی ایچون کافی کلیر . مسئلهیه اطلاع حاصل ایتدن وجوده کلن بوا اده لرك تشقتندن عمومی دیگر براراده حاصل اولورکه بوده دوشونجه دینیلن خاصه دن محرومدر . شاید بوتون بو محاذیر ایله برابر بو مجلس کندی حالنده بر اقلسه و آتی خطایه - وق ایتمکده کیمسه نك بر منفعتی موجود اولسه فنالق پک بویوک اولغله برابر ینه درجه استهائیه نی بولماز زیرا بویله بر مجلس آنجق اوت ویا خایر دیمک ایچون یعنی نهایت ایکی رأی آره سنده قالمق ایچون اجتماعه دعوت ایدلمش اولدیفندن بو ایکی شقک هر بری ایچون احتمال مساوی اولور . تعبیر دیگرله هیچ اولمازه ایکی مسئلهده بر کره حساب احتمالی ایله اصابت واقع اولسی مأمول اوله بیلیر . انجق نفوذ و قدرته اشتراک ایدنلرک ویا بو نفوذ و قدرتن مستفید اولانلرک اتفاق کندیلرینی بویله حال عطا لنده بر اقااز . اکثریا مجلسلری دعوت ایدرب طاغیتان اونلر ، تکلیفلری یا بانلر ینه اونلر اولور . . . خلقه بر قاج تکلیفی بردن اجرا ایتدکلری بوو تکلیفلرک هیئت مجموعه سنی بردن قبول ویا رد لازم کلدیگی جهته کندی مقاصد خصوصیه . لرینه موافق اولانلری کیزلمکه ویا کوزل رنکارله احاطه ایتمکه موفق اولورلر . . . »

راهب سی یس دخی نیابت اصولنک محسناتی تذکار ایدرک  
ازمنه متأخره احوال اجتماعیه سنک ازمنه قدیمه احوال

۷۸ دیکر مطالعه . — مونتسکیونک فکرینی ترویجاً انقلاب کپیر زماننده پک چوق ادله دها سرد اولنمش در. انقلاب کپیرک مبدأنده نیابی طرز حکومت ترجیح اولونمش ومونتسکیونکر لر رأس کاره کلنجه یه قدر ره فهورندوم قاعده سی بر دستور دولت حالی اکتساب ایتمه مش ایدی . روسودن صکره روسونک فکرینی جرح ایدنلردن بری دولوم نام ذاتدرکه طرز محاکمه سی بوجه آتیدر :

« خلقی تشکیل ایدن افرادک قسم اعظمی معیشتک اک شدید احتیاجاتنه طالهرق قوانین تنظیمی ایچون نهوقته ونهده تربیه وتحصیلارینک ناتمام اولسنه مبنی وقوف واطلاع لازمه مالک دکادرلر . ذاتاً طبیعت بوکبی مواهبنده بخل ایدرک انسانلرک پک آز بر قسمنه تشریح ووضوح قانونک متوقف ومحتاج بولوندیغی مشوش ونازک حساباتی اجرایه صالح دماغلر احسان ایتمشدر . خسته طبیعه ، دعواچی دعوی وکیلنه تودیع نفس وحق ایتمدیکی کبی حقوق سیاسیهنه مالک اولان برچوق افرادده — اساس اعتباریله کندیلرینه عائدیت وعلاقه سی آشکار اولان بونسکله برابر حسن ایفا واجراسی بونجه اوصافه متوقف بولونان — امور دولتی کندیلرندن دها ماهر اولانلره تودیع ایلمیدرلر . خلق محضا خلق اولدیغی ایچون ، محضا غلبه لک وجم غفیر حالنده بولوندیغی ایچوندرکه دوشونیلرک اتخاذا اولونمش برقرار ویرمکه غیر صالحدر... وضع قانون مقصدیله اجتماع ایدن خلق آره سنده پک آز کیمسه اولورکه مجلسک موضوع بحث ومذاکره سی اوله جق مسئله حقنده بر شی دوشونمش اولسونلر . اورایه بررأی وفکر مخصوص ایله ویا هیج اولمازسه کندیلرینه عائد وکندیلرنجه ملتمزم بررأی ایله کیدنلر پک آردر . بونسکله برابر



متوقف اولان بومقررات اهاليجه ممكن التطبيق اولمبور ایدی . ملت امور حکومته آنجق وکیللر انتخاب ایچون قاریشملیدر و بو وظیفه یی آز چوق ایفایه مستعددر واقعا انسانلرک اقتدار و مزیت حقیقیه سنی تقدیر ایدوب انتخابانی آکا کوره اجرا ایتک کوچ ایسه ده هر فرد انتخاب ایتدیکی کیمسه نك عمومین دکلمه ده پک چوق کیمسه لردن دها منورالفکر اولدیغنی تقدیردن عاجز اولماز . »

ینه دیکر محله شو نقطه نظری در میان ایدیور :

« ملت نفوذ و قوتنک بر قسمتی کندیسنه تودیم ایده چکی ذواتی انتخاب ایتکده شایان حریتدر . بونک ایچون یالکز کندیسنجه مجهول قالمی ممکن اولیان بعض خصوصاتی و کوزدن قاچه میه جق اولان بعض افعالی رهبر اتخاذ ایدرک اعطای قرار ایتسی کافیدر . فرضا بر شخصک اکثریا محاربات ایله اشتغال ایتش اولدیغنی و موفقیات استحصال ایلدیکنی بیایر بناءً علیه بر جنالی انتخابه پک زیاده مقتدردر کذلک بر حاکمک مداوم و مقدم اولدیغنی و دعوا جیلری محکمه لردن کندیسندن ممنون اوله رق چیققدقلرینی ورشوت ایله اطماع اولونمدیغنی کوریر بناءً علیه بودلائل آنک بر پره تور انتخاب ایتسی ایچون کفایت ایدر [\*] افراد اهالیدن بزینک سخا و دبدبه سی ثروتی نظر دقتنی جلب ایدر . بناءً علیه آنی بلدیبه اموری ایچون انتخاب ایدر . بوتون بو شیلری خلق عمومی محللرده - بر حکمدارک کندی سراینده استحصال ایتدیکی معلوماتدن دها مکمل صورته - اوکره نیر . فقط بو معلوماته صاحب اولمغله اصل ایشی سوق و اداره ایده بیلیری ، ایش یا یق ایچون لازم کلن زمین وزمانی انتخاب ، انتهازی لازم کلن فرصتی تعیین ایده بیلیری ؟ خایر ، بونلری یا په ماز . . »

[\*] پره تور قدیم روماده مراتب قضائک اک مهملرندن بزری ایدی .

مونتسکیو در [صحیفه ۱۲۴] مونتسکیو اساس اعتباریله طوغریدن  
 طوغری به حکومته معارض دکدر . آنجق طوغریدن  
 طوغری به حکومتده لازم کلن اهلیت و لیاقتک مفقودیتنه قانعدر .  
 بو فقدان اهلیت و لیاقت یالکمز امور اجرائیه به دکل - که  
 بوکا امکان بیله اولمدیغنی سویلدک - امور تشریحیه به عانددر .  
 مونتسکیونک فقره مشهوره سنی نقل ایدهلم [ روح

القوانین کتاب : ۱۱ ، فصل ۶ ]

ه حر بر دولتده حر بر روحه مالک اولغله معروف هر شخص  
 کندی کندینی اداره ایتک لازم کله جکندن ملتک هیئت عمومی  
 قوه تشریحیه بی حائز بولونمق اقتضا ایدر . آنجق بویوک دولترده  
 بوغیر ممکن و کوچک دولترده ایسه محاذیر عیدیه بی داعی اولدیقندن  
 اها لینگ کندی کندینه یاه مدیغنی شیلری ممثلری واسطه سیله یاپدیرمی  
 ایجاب ایدر . . ممثلرک اک بویوک محسناتی امور دولتی مذاکره ایتکه  
 اهلیتلیدر . اهالی بوکا اصلا صالح دکدر و ایشته ده موقراسیلرک [ \* ]  
 اک بویوک محاذیری بوندن ایلری کلیور . «

مونتسکیو دیگر بر محله عینی فکری شو بولده ایضاح

ایدیور :

« اسکی جمهوریتلرک قسم اعظمده بویوک بر تصور وار ایدی که  
 اوده اها لینگ مقررات فعلیه اتخاذ ایتسی ایدی . آز چوق اجرا آته

[ \* ] اون سکزنجی عصرده ده موقراسی اها لینگ طوغریدن طوغری به

وبلا نیسابه وضع قوانین و اجرای حکومت ایتسی معناسنده ایدی .  
 شیمدی ایسه بومعنا قصد اولونماز .

« امور دولت موضوع بحث اولوبده بری نه لازم دیدیمی  
 آرتق اودولت محو اولمش صایله بیلیر. »  
 روسو صرف تصویری استدلالات ایله ده حاکمیتک  
 وکالت قبول ایتدیکنی کوستریور ویدیورکه :

« حاکمیتک ترک و فراغ قبول ایتدیکنی اثبات ایدن سبب وکالت  
 دخی قبول ایتدیکنی کوستریر [ حاکمیت ملیه و اشکال حکومت بختنه  
 مراجعت ] حاکمیت مذکورہ تماماً ارادۀ عمومیهدن عبارتدر . ارادۀ  
 عمومیه ایسه تمثیل و وکالت قبول ایتمز ارادۀ ملیه یابداته موجوددر و یا  
 غیره منتقلدر . ایکسی ارهسی یوقدر . شو حلاله ملتک . مبعوثلری  
 آنک وکیل و تمثاللری دکلددرلر و اولامازلر . آنک یالکز مأموریدرلر  
 و هیچ بر شیئی صورت قطعیهده عقد ایده مزلر . هر هانکی بر قانونی  
 ملت بالذات تصدیق ایتزسه کآن لم یکن حکمندهدر و آرتق بوکا قانون  
 دینه مز . انگلیز قومی کندینی حر ظن اییدیور فقط پک یا کیلیور .  
 او یالکز پارلمنتو اعضاسنک انای اتخابنده حردر مبعوثلر اتخاب  
 اولونور اولونماز ملت آرتق اسیردر ، هیچدر . مع مافیہ ملت حریتنی  
 استعمال ایتدیکی قیصه دقیقه لرده بونی او یولده استعمال اییدیورکه  
 بواسارته لایق اولدیغنی کوستریور .

« وکالت و تمثیل فکری قرون اخیرده حاصل اولمش فتودالته  
 طرز حکومتدن ظهور ایتشدر او طرز حکومتکه بشریتک شرف و حیثیتی  
 تذلیل ایتمش ، نام آدمیتک ناموسنی قیرمشدر اسکی زمان جمهوریتلرنده  
 حتی سلطنتلرنده ملتک اصلا وکیللری اولامشدر او وقت بوکله معلوم  
 بیله دکل ایدی . . . »

۷۷ مونتسکیونک فکری . — بو فکرك اك مهم معارضی

ايدیورز : [ مقاله اجتماعیه : اوچنجی کتاب ؛ اون بشنجی فصل ]

« خدمات عمومیہ حقوق سیاسیہ سنہ مالک افرادک باشلیجه مشغله سنی تشکیل ایتدیکی و افراد شخصلرندن زیاده کیسه لرینی استعماله باشلادقلری دقیقه دن اعتباراً دولت خرایسنه یا فلاشمش دیمکدر . افراد ملت محاربه به کیتک لازم اولدیمی عسکرک اجر تنی ویریر ، کندیلری خانه لرنده قالیرلر . مجلسه کیتک ایجاب ایتدیمی مبعوث کوندریر و کندیلری خانه لرنده قالیرلر . بونلر تنبلک و پاره سایه سنده نهایت وطنی اسیر ایده جک عسکرلره و آنی صاته جق وکیللره مالک اولورلر . »

عصر حاضر مدنیتک ایجابات و احتیاجات فوق العاده سی اوزرینه افراد ملته محمول اولان بونجه مشاغلی اصلا خاطرینه کتیر میهرک ناحق یره بو حکم مدهشی ویرن روسو یونان و روما ادوار اولیه سنندن و اسویچره نک او عصرده کی حیاتندن استخراج افکار ایتدیکی ایچون بدرجه به قدر معذور کوريله بیلیر . مع مافیہ مدنیت حقدده اونک به فکر بسلمش اولدیغی ده بحث مخصوصنده سویلنمش ایدی . [ صحیفه ۱۲۵ ]

روسو بوفکرینی توسیع و ایضاح ایدهرک اهلینک انقاریه آلتنده ایکلمسنی بیله ویرکو ویرمکدن دهآ آزبادیء خجالت عد ایدیور . چونکه ویرکو ویرمک پاره ایله آدم طوتمق ، کندی ایشنی کندی کورمیوب باشقه لرینه کوردیرمکدر . بناءً علیه آنک نظرلرنده بالفعل وبالذات دولته خدمت ایتک لازمدر .

ويريلن جوابلری خلاصه ايتمك ووه فوره ندوم اصولی جاری اولان مملکتلر دنده برنبذه بختله فعلی مثاللر کو سترمک فائده دن خالی دکلدرد .

۷۶ روسو و طوغریدن طوغری به حکومت . — بو مسئله به متعلق مناقشه نك اك مهمی ینه تاریخچه اك اسکیسی اولانیدر که مونتسکیو ایله روسونك بو مسئله ده کی متخالف نقطه نظر لری کو ستریر . روسو صرف مقتضیات منطقیه به واسو یچر ده کی امثالنه تبعیت ایتمش اولقله منطقیاً کنديسنی الزام کوچ اولدینی کی مونتسکیو ده معنادی اولدینی وجهله فائده اجتماعیه بی مقتضیات منطقیه به ترجیح ایدرک بو نقطه نظر دن نیابت اصولی طوغریدن طوغری به طرز حکومته فائق طوغر مشدر .

معلوم اولدینی اوزره روسونك فکر نجه نیابت و وکالت حاکمیت ملیه نك ترك و فراغندن باشقه بر معنایی تضمن ایتمور . حاکمیت ایسه غیر قابل ترك و فراغ اولق صفتی حائزدر . روسو واقعا ملت طرفندن منتخب مجالس مشورتی بوس بوتون منع ایتمك طرفداری دکل ایدی . آنجق اونك فکر نجه بو مجلسلرک رأی یا لکزر استشاری اوله بیلیر . یاپه جقلری قوانین بر نوع لایحه قانونیه مسوده سی اولق ماهیتندن قور . تیله ماز و بو لایحه نك قانونیت اکتساب ایتسی ، یعنی بر عقد لازم و نافذ اوله بیلیمی آنجق تصدیق ملتله اقتران ایتمکه ممکندر . بوباده کی مطالعه سنی شهرت نه بناءً بورابه عیناً درج

اسویچر ده تعمیم ایتمش اولان بو اصول موجبجه بر مقدار معین اهالی - مثلا اسویچر دنك مشترك قانون اساسیسنك تعدیل و تنظیمی خصوصاتنده - مراجعت ایدر لر سه پارلمنتو بو مراجعتی دریش ایتمك اضطرار قانونیسنده در . بو باده کی نصاب مراجعت اوصاف و شرائط انتخابیه پی حائز الی بیک نفوسدر . مراجعت واقع بر و یا خود بر قاچ ماده نك تعدیلی طلبنی تضمن ایدر و یا خودده مراجعت ایدر لر بر لایحه پی کاملاً قلمه آلهرق مجلسه تکلیف ایدر لر . مجمل مراجعت اوزرینه پارلمنتو کندی اجتهادی دائره سنده حرکت ایتمدیکی کی لایحه قانونیه تقدیمی شکلنده واقع اولان مراجعتده پارلمنتو اختیار و سربستیسنی محافظه ایدر . آنجق ایکنجی تقدیرده پارلمنتو نهدن طولایی تکلیف اولونان لایحه پی قبول ایتمدیکنی اسباب موجب سیله بیان ایتمدکن صوکره هم تکلیف اولونان لایحه پی ، هم کندی تنظیم کرده سی اولان لایحه پی اهالینك نظر تصویبنه وضع ایدر .

ره فوره ندومك باشلیجه اشکالی بوندن عبارت ایسه ده مملکتلره کوره آز چوق تغییرات و تعدیلاته تابع اولدیغنی بیانه حاجت یوقدر .

کرك طوغریدن طوغری به حکومت و کرك آنك شکل مخفف و معدلی اولان ره فوره ندوم حقنده بک شدید اعتراضات وارد اولمشدر . کرك بو اعتراضاتی و کرك بو اعتراضاته

جهتلى و اردر كه ذكره شاياندر . استشارى ره فهره ندومده هر نه قدر مجلس ملك رآينه اتباع مجبوريتنده دكل ايسهده . ملت بر كره بومسئله حقنده رآينى ويرد كدن صو كره مجلسك او رآيه تبعيت ائتمسى بر آاز مستبعددر . ملتله استشاره . على العاده اهل خبره ايله استشاريه قابل قياس دكلدر . بوراده مشاور اولان ملك اشارتى امردر وحسيات عموميه يى آاز چوق اوقشامق اضطرارنده بولونان مجلسلك بوا مره قارشو قويه جق درجهده شجاعت مدنيه كو سترملرى نادر الو قوعدر . بوضورتله استشاره حقيقتده بر اضطرار و مجبوريت افاده ايدر .

برده استشاره اولونان قانونك يالكمز اساسى و روحى حقنده اهالينك رآينى صوريلور . حال بو كه بعضاً قانونك حين تنظيمنده تفرقاته دائر وضع اولونان ماده لر اساسى او درجه تقيد ايدر كه نتيجده تنظيم اولونمش اولان قانون حقيقه<sup>۱</sup> برآى استشاره انظار ملته وضع اولونان قانونميدر<sup>۲</sup> دكيدر بو جهتك تعينى عادتا متعذردر . مكر كه استشاره دن صو كره تكرار اهالى به تصديق ايتديرسون كه او وقت ملك او قانون حقنده رآينى مؤكده و مضاعف اولمش اولور .

بشنجيسى حق تكليف قانونميدر كه بو كا (Initiative populaire) دينايلور . بوراده اهالينك قانون حقنده يالكمز رد ويا تصديقنه مراجعت اولونماز . بلكه اهالى بر قوه<sup>۳</sup> متشبهه احراز ايدر كه مجالس تشريعيه يى بعضى قانونلر تنظيمنه اجبار ايدر . اك زياده

قائد اوله رق بر مآذونیت صریحه اولدینی حالده محضاً قانونه قوت و یرمک ایچون بو طریق تعقیب ایدر . فقط ایکنجی شق حقوقشناسانجه غیر مقبول عد ایدیلیر . چونکه قانون اساسی تشریح حقی مجلسه و یرمش ایکن مجلس بو مقید حقی اطلاق اوزره استعمال ایتمش اولویور یعنی کندیسی طرفدن یا بیلمسی لازم کلن بر شینی باشقه لرینه یا بدیرمی عادتاً بر حاکمک اجرای قضادن امتناع ایتمسی کبی تلقی اولونیور . بناءً علیه مجلس مبعوثان بهمه حال مسئولیتی در عهده ایدوب ینه قانون حقنده آرای اهالی به مراجعت ایتمکمزین قراری و یرمیلدر . مگر که قانون اساسی کندیسی ایجابنده انتخابجیلره مراجعته مآذون قیله .. دردنجیسی استشاری ره فوره ندومدر که بو اصوله کوره قانونک تنظیمندن مقدم اوقانونک روح و اساسی حقنده انتخابجیلرک راینه مراجعت اولونیور و انتخابجیلردن جواب موافق آلدقدن صوکره لایحه قانونیه مجلسجه مذاکره و تنظیم و بعده - اکر قانون اساسی یونی ده اسر ایدیور سه - علی العاده ره فوره ندومه مراجعت اولونیور . یعنی بو صورتله بعضاً یا لکنز بر کره ابتداءً و استشاری اوله رق جمله آرایله اکتفا ایدلیکی کبی بعضاً ده اساس و روح قانون ایچون ملتله استشاره اولوندقدن صوکره بونیکله اکتفا اولونمیدرق قانون ملتک نظر تصدیق و یاردینه عرض اولونیور . استشاری ره فوره ندومک - علی العموم ره فوره ندوم اصولی حقنده وارد اولان اعتراضاتدن صرف نظر - مدار مؤاخذه اولان بعض



ایدلدکجه قانون ضمنی بر قبوله اقران ایتمش بناء علیه آرای  
منتخبینه مراجعته لزوم قالمش اولور. حق منع قانونی بر نصاب  
معلوم طرفندن شرائط مصرحه دائره سنده استعمال ایدلدیکی  
تقدیرده قانون آرای عمومیه نك نظر تصدیقنه وضع اولونور  
وبوصورتله نظر تصدیقه وضع اولونان قانون اکثریت منتخبین  
طرفندن قبول ایدلدیکی تقدیرده قانونیتا کتساب ایدر. مع مافیه  
اعتراض واقع اوزرینه آرایه مراجعت حائده رأی ویرمکدن  
اجتناب ایدن انتخابچیلرک سکوتی قبول عد ایدلک اقتضایدرکه  
بو صورتله قانونک قبولی جهتی تسهیل ایدلمش و محالس  
تشریعیه نك صلاحیتی تزید اولونمش اولور.

اوجنجهسی اختیاری ره فوره ندومدر که آمریقانک بعض  
جهتلرنده مبعوثان مجلسلرینک تعقیب ایتدکلی بر اصولدر .  
بواصول موجبنجه مجلس مبعوثان یابدینی قانونی ناهالینک نظر  
تصدیقنه وضع ایدوب ایتمه مکده مختار اولور. قانونی اهمیتلی  
عد ایدوبده خود بخود آئی اکمال ایتمک جرأتی کندنده  
حس ایتمز و یا مسؤلیتدن قاچینه رق افکار عمومیه به و بناء علیه  
انتخابچیلره مراجعتی ترجیح ایدرسه او وقت اهالی بی او قانون  
حقنده اعطای رأیه دعوت ایدر. عکسی تقدیرده اهالی به  
مراجعت ایتمکسزین قانونک قانونیت و نافذیتی اعلان ایلر .  
مجالس مبعوثان بو حق اختیاره بعضاً قانوناً حائز اولدینی بر  
مأذونیه بناء ملاء اولدینی حالده بعضاً (ره فوره ندوم) ک محسناتنه

طوغریدن طوغری به حکومت و اداره به بر حصه آریلور .  
 حال بوکه پله بیسیت حکومت نیایه اصولنی تأسیسه معطوفدر .  
 فی الحقیقه پله بیسیت اوپله بر عقددرکه آنکله ملت حاکمیتنی  
 یالکز بر شیخه تفویض و توجیه و بعضاًده آتی بر قانون اساسی  
 تنظیمنه مأمور ایدر . مثلاً فرانسهده ۲ کانون اول وقعه سنده کی  
 بیاننامه اساسلرینه توفیقاً بر قانون اساسی تنظیمنه اوچنجه  
 ناپولیونک مأمور ایدلدیکنی مشعر ۲۰ ایلول ۱۸۵۲ تاریخی  
 آرای عامه قراری پله بیسیتدر . ره فهره ندوم دکلدرد . ره فهره ندومک  
 انواعی واردرد : برنجیسی مجبوری ره فهره ندومدر که هر هانسی  
 بر قانون ملت مجلسی طرفندن تنظیم اولوندقدن صوکره همه حال  
 انتخابیلر هیئتک نظر تصدیق و تصویبنه وضع اولونمق لازمدر .  
 منتخبلر او قانون لایحه سی حقمده اوت و یا خایر دیدن قانون  
 بر عقد لازم و نافذ اولماز او وقته قدر قانون بر عقد موقوفدن  
 عبارت بولونور . ایکنجیسی وه تودرکه برنجی نوعه نظراً فرقی  
 شودر : برنجیسی هم مثبت وهم منفی جهتک انتخابیلر طرفندن  
 صراحة اظهاری لزومنی کوستردیکی حالده ایکنجیسی انتخابیلرک  
 منفی جهتی صراحة بیان ایتدی اوزرینه ره فهره ندومه مراجعتی  
 تضمن ایدر . بناء علیه پارلمنتو طرفندن تنظیم ایدیلن بر لایحه  
 قانونیه نشر اولوندقدن صوکره بر مدت معینه طرفنده اهلینک  
 قانوناً مصرح اولان بر مقداری طرفندن صراحة او قانونه  
 اعتراض واقع اولدقجه یعنی وه تودینلن حق منع استعمال

اهالیدن مرکب مجالسده قبول وتنظیم ایدلیدی کوریلور ایدی .  
 دول حاضرده قانونلرک طوغری بدن طوغری به اهالیدن  
 مرکب مجالسده تنظیمی اراضینک وسعت فوق العاده سنه ونفوسک  
 کثرتنه بناءً غیر ممکندر .

ذاتاً حکومت نیاییه اصولنک اکثر ممالک متعنهده قبول  
 واختیار ایدلسی اسبابندن بری ده بودر . معافیله اوروپاده  
 بعض کوچک حکومتلر واردرکه الآن قانونلری طوغری بدن  
 طوغری به اهالی طرفندن قبول وتصدیق ایدیلور . از جمله  
 اسویجرده کی (اوری) ، (شواایچ) ، (اوتروالدهن) ناحیه لری .  
 بو کوچک حکومتلرده اهالیدن مرکب مجلس سنه نک بعض ایامنده  
 طولانیلر . قانونلری قبول ایدر . منافع عمومیسه به متعلق کافه  
 مسائل حقنده قرار اتخاذ ایدر وحکام ومأمورینی تعیین ایدر .

۷۵ ره فهره ندوم وانواعی . — آنجق عصر حاضرده طوغری بدن  
 طوغری به حکومتک بوشکل وطرزی بوجه بالا استثنائتشکیل  
 ایدر . اونک ایچون نیم نیایی برطرز اداره ذها تصور واحداث  
 ایدلشدرکه بوضورتله طوغری بدن طوغری به حکومت اصولنه  
 مهمما ممکن تقرب ایدلک ایستلمشدر . بوکا (ره فهره ندوم) دیرلر .  
 بو اصول موجینجه قانونلر پارلمنتوده مذاکره وتصویب  
 ایدیلور . آنجق اهالینک بوخصوصده رأی وموافقی استحصالی  
 وکندیلرینه مراجعت ایدلکمزین قانون قوتی اکتساب ایده مز .  
 (ره فهره ندوم) (پله بیست) دن فرقلیدر . (ره فهره ندوم) ده

قوة تشریعیه دن عبارت فرض ایتمش و امور اجرائیه و قضائیه بی صفت حاکمه و اصلیه اولان تشریعیك تابعی قیلمشدر. بناءً علیه اصل حاکمیت اولان وضع قانون بمحنده اصلا و ساطت و وکالت قبول ایتمدیکی حالده فرع صایدینی قوه اجرائیه ده هر درلو اشکالی و بناءً علیه نصب و تعیین و انتخابی قبول ایدیور و بونی طوغریدن طوغری به حکومت اصولنه مخالف صایمبور .

روسونك بوفکر و ذهابده بولنسی یالکیز نظریات علمیه سنك مقتضاسی دکل ایدی . منسوب اولدینی اسویمجره مملکتی قانتونلرنده من القديم اهلینك بلا واسطه وضع قانونه اشتراك ایتمسی و تدقیق ایتمدیکی قدیم یونان و روما اقوامنك حیات سیاسیة و تشریعیه سی دخی کندیسنه بو خصوصده خیلی افکار تلقین ایلمشدر .

طوغریدن طوغری به حکومت اصولنی تعمیق ایتمش اولان قدیم بلاد یونانیه ده بیله وظائف اداره ایله وظائف عدلیه نك قسم اعظمی مات طرفندن تعیین ایدیلن مأمورلر طرفندن یعنی بالواسطه اجرا ایدیور ایدی . روماده وظائف عدلیه نك جهت جزائیه سنك بر قسمی اوزون مدت اهالی طرفندن ایفا ایلمکده ایدی . افراد ملت ( یعنی هیئت انتخابیه ) طرفندن طوغریدن طوغری به ایفاسنه اك زیاده امکان بولنان وظیفه و وظیفه تشریعیه اولمشدر . یونان و روما بلادنده اهالی بر مجلس عمومی عقدایدر . روماده تا ( اوغوست ) و ( تیبهر ) زمانلرنده بیله بعض قانونلرک

اقتضا ايدر . آنجق بووظائفدن بري واردد كه افراد انتخابيه نك  
 بوني صورت مطلقه ده اجرا ايتلري ماده غير ممكندر . هيئت  
 انتخابيه نك بو وظيفه به تفرع ايدن كافة اموري ايضا ايتسي و بو  
 امورك متوقف اولديني سعي ودقت مهاديه ده بولونمسي مستحيلدر .  
 طوغريدن طوغري به حكومتك اك ايلري كلن مروجلرندن  
 روسوبيله صورت مطلقه ده دموقراتيق (عوام) بر حكومتك  
 يعني بالمله وظائف عموميه دولتك افراد طرفندن ايفاسنه  
 مساعد بر حكومتك غير ممكن اولديني اعتراف ايديور .  
 واكر ملائكتدن مركب بر قوم موجود فرض اولنسه بلكه  
 اووقت بر حكومت وجود بوله بيلور ايدى ديور . زيرا قواى دولتك  
 بري واردد كه مذاكره ومباحثه يي تضمن ايتك اعتباريله ايستر  
 ايستمز تجمعي ، كترتي ايجاب ايتديرير . ملك صفت تشريعيه سي  
 بويله در . فقط ديكر بر قوت واردد كه ماهيتي آنك طوغريدن  
 طوغري به افراد طرفندن استعمال اولونمسنه مانعدر . اجرا  
 و اداره به تعلق ايدن كافة خصوصات سرعتي ، وحدتي ايجاب  
 ايتديرير . تدابير اداره دن بريني اتخاذ لازم كلديكي زمان مستعجلت  
 و ضرورت حال و موقع انتخابچيلرك اجتماعه دعوتيله بالذات او  
 تدبيرك مقتضاسي اجرا ايتلريه قطعياً مانعدر و بوكا عقلاً  
 و ماده امکان يوقدر .

ذاتاً طوغريدن طوغري به حكومت شكلنك مروج شهري  
 روسو بو جهتي تقدير ايتديكي ايچون حاكميت مليه يي يالكر

ایسته بوندن طولایی هیئت منتخبه بالضرور ملتک عادتاً  
 عینی صاییلور ویوقاریده بیان ایتدیگمز وجهله - فرانسر  
 نظریه سی موجینجه - ملت حاکمیتک صاحب و مالکی اولدیغندن  
 ملت دیمک اولان منتخبه کرده حاکمیت مذکوره به مالک و بونی  
 استعماله قادر در فرض اولنور لر .  
 بو مقدمه دن صواکره ملتک حاکمیتی نه یوله اظهار ،  
 تعبیر دیگرله حکومتی نه صورتله اجرا ایده جکی حقننده ایکی  
 اصول تخیل اولنه بیلیر . یا انتخابچیلر و وظائف مختلفه دواتی  
 کندیلری ایفا ایده رک طوغریدن طوغری به اجرای حکومت  
 ایدر لر که بو طرز اداره به « طوغریدن طوغری به حکومت »  
 دیورز و یا خود بالعکس منتخبیلر هیئت بر شخصی  
 و یا اشخاص متعدده نی و یا اشخاصدن مرکب بر هیئت و یا هیئات  
 متعدده نی تعیین و انتخاب ایلیرک آنلری کنسیدی و کیملری ،  
 تمثاللری عد ایدر یعنی بو و کیلرک ، بو تمثالرک آرزوسی  
 هیئت منتخبه نك دها طوغریسی ملتک آرزوسی فرض اولنور .  
 بو ایکنیچی طرز حکومته نیایه « دینلیر ( Gouvernement  
 réprésentatif ) .

۷۴ طوغریدن طوغری به حکومت و قوای ثلثة دوت . -  
 طوغریدن طوغری به حکومتی صورت مطلقه ده و معنای تامیله  
 تلقی ایدر سه ک هیئت منتخبه نك وظائف و قوای دواتی یعنی وظیفه  
 تشریعیه ، وظیفه اجراییه و وظائف عدلیه نی بالذات اجرا ایتسی ،

## طوغریدن طوغری به حکومت

۷۳ انتخابجیلر عینی ملت صاییلور . — وجود دولتک آرزو  
ومرانی اظهار ایده جک واسطه ملتدر . ایسته ملتک حاکمیت مالکیتی  
شو حیثیتله در . آنجق بر ملتک کافه افرادینک اراده ملیه به  
اشترک ایتسی ماده مستحیلدر . حاکمیت ملیه قاعده سنک  
بهمه حال بالجمله افراد طرفندن بو حاکمیت اشتراکی تضمن  
ایتمه دیکر انتخاب بمخنده تفصیل ایدلدی . هر مملکتک اراده سنی  
اظهاره اکثریاده اهل و صالح اولانلرک کیملر اولدیغنی ونه کبی  
شرائطی حائز اولملری ایجاب ایده جکنی تعیین ایدر . بو  
شرائطی حائز اولانلرک هیئت مجموعه سنه انتخابجیلر هیئتی  
دینلدیکنی اولجه ایضاح ایتدک . ایسته بو انتخابجیلردن مرکب  
هیئت ، ملتک صفت وکالتنی حائز بر مجلس کی دکلدر . بالعکس  
ملتک عینی صاییلر . اگر باشقه درلو تملق ممکن اولسه ایدی  
انتخاب وظیفه سنی ایفا ایدن افرادک ملتدن انفکاک قبول ایده جک  
بر موجودیت مستقله به مالک اولملری وملتک اراده سنی باشقه  
بر واسطه ایله اظهاره طریق وچاره بوله بیلمسی اقتضای ایدر  
ایدی . حال بوکه بوکا امکان یوقدر . پارلمنتویه کلنجه او بالعکس  
بر صفت تمثالی و نیابتی حائزدر . تعیر دیکرله ملت پارلمنتودن  
غیری بر واسطه ایله ده اراده سنی اظهاره مقتدردر . ملت ایسه  
انتخابجیلردن باشقه بر واسطه ایله آرزوسنی کوستره مز .

تعقیب ایدیلن دستورك خلاصه سی شودر : بر شخص حقوقی كرك حقوق جدیده احداث و كرك حقوقی موقع فمله وضع ایچون بر آرزو ارادهیه مالك اولمیدر . آرزو و اراده اولیان یرده بالفعل حقوق موجود و متصور دكلدر . امدی آرزو و اراده حقیقیه آنجق انسانلرده ، اشخاصده واردر . شو حالده اشخاص حقوقیه نك (یعنی اشخاص مشترکه و معنویه نك) اراده و آرزوسی اظهار ایدمك ینسه انسانلردر بو جهت تحقق ایدنجه اورغان انساندن بشقه بر شی دكلدر . انسان شخص حقوقینك اراده-نه خارجاً ترجمان اولور . بناءً علیه دولتی بر انسان فرض ایدرسك وسائط اجراییه حكومت او انسانك اعضا و جوارحی فرضا لسانی ، آغزی ، قولی ، مٹابه سنده در . شو حالده اورغان فرضا ملت مجلسی ، ملت و کیلی شخص دولتك بر تمثالی اوله بیلور . فقط و کیلی اوله ماز . وكالت ایکی شخصك موكل ایله و کیلك وجودینی تضمن ایتدیکی حالده اورغان بو ائینیتیه احتیاج حس ایتدیرمز . بالعكس و حدتی ، یالکمز بر شخصی ، اعضاسی واسطه سیله ایفای وظیفه ایدن بر شخص حقوقی نی تضمن ایدر . بوراده موكل وکیل شخصی واحدر ، جسم واحده تجمع ایتشدر . انفكاك قبول ایتمز . بناءً علیه حاکمیتك ترك و فراغ قبول ایتیه چکی اعتراضیه وارد اولماز .



آیری برشی صایله ماز. بالاده کی نظریه ده ایسه بتون قوتی منبع  
 ملتن اقباس ای دیورز و ب صورتله دولت آیری ملت آیری  
 ایش کی بر فکر حاصل اولیور. دیگر طرفدن روسونک  
 تا ۱۸ نجی عصرده نیابت اصولی حقنده سرد و اتیان ایتدیکی  
 اعتراض آلآن حکم و قوتی غائب ایتمه مشدر. یعنی حا کیمت  
 ملیه وکالت قبول ایدر دیمک بو حا کیمتک دور و فراغ قبول  
 ایده بیله جکنی تصدیق دیمکدر. حال بوکه حا کیمت قابل ترک  
 و فراغ دکلدرد. باخصوص انتخابات اولوب بیتدکن صوکره آرتق  
 حا کیمت ملیه موجود دکلدرد. او حا کیمت تماماً مبعوثانه انتقال  
 ایتمشدر. بو ایسه حا کیمتک ترک و فراغی معناسدن بشقه بر  
 شی تضمن ایتمز. شو تقدیرده حا کیمت تفویض اولمش، فقط  
 ترک اولنماش زیرامبعوثانک دوره انتخابیه سی طرفنده بو حا کیمت  
 ینه بالقوه ملتده موجوددر دیمک سفسطه در. زیرا اکر دوره  
 اجتماعیه مبعوثان طرفنده ملت حا کیمته مالک اولمش اولسه  
 مجلس مبعوثانک یابدقارینی تصدیق و یا فسخ دخی ایده بیلور.  
 حالبوکه بونی یاپه میور. بناءً علیه حا کیمتی یوقدر.  
 ایسته بو اعتراضاتی دفع ایتمک ایچون آلمان مؤلفر یله  
 بعض فرانسز مؤلفری اولجه دخی بر نبذه بحث ایتدیکمز  
 دولت بر شخص معنوی و حقوقیدر (Personne juridique)  
 نظریاتی وضع ایتمشدردر. موسیو کیرکه اساساً عموم اشخاص  
 معنویه حقنده وضع ایش اولدیغی نظریه بی دولته دخی تماماً  
 تشمیل ایتمز..

ایجابانه کوره ملتک وکلاسی دیمک اولان بر هیئت ویا هیأت متعدده و اشخاص بولنه بیلور. [ زیرا بعضاً حکمدار و یارئیس جمهور ملت طرفندن بالانتخاب تعیین ایدیلور ] ایشه بو صورتله انتخاب اولسان نواب و یانائب. حکومت [ کوردیکمز و جهله حکمدار دخی اوله بیلور ] طرفندن اظهار ایدیلن آرزو و اراده ملتک عینی آرزو و اراده سی صاییلور . ( ۳ ) صنف نیابتی حائز اولمیان مأمورلر واردرکه بونرک امر و اراده لری فعلاً و حقوقاً کنیدیلرینکدر شو شرطه که قانوناً کنیدیلرینه تعیین ایدیلن صلاحیت حدودنده و قانونک تعقیب ایتدیکی مقصد دائره سنده حرکت ایتسونلر . فرانسه نك الك صوك قانون اساسیسنده ( ۱۸۷۵ ) وکالت و نیابته متعلق نظریه درج اولونمش دکدر . مع مافیه فرانسه حقوق سیاسیسنک الك مهم تمنی بوقاعده تشکیل ایتدیکی قابل انکار دکدر . باخصوص دیگر قوانین اساسیهده صراحهً ملغا اولمیان احکام یکی قانون اساسی موجبجه جاری عد ایدمک ایجاب ایدر .

۷۲ آلمان نظریه سی . — وسائط دوات دیه بو سرنامهیه درج ایتدیکمزم بو فرانسمز ( اورغان ) نظریاتی بالخاصه آلمان مؤلفینی طرفندن اعتراضاتی دعوتدن خالی اولمامشدر . بو قاعده نك برنجی تصوری وحدت اساسنه مبتنی اولمق لازم کلن دولت نظریه سنده بر اثبیت حصوله کتیرمسیدر . زیرا دولت بر شخص واحد حقوقی و معنوی اولدیغندن ملت اوندن

آنچق صورت عموميه ده اظهار ايده بيليرلر . بوتفريقك اهميت مخصوصه ايله تعييني و حریت شخصيه نك قوت و قدرت فوق العاد دولته قارشو صياتي الزمدر . في الحقيقه اكر نواب و مبعوثان عموميتدن چيقه رق خصوصيت دائره سنده كي او امر و افعاله كيريشيرلر ، مناسبات شخصيه ده قاريشيرلر ايسه معاملات كيفه لرينه قارشو هر درلو تا مينات زائل اولور . زيرا مبعوثانه قارشو بر طريق بولونسه دخی بو طريق نهايت ينه كند بيلرينه منتهی اولور . زيرا ملتك درجه اخيره ده آرزوسي ، حاكميتي اونلرك شخصنده تجسم و تمثل ايتمشدر . بو صورتله مبعوثانك حقسزلق و تجاوزينه اوغرايان اين المقر ديمك مجبوريتنده قالير . بناء عليه آنلرك وظيفه سي قاعده عموميه وضع ايتمكه ، مادياته كيرمك ، حاصلی قانون وضع ايتمكه منحصر قالميدر . مأمورلر بالعكس تحت مراقبه و تفتيشده بولوند قلرندن شخص بونلرك حرکات كيفه لرينه قارشو محافظه نفس ايده بيلور . بناء عليه مأمورلره افعال شخصيه ده بولملري صلاحيتي بخش اولنه بيلور . فقط بو صلاحيت پك صيقي تحديده تابع بولنمليدر .

بالاده كي تفصيلاتك خلاصه سندن مستبان اوليور كه دولت اورغانلري حقنده كي فرنسر نظريه سي باشلوجه اوچ اساسه ارجاع اولنه بيلور :

( ۱ ) ملتك آرزو و اداره سني اظهار ايتمك اوزره حاكميت مليه نك بر تملي واردر كه بوكا هيئت اتحاييه ديدك ( ۲ ) زمانك

ینه او وقتک افکارینه نظرأ مبعوثلر ملتی دکل ملتک قواسنی دخی تمثیل ایدرک ملته مضاف بر قوه تمثیلیه اجرا ایدرلر . بنسأ علیه قوتلری ملتک قونته مساویدر . حال بوکه مأمورلر یالکز عهده لرینه تودیع ایدیلن قوایی اجرا ایدر و صلاحیتلری بر صلاحیت تالیه در .

۱۷۹۲ قانوننده عینی افکار در میان ایدلش اولدیغی کی ۱۸۴۸ قانون اساسیسنک ۲۰ نجی ماده سنده « فرانسه اهالیسی قوه تشریه سنی بر مجلسه تفویض ایدر » و ۴۳ نجی ماده سنده فرانسه اهالیسی قوه اجرائیه سنی کندی افرادندن رئیس جمهور عنوانی اخذ ایدن بر ذاته تفویض ایدر « دنیله رک ینه نیات و تمثیل قاعده سی قبول ایدلشدر .

۷۱ تفریقده فائده . — مأمورلرله نوابک تفریقی نظریات حاضره نك مفتاحی مقامنده اولدیغنی سویلش ایدک . مع مافیه بونک نظریاتجه بعض نواقصی اولدیغنی ده احساس ایتمش ایدک . بو تفریقده کی نقصان الک زیاده اجرا آت و معاملات فعلیه نك تقسیم و توزیعنده مشهود اولیور .

فرضا ۱۷۹۱ قانون اساسیسنده کی الفاظی معنای حقیقیلریله قبول ایتمسه ک مأمور قسمنک افعال مادیه اجرائیه دن باشقه برشی یاپه مدقلری استدلال اولونق ایجاب ایدر . حال بوکه بو طوغری دکل . ایشک طوغریسی شودر که مأمورلر آنجق نواب طرفندن صورت عمومیه ده تعیین ایدیلن حدود داخلنده آرزوی شخصیلرینه تابعدرلر . یوقسه آت جامده حکمنده دکلدرلر ؛ شخصیتلری نك ده بر میدانی واردر . بو قاعده نك عکسکی قضیه سی ده نواب و مبعوثان حقننده صادقدر . یعنی نواب و مبعوثان ده آرزو و اراده لرینی

عموميه ده اراده سنی قانون شکننده تنظیم ایدر . مأمورک امر واراده سی ملتک امر واراده سی اولمدیفندن ، صرف بر امر اجرائی بولوندیغندن بالطبع تحت مراقبه وترصده بولونور . فقط مأمورلری یالکز ملت مجلسی تحت تفتیشده بولندیرماز . مافوقلری ده عین صلاحیتی حازدرلر وسلسله مراتب قاعده سی ایشته بو اساسدن تشعب ایدر .

بالاده کی تفریق بر چوق قانون اساسیلر ده درج ایدلمشدر . قانون اساسی عثمانیه نظریات جهتی او رتبه نظر اعتباره التمدیفندن بالاده کی تفریق حقنده بر صراحت یوقدر . فقط فرانسه تک مختلف قانون اساسیلر نه بو جهتله صور مختلفه ده تصریح اولمشدر (۱۷۹۱) قانون اساسیسنده « بالجمله توانک مصدری اولان ملت قوای مذکورہ فی آنجق تفویض ( Délégation ) وتوکیل صورتیله ایفا ایدہ بیلور » دہ محرردر . ینہ بو قانون اساسیده « فرانسه قانون اساسیسی نیایدر ونواب هیئت تشریعیہ ( Corps législatif ) ایله قرالدر » عبارہ سی مندرجدر . قانون مذکورک دیگر ماده سنده « اداره مأمورلرینک هیچ بر صفت وکالت وتمثیلیہ سی یوقدر . بونلر اهالی طرفندن قرالک نفوذ ونظارتی آلتندہ اوله رق وظائف اداره اجرایی ضمنندہ موقتاً انتخاب وتعیین اولمشدر » دینلمشدر . بوماده ده قوه عدلیه دن ، مأمورین عدلیه دن بحث اولونمیور بوده بر حکمتہ بناءدر . زیرا بعض ارباب حقوقه کوره حکامده دخی بر صفت تمثیلیہ وکالت واردر . ۱۷۹۱ ، قانون اساسیسنده بو جهت تصریح بیله اولومشدر . او وقتکی واضع قانونلر نظرندہ وکیل ملت ایله مأمور اره سنندہ کی فرق شودر : ممثل وکیل ملت ایچون آرزو واراده اظهارنه مأمور ایسه یالکز ملت ایچون ایش کورمکه مکلفدر .

نه نبی اوصافی ، ناصل بر قوتی حائز ایسه وکیل ویا  
وکیلرک آرزو و اراده سی ده عینی اوصاف و قوتی حائز در .  
شو تقدیر چه وکلا و نوایک سوزلری ، فعللری اضافیدر و ملته  
مضافدر . امر ونهی ایتدکلری شی ملتک امر ونهییدر .

مبعوثلرک آرزوسی ملتک آرزوسی عد اولندیغندن بونک  
نتیجه منطقیه سی شودر : مبعوثلرک ملته عطفاً واقع اولان  
اوامر و اراده لری تحت تفتیش و مراقبه یه کیره مز ؛ زیرا  
حاکمیت ملیه نك مافوقی یوقدر .

۷۰ مأمورلر — مأمورلره ( agents ) کلهجه بونلر  
بالعکس وکلای ملتک نفوذ و تفتیشنه تابعدرلر هیچ بر صفت  
نیابت و تمثیللری یوقدر . بناء علیه اظهار ایتدکلری اراده ملتک  
اراده سی دکلدر . مع مافیله مأمورک یالکزر افعال و اجراآت  
مادیه ده بولندقلرینی قصد ایتیمورز . بونلر دخی اوامروارادات  
اعطا ایده بیلورلر . فقط بو صلاحیتلری مطلق دکل بر حدود  
ایله معیندر . مبعوثان طرفندن ویریلن عمومی بر امرک درجه  
وسعتنه کوره اولرده صر بستیلرینی اکتساب ایدرلر . زیرا  
ملت مجلسنک امری یعنی تنظیم ایلدیکی قانون عمومیدر  
وتکراری متضمندر . بعض افعال و حرکات تکرر ایتدکجه  
اوامردن تکرر ایتمش صاییلور .

بناء علیه او حال و حرکتک تکرری آننده تکرار ملت  
مجلسندن استیدانه حاجت قالماز . مجلس بر دفعه ده ، صورت

و همان هر مملکتده نواب و مبعوثان اصولی قبول اولونمشدر ، شو تقدیرده نواب ملت و مأمورین ملت آرهنسده نه کبی فرقلر بولوندیغنی تعیین ایتمکده اقتضا ایدیور . بو تفریق کرك نظریاتجه ، کرك تطبیقاتجه اهمیت مخصوصه سی واردر . نظریاتجه اهمیتی واردر ؛ زیرا حقایق نظریه یه خیلی یاقلاشمشدر . تطبیقاتجه اهمیتی واردر ؛ زیرا الکزفرانسه ده دکال همان بالجله ممالکده بو تعامل قبول اولونمش ، نیابت و مبعوثلق اصولی ، شروطیتک مفتاحی حکمنه کیرمشدر .

۶۹ نواب. — نواب ( Réprésentants ) [ وکلای ملت و مبعوثان ] ملت نامنه امر و اراده ایدنلردر و آرزو و اراده لری صانکه طوغریدن طوغری یه ملت طرفندن ویرلمشدر . نیابت فکری وکالت قاعده سنه استناد ایدر . ملت هیئت انتخابیه سی واسطه سیله آرزو و اراده سنی اظهار ایدر . صانکه ملت برانسان ، هیئت انتخابیه ده او انسانک آغزی . . . فقط هیئت انتخابیه بو اصولده طوغریدن طوغری یه حاکمیتی اجرا ایتمز ، برویا متعدد وکیللری بولنور . وکیللره کلنجه بونلر واقعاً بر آرزو و اراده اظهار ایتدکلوری تقدیرده آرزو و اراده کنیدیلرینکدر . کندی دماغلری ، علملری ، مفکره لری محصولیدر ، فعلاً بویله در فقط حقوقجه ، نظریات حقوقیه جه ملتک اراده و آرزوسی کبی عد اولونمق ضروریدر . [ وکالت عادیده اولدیغنی کبی ] بناء علیه ملتک آرزوسی ، اراده سی

و هیئت منتخبه نامیه یاد ایدیلور لر . « منتخبه » دینلمسی اکثر  
 ممالکده نواب ملتی ، مبعوثان ملتی انتخاب ایتدکلرندندر .  
 یوقسه بعضاً مبعوث انتخاب ایتدن طوغریدن طوغری به اجرای  
 حکومت ایدر لر که ، طوغریدن طوغری به حکومت بختنده ، بونی  
 ایضاح وتفصیل ایده جکز . هیئت منتخبه به کلنجه بونک ساحه سی  
 آز چوق کنیش اوله بیلور رای اعطاسنه صلاحیتدار اولانلر  
 بعضاً بر سن معینه واصل اولمش کافه اشخاص اوله بیلور لر .  
 بضاً بو اشخاصک عددی قصر و تحدید ایدیلور . فقطینه اساس  
 دیکشمز منتخبلر بالضروره عین ملت فرض اولنور . بو ایلك  
 منتخبلره ( Organe direct suprême ) یعنی دولتک اک برنجی  
 واسطه نظامی ، ایلك اورغانی ، تملی دیه بیلیرز . بعضاً ملت ، ده  
 طوغریسی ایلك هیئت منتخبه ملت حاکمیت ملیه سنی بالذات  
 کندی اجرا ایدر . اووقت بلاواسطه اجرای حکومت اصولی  
 جاری اولور و بو تقدیرده نواب و مبعوثان دینیلن واسطه به  
 محل قلماز و ژان ژاق و سونک دیدیکی کبی یالکز مأمور لر  
 موجود اولور . ملت یعنی هیئت منتخبه طوغریدن طوغری به  
 اظهار ایتدیکی آرزو و اراداتک اجراسنی تأمین ایتدیرمک ایچین  
 مأمور لر تعیین ایدر . بو مأمور لر مبعوث کبی ملت نامنه بیان  
 رای ایتز بلکه یالکز ملتک اوامرینی اجرا ایدر لر . هیچ  
 بر صفت تشریحیه لری اولماز یالکز آلت اجراییه دن عبارت  
 قالیرنر . فقط بواسول باخصوص زمانمزه استثناء و تعدیلاً جاریدر



مناسبات شخصيه و حقوقيه همچون وجوده کلمه احکامدر . فقط بونلر مناسبات عموميه و سياسيه عطف و تشميل اولونمشدر . بو تشميل کيفيتي ضروره و استثناء در . اشاعيده ويره جگمز تفصيلاتدن مستبان اوله جنی وجهله بو وکالت مناسبات خصوصيه جاري اولان وکالتک احکامندن بک چوق جهتلرجه فرقليدر . مع مافيه بز بو فرانسز نظريه سنی ايضاح ايچون اول امرده شو وکالتک بر وکالت صحيحه اولديغنی فرض ايله اوکا کوره محاکمه منزی يوروده لم : مؤکل به ، توکيل اولنان شی بوراده حا کيتدر . اساساً حا کيت دولته ايسه بوراده بو يولی طومغه امکان اولمديغندن حا کيتي يالکمز تفکر و اراده يه صالح اولان ملتده فرض ايدم جگمز . ايشته بو صورته وکالتک منبهي ، استناد کا هي ملت اوليور . توکيل ايدن ملت اوليور فقط ملت بو وکالتی فصل ويرير؟ وکيل ايتک آرزو و اراده سنی - چونکه حا کيت حکمی ، حکم و امر اراده بی تضمن ايدر - نه بولده اظهار ايدر ؟ ..

۶۸ دولتک برنجی واسطه سی هیئت انتخابیه سيدر . — انتخاب بختمده مفصلاً ايضاح ايتديکمز وجهله بو توکيل صلاحيتی بالضروره بتون افراد ملته اعطا اولنه ماز و آنجق اوصاف و شرائطی تعيين ايدیلن محدود کيمسه لرك مؤکل اوله بيله جکلری تقرر ايدر . ايشته بو انتخاب صلاحيته مالک اولانلر ملت نامنه حرکت ايدنلر در . بونلر حا کيت مليه نك تملتی تشکيل ايدر .

## وسائط دولت حقنده نظريات

۶۷ وکالت و تمثيل — دولتک بر شخص معنوی و حقوقی اولدینی تسلیم و بو شخص حقوقی و معنویک اراده و فعالیتینی اظهاره واسطه اولان اورغانلرک [ اعضاء بدنيه قیاساً اورغان دییورز که بونی واسطه ديه تفسیر ایتمکدن باشقه چاره بوله مدق ] اشخاص و یا اشخاصدن مرکب هیأت اولدق قلمری تصدیق ایدلدکدن صوکره شو سوال وارد خاطر اولیور : دولت ایله بالادهکی وسائطی ( اورغان ) ارسنده ، تغییر دیکرله دولت ایله فعالیت و ادارسینی اظهار ایدن اشخاص ارسندهکی مناسبات حقوقیه نهدن عبارتدر ؟

بوکا دایر فرانسه حقوق اساسیه سنه بر عصری متجاوز زماندنبری اجرای تاثیر ایدن بر نظریه واردرکه بر وجه آتی تشریحی فائده دن خالی دکدر . بو نظریه نک اساسی وکالت و تمثيل اوزرینه مؤسسدر . ( Mandat et Représentation )

فی الحقیقه وسائط دولتی تشکیل ایدن اشخاص بر طاقم حقوق و وظائف اجرا ایدیوررکه بو حقوق و وظائفک اصل مالکی دکدر لر . و بو حقوقک مالک اصلیلری نامنه حرکت ایدر لر یعنی دیکر لرینک نامنه حرکت ایدنلرک معامله سی دیکر لرینه مضاف اولیور و کویا که او دیکر لری طوغریدن طوغرییه او فعلی اجرا ایدیور لر . وکالت و تمثيل اساساً

كافه قوانین جبر و تضییقتك صور و وسائط استعمالنی و كیملر طرفندن استعمال ایديله جگنی لایقیله تعیین ایتلیدر .

حکومتك مسئولیتی . — قانونه مخالفت صورتيله واقع اولان بر معامله جبر و شدت بالطبع کائن لم یکن حکمنده در .

بونکله برابر تولید ایده جکی ضررک ماهیتنه نظرأ جزایی و یا مسئولیتی دعوت ایتکدن خالی قالماز . مأمور عائدی طرفندن پایلان معامله جبر و شدت قانونه مخالف اولدیغی تقدیرده مأمور ایچون درجه سنه کوره جزایی، مسئولیتی تضمن ایدر . فقط مأمورک بعضاً کندی شخصی دکل حکومت مسئول اولور . بو صورتله مسئول بلال نظریه سی چیقار .

شرکتلرده جاری اولان بواصول دولترده تشمیل اولنه بیلور . دولترلرده شرکتلر کبی بر شخص معنوی اولدقلرندن مأمورلرینک بعض احوال و حرکاتندن مالاً مسئول طوتیلورلر . مع مافیه دولتک و دولت مأمورلرینک هر درلو حرکاتی مسئولیتی دعوت ایتز . بر قانونک نشر و تطبیقندن ، بر معاهده نك عقد و امضاسندن ، قانون دائره سننده ویریلان بر حکم و اعلامک اجراسندن مسئولیت مالیه تولد ایده مز . باخصوص اعلاماتک قضیه محکمه تشکیل ایتسی اوزرینه مسئولیت قیوسی مسدود قالیر . فقط اعاده محاکمه شرائطی حاصل اولورده تکرار محاکمه به ابتدار و محکوم بر ایتسی استحصال ایدرایسه فرانسه نك صوک قانونی موجبنجه ، مغدوره تضمینات ویریلور . بو تضمیناتی دولت ویرر . یوقسه حاکم تسویه ایتز . چونکه اولکی محکومیت طوغری ظن ایدلش ، منافع اجتماعیه ایچون واقع اولش ایدی . بناء علیه ضررک تضمینتی جمعیت درعهده ایتلیدر . امور ادارهده مأمورک خطاسندن دکل بلکه وظیفه نك ایجابندن اوله رق واقع اولان خساری دولت تضمین ایدر . [ دولتک مسئولیتی بحثه مراجعت ]

الحاصل دولتک مسئولیت مالیه سی مطلق دکلدر . ایجاب حاله کور تفریق مله ایدلک ایجاب ایدر .

( ۲ ) حکومت طرفندن استعمال ایدیلن وسائط یعنی  
 مأمورین آنجق قانونک وقانونه تابع حکومتک امرینه خادم  
 اولمیدر . بوایکنجی شرطه هیئت عسکریه دخی داخلدر اردو  
 دولتک سیاستنه تابعدر . یوقسه سیاست عمومیه دولت اردویه  
 دکل .. رومادهکی پره توریهن عسکرلری ، عباسیلردهکی عساکر  
 اترک ، روسیهدهکی سترلیسج وباخصوص بزدهکی یکیکچری عسکری  
 ایشته بو قاعدهیه مخالف حرکت ایتدکلری ایچون حیات دولتی  
 تهلکیه القا ایلشردر . اصول حاضره قطعاً بوکا مساعدکلدر .  
 اردونک وظیفهسی دولتک قوتی صوک درجهیه قدر انکشاف  
 ایتدیرمکدن بشقه بر شی دکلدر و هر حالده بو وظیفه بر  
 وظیفه اجرادر . اجرا ایسه دائماً امره تابعدر و بو حیثیتیه  
 اصلک خلفیدر وایکنجی درجهده حائز اهمیتدر . تعقیب اولنه جق  
 سیاست ومقصدی ارئه وتعیین ایلک ، بو مقصدی استحصال  
 ایچون وسائط صاحبورانه می ، وسائط شدیدهمی استعمال  
 اولنه جقدر ؟ بو جهتلری انتخاب ایتک قوه سیاسیهیه ، تعبیر  
 دیکرله هیئت ملکیهیه عائددر :

(Suprémalie du pouvoir civil sur le pouvoir militaire)

قوه ملکیه نك قوه عسکریهیه فائقیتی ایشته بو دیمکدر .  
 قوه ملکیه متفکر اولان دماغ ، قوه عسکریه ایسه او متفکر  
 دماغک قبضه سنده کی سیفدر الحاصل حریت شخصیه بی تأمینه معطوف

استعمال ايتديكى وسائط ماديه يه كلنججه؛ اونلرده اقتصادى وجبرى اولمق اوزره ايكيه آريلور. حكومت وير كو طرح ايدر، املا كمندن واردات آلير، بونلرى صرف ايدر، احتياجات عموميه سى اچون استقراض عقد ايدر . بونلر وسائط ماليه سيدر . كذلك حكومت تجارتي ، معاملات اخذ واعطايي امور مهمه نافع و جوده كتيره رك تسهيل ايدر. بول، شمندوفر، تلغراف، پوسته، بورسه وسائره وجوده كتيرر بونلرده نفى عام اولان وسائط اقتصاديه دندر . حكومت بالاده تعداد ايتديكمز وسائطك هيچ بريله امرينى تنفيذ ايده مزسه او وقت وسائط ماديه وجبريه يه مراجعت ايدر . واوقت قوتى كوسترر . بوقوت اوج صورتله تظاهر ايدر : ( ۱ ) محاكم جزائيه ( ۲ ) ضابطه ( ۳ ) عسكر . . ضابطه وعدليه اك زياده امور داخله يه ، عسكر ايسه مناسبات خارجيه يه تعلق ايدر . حقوق جزائيه قوتك مجرم وجاني يه نظر آ صورت استعمالنى ، حقوق ضابطه قوتك مأمورين طرفندن نه يولده تطبيق ايتديكنى وحقوق دولده قوتك مناسبات دوليه يه صورت تأثيرنى كوسترر . دولت امر و نفوذنى ژاندارم لرى ، پوليس لرى ، حبس خانه لرى واسطه سيله وبونلره موفق اوله . دينى تقديرده صوك قوت وغيرتى اردوسى ايله اظهار ايدر . مع مافيه شكل اجرا نه اولورسه اولسون شوايكي مهم شرطه زعايت لازمدر :

( ۱ ) استعمال قوت حق وقانون ايله تنظيم ايتلميدر . .

سرپرست بر مملکتده ایسه قوانینه همان عمومیتله اطاعت ایدیلور،  
 اطاعت شرطیه حکومتک امرینی تنقید و مؤاخذه جائزدر .  
 مع مافیہ بعض احوال واردرکه تنقیده میدان اولماز . فرضا  
 بر انضباط مأمورینک ژاندارمهیه ، برضابطک برنفره ویردیکی  
 امر تنقید و تدقیق قبول ایده منر . مع مافیہ بورادهده ماکنه کی  
 اطاعتله انسان کی اطاعت آرهسنده بر فرق واردر . برنفر  
 شرف عسکریمنی ، حس وطنپروریمنی ، تعقیب ایتدیکی غایه  
 امی بیلمکله برابر علی العمیا اطاعت وکوکسنی بی پروا دشمنک  
 قورشونلرینه هدف قیلار ایسه البته قهرمانانغی دوبالا اولور .  
 خاصه تفکر دن محروم بر اردو مذبحیه کیدر کی میدان قتاله  
 طوغری هیچ شکوا ایتمکسزین کیده بیلور . فقط شرفی هیچ  
 بر زمان برنجیسنک درجهسنه واصل اوله ماز . برده اطاعت  
 اضطرارینه نک قیمتی بویوک، معنوی وحسی بحرانلر اثناسنده  
 تزلزل عظیمه اوغرار . حسیات وطنیه یباجی بر اسیر کی  
 اولان عسکرک اوزرندن قیرباجی ، قورقوی قالدیریکنز ،  
 ایلک فرصتده سزی استیلای اعدایه معروض قیلار . حر آدم  
 ایسه ویره جکی اک معزز شیئی اختیاریه ویرر .

حکومتک وسائط معنویه نفوذی میاننه مکتبلری، جمعیات  
 عالیہنی (اقاده میلری)، موزه خانهلری وسائر بوقیلدن مؤسسہ-  
 لزی ده ادخال ایتک اقتضا ایدر .

۶۶. وسائط مادیه . — حکومتک تبه سنه تنفیذ مرام ایچون

واراده سیدر . ثانیاً : اوامر و نظامات حکومت که بوده حدود  
 مشروطه داخلند . بعض احوال مخصوصه و منافع عمومی به  
 خادمدر او چنجیسی جزائی عادی ، اداری اعلامات محاکم ...  
 اشبو اوچ مختلف لسان ایله صادر اولان اوامرک بعضاً  
 بالکنز ایرادی مسـموع اولمی ایچون کفایت ایدر . بوده  
 متضمن اولدقلری قوه معنویه نك ثمره سیدر . بر قانونه تبعیت  
 ایتدیرمک ایچون دائماً جبر استعمال اولنماز و جبر استعمال  
 اولندجه قوت بر قوه معنویه دن عبارتدر . آنجق بو انواع  
 ثلثه اوامرک ضمننده مستمر تهید و اجبار واردر .  
 بو تهیدک هر وقت فعلاً ایقاعنه حاجت یوقدر حکومته  
 اطاعت واجبدر . فقط بو اطاعت هیچ بر زمان اسیرانه و کوری  
 کورینه اولماملی ، اختیاری اولمیدر . اداره ایدیلن اشخاص  
 هیچ بر زمان زمامداران امورک یدنده بور آلت جامده  
 دکلدرلر . آمرلر ایله مأمورلرک ماهیت و فطرتی بردر . حر  
 اولان تبعه ماده ، معنأ اسیردن زنکیندر و ایشی دها ایدر .  
 حریت قوای ماده و معنویه نك انکشافنی تأمین ایدر . خوف  
 ایسه بو استعداد انکشافنی زنجیر بند ایدر . ملت بر قانونی  
 طوع و اختیار ایله قبول ایدر سه او قانونه جبراً قبول ایتدیرمک  
 ایستیلن دیگر قانوندن دها ای اطاعت ایدر . بر حکومت  
 مستبده نك قوانینی همان دائماً فعلاً معدوم الحکمدر . لفظی  
 اولور ، معنایی بولنماز . شکلی اولور مدلولی تطبیق اولنماز .

۶۵ حکومتك وسائط معنويه وماديه سی. — حکومتك قوتی ایله ملتك قوتی بر بریله متناقص دكل هم آهنك اولملری ایجاب ایده جکی شو صورتله ایضاح اولندقدن صوکره حکومتك اوامرینی ، قوتی تنفیذ ایچون نه کی وسائط استعمال ایده بیله دیکنی تدقیق ایده لم :

حکومتك وسائطی ؟ وسائط ماده و معنویه در . وسائط معنویه بر نفوذ و تفوق معنوی بی تضمن ایدر فقط دولتك نفوذ معنویسی ایله دیگر نفوذ معنویلر ، فرضاً دینك ، فنك ، صنعتك حکمتك نفوذلری ارسنده بر فرق واردر . دولتك نفوذ معنویسی لدی الایجاب بر تضییق خارجی ایله مسلحدر . دیگر نفوذ معنویلرک ایسه سلاحلری یوقدر . دین وجدانه ، ایمانه خطاب ایدر ، اعتقاده تعلق ایدر فن بالخاصه فکر و تجربه ایستناد ایدر ، صنعتکار ذوق سلیمه ، حسن طبعه مراجعت ایدر . بونلر امرلرینك کمال سربستی ایله تدقیق اولمسنه جواز ویرر و نهایت اضطراری دكل اختیاری بر مطاوعت ایستلر . دولتك نفوذ معنویسی ده ایلرو آیلور ، اطاعتك اختیاری دكل اضطراری اولمسنده ایستر . ویردیکی اوامرك بالکمز نظری اوله رق موقع تذکره وضعه مساعدده ایدر . فقط فعلاً بر مقاومت ویا امتناعه اصلاً تحمل ایده من . ایشته بو نفوذ معنوینك ترجمانی شونلدر : اولاً ؛ قانون که هیئت تشریعیه نك یعنی حکمدار ایله مجالس عمومیه نك امر



بناءً عليه ملتی حکومتک رقیبی عدایت ممکن ایسه ایکیسینی هم  
آهنک قیلمق وهر ایکی قوتی متوازیاً توسیع ایتمک حکیم  
ومدبر ارباب سیاستک تعقیب ایده جگه لری مسلك مستقیم اولور.

حکومتک قوه مالییه سی ، ثروتی خزینه ده کی نقود مدخره مک قباریق  
بریكون تشکیب ایتمی افرادک رفاهنه و بین الناس تصرف فکرینک بر  
معقولیت وانتظام دائره سنده حاصل اولسنه متوقفدر . ملتک ویرکو  
اخذی ممکن اولان ساحه ثروتی توسیع ایتمک حکومتک بو ساحه وسیعه دن  
احتیاج حاصل اولدقجه حصه مند اولسنی تأمین ایدر . ایشته انکله مک  
سنه لجه نابوله ثون ایله ، سنه لجه ترانسوال ایله اوغراشمی تأمین  
ایدن قوت بو قوه اقتصادیه در . کذلک فرانسه مک المانیای غالیبتی اوزرینه  
دوچار اولدیفی مصیبت عظامدن آز زمانده قورتلسی خزینه سنک دکل  
اهالیسنک زنجینلکندن وتصرفکار اولسندن ایلو ککشددر .

کذلک افراد ملتک اوصاف حربیه وجنکاورانه یی حائز اولنلندن  
حکومت هیچ بر زمان متوحش اولاملیدر . تعلیم عسکری کورمش  
افراد نه قدر چوق اولور ایسه حکومتک اسباب موفقیتی اودرجه تأمین  
اولنش اولور . پروسیه مک ملت مسلحه حاله کلهرک نهایت فرانسه یه  
احراز ظفر ایتمی بو حقیقتک اکلاشلامسندن ایلو ککشددر . یالکز دائمی  
ومعلم بر اردویه استناد ایدن بر حکومت او عسکرک بوزلسی اوزرینه  
مضاجل واستنادسز قالیر . نغیرعام صورتیه عسکر جمعی هیچ بر زمان  
تعلیم کورمش عسکره تقابل ایتمز . ایشته بوندن طولانی یالکز میلیس  
عسکری ایله اکتفا دوست دشمن دولتلر ایله محاط بر مملکت ایچون  
اصلاً موافق احتیاط دکلدر . آمریکا ایلر اسارت زنجیه محاربه سی آناسنده  
- محاربه مک درت سنه دن زیاد اوزامی اوزرینه - بو حقیقتی کسندی  
ضرورینه آکلامشلددر .

نه درجه ضعیف و سخیف اولدیغنی تاریخ شمسی به قدر بیکرجه  
 مثال ایله اثبات ایتشدیر . سهاواته قدر عروج ایتش ظن اولزان  
 نفوذ حکمداری اوفاجق بر فسکه ایله زیروزبر اولیور .  
 داخلی بر عصیان ، خارجی بر تجاوز بو صورتله چورومش  
 اولان بنای استبدادک درعقب منهدم اولسنه کفایت ایدیور  
 فقط فناسی شوکه وقوعه کلن داخلی ویا خارجی فورطنه ده  
 یالکز مستبدلردکل ملت و مملکتده بردها بلنی طوغرولده میه جق  
 درخده قضا زده اولور .

ایکنجیسی ده بالاده کی مسلیک تفریطیدر هر هانکی بر نفوذ  
 حکومته قارشو خصومت و غلبه لیک قوتنه لزومندن زیاده  
 اعتماد ایتکدر غلبه لک قوری پاتیریدین ، ثمره سز یانغره دن  
 باشقه بر شی دکلدیر . قرون وسطاده فتودالیه اصولی ،  
 زادکانک حکومت مرکزیه بی ، قرالری دایما ضعیف دوشورمک  
 ایستملرندن و بناء علیه قوه دولتی اجزا واقسام بی نهایته پارچه  
 لامه لرندن ایلر و کیشدر . امریقاده و اوروپاده ایوم افراطپرست  
 سوسیالیستلرک طوتدیغی مسلیکده بویله بر نتیجه تولید  
 ایده جکدر .

بو یا کلش ذهابلر حد ذاتنده حکومت قوتنک منشأ  
 و مصدری حقیقه بر مطالعه سلیمه حاصل اولمامسندن ایلرو  
 کلور . حکومتک قوت و قدرتی حد ذاتنده ملتک منافع  
 عمومیه ایچون تمرکز ایتش قوتندن بشقه برشی دکلدیر .

تعريف ايتديكمز قوه معنويه دن محرومدر . حكومتك قوتى افراد ملتة نافذ واونر حقنده جارى اولديغندن بعضلى بوقوت ايله ملت ارسنده بر تناقض وضديت موجود اولديغنى توهم ايدرلر . يعنى مطلقا ملت حكومتك و حكومت ملتك خصمى اولمق ايجاب ايده جكنه ذاهب اولورلر .

بو ذهاب صرف دائره تصورده قالمش اولسه ايدى اهميتسز عد اولنه بيلور ايدى . فقط مع التأسف بشریت اوزون مدت بو ذهاب باطلک فعلاً زبونی اولمش و حكومت ايله ملتك دوره مصادماتنه هنوز نهایت بيله كلامشدر ، بو ذهاب ايكي مهم خطای سياسى توليد ايدر كه بروجه آنى ايضاح اولونور :

اولا حكومت قوت و نفوذىي ملتك ضررينه اوله برق تزويد ايدر . بالخاصه مستبدین و جبارۀ شرقك دوشدكلرى كریوه مهلكه بودر . حكومات مستبده شرقیه تبعه لرینك اکتساب ثروت ایتلرینی بيله آرزو ایتمز و بوتون منابع ثروت ملیه یی کندی قاصه لرینك قعر نایابنه طوغری جریان ایتدیرلر بو صورتله فقر و سفالت عمومیه قارشوسنده کندیلری آلتونلره مستغرق اولورلر .

بونلر خلقك اوصاف جنكاورانه سندن ، سلاحلانمندن دخی قورقهرق و سلاحلری اهلینك یدندن تزع ایدهرک کندیلرینی صرف کیف وهوسلرینه ، امر و اراده لرینه تابع محافظلر ، عساكر مخصوصه ايله احاطه ایدرلر . بو سیاستك

آرزو و اختیار لریله قبول ایدر لر ایسه قوه مادیه او درجه مطاع اولور . ایشته دولت آدمنک ، امور حکومتی صنعت اتخاذ ایدنلرک مهارتی بو نقطهده کوریلور . دولتک اوامرینی کران قیلماق و بو اوامری سهولته ، آرزو و هوس ایله دیکتمک ایچون چاره بولمقده حکومت آدمنک مهارت مخصوصه می بولمق ایجاب ایدر .

صفت سیاستک برنجی رکنی اشکال و معاملات حکومتی اعتقادات مذهبییه ، عادات و معاملات اجتماعییه ، اخلاق عمومییه ، مملکتک احتیاجات اقتصادیه سنه توفیق ایتمکدر ؛ حکومت آدمی او طرزده حرکت ایتلیدر که اهالی مملکت ارباب حکومتک منافع شخصییه ایچون دکل منافع اهالی ایچون چالیشمقده اولدقلرینه قانع اولسونلر .

استبداددن اولان نفرت ایشته شو حقیقتک اهل ایدلسی نتیجه سیدر . زیرا جبار و مستبد اولانلر تبعه نکل دکل کندیلرینک منافعنه چالیشیورلر . فقط شوراسنیده اونو تماملیدر که جبر و استبداد حکومت عوام ایله بسبتون غیر قابل تألیف دکلدر . انتخاب اولنان کیمسه لرک بتون ملتک منافعنی کوز تیموب یالکز کندیلرینک و حتی یالکز کندی منتخبلرینک منافعنی کوزه ملری ایشته بوندن طولایی بولسزدر .

۶۴ حکومت ایله ملت آره سنده تضاد وارمیدر ؟ — حکومت مستبد نه شکلده اولور ایسه اولسون نا پایدردر ، زیرا

ذاتاً قوتسز دولت تعيرى ، نفسنده بر تناقضى جامعدر .  
 قوتك عدمى موجب هلاك اولان بر خطاى عظيمدر و بو  
 خطا هيچ بر صورتله معذرت قبول ايتمز . اقوام جهان ،  
 اك مستكره مستبدلره ، آتيلارك قيرباچلرينه ، نهرونلرك اذواق  
 سفهانسه ، جنكيزلرك خونخوارلقلرينه ، روما و بيزانس  
 قيصرلرينك جنتلرينه كرهاً تحمل ايتديلر ، فقط بو اشكال  
 منفوره تحكم واستبداد بيله قوه اجتماعيه ماكنهسى آز چوق  
 تنظيم ايتديكندن چار و ناچار بونلره انقياد ممكن اولدى .  
 حالبوكه آنارشى يعنى هر درلو قوتك فقدانى بر شكل حكومت  
 بيله دكلدر ، بر هيچدر . بويله بر تذبذبه هر هانكى بر غاصب ،  
 هر هانكى بر متجبر و مستبد وحتى هر هانكى بر مستولى  
 خارجى نهايت و يرميلور و شايان عبرت واستغراب اولان  
 جهتده شودر كه حكومتسزلكدن بيزار اولان ملت بو صورتله  
 واقع اولان غصب و تجاوزى حال سابق فتره نظراً عادتا بر  
 نعمت صيار ؛ زيرا دولتك اك تحملفرسا اولان شكلى  
 شكلسز ليكيدر .

مع مافيه شوراسنىده بالخاصه نظر دفته وضع ايتك ايجاب  
 ايدر كه دولتك قوه سياسيهسى ايچون قوه ماديهنك وجودينه  
 اولان احتياج قوه معنويه دن استغنائى تضمن ايتمز . بر حكومت  
 يالكر مادى ، قورى بر قوته اتكا ايدرسه قوتنى كندى  
 صار صممش اولور . قوه ماديهيه تابع اولانلر بو قوتى نه قدر

بو سبب له دولتک یوقاریده تعریف ایتدی کمز خاصه امرینک بذاته قائم اولمی کافی دکدر . فقط یالکز امر کافی کلدی کی کیف ماتفق یالکز اجراده کافی دکدر . یالکز برنجیسیله اکتفا اولنسه دولت هر درلو مادیتدن تجرد ایتش بر امر تصوریدن عبارت قالیر . فقط قدرت اجراییه و تنفیذیه برنجیسنندن تجرد ایدر سه سوء استعمالدر ، بر قوه غیر مشروعه در عادتاشقیانک افعال تنفیذیه ، حرکات جبری سه سنه بکزر . چونکه اساسنده ، منبعنده بالاده تعریف ایتدی کمز حق یوقدر . قضیه نک ایکی حدی بر برینه اکلنمد کجه بر نتیجه حاصل اولماز . دها زیاده ایضاح ایدم : امر ویرمک شانندن اولاندر ، دولت نامنه امر ونهی صلاحیتنی تفوض ایدنلر نظریاتجه استدکاری قدر امر ویرمک حقنی نفسلرنده جمع ایتش اولسونلر امرلرینه تبعیت خصوصنی وسائط معنویه و ماده ایله تأمین ایتدکجه وجودلری خیالندن بشقه بر شی اولماز . اجرا و تنفیذ اولدقجه حکومت یوقدر . حکومت اولما یجه دولت دخی مفقود صایلدیغندن قوه ماده نک فقدانی دولتک فقدانی انتاج ایدر که بوکا ( آنارشى ) دیرلر .

۶۳ استبداد و آنارشى . — دولتک قدرتی بر حقدر ، فقط اوله بر حق که من حیث نتیجه قوته منجر اولور . حقه مستند اولمیان قوت جبر و شدته ، قوته مستند اولمیان حق ایسه جبر و شدتک نوع دیکری اولان حکومتسزلکه ، آنارشى به منتهی اولور .

شو تفريقك اهميت مخصوصه سي واردر . دولتي تشكيل  
 ايدن عناصرك كافه سنده امر ايتك صلاحيتي بالقوه موجوددر .  
 بناء عليه حكومت مأموري اوليانلر دخی مادام كه ملت یعنی  
 حاكيت مليه استنادكاهنك افراد واجزاسندندرلر او حالده  
 حكمتك مقتضاسي اولان امر صلاحيتنده - فقط بالقوه -  
 مالكدرلر بو صلاحيت نظريه سنك بر حقيقت فعليه به منقلب  
 اولسي قوته ، اقتدار وتنفيذ واجرايه اقران ايتسيه ممكن  
 اولور . هر فردك امور حكومته فعلاً مداخله اتمامسي وبالكز  
 كنديسنه صلاحيت امر وتنفيذ ويريلن هيئت حكومت ارکان  
 وافرادينك اجرا آن فعليه وحتى جبريه به مراجعت ايديه بيلملری  
 ايشته بو حكومه مبتنيدر .

الحاصل امر ايتك صلاحيتي برحقدن ، اجرا ايسه بر فعلدن  
 انبعاث ايدر وبوراده فعليات نظرياتك متممی خدمتي ايفا ايلر .  
 ۶۲ دوت وقوت . — دولتك استعمال ايتديكي وسائط  
 « قوت » Puissance كله سيله اجمال ايديله بيلير دولت قوتدر .  
 قوته محتاجدر . غايه ومقصدينه آنجق قوت ايله واصل اولور  
 متبادياً قوتدن محروم اولان بر دولتك حياتي ظاهريدر  
 وآرتق بو ضيف وبی درمان دولتك يشامسنه وبایدار اولسنه  
 امکان قانماز . اوامر اخلاقيه نك قوته احتياجي يوقدر . زیرا  
 بو امرلر ايله صرف وجدانه خطاب اولنور . فقط اوامر دولتك  
 همه حال مطاع اولسي لازمدر .

حکومتك و ارکان حكومتك موجود بولنسی کافی دكلدر .  
 حقیقی بر حكومت موجوددر دیه بیلمك ایچون او حكومتك  
 بر قوه مادیه جبر و تنفیذ مالک بولنسی اقتضا ایدر . بو قوت  
 سایه سنده حكومت دولتک اراضیسی اوزرنده شخصاً و یا اجتماعاً  
 باشقه لری طرفدن اظهار اولنه بیله جك كافه او امر و ارادته  
 غلبه ایتملیدر . یعنی واسطه اجرائیه سی، بولندینی دولتک عنزم  
 و اراده سنی هر شینه غالب قیلملیدر .

بناء علیه برنجی شرط اراضی ملیه اوزرنده حكومتك  
 قوه مادیه بی جمع ایتمسیدر ، بر مملكتك حكومتی ارکان و افرادی  
 تشکیل ایدن کیمسه لرك اسرینه مهیا بر قوه مادیه ، دولت نامنه  
 واقع اوله جق امر و نهیلرینی هر کسه لدی الايجاب تسلیم ایتمیرمکه  
 مساعد بر قوه مادیه بولنمازسه حكومت و بناء علیه دولت یوق  
 دیمکدر .

حكومت بر طرفدن امر و نهی ایدر، دیگر طرفدن امر و  
 نهی تنفیذ ایچون ایجاب ایدن وسائط جبر و تضییق استعمال  
 ایدر . امر ایله تنفیذ امر آره سنده بر فرق عظیم واردر .  
 برنجیسی نظریاته مستند اولق اوزره دولتک بر صلاحیتیدر .  
 بو صلاحیت دولته بالقوه موجوددر . فقط بو صلاحیت  
 نظریه نك تمام اولسی فعلاً تأید ایتمسه وابسته در . بو جهتله  
 جبر و تضییق صلاحیتی دولتک اراده سنی اظهار ایدن وصف  
 امرینی استعمال ایدن کیمسه لره مودوع بر قدرت فعلیه در .



ژان ژاق روسويه كوره حكومت : حكمدار (يعنى ملت) ايله تبعهسى ارمسندنه مناسبات متقابله لريني ايفاء، قوانيني تطبيق وحریت سياسيه ومدنيه يي تأمين مقصديله تأسس ايتمش برهيتندر. [مقاله اجتماعيه اوچنجي كتاب برنجي فصل] (لوق) . كوره حكومت قواي عموميه كنديلرينه توديع ايديلن ذواتك هيئت عمومه سيدر ايسه من مقدمه سنده حكومتي «حاكيتك حال فعاليتها وضعندن عبارت» اولمق اوزره ايضاح ايديبور. بو مختلف تعريفلارك عين نتيجه يي مشعر اولديغني بيانه حاجت كورميز. حكومتي واسع بر معناده اخذ وتلقى ايتك مجبوريتنده يز. في الحقيقه حكومت Gouvernement تلقيمزه كوره يالكز قوه اجرائيه دن عبارت دكلدر. دولتك نظاهر فعاليت واراده سنه هر نه شكلده اولور ايسه اولسون اشتراك ايدن اشخاص ويا هيئاتك كافه سي حكومتي تشكيل ايدرلر .

بناءً عليه حكومت دولتك وسائط اجرائيه سي ، اورغانلر بدر (Organes) زمانمزده بو وسائط، بو اورغانلر يوماً فيوماً تزايد ايديبور. تعبير ديكرله حكومتك وظائفني ، اعضاسي هر كون آرتيبور. بوده قاعده تكاملك ضروري بر ثمره سيدر ، تكامل ايتمش هر مخلوقك تركيباتي چوغالديني ، وظائفني آرتديني ، احتياجاتي توسع ايلديكي كبي حكومتك ده تركيباتي ، اركاني ، وظائفني او صورتله چوغالقمده در .

٦١ امر وتنفيذ امر. -- دولتك تمامی وجودی همچون

فقط اوچنچی رأیك دها مقبول وموافق اولدیغنی بیانہ حاجت یوقدره .  
 حق تملك وحق حبس دكز صولرینك منحصرأ بردولته مختص قالسنی انتاج  
 ایدرکه زمانزده بو نظریه بی قبول ایدن هیچ بر دولت موجود دکدر .  
 دولت قره صولرنده کی حق حاکمیتی اوصولرده کی اشخاص واسطه سیله  
 اجرا ایتدیرر . بناءً علیه قره صولرنده جریان ایدن کافه وقایع واحوال  
 قره صولرینه مالک اولان دولتک نفوذ سیاسیسنه منقاددر . زاپورلر ،  
 کیلر قره صولرنده بولندجه او صولره مالک دولتک قوانیننه رعایتہ  
 مجبوردرلر .

بو قاعدهء عمومیه دن دولت عثمانیه خارج قالیور . خارج از مملکت  
 امتیازی، عهود قدیمه احکام مفره سی بوراده ده بر شکل استثنائیت اخذ  
 ایدیور ! . . .

## حکومت

۶۰ حکومتک تعریفی . — دولتی تشکیل ایدن اوج عنصر دن  
 ملت وارضی حقننده ایجاب ایدن ایضاحاتی اعطا ایلدکن  
 صوکر اوچنچی عنصره یعنی حکومتہ نقل کلام ایدلم :  
 دولت اراضیء مخصوصه ومعینه اوزرنده تقرر ایتمش بر  
 هیئت مجتمعہ انسانیه دن مرکب وحاکمیتی حائزدر . بو حاکمیت  
 اولجده بیسان ایتمش اولدیغمز وجهله امر واراده بی تضمین  
 ایدر ، امر واراده ایسه بر منبع فعالیت وحرکتدر بو فعالیتک  
 بر شکل مخصوصده تظاهر ایتسی دولت نامنه حرکتہ مأمور  
 بعض اشخاصک وجودینه وابسته در . ایشته بو شخصلر  
 حکومتی تشکیل ایدر .

دولتک املاک عموميہ اوزرنده بر حق تصرفه مالک اولديني ايضاً۔  
 حات آنفہ دن مستبان اولور۔ مع مافيه بونظريہ ده بر نقطه دهاواردرکه  
 مشکلاقي دعوتدن خالي قالميورہ في الحقيقه املاک عموميہ وتوابعدن بمضيبي  
 دولت ايچون بر منبع واردات تشکيل ايدر، بوايسه عادتاً بر تصرف وجوديني  
 اشعار ايدر۔ فقط بو مشکلي ده بوجه آتي اجمالاً ايضاح ممکندر :  
 املاک عموميہ دن متحصل فوائد نقيه املاک عموميہ ني با امتياز ايشتمکده  
 اولان کيسه لک و يرديکي رسومدن عبارتدر۔ بو رسوي بر نوع ايجار  
 صايتمدن ايسه بر نوع و بر کوعد ايتک ايجاب ايدر۔ و برکو تحصيل وجباتي  
 ايسه دولتک قوه عموميہ به حق حاکميه مالک اولديني فکريه تماماً قابل  
 توفيقدر۔ بدل ايجار صاييلديني تقديرده خصوصي بر ملک عد اولنق  
 لازم کاورکه نظرياً تمزه مخالفدر۔

دولتک اموال و املاک عموميہ سي اوزرنده بر حق تصرف  
 عادي به مالک اوليـوب يالکيز بر حق حاکميه مالک اولديني  
 نظريه سنک برنجي بر نتيجه سي شودرکه : بو اموال و املاک  
 غير قابل وبيع و فراغدر۔ مرور زمانه تابع دکلدر۔ بناءً عاميه  
 دولت بر جاده يـي۔ بک نادر و شرائط مخصوصه يي حائر استثنالردن  
 صرف نظر۔ صاته ماز۔ بر نهري، قره صولرني آخره دور  
 ايدہ مز و بو کي احوالده مرور زمان دعوا سي مسموع اوله ماز۔  
 قره صولرني بحثه کلنجه : بوده عيني نظريه به، عيني قاعده عموميہ به  
 تابعدر۔ دولتک بوصول اوزرنده کي حقوقنک ماهيتي نه دن عبارتدر ؟  
 بعضيلري بونک بر حق تملک، ديکرلري بر حق حبس و دها بشقه لري  
 بر حق حاکميه اولديني ادعا ايتشلردر۔

قاعدہ سنی بو املاکده تشمیل ایتمک طوغری دکلدیر . حد ذاتنده دولت بو املاکک افراد کبی متصرفی دکلدیر . یالکر او املاکک بر بکجیسی، بر محاسیدر . املاکی نسل حاضر ؛ انسال آتیہ ایچون حفظ وصیانت ایدر . شو تقدیرده دولتک بو قبیل اراضی و املاک عمومیهده حق تصرفدن بحث ایتمکدن ایسه حق حاکمیتندن بحث ایتمکدها موافق اولور .

املاک عمومیه دینلنجه منافع عمومیهیه مختص شیلر خاطره کلیر . منافع عمومیهیه تخصیص ایدیلن هر شی ایسه تصرفات شخصییه تابع اوله ماز . زیرا بر شینک بر شخصک تحت تصرفده بولنسی، آنک تحت تملک و اختصاصنده بولنسی منافع عمومیهنک او شیده آرتق علاقہسی قالماسی دیمکدر . تعبیر دیگرله حق تصرف شخصی املاک عمومیهیه قطعياً قابل قیاس دکلدیر . دولتک افراده قیاساً بو اموال و املاک عمومیه اوزرنده برحق تصرفی موجود فرض اولنسی و بو حق تصرفی سمبیله مدعی و یا مدعی علیه صفتی اکتساب ایلمسی تسهیل مصلحت ضمننده اخبار ایدلمش بر قاعدہدر .

دولتک بو قبیل املاک عمومیه اوزرنده عادیاً بر تصرف دکلر حاکمیت مخصوصهیه مالک اولسی نتیجهسی اوله رق حق تفتیش و انضباطی واردر . تحت تصرف و تملک شخصی و خصوصی بولنمیان هر یرده تفتیشات اجرا و انضباطی تأمین ایدر .

بونلره املاك خصوصیه دول تعبير اولنور . بو املاك اوزرنده دولت بياغی افراد کبی حق تصرفه مالکدر . فقط بعض اقسام و توابع اراضی کرک ماهیتلری ، کرک قانوناً بر محله تخصیص ایدملری حسبیه فوائد و خدمات عمومیه ایچون استعمال اولنورلر ، بونلردن بر قسمی اوپله بر حال و موقعمده بونلورلر که هر کس آنلری استعمال ایده بیلور . یاخود دولتک وظائفندن بری عد ایدپله بیلن بر خدمته تخصیص اولنه بیلور . فرضاً قره صولری ، نهرلر ، ایرمقلر ، عمومی یوللر ، خدمات عمومیه دن برینه تخصیص ایدیلن مبانی ... ایشته بونلره املاك عمومیه دینور .

دولتک برنجی صنفدن اولان املاك یعنی املاك خصوصیه اوزرنده کی حقوقنی آروجه ایضاحه حاجت یوقدر . افرادک حق تصرف و تملکنه قیاساً برنجی جهت تعیین اولونه بیلور . فقط ایکنجی جهت یعنی املاك عمومیه دولت اوزرنده دولتک حق تصرفنی تدقیق و ملاحظه اولونغه شایاندر . مؤلفلرک بر قسمی دولتک بو قبیل املاکی اوزرنده کی حقوقنی ده حقوق تصرفیه شخصییه قیاس ایتمک ایستمشلر ، از جمله موسیو هوپر بونلری اداره یه طائد املاك دیه توصیف ایدیور . شو قدرکه استفاده عمومیه به مختص اولدقلرندن غیر قابل بیع و فراغدر . بیع و فراغ تصرفک لوازمندن اولدیفنه نظراً بوراده تصرف بحقی مخلنده مصروف اوله ماز . بناءً علیه تصرف شخصی

دولتک اراضی اوزرنده نفوذی جریان ایتدیکنی ادا ایدنلر حق رقبه بی کلیاً معدوم فرض ایدیورلر . حق رقبه دولتک کیف مایشا اراضی اوزرنده تصرف اتمی ومثلاً لدی الایجاب اراضی بی مصادره دخی ایده بیلسی طرزنده تفسیر اولنورسه بالطبع بو نظریه مردوددر . فقط یوقاریدن بری تعریف ایتدیکنر شکل معتدله بولونور یعنی حق تصرف شخصی تماماً محفوظ اولقله برابر دولتک یالکنر بر حق عمومیسی ، اراضی اوزرنده برحاکیت عمومیسی اولور ایسه او وقت حق رقبه بی تسلیم اتمک ایجاب ایدیور . استملاک بختنده ایشته دولتک بو حق تظاهر ایدیور . دولت منافع عمومییه تحقق ایتدیکی تقدیرده اشخاص یدنده بولنان اراضی بی اصول وقوانین مخصوصه دائره سنده وتضمینات وبدل مخصوص اعطا اتمک صورتیله استملاک ایده بیلیر .

مقدملری بو استملاک منافع عمومییه تحقق ایتسون ایتسون بلابدل اجرا اولنور وکیفیت اک منفور بر مصادره شکنی اخذ ایدردی .

### ۶ املاک خصوصیه دولت ، املاک عمومییه دولت . —

دولتک اراضی اوزرنده بر حق مخصوصی ، نوعما بر حق رقبه سی بولونمسی بو بحثک ظهورینه بانئ اولیور . دولتک افراد عهده سنده بولنان اراضی اوزرنده عمومی وشموللی بر حق مخصوصی بولوندینی کبی افراد عهده سنده بولونمیان بعض اراضی اوزرنده طوغریدن طوغرییه حق تصرفه مالکدر .

اولا بعض اشیای غیر منقوله واردرکه استفاده عمومییه ، خدمات عمومییه منحصر اولدقلری حالده لسبب من الاسباب دولتک طوغریدن طوغرییه تحت تصرفده بولونیور . ایشته

۵۷ غير مسكون اراضي جاي. — دقت ديكر بر نقطه، ديكر بر اعتراض  
دها واردر . دولتک اراضي اوزرنده بر حق مخصوصه ، اشخاص اوزرنده کی  
حقوقدن آری حقوقه مالک اولدیفنه بر دلیلده ایوم دولتدن بر چوغنک  
غير مسكون بعض اراضي صاحبي بولونمه لیدر . متحده امریکانک ته ریتوار  
دینلوب هنوز حکومت حالنه افراغ اولنه میان اراضیسی بو قیلدن  
صایله بیله جکی کبی بستون غیر مسكون وصاحبز چولدرده اشته بوکا  
مثال تشکیل ایدر . فرضا افریقاده ، عربستانده کی اراضي دولت  
صلیه تک بر قسمی ، اراضي موات و اراضي امیریة خالیه بو قسمه ادخال  
اولونه بیلور . فرانسه تک وانگلتره تک بعض کوچوک جزیره لری وارکه  
اوزرنده هیچ انسان یوقدر . بونکله برابر بو اراضي اوزرنده حاکمیت  
ارضیه موجود بولوندیغی غیر قابل انکاردر . فقط بوکا اعتراض ایدنلرده  
واردر . دولتک بالفعل بو اراضي اوزرنده اهالی وسکانی بولنسی  
شرط دکلدر . لدی الایجاب او اراضي بی اسکان ایده بیلنسی بناء علیه  
بو اسکان واسطه سیله اراضي مذکوره اوزرنده تنفیذ حاکمیت ایتمسی  
محمتمل بولنسی کافیدر .

ینه بالاده کی اعتراضی دفع ایچون دنیلورکه : اراضي بر وغیر قابل  
تجزیدر . بناء علیه مسكون وغیر مسكون کافه اراضي بر کل عدا اولونه رق  
حاکمیت وقوت دولتک جولانکاه نفوذی اولور . بو صورتله قوه  
عمومیة دولت اراضي ایله تحدید ایدلمش اولور .

۵۸ حق رقبه . — اراضینک نفوذ دولتک حدودی اعتبار ایدلمسی  
نتیجه سی اوله رق او حدود ارضیه داخلنده مقیم بالجمله افراد، دولتک  
اوامر وتنفیذاته تابع اوله جقلدر . دولتک اراضي اوزرنده حق رقبه سی  
اولوق بختنه کلنجه : حاکمیت ارضیه بی انکار ویا لکنر اشخاص واسطه سیله

اعترافه مجبورز . اگر اراضی یعنی جمادات اوزرنده کی نفوذ و قوتک  
 مطلقاً اشخاص واسطه سیله جریان ایتمی اقتضا ایتسه ایدی اوحالده یالکز  
 دولتن دکل افراددن دخی اراضی اوزرنده کی هر درلو حق تصرف  
 و نفوذی نزع ایتمک ایجاب ایدردی بر چفتلک ، بر ترا صاحبی اراضیسنه  
 فعلاً متصرفدر . نفوذینی طویراغی ایشدک ، نخنی اککک وسائره  
 صورتیه فعلاً جریان ایتدیرر . امر ایچون ایکی شخصک لزومی انسانلر  
 ایچوندر حالبوکه انسانلر یالکز انسانلری دکل حیوانات و جماداتی دخی  
 عزم و آرزولرینه منقاد قیلشلمدرر . دولتک اراضی اوزرنده بر نفوذ  
 فعلیسی اولدینی حقوق خصوصیه دولتک بر قاعده سیله ده ثابتدر . معلوم  
 اولدینی اوزره بر اجنبی ممالک اجنبیه ده مقیم اولسه دخی دیکر بدولتک  
 حدودی داخلنده اراضیه صاحب اوله بیلیر . بو دولت او اجنبینک  
 شخصی اوزرینه فعلاً بر نفوذ تامه مالک اولدینی حالده او اراضی بی  
 گندی قوانیننه یعنی گندی او امرینه تمامیه منقاد قیلار . ایشته  
 بوراده صراحتاً کوریورزکه دولت اشخاص واسطه سیله اراضی  
 اوزرنده اجرای حاکمیت ایتمک شویله طورسون بالعکس اراضی  
 واسطه سیله اشخاص اوزرنده ، هم اجنبی اشخاص اوزرنده اعمال نفوذ  
 ایده بیلور . بو مثال ارضی شخصه دکل شخصی ارضه تابع قیایور .  
 ینه حقوق خصوصیه دولدن دیکر بر مثال اقتباس اولونه بیلور :  
 ممالک اجنبیه ده مقیم تبعه تک منسوب اولدقلری دولت حدودی داخلنده  
 اراضی صاحبی اوله بیله جگاری طبیعیدر . آنجق تبعه دن اولان بوشخص  
 ممالک اجنبیه ده یالکز بالقوه دولت متبوعه سنک نفوذینه تابع اولدینی ،  
 حکومت متبوعه سنک بر چوق او امرینی اصفاً ایتماسی ممکن بولوندینی  
 حالده اراضیسنی منسوب اولدینی دولتک او امر و قوانینی تأثیرندن  
 خارج بولوندیره ماز .



قوردیني اساسه استناد ایدیورلر . بو اساس موجبنجه دولتک کنديسي تشکيل ایدن اراضی اوزرنده کی حقوق حقیقی فقط عمومی و سیاسی بر حقدر . بوندن ماعدا هر فردک کندي متصرفی بولونديني اراضی اوزرنده بر حق خصوصی و شخصيسی واردرکه اوده حقیقیدر . برینه حق حاکمیت ارضیه ، دیگرینه تصرف شخصی دیه بیلیرز . حقوق دول مؤلفرینک اکثریا حاکمیت ارضیه (Souveraineté territoriale) دیه فرض ایتدکلری حاکمیت ایشه بودر .

المانیا مشاهیر مؤلفیندن لاباند - که حقوق سیاسییه متعلق بر تألیف جسمیم و کزینیله شهرتیب اولمشدر - این فکری قبول ایدیور و دییورکه : « دولتک کندي اراضیسی اوزرنده بر حق واردرکه ماهیتی حسیله تبعه سی اوزرنده کی حقوق سیاسییه دن فرقلیدر . ایشه او حق سایه سنده دولک وظائفی ایفا ایده بیلور . بو صورتله یالکز تبعه سی دکل طور اغنی دخی نفوذ و قوتنه ، عزم وارزوسنه رام قیلار . » بزجه یک معقول اولان بو اساسک قوتلی معارضلری اکسیک دکلدور . از جمله بو بحثده کنديسندن استفاده ایتدیکز لئون دوکوی بو نظریه یی رد ایدیور و دییورکه . « دولتک افراد اوزرنده کی حاکمیتی ایله اراضی اوزرنده کی حاکمیتی آره سنده فرق اراماملیدر . دولتک یالکز برحق و قدرتی واردر بوده آنجق افراد اوزرنده جریان ایدر . دولتک حاکمیتی یالکز افراده تعلق ایلر . فی الحقیقه حاکمیت قوماندایتمک دیمکدر حالبوکه اشخاصدن باشقه سنه امر و قوماندایتمک ممکن دکلدور . بنساء علیه امر مطلقا ایکی شخصی ، امر ایدن ایله امر آلانی تضمن ایدر . شو حالده دولتک طوغریدن طوغرییه اراضی اوزرنده حاکمیتی ادعایتمک بر تناقض سرد ایتمکدن باشقه برشی دکلدور . . . »

بو مطالعاتک ایجه لکنی سرد ایتمکه برابر قناعتبخش اوله میه جفتی

۵۶ دولتک اراضیده حق نفوذی نه دن عبارتدر ؟ . —  
 دولتک علی العموم کندی اراضیسی ایله مناسبت و ارتباطی نه  
 رادهیه قدردر ؟ الحاصل اراضی دولتک شخص معنوی  
 و حقوقیسی ترکیب ایدن عناصردن اولمقجه برابر — که بونی  
 موضوعاً بیان ایتدک — دولتک نفوذ و قوتنه ده منقاد دگیلدر ؟  
 مقدما ملت حقنده بیان ایتدیکمز وجهه ملتک کتله  
 عمومیسی شخص معنوی دولتک نفوذینه تابع دکلدر . افراد  
 اعتباریله ملت بو نفوذه تابعدر . اراضی حقنده ده عیبا عینی  
 قیاسی جریان ایتدیرمک ممکنمی ؟ . . ایشته شمدی بونی  
 تدقیق ایده جکزر :

هرنی حکمدارک ، بوتون اراضی صاحب حکومتک فرض اولندینی  
 زمانلر طبیعیدرکه اراضی بر چفتلک کبی حکمدارک و حکمداره تبعاً دولتک  
 عد اولنور ایدی . بو نظریه بی قوتنی بر درجهیه قدر تعدیل ایله برابر  
 قبول ایدنلر الان وارددر .

مع مافیسه دیگر بعض مؤلفلر واردرکه داخل مملکتده بولنان کافه  
 اراضی بی چفتلک عد ایتماکله برابرینه دولتک اراضی اوزرنده طوغریدن  
 طوغرییه بر جریان قوتی اولدیغنی ادعا ایدرلر . طوغریدن طوغرییه  
 تعبیرندن مقصد دولت افراد اهالی واسطه سیله اولیهرق اراضییه بر نوع  
 تصرف عمومی ایله تصرف ایدیور دیتمکدر .

بو نظریه بر درجهیه قدر شرقده حق رقبه نامیله معروف طرز  
 تملک بکزر . بو ذهابده بولنانلر مشاهیر حکمای اجتماعوندن پرودوتک

واصل اولی که بو فداکارانه قائلانق ممکن اولسون دولتلك حياتنده ایسه اصل اولان صحت تامه در . باخصوص که بعض اعضانک قطعی اشخاصک بيله موتی انتاج ایدر . نتیجه سنده موت اولق محتمل اولان بر صورت ایضاحی ابدیاً یشامسی لابد اولان دولتک نصل تسمیل ایده بیلورز .

دیگر بشقه لری ، حقیقته ترک ماده سی یوقدر . اراضی ترک ایدن دولت اراضینک بر قسمی اوزرنده حائز اولدینی قوتدن صرف نظر ایدر . او اراضی اوزرنده جاری بر نفوذ وقوت قالماز اراضی منحل اولور . بونک اوزرینه ، صاحبسز قالان اراضی یه دیگر بر دولت ، مفروغله اولان دولت وضع ید ایدر . بونده ده فضله بر اینجه لک واردرکه عقل سلیم بوکا تحمل ایتمز .

بونک طوغریستی ، دوزجه سنی سویله مک لازم کلسه حق فتح غصبیدن بشقه بر شی دکدر و حقوق دولتک بونی قبول ایتمسی بر ضرورت فطیه اولدینی ایچوندر . یوقسه حقه مستند اولدیفندن دکدر . هر حالده ترک اراضی دور تجبر و تغلبک انقراض بقایاسندندر . ترقی مدنیتله بلکه بر کون کلیر بوکاده محل قالمیه جقدر .

اولدجه قوتلی طرفداری اولان بر فکره کوره ترک اراضی یه ترک اولونان اهالینک انضمام و موافقتیه جوازومساغ واردر . فرانسه ۱۸۶۰ده بو نظریه بی نیس و صاووا حقنده تطبیق ایلدی . المانیانک اساس لورن ایچون عین صورته حرکت ایتمدیکی کنفدیسسیچون دفعا تله مدار مواخذه اولدی . مع مافیه بو نظریه طوغری دکدر . زیرا مقاوله عامیه نظریه سنک جا ا نتیجه سیدر . هر حالده اراضینک غیر قابل انقسام لدوتنی قاعده سنی ایضاح ایده سز .

بمختلف مثاللر کوستریور که دولتر آرمنده برده ایجار  
توقیت ، امانت ، ودیعه صورتلریله ترک اراضی معامله سی  
جریان ایدیور . بویله طولاماجلی تعیرلر استعمال ایدلمی  
مدنیت حاضرمنک انسانلرده ایوم تعمیم ایدن فکر حقک آرتق  
غصب و آمدی کلهلرینه صراحتاً تحمل ایده مامسندن و افکار  
عمومیه نظرنده یکی کلهلر ایجادیله ینه « فتح » « غصب »  
کلهلرینک یالذیزی بر حب شکلنه افراتنه لزوم کورلمسندن  
نشأت ایدیور .

ایشته اراضی حقدمه کی نظریات جدیده نه نام ایله اولورسه  
اولسون واقع اولان بو ترک اراضی ماده سنی تجویز ایتیور .  
بعضیلری تاویله چالیشیورلر :

فقط صورت تاویللری او قدر قناعت بخش اوله میور . مثلاً بعض  
مؤلفلرک نظریه سی موجبجه اراضی بی ترک ایدن ویا ترکه مجبور اولان  
دولت بو ترک معامله سنه متعلق مقاوله نامه یه وضع امضا ایتدیکی آنده  
کلیاً نابدید اولور . فقط صوکرادر عقب قیریلش ، قیصلش ، کسبلش ،  
آزالش اراضی اوزرنده تکرار تولد ایدیور . یعنی آن واحده عمان  
انقراضه باطوب چیتیور . فقط چیتدیغی آنده کوچولش اوله رق  
چیتیور . بونی عقل دکل بلکه خیال قبول ایدر .

دیگرلری بر وجود مریضک عملیات جراحیه اوغراسنی وعضونی  
قطع ایتدیرمکه مجبور اولسنی بو ترک اراضی ماده سیله مقایسه ایتک  
ایستیورلر . فقط بو قیاس ده معقول دکلدر . زیرا قطع عضوه تام الصحه  
بر شخصک طوها رضا کوسترمسی متصور دکلدر ؛ مرض صوکه درجه یه

قسمه ، چينده کيانوچو ، بورارتور ، وای های وای کي محلاک المانيا، روسيه وانکلتره به ترک ایدلمری ایکنجی قسمه راجعدر . بوسنه-هرسک موقت بر زمان ایچون آوستریانک تحت اشغالنه ویرسینه موافقت ایدلمش ایدی . بو « موقت » لک نه زمانه قدر دوام ایده جک اوراسی مصرح دکلدی . آوستریا و مجارستان مشروطیتیمزی متعاقب بومهمیتی رأی خودیله تصریح وتوقیتی قطعیتنه تبدیل ایتدی والجای احوال واضطرار ایله بزده پروتوقوله وضع امضا ایده رک بونی مع الکراهه قبول ایتدک . قبریسک ده اشغالی موقتدر ومعلق بالشرطدر . آسیای عثمانی تهلککيه کیردیکی تقدیرده انکلتره طرفندن معاونت ایدلمسی وقرص اردهان وسائر روسیه فتوحاتی طرف دولت علیه دن استرداد ایدلدیکی حالده [ ۴ جزیران ۱۸۷۸ تاریخلی معاهده نامه ذیلک التنجی فقره سی ] جزیره نک اعاده اولنسی شرطیله وشرايط سائر ایله قبریس انکلتره نک زیر اشغالنده در . هر حالده بواشغال موقتدر .

اشغالک اوچنجی بر نوعی ده کورلشدرکه اوده ده بو یعنی ودیعه صورتیدر . بو دخی ممالک عثمانیه ده تطبیق ایدیلن ، یالکیز مملکتیمز ایچون روا کورلش اولان بر حال استثنایدن . کیریدن بحث ایتک ایستیمورز . کیرید ، طرف دولتدن دول سته یه ودیعه تسلیم اولنمش ایدی . بو ودیعه نک ۱۳۱۳ سنه سنندن بری ناصل بر معامله غصیه یه منقلب اولدینی معلومدر .

حکومته طأند اولدیغنه دائر نظریات قدیمه ایله ترك اراضی ماده سی قابل ایضاح اوله بیلور . فقط اراضی حقنده کی نظریات جدیده ترك اراضی ماده سنی حقوقه و منطقجه ایضاحه کافی کله یور . مع مافیه فعلیاتک الآن بو نظریه یی مکذب اولدیغنی مشاهده ایتمکده یز . ایشته دولت علیه ، روسیه ایله محاربه ایتدکدن سوکرا خیلی اراضی غائب ایتدی اندن صکره مع التأسف جسمیم جسمیم قطعه لری و هربری آیری بر دولت تشکیکنه مساعد جسمیم مملکتلری الدن قاچردی بونکله برابر دولت عثمانیه بنه بر حیاتدر . ذاتاً دولتتمزک قطع اراضی عملیاتنه تابعیتی ایکی عصری متجاوز زماندنبری متصل دوام ایدیور ، متصل اراضیمز کیدیور بونکله برابر خریطه عالمده بر دولت عثمانیه له الحمد الآن موجوددر . فرانسه الساس لوره نی غائب ایتدی . واقعا موجودیتی صارصلدی . فقط بوسارصنتی دوام حیاتنه مانع اولدی . روسیه پورتسموت مصالحه نامه سیله ساخالین جزیره سنک بر قسمنی ژاپونیا به ترك ایتدی . فقط بو ضیاع حیاتنه تأثیر ایتدی . ایشته بومثالر اراضینک بر قسمنک قطعاً ترك اولونه . بیلدیکنی کوسترر .

برده اراضینک قطعاً و مؤبداً دکل موقتاً ترك ایدلمسی مسئله سی واردر . موقه ترك یا علی الاطلاق توقیتی تضمن ایدر و یاخود ایجار لفظیله توصیف اولنور . محاربه اخیره ده قبریس ، بوسنه - هر سکک ترکلری برنجی

ايجون ويا قطعياً ترك و فراغت ايتسى ممكن اوله ميه جنى منطقاً استدلال اولونمق ايجاب ايدر . ترك و فراغ ايستر اختيارى ايستر اضطرارى يعنى بر فتح ثمره سى اولسون ! . . . بر دولت اراضيسنك تماماً تركى اودولتك عدمنى ، ففدانى انتاج ايده جكي آشكاردر . زيرا بو صورتله شخصيت حقوقيه سنك ، حياتنك عناصر مهمه سندن برينى فائب ايتش اولور . لهستان اراضيسى روسيه ، پروسيه ، اوستريا آره سنده مقاسمه ايدلديكي كوندن اعتباراً لهستان ناميله آرتق بر دولت قالمش در ! . . . مقدا مجارستان دولتى ممالك عثمانيه به الحاق ايدلديكي زمان مجارستان دولتى خريطه طالمدن سيلنمش ايدى . ماداغاسقار بر قرناللق ايكن فرانسه اوراسنى الحاق ايتمكه آرتق مالاغاشى حكومائى [ ماداغاسقار حكومت محليه سنك عنوانى ] نابود اولمش در . انكلتره افريقاى جنوبى حكومتلرينى حرباً تسخير ايتدكدن صوكرا آرتق اورانژ ، ترانسفال حكومات مستقله لرى يوقدر . بو دولتك ، اراضينى كاملاً و تماماً غائب ايتسى ايسته بونتيجه يي توليد ايدر .

منطقاً دوشونمك ايجاب ايدرسه قسماً وحتى بر مدت موقته ايجينده اراضى تركندن عين نتيجه حاصل اولمق ايجاب ايدر . زير هر درلو شخصيت . شخصيت معنويه غير قابل انقسام و تجزى اولمق ايجاب ايدر . بر شخصيتى پارچالامق آنى محو وافنا ايتكدر اراضينك دولته ودها طوغريسى رئيس

ظاهرده مانع اولان جهت یوقاریده سویلدیکمز وجهله یالنگز هیئت متحده اصولی دکلدز. مشترک ادارهیه تابع اراضی ده واردز. فرضاً ۱۸۴۰ سنه سندن ۱۸۶۶ سنه سنه قدر شلزو یغ هولشتاین اراضیمی وکذلک ۱۸۷۸ دن ۱۹۰۹ سنه سنه قدر بوسنه - هر سگ مشترک ادارهیه تابع اولدیلر. برنجیمی پروسیا و اوستریانک، ایکنجیمی؛ بر طرفدن حاکمیت اساسیه اعتباریله - نظری و عهدی اوله رق - دولت عثمانیه نك، دیگر طرفدن فعلی اوله رق اوستریا ایله مجارستانک مشترک اداره سنده بولنیورلر اییدی. بونلری اراضینک بر تک دولته انحصاری نظریه سیله تألیف ایتمک مشکلدز. مع مافیه یونی ده ایضاحه چالیشان ارباب تألیف اکیسک دکلدز.

بعضیلری بو اداره مشترکه نك بر حال استثنائی اولدیغی و ادارهیه اشتراک ایدن دیگر دولته موقت بر زمان ایچون بر صورت تسویه عقد ایتملی نتیجه سی بولوندیغنی بیان ایدیورلر. دیگر بشقه لری صرف نظریات دائره سنده ایضاح مشکله قیام ایده رک دیورلرکه « اداره مشترکه دوام ایتمکجه اداره مشترکه یه تابع اولان اراضی ایکی مشارک دولتك غیر قابل تقیم اولان اداره و نفوذی دکلدز. بلکه او اراضی عادتاً آیری و مستقل بر دولتك اداره سنده بولونیور فرض ایدمک ایجاب ایدر. ۵۵ اراضینک غیر قابل ترک اولسی. - اراضینک عناصر تشکیلیه دولتدن اولسی نتایجندن بری ده غیر قابل ترک اولسیدر. بر دولتك اراضی سندن بر قسمی ویاتمانی موقت بر زمان



حکومت اطلاق اولنه مز . وعادتا بر ولايت ويا سمنجاق  
 قیلمندر لر . مع مافیه هیئت متحده اعضاسندن کوچوک  
 حکومتلرک ولایتلره قابل قیاس اولمدینی میدانده در .

دیگر بر نظریه به کوره اصل حکومت وقوت کوچوک  
 حکومتلرده تمرکز ایشدر . حکومت مرکزیه بر خط  
 وصلدن عبارتدر . فقط آمریکا والمائلر کی حکومتک درجه  
 نفوذینه نظراً بو افاده نکه ده قطعياً مظهر قبول اوله میه جفی  
 طبیعیدر .

بو روایات مختلفه یی تألیف ایده جک بر صورت تسویه  
 بولمق امکانشز دکلدر . کوچوک حکومتلری بر دولتک حر  
 وصاحب حقوق افرادینه قیاس ایدر ایسه ک مشکلی تسهیل  
 ایدرز . اعضادن اولان کوچوک حکومتلر هیئت متحده نکه  
 قوت و حاکمیتی تشکیله معاونت ایدر لر . ناصل که بر دولتی  
 تشکیل ایدن کافه افراد او دولتک قوه غنومیه سنی تأمینه باعث  
 اولور لر . دولتک قوتی افرادک حریت واستقلالنی ازاله ایده مده  
 یکی کی دولت متحده نکه ده قوتی حکومتات صغیره نکه قوت  
 واستقلالنی مشترک قانون اساسینک وضع ایتدیکی قیود  
 خارجنده اوله رق تقیید ایده مز . بو جهت حقیقده ده دور  
 ودراز بعض مطالعات وارد اولقده ایسه ده موجب کلال اولمق  
 ملاحظه سنه بناء ینه صده رجوع ایده لم :

قوه دولتک اراضی اوزرنده انحصاری قاعده سنک قطعیتنه

حکومات متفقہ نیک ہی برینہ طائد قوۂ سیاسیہ وارد ر . ہیئت متفقہ ارکانندن هر بری اختیار و امتیاز نامنی محافظه ایدر . یالکمز حقوق دوله تابع بر مقاوله نامه موجبنجه منافعی مشترک اولمق اوزره تلقی ایدیلن بعض مسائل مشترکاً تسویه و اداره اولتور . بو مسائل مشترکینی سوق و اداره ایدن مجلس بر هیئت متحدهده کوریلن پارلمنتویه شبیه دکلد ر . بو مجلس هر دولت مرخص ویاسفیرندن مرکب بر نوع دیپلوماتلر قونفرانسیدر . بناءً علیه حکومت متفقده اشخاص ایکی دولته دکل یالکمز بر دولته اساساً افرادندن بولندقلری دولت صغیره به تابعدر . حالبوکه حکومت متحدهده اشخاص عینی زمانده ایکی قوۂ سیاسییه ، ایکی نفوذ سیاسییه تابعدر لر . دعوانکده مشکل جهتی ایشته بونقطهده کوزه چار بمقدهدر . زیرا دیدیکمز وجه ایله اراضی منحصرأ بر دولتک نفوذینه تابعدر . ایکی نفوذ جریان ایدر ایسه قاعدهً یا تعارض و تساقط واقع اولور و یا بریسی دیگرینه غالب کلهرک ایکنجیسیده معدوم اولور . حالبوکه هیئت متحدهده وضع اصلی، ماهیت اساسیه ایکی نفوذک عینی زمانده عینی اراضی اوزرنده جریانی مقتضیدر . بومشکلی حل ایچین مؤلفلرک بک چوق آرا و مطالعاتی وارد ر : فقط باشنیجهلری ایضاح ایده جکمز بر ایکی نقطهیه منحصر قالور . فی الحقیقه بر نظریهیه کوره هیئت متحده مرکزیه دن بشقه حاکمیت وقوتی حاز بر قوت اوله ماز . کوچوک حکومتلره حد ذاتنده

قديم هيئت متفقه شكنك افاض و آئارندن بعضيسنى محافظه  
ايتش اولمقله برابر ينه ماهيه بر هيئت متحده ايمراطوريه در .  
[ Confédération<sup>n</sup> ] هيئت متفقه شكلى المانيا چوقدن غائب  
ايتشدر .

اوروپا دولتلري ارسنده صلح دائمي و ترك سلاحه ولو  
قسماً موافقت حصولي تأمين ايديله بيلديكي تقديرده بو قطعه نك  
شكل سياسي آتسي اولسه اولسه ينه هيئت متحده اوله جنبي  
ارباب تدقيق طرفندن بيان و ادعا اولمقله در .

هيئت متحده يي تعريف ايتك اقتضا ايدر ايسه مختلف  
دولتلردن مركب بر دولندر ديمك ايجاب ايدر . بناءً عليه  
هيئت متحده ماده سنده دولتك عناصر ثلثه تركيبه سندن  
( ملت ، اراضى ، حكومت ) بحث اولوندينى زمان بر عنصر  
دها علاوه ايتك اقتضا ايدر كه اوده معين بعض كوچك حكوم-  
متارك اتحاد ايدر . بو طرز تشكه نظراً هيئت متحده نك نظاهرات  
سياسيه سى ، انكشاف قوتى ايكي صورته اولور : ( ۱ ) اصل  
هيئت متحده نك تظاهر سياسي ، ( ۲ ) هيئت متحده يي  
تركيب ايدن حكومات صغيره نك يعنى اعضاى حكوماتك تظاهر  
سياسيه ..

هيئت متحده حكومات ايله ( Fédération ) هيئت متفقه  
حكومتي قاريشدير مامق ايجاب ايدر . ( Confédération )  
هيئت متفقه حكوماتده بر حكومت مركزيه بو قدر و بالكنز

تقدیرده نه کبی نتایج حاصل اوله جغنی سویلندک . تکراره محل یوقدر . فقط بوراده یالکز بر نقطه کمال اهمیتله جلب دقت ایدر : عین بر قطعۀ اراضی اوزرنده ایکی نفوذ جریان ایده منر . نظریاتجه طوغری اولان بو حقیقت فعلاً مشکلات عظیمه به اوغرامقده در . اول امرده حکومت متحده بی نظر دقته آلام :

بویله بر هیئت متحده به داخل حکومتلرده عین اراضی ایکی دولت ایکی قوه سیاسی نه نفوزینه تابعدر . حکومت متحده نك مرکزی تشکیل ایدن حکومت ( Etat fédéral ) ایله هیئت متحده اعضاسندن اولان حکومت عین اراضی اوزرنده حکمراندرلر .

؛ ه حکومت متحده . — حکومت متحده شکننده ظهور ایدن هیأت دولیه اون طقوزنجی عصرده پک زیاده رغبت کورمشدر . اون سکزنجی عصر نهایتنده استقلالنی اعلان ایدن امریقای شمالی حکومت متحده سی همان بالجمله آمریکا حکومتانه مودل اولمشدر . ایوم مکسیقا ، برهزیلیا ، ونهزونه لا ، آرژانتین حکو . متلری او صورتله اداره اولنیورلر ، حتی قنادا و اوسترالیا حکومتلری — انکلتراه به تابع برر ولایت متمسزه اولدقلری حالده — ینه هیئت متحده اصولنی قبول ایتشلردر . ذاتاً بو ایکی ولایت مختاریتی اودرجه واسعدرکه بر حکومت مستقله دن همان هیچ فرقی یوقدر . اوروپاده اسویجره جمهوریته فده رال حالنده اداره اولوندینی کبی المانیا امپراطورلنی دخی

افرادك حقوق طبيعيه سنه تماماً مائل اولان بوحق قوانين موضوعه و مكتوبه به دخي داخل اوله رق حتى فرانسه نك ۱۷۹۱ قانون اساسيسنده « فرانسه قومنك فتوحات اجراسي مقصديله هر درلو محاربه به اشترا كدن فراغت ايتديكي » اعلان ايدلمش وايكي سنه صوكر ا ديكر قانون اساسيده « فرانسه اهالي سي اقوام سائر نك امور حكومتنه مداخله ايتمز . فقط ديكر اقوامك ده كندى امور حكومتلرينه قاريشملرينه تحمل ايتمز » وسنه ۳ قانون اساسيسنده « فرانسه قومي اراضي سنى تحت اشغالده بوانديران هيچ بردشمنله صلح ايتمز » مألنده اوله رق عين حقايق تكرر ايدلمشدر . ۱۸۴۸ قانون اساسيسى ده عين افكارى تكرر ايدىور . مع مافيه مناسبات دوليه ده معلوم اولدينى وجهه له قوتدن باشقه بر حاكم و حكم اولمديغندن قوانين موضوعه به دخي ادخال ايديلن بو حقايق اك زياده ينه او واضع قانونلر اخلال ايتمش وفي الحقيقه فرضاً انقلاب كبرى متعاقب حريتي اقوامه تلقين ناميله بتون اوروپا آتسه ويرلمش اولدينى كبي ۱۸۴۸ دن صوكر ا قريم وسائر ايكنجى ايمپراطورلق دورينه عائد خونين محاربات ظهور ايتمشدر .

اراضينك وجود دولتك تشككنده كي خاصه تميزينك اوچنجى بر نتيجه سى اوله رق عين اراضى اوزرنده ايكي مختلف قوه سياسيه نك جريان ايدمه جيكي مستبان اولور . . . . . يوقارنده ايكي دولتك عين اراضى اوزرنده نفوذى جريان ايتديكي

عین صورته تصرف ایدر لر ایدی: تاریخده دولتره مخصوص اراضینک عادی میراث کبی تقسیم ایدلدیکنه دائر بک چوق مثالر واردر. قرون وسطاده امور طبیعیه دن، کوریلن بو حال قرون متأخرده موجب جدال و نزاع اولمش و حتی اسپانیا و راتی، اوستریا و راتی کبی مسائل محاربات مدیده و مهمه یه سببیت ویرمشد. انقلاب کبیردن بری بو نظریه لرک بطلانی بوس بتون ثابت اولمش و آرتق قواعد دولیه ده بو عادات قدیمه غیر معقوله ایچین محل قالمامشدر. قانون اساسیمزک برنجی ماده سی بو نقطه نی ده کافی درجه ده افهام ایلکده در.

اراضینک عناصر تشکیلیه دولتک مهم بررکنتی تشکیل ایتسی اساسنک دیگر بر نتیجه سی ده اراضینک غیر قابل نفوذ و حلول اولسیدر. یعنی خارجدن بر نفوذ تابع بولنماسیدر. بناءً علیه بر دولت کنسدی اراضیسی داخلمنده اجنبی بر دولتک تمامیت ملکیه نی اخلال ایدمک هر درلو حرکاتی منع ایتمک صلاحیتنی حائزدر. ایشته بو عدم مداخله پولتیقه سیدر و بونک نتیجه طبیعیه سی اولمق اوزره هر دولته بر وظیفه توجه ایدرکه اوده شوندن عبارتدر:

بر دولت کنسدی اراضیسی اوزرنده دیگر بر دولت نفوذینک جریانی منع ایتمک حقنی حائز اولدیغی کبی کنسدیسی ده دیگر بر دولت اراضیسنده اجرای نفوذ ایتماک و بناءً علیه مداخله ایتمک مجبوریتنده در.

جهت بوجه آتی صراحةً مذکوردر : « دولت عثمانیه ممالک و قطععات حاضره بی و ایالات ممتازه بی محتوی و بکوجود اولمقله هیج بر تفریق قبول ایتمز. » کذلک بنه قانون اساسیمز موجبجه واضع قانون انتخابات ایچون سنجاقلری اساس طوتمقله اراضینک ده نفوس کبی قوه سیاسیه ایله مشترک و مرتبط اولدیغنی افهام ایتمشدر . مادامکه نفوس قوه سیاسیه نک ترکیبات اصلیه سننددر . اوحالده اراضیده شو صراحتیه قیاساً قوه سیاسیه نک ترکیبات اصلیه سندن عد اولمق ایجاب ایدر .

دولت و اراضی آره سنده کی مناسبتی تعیین ایدن بونظریه نک برنجی نتیجه سی شودر که بر دولتک اراضیسی قابل تجزی و تقسیم دکلدر . مادامکه حاکمیت ملیه و آنک نتایجندن اولان قدرت سیاسیه - که دولت دیمکدر - لایتجزادر بوقدرتک اجزا و مرکباتی ده لایتجزی اولمق ایجاب ایدر . اراضی اساساً دولتک قوای مشکله سندن عبارتدر . قوه عمومی و سیاسیه نک مصدر ایدر یوقسه او قوتک محل جریان و تطبیق دکلدر اگر بویله اولمش اولسه ایدی اووقت بهمه حال وبالضروره غیر قابل انقسام و تجزی بولنماق اقتضا ایدردی . وقتیله اراضی کاملاً حکمدارلرک ملک مشروعی فرض اولنور ایدی و شخص حکمدارینک امر و نهینه تابع اولدیغنی زمانلر دولتک اراضیسی طبق افراد اراضیسی کبی ایدی . بناءً علیه افراد نه صورتله تصرف و بیع و فراغ و تقسیم اراضی ایدر لر ایه حکمدارلرده دولتک اراضیسنه

جامعدر. قوهٔ سیاسیه ایسه بلا شرط امر ونهی بی مقتضیدر. یعنی دولتدن صادر اوله جق اوامر ونواهی بوامری اعطا ایدن دولتک آرزوسنه مخالف هیچ برقید و شرط اجنبی به تابع اولماملیدر. [مع مافیه بو بلا قید و شرط امر ونهی ایتک اقتدارینک بر حدی واردرکه اوده عدل وحقدر. بناءً علیه بالاده کی اطلاق بو صورتله مقیددر] ایشته بوسورتله حائز حکم و نفوذ اولان دولت نفوذ و قوتی آنجق کندیسنه خاص و منحصر اراضی اوزرنده جریان ایتدیرر. ویریله جک اوامرک مختلف و متناقض چیقه جنفی دائماً ظن ایدیله بیلور. اوتقدیرده حال ایکیدن خالی اولماز. یا بو قوتلردن بری دیکرینه تابع و منقاد اولور؛ بو صورتله دولت قدرت و قوت صفتنی غائب ایدر. بناءً علیه او اراضی اوزرنده یالکز برتک دوات قالمش اولور. ویاخود ایکی دولت یکدیگرینک نفوذینی تحدید ایده جکلر، بر بر لرینی متقابلاً شرائط و قیوده تابع قیله جقلر. و او وقت [تعارضاتساقطاً هر ایکسیده بر قوهٔ سیاسیه اولمقدن خالی اولورلر. او اراضی اوزرنده ایکی هیئت سیاسیه قاله بیلور؛ فقط ایکی دولت قاله ماز.

۵۳ دولتک اراضی اوزرنده انحصار نفوذی و نتایجی. — شو

تفصیلاته نظرأ اراضینک دولته انحصاری وجود و قیام دولت ایچون شرط اساسیدر اکثر قانون اساسیاده اراضینک دولته اولان مناسباتی تصریح ایدیلور. قانون اساسی عثمانیدهده بو



وارتباط حقیقه کی نظریات بو مرکزده در . واقعا حاکمیت ملیه نظریه سی ایضاح اولوندینی زمان اراضی یه دائر بر بحث درمیان اولندی، امرایدنلره مأمور اولاندردن ، قوت صاحبی اولاندلره ضعیفلردن عبارت بر هیئت تصور اولوندی و اراضی بو نظر یه ده هیچ بر موقع طومندی . مع مافیله تکامل تاریخی نتیجه سی اولان دولتلدن هر برینک شمعدیکی حالنه باقیلدورسه دولتک دائما اراضیله توأم اولدینی کوریلور . دولت دنیلجه اراضی خاطره کلور . ایشته بوانسانلرده بر اعتماد طبیعی وارنی، بر کوره نکدر .

دولتک عناصر ترکیبه سندن اولق اعتباریله اراضی بی تدقیق ایدرسه ک بونک نظریات حقوقیه دولتجه ماهیت حقیقه سی نه دن عبارتدر ؟ بوسؤاله علی الاکثر شو صورتله جواب ویریلور : شویله که اراضینک اهمیتی ایکی نقطه نظر دن تدقیق ایتک ایجاب ایدر . برنجیسی سلی صورتده یعنی دولتدن غیری هر هانکی بر قوه سیاسیه نک دولتله مخصوص اراضی اوزرنده اجرای نفوذ ایتسی ممنوعدر . ایکنجیسی ثبوتی صورتده ؛ یعنی بر دولتک اراضیسی اوزرنده بولنان کافه اشخاص بو دولتک تبعه سندن اولدقلری حالده ینه بو دولتک نفوذینه تابعدرلر .

بو ایکی قضیه بی بر مرتبه دها تشریح ایدلم :

۵۲ ایکی نفوذ سیاسی . — هر دولت ماهیتی حسبیلله قوه سیاسیه بی

فقط آمرزله مأمور گردن، هیئت حکومت ایله، هیئت حکومت تابع اهالیدن مرکب اولان بویله بر جمعیت ینه تکرار ایده رز بر دولت عنوانیه یاد اولونمغه لایق اوله ماز. بناءً علیه بو نظریه کوره افریقایی وسطاده کی سیار قبیله لر معین و محدود اراضی اوزرنده یرلشمش اولدقلرندن دولت صایله مازلر. مع مافیه بونلرک حقیقهً منتظم بر ادارهً سیاسییه مالک اولانلری واردر. ایشته اوروپا دولتری بونلرک معین بر قطعه اراضی اوزرنده یرلشمش و بناءً علیه بالاده کی تعریفه کوره دولت تشکیل ایده مامش اولدقلرینی بهانه ایده رک افریقانک همان هر طرفنی اشغال ایشلر و ضبطی مباح نما لکن ایمش کبی ید تسخیره کچر مشلردر.

ینه بو اراضی نظریه سی موجینجه قتولیک کلیسایی بر دولت تشکیل ایده مز. احتمالکه قتولیک کلیسایی حقوق دول نقطه نظرندن بر شخص معنوی تشکیل ایدر و بو حیثیتله فرضاً معاهدات (قونقوردا) عقد ایدر. فقط هیچ بر زمان دولت عد اولنماز. واقعا ۱۸۷۰ سنه سنندن اول پاپا یالکز روحانی دکل، جسمانی بر حکمدار ایدی. فقط نفس کلیسا دولت اوله ماز. کلیسانک واقعا بر انتظام سیاسی، بر سلسله مراتبی، آمرزله ایله مأمورلری واردر؛ مع مافیه دولت دکلدر، زیرا معین بر اراضی به مربوط دکلدر.

شمدیکی حالدده اراضی ایله دولت آره سننده کی مناسبت

ايچون - قبول ايدلمه مشدر. خدمات دولتمده بولونانلرك كافه سى وزمستوو مجالسى اعضاسى انتخاب ايچون ويركو ويرمك قيددن آزاده درلر عمله وكويلرانتخابانى اوج درجه اوزره اجرا ايدرلر يعنى اول امرده بر طاقم وكيللر تعيين ايدر و صوكره بو منتخب نائيلر نائيلرى انتخاب ايلرلر. عمله وكويللرك منتخب نائيلرى كوى وشهرلردن انتخاب اولونان منتخب نائيلرله بالاجتماع دوما دينلن مجلس مبعوثان ايچون مبعوث انتخاب ايدرلر اولجه بوليكن لايحه قانونيه سى موجبنجه يالكز كويللر حق انتخابه مالك ايكن بالاخره عمله ده بو حقه صاحب قيلنمشدر . برده بر خانه ده سن انتخابه داخل بر قاج شخص ساكن اولسه اوتقديرده خانه كييك تحت استيجزنده ايسه يالكز اونك انتخابه اهليقي واردر .

ايرانده اوتوز ايله يتمش اره سنده بولونان بوتون ايرانيلرك حق انتخابى واردر . ولايآنده انتخابات ايكي درجه اوزرينه اولدينى حالده يالكز طهران شهرنده طوغريدن طوغرى به واقع اولقمده در .

## دولت و اراضى

۵۱ اراضينك وجود دولتمده موقى . — دولتك قوه عموميه سنى تركيب ايدن ارکان ثلاثه دن ايكنجيسى اراضيدر . ( برنجيسى ملت ، اوچنجيسى ده حكومت ايله ارکان وتشكيلات حكومتدر ) بر هيئت مجتمعه خلق حدودى معين بر اراضى اوزرنده يشامدجه بر دولت شكلنى اكتساب ايدمه مز . احتمالكه اراضيسز بر هيئت اجتماعيه وجود بوله بيلور . حتى بو هيئت مجتمعه بر نفوذ سياسينك يعنى بر حكومتك تحت اداره سنده دخى بولونه بيلور .

مساوی مقدارده مبعوت انتخابنه صلاحیتداردر. بو صورتله مبعوثلک وکالت اشخاصه دکل ثروتلره مضاف اولمش ، عادتاً افلاس معاملاتنده کی اکثریت مبلغیره مقیس بر حلی وجوده کلشدر .

حکومت ترقیات حاضره فکریه ایله اصلاً قابل توفیق اولمیان بوغرابت انتخابیه نی ازاله مقصدیله بو اصولک مهما امکان محاذیرینی تنقیص ایده جک قانون لایحه لری تکلیف ایتمش ایسه ده لانتاغ مجلسنده کی اعضا ذاتاً بو غرابتک ثمره سی اولدقلرندن اصلاحات و تعدیلات مذکوریه شدتله معارضه ایتمکده درلر . بناء علیه بو محذوری آنجق آرای عمومیه محصولی اولان رایخشتاغ مجلسی بوتون المانیا نامنه اداره کلام ایدرک دفعه ایده بیلیر فقط مع التأسف سوسیالیسنلر طرفندن ۱۹۰۶ ده بونک ایچون واقع اولان تکلیف حکومت مرکزیه حکومت خصوصیه امور داخلیه سنه قاریشه ماز دیله رک داخلیه ناظری پوزادوفسکینک اصراری اوزرینه رد ایدلشدر .

ایتالیاده آرای محدودده ویرکو اساسی اوزرینه دکل اوقویوب یازمق اساسی اوزرینه وضع اولونمشدر صورت مطلقه ده آرای عمومیه قبول ایدلدیکی تقدیرده منتخبلرک ایوم حائز اولدینی یکون ایکی ملیوندن سسکز ملیونه بالغ اوله جقدر . بوبابده کی لایحه قانونیه مجلس مبعوثانه تودیع اولونمشدر .

مولانده ده دخی ویرکو اساسنه مستند فقط خفیف بر تقییدی حائز آرای محدودده اصولی واردره . بونکله برابر بو قیدک رفی ایچون مهم تشبثات اجرا اولتمکده دره .

روسیده انتخابات بر طرفدن ایکی حتی بعض صنوف خلق ایچون اوج درجه اوزرینه اولدقن ماعدا آرای عمومیه صورت مطلقه ده موجوددر فرض اولونه ماز . ویرکو اساسی - کویلی وعمله اولمیانلر

متعدد دفعه رأى ويره مزه (۳) عيى بر قصبه نك متعدد تقسيمات انتخابيه سنده  
رأى ويرمك جائز دكلدر . انكلتره قانون انتخابنده مشكلاتى داعى  
اولان بر شى ده انتخاباته متعلق احكامى كافه تفرعائنه وارنجه به قدر تعيين  
ايچون مختلف زمانلرده نشر اولونمش ۱۱۷ قانونه مراجعت لازم  
اولمسيدير .

بو تفصيلاتدن انكلتره ده ظاهراً آراى عموميه موجود اولديغى  
كوريلبور ايسه ده حقيقتنده آراى محدودده او قدر توسيع ايدلشدر كه  
آراى عموميه به نظراً همان هيچ فرق يوق كيدير .

• ۵۰ ديكر بعض مملكتلرده آراى محدودده . — آراى محدودده يني  
دها صيقى بر صورتده تعقيب ايدن ديكر مملكتلر مياننده مجارستانى ،  
وبالخاصه پروسيا ايله ديكر بعض آلمان حكومات صغيره سنى ذكر ايتك  
مقتضيدر . معافيه مجارستان حكومتى اليوم آراى عموميه اصولنك قبول  
وعدم قبولى مسئله سيله اشتغال وبوصورتله هنوز آراى عموميه يني قبول ايتمش  
اولان اوسترياه امتثال ايتك اوزره در .

پروسياده دخى آراى عموميه يني قبول ايتديرمك ايچون پك جدى  
مساعى صرف اولونمقده وبالحاصله سوسياლისيتلر بونك ايچون پك بيوك  
كورولتيلر چيقارمقده درلر . شمدي به قدر آراى عموميه ايچون دفعاتله  
نمايشلر وايي سنه مقدم اولديغى وجهله سواقلرده شدتلى مصادمه لر  
وقوعه كلشدر . پروسيانك لانتاغ مجلسى ايچون انتخابات ثروت وطوغرىدن  
طوغرى به ويركو اساسنه ايتنا ايتدكدن ماعدا لاعلى التعيين ويركو ورنلر  
آره سنده ده حقوق انتخابيه جه مساوات يوقدر . ويركو ورنلر اوچه تقسيم  
اولونمشدر . برنجيسى چوق ويركو ورنلر كه مملكتنده عدللى بالطبع محدوددر .  
ايكنجيسى متوسط ويركو ورنلر كه عددى بالنسبه فضلده در . اوچنجيسى ده  
آز ويركو ورنلر كه عددأ چوقدر . ايمدى بوصنفلردن هر برى ديكرينه

ثالثاً دارالفنونلره مخصوص امتیازات واردرکه اونلرده بروجه آیدر :  
 اوقسغورد ، کبریج ، لوندره ، دوبان ، ادیمبورغ ، آپردن ،  
 غلاسقوو ، سنت آدرهف ، بودارالفنونلرک مأمورین ومعلمین مخصوصه سی  
 ایله دارالفنوننده مقید ، رؤسی حائز ، رتبه علمییه مالک کیمسه لر بوقیددن  
 استفاده ایدیورلر . بو اصول موجبنجه عینی بر ذاتک متعدد دواثر  
 انتخابیه ده انتخاب اشترک ایده بیلمی ممکندر . زیرا انکلتره قانون  
 انتخابی انکلتره اهالیسی عادتاً اوست اوسته طبقه کی استیف ایدلش  
 صنوفه تقسیم ایدیور . یارقلرک برینی قالدیرسه کر التنده کی یارقده ده  
 یوقاریکی یارقده اسمی محرر ذواته تصادف ایله بیلیرسکر . فی الحقیقه  
 بریده سکنا صاحبی ، دیگر یرده مستأجر اولان ودها اوتده اراضی ویرکوسی  
 ویرن ذات بو مختلف صفتلره رأی ویره بیله جکی کی بالفرض دارالفنونده  
 معلم ایسه بوصفت ایله ده رأیه اشترک ایدر .

ممالک سائرده هر شخص بردفعه رأینی اعطا ایدر ، اراتق نه اوراده  
 نه باشقه یرده رأیه اشترک ایده من کذلک انتخابات بوتون مملکتنده یوم  
 واحده اجرا اولونور بناء علیه عینی بر آدمک مختلف محلارده رأی ویرسنه  
 ماده امکان یوقدر . انکلترده ایسه من القدیم متعالم بر اصول موجبنجه  
 انتخابات هفته لر سورر بناء علیه عینی برمنتخبک مختلف قونتلرله کیدوب  
 مختلف قیود امتیازیه سندن مستفید اولسی وهیچده معقول و مشروع  
 اولیان بر نوع رأی مکرر ( Vote plural ) اصولندن مستفید اولسی  
 ممکن در .

مع مافیه مکرراً اعطای رأی صلاحیتک بعض استثنای وار . (۱) عینی  
 بر شخص عینی بر بنادن طولایی هم قصبه تک (Bourg) هم قصبه بی احتوا  
 ایدن قونتلک مبعوثی ایچون رأی ویره من . (۲) بر قونتلک عینی  
 دائرة انتخابیه سی داخلنده عینی بر شخص قونتلغه متعلق مبعوثلر ایچون

تأبقينده بولونمق ويا تابعيته داخل اولمق ، انتخاب جدولی اوزرنده اسمی محرر بولونمق و هيچ بر محجوريتہ دوچار اولامش اولمق اقتضا ايدر . بوشرايط عموميه دن ماعدا آرای محدوده اصولنه تماس ايدن بعض قيود امتيازيه واردرکه اولنره (franchise) اطلاق اولونيور . بوقیودك بر قسى عمومى ، بر قسى خصوصيدر .

عمومى اولان قيود بروجه آتيدر : اولاً ۱۵ تموز تاريخنده بر سنه دن رى متصرف ويا مستأجر صفتيله مستقل بر خانه ومسکنده اقامت ايدن کيمسه انتخابه اشترک ايدر . ثانياً كذلك ۱۵ تموز تاريخنده متصرف ويا مستأجر صفتيله مبنى ويا غير مبنى واون انکليز ليراسى ايراد و برنجى بر عقارى اشغال ايدن هر فرد انتخابچيدر .

ثالثاً يته ۱۵ تموز تاريخنده ختام بولان سنه کامله ظرفنده عيني بر مسکن اقسامندن بولونان بر محلهه مستأجراً اقامت ايدن کيمسه يده قانون انتخابه اشترک صلاحيتنى و بر مشدر . انکليز حقوق شناسلى برنجى قيد ايله اوچنجى قيدي بر تعريفده کوچك چکيورلر ، مع مافيه بو اوچنجى قسم يالکيز استيجارى وسکنانک يالکيز بر قسمک اشغالى متضمن عد اولونور .

خصوصى قيود امتيازيه يه کانجه اولنرده بروجه آتيدر : اولاً تقسيمات اداره دن اولان قوتلقلره مخصوص بر امتياز واردرکه بونک حکمنجه عقارک نوع وماهيتنه کوره سنوى ايکى ، بش ويا اللى انکليز ليراسى ايراد و یرن عقاره متصرف اولانلر حق انتخابه مالکدرلر .

ثانياً بو قصبه لره (Bourg) مخصوص قيود امتياز . اصول قديمه موجبنجه سنوى ايکى ليرا ايراد و یرن اراضيه مالک اولانلره ۱۸۹۲ قانون سابقى موجبنجه بعض حقوقه نائل اولانلر حق انتخابه مالکدر .

احوال اجتماعیه و اقتصادیه سنده وقوعه کلن بو تبدل عظیمک بر تحول عظیم سیاسی بی تولید ایده جکی طبیعی ایدی . اراضی صاحبزاده مخصوص اولان انحصار سیاسی ایستر ایستمز زائل اوله حق و آنره اولان صنعتکارلر، اصناف و سائر صنوف متوسطه خلق و نهایت صنوف عمله التحاق ایلیه جک ایدی . ایشته ۱۸۳۲ سنه سی مارتیک ۲۳ نده نشر اولونان انتخاب قانونی بو احتیاج عظیم اجتماعی تولید ایلش ایدی . مع مافیه بو قانونده بوتون انکلتزه قانونلری کبی دساتیر نظریه به توفیق ایملک میلندن زیاده بیرتیق یره یامه اورمق آرزوسندن حاصل اولمش ایدی . بو حیثیتله ۱۸۳۲ قانونی یالکیز بر مقدمه اصلاحات اولمش ایدی . اسکی قصبه لر ( ۱۴۲ ) مبعوث موقعی غائب ایدیورلر ایدی . بو موقعلر ایسه قونقلر ایله اووقه قدر حق انتخابدن محروم قالش اولان ( ۴۲ ) مهم شهره تخصیص و توزیع اولومش ایدی . انتخابچیلرک ده عددی آرتدی . ومثلا اون لیرا واردات و یرن بر خانه ده ساکن هر عائله رئیسنه حق انتخاب ویرلدی . بو صورتله انتخابچیلرک مقداری ( ۵۰۰ ) بیک آرتدی .

۱۸۶۷ ده غلادستون طرفندن تکلیف اولونان بر قانون بالاده کی اصول انتخابیه بی دهها زیاده توسیع ایلدی . و انتخابچیلرک عددی بر میلیون دهها آرتیدی .

ینه غلادستون ۶ قانون اول ۱۸۸۴ تاریخل یکی بر قانون انتخابی کمال غیرتله قبول ایتدیرکه موفق اولدی . و او وقته قدر عموم انکلتزه ده منتخبلر اوج میابون ایکن درت میلیونه چیقدی .

شمدیکی اصول انتخابیه ۱۸۸۴ قانونی احکامیه ۱۸۶۷ قانونک قیة احکامی موجینجه در . یعنی ۲۱ یاشنی اجمال ایتمش اولق ، انکلتزه



اهالی و انتخاب کله‌ری موضوع بحث اولونجه مملکتی دوائر انتخابیه به تقسیم و مبعوثلری اهالینک، قدرایله متناسب بر حاله افراغ لازم کله‌ریکن و مثلاً بهر یوز بیک نفوسه بر مبعوث اصابت ایده‌جک صورته‌ده تقسیمات اجراسی اقتضا ایدر ایکن انکیزلر بونک تماماً عکسی بر مقدمه ایله ایشه باشلامشدر و شمدی یواش یواش بالاده‌کی معقول قاعده منطقیه به اصل اولقی طریقنی طوعمشلردرد. بعض کوچک قصبه‌له اهمیت تاریخیه لرینه‌بناء نفوسلریله غیر متناسب مقدارده فضله مبعوث کوندرمشلر، اهالیسی وقتیله‌بک محدود اولوب بالاخره بویویان شهرلر ایسه مبعوث بیله کوندرمکدن محروم قالمشدر ایدی. بوندن بر قاچ عصر مقدم متعدد مبعوث کوندره‌جک درجه‌ده حائز اهمیت و وسعت اولان بعض قصبه‌له‌رحالیه‌قاللرینه و حتی متروک بر درجه‌ده اهمیتدن ساقط اوللرینه رغماً اسکی وقتلرده اولدیفنی کبی مبعوث کوندرمک امتیازینی محافظه ایدیور، بو کامقابل ترقیات صنایعیه ایله جسامت کسب ایدن بالفرض بر مینقام شهری مبعوث بیله کوندره‌میور ایدی. برده اراضی لوردلرک النده بولونمق حسیله او اراضی اوزرنده ساکن اولان اهالینک آراسنی ایستدکاری کبی استعمال ایدرلر ایدی. نتیجه‌ده مبعوثلرک قسم اعظمی لوردلرک النده بازیجه اولدوغنی کبی هله همان هیچ بری مقدار نفوس ایله متناسب بر وضع عادلانه‌ده دکل ایدی. او درجه‌در که امیل بو طمینک افاده‌سنه نظراً اون طقوزنجی عصر ابتدا سنده عوام قاره‌سنی تشکیل ایدن ۶۵۸ اعضانک (۴۸۷) سی بالقوه لوردلر طرفندن منصوب بولنیور ایدی.

بو حالک دوا می بالطبع ممکن دکل ایدی. فی الحقیقه نفوسی ۱۸۰۰ ایله ۱۸۵۰ سنه‌لی ارمه‌سنده یوزده طقسان آرتدی، صنوف جدیده خلق حادث اولدی. اسکی انکتره‌نک سینه‌سنده یکی بر انکتره، فعال، چالیشقان، صنعتکار بر انکتره طوعمش ایدی. انکتره

انتخاب ماکنه سنی سهولتله قوللانه حق بردرجه یه کله مشدر .  
 استانبولده بیله بوقانونک مشکلات تطبیقیه می کورلدی ، هر  
 دائرة بلدییه یی بر شعبه انتخابیه ، یعنی بر ناحیه عدایتمک لساناً  
 قولای ایسه ده فعلاً کوجدر . بک اوغلی دائره سی (التبجی  
 دائره) یوز بیکلرجه نفوسی حاوی اولدیغندن بهر ( ۵۰۰ )  
 منتخبه اصابت ایده جک منتخب ثانیلرک عددی ایلك  
 انتخاباتده یوزی تجاوز ایتدی وبو صورتله هرمنتخب اول  
 انتخاب پوصله سنه یوزدن زیاده اسامی تحریرینه مجبور  
 اولدی که یوز ذاتی تمیز و انتخاب عوامک دکل ، خواصک  
 بیله کاری دکلدر .

آرای محدوده یه تعلق اعتباریله قانونمزک خیلی وسعتلی  
 اولدیغی آشکاردر . عساکر و مأمورینه بیله حق انتخاب  
 ویرلمشدر .

۲۹ ممالک ساژده آرای محدوده (انکتره) . — دیگر ممالک  
 کلنجه ایوم اورو ، وامریقاده بک آز حکومت واردرکه حالا آرای  
 محدوده اصولی تطبیقه دوام ایتسون . قاعده عمومی آرای عامدر .  
 ویرکو ویرمک معناسنده آرای محدوده استئنا تشکیل ایدر .  
 انککترده آرای عمومی بوتون وسعت معناسیله تطبیق ایدیلبور .  
 اوراده جاری اصولک قیصه بر تاریخچه سنی والیوم مرعی اولان احکامی  
 ذکر ایتمک فائده دن خالی دکلدر :

هرشیده اولدیغی کبی انتخاب امورنده دخی انکلیزلر تکامل تاریخی به  
 تابع اولمشلر ومعین بر قاعده مک معین نتایجی ایله باغلاماشلردر .

قضاده ايکنجی درجده انتخابات، موجود منتخب نائيلرک  
 لااقل اونده سکزينک وجودينه وابسته در . ( ماده ۴۹ )  
 انتخاب نتايجی مرکز قضا هيئت تفتيشيه سندن مرکز لوا  
 هيئت تفتيشيه سنه کوندريله رک اوراده مرکز لوا قضا سندن بدا  
 ايله ديکر قضا رک آراسی جمع وتصنيف ايديلور . شايد مبعوثلق  
 ايچون مساوی رأی قازانمش ذوات وار ايسه بينلرنده قرعه  
 کشيده اولونور و صوکره اک زياده رأی قازانانلر نيملر ايسه  
 يدلرينه هيئت تفتيشيه لوا طرفندن مهر ذاتيلريله مهور مضبطه  
 ويريلور . ( ماده ۵۲ )

قانونک حين نشرنده استانبول ولايت وسنجاق تشکيلاتنه  
 تابع اولديني ايچون بلديه قانوننده محرر اولان حدود داخلنده کی  
 محللر بر دائره انتخابيه و هر بردائره بلديه بر شعبه انتخابيه و شهر  
 امامتی مرکز ولايت عد اولونمشدر .

کندک قانون مذکور ناحيه تشکيلاتی اساسنه تابع اولوب  
 ناحيه تشکيلاتی ايسه پک ناقص اولديني ايچون قانون مذکور  
 ربط ايديلن تعليماتنامه نک برنجی ماده سنده . . . ناحيه لر تشکل ائمه مش  
 يرلر وار ايسه مناسبات موقعيه بی کوزه ده رک درت بشر قرادن  
 عبارت اجرای انتخاب ايچون حکومت محليه لر معرفتيله موقت  
 شعبه لر تشکيل اولونه جقدر . « دینليور .

انتخاب قانونمزک باشليجه اساسلری بودر بونک بر قصوری  
 وار ايسه قابليت تطبيقيه سیدر . زیرا خلقمز مع التأسف بو

ايدەجك صورتدە حساب ياپيلور . ( ماده ۲۱ ) منتخب تاني اولمق ايچون، منتخب اول اولمق اوزره نه كې شرايط لازم ايسه موجوددر؛ يالكز از چوق ويركو ويرمك و نقل مكان ايچون علم و خبر ابراز ايتمك قيدي وضع اولونماشدر ( ماده ۲۲ ) بر ناحيه دائره سنده ( ۵۰۰ ) دن زياده و ( ۷۵۰ ) دن دون برنجي درجه منتخب اولديني حالده بر و ( ۷۵۰ ) دن ( ۱۲۵۰ ) يه قدر ايكي و اخ منتخب تاني چيقار ( ماده ۲۳ ) ۵۰۰ دن دون و فقط ۲۵۰ دن زياده منتخب اولي اولان بر ناحيه نك بر منتخب تانيسي اوله بيلير .

رأي ويرمك بالذات صندوق باشنه كيدوب يوصله يي آتمقه متوقف اولديني حالده قانون ۴۴نجي ماده موجبنجه بر استئنا قبول ايديبور. اوده معروف بر كيسه لمعذرة مركز قضادن محل انتخابه بالذات كله مزسه بوذات انتخاب يوصله سني بر ظرف ايله هيئت تفتيشيه رئيسنه كوندره بيلير و رئيس ده علناً قرائت ايدر .

منتخب تانيلر اكثريت اضافيه ايله انتخاب اولوندن سوكره مضبطلريني حامللاً مركز قضايه كيدوب منسوب اولديني - سنجاقدن ( ۵۰ ) بيك نفوس ذكور اعتباريله قاچ مبعوث چيقه جقسه اونلرك اساميسني - ايستر نامزدلكلريني اعلان ايدنلردن اولسون ايستر منتخب تايجه اوصاف لازمه يي حائز ذواتدن بولونسون - بر يوصله يه بازار و صندوقه آتار . مركز

علم و خبر کو تورمک لازمدر ( ماده ۹ ) يالکز مأمور لر و ملازم رتبه سنه قدر ضابطان ( نظاميه ، رديف و ضبطه ) بوقیده تابع دکدر لر . ضبطه و نظاميه نفراتنه کلنجه اونلر ايکيه منقسمدر : بر قسمی مآذوناً و وطننده بولونان و ديگر قسمی وطننده بولونيان . برنجيلری بلا قيد و شرط انتخابه اشتراك ايده بيله چکلری کبی ايکنجیلری ده مامورينه قیاساً علم و خبره محتاج اوليه چقدر . بوندن ماعدا قرعه سی چيقان نفراتنه برحق ویريليورکه اوده اتابه در : یعنی بودرلو نفرات ، محللری مجالسی معرفتيله طرفه نندن ايستکلرینی وکیل ایتمکه صلاحیتلری بولونه چقدر . [ انتخاب توکیل قبول ایتمز بر مأموریت اولديغنه کوره بواساسک بطلانی آشکاردر . باخصوص که قرعه سی چيقان برنفرک وطننک غیریسنده نقل علم و خبری بيله ویرمکسزین انتخابه اشتراك ايده بيله چکی مصرح اولونجه بوبله بر توکیل معناسز اولور . وعادتا اوچ درجه اوزره انتخابه منجر اولور . ]

امر انتخاب قضانک هر ناحیه سنده آیری آیری اجرا اولونور و بر ناحیه ده مقید اولان بر منتخبک ديگر ناحیه به کيدوب رأی ویرمکه حتی اوله ماز . یعنی رأی مکرر اصولی تجویز اولونتامشدر .

ايکنجی درجه منتخبک عدد و مقدراری برنجی درجه منتخبله نظراً تعیین اولونور .

یعنی هر بش یوز منتخب اوله بر منتخب ثانی اصابت

اعتبار اولونه جقدر . ( ماده ۱ ) هر سنجاقدن دهبهراللی بیك نفوس ذ کوره کوره بر مبعوث اصابت ایده جك صورتده مبعو-  
 ثلك مقدارى تعیین اولونه جقدر ( قانون اساسی غیر معدل  
 ماده ۶۵ ) نفوس ذ کوری اللی بیسکدن دون ویا زیاده اولان  
 سنجاقرده یکرمی بش بیك نفوس اللی بیك نفوس اعتبارنده  
 طوتیله جقدر ( انتخاب قانونی ماده ۲ )

انتخاب حقندن کیملر محروم اولدیغی اون برنجی ماده تعداد  
 ایدیور : یکرمی بش یاشنی اکال ایتمین و حقوق مدنیه دن ساقط  
 بولونان و تابعیت اجنبیه ده ویا او ادعاده بولونان ویا موقتاً خدمت  
 اجنبیه امتیازینی حائز اولان ویا نظاماً افلاس ایله محکوم اولوب  
 اعاده اعتبار ایتمین ویا محجوریتنه حکم لاحق اولوب ده فك حجر  
 ایتمه مش اولانلر ویا « طوغریدن طوغری به دولته از چوق ویرکو  
 ویرمینلر » انتخاب حقندن ساقطدر .

انتخاب وظيفه سنه یا لکنز بونلر نااهل عدایدیور . سکرنجی  
 ماده موجبنه بر کیمسه نك خدمتکار لغنده بولونان و سوأحوال  
 ایله مشهر اولان ویر جنجه و جنایتله محکوم بولونانلرک دخی  
 تنظیم اولونان اساس دفترنده اسملری قارشوسنه و ملاحظات  
 خانه سنده کیفیتلری اشعار و تصریح اولونه جقدر . .

انتخاب دفترینه قید اولونه بیلمک ایچون یا بر سنه دن بری او قریه  
 و محله ده اقامت ایتمش اولمق ویر محلدن دیگر محله نقل ائناسنده  
 ترك ایندیکی قریه ویا محله مختارندن یکی قریه و محله نك مختارینه

هنوز اشكال قانونيتي تماماً اکتساب ايمه مش اولان  
 عثمانلي قانون انتخابي ده « طوغريدن طوغري به از چوق  
 ويرکويرن» لري ده انتخابچيلک وظيفه سنه اهل کورد يکندن بزده ده  
 معنای قانونيسيله ويرکو اساسي قبول ايدلمش صاييله بيلير .  
 انجق باشقه مملکتلرده انتخاب بختنده ويرکو ويرمک قيدي  
 على الاکثر بلا واسطه ويريان املاک و اراضی ويرکوسنه  
 معطوف اولديغی حالده بزده ويرکو ويرمک قيدي توسيعاً  
 تفسير اولونه رق دولته هر نه صورته اولورسه اولسون طوغريدن  
 طوغري به اک جزوی بر مبلغی بيله ويرنله حق انتخاب  
 تشميل ايدلمشدر .

۱۸ عثمانلي قانون انتخابي و آرای محدودده . — ممالک عثمانيه ده  
 اليوم مرعی اولان انتخاب قانونی قوه تشريعيه و اجرائيه نك  
 تمامی تصدیقنه مظهر اولمش بر قانون اولماقوله برابر برنجی  
 دوره اجتماعيه انتخاباننه بونتمام قانون، اساس اولمش و برنجی  
 دوره اجتماعيه مدتجه قانون مذکورک نه معامله تصدیقيه سی  
 اکمال ونه ده يکیدن بر قانون تنظيميله نتمام قانون سابقک حکمی  
 ابطال ايدلمه مش بولونديغندن بدایت مشروطيتمزده ناصلسه بر  
 نسخه نادره سی بولونمش اولان بوغير مصدق قانون دستور العمل  
 بولونمشدر .

بو قانون موجبنه مبعوثان انتخاباتی سنجاقلر اعتباريله اجرا  
 قلته جق و هر سنجاق بر دائرة انتخابيه و هر ناحيه بر شعبه انتخابيه

مقابل اوتهدن برى امثالى كورلديكى وجهه صنوف اغنيانك ، زادكانك وعصر حاضرده سرمايه دارلرك تزويد قوت و ثروتى ايجون محاربه لر واستيلارلك چوق دفعه واقعدر. علم و فكريك تصفيه اخلاقه ثروتدن زياده ياردم ايتديكى انكار ايتك ايجون فكر مدنيت و انسانيتى هيجه صايماق لازم كليز زيرا علم صاحبلى وطنى هيچ اولمارسه نهدرلو سومك لازم كلاجكى تقدير ايدرلر .

برده فقر و ضرورتى مانع اهليت عد ايتك مساواة قاعده سنى ده محل و بناء عليه حقوق طبيعىه و شخصيه به منافيدر حتى حاكميت مليه هر فردك حاكميته اشتراكى مقتضيدر بعض شرائط اهليت وضع اولونمى قاعده مساواتى محل دكل در . انجق بو تقييدات اويله برماهتده اولملى كه انلى لى الايجاب اقتحام ايتك هر فرد ايجون سهولتله ميسر اولسون . مامور ايجون مكتبدن شهادتنامه آلق بر قيدير فقط بو قييدك زوالنه هر فرد غيرت و سبى سايه سنده مقتدر اوله بيلير . انجق ثروت اويله بر ماهيتده در كه انى ا كتسابه هر فرد ذكا و فعاليتنه رغماً دائماً مقتدر اوله ماز . شو حالده انتخاب ايجون واقعا اهليت آرامق لازمدر . فقط بولزوم كنديسنه وصول عديم الامكان اوله جق بره دفعه معطوف اولما مليدر . بناء عليه فكر عاجزانه مزجه و يركو و ثروت اساسنه مستند آراى محدودده مردود بر اصولدر .



منافی کورلمه مش ایدی حتی ویر کو ویر نلره (Citoyen actif) و ویر کو  
 قیدینه تابع بولمیانلره (citoye n passif) دینلمش ایدی. دستوراً  
 سیون دورنده وای فیلیمک زمان قرالیتنده عینی اصول  
 - تفرعانده و تطبیقاتده بعض اختلافات ایله برابر - تقرر ایتمش  
 وحتی بو طرز حکومت دولتمک صنوف متوسطه خلق یدینه  
 انتقالنه باعث اولدیغندن طبقه عوام محضابویله بر قانون انتخابی  
 قالدیرمق ایچون ۱۸۷۸ده لوی فیلیمه ودها طوغریسی صنوف  
 متوسطه خلقه (Bourgeoisie) قارشو قیام ایلمش ایدی.  
 ثروت و ویر کو بی منحصرأ بر حجت اهلیت و اخلاق عدایدوبده  
 باشقه عواملی دریش ایتمک بزجه طوغری بر اساس دکلدرد.  
 ارباب ثروت و یسارک امور دولتی دهاکوزل تحصیل و جاهلرک  
 بو نعمتدن محروم اوله رق امور دولتمدن بی خبر اولدقلری ثابت  
 دکلدرد. ارباب ثروتک بالعکس جهالت وحتی اخلاقسزلنه  
 دوچار اولدقلرینه بک چوق مثال ایراد اولونه بیلمیر. نیجه  
 میراث خوارلر واردرکه وارث اولدقلری ثروتی بیله اداره  
 ایدم بیله بک بر عرفان و مزیتی بیله اکتساب ایتمه مشلردرد.  
 دیگر طرفدن عنصر اسایش و وطنپروری بی یالکمز ثروت  
 صاحباننده آرامقده عبتمدر وحتی صورت مطلقهده صحیح  
 عد اولونه میه حق بر ادعای مفرطدر. زیرا یننه تجربه  
 نابتدرکه مملکتک بالخاصه خارجی اسایشنک مختل اولمسندنه اک  
 زیاده قانلرینی قهرمانقله دوکندر اک فقیر کیمسه لردرد. بوکا

اراضیدن محرومیت حسبیله ویرکو ویرمین و بناء علیه  
 محروم ثروت اولان کیمسه لرك انتخاب ایچون اخلاقآده لازم کلن  
 اهلیتی احراز ایدمه جکاری شو صورتله ایضاح اولونیور :  
 ثروتی اولیان کیمسه وطنک سلامت و محافظه سنده ثروتی  
 اولان کیمسه درجه سنده علاقهدار اوله ماز . وطنک تهلمکده  
 دوشمی صاحب اراضی بی دوشوندیریر و بناء علیه آنی  
 محافظه و مدافعۀ وطن ایچون لازم کلن تدبیر و تائی به سوق  
 واجبار ایدر . اراضیمی و ثروتی اولیان کیمسه به کلنجه  
 - مستثنا بر قاعت و رصانت اخلاقیه به مالک اولدقجه - اونک  
 منفعت شخصی سی جمعیتده و علی العموم وطنده حال حاضر  
 موجودک دوامی دکدر . بالعکس حال حاضر دوام ایتدکجه  
 انکده ضرورت و سفالتی امتداد ایده جکندن او ایسترکه  
 مملکتده بر طاقم ماجرالر ، قاریشیققلر ظهور ایتسون تا که  
 کندیبی ده - اگر امکاتی بولورسه - بر کلاه قابسون  
 و مملکتک خارجی و داخلی غوائلندن مستفید اولسه بیله اساساً  
 برشی عائب ایتمه مش اوله جغندن هیج اولمازسه بو صورتله - بر  
 احتمال استفاده به بناء اولسون - طالغی تجربه ایتمش  
 بولونسون .

فرانسه انقلاب کیری ائناسنده ( مجلس قانون اساسی )  
 مذاکراتنده بوبحث مهم جریان ایتمش او وقت انتخاب قانونه  
 ثروت و ویرکویه متعلق بویله بر قیدک وضعی حاکمیت ملیه به

قدر تعداد ایندیکمز تقیداتك هیچ بری آرای عمومیه  
 قاعده سنه مخالف دوشمدیکی حالدہ علی العموم مؤلفین بو صوك  
 قیدی آرای عمومیه نك (Suffrage universel) مقیدی عدا یتکده  
 وحتى آرای محدودہ نك (suffrage restreint) باشلیجه وصفی  
 بو نقطه یه حصر یتکده درلر . عجبا انتخابك بر مأموریت  
 ووظیفه اولدیفنه دائر وضع ایندیکمز بو قاعده بو ثروت و ویرکو  
 اساسنی ده استیعاب ایده بیلیرمی ؟ انتخاب دنیلن وظیفه یی حسن  
 ایضا ایده بیلیمك ایچون لازم کلن شرائط و اوصافدن بری ده  
 ثروت صاحبی اولمق ، دولته ویرکو ویرمك اولدیفنی محق صورته  
 ادعا اولونه بیلیرمی ؟ ثروت ، انتخاب و حاکمیت ملیه یی اظهار ایچون  
 بر وصف ممتاز ، بر اهلیت مخصوصه عدا اولونه بیلیرمی ؟ بو مسئله  
 صورت مخصوصه ده نظر اهمیتہ آلمغه شایاندر .

بو ادعا یه نظراً فقر و ضرورت - که بر مقدار معین ویرکو ویرمکه  
 مانعدر - انتخاب مأموریتنی ایضا ایچون ایجاب ایدن اهلیت علمیه نك  
 اکتسابنه مانع اولدیفنی کبی اهلیت سیاسیہ و اخلاقیه یه ده مساعد  
 دکدر . مادی بر سعی ایله انجق رزق و روزمره سنی تدار که وقت بولان  
 بر شخصك امور دولته اشتراك معناسنی تضمن ایدن انتخاب ایچون  
 مقتضی اوصاف علمیه یی تدرس و اکتساب یتکده وقت بوله میه جنی  
 وحتى اولادینی دخی سائقه ضرورتله بو اوصاف اهلیتدن  
 محروم قیله جنی آشکاردر . بناءً علیه بونلر جمعیتك امر محافظه  
 سنده لازم اولدیفنی درجه ده علاقه دار اوله مازلر .

۶۶ اوقومق يازمق و انتخاب . — انتخابك بعض اوصاف و شرائط كسيه به تابع بر ماموريت اولديغى اثبات ايدن بر نقطه ده بعض مملكتلرده اوقومش يازمى اوليانلر ك بو وظيفه به غير صالح عداولو نمه ليدر . مثلاً ايتالياده اوقومسى يازمى اوليانلر انتخاباته اشتراك ايتمز لر . متحده شاليه ده ماساچوسهت حكومتنده انتخابچينك قانون اساسى ي انكليزجه اوله رق اوقومسى و كندى اسمنى يازم بيلمسى اقتضا ايدر ، قونه كنيكوت حكومتنده انتخابچينك هم قانون اساسى ي هم قوانين سائره ي اوقومسى و فضله اوله رق محترم اولمى ايجاب ايدر . ميسيسيپى حكومتى انتخابچيدن باشقه شيلرده ايستيور . منتخبك قانون اساسى ي اوقومسى و كلامسى و آنى ايضاح ايدم بيلمسى لازمدر . [۰]

۶۷ آراى محدوده و انتخاب — طاشراً قانوناً معين بر مقدار ثروت صاحبي اولمق ويا ويركو و ايجار ويرمك ... بو مسئله يى اهميت فوق العاده سى اولديغى ايجون الك صوكه براقبورز . شمدي به

[۰] | بو اغير شرائطدن مقصد حقيق زنجيلرى انتخاباته اشتراكدن مهماممكن منعدر . زنجيلر على الاكثر قانونى اوقومق و اكلامدن عاجز اولدق لردن بو قيد برازده اولنلر انتخاباتدن محروم قيلمفه معطوفدر . متحده شاليه نك مشترك قانون اساسى كيمسه نك جنس و مذهب و (لون) ندن طولايى حقوق سياسيه سنك محروم ايديله ميه جكنى تصريح ايلديكندن حكومات صغيره بونك حكى خارچنه صراحة چيقه ميورلر و اونك ايجون بو طولامباچلى طريق اختيار ايديورلر . |

ويريبور : اولا ۳۵ ياشنى اكالم ايتمش اولمق ، متاهل وياطول اولمق ، ولد مشروعه مالك اولمق و دولته لاقول بش فراتق و يرکوی شخصى ويرمك ؛ ثانياً ۲۵ ياشنى اكالم ايتمك و لاقول ۲۰۰۰ فراتق قيمتده و يوز فراتق ايراد و یرن بر ملكه صاحب و يا تصرف صندوقده او مقدار ايراده مالك اولمق ... (۲۵) ياشنى اكالم ايدوب شرائط آتیه يي حائز اولان كيمسه لر ايكي رأى منضمه مالك اولور لر : اولاً رسمى و غير رسمى مكاتب عاليه دن شهادت نامه آلمق و يا بوكا معادل بر اهليت نامه و تصديق نامه يه مالك اولمق ؛ ثانياً بروظيفه رسميه ايضا ايتمك و يا اولجه ايضا ايتمش بولونمق و درجه عاليه تحصيل و سطيسنى مستلزم بر مأموريت و يا مقام اجراز ايتمك و يا اولجه ايتمش بولونمق ... مع مافيه كيمسه شخصنده اوچ رايدن زياده سنى جمع ايدمه من .

رأى مكرر اصولى بزجه اك زياده باعث محسنات ايسه ده بونك برنجى شرطى ثروت و ويركو اوزرينه مؤسس اولما سيدر . چونكه سائر مأموريتلرده اولدينى كې بو مأموريتده هر كسك سعى و غيرتيله و سهولت ممكنه ايله اهليت و استحقاق پيدا ايتمىنى تسهيل مقتضاي قاعده مساواتدر ؛ ثروته ايسه هر كس سهولته و اصل اوله ميه جفندن رأى مكرر ايچون ثروتى اساس اتخاذا ايتمك بالطبع بو نقطه نظره مخالفدر .

بلجيقا قانوننده ايسه مع التأسف بو اساس مهمدن — واقعا يك جزئى اوله رق — انحراف ايدلمشدر .

توکیله غیر مأذون اولدقلری کبی بو حقلرینی باشقه سنه نه هبه و نه بیع ایده مزلر . حتی رأی صانان ویا صاتون آلان کیمسه لر حقنده قوانین جزائییه شدتلی تأدیبات وضع اولونمشدر .

بر مأمور و وظیفه سندن امتناع ایدمه جکی کبی وظیفه سنی بالذات ایفا و کندیسنه تودیع اولونان مأموریتی باشقه سنه ترک ویا فروخت ایتمه مکلہ مکلفدر . انتخاب ده کوریلور که تماماً بویله در .

۴۵ رأی مکرر . - نامناً انتخاب ا کر علی رؤس الافراد هر شخصک وجودیله لایتنک بر حق مطلق شخصی اولسه ایدی هر فردک نهایت بر عدد رأیه مالک اولسی مطلق و غیر قابل تغییر بر دستور اولمق اقتضایدر ایدی . ایمدی بعض مملکتلرده بعض کیمسه لرك انتخاب خصوصنده مضاعف ویا مثلث بر قوت و قیمتده اولدقلرینی ومثلاً ایکی ویا اوچ رأی پوصله سی آتمق صلاحیتده مالک بولوندقلرینی کوریبورز . شو صورتله یکدیگرینه مساوی اولمق ایجاب ایدن افرادی یکدیگریک ضعفی ویا اوچ مثلی درجه سنده کوره رک ظاهرده مساواتی مغل بر حال قازوشونده بولنبورز . ایمدی مؤلفلر انتخابه دهها زیاده اهل و صالح کیمسه لره بویله مکرر رأی ویرمک (Vote plural) صلاحیتنی اعطاده بر ضرر دکل بالعکس بر فائده کوریبور و بونی حاکمیت ملییه اصلاً مخالف عد ایتیمورلر . حتی بلجیقاده بو اصول تطبیق بیله ایدلمکده در . بلجیقاقانون اساسیسنک ۴۷ نجی ماده جدیده سی شرائط آتیه بی حائز اولان کیمسه لره بر رأی منضم حتی

نظاميه نك و بالفعل خدمتده بولونان ضابطانك انتخاباته اشتراك ايتاملرى مقتضاي قانوندر. عسكرك افرادملى تشكيل ايتديكمنه شبه اولدينى حالده بو حقدن محروميتى انتخاب دينيلن شيتك مأموريت ووظيفه اولديغنه دليلدر. زيرا واضع قانون بوراده عسكرك وظيفه سيله انتخابچيلىق وظيفه سنى غير قابل توفيق عد ايدييور.

سوسياليستلر واقعا بو موافك رفعى آرزو ايتمش ايسه لرده فائده سياسيه واجتماعيه سى بوكا مانع اولمقده در.

۴۵ انتخابده مجبوريت و تصرف. — سادساً اكر انتخاب منحصرأ بر حق شخصى اولسه انتخابه اشتراكك مجبورى اولدينى بعض قوانينه ادخال اولونه ماز ايدى. زيرا بر شخصك كندى حقنى استعماله قانوناً اجبار اولونمى معقول اوله ماز. فرانسده انتخابك مجبوريتى قانوناً مصرح اولدينى كى مكسيقا و بلچيقاده دنى افراده بو مجبوريت تحميل ايدلمش در. ايتالياده انتخابه اشتراك كدن امتناع ايدنلر ايجون بر جزا ترتيب ايدلمسى اليوم تحت تذكرده بولنان انتخاب قانوننده تصریح اولونمقده در.

سابعاً اكر انتخاب افرادك شخصنه عائد برحق، برمال شخصى اولسه افرادك بونى ايجابنده كيف مایشا تصرف ايتملرى مجاز اولمق ايجاب ايدرايدى. حالبوكه انتخابه اشتراك ايدنلر، اراده عموميه بى اظهاره مأمور اولانلر بالذات اعطاي رايه مجبور و بناء عليه باشقه سنى

سیاره بی انتخاباته تشریک جائزی؟ بالاده کی قاعده به کوره بالطبع جائز اولماز . مع مافیه اوچ بچق سنه مقدم کی انتخاباته غیر محرر اولان اهالی و عشایر سیاره — هر نه قدر انتخاباته فعلاً اشتراك ایتمدیلر سده — نفوس عمومیه یکوئی قبارته رق مبعوثلرک نسبت عددیه سنی تزئیده باعث اولشلردر . مثلاً عشایردن یوز بیک نفوس ذکوری اولان بر ملدن — بو نفوس فعلاً انتخاباته اشتراك ایتمدکلری حالده — ایکی مبعوث چیقہ بیلمشدر .

رابعاً جنحه و جنایتله محکوم بعض کیمسه لرک — افراد ملتدن اولدقلرینه شبه اولدینی حالده — انتخاباته اشتراك ایتملرینک ممنوع اولمسی . . . بونلر ایچون مانع انتخاب اولان شی سؤ اخلاقدر انجق بوراده کی سؤ اخلاقک دلیل ظاهر یسی بر محکومیت جزائیه در . بو محکومیت موجود اولدقجه برائت ذمت اصل اولدیغندن کیمسه به اخلاقسنزلق اسناد اولونه ماز بناءً علیه حق انتخابدن محروم قیلنه ماز . بو فکره کیمسه اعتراض ایدمزر . سوسیالیستلر بیله حق انتخابی هر طرفه تشمیل ایتمدکلری حالده حبسخانه لرده رأی طویلامنی تجویز ایتمه مشلردر . برده عینی اسبابدن طولایی عثمانلی قانون انتخابجه خدمتکارلر و سوء شهرت صاحبی اولانلر انتخابه اشتراك ایدمزرلر .

خامساً عسکر و بعض صنوف مأمورینک موقت بر زمان ایچون انتخاباته اشتراك ایدم ماملری . . . عثمانلی قانون انتخابنده بو جهت حقنده جواز وار ایسه ده دیگر مملکتلرده عساکر



فرقه ايشی بايمپورلر . شمديکي باش وکیل مستر اسکويٹک سلفی سير هانری کيل بازمه ن قادينلرک انتخاباته اشتراك ايتمه لرينه طرفدار ايکن فرقه سنی اعطای رأیده سربست براقش و بويوزدن مجلسک عینی صفلرنده ، عینی فرقه يه مخصوص صره لرنده يازانه موافق و يا مخالف آدملر ظهور ايتمشدر . اليوم انکلتره ده بوکا متعلق لايحه قانونيه نك ايکی دفعه مجلس مبعوثانده قرائت ايتدیراسنه موفقيت حاصل اولمشدر . آنجق شمديکي باش وکیل مستر اسکويٹ اوچنجی قرائتنه ميدان براقماديفندن قادينلر اوکا قارشو عاداتا حال عصيانده بولونيورلرحتی کچن سنه پارلمنتويه کيدر ايکن کنديسنه تجاوز ايتمشرايدی .

۴۸ انتخابدن محروم ديگر صنوف ملت . — نانياً چوجقملر ...

ملت ديجه چوجقملر البته داخلدر . بناء عليه بوتون افراد ملتک بلا استثنا انتخاباته اشتراك ايلمسی حاکيت مليه مقتضاسی اولان بر حق ، اشخاصدن لاینفک بر حق سياسی اولمق لازم کلسه چوجقملرکده انتخابجی اولمسی لازم کایر . بوکا ايسه هيچ بر دولت قانوننده مساع و يرله مشدر .

ثالثاً انتخابجیلر ایچون آزچوق بر اقامتگاه صاحی اولمق لزومی . .  
جميتمک انتخابجیلردن بو قدر جزوی بر تأمینات ایستمکه صلاحیتی وار. نه رسمی ونه غیر رسمی هيچ بر اقامتگاهی اولمايان کیمسه نك مملکتته ارتباطی ضعيف اولدینی ایچون دولت بويله سندن بحق احتراز ايليه بيلير و بو حیثيته بالفرض سرسريلری انتخابدن محروم ايتمک ایجاب ايدر .

عثمانلی قانون انتخابنده اقامت قیدی موجود اولدیفندن عشاير

اقوامك يالكز ارگكنده دكل قادينده دخى كوروليور . شمالى متحده  
 آمريقاد قولورادو ، پو منيغ ، ايداهو ، اوتاه حكومتلرنده قادينلر  
 اتخابجى اولق صلاحيتنه مالكدرلر . واشينغتونده بر آرهلق بوحقه مالك  
 اولدقلى حالده بالاخره غائب ايلشدرلر . ديكر بعض حكومات صغيرهده  
 مثلا قانساسده قادينلر ك حق اتخابه نائيلتلىر تكليف اولونمش فقط  
 بو تكليف ملتجه مظهر تصديق اولامشدر . ديكر بعض حكومتلرده  
 بلديه وحتى زورى اتخابانه اشتراك ايدرلر ويالكز اتخابجى دكل منتخب  
 دخى اولورلر ومثلا زورى اعضاسندن- وينه قانساسده اولديغى وجهله-  
 بلديه رؤساسندن اولهيايرلر .

اوسترايا حكومات متحدهسنده دخى ويقتوريا حكومتى مستثنا  
 اولهرق بوتون حكومتلرده قادينلره حق اتخاب ويرلمشدر . حكومات  
 متحدهنك مشترك مجلس مبعوثانى اتخابانى ايجونده عيني حال جاريدر .  
 يعنى هانكى بر كوچوك حكومته نسوانك اتخابانى وار ايسه اوحكومت  
 مشترك پارلمنتويه كوندريلهجك اعضانك اتخابانهده قادينلرى تشريك  
 ايتكدهدر .

اوروپاده نوروچ حكومتنده قادينلره — اركلره تماماً مساوى  
 اولماق اوزره — حق اتخاب ويرلمشدر ( ۱۴ حيزران ۱۹۰۷ قانونى )  
 اركلر آراى عموميه اصولندن مستفيد اولدقلى حالده قادينلر سنوى  
 شهرلرده ۴۰۰ وكويلرده ۳۰۰ قورون ويرمك و ۲۵ ياشنى اكمال  
 ايتك شرطيله حق اتخابه مالك قيلنمشلر .. اليوم نوروجهده ( ۳۰۰ ) بيك  
 اتخابجى قادين بولونمقدهدر .

انكلترده قادينلر ك اتخابانه اشتراك ايتلىرى ايجون فوق الحد  
 چايشيليور . قابينلر قادينلر ك حقوق اتخابيه سنه متعلق قانون لايحهسنده

قادينلر اراككلره نسيبة - وينه اراككلرك صنع وياقصديله -  
 جاهل قالملى موقت بر مانع تشكيل ايدييورسه بومانى  
 الفا ايتك ممكن دكلى ؟ وبناء عليه بو قادينلرى بعد التريبه  
 حقوق انتخابيه مظهر قيلمق ايجاب ايتزمى ؟ اوت قادينلرك تربيه  
 وتعليمنى اصلاح واكل ايتك ممكن اولور . فقط طبيعت  
 وخلقلىرى اصلا ... حتى بو طبيعت وخلقلى تبديل ممكن اولسه  
 دخى ايمه مليدر . چونكه قادين قادينلق خاصه سنى غائب ايدنجه  
 بشرىت بويوك بر فنالق وفلاكته اوغرامش اولور .  
 اونك ايجون قادين ينه اوك زينتى قالملى ، ابي بر زوجه ، ابي  
 بر والده ، ابي بر مربيه ، ابي بر صاحبة البيت . . ايشته  
 مابه الافتخار نسوان اولان اوصاف . . .

برده قادينلره حق انتخاب ويررسهك بالفرض مبعوثلغه  
 انتخاب ايتك نتيجه سنه وارمازمى يز ؟ قادينله ارككى قاريشيق  
 بر مجلس مبعوثان تصور ايدلم . مذاكرات البته كورلديكى  
 شكلده جارى اولماز . .

الحاصل قادينى چركينلشدير مك ايترسه كز سياسيات عالنه  
 آتيكز . . .

حال بويله ايكن بعض ممالكده قادينلرك انتخابه اشتراك ايتملىرى  
 تأمين اولونمش ، ديكر بعض ممالكده بوكا كمال كرمى ايله تشبث ايدللكده  
 بولونمشدر . بو حاله اك زياده آنفلسون عرقه منسوب اولان  
 اقوامده تصادف اولونور استقلال وحرىت حرَكَات بو عرقه منسوب

چونکه قادین و طنک مدافعه سی امرنده عینی کلفتی تحمل ایتمور .  
 حتی ویرکو ویرمک خصوصنده بیه ارککه نظر آقلیتده قالیر .  
 نته کیم انکلترده بوکون ارککلرک انتخاباته اشتراک ایتمسی ایچون  
 از چوق کرا ویا ویرکو ویرمک ایجاب ایستدیکندن قادینلر  
 حقوق انتخابیه — مأمول ایستدکلی و جهله — نائل اولسولر  
 پک آز قادین بو حقه نائل اولمش اوله جقدر زیرا اکثر نسوان  
 سکنا و معیشتجه ارککلره تابع و ضربوطدرلر .

قادینلر بر طرفدن اهل اولمدقلمی حالده دیگر طرفدن وظیفه  
 سیاستک ذروه سی دیمک اولان قوالیچه لک درجه سنه صعود  
 ایدیورلر . بو منطقسزلق دکلیدر ؟ اوستریاده املاک جسیمه یی  
 ممثل مجلسلرده قادینلر انتخابچی صفتیه دکل ، اعضا صفتیه  
 حاضر بولنورلر . بوده تناقض تشکیل ایتمی ؟ بو منطقسزلق  
 و تناقض مقتضای عقل اولمدن زیاده مقتضای تاریخدر  
 وقاعده عمومی تأیید ایتمک لازم کلن بر طاقم مستثنیات تشکیل ایدر .  
 نته کیم بر چوق قادین طبیعتلی ارککلر ویا ارکک طبیعتلی متغلب  
 و متحکم ، ذکی و عالم و حتی مخترع و کاشف قادینلر وار . اکر  
 بوصفات رجلیتی حائر قادینلری تفریق ممکن اولسه شهه یوق که  
 اولنره انتخاب صلاحیتی تودیع ایتمک و نته کیم قادین  
 طبیعتلی ضعیف و جبین ارککلردن ده اکر انلری تمیز ایده جک بر  
 معیار حقیقی بولونسه انتخاب صفتی نزع اولونمق لازم کلیر ایدی .  
 مع التأسف بر معیار یوقدر .

ایتمش و هر ایکسینی سعادت مشترکهٔ جهانہ عینی قیمتده خادم قیلمشدر. نه ارکک کنديسنه فضلہ زحمت تحمیل ایلین وظائفدن اشتکایه و بناءً علیه بنده قادين کبی استراحت ایتک ایسترم دیمک، نهده قادينک بنده ارکک کبی قلیج قوشانه جغم ویا ارکک کبی سیاسیاته و امور حکومتہ قاریشه جغم دعواسنده بولونمغه حتی وار. اک قدیم اعصاردن بری امور حکومت و سیاستده ارکک، امور پتیهده قادين اختصاص ایتمش و بو ایکی شعبهٔ بشریت آره سنده بر تفریق و تقسیم طبعی اعمال حاصل اولمشدر.

واقعا بعض اعتراضات در میان اولونیور: قادینلرده ارکک قدر ایی اداره اولونمق صلاحیتنه مالک دکیدر لر؟ باخصوص اونلر جنس ضعیف اولمق حسبیله ازلک تهلکسنه قارشو کنديلیرینی حتی دهها فضلہ صلاحیتلرله تجهیز ایتک ایجاب ایتزمی؟ فقط بر شیده علاقهدار اولمق اوشیده رویت واقندار ایله تصرف و آنی اداره معناسنی افاده ایتزم. نسبةٔ ضعیف اولمق فضلہ صلاحیت و امور حکومتہ فضلہ اشتراک کبی بر نتیجه بی استلزام ایتسه چوجقلمی رأس کاره کتیرمک لازم اولور.

حقوق عادیه اعتباریله قادين ارکک درجه سنده اهل عد اولوندينی حالده حقوق سیاسیه و بناءً علیه انتخابات طولایسیله نهیه عینی درجه اهل اولسون؟ بونکده جوابی یک قولایدر.

ایتمکده ایسه لرده دیگر بر جوق احوالده و مثلاً وطنه قارشی بعض کلفتر و مشقتلر تحملی امرنده ارککلردن دون بر موقعدده بولنیورلر . نعمت کلفته کوره اوله جفندن ارککلک بالفرض خدمت عسکریه ابرازنده کوریلن فضله زحمت و کلفقی مملکت امورینه فضله اشتراکی ایجاب ایتدیریر . عقل و ذکا اعتباریله ارککلرک عقل و ذکای وسطیسی ایله قادیئرک عقل و ذکای وسطیسی آره سنده مقایسه یایمغه مساعد قطعی ایستاستیقلمر موجود اولدیغندن ارککلرک ده اعاقل اولدقاری ادعاسی قادیئرله قادیئر طرفدارانک طوفان اعتراضاتی جلب ایده جکندن بو جهت حقنده بر سوز سویلنه مز ایسه ده قادیئرکده خصوصیت حاللری اعتباریله مدافعه مملکته متعلق وظائفی ارککلر درجه سنده ایفا ایدمه جکلری محققدر .

بو حال قادیئرک قیمت اجتماعیه لرینی کوچولتیه جکی کبی کندیلری حقنده بر مساواتسزلق و بر حقسنزلق دخی عد اولونه ماز . انتخابات سیاسییه بمخنده قادیئرله ارککی بر بریله جنکلشیر ایکی قوه متضاده کبی تلقی ایتمکدن ایسه عموم وظائف انسانیه اعتباریله ارککله قادیئر آره سنده بر تقسیم اعمال جاری اولدیغنی ادعا ایتمک و هر ایکی طرفه اصصابت ایدن وظیفه لره علویت وفائده اجتماعیه نقطه نظرندن مساوی بولوندقارینی سویلمک ایکی جهنک هم تشکلات خلقیه سنه ، هم عزت نفسنه ده موافق اولور . خلقت ارککه آیری قادیئر آیری طریقله ارائه وظیفه

آنحقی ربي انتخابه اشتراك اينديکي آکلاشيليور. مادام که کافه اقوامده بعض صنوف خلق وارد که انتخابه اشتراك ايمپورلر ديمک اوليور که آنلرده انتخاب برحق دکل بر وظيفه و مأموريت اعتبار ايدلمش در. بو صنوف خلق کيملر در ؟

اولا قادينلر. . . بشريتک بر نصفی تشکيل ايدن قادينلر - بعض مملکتلر مستثنا - انتخاباته اشتراك ايتمز لر . بونکله برابر قادينلرکده افراد مملتدن اولدقلرينه و مملتک نصف قوت و قدرتی تمثيل وارائه ايلدکلرينه شبهه يوقدر . سوسيالستلر و فمينيستلر ( يعنی حقوق نسوانک توسیعی طرفدارانی ) بوکا اعتراض ايدیورلر و بو استثنایي يالکمز حقوق طبيعیه و شخصيه دکل ، انتخابی بر مأموريت و بناءً عليه حقوق سياسيه جمله سندن عد ايتديکمز کوره حقوق سياسيه دخی مخالف و بو اعتبار ايله ده قاعده مساواتی محل عد ايورلر . بو اعتراضه محق و قطعی بر جواب و یرمک بر طرفدن قادينلرک علم منافع الاعضا نقطه نظرندن ارککلره نه درجه مساوی اولدقلرينک حانه و ديگر طرفدن قابليت سياسيه لرینک تعيين ماهيته و ابسته در . برنجی نقطه یی تدقيقه موضوعمز مساعد دکلدر . آنحقی ايکنجی نقطه یی تدقيقه کيريشنجه کوريرز که قادينلر بشريته هر نه قدر ارککلر درجه سنده و حتی بعض مسائلده و مثلاً رضاع ، تربیه اطفال ، امور خيريه ، تدبير منزل کي خصوصاتده ارککلره فائق بر خدمت ايفا

خصوصندہ مساوی بر حقہ مالکدر . دنیلیوردی .  
 انتخابك هم حق وهم حق متساوی اولدینی اعلان ایدیلیوردی .  
 دی . سنه ۳ قانون اساسیسنده عین نظریه قبول ایدیلیوردی .  
 ایدی . مع مافیہ قونوانسیون حکومتی حاکمیت ملیہنک  
 اجزای مرکبہسندن اولان قادینلردن انتخاب حقنی  
 سلب ایتسکه کندی دستور سیاستنی کندی نقض ایتس  
 اولیوردی .

خلاصه؛ انتخاب بالقوه برحق، بالفعل بر مأموریتدر. ملتک  
 افرادی عدادندن اولدینی مصدق اولسنه نظراً برحق طبیعیدر  
 شخص ایشته بو حقی حائز اولدیغندن طولاییدرکه لدی ایجاب  
 رأیی اعطا ایدہ بیلور . بناءً علیه بر ملتک افرادندن اولمق  
 صفتنه انتخاب ایچین وجودی مقتضی صفت منضم اولورسه بو  
 حق بر حق سیاسی وبر وظیفه فعلیه شکله کیرر .

۴۳. انتخاب وظیفه اولدیغنه کوره نتایجی؛ قادینلر و انتخابات. —

انتخابك بالقوه حق وبالفعل وظیفه ومأموریت اولسی بعض  
 منطقی نتایج تولید ایدرکه اونلری بوراده ایضاح وتعداد ایتک  
 فائدهدن خالی اولماز . فی الحقیقه انتخاب بوتون افراده شامل  
 متساوی بر حق ، بر حق محض اولسه - آرای عمومیهینی  
 اک صوک درجهیه ایصال ایدہجک درجهده حاکمیت ملیه  
 طرفداری اولان اقوامده بعض صنوف خلقک بو حقدن محروم  
 ایدلامسی لازم کلیر ایدی . حتی وسطی حساب ایله هر قومک



۲۲ انتخاب حقیدر، وظیفه میدر؛ . — عجبا فرد بو انتخاب مسئله سنده بسبتون حق و صلاحیتدن محرومی عد ایدلک ایجاب ایدر. جمعیتده یشایان هر فردک — حقوق شخصیبه طرفدار لرنبجه — حقوق طبیعیه سی وارد رو بو حقوق طبیعیه قوانین موضوعه نك کنديسنه تأمین ایتدیکی حقوقدن طایدر، مقدمدر. واضع قانون بوجهتی کوزه تمکه مجبوردر. فقط بو حق صورت مطلقده رأی ویرمک حق دکدر. و بو حق فردک یالکز قوه عمومیه دولتک صاحبی اولان ملتک اجزای مرکبه سندن اولق صفتنک طانمسیدر. فرد واضع قانون کنديسنه رأی ویرمک مأموریتتی توجیه ایتدکجه بوبابده کی حقنی استعمال ایده مز. شو حالده افراد ملتدن اولان انتخابچی هم برحقک صاحیدر هم ده بو حق استعمال ایتک مأموریتیه موظفدر. یعنی هر فرد بالقوه منتخبدر بالفعل منتخب اولمی ایچون واضع قانونک تعیین ایتدیکی بعض شرائطی ایفا ایتمی لازمدر.

برنجیسنه : Citoyen actif ایکنجیسنه Citoyen passif  
 دنیلور . فرانسه ده قوتوانسیون اصول اداره اختلاسه سی تأسس ایدنبجه به قدر روسونک نفوذی تماماً جاری اولامامش ایدی . فقط ۱۷۹۲ ده آرتق روسونک روحی شاد اولیوردی. او وقتکی قانون اساسینک ۲۷نجی ماده سنده « حاکمیت بوتون ملتده در . هر فرد بو حاکمیتک اجرایی

بر اثر ایسترا . « دیمش ایسه ده اونك نظر نده حاکمیت ملیه  
 قوه تشریحیه و وضع قانوندن عبارتدر . حق ایکنجی کتابنك  
 ایکنجی فصلنده اراده عمومیه نك تظاهری بچشنده شوققره بی  
 یازیور : « بر اراده نك عمومی اولسی ایچون او اراده نك  
 اتفاق آرا ایله اظهار ایدلسی لازم دکلدرد . آنجق بوتون  
 آرانك صایلمسی واشترک وقوعی لابدر افراددن هر هانکی بر  
 قسمنك صراحة اخراجی عمومیتی اخلال ایدر » کوریلپور کوروسو  
 وضع قانون امرنده اساساً انتخابی بیله قبول ایتیمور . مع مافیله انتخابه  
 مساع ویردیکی خصوصاتده مثلاً امرانك انتخابنده امور حکومته  
 اشتراك ایدنلرک محدود اولسی لزومنه ( ده موقراسی طرز  
 اداره سی اولسه دخی ) قائلدر . ( کتاب ۳ فصل ۳ ) مونتسکیونك  
 بوباده کی فکری ایچون ( صحیفه ۱۲۴ ) « مراجعت ... مع مافیله  
 روسونك فکری اختلال کبیر زماننده بیله تطبیق اولنه مامشدر .  
 ۱۷۸۹ ده کی مجلس ملی حاکمیت ملیه بی اعلان ایتمکه برابر بو  
 حاکمیتک بهمه حال بالجمله افرادک فعلاً و متساویاً قوه عمومیه بیله  
 اشتراك ایتلرینی متضمن اولیه جغنی اعتراف ایلدی . الحاصل  
 منتخب آرزوی ملتی انکشاف ایتدیره جک بر مأموردن باشقه  
 برشی دکلدرد . برملتك بالجمله افرادی اوملت افرادندن اولمق  
 حیثیتیه حق انتخابه مالک اولمش اولمازلر . انتخابه اهل اولان  
 ذواتک حائز اولملری ایجاب ایدن اوصاف و شرائطی - طبقی  
 مأمورلر ایچون اولدینی کی - تعیین ایده جک قانون اساسیدر ،  
 واضع قانوندر .

دائره سنك يوماً فيوماً توسعي انتاج ايلشدر . انتخاب حقي ،  
 وظيفه و مأموريتي اولديني واضح قانونلر طرفدن لايقيه  
 كسديريله مديكندن قوانين مختلفه ده بعض تشوشات حاصل  
 اولمشدر . بو تشوشاته سبب اولان اوته دنبري اسمني ياد  
 ايتديكمز ژان ژاق روسونك نظريه سي اولمشدر . بو ذات ينه  
 اون بيك كشيدين مركب بر جمعيت تصور ايدييور دييور كه :  
 « فرض ايده لم كه دولت اون بيك كشيدين مركبدر . حكمدار  
 يعني قوه حاكمه آنجق بر هيتت مجتمعه صورتنده تلقى اولنه  
 بيلور . و هر شخصك بونفوذ حكمدار ايده كي حصه سي اون بيكده  
 بره مساويدر . » بو صورته حق حاكميت انقسامه اوغرايور  
 حال بو كه ينه ژان ژاق روسو ديكر بر محله حاكميت دولتك بر  
 ولايتجزي اولديغني ادا ايده رك تناقضه دوشيور . روسونك  
 فكريني قبول ايدر ايسه كه هم آراي عموميه يه ، هم آراي  
 متساويه يه كيتمك ايجاب ايدر . بر ملك بتون افراي  
 متساوياً قوه عموميه دولته اشتراكه صلاحيتداردرلر . مع مافيه  
 روسونك نقطه نظريني براز تصريح لازمدر و انقلاب كير  
 رجالي احتمال كه روسويي بونقطه ده لايقيه آكلايه مامشدردر .  
 زيرا روسو هر نقدر مقاله اجتماعيه نام اترينك در دنجي كتابنك  
 برنجي فصلنده : « حاكميته متعلق كافة افعاله رأى ويرمك  
 حقنه - اويله بر حق كه افرددن بوني كيمسه نزع ايده مز -  
 دائريك چوق سويله جكلم وار ؛ فقط بو مهم مسئله آيري

(Fonction)؟. حاکمیت ملیه اساسی قبول ایدل مملکتله افراد ملتک هر برینک قوهٔ عمومیه به اشتراک ایتلمری کبی بر وجوب و لزوم موجود اولمق اقتضا ایتمز. بویله بر ضرورت عقلیه و منطقیه یوقدر. فی الحقیقه ملتک هیئت مجموعیه سی بر حاکمیت مخصوصه بی تجسم ایتدیرر و بو حاکمیت افرادک حائز اولدینی حاکمیتدن آری بر شیدر. بناءً علیه افرادک بروجه بالا معناده تلقی ایدیلن حاکمیت ملیه ده هیچ بر حصه لری یوقدر. واضح قانونک بو حاکمیت ملیه مسئله سنی تعیینده اک زیاده کوزه ده. چکی نقطه آرزوی ملینک (Volonté national) اراده و افاده سنه اک زیاده مساعد اولان شرائطی تعیین ایتمک و بو آرزوی اظهاره مامور کیمسه لری بیان ایتمکدر. ایشه بو کیمسه لره انتخابی نامی ویریلور. شو حیثیتله انتخاب بر مأموریتدر. وقانون اساسیجه وضع واحداث ایدیلن بو مأموریت آرزوی ملی بی اظهاردن عبارتدر. ایشه حاکمیت ملیه قاعده سنندن استخراج ایدلمسی اقتضا ایدن نتیجهٔ منطقیه بوندن عبارت اولمق لازم کلیر.

فقط بو نتیجه مساوات مفرطه طرفداری اولانلری اقناع ایده مامشدر. اون طقوزنجی عصرک مشبوع بولندینی نظریات و تمایلات عوامپروانه (Démocratique) فرانسه ده ۱۸۴۸ سنه سننده آرای عمومیه و متساویه اصولنک وضعنه سبب اولمش، دیگر مملکتلرده دخی حق انتخابه مالک اولانلر

عتيقه ديستان قيود ايله تحديد ايدلمشدر . مع مافيه بو استثناء قاعده عمومييه يي تأييد ايتمكده در .

ديكر طرفدن يك چوق كيهسه لر بر ملت افرادندن بولونما قله برابر او ملت كي عین بر قوت و قدرت سياسيه يه يعنی عین دولته تابعدر لر . فرانسه يي نظر اعتباره آلبرسه ق مستملكاتده بولنان اهالی به تبعه ( Sujet ) دير لر . بولنر فوانسز ملتي افرادندن دكلدر . بو حال يالكز فرانسه يه كوره دكلدر . انكلتره هولانده وسائر مستملكات صاحبي اولان دولترده عین حال وموقعده در لر . بو مثالر كوسترييوركه ميايونلرجه خلق فرضا فرانسه ويا انكلتره دولتلك نفوذ وقوه سياسيه سنه تابع بولندقلري حالده فرانسز ويا انكليز قومي عددينه داخل دكلدر لر .

يالكز حمایه ايله اداره اولنان مملكتلر اهالیسنه كلنجه اونلرك طبيعي زير حمایه سننده بولندقلري ملته مناسبتلري يوقدر . بونكله برابر او ملتك منسوب اولديغي دولتلك نفوذ و قدرت سياسيه ن آز چوق واسع مقياسده تابعدر لر .

### افراد ملت و انتخابات

۱) ماهيت انتخاب . — ملت، تمثال مشخص حاكيت اولديغنه نظراً، ملتلك اعضاسي اولان، ملتي تركيب ايدن افراد قوه عمومييه دولته اشتراك حق و صلاحيتني حائز اولورلرمي ؟ بو سؤالك اهميت مخصوصه سي واردر ، اليوم قوه عمومييه دولته اشتراك يعنی حاكيت مليه يي اظهار على العاده انتخاب صورتيه جريان ايتمكده اولديغندن سؤال شو صورتلده ايراد اولنه ييلور: انتخاب بر حقيمدر، يوقسه بروظيفه ومأمور يتميدر.

جمعیتلری secours mutuels و ۱۹۰۱ ده علی العموم جمعیتلر حقنده قانون لایحه لری تنظیم ایدلدی . بو جمعیتلرک تشکلی ملتک وحدتنی اصلاخللدار ایدمهز، بالعکس تقویه ایدرو. شرکتلر ناصل ملتک قوای اقتصادیه سنی تزید و تقویه به باعث اولیورلر ایسه بو قیل جمعیتلرده طوغریدن طوغری به سیاساته ، وظائف حکومته مداخله ایتماک شرطیله بالطبع مملکتک قوه سیاسیه سنی تحکیم و تقویه ایدرلر .

• ۴ نفوذ دولت یالکز افراد ملت می تطبیق اولنور؟ . — ملت دولتک عناصر ترکیبیه سندن برینی تشکیل ایدوب دولتک حائر اولدینی قوت و صلاحیتک، حقوقک مصدریدر . فقط عینی زمانده او حقک محل جریایمیدر؟ یعنی ملتی هیئت عمومیه سی اعتباریله درپیش ایدرک قدرت سیاسیة دولت اورایه ده قابل تطبیق و تشیلیمیدر؟

ایکنجی قضیه طوغری اوله ماز. چونکه قوه دولت یالکز مجموع ملت اوزرنده جاری دکدر . یالکز ملتک افرادی اوزرنده اجرای حکم ایتمز . فی الحقیقه قوه عمومیه دولت ملک عد ایدیلن هیئت میاننه داخل اولیان پک چوق اشخاص اوزرنده ده جاریدر .

بو قوتک محل جریایی اولان اشخاصک یکونی ملتی تشکیل ایدن افرادک یکوننه مساوی دکدر . هرکس بیلیرکه دولت — بعض مملکتلره کوره آز چوق متبدل و متحول اولق اوزره — تبعه سندن دخی اولیان بعض کیسه لره اراضیسنده مقیم اولق شرطیله اجرای نفوذ ایلر . ممالک شرقیه و اقصای شرقده خلاف عقل و منطق اولق اوزره دولتک کندی اراضیسی داخلنده ساکن اولانلر اوزرنده کی بو نفوذی عهد

حاصل اولان تعاون اجتماعى حقل اساسنى ، استناد كاهنى تشكيل ايتديكى كى ملتلكده مابه التميزى اولان خواصك اك مهم بر صفحه سنى ارئه ايدر زيرا افراد بر برينه قريپ اولدجه مشترك و متخالف احتياجلرى چو غالير يعنى تعاون توافقى و تقسيم اعمال قاعده سنى ده ا زياده جارى اولور .

ملت جمعيتك تشكيلات سابقه سنى ارئه ايدر . عائله ، شهر حياتلرينه مانع دكلدر . بالعكس بونلرى تايد ايدر بوكا اك بيوك دليل زمانمزد ر . آلتى مليونلق ، درت مليونلق ، اوچ مليونلق بيوك و غلبه لك شهرلك وجوديدر . مع مافيه اقوام متمدنده باخصوص صوك سنه لر ظرفنده عائله حسى توسيع ايدلمش ، بو حس يرينه عادتاً باشقه بر حس اقامه سى جهته كيدلمشدر . واقعا هنوز بودوره اجتماعيه نك مبدأ تشكيلنده يز و بوباشلانفجك آتيا نه كى تحولاته بادي اوله جفنى شيميدن كسديره ميز . مع مافيه هر حالده بر يكلك كوربيورز . بويكلك ملت ايچنده عائله دن ده ا واسع مقياسده بر طاقم اجتماعات و جمعياتك تشكيلدن عبارتدر . عيني بر صنعت اربابى منافعلرينك مشترك اولسى حسييله سنديقلر ، جمعيتى تشكيل ايلبورلر . فرانسه ده بر مدت حكومتك كور ماملر لكدن كلك ايتديكى بو هيات و جمعيات نهايت وجودينى احساس ايش و آرتق بونلره بر وجود قانونى ويرمك احتياجى آكلاشلمشدر . ۱۸۸۴ ده Syndicats professionnels حقنده ۱۸۹۸ معاونت متقابله

جمعیت ویا کومه به (Groupe) منسوب اولان افراد بر برینه ایکی سببدن طولانی مر بو طدر لر بو سببلرک برنجیسی احتیاجات مشترکه ومتوافق به مالک اولملری و بو احتیاجاتی مشترکا و مجتمعا ای شامقسزین دفع ایده ماملریدر ایکنجیسی احتیاجات واستعدادات متخالفه به مالک بولملری و بو احتیاجات متخالفه بی مبادله خدمات صورتیه بر طرف ایتمکه موفق اولملریدر . برنجی نوع تعاونه تعاون توافقی (Solidarité par similitude) ایکنجیسنه تقسیم اعمال دینله یلیر.

عینی بر قاعده نك نتایج طبیعیه سندن اولان بو ایکی شكك ترقیات مدنیه نقطه نظرندن حائز اولدقلری تأثیرات فوق العاده بی بیانه حاجت کوره میز . هله تقسیم اعمال قاعده سنك زمامزده ترقیاته نه درجه خدمت ایتمش اولدیغی علم اقتصاده برار آشنا اولانلرجه قابل انكار دکلدردر .

حقك تمنی بو قاعده مشارکت و تعاون اوزرینه تأسیس ایتمك ایستین مؤلفلرده واردر بو صورت ایضاحی قبول ایدرسهك حتی هم جمعیتدن هم فرددن اقتباس ایتمش اوله جفزز . بو نظریه به کورد قواعد حق اجتماعیدر شو حیثیتله که انسانلر جمعیتسز یشایه ماز كذلك بو قواعد شخصیدر شو حیثیتله که بونك بر منبهی نفس اشخاصه مند مجدر و بو قاعده حق آنجق اشخاصه متفکر . نفسنه مالک ، موجودیتی ادرا که قادر اشخاصه قابل تطبیقدر احتیاجات اجتماعیه ایله احتیاجات شخصیه نك مزجندن



مخصوصهيه ويا دها واسه اولمق اوزره بر ولايته و نهايت چوق چوق برملته قارشو بو مشاركت حسيه لايقيه طويليور ارروپا اقوامنك ساحه تمدني دها زياده وسعت كسب اتمش اولديغندن ارروپايلير ايچون - ارروپا خارجنده كيلره قارشو - بر وطن مشترك ، بر حس مشترك بر ( Solidarité européenne ) موجود فرض اولونه بيلير. فقط ايسته او قدر . شمديلك دها زياده سي كوريله مدي . مع مافيه بلنكه بر كون كليركه ( ملتيم نوع بشردر وطنم روي زمين ) كلامنك مدلولي ساحه خيالدين چيقه رق ساحه حقيقته براز دها تقرب اتمش اولور .

انسانلرك منسوب اولدقلى كومهلر هيئتلر درجه درجه دره . بدايه بشرينده كوچه حالنده يشامش اولدقلىرینه شبهه اوليان انسانلر بالاخره عائله حياتني تشكيل و تنظيم اتمشلر و مشتركاً تعيش و مدافعه نفس احتياجنك سوقيله دها مضبوط و محافظه لي اولمق اوزره عائله حياتني دوره - نه داخل اولمشلر در . حيات عائله يه قان و توارث روابطي ايله اعتقادات مذهبيه ده اشترك كي حسلر منضم اولور نهايت مختلف عائلهلر طولانلره ق كوي و قصبه حياتي باشلار و بو صورتهل حسيات و اعتقادات مشتركه يه مشترك بر ماضينك خاطر اتى ده منضم اولمق ايجاب ايدر ملت اك صوك بر تشكل اجتماعيدر و بونك صورت تشكلي يوقايرده بيان ايتديكمز وجهه بر چوق عناصر ، عوامل و مؤثراته تابعدر .

مع مافيه اشكال اجتماعيه نك صفحات ماضيه - سي نه اولورسه اولسون و حتى بو صفحاتك آتياً تابع اولسي محتمل بولنان تقلبات كونا كون نه دن عبارت بولونور ايسه بولونسون هر حالده محقق و قطعي اولان بر شي واردر كه اوده تعاون اجتماعينك بر وجه آتياً ايكي ركن و اساسدن عبارت بولونمسيدير : شويله كه عيني بر هيئت

و آمال شخصیه سنی ادراك ايله برابر بونلری انجق دیگر افراد ايله برانگه یشایه رق استحصال ایده بیله جگنی ده تقدیر ایدر الحاصل انسان قابلیت اجتماعیه سی ايله برابر غالبیت نفسیه و خودگامانه سنی حس ایلر .

بوقابلیت اجتماعیه ، بومدنی بالطبع اولمق خاصه سی بعض روابط ايله قائمدر . انسانلر بر طرفدن کنندی نفسلرینه و دیگر طرفدن جمعیته مربوطدرلر بوروابط نهدن عبارتدر ؟ بونی ایضاح ایچون بر کله قوللانلیور که اوده ( Solidarité ) یعنی مشارکت و تعاوندر . انسانلرک یکدیگرینه ارتباطنی تأمین ایدن تعاونه ( تعاون اجتماعی ) دینلیور .

بو تعاون طبقه طبقه دائره دائره نظر اعتباره آله بیلیر . بوتون بشریتی شامل بر معنای وسیعده اولمق اوزره بر تعاون اجتماعی تصوری ممکن اولدینی کبی برملته شامل بر تعاون اجتماعی دخی موجود اوله بیلیر . دهها کوچک طبقه ، دهها محصور بر دائره به اینه رک دیرز که بر قبیله ، بر عائله عین بر صنعت منسوبینی ، یعنی بر مسالک سالکینی ارسندهده بویله بر حس مشارکت و تعاون موجوددر .

مع مافیله بشریتک بوتون عناصر ترکیبیه سی بوتون اقوامی ارسنده کی روابط مشترکه ، حس تعاون هنوز انسانیت پرورانک آرزو و تمنی ایده جگاری درجه ده متین و محکم دکلدره . بوروابط علی الاکثر کوشکدر بعضاً ده ایجابات حالیه ايله بوس بوتون قومته در انسانلر دهها بوقدر کنیش برمد نظره مالک دکلدرلر شمیدیکی حالده یالکز یقیندن منسوب اولدیلری انسان کومه سنه مربوطیتلرینی حس ایدیورلر فرضه بلده

یکدیگر بیه تعاون اجتماعی رابطه لر بیه مربوط د لر . ملت لری تشکیل ایدن افرادک یگوجود اولسنی ایجاب ایدن اسبابک ده برینی ایشته بومشارکت حس ومنفعتده، بوتعاون اجتماعده آرامق اقتضا ایدر .

تعاون اجتماعی ویا مشارکت اجتماعیه دیدیکمز حادثه طبیعی خلقت ملترک حیاتنده مهم بروظیفه ایفا ایتدیکی ایچون بوندن برنبذه بحث ایتک فائده دن خالی دکلدر . انسانلرک مدنی بالطبع اولدقلری ، دائماً مجتمعاً یشارقلری وهم جنسلر بیه مجتمعاً یشامقدن باشقه برچارملری اولمدیغی ارتق امور قطعیه وثابته دن عد اولنیور حال اجتماع حال خلقی وطبیعی در افراد بشریه بویه ایستمشلر اونک ایچون بوبویه اولمشر دکلدر وبوحیثیتله روسونک مقاوله اجتماعیه نظریه سیله بونظریه دن اولبوکا یقین اوله رق وبوکا عادتاً برمقدمه اولمق نوزره انکلیز حکما سندن هوبس ولوق وفرانسز حکما سندن ژوریو طرفندن سرد ایدیلن نظریات حقایق شون وجریان قوانین خلقته موافق کوریه من بناء علیه هر فرد بر جماعت بشریه یه ، برانسان کومه سنه منسوبدر من الازل منسوب اولمشدر والی لابد منسوب اوله جقدر . مع مافیه انسانلر بواحتیاج ضروری اجتماعیه برابر کنندی شخصیتلرینک وجودینی از چوق صریح اوله رق تعقل ایتمشلر ، احتیاجات اجتماعیه لرندن ماعدا احتیاجات وتمایلات وآمال شخصیه لری اولدیغنی تقدیر ایتمشلر در فرد بو احتیاجات وتمایلات

امللری افراد ملیه بی یکدیگرینه تقریبه دهها شدتلی بر سائق اولمشدر . بشریت ذی حیات اولا؛ دن زیاده موتالردن تشکل ایتمشدر . زمانمزده کوردیکمز انسانلر ولوکه ملیاری متجاوز اولسون اعماق بی نهاییه ماضیه دن قوپوب کلن انسال متوالیه دن متشکل کتله معظمه انسانیه متابه سنده در بشریتک بر قسمی اولان ملتر اچون عینی مطالعه واردر . اسکیدن اختیار ایدلمش محاربه لرك خاطرانی ، احراز ایدیلن مظفریتلرك نشووسی ، باخصوص مغلوبیتلرك ، مصائب عظیمه نك آجیلری بر ملتک افرادی یکدیگرینه تقریب ایدر فلاکت اکثریا ملل واقوامه درس اتحاد ویرمشدر . بوده انسانلرك خلققنده موجوددر . بر عائله افرادی ک زیاده بیوک مسرت ویا مصیبت کونلرنده صمیمی اجتماعلر عقد ایدرلر . ملتدرده هان تماما بو حالده درلر مشهور ار نست ره نان ملتی تعریف ایدر ایکن بر تشکل تاریخیدن عبارتدر ، دییور نه عالی سوز ! ناریخی اک چوق وقایع ایله مالا مال اولان ملتک افرادی ارسنده کی اتحاد اودرجه شدید اولور . آمال و احتیاجاتده اشتراک ، عینی بر وطنی مدافعه ایتک هوسی ، ابا واجداددن قالمش حسیات و خاطرات افکارک محافظه سی و اعصار ماضیه بقایاسی اولان خزانن فکریه و ماده نك صیاتی لزومی ودها بونک کی مؤثرات بر ملتده کی وحدت و مجاننتی یوما فیوما تزید ایدر .

۳۹ تعاون اجتماعی — دیگر طرفدن عینی بر ملتک افرادی

( ۲ ) عینی بر لسان ایله متکلم اولان افراد عینی بر ملتی تشکیل ایدرلر .

( ۳ ) عینی بر مذهبه سالک اولان کیمسه لر عینی بر ملتک افرادندن درلر .

( ۴ ) عینی بر حدود طبیعیه داخاننده ساکن اولان اشخاص عینی بر ملتی ترکیب ایدرلر .

بعضیلری بو عواملک هر برینی بر ملتک وجودینی ایضاحه کافی عد ایتدکلری حالده دیکرلری بونلرک مجموعنی بردن ملتک تشکیلات و ترکیباتنه اساس اتخاذا ایدرلر . آنجق کرک جغرافیایی و کرک تاریخی لایقوله تدقیق ایدنلر بو عواملک نه منفرداً نه محتمماً ملتی تفریق و ایضاحه کفایت ایدمه جگنی سهولتله تقدیر ایدرلر چونکه بونلرک هر هانکی برینی اساس طوتارسق مطلقاً متعدد مستثنائی ظهور ایدر حقیقتده بو عواملی ملتک تشکیلاتنده عوامل اساسیه عد ایتیب ایکنجی درجه فرض ایتک لازمدر .

ملتک شمدیکی حالی اخذا ایتلرنده شبهه بو قدرکه بو تعداد ایتدیکنمز عاملر اجرای تاثیردن خالی قالمامشلردر . فقط بونلرک هر حالده تاثیرلری ایکنجی درجهده قالیر . وحدت ملیه نك اسبابی تدقیق ایتک ایجاب ایدر ایسه نظر تفحصی باشقه وادیلره عطف ایتک لازمدر فرضا بر ملت مفاخر ماضیه سی ، خاطرات مشترکسی ، احتیاجاتی ، آتییه معطوف

ترکیبات و عناصری ایضاً همچون او قدر بسیط بر جمله ایله اکتفا ایده میز بز عاداتا قبا طاسلاق بر رسمنی یایمق ایستدک ملتارده ایوم کوردیکمز حال و موقعه مدید بر دور تکامل نتیجه سننده واصل اولمشلر . بونلرده سائر کافه مخلوقات کبی ییتمز توکیمز اعصار و دهورک شئون متلاحقه بی نهایت سی ثمره سیدر . بر ملتک الک ابتدائی حالندن ایوم کورلمکده اولان شکل انتظام و مدنیتنه قدر بالجمله صفحات و انقلاباتی تدقیق ایتمک عاداتا جمعیت بشریه نك تاریخنی یایمق قدر مهم اولدیغندن بوراده بونک اوزون اوزادی به بحثنی یایمغه لزوم کورمیورز .

مع مافیه ایوم کوریورز که ملت نامیله یاد اولنان بر طاقم متمدن جمعیتلر وان . بونلری یکدیگرندن تفریق ایتمک و باخصوص هر برینک مابه التمییز اولان جهتلرنی ایضاً ایتمک لازمدر تعبیر دیگرله بر ملتی تشکیل ایدن افراد اره سننده باشلیجه رابطه نهدن عبارتدر هانکی عنصرک ، هانکی عامل و مؤثرک سوقیله جمعیت بشریه نك بر قسمی باشقه درلو دیگر بر قسمی باشقه درلو دوشونیور و باشقه درلو امللر ، احتیاجلر ، غایه نر ، خیاللر بسلیور ؟ بونی ایضاً ایچون پک چوق فکرلر در میان یدلش . باشلیجه لری بونلر در :

۱ عینی بر اداره و حکومته تابع بولنان افراد عینی بر

ملته منسوبدرلر .

بو اوج عنصرک هر یری آری بر اهمیتی حاز اولدیغی حالده لازمدر. بر ملت فرض اولونه بیلیرمی که ثابت اراضی دن محروم اولسون؟ سیار و کوچیه حالنده بولنان اهاالینک دولت تشکیل ایده ماملری بوندن ایری کلیر. زیرا اراضی دینیلن عنصر دن محرومدر لر و بو کوچهرله قیبه لرك رؤسای نه قدر نافذ الکلم اولور لر ایسه اولسون لر بونلری منتظم بر دولت عد ایتکه امکان یوقدر کذلک اهاالینر حکومت و دولت تصور اولنه ماز. اهاالینر و اراضی ثابتسی اولوبده حکومتن محروم اولان بر جماعته ده وجود و یريله من. بو سببلردن طولانی بو اوج عنصر عاداتا بر یريله لایفک اوله جق درجه ده اساسلیدر مع مافیة حیات دولتک اهمیت و فناپذیر منبعی اهالی اولدیغی ده غیر قابل انکاردر بوسبيله اولاهالی بی تعیر دیگرله ملتی تدقیق ایدلم.

جمعیات بشریه الیوم کوردیکمز اشکال ملیه بی اکتساب ایدنجه به قدر خیلی زمان مرور ایتشدن عائله حالندن باشلایه رق تدریجاً کوچیه، قیبه، کوی و قصبه تشکیلنه موفق اولان انسانلر ساحه مدینتده ایلر یلدکجه بیوک شهرلر و بیوک ملتر میدانه کتیر مشلردر. الیوم شهرلرک بر معنای عمومی ایله تلقی ایدلدیکی تقدیرده ناصل عائله لردن مرکب اولدقلری نظره چار پیور ایسه مملکتلری ده اوله عمومیتله تدقیق ایدر ایسه ک شهر و قصبه لردن شکل ایتدیکی کوریلور مع مافیة بو مطالعه بی دائرة عمومی بدن ایرلامق اوزره در میان ایدیورز حقیقتده ملت لرك تشکلاتی

فرانسه‌ده شعبات مختلفه صنایع و مساعی به مخصوص سندیکه لرك اتحاد عمومی‌سندن حاصل اولان و بوتون فرانسه‌ی قاپلایان سندیکه بوتون حیات جمعیتی معطل ایده‌جك صورتده تعطیل اشغال ماهیت تهدیدکارانه‌سنی اخذ ایلمش ایسه‌ده بو تشکل حق دکل قوتدر و بر قوه مثبته دکل قوه منفیه‌در . شمعی به قدر بو سندیکه لرك اتحادی تهدیدینی ایقاع ایده‌مامکله برابر ایقاع ایتسه‌دخی استحصال ایده‌بیله‌جکی یکانه نتیجه تشوش و اختلال یعنی جبر و شدتن باشقه برشی اوله‌ماز نتیجه‌ده بلکه دولت محو اولور فقط یرینه پایدار اوله‌بیله‌جك بر حال متعضو اجتماعی قائم اوله‌ماز. حتی تمدیسی ممکن اولمیان بر حال تشوشی دیگر بر دولتک نفوذ سیاسی بر طرف ایده‌بیلیر و او وقت مغلوب اولان سندیکه لرك یرینه دولت قائم اولور .

### ملت

۳۸ ملت حقننده ایضاحات . — دولتی تشکیل ایدن عناصرك اوچه ارجاع اولنه‌بیله‌جکی بالاده‌کی تفصیلاتك بر قسمندن تماماً مستمان اولمشدر . عناصر مذکوره ایسه شوندردر : ملت ، اراضی و حکومت. بعضاً حاکمیت بحیثیه عناصر مذکوره‌نك دردنجیسی اولوق اوزره ذکر اولنور ایسه‌ده اکثر مؤلفر بو عنصر رابعی ملت ایله حکومته مزج ایدرک بو دردنجی عنصره لزوم کوستر مامکده‌درلر .



تفذيذه حصر ايدرلر و بو حقوقى حقوق داخله لرندن بر قسم  
كبي تلقى ايدرلر فقط بونك نتيجه سنده شو چيقبور كه نه قدر  
بويوك متمدن دولت وار ايسه او قدرده حقوق خصوصيه  
دول وار .

كليسانك قرون وسطاده كي نفوذى حقنده بالاده ويريلن  
ايضا حات شايان دقت اولمغه برابر قرون وسطا و نفوذالته زماننده  
اوروپاده يالكيز بر دولت موجود اولديغنى ادعا ايتك دهسا  
طوغريدر او وقت پاپالى اراضيه مالك و بوتون قتوليك ملترينه  
حاكم بر حكمدار مقامنده ايدى . حقيقتده دخى پاپانك نفوذى  
واصل اوله بيلين يرلر بويله ايدى . اهل صليب محاربانى دخى  
اورويانك بر تك دولت كبي حركت ايتديكنى كوسترير . اوتك  
دولت ايسه قتوليك كليساسى دولتى و ميدان حربه كيدن قتوليك  
حكمدار لرله دره بلكر پاپالى قوماندان و امراسى ايديلر .

معين بر اراضى و معين بر ملته مالك اولديغى حاده نفوذ  
سياسيسى اولان هندستانده كي مشهور انكليز قومپانيه سى بالاده كي  
قواعدى محل كبي كورينورسه ده هندستان قومپانيه سنك نفوذ  
و قدرتى انكلتره دولتندن نبعان ايتديكته نظر آ بونك ده حقيقى  
بر استمنا تشكيل ايدمه چكى طبيعيدر .

زمانزده دولت ايچنده بر نوع دولت تشكيلى داعيه سنده  
بولونان سنديقه لر دخى هيچ بر وقت دولتك بالاده كي اوصافى  
احراز ايدمه مزدولته تفوق ايدمه جك ماهيتا كتساب ايله مزلر .

آریور: حکومت واحدهده اولدینی کی.. ویا خودده بو کومه لر بر لرلیله بر لشرکدها یوکسک بر نفوزده تابع بولونیور حکومت متحدهده اولدینی کی ( اراضی بختنده حکومت متحده فصلنه مراجعت )

موسیو ایسمه ن قرون وسطاده کلیساک دولتردن زیاده نفوذ صاحبی کورونمسی او وقتلر دولت فکرینک کسوفه اوغرامش اولسنه حمل ایدیور دیگر طرفدن دولت فهئودالیه حسیله قیرینی حالنه کلش ایدی . بوتون بو آثارشی محیطی ایچنده خللدن مصون قالان کلیسا انسانلرک ادارهسی خصوصنده دولت مقامنه یکمش ایدی .

دولت فکرندن ده اعلی بر معنای ارتباطی تضمن ایدر کی کورینن بین الملل مناسباته کلنجه؛ بو حقیقتمنده دولته فائق بر معنای جمعیتی تضمن ایتیموب یالکز اقوام مختلفه آرسنده یوماً فیوماً تعمیم ایتکده اولان بر جریان افکاردن عبارتدر . بو اولسه اولسه مستقل دولترک متقضای عقله ویا معاهداته تبعاً بو جریان افکاره توفیق حرکت ایتدکیرینی تضمن ایدر حقوق عمومیّه دول دولته موجود جبر و تضییق حقنک فقدانی حسیله الان ناتمام بر حقدر حقوق خصوصیه دول هار همان تمامیه تقرب ایتمش ایسهده بونک سببی هر دولتک کندی اراضیسی داخلنده نفوذینی بو حقوق معینه ویرمسیدر . دولتر محکمه لرینی، قوه عمومیه لرینی حقوق خصوصیه دولک

ثانیاً دولت حاله کلن جمعیت یالکز امر ایتمز بلکه اوامری جبر و تضییق مادی ایله تنفیذ ایدر جمعیتک باشقه درلو اشکالنده بو یوقدر ؛ جمعیت اشیا و اشخاص اوزرینه وضع ید ایدر، اشخاصی دردست و تادیب ایلر . واقعا بعض مؤلفلر بو جبر و تضییق مشروعی بی لزوم دیه اهمال ایدرلر و حق قوتسز پایدار اوله بیلیر دیرلر . فقط ذات حقیق باشلیجه طبع و ماهیتی یودر . مذهب و اخلاقدن آیری اولان حق انسانی قوته محتاجدر انسانلر آره سنده کی مناسباتی تعیین ایدن قواعد ینه او انسانلر طرفندن تصدیق و بر قوه تأییدیه ایله تجهیز ایدلمدکجه حق عنوانی اکتساب ایده مزلر . بو قوه تأییدیه حاصل اولمدن اول حق رشیم حالنده در . هنوز تشکل ایتمه مشدر . عرف و عادت بونک قواعدی از چوق تعیین ایتمه دخی آتی جبراً قبول ایتدیرمدکجه ناتمامدر .

ثالثاً جمعیت حاله کلن دولت هیچ بر نوع انسان کومه . سنده موجود اولمایان بر حال اجتماعی بی ده نفسنده تجسم ایتدیر مشدر دولت بو حال اجتماعینک ترجمه حقوقیمی و تکمل ایتمش شکلیدر بو حال اجتماعی ایسه ملت دنیان شیدر که ثمره تاریخ و طبیعتدر . واقعا ملت ده کندیسندن مقدم تاریخلی بر طاقم عناصردن وجود بولمش و حتی ده اسکی و ملت حاله کلنجه یه قدر مستقل قالان کومه لردن تشکل ایتمشدر فقط بر وحدت ملیه حاصل اولونجه بوتون بو کومه لر ده واسع بر وجودده

اولور بر تقریب ایله نفوذ قازانمش بر جماعت روحانیه ومثلاً پاپالغ بر دولت عد اولونه بیله جکی کبی اراضی عنصرینه احتیاج دخی بر طرف اولمش اولور .

موسیو ایسمه ن بو وبوکا مقیس نظریه لری رد وابطال ایچون بعض اساسلر وضع ایدیور . انک نظر نده دولت واقعا وجوده کلدیکی کوندن بری قوه حاکمه نیلن شیئه استناد ایتمدر . بو قوه حاکمه دولتک مابه الامتیازیدر ویالکیزا کا خاصدر . واقعا دیگر بعض علامات ایله دولت باشقه انسان کومه لرینه بکزر وبونلرده دولت کبی انسانلرک سعادتنه ، خواص انسانیه لرینک انکشافنه یاردم ایدر فقط حاکمیتی اعتباریله دولت بی نظیر بر جمعیتدر ونوعی جنسهنه منحصردر .

حاکمیت ، یعنی مافوق طانییمان بر قدرت محیی بر طرف ایلسه دخی جمعیتک دولت حالنده کی شکلی دیگر انسان کومه لرنده کی اشکالدن بک اساسلی بر طاقم علامات ایله قابل تفریقدر : اولامعین رراضی بی قاپلارو بو اراضی اوزرنده ساکن اولانلری ارزو ایتسونلر ایتسونلر استیعاب ایدر . فضله اوله رق بونلری ایرلق ایسته سه لرینه آیقویه بیلیر . واقعا ایوم دولتلر تبعه لرینک ممالک اجنبیه ده تبدیل تابعیت ایتیرینی تجویز ایدیورلر . فقط لزوم کورورلر سه بونی ده منع ایدرلر نته کیم تقسیمات ارضیه لرندن بر دأثره بی اشغال ایدن تبعه دن بر جماعتک آیری بر دولت تشکیلی ضمننده افتراق ایتلرینه مساعده ایتزلر .

حصوله کتیردیکی ناپایدار اجتماعلر و بالفرض بویوک برشهرده بردن بره خلاق طرفندن واقع اولان تجمعلر . . . جمعیتک (Société) بو صورت تلقیسی دولت دینلن شکلیده محتویدر فقط دوات بونک حدود و منتهاسنی تشکیل ایتمز متعضو و غیر متعضو ارتباطلر بر دولتک حدودی خارجنده چیقوب توسع ایدر . دولتلر بیله بر طاقم اجتماعی کومه لر تشکیل ایده بیلیر . صوک درجه توسع ایتمش اولان تجارت بین الملل و حقوق دول دینلن شیلرک وجودینه امکان بولونمسی محضا جمعیتک سینه سنده بین الملل ماهیتی حائز عناصر مختلف اولسندندر . . . بوندن شونتیجه چیتارکه دولت ایله جمعیت ارسنده بر تفریق قطعی اجرایی غیر ممکندر دولت جمعیتک بالکنر اشکالندن ریدر؛ ایله برشکلکی که دیگر اشکالک هم شرطی، هم شمره سیدر .

شوايضاحاتدن جمعیتک دولت دینلن شکله کیرمکه صوک شکلکی اکتساب ایتمه مش اولدیغی، مرور زمانله، تأثیر محیطله بونکده تغیر پذیر اولسی ممکن اولدیغی مستبان اولویور. کذلک دولتله بالفرض عائله ویا جماعات روحانیه کی متعضو و علی العاده بر سوقاق تجمعی و بر سیاسی فرقه کی غیر متعضو بر هیئت آرسنده ماهیتجه فرق یوقدر . بونک و خاتمتی بیانه حاجت یوقدر . هنوز دولت حالنه کله مش قومیتلرک ماهیتی دولته قیاس ایدر سهک دولت حتمنده کی تلقیات حاضره من آلت اوست

۳۷ دولتک خواص ممتازه سی — دولت حقننده کی بومطالعات  
 بعضییر نجه قناعتبخش کورلیور. سوسیولوژی علماسندن بر قسمی  
 دولتی جمعیات بشریه نك بر شکل مخصوص و معینی عدا یتمکن  
 امتناع ایلیور لر. اونلرک نظر ننده انسان کومه لرینک انواعی وارد ر.  
 دولت نهایت بو کومه لر دن برینی ارائه ایدر دولت عنوانلی  
 اثریله تمایز ایدن المان مؤلفین حاضر مسندن ژه لیق دیور که :  
 « طار معناسیله جمعیت انسانلر ارسنده کی ارتباطاتک هیئت  
 مجموعه سی ، یعنی هر هانسی بر رابطه ایله یکدیگری نه باغلامش  
 انسان کومه لر ایدر . انسانلر یالکز یان یانه اخذ موقع ایتمکه  
 قالمالز بلکه بر ضرورت روحیه سائقه سیله اره لر نده از چوق  
 مهم و بویوک بر شدت و قابلیت توسعه یی حائز بر طاقم اتحاد و ارتباطلر  
 وجوده کتیر لرلر . بو ارتباطلر مدرک ، مشعر ، متعضو و متشکل  
 اوله بیله جکی کی غیر مدرک ، بی شعور ، وحدتن محروم ( یعنی  
 غیر متعضو و غیر متشکل ) و یالکز خواص طبیعیه نك مشار کتته  
 و یا خود منافک مساواته مستند اوله بیلور لر . انسانلر ارسنده کی  
 مناسبات مشترکه نك تدقیقندن مستبان اولان بونوع ارتباطلرک  
 حد و حسابی یوقدر . عائله ، ناحیه ، جمعیت ( Association ) ،  
 کلیسا ، دولت ... بونلر متعضو ارتباطلرک اشکالنه مثالدر .  
 بونلره مقابل غیر متعضو ارتباطلره مثال بوجه آتیدر : ارباب  
 مساعی ، دولت حالنه کله مش قومیتلر ، حرصعتلر ( اووقاتلق ،  
 معلمک کی ) سیاسی و مذهبی فرقه لر و حتی حیات روزمره نك

کندی موجودی حقس ایدن ، اراده یه مالک بر شخص صدر بناءً علیه .  
دوت بر شخص حقوقی در دیدیکمز زمان ذهناً برشی تخیل ایتامش بالعکس .  
حقیقتی سوبلس اولیورز .

اوجنچی بر ذهابده شودر : وجود دوت ذهنک تخیل ایتدیکی بر  
وجود موهوم اولدینی کبی مادهٔ بوجود حقیقیسی بوقدر . مع مافیہ  
بر حقیقت اولقدن ده خالی دکدر . دوت نه بر انسان کبی متشخص بوجوده  
مالکدر ، نه ده متشخص بعض انسانلردن مرکبدر . طبیعت سائر ذریروحلر  
کبی بونی طوغریدن طوغری یه ساحةٔ وجوده آتامش در بونی فکر  
بشرك بر محصولی عد ایتلی یز ، وطن فکری ، اخلاق فکری کبی که  
نونلرک ، مادهٔ محسوس اولماقله برابر ، قطعی وثابت حقیقت اوللرینه کیمسه  
اعتراض ایدمز . مع مافیہ ایشته بوصورتله وجود معنوی و حقوقیسنی .  
تقدیر ایتدیکمز دولتک اوامر و نواهیسنی اجرا ایتک ایچون متشخص  
کیمسه لره احتیاج واردر . دولتک بر وجودی ، بوجود حقیقیسی موجود  
بولندیغی بوصورتله ثابت اولقدن صوکره قوهٔ عمومیه تک استناد کاهی ،  
منشأ و مصدری موجود اولدینی سه ولتله نمایان اولور . دولتک شخص  
حقوقی اولسی - سائر اشخاص معنویه کبی - هر درلو عقوده صالح  
اولدیغنه دلالت ایدر . بناءً علیه هر درلو تعهداته کیریشیر و عکس ثابت  
اولنجه یه قدر حائز اولدینی حقوق و تعهدات ایدیا بایدار در : زیرا دوت  
- کندیسنی تشکیل ایدن عناصر باقی قالدیغه - بلافاصله ذی حیات صاییلیر  
اشکال حکومت دکیشه بیلیر ، فقط اس اساس دوت تغیر ناپذیردر  
وبوندن طولاییدرکه دول سائر ایله عقد اولنان معاهده نامهلر اشکال  
حکومتک تغیر ایتسیله تغیر ایتمز ، نشر اولنان قوانین صراحةً الفما  
ایدلدیکه شکل حکومته تابع اولماز و تعهدات مالییه و دیون سائر دوت  
شکل حکومت تغیر ایتسیله خلدار اولماز .

حقتك موقع فعله و وضعه معطوف اولدینی و بناءً علیه مقام اقتدارده بولمان کیمسه لرك حقه تابع و حقه مربوط بولندقلری منضم اولور . المانلرك رايخشتات دیدکلری شخص حقوقی دولت ایشه بوحقیقتی افهام ایدر . فی الواقع مادام که بتون قوه دولتی تنظیم ایدن شینک حق اولمی لازم کله جکنی تقدیر ایدیورز او حالده دولته حقوق عالنده بروجود و شخصیت ویرمک ، بناءً علیه دولتی حقوق دائره سنده تنظیم و انشا ایتمک اقتضا ایدیور؛ ایشه بولزوم و اقتضا سوقبله در که ایوم دولتك بر شخص حقوقی و معنوی اولدیغنه دائر متعدد نظریات در میان اولتمقدده در .

دولت بر شخص ، بر شخص حقوقی در . بوشخصیتی تشکیل ایدن عناصر اهالی و بواها اینک اوزرنده یشامقده اولدقلری اراضی و برده بواراضی اوزرنده ساکن اهالی یک آرزو و اراده سنی افاده و اظهار ایدن حکومتن عبارتدر . بواج عنصر دن مرکب ارلان دولتك شخصیت حقوقیه و معنویه سنی ایضاح ایچون مختلف نقاط نظر واردر: بعضلرینه کوره وجود دولتك بوصولته تصور ایدلمسی علی العاده بر ترتیب جلیدر بوصولته تشکیل ایدیان شی حقیقتده موجود و محسوس برنی دکلدر محضا قوای عمومیه تک مصدرینی تعیین ایتمک ایچون تخیل ایدلمش دره دیگرلرینه نظراً بالعکس دولت حقیقه موجود و محسوس بر شخصدر بو تقدیره کوره دولتی ذکر کل اراده جزؤ قیلندن اولتی اوزره اک مهم عنصر اولان اهالی ایله توأم عد ایتمک ایجاب ایدر بوصولته دولت



ايدن كيمسه لرك يعنى اراده مليه يني اظهاره مأمور اولانلرك  
 تعييني كبي بر شكل قارشوسنده بولومش اوله جغز واو وقت  
 حاكميت مليه يني مناقشه ايدر ايكن تعريف ايلديكمز اعتراضات  
 خاطر مزه توارد ايدر . بو سبيله / حاكميت مليه نظريه سنى  
 بحق اتمام ايتك ايجون بوكامقتضاي عقلى علاوه ايتك وكذلك  
 آنى على الاطلاق منفعت ايله دكل منفعت مشروعه ايله تفسير ايتك  
 اقتضا ايدر . ديمك اولويور كه / حاكميت مليه عتلك امر ايتديكي  
 طرزده ومنفعت مشروعه عموميه اوغورنده تظاهر ايدر ايسه  
 غير قابل اعتراض بر ماهيت اكتساب ايدر وبو صورته ميدانه  
 چيقان قوت و قدرت سياسيه كور و قبا بر قوت اولمقدن  
 قورتيه برق ححك خادمى و حقه معطوف وعادتا حقدن غير  
 قابل تفريق اولمش اولور .

في الحقيقه قوه سياسيه بر نتیجه قطعيه و بر تكامل مدد  
 اجتماعينك نمره سى اولمقله برابر - انساندرده حق فكري حاصل  
 اولديني كوندن برى كه خلقت بشريته توأمدر - بو قوتدن صادر  
 اولان اوامر واجرا ايديلن تنفيذاتك حقه مقرون اولمق لازم  
 كه چكي تماميله اكلاشلمشدر . بناء عليه قوه قانونيه نك اجبار  
 و تضيق ماديسى حقي تنفيذ و صرف اولمق بجه مشروعه و مقبول  
 اوله ماز .

شوحاله نظراً قوه عموميه دولتك غايه و مقصد اساسيمى

بویله ایسه باند بر صدا ایله اعلان ایده لم که ملتک حاکمیتی قوتک حاکمیتدن و اداره مطلقه نك الك مطلق شکندن عبارتدر ... جمعیتلر افراد و اراداتک جمععات عددیسه سندن عبارت دکلدرد . عددن باشقه بر عنصره ودها قوتلی بر رابطه مالکدر لر بویسه بشریتک مابه الامتیازی اولان حق و بو حقدن تولد ایدن منافع مشروعه در . اشخاص و ارادات مقامنه اقامه ایتمک ایستدیکم بو حق و منفعت حکومت نیایسه نك هم سبب تشکلی ایضاح هم ده موجودیتی تأیید ایلدرد .»

۳۶ حاکمیت ملیه و حق — بو ایضاحاته نظر آنفوذ و قدرت سیاسییه نك مشروعیته بر درجه یه قدر ایضاح ممکن اوله جقدر . ذکا و اقتدار لر یله ، اهالی یه و منفعت عمومییه خدمت لر یله حسن اخلاق و تجربه لر یله تمیز ایدن کیسه لره خلق سسوینه سسوینه اطاعت ایلدرد ؛ حتی اولنرده کوردیکی یوکسکلک سببیه انلری ایفای حکومته ، یعنی استعمال قوته کندی دعوت ایلدرد . ملت قوه سیاسییه مالک اولانلره کندی منفعتنه صورت معقوله ده خدمت ایستدکری مدتیجه طوعاً انقیاد ایلدرد ایکن بو منفعت اخلال اولونور اولونماز کندیسنده اصلا مرور زمان قبول ایتمین برحقه ، حق اراده سنه بناء قوه سیاسییه مالک اولانلردن قوتی نزع ایلدرد ایسه ، یعنی ویردیکی مآذونیتی کیری آلوب باشقه لر یله تفویض ایلدرد ایسه هم معقول هم مشروع بر حرکت صایلمامزی ؟ انجق بوراده نزع قوت و مجدداً تفویض مآذونیت

ويا جمعيت علميه دوغمش تفوقلردن تباعدايدرك لياقت كوستردكلريني اثبات ايدن يكي تفوقلره انتقال ايدر. اختلافلارك بوتون سري بودر و حكومت سياسيەنك اساسي، دستور و هدى خاصه بو نقطه در؛ زيرا بو شكلار حكومت و جمعيت ايله قدرت سياسيە ارسنده. مناسبات طبيعيە تاسيس يعنى قدرت سياسيەنك فعلاً موجود اولديني محله حقوقاً دخي موجود اولسنه عافتدر» [ ايسەن صحيفه ۳۶ ]

بو مبحثده دها پارلاق بر نقطه نظره مالك اولان رووايه قولارى ينه ايسەندن نقلاً ذكر ايدەلم :

« اوت ملتار اراضى كېي تملك ايدلمەك و كنديلردن باشقەسنه مالك اولماق و حقوق طبيعيە سبيله محافظه و سلامتيرينه عائد وسايط كنديلرنده موجود بولونمق اعتباريله حاكميته مالكدرلر. كذلك ملتار حاكميته مالكدرلر شو اعتبار ايله كه موافقت عموميه حكومتلارك يكانه تمل رصينيدر و حكومتلر ملتارله و ملتار ايچون قائمدرلر . آنجق بو غير قابل اعتراض حكومت دستورلردن زياده اخلاقي دستورلردر و بونلر قانون وضع و دولتلر اداره ايدن حاكميت بشريە و فعليه دن زياده عقل و عدالتك حاكميت الهيه سنى اظهار ايدر . بزم ايسە اراديفمز حاكميت بشريە و فعليه در . بو زرده بولونيور ؟ عجباً شهر ميدانلرنده مى تظاهر ايدر ؟ اشخاصك اكثرتي ، هر نه اولورسه اولسون آرزو و اراده لرك اكثرتي . . عجباً اراديفمز بوميذر ؟ اكر

شایان ناملدر . بوندن مقدم مورخ شهر کیزو « وسائط مخالفت » نام اثرنده بوکا بکزر وحتی بوندن بالنسبه دها معقول دیگر بعض مطالعات سرد ایتمش ایدی : « حر ، مستقل یکدیگرینه قارشو هر درلو فکر ضروریء تبعیتدن خالی ویالکزر منفعت مشترکه ایله بربرینه مربوط انسانلری آلیکزر . . . بو محیط ایچننده قدرت سیاسیة ، یعنی دولت دنیلن شی ناصل تولد ایدر ؟ قدرت سیاسیة بونلرایچنده بو قدرتی اجرایه یعنی منفعت مشترکینی تأمینه اک زیاده مقتدر اولدیغی ظنی تولید ایده بیلن کیمسه یه انتقال ایدر سوق و جریان اختیاریء احوالی تغییر ایدر . چک بر سبب خارجی و شدید ظهور ایتدکجه جسور اولان امر ، ماهر اولان اداره ایدر ، کندی کندیلرینه بر اقیلان ، قانون طبیعتلرینه ترک ایدیلن کیمسه لرده قدرت سیاسیة تفوقه رفاقت و تفوقک انکشافنه خدمت ایدر . تفوق کندیسنی طانتدیرنجه عینی زمانده اطاعتی تأمین ایتمش اولور . ترقی و توسعه ایتمکده اولان جمعیتلرده نه اولویور ؟ فعلاً قدرت سیاسیة یه مالک اولان کیمسه لر ملتک منافع عمومیة سنی تطمین وادرا کدن عاجز اولور لر ایسه ویا خود بو منافعی اصلا درپیش ایتیه رک موقع سیاسی لرینک ایجابات و نتایجینی یالکزر کندی لهلرینه تحویل چالیشیر لر سه او وقت یا جمعیتک خرابیسنه ویا قدرت سیاسیة نک تبدیل مکان ایتسنه منتهی بر جدال باشلار . . . قدرت سیاسیة چیغرندن چیقمش

موقعمده اولانلره تسليم ايتديرمشلردر. زمامداران امور دائماً فعلاً دهامقندر و قوی اولانلر اوله گمش و اويله اوله جقدر واقعا بونلر علی الاکثر شوقوت و تفوقلرینه برر رنک مشروعیت و بر مرکه چالیشمشلر فقط شمدی به قدر ایکی چاره دن باشقه برشی بوله مامشلر: یا کندیلرینه فوق الطبیعه بر شکل ویره رک اعتقادات مذهبییه بنای قوت ایتشلر و یا خود اراده ملیه قاعده سنه ایتنا ایتشلردر. اعتقادات مذهبییه، حقوق الهیه کمال اطلاقیه حکم فرما اولدینی عصر لرده ارباب قوت و اقتدارک مذهب دن استفاده ایتلری طبیعی ایدی فقط صوک عصرده اعتقادات بوزولمغه یوز طوتدیفندن ویا لکزر بو قوتلردن استفاده یه امکان قالمدیغندن حاکمیت ملیه لفظندن استمداد واستعانده احتیاج حاصل اولمشدر . . . . .»

بو ذاتک فکر نده پک چوق اصابت اولدیغنی تسليم ایتمکله برابر اعتراف ایتلیدر که قوتی کرک دیندن کرک ملتدن اخذ ایدرک اجرای حکومت ایتک اساساً بر ریا و صنیه عد اولنماق ایجاب ایدر. بو منبعلرک هر ایکسندن اقتباس قوت حد ذاتنده معقولدر؛ شو شرطه که بو قوتلر حقک خادمی قیلنسون. حقه خادم اولماز، منافع شخصییه ایچون سؤاستعمال ایدیلور ایسه او وقت جعلی و ریا کارانه بر پرده ایله مستور قالیر و صاحب تألیفک مؤاخذاتنه بحق هدف اولور. واقعا بو نظریه پکده یکی بر شی اولمامقله برابر شبهه سز

بوتون افرادك دعوتی ایجاب ایتمز. کیم مزیت و لیاقت و اوصاف  
سأترجه دها زیاده حصه مندایسه اونك حاکمیته اشتراك ایتمی  
ضروریدر و اونك ایچون حاکمیت ملیه دیمك دائماً آرای عمومیه  
دیمك دکلدر .

قوة عمومیة دولتك او حالده مصدر حقیقیسی نه در و بونده  
نه درجه به قدر حق و مشروعیت آرامق ایجاب ایدر؛ اك متأخر  
مؤلفلردن دوکیت بو دعوائی بروجه آتی حل ایدیور :

«حقیقته قوه سیاسی و عمومیه نك حین تدقیقنده مشروعیدر  
دکلدر جهتلینی آراشدیر مق عبئدر. بوقوت بر تکامل اجتماعینك  
ثمره سیدر و بونك شکلنی و عناصر و عواملنی تعیین اجتماعلرینه  
عائددر. دولت تسمیه اولنان هیئات اجتماعیه نك کافه سنده - ایستر  
اك بسیط و ابتدائی اولانلر ایستر اك متمدن و ترکیباتی کثیر  
بولانلر اولسون - بر نقطه مهمه و منفرده نظره چاریارکه اوده  
اشخاصدن بعضیلرینك دیگرلرینه نظر آدها قوتلی و آرزو و عزملرینی  
تنفیذ و اجرا به دها صالح و مقتدر بولونمه لیدر. قوتجه اولان بو  
تفاوتك انواع و اشکال متعدده سی وارددر. بعضاً صرف مادی  
اولور، بعضاً معنوی و مذهبی و یا فکری اولور، اکثریا واقع  
اولدینی و جهله بو تفوق اقتصادی دخی اوله بیلیر. بوندن ماعدا  
بو صوک زمانلرده بوس بوتون میدانه چیقان یکی بر قوت واردر که  
اوده عددك، یعنی اکثریتکدر. شو حالده ماده، اقتصاداً، معناً،  
مذهباً، فکرآ، عددآ فائق اولانلر آرزولرینی کندیلرندن دهادون

ك معقول صورته اظهار ايديلن حاكميت مليه اصوليله اصول استبداد و مطلقيت قياس ايديلنجه بشرينه اولان نفع و فائده سي اعتباريله حاكميت مليه نك رجحاني آشكاردر . نهايت ملت حكومتك دكل ، حكومت ملتك خادמידر . بك بديهي و ناقابل اعتراض اولان شو حقيقت بزه كوسترييور كه اك معقول طرز حكومت ممكن مرتبه علاقه دارانك موافقتي يعني ملتك آرزوسني استحصاله منوطدر . بر آنونيم شركتده مدير و مجلس اداره اعضاسي حصه داران هيت عموميه سنك ضررينه ايش كوره مدكلري كبي اولره صورت عاديه و يا فوق العاده ده دانيشمقسزنده ايش كوره مزله و كوردكلري آندن اعتباراً حر ككلري غير مشروع اولمش اولور . شو تقديرده مديران و مجلس اداره اعضاسي منفعت مشترك اوغورينه چاليدشده هر نه قدر اولنرك آرزوي شخصيلري عموم شركتك آرزوسي مقامنه فعلاً قائم اولسي ممكن اولماز سه ده ينه مشروعدر . دولت دنخي افراد ملتك منافع ماديه و معنويه سني سوق و اداره ايتك اعتباريله بر آنونيم شركته تشبيه ايديله بيلير و ممكن مرتبه فضله اهالي به مراجعت ايتكله اجرا آتنده . موقفيت و مشروعيت اكتساب ايديله بيلير . شو قدر كه شركتده هر حصه دار هيت عموميه ده اعطاي رايه صلاحيتدار اوليوب انجق مقدار معين حصه سي اولانلرك اجتماعه دعوت ايدلسي و رايلريني استحصاله لزوم كورلسي اقتضا ايتديكي كبي امور دولته اشتراك يني حاكميت مليه ني اظهارده

بحث ایدییوروز. یوقسه هوامدن فرقی اولیان حشرات و عوامک  
 قوهٔ سیاسییه فعلاً اشترا کندن پک چوق مضر تتر تولد ایدیه جکی  
 براز تاریخ بیلنلرجه بلاتردد تصدیق اولنور. حاکمیت ملیه  
 قاعدهسی بر نتیجهٔ فعلیه عد و اعتبار اولنهرق و آرای عمومیه  
 اصولنه سائق اولهرق مشروع فرض اولنه بیلیر. فقط مع التأسف  
 بو حاکمیت ملیه قاعدهسی آرای عمومیه نك حاکمیتی کبی بر نتیجه  
 تولید ایدیه میور. حاکمیت ملیه دن استخراج ایدمک ایجاب ایدن  
 یکانه بر نتیجه واریسه اوده ارادهٔ ملیه بی اظهار ایدمک اک  
 اینی چاره بی از اشدیروب بولقدز. هر حالده ینه چارهٔ منفرد  
 آرای عمومیه اولدینی ثابت دکدر.

معلوم اولدینی اوزره انقلاب کبیر شخصی حقوق الهیهیه  
 استناد ایتدیرمک ایستیلن حکومت قرالییه و حکمدار لره قارشو  
 محافظه و صیانت ایچون اختیار اولونمش اولق حسینیه صولکدرجه  
 مشروعدر. فقط بوکا مقابل ملتک حقوق طبیعییه و حقوق  
 الهیهسی وار دیه حکمدارک استبدادینه قارشو حاکمیت ملیه  
 استبدادی اقامه ایدنمکدن بالخاصه حذر ایتلیدر. ملتک حاکمیتی  
 حائز فرض ایدیلن مجالسه قارشو هر درلو تأمیناتی احراز ایتک  
 امر ضروریدر. حقسز برشی دائماً حقسزدر ولوکه ملت ویا  
 انک وکیلاری طرفدن امر اولونسون. حاکمیت ملیه دستور  
 سیاسی اورتیه قونهرق پک بسیط اولان بو حقیقی اوزاتمغه  
 میال اولانلر پک چوقدر. مع مافیهرشی نسبی و قیاسیدر.



عمومیه به کنجه؛ میرابونک دیدیکی وجهله واضع قانونیر ایچون حکمدار و فقط عینی زمانده اک مطلق بر مستبد اولان بوقوتی حکومتلرا کثریا تنور و حتی اتباع ایتک اوزره در پیش ایده بیایرلر. انجق بر کون اول تعبد ایتدیکی شیئی ایرتسی کون یاقه جق قدر تلون کوسترن افکار عمومیه ده موجود اولدیغندن بویله متبدل و متلون بر تمل اوزرینه حق کبی ثابت و متقرر بنا قورمق بالطبع ممکن اوله ماز.

حاکمیت ملیه اساسی بر حقه مقرون اوله رق ثابت اوله مدینی کبی قابل اثبات دخی دکلدر. مع مافیله بویله بر شیئه اساساً لزوم یوقدر. بو حاکمیت ملیه یی اساساً بویله مشروعیت و حقانیت کسوه سیله میدانه وضع ایتمکدن ایسه بونک فعلاً موجود و پک معقول و شایان انقیاد بر حال ضروریدن عبارت اولدیغنی قبول ایتک البته نفس الامر ده موافق اولور. بر مملکتده ممکن مرتبه اشخاص و افرادک قوه ادارهیه اشتراکری لازم کله جکی موافق نصفت و حقانیت اولدیغنه شبهه یوقدر. ذاتاً قاعده ترقی و تکامل ملتک سویه عرفانی یوکسلدوب یوما فیوما متزاید اشخاصک قوه عمومیه دولته تشریکلریخی اقتضا ایدر. تعیر دیگرله آرای عمومیه بتون اقوامک سیاسیاتجه غایه امنی اولمیدر. فقط بو مجئده کی آرای عمومیه دن مقبول و مرغوب اولان آرای عمومیه یی قصد ایدیورژ. یعنی رایینه مللک صاحب عقل و هرفان کیمسه لرك آرای عمومیه سندن

و منطقه موافق اولان شو برنجی مطالعه به شونی ده علاوه ایتمک اقتضا ایدر : اطاعت انجق افکار عمومیه نك موافقتیه استحصال ایدیله بیلیر و ایشه حاکمیت ملیه بو افکار عمومیه نك بر تفسیر قانونیسیدر . بناء علیه حاکمیت ملیه یی تصدیق و تنسیق ایله اکا رعایت افکار عمومیه به بر قیمت حقوقیه ، بر نفوذ قانونی و بر مک دیمکدر . »

ایسمه نك افاده سنه کوره حاکمیت ملیه ایله منافع عمومیه و افکار عمومیه کلمات مترادفدن عد ایدمک ایجاب ایدر . حاکمیت ملیه اساسنک بو ایکی کلمه ایله درجه مطابقت و موافقتی ایسه قابل اثبات بر شی دکلدردر . زیرا حاکمیت ملیه اساسی حاکمیت ملیه نك بر مصدر حق اولدیغنه دلالت ایتمک اقتضا ایدر و بو نظریه به اتباع ایدنلر بو فکری ترویج ایده کلشردر . حال بوکه منافع عمومیه نك ، افکار عمومیه نك دائما قرین حق اوله میه جفی آشکاردر . بر ملتهک منفعت عمومیه سی دیگر بر ملتهک منفعت عمومیه سنه طبان طبانه ضد اولور . منفعت عمومیه حق و مشروعیت معناسنی افهام ایتمسه بو ایکی منفعت عمومیه ارسنده ترجیح بلامر جیح لازم کلور بر طرفک حق دیدیکی شی ایسه دیگر طرف ایچون اکثریا حقسنز اولور . بوتون جهانی بر دولت و بر حاکمیت آلتنده بولوندیره حق قدر وسعت نظر صاحبی اولورسحق او وقت بلکه منفعت عمومیه ده بر رنک مشروعیت کوره بیلیر ایدک . بوکا ایسه امکان یوقدر . افکار

« هر فرد کندی نی عمومه ترك ایتکله حقیقتده هیج کیسه به ترك ایتیمور » یعنی ینه مستقل قالیور و عمومیت تقدیرینه تابع بولونمش اولیور که بوغایت اینجه بر مغالطه دن باشقه برشی دکلدز. برده بو آرزو و صرام عمومی (Volonté générale) هر کیم نه دبرسه دیسون هیج بر وقت حاصل اوله ماز ونهایت بر اکثریت تجلی و تظاهر ایدر. شو تقدیرده قوه عمومی و سیاسیه. امر ونهی ایتک صلاحیتی اکثریت انتقال ایدیور و ایشته بو اکثریت اقلیته آرزوسنی تنفیذ ایتدیریور. بو اکثریتک ولو که - بو اکثریت عموم ناقص واحد اولسون - تنفیذ و اصغای صرام ایتدیرمسی حد ذاتنده مشروعیتی حائز بر حرکت اولدینی قابل اثبات دکلدز. اکثریتک امر ایتیمی بر ضرورت فعلیه اولور باشقه درلو یا یمنه چاره قالمازده اونک ایچون اوله یاییلور. یوقسه مشروعیت ایله اکثریت مشروعیت ایله ضرورت فعلیه ارسنده هیج بر مناسبت یوقدر.

ایسمه ن دیور که : « مادام که مقاوله اجتماعیه اساس اوله میور بر طرف ایدلمسی لازم کلن بر نظریه در. او حالده حاکمیت ملیه فی هانکی فکر و مطالعه اوزرینه بنا ایده بیلرز. بو باده ایکی مطالعه کوریورم که ایکیسی ده حقیقتده عینی بر حقیقتک ایکی مختلف منظر دسنی ارئه ایدر. برنجی مطالعه شودر : قوه عمومی و بوقوتی اجرا و تنفیذ ایدن حکومت محضاً ملتی تشکیل ایدن کافه افرادک منافعی ایچون موجود و جاری بولنمقده در. بک معقول

مشتراك ارزوسندن مستقل و آیری بر آرزوی عمومی تولد  
ایده بیله جکی استدلال اولونه ماز .

مع مافیله بویله بر آرزوی عمومی و مشترک، بویله بر مشترک  
( بن ) ( Moi commun ) موجود اولسه دخی بونک افراد  
و اشخاصه تنفیذ مرام ایتمسنگ مشروعیتی اثبات اولونه ماز. قدرت  
و قوت سیاسیته هیئت عمومی شخیصیه عائد اولدینی قبول اولونسه  
دخی بو قدرت و قوتک مشروعیتی تسلیم اولونه ماز. دنیلورکه  
هیئت عمومیته نك آرزو و مرامی فردک آرزو و مرامنه فائقدر.  
[ ارسطوده عینی نظریه یی در میان ایتمش ایدی ] نه دن؟ هیئت  
عمومیته نك آرزو و مرامی مشترک و عمومی اولمغله برابرینه بر  
آرزوی بشر اولمقدن خالی اوله ماز و او تقدیرده ناصل  
اولیورکه یینه بر آرزوی انسانی دیگر بر آرزوی انسانییه  
— فرضا افرادک آرزولرینه — غالب و فائق عدایدلسون؟ بعضیلری  
انقلاب کبیر قرالدرک حقوق الهیه سی یرینه ملتک حقوق  
الهیه سی اقامه ایدی دیورلر . پک طوغری بر سوز .  
زیرا هیئت عمومیته نك امر ونهی ایتمسی مشروعدر زیرا عمومیتدر  
دیبه یلمک ایچون یینه قوانین طبیعیه نك فوقه چیقمق اقتضا  
ایدر . قرالدرک حقوق الهیه لرینی مذهبدن یعنی ماورای طبیعتدن  
استخراجیه قالمشملر ایدی . بو صورتله ملتدرده عینی طریق  
احتیبار ایتمش اولیورلر . زیرا قوانین عادیه ایله حل ایدیله مین شیلر  
ماورای طبیعتک ( Métaphisique ) دائرة تدقیقنه داخل اولور .  
ژان ژاق روسو مشکلی حل ایتمک ایسته بور دیورکه :

اولمديغنى كرك علم جمعيتى ( Sociologie ) تدقيق ايدنلر و كرك طبع  
 بشره واقف اولانلر ايضاح و اثبات ايدسيورلر .  
 فى الحقيقه انسان مدنى بالطبعدر ، حال اجتماع اونك ايجون  
 حال ضروريدير ، انسانلر ك حال انفرادده يشادقلىرىنى انتروپولوژى  
 علمنى قبل التاريخ ازمنهيه واصل اولونجهيه قدر تعميق ايدنلر  
 بيله كورمامشردر . بدايت خلقتدن منتهى تمدنه واصل اولان  
 اقوامك همان كافه سندن اليوم برر نمونىي محتوى اولان سطح  
 لرضده اجرا ايديلن تحقيقات دخى كوسترييوركه اوچدن زياده  
 صابى صايه ميه جق درجه ده عقل و ذكالى استعداد و انكشافدن  
 محروم اولان قيسلهلر - كه بونلر ك بر مقاوله اجتماعىي ولوكه  
 ضرورى بر احتياج سائقه سيله ضمنى اولسون اكلامقندن عاجز  
 اولدقلى ظاهر در - بيله حال اجتماعده يشامقده درلر . شو تفصيلاته  
 نظر آ انسانلر بر وقت حال طبيعده ايدى صوكره حال اجتماعه  
 كيردى ادعاسنده بولونمق جمعيتى حدوشندن صوكره ايضاح  
 مقصديه مرتب بر محصول تفكر ، بر تعليل بعدالوقوعدر .

۳۵ حاكيت مليه حقنده مناقشه - ديكر طرفدن بر هيئت  
 اجتماعيه نك كافه افرادى آره سنده حقيقه بر مقاوله ضمنيه  
 اجتماعيه موجود اولسه دخى بوندن بر آرزوى عمومى و مشترك  
 ظهورى ، مشترك و عمومى بر ( بن ) ميدانه كلسى متصور  
 دكلدر . واقعا بر مقاوله عقد ايتكله معاقدلر عيني بر شيشى  
 ايسيورلر ؛ فقط بو عيني شيدك ايسنلمسى تيجه سنده هر شخص

اولدیغنی بیانه حاجت یوقدر . انجق اون سکزنجی عصر علماسی  
 مقاوله اجتماعیه بی اثبات ایچون تاریخه مراجعته لزوم کورمدیلر  
 و بوبر حقیقت تاریخیه دکل بر ضرورت منطقیه در دیدیلر اوله  
 بر ضرورت منطقیه که او اولمازسه قدرت سیاسی دینیلن شینک  
 ادراکنه امکان یوقدر اونک ایچون روسو مقاوله اجتماعیه نک  
 برنجی کتابنک آلتنجی فصلنده مقاوله اجتماعیه احکامنک هریرده  
 ضمناً قبول و تصدیق ایدلش و احتمال که اصلاً صورت صریحه  
 و قطعیده اظهار اولونماش اولدیغنی بیان و محضاً بر اراضی  
 اوزرنده ساکن اولوق سببیه بونک نسلاً بعد نسلینه ضمناً  
 تجدد ایتمکه اولدیغنی ادعا ایلور . مملکتده اوطورمه موافقت  
 ایتک حاکمیته تبعیت ایتمکه رضا ویرمکدر . هر هانکی بر مولود  
 لوقک افاده سنه کوره سن رشده واصل اولونجهیه قدر حال  
 طبیعیده در و بوسنه واصل اولوب مقاوله اجتماعیه روی  
 قبول کوسترمدکجه حین تولده کی استقلالی محافظه ایدر .  
 فقط سن رشده واصل اولوب موافقت ایتیلر ( واتهل ) ک  
 فکرنجیه حال اجتماعدن چیقمنه صلاحیتداردرلر . زمانمزده  
 بیه ترک تابعیت قضیه سنی حقوق و نظریاتجه اثبات ایچون  
 واتهل و روسونک بوباده کی مطالعه لرینه استناد ایدیلور ] وایسک  
 حقوق خصوصیه دولته مراجعت اولونه [

مع مافیه انسانلرک حال اجتماعده بولونمسنی ایضاح ایچون  
 صریح اولسون ضمنی اولسون بر مقاوله انمقاد ایتسنه حاجت

موجود اولدیغنی ، درجهٔ ثانیه ده . بر مقاولهٔ اجتماعیه ایله بو حال طبیعییدن حال اجتماعی یه کچیلدیش (بالاده کی هوبس ، لوق ، روسو و محترینه مراجعت ) و برده بو مقاولهٔ اجتماعیه نك اتفاق آرا ایله قبول ایدلش اولدیغنی تضمن ایدر . حاکمیت ملیه یی و حاکمیت ملیه دیمک اولان نفوذ و قدرت سیاسییه یی مشروع کوستریمک ایچون مقاولهٔ اجتماعیه فیکری ایجاد اولونمش و اون سکنزنجی عصر علماسی بونی بر دستور سیاست و حقیقت عد ایلدکلی حالده شمدی بک چوق اسبابدن طولانی بو نظریه نك ترکنه لزوم کورلمشدر .

مقاولهٔ اجتماعیه بو نظریه یی تعقیب ایدنلره کوره جمعیتک مولدی ، ایلمک تملی اولوق اوزره کوسترلیدیکی حالده بویله بر مقاوله نك وجود تاریخینسی کوستره جک هیچ بر وثیقه ابراز اولونه میور . واقعالوق بو اعتراضی درپیش ایدرک تاریخک حال طبیعیده بولونان انسانلر حقنده از معلومات ویرمسنه تعجب ایتهمک لازم کله جکنی ، چونکه وئائق تاریخیه دینمان شیتمک هر برده حکومت و جمعیتک تشکلندن ، تاریخچه مؤخر اولدیغنی جواباً بیان ایتمکده و بونسکله برابر روما و وندیگ حکومتلرینک اره لرنده هیچ بر تفوق طبیعی ، هیچ بر تابعیت موجود ولمیان حر بعض کیمسه لرک اتحادندن نشأت ایتدکلی قابل انکار بولونمدیغنی ادعا ایلدکده در .

بومثاللرک اثبات ایدلمک ایستینلن دعوا ایله نه قدرنی مناسبت

«ایده من» [ ۱۷۹۱ قانون اساسی ] .

بر عصر دن زیاده بر مدت بو قاعده لر عقائد سیاسیہ کبی درجه قدسیتی محافظه ایلدی آلآن حقوق سیاسیہ بو محور اوزرینه دوران ایتمکده در بونکله برابر هر شیئی تفحص و تدقیق ایدن فکر بشر لایتغیر و قطعی کبی تلقی ایدیلن بو قاعده لری تنقیدن چکینامشدر.

۳۴. مقاوله اجتماعیہ. — اول امرده هیئت عمومیہ نك حاکمیتی بو عمومیتهک بر شخصیتی ، شخصدن ، فرددن کندیسنی ترکیب ایدن افراد و اشخاصدن آیری بر اراده و مرامی بولونمق ایجاب ایدر. بو ایسه شمدییه قدر اثبات اولنه مدی و اثبات اولونمسی ممکن دکلدرد. عمومہ شامل بر « بن » موجود اولدیغنی قولکتیف بر شخص ، بر شخص عمومی مشترک بولنه بیله چکنی اثبات ایچون انکلیز هوبس و روسو و سائر انتره پیرو اولان یک چوق کیمسه لر مقاوله اجتماعیہ نظریه سنی میدانہ قویمشلردر. جمعیت بشریه یی بر مقاوله اجتماعیہ ایله اثباته قالدشمق دور و تسلسل طریقی اختیار ایتکدر . زیرا اول امرده بر مقاوله اجتماعیہ عقد اولونه بیلیمسی ایچون — ولوکه ضمنی بر مقاوله — فکر اجتماعک ذاتاً موجود اولمش اولمسی ، جمعیتک اساساً میدانده بولونمش و او مقاوله یه ضمنی اولسون صریح اولسون سیمت و تقدم ایتمش بولونمسی اقتضا ایدر .

مقاوله اجتماعیہ اول امرده انسانلر ارسنده بر حال طبیعی



جمله سیله قابل تألیفدر . اون طقوزنجی عصر سیاستی باشلیجه بو فکر ایله بسلندی وهر قوت و قدرتک ملتن کلدیکنی بیان ایتمکله و ملت طرفندن طوغریدن طوغری به بر پارلمنتز انتخاب ایلمکله هر درلو مشکلا نك مندفع اولدیغنه ذاهب اولدی . بوندن ماعدا جمهوریتی ده موقراسی اصولنك متممی فرض ایده رك جمعیت جمهوریتبه طوغری متمایل اولدیغنه تکامل ایده جکی فرض اولندی . فقط وقایع بو مسئله معامته نك بو قدر قولای قابل حل و تسویه اولدیغنی کوستردی . اك زیاده معاملات کیفیه سنه قارشو احتیاطلی بولونمق ایجاب ایدن بر حکومت وار ایسه اوده حکومت عوامدر . حکمدارلرک استبدادینه قارشو پارلمنتولر قدم پیدا ایتمکجه استبداد یواش یواش اونلره انتقال ایدیور و افرادک حقوق شخصییه سی شمدی یکی بر قوته قارشو مدافعه و صیانت اقتضا ایدیور .

بونظریه نك لب و خلاصه سی فرانسه نك ( ۱۷۸۹ ) قانون اساسیسنده بر بوله رق الا آن حکمنی محافظه ایتمدر . « هر درلو حاکمیتک اساسی ملتده در هیج بر هیئت هیج بر شخص آجیقندن آچیغه ملتن صادر اولمیان بر نفوذ و حکومتی اجرا ایده مز » [ حقوق بشر بیاننامه سی ماده ۳ ] .

« حاکمیت بر در غیر قابل تجزیدر . مرور زمانه اوغراماز . ترک و فراغ ایدیله مز . ملتک مالیدر ملتک هیج بر قسمی و هیج بر شخصی بونک تنفیذ و اجراسنی کندیسنه توجیه

مالک بولنیورلر ؛ بعضیلری منبع قدرتك حقوق الهیه اولسی  
مطلقا بر حکومت مطلقه و مستبدیه منجر اولور ذهابنده  
بولنورلر ایسه ده بو ذهاب طوغرو اوله ماز . برنجی شقه کوره  
حکمدار طوغریدن طوغری به جناب حقدن بر طریق خارق-  
العاده ایله ؛ بر نوع الهام ایله تلقی اقتدار ایتدیکندن طولانی  
کیمسه به حساب ویرمکه مکلف دکدر ، فقط جناب حق  
و جناب حقت تلقین ایلدیکی قواعد دینه و اخلاقیه دن تجرید  
نفس ایده منر .

ایکنجی شق ایسه حکومتک تحدید نفوذی قاعده سیله  
غیر قابل توفیق دکدر . فرضا ملت و کیملری و انسانلر طرفندن  
وضع ایدیلن قوانین منبع اصلیبی قدرت مطلقه الوهیت اولان  
قوة حکمدارانی تنقید ایده بیلیر زیرا بوندرده قوانین الهیه ایله  
وجود بولمشردر ؛ عاده اه بونلر حقننده جاریدر .

۳۳ ده. وقراتیق نظریه لر . — یعنی قدرت سیاسیته نك منبغی  
عوامده ، خلقده آریان فکرلرک مطلقا احرارانه نتیجه لره  
منجر اوله جفته ذاهب اولق خطادر ؛ بو نظریه طرفدرانی  
«منبغی خالق و عوام اولان بو قدرت سیاسیته مشروعدر ؛ زیرا  
بو قدرتی وضع ایدن بو قدرتك نفوذینه تابع اولان عمومیتدر .  
( Collectivité )» دیرلر . برده حکومت عوام دیمک مطلقا  
جمهوریت دیمک اولمدیغنی بیلمیدر ؛ ( روسو ) نك ده ادعا  
ایتدیکی وجهله منبغی اهالی اولان قوة سیاسیته اشکال حکومتک

اويله بر مسئوليت كه هيچ بر ناظر ، هيچ بر پارلمنتو ، هيچ بر قوم ، حكمداري آندن تجريد ايدمهز . » [ ]

اون دردنجي لوئي حياتنده دولت ديمك بن ديمكدر ديتش اولغله برابر خاطر اتنده قراليت بر وكالت الهيه در نظريه سني درميان ايتش ، اون بشنجي لوئي ده ۱۷۷۰ ده نشر ايتديكي امرنامه نك مقدمه سنده : « تاجمزي جناب حق دن آلدق . قانون وسائر يايق هيچ كيمسه به تابع اولمقسز ين هيچ بر اشتراك قبول ايتمكسز ين يالكز و يالكز بزه عاندر ... »

ايكنجي تقديره كوره جناب حق مافوق الطبيعه بر تجلي و انكشاف ايله دكل ( يعني معجزه و كرامت ايله دكل ) بلكه حادثات و شئون بشريه به ارادات انسانيه به استقامت بخش ايتمكه قوت و قدرت سياسي نك منبجي اوليور يعني قوه سياسي نك دخي تظاهرنده عاده ام جاري اوليور . بو نظريه موجبنه واقعا قدرت و قوت منصراً جناب حق دن صادر اوليور . فقط بو قوت و قدرت سياسي به احراز ايدن كيمسه ل بو كا وسائط خارق العاده و الهيه ايله دكل وسائط عاديّه بشريه ايله

[\*]. ايكي سنه مقدم امپراطور كونيغسبرغده ايراد ايتديكي بر نطقده حاكيت مليه بي انكار ايتش اولديفندن رايخشتاغ مجلسي خيلي كورولتي چيقارمش فقط باش و كيل موسيو بتمان هو او دغ المانيا قانون اساسي سنده حاكيت مليه كه سنك غير موجود اولديفني بيان ايتك صورتيله كورولتي ني صاومشدر .

ایدن ، مشروع فرض ایدن نظریاته : ( ته اوقراتیق - الهی )  
 دینور . بو نظریه نك طرفدارانی مایوق الطیبعه قدرتلك  
 مداخه سنی قبول ایلدکارندن بو بایده کی مطالعه لری فنون طبیعیه دن  
 زیاده فلسفه و حکمتك دائرة تدقیقنده در . مع مافیہ بو نظریه بی ده  
 ایکی مهم قسمه افراز ایتک ممکندر . برنجیسنه کوره قادر  
 مطلق اولان جناب حق یالکز قوه سیاسیہ بی خلق ایتامش ،  
 بو قوتی انفاذ ایتک اقتضا ایدن شخص و یا اشخاصی و فرضاً  
 هر مملکتده بو حقوق الهیه نك حاملی اولوق ایجاب ایدن خاندان لری  
 دخی تعیین ایتشددر . مع مافیہ فتولیکلر بیله ابنای بنی اسرائیلدن  
 غیرى طوغریدن طوغری به طرف باریدن منصوب حکمدار  
 موجود اولدیغنه قائدلرلر . الك زیاده فتولیکلر طرفندن اوکه  
 سوریلن بو نظریه هر قدر تک منبعی جناب حقدر مأنده کی  
 قول عیسایه یا کلاش معنالر ویرلمسندن ایلری کلمشددر . بالخاصه  
 اون یدنجی و اون سکنزنجی عصر لرده فرانسه قرال لری بو  
 نظریه دن استفاده ایتمشلرددر . زمانزده آلمانیا ایمراطوری  
 دخی بو فکر قدیمی احیایه چالشمش در ( ۱۸۹۷ ) ده قوبله نچده  
 ایراد ایلدیکی بر نطقده دیمشدر که « عاداتا بر فکر قدسیته محافظه  
 ایتکه مجبور اولدیغمز بر خزینة الهیه واردر که اوده لطف حق  
 ایله اجرا ایدیلن قرالیتدر . Par la grâce de dieu بو قرالیت  
 آغر وظائفه ، مزاحم و مشکلات بی نهاییه بی آرام مساعی به  
 و یالکز خالق کائناته قارشی مدهش و مخوف مسئولیتلر معروضدر .

و پریشان اولور . بو صورتله شاید افراد وظیفه نرنده  
 قصور ایدر لرسه قانون کندیلرینی داخل وظیفه اولمغه اجبار  
 ایدر . و هر حالده حاکمیتک برنجی بر نتیجه سی امر و تنفیذ امر  
 ایچون اجباردر . فقط امر و اجبار دنیان بو اوصافی حاکمیت  
 ایله قاریشدیر ماملیدر بونلر یالکیز موجودیت دولتک ایکی  
 تظاهر قانونی و حقوقیسیدر .

فقط بو امر ایتمک و بو امری ایجابنده جبراً انفاذ ایتمک  
 صلاحیت سیاسی سی زهدن کلپور و بو صلاحیت سیاسی نیک  
 اجراسنده اساساً نه درجه به قدر مشروعیت واردر ، مشروع  
 ایسه و بو مشروعیتی حسیله مطاع اولمق ایجاب ایدیور ایسه  
 بونک سبب و حکمتی نه در ؟ اک اسکی زمانلردن بری بو  
 مسئله نیک اوزون اوزادی به تدقیق ایدلدیکنی و فقط مع التاسف  
 حالا قطعی بر صورت تسویه به اقتران ایتدیر یله مدیکنی بیان  
 ایدر ایسه ک تعجب ایتملیدر ؛ الآن علمای حقوق آره سنده  
 بوکا دائر اتفاق و اتحاد افکار موجود دکلدیر .

قوت و قدرت سیاسی نیک منابعی حقنده میدانه قونیلان  
 نظریه لارک جد و حسابی بو قدر مع مافیه اک متأخر مؤلفلردن  
 برینک ادعاسنه نظراً بوی نه پایه نظریات ایکی اصل مهمه ارجاع  
 اولونه بیلیر : ( ته او قراتیق ) و ( ده مو قراتیق ) .

۳۲ ته او قراتیق نظریات .- قدرت و قوت سیاسی بی فوق الارض  
 بر قدرت سماوی نیک امر دنیا به مداخله سی صورتیله ایضاح

## دوات و حاکمیت ملیه حقنده بعض مطالعات

حقوق نقطه نظرندن دولت بر شخصه تشبیه اولونه بیلیر ؛ فقط بو شخص هم کندینی تشکیل ایدن اشخاصدن و هم کندی کبی اشخاصدن عبارت اولان دیگر دولتلدن آیری و مستقادر کندیسنه مخصوص بر شخصی وارد و حاکمیت بو شخصیتنده مندرجدر .

حاکمیت دولت خارجی و یا داخلی اولور . دیگر دولتله جریان ایدن مناسباتنه نظراً بو حاکمیت خارجیدر . کندی اعضا و افرادی ایله اولان مناسباتنه نظراً داخلیدر . حاکمیت خارجیه دولتک دیگر دولتله قارشو موجودیت مخصوصه و مستقاه سنی اراده ایدر . حاکمیت داخلیه ایسه عینی بر موجودیت مشترکه عمومیه نك افراده قارشو موجودیت مخصوصه سنی کوستیریر .

حاکمیت خارجیه حقوق دول مبحثنه عاندر ؛ حاکمیت داخلیه ایسه منافع ملیه و دائمه ایله توأم اولان وجود مشترکک ، موجودیت مستقاه دولتک کندیسینی تشکیل ایدن ناپایدار اشخاصک خارجنده و فوقنده اوله رق موجود اولدیغنه دلالت ایدر . ایسته افراد بو وجود مشترکه اطاعت ایله مکلف درلر ؛ عکس تقدیرده انتظام سزلق و تذبذب ایچنده یو ارلانهرق مضه محل

اجرا ايدر. بو مامورين تابعه نك اك بويوكنه حكمدار عنوانى ويريله بيلير حتى وراثت اصولى دخى قبول اولنور. قوه تشرىعيه يعنى حكمدار حقيقى ملك اولونجه بونده بر باس يوقدر.

روسو، كوريليور كه نيابت اصولنده مونتهسكيو دن يك زياده ايزيلديغى كې قوه اجرائيه نى فرع عد ايتديكندن طولايى هم مونتهسكيو هم لوقدن تباعد و بوصورتله تفريقى قوى بختنده ده بالطبع كندينه مخصوص بر نقطه نظر تعقيب ايدىيور. قوتلك تفريقى اصل قوه دولتك، يعنى حاكميتك تفريقى معناسنى اصلا افاده ايتمز يالكز تايم اولان حكومتده تقسيماته جواز واردر. مع مافيه قوه تشرىعده وظيفه نيابت و وكالت قابل تجوزدر بالفرض انكتره ملتى پارلمنتويه مالك اولغله كنديسى حر ظن ايدر.

حال بوكه اونك حرىتى يالكز يوم انتخاباتده تجلى ايدر يالكز اوكون ملك حقيقى حاكميتى، قوه تشرىعيسى واردر فقط صوكره كى كونلرده ارتق مجلس منتخبك صفت وكالت و تمثيلى قالماز و بوندن طولايى انكيزلر دوره اجتماعيه مدتجه حرىتلىرى ترك ايتمش اولويورلر. حاكميت انجق قوه تشرىعيه ايله تظاهر ايدنجه و قوه تشرىعده نيابت قبول ايتيوب اهالى طرفندن ممكن اولديغى قدر بلا واسطه ايفا ايدملك لازم كلنجه بونك فعلاً عسرت و حتى عدم امكانى نمايان اولور. روسوده بونى دوشونديكندن مملكترك ممكن مرتبه كوچك پارچهلره انقسامنى توصيه ايدىيور. كوچك دولتلىرى بوبوك دولتلىر يوتمازى؟ روسو بوكاده خاير جوانى ويرييور زيرا حر اولان كوچك دولتلىر اتفاق ايدنجه متجاوز اولان دولتله غلبه ايدم بيليرلر. بوسبيله روسو طبيعى كندى مملكيتى ارلان اسويچره نى درپيش ايدرك هيئت متفقه اصولانى بوبوك بر قناعتله توصيه ايدىيور.

روسونك خلاصه الخلاصه افكارىنى بورايه درج ايتدك. فقط ايلريده عرصه سى كلدكجه بو مباحثى ايجابه كوره تشرىخ ايدم جكز.

اولاملی ، كذلك هیچ فرد جمعیت کندی کندی صائمہ مجبور اوله جق قدر فقیر اولاملیدر . دواته استقرار ویرمک ایسه ترمیسکمز ؟ درجات متباعدہ و متفاوتہ بی ممکن اولدیغی قدر بربرینه تقریب ایدیکنز نه متواللرک نه ده زوکورتلرک وجودینه تحمل ایتمیکمز »

روسودن اول دولت ایله حکومت یکدیگرندن لایقیله تفریق اولوتامقده ایدی . روسو ایسه یانکمز دواتک حائز حاکمیت اولدیغی حکومتک ایسه ارزوی عمومک اجرایی کندیلرینه تودیع اولونان کیمسه لرک هیئت عمومیہ سندن عبارت بولندیغی سولیشدر .

حکومت نه دیمکدر ؟ تبعه ایله حکمدار ( ملت ) اره سنده ، بولرک اره سنده کی مناسبتی تعیین ایچون ، مؤسس و قوانینی اجراییه و حریت اجتماعیہ و سیاسیہ بی ادامہ یه مأمور بر وجود متوسط . اجرای حکومت ایدنر یعنی مأمورلر ملتک زیر حکمنده مأمورلردر . ( commissaire )

روسونک نظرندہ هر نه قدر مشروع اولان شکل حکومت جمهوریت اولق لازم کلیر ایسه ده کندیسی جمهوریتی حکمدار و خاندان حکمداری ایله غیر قابل توفیق کورمز . فی الحقیقه حاکمیتک یکانہ مصدری قوه تشریعیہ در . قوه اجراییہ بی ارانه ایدن حکومت قوه تشریعیہ هر وقت تابع اولدقدن صوکره هر نه شکلی حائز اولورسه اولسون جائدر . قوه تشریعیہ ملت ایسه آنک نظرندہ حاکمیت ملیہ کی ترک قبول ایتمدیکی کی وکالت دخی قبول ایتمز بناء غایه ملت طوغریدن طوغری به قانونتی وضع ایملی ، قوه تشریعیہ سنی ایضا ایتمیدر . امور اجرا ایسه کوچک مملکتلرده بیله اهالی طرفندن طوغریدن طوغری به ایفا ایدیله یه جکندن بونی اصل حاکمیتک تظاهرندہ ، یعنی ملتک قوه تشریعیہ اوله رق ایفای وظیفه حالده فرع موقعنده قالمق اوزره مأمورین مخصوصه .



ایکي جزو قائمدر بوندن چيقان نتیجه جزو لردن برينك ارزويي ديکريته نظراً عمومي اولماقدر . انجق بوتون قوم بوتون قوم حقنده قرار ويرر ايسه او وقت قوم يالکيز کنديني درپيش ايتش اولور و او وقت بر مناسبت و علاقه حاصل اولور ايسه کل هيچ اتقاسمه اوغرامقزين ينه کله معطوف و حقنده قرار ويرين شي ارزو واراده مليه کبي عمومي اولور اشته بو معامله درکه اكا قانون ديرم « قانون افرادي يالکيز هيئت عموميه لري اعتباريله و افعالي يالکيز تصوري ( Abstraites ) اولق اوزره نظر دفته آير .

بناء عليه قانون بر مملکتده امتيازات موجود اولديغي ادعا ايده بيلير فقط بر کيمسه يه اسني تصريح ايدرك امتياز ويره من . کذلک قانون بر چوق صنوف خلق تشکيل ايده بيلير فقط فلان ويا فلان معين کيمسه لر فلان ويا فلان صنفه کيرسونلر ديه تصريح ايده من قانون بر حکومت قراليه تأسيس و قاعده وراثتي قبول ايدر فقط بر کيمسه بر قرال انتخاب و بر عائله قرالي يي نصب و تعيين ايده من .

قانونک شايه يي نهدر ؟ بوتون افراده ممکن اولديغي قدر ايديک ، يعني حریت و مساوات . « جمله نك اك بويوك سعادتق نهدن عبارت اولديغي تحري اولونورسه کوريلورکه بو سعادت باشليجه ايکي نقطه يه انحصار ايدر : حریت ، مساوات .. حریتدر ؛ زیرا هر هانکي بر تابعیت خصوصيه وجود دولتدن اوقدر قوتک تناقضی مؤيدير . مساواتدرز : بر حریت مساواتسز پايدار اوله ماز . مساواتدن مقصد بوتون درجات اقتدار و ثروتک يکديکريشک عيني اولمی کبي بر معنی استخراج اولونمايدير شو قدرکه اقتدار هر درلو شدتک فوقنده اولميدر . و انجق قانونلره تبعاً جريان ايلميدر . ثروته کلنجه بونک معناسی ده شودر : هيچ بر فرد جمعیت بر ديکريني صا تون آله جق قدر متول .

بناءً علیہ ہو تقسیمہ بیلہ هدف قوۂ اصلیہ نك ، یعنی حاکیتك وجود تام ملتہ کی غیر قابل تجزی وحدتی تأمیندر .

حاکیت ملیہ ، یعنی ارادۂ عمومیہ خطا ایدہ بیلیری ؟ روسونك فکر نچہ ارادۂ عمومیہ دائماً طوغریدر و دائماً منافع عمومیہ بہ متبادلر بورادہدہ ارادۂ عمومیہ بی فوق البشر بر واسطۂ کال ایلہ تظاهر ایتش فرض ایتك ، یعنی ارادۂ عمومیہ بی عقل تام ایلہ مترادف عد ایتك ایجاب ایدیورہ بورادہ کی مشکل و نازك نقطہ بی روسودہ تقدیر ایتدیکی کی مقالہ اجتماعیه نام اثرینك ایکنجی کتابنك اوچنجی فصلندہ کولنچ دنیلہ بیلہ جک بر محاکمہ یوروتہ کہ مجبور اولوبور و دیورکہ : « ملتك مقدراتی دائماً عینی صحتی حائر اولسی استمتناج اولونہ ماز واقعا هر وقت کندی ایلیکنی انسان ایستر فقط هر وقت بو ایلیکنی کورمز بوندن طولانی هرکک ارزوسیلہ (La volonté de tous) ارزوی عمومی (La volonté générale) ارہسندہ اکثریا فرق واردر . ارزوی عمومی منفعت مشترکدن باشقہ برشی کورمز ایکن دیگرى منفعت خصوصیه بہ باقار و خصوصى ارادہلر یگونندن باشقہ برشی افادہ ایتز . » بو نازك تفریقاتی کیہسہ آکلایہ ماز ذاتاً کنندیسی دہ بوس بوتون بو بحثدہ شاشیرہ رق ملنك نوعاً لایخط ایلیکنی قبول ایتش و حتی اقلینك بیلہ دائماً خطا ایتدیکنی ادعا درجہ سنہ قدر کیتہ شدہر .

قانون نہدر ؟ ارادۂ عمومیہ نك تظاہری . انجق ارادۂ عمومیہ هیچ بر وقت برشی مخصوص ویا بر شخص مخصوصہ معطوف اولہ مازہ روسونك محاکمہ سنی بوروتہلم : « بو شیء مخصوص یا دولت دینیلن جسمك داخلندہدر یا خارجندہدر . خارجندہ ایسہ ارادہ ہوشیئہ نظراً عمومی اولہ مازہ . داخلندہ ایسہ ہوشی او جسمك جزئی اولور بوصورتلہ کل ایلہ جزئ ارہسندہ تحت ایدن علاقہ و مناسبت ایکیسنی یکدیگرندن آیزی ایکی موجود حالہ و ضم ایدر بو موجودلردن بری جزؤدر ، دیگرى کلک جزؤدن ماعداسیدر . فقط بر جزئی ناقص اولان کل ارتق کل اولہ ماز و بالادہ کی مناسبت و علاقہ موجود اولدقہ کل مفقود و آنك یرینہ

هنوز طوغمیانلره و یا طوغوب سن رشده واصل اولمیانلره ناصل قابل تطبیق اوله بیله چکنی جای سؤال کوربیور: « بر انسان کنندی شخصی ترک و فراغ ایتسه بیله چوجقلرینی فراغه حق یوقدر انلر حرطوغارلر، حریتلری کنندیلرینکدر عاقل اولادن اول پدر کنندیلرینک محافظه سی و راحت و سعاتی ایچون لهلرینه بعض شرائط درمیان ایده بیلیر فقط انلره بلا شرط و ناقابل فسخ بر عقد بخش ایده من زیرا بویله بر هبه مقاصد طبیعتله غیر قابل تألیفدر و حقوق ابونک فوقنده دره.»

مقالهء اجتماعیه وجوده کلدکدن صوکره حاکمیت نرده بولونور؟  
دها اول بو حاکمیت هر شخک کنندیسندن غیر قابل انفکاک بروصفنی تشکیل ایدیور و حریتله ممزوج و مختلط بر حالده بولونیور ایدی مقاله دن صوکره ایتسه حاکمیت هرکسک ارزوسنده، ارزو و ارادهء عمومیه اخذ وجود ایدر تعبیر دیگرله بر ملت ویا حر افراددن مرکب بر جمعیت یالکز کنندی کنندیسندر کنندینه حاکمدر و صرف کنندی اثری اولان قوانینی یاملیدر صورت مطلقه ده عمومی اولق لازم کلن بو اراده اکثریتک اراده سی دکدر زیرا اکثریت قانونی دخی بر مقاله نامه محصولیدر و هیچ اولمازسه بردنه اتفاق آرانک سبق ایتسنی متضمندر حاکمیت غیر قابل ترک و فراغدر. [ حاکمیت ملیه و اشکال حکومت بحثنه مراجعت ] بو صورتله روسو حاکمیتده وراثت و صنوف مخصوصهء ممتازه یعنی زادکانلق فکرینی چوروتیور.

برده حاکمیت غیر قابل ترک اولدیغی کی عینی اسبابدن طولانی غیر قابل تجزیدر هر نه قدر تظاهراتی یکدیگردن تفریق ایدلمش قوتلر، مثلا قوهء تشریعیه و اجرائیه طرفندن واقع اولقده ایتسه ماهیتی دائما تامدر و هر درلو نقصاندن آزاده اوله رق ملتده مکنوز و محفوظدر حکومت حاکمیت عمومیه نك وکالتی حائز بر چوق کیمسه لر و بر چوق هیئتلر ارسنده تقسیم اولونه بیلیر فقط حاکمیت بوندن طولانی انقسامه اوغرامش اولمیور تطبیقانه پک فائده لی اولان بو تقسیمدن مقصد بوتون قوتلرک عینی آدملر ارسنده متمرکز و مجتمع اولسنه ممانعتدر.

ویا « واضع قانون » ك مطلقاً اصابت رأیه مالك اولیسی ، یعنی كندی شی  
 تشکیم ایندن افرادك منفعتنه موافق حرکت ایتمی ممکن دکلدر ایشته  
 بونك ایچون روسو حکمدارك ( یعنی قوه مشترکه سیاسیہ نك ) صلاحیتنه  
 بر حدود تعییننه موافق اوله میور و تناقضدن تناقضه و اینجه مفاظهلرك  
 انواعنه دوشهرك ( لوق ) دن بو مسئلهده بک کبری قالیور « طبیعت  
 هر آدمه اعضاسنه صورت مطلقهده حاکم اولتی صلاحیتنی ویردیگی  
 کی . مقاوله اجتماعیه وجود سیاسی به بالجله افرادی اوزرینه عینی صلاحیت  
 مطلقهینی اعطا ایدر و ایشته بو صلاحیتدرکه ارزوی عمومی ایله سوق  
 و اداره اولونهرق حاکمیت نامنی اخذ ایدر .. »

بو شدتلی حکمی ویرمکله برابر حاکمیتك غیر قابل ترك و فراغ  
 وغیرقابل تجزی اولدیغنی بک پارلاق صورته اثبات و بو خصوصهده  
 اسلافنه قات قات تفوق ایتش اولان روسو استبداد قانونی و اجتماعی به  
 کیتیمی ملحوظ اولان سالف البیان نظریه سنی تعدیل و تخفیف ایتش  
 و حریمندن واز کچمك انسانلق صفتندن واز کچمك اولدیغنی بیانله هوبس  
 وغروچیوسك شخص واحد ویا اشخاص محدودیه بلاختیار ویا بلاختیار  
 ترك حاکمیت ایده بیله جکاری حقنده کی فکری رد ایلشدر . ترك حاکمیت  
 فکری ترك حریت دیمك اولوب بو ایسه انسانلرده حس انسانیت  
 و اخلاقی بی محو ایتکدن ماعدا ذاتاً معناسز و منطقسزدر : « بر طرفدن  
 بر نفوذ مطلق و دیگر طرفدن بی حدود بر اطاعت اساسی اوزرینه  
 عقد مقاوله معناسز و تناقضی محتویدر بر طرف دیگر طرفدن هر شی  
 طلبه صلاحیتدار اولورسه برنجی طرفك هر درلو تعهددن خالی اولدیغنی  
 آشکار دکلیدر ؟ معادلسز ، مبادله سز بر حکمی تضمن ایندن یالکمز  
 بو شرط عقدك کأن لم یکن حکمنده طوتولمینی ایجاب ایتمی ؟ »  
 روسو بویله فاسد و باطل بر مقاوله عقد اولونسه دخی بونك

راضی طرفین ایسه اختیاره متوققدر بو ایسه مقاله دینان شیئه منتهی اولور مقاله ایله بایلمیان شی رضا ایله دکدر رضای طرفین اولمقزین واقع اولان معاملات ایسه جبر و شدت معاملاتیدرکه حق فکری ایله قابل تدقیق دکدر .

روسونک مقصدی بو اولدینی صریح اولماقله برابر اسارت و فتوحات و سائر معاملات شدت حقدنه ویردیکی آغیر حکملره نظراً بویله بر مقصد تعقیب اتمش اولدینی استبعاد اولونهماز .  
الحاصل روسو هرشیء حریتک نتیجه ضروریه سی اولان ارزو و ارادهیه منتهی قیلور . حاکمیت ملیه ارزودن ، ارزوی عمومیدن باشقه بر شی دکدر؛ قانون دخی انک نظرندنه بو ارزوی عمومیکن ترجمانی ، « مشترک بن » دیدیکی حکمدارک اراده سی در . یالکز بو حکمدارک ، بو « مشترک بن » ک کندی کندینی هیچ بر قید ایله تقیید ایدمه مامسی حقدنه کی مطالعه سی براز خیالی در حکمدار کندینی تشکیل ایدن افراددن مرکب بولونمق حسیله انلرک منافعه مخالف منفعته واقعا نظری اوله رفی مالک اوله ماژ انجق ساحه نظریاتدن ساحه تطبیقاته کیرنجه بو « حکمدار » ، بو « مشترک بن » ایستر ایستمزید ، عمرو کبی متشخص انسانلردن ترکب ایدمه جکدر . بناءً علیه بونلرک منافی افرادک منافعه مخالف دوشه بیلیر واقعا روسویه کوره حاکمیت ملیه « مشترک بن » انجق قوه تشریعیه ، یعنی قانون اصداری صورتیله تظاهر ایتمکده در . شارع وواضع قانون ایسه انک نظرندنه عادتاً فوق الطبیعه بر مخلوق مکملدر حتی انسانلره قانون ویرمک ایچون الله لازمدر دیور انجق رتبه الوهیه واصل اوله جق درجه ده نقصانیز ، احتراصیز « منافعدن خالی ، عائل الحاصل هر صورتله واصل رتبه کمال اولمش واضع قانونلر بولمغه امکان اولدیغندن حاکمیت ملیه نیک ، تعبیر دیکرله « حکمدار »

ذاتاً حکمدار انجق کندینی تشکیل ایدن افراددن مرکب بولونمق .  
 حسبیله آنلرک منافعه مخالف منفعتہ مالک دکلدر و اوله ماز . و بوسبیلہ  
 افرادہ قارشو هیچ برکفیل اراثسنه محتاج دکلدر زیرا وجودک کندی  
 اعضاسنه ایراث مضرت ایلسی غیرممکندر . فقط افرادک حکمداره قارشو  
 وضعیتی بویله دکلدر . بناءً علیه ارادۀ عمومیه به اطاعتدن هرکیم امتناع  
 ایدر ایسه بوتون وجود انی اطاعته اجبار ایدر؛ بوده اوشخصک حر  
 اولمغه اجبار اولونمندن باشقه برشی افاده ایتمز .

الحاصل انسانک مقاولۀ اجتماعیہ ایله غائب ابتدکی شی حریت  
 طبیعیہ و کندیسنی تحریرص ایدن و اکا وصول ممکن اولان هرشی  
 اوزرنده برحق غیر محدوددر . فقط قازاندیغی شی حریت اجتماعیہ  
 و مالک اولدیغی شیء تصرف ایدہ بیلمسیدر حریت طبیعیہ نک حدودی  
 شخصک قوتیدر حریت اجتماعیہ نک حدودی ایسه حریت عمومیه در .  
 ژان ژاق روسونک مقاولۀ اجتماعیہ نام اثرینک برنجی کتانبک  
 بشنجی ، التنجی ، بدنجی و سکزننجی فصللرندن خلاصۀ چیقاردیغمز  
 حقایق بونلردر .

بوراده تحلیل اولنه جق برنجی نقطه ولوکه ضمنی اولسون بومقاولۀ  
 اجتماعیہ به انسانلرک محتاج اولوب اولدیغیدر واقعا روسو جمعیتک فعلاً  
 بویله تشکل ایتمش اولدیغی ادعا ایتمیور انجق انسانلرک حر اولسی  
 اعتباریله کندی رضالری اولمقسزین هیچ برقید آلتنه کیره ماملرینی  
 شرف آدمیتلری ایجابندن عد ایدیور تعبیر دیکرله انسانلرک ضرورۀ  
 من القدییم حال اجتماعده بولوندیغی ، ارسطونک دیدیکی کبی  
 مدنی بالطبع اوللرینی و کندیلرینی ضرورت و مجبوریت بو حال اجتماع  
 ایله توأم یاراتمش بولندیغی روسو تدقیق ایتمیور اونک نظرنده معاملات  
 بشریه نک کافه سی حر اولان انسانلر ارسندده تراضی طرفین ایله اولور .

خالده بوراده يك اينجه محاکمه لاله بونی نقض ایتش اولیور . اساساً فرد جمعیت اینجنده غائب اولوب کیدیور بریجه غائب ایتسکی شیک معادانی بولدیغی ادعای صحیح اوله ماز . بونون افرادک متداویاً حریتلری غائب ایتلری او فردک حریتک عودت ایتش اولدیغنه برسبب معقول تشکیل ایده من . آنجق روسو باشقه یرده مهما ایکن نظریه سنی تصحیح ایدیور : « هر فردک مقاولهٔ اجتماعیه ایله ترك ایتدیگی قدرت ، مال و حریت استعمالی جماعت ایچون لازم اولان قسمدر » بوجله نك زیرینه « آنجق بولزومک تعییننده دیکانه حاکم - حکمدار (یعنی وجود مشترک سیاسی) اولدیغی اقرار ایتلدر » جمله سنی علاوه ایتسکه بالاده کی تقیدینک اهمیتنی کندی صارصیور . بونی سویلین روسو دیکر برجه تده : « مقاولهٔ اجتماعیه ایله افراد طرفندن حقیقی بر ترك و فراغ موجود اولدیغی او قدر یا کاش بر فکر درکه انلرک بومقاوله ایله اکتساب ایتدکاری موقع حقیقنده اولکینه نظر آمر جدر » دیکه مجبور اولویور .

بوندن استدلال ایدرز که روسو بر طرفدن قوردیغی نظریه نك اینجایات منطقیه سنه کیدرک استبداد کی نتایج ایتسیره ک واصل اولمش ، دیکر طرفدن مقصد حقیقیسی بواولدیغندن بونون بو نظریاتی - افرادک حریتی حقنده کی فکرلری تکرار ایتسکه - ابطاله و مقصد حقیقیسی بوضور نله اظهاره چالشمشدر .

حکمدار بر شخص معنوی اولق اعتباریه کندی کی دیکر حکمدارلره یعنی دولتره قارشو تهدی حائز اوله بیایرسده کندی کندیته قارشو مقاولهٔ اجتماعیه ایله دخی بر مربوطی بوندن آنجق حکمدار ویا وجود مشترک سیاسی موجودیتی بیله آنجق بو مقاوله نك قدسیتندن استخراج ایتش اولدیغندن بومقاولهٔ ابتدائی بی اخلال ایده من؛ مثلا کندی موجودیتندن بر قسم ترك ایده من ویا دیکر بر حکمداره تابع اوله ماز . زیرا کندی وجودینی تولید ایدن عقی اخلال کندی کندی بی محادر .

ایدیلامش اولدینی اغاب احتمال اولقله برابر هر یرده بونلر بر برینک عینی در  
 و هر یرده ضمناً قبول و تصدیق اولونمشدر . مکرکه مقاوله اجتماعیه  
 اخلال ایدیلمجه او وقت هر کس ایلاک حقوقنی تکرار احراز ایتش  
 و مقاوله ایله حائز اولدینی سربستی اجتماعنی غائب ایدرک بو سربستی  
 اجتماعی اوغورینه صرف نظر ایتش اولدینی سربستی طبیعیسنه تکرار  
 هودت ایلش بولونسون .

روسو مقاوله اجتماعیه احکامنی حکم واحده ارجاع ایدیور: هر شریک  
 کافه حقوق ایله برابر کندینی تماماً عموم جماعته ترک ایتسی . ذررا بدایه  
 هر کس نفسنی کاملاً ترک ایتش اولدیغندن بو شرط ، شرط ترک هر کس  
 ایچون مساوی اولمش اولور .

شرط هر کس ایچون مساوی اولونجه کیمسه نیک آنی دیگرلرینه مضر  
 قیلمده منفعتی بوقدر . ذررا بدایه اگر هر فرد حقوقندن بعض  
 اقسامنی ترک ایتزسه حل دعوی ایدمجه هیچ بر مافوق بولمیدغندن  
 حال طبیعی هودت ایدر .

مع مافیله هر کس کندینی عمومه ویرمکله ینه کندینی کیمسه به ویرمامشدره  
 ذررا کندیسنه ترک ایدیلم حق مقدارنجه اونک اوزرنده حق قازانیلامش  
 هیچ بر شریک موجود اولدیغندن نتیجهده هر کس غائب ایتدیکنیک  
 معادنی قازانمش ، فضله اوله رق قازاندیغنی فضله قوت ایله محافظه امکاتی  
 الده ایتش اولویور . بو صورتله بوعقد بر وجود معنوی و مشترک ،  
 بر مشترک بنی احداث ایدیور . ایشته قوه سیاسییه مالک اولان ،  
 صاحب حکم و نفوذ اولان قوت بودر . و بوکار روسو « حکمدار »  
 عنواتنی توجیه ایدیور .

بوراده پک اینجه بر مغالطه موجود اولدینی بیسانه حاجت کورمنز .  
 ذررا باشقه بر محلهده حاکمیت و حریتک غیرقابل ترک اولدیغنی بیان ایتدیکی



پرداز وولتر کنديسنه : « اريکز او قونديغی زمان انسان عادتاً دوت اياق اوزره يورومکه هوسله نيور . آتجق ن بو اعتيادی بوندن التمش سنه اول قائب ايتمش اولديغى بوعادته مع الساف تکرار باشلايه ميه جغى حس ايدييوروم . بناء عليه بومشى طبعی بندين وسزدن زياده بوکالايق اولانلره ترك ايدييوروم . « ديمش ایدی . مدنیتی مولد سفالت عدايدوك انسانلرك سعادتني ادوار ابتدائية خلقتمه آرايانلر الاکن چوقدر . فقط بو بر غنط رؤيتدن و ظاهره الدائمسن باشقه برشی دکاسر . حقیقتمه ايسه انسانلرك سفالتي انسانلر قدر قيسر . يکی اولان برشی وارسه اوده سفالتلری کشف و تفحص ايدن ذکای بشر و بوسه لئلری نهونه چالیشان انسانيتدر .

روسوده ذاتاً بوخطاسنده اصرار ايتمه مش وکندي عيطنه باقوبده جمعيت اولان هر برده اسارت و بناء عليه سفالت موجود اولمق لازم کایر حکمی دکيشد بیره رک جمعيتک حریت ايله ده قابل تأليف اولديغی اثبات و بونقطه نظر دن غر - چپوس ، هوبس وحتی لوقدن بيله تباعد ايتشدر .

ايسته بونک ايچون مقوله اجتماعنی تصور ايدر ايکن اول امرده شوقاعده بی وضع ايدييور : « اوله بر شکل اشتراك واجتماع بولماید که بوشکل داخل شرکت واجتماع اولان هر شریکک شخص و مالی بونون قوه مشترک بيله مدافعه و حمايه ايتسون و بوشکل سابه سنده هر فرد جمله به اتحاد ايتمکه برابر کنندن باشقه سنه اطاعت ايتسون و داخل شرکت واجتماع اولدن اول نه قدر حرایسه صوکره بته او حقدر حرقالسون »

روسونک فکرنجه بو مقوله نامه نك احکامی عقديک ما بیتی حسيله ذاتاً او قدر تعین ايتشدر که بو احکامدن هر هانکی برنده واقع اوله جق اک جزوی تعديلات احکام مذکور بی بی معا و بی تأثیر براقیر او صورتد که احکام مذکور نك صورت صريحده اصلا اظهار

اجتماعیہ ۴ نامیلہ معروفدر . کرک بو اژدن و کرک یوقاریده ذکر یکن سائر مؤلفاتندن مشارالیهک اسلافندن یک جوق حقایق اقتباس ایتمکله برابر نظریات جدیدہ و ضمنہ دخی موفی اولدینقی مستبان اولوبوره روسونک محاکماتنه قوتلی بره منطق تعقیب ایتمکله برابر بعضاً منطقی اینجه اته اینجه اته سلفطه درجاسنه ایصال المدیکی و بو صورتله کلیه محاکماتنه شایان اعتراض بعض ضعیف جبهه لر بر اقدینی غیر قابل انکاردر . بو نقایس ایله برابر روسو هیچ شیهه یوقدرکه اون سکیزنجی عصرده فرانسهک اک متفکر بر حکیمی ، بر حکیم اجتماعیسیدر :

خلاصه افکار و نظریاتی - ایلریده صرمسی کل - کجه تعقیب ایتمکله برابر - بوراده اجمال و خلاصه ایتمک فائده دن خالی دکلددر .

روسو اداره شخصیه اوزرینه مؤسس مقاوله اجتماعیه و حاکمیت ملیه فکیرلرینک معنویاتی اساسلربی قبول ایدنجیه قدر خیلی نقایات ذهنیه یکیرمش ، حتی بر جوق معاصرینی کی بر اولدلق حال طبیعی بی حال اجتماعه ترجیح ایدرک جمعیت و مدنیتک انسانلر ایچون مضر اولدینقی بیله اثباته قیام ایتمسدر . کندیسى طبعاً وحشی و مزوی و بدایع طبیعیہ به مبتلا اولوق حسیه کندى خوشلان دینقی شیک هر کسکده خوشنه کیده جکینه و بناء علیه بر قانون طبیعت اولسی لازم کله جکینه قانع ایدی . حتی بر اره لوق دیژون اقادهمیسی رقی فنون و صنایع اخلاق تطهیرمی ، افساده می خدمت ایتمش ؟ دیه بر سؤل ایراد ایدنجه او وقته قدر غیر معروف اولان روسو همان مسابقه به کیرمش و هرکس کی بیانی بر جواب و بر مامش اولمی و بر یکیک کوسترمش اولوق ایچون مدنیتک فساد اخلاقه شدت تأثیرینی اثباته قایلشمشدر . حتی انسانلرک اورمانلرده کندى همچن لر بنه اصلاح محتاج اولمق مزین سرسری سرسری حیاتکیندار اولدقلری ادوار وحشت و طبیعتی او درجه یارلاق و جاذبه دار بر صورتده تصویر ایتمش ایدی که معاصر ی اولان نکسته

نظاره ياپدير ملي در . حر و بناء عليه كندى امور و خصوصاً تنده منور الفكر اولان بر جمهوريته اهالى قوت و نفوذيك بر قسمنى كنديلرينه تودبع ايدم جكي ذواتى شايان تقدير صورتده انتخاب ايدر . . فرضاً بر شخصك ا كثرىا محاربات ايله اشتغال اتمش اولدينى و موفقيت استحصال ايلديكى بيلير بناء عليه بر جنرالى انتخابك يازده مقتدر در . «

ديكر بر يردم مونتسكيو بو فكرينى شو صورتله توسيع ايديور :  
 « حر بر دولتده حر بر روحه مالك اولمله معروف هر شخص كندى كنديتى اداره اتمك لازم كله چكندن ملتك هيئت عموميه سى قوه تشريميه يى حائز بولونمق اقتضا ايدر . انجق بوبوك دولتدرده بو غير ممكن وكوچك دولتدرده ايسه محاذير عديده يى داعى بولنديفنندن اهالينك كندى كندينه يابه مدينى شينرى ممثلارى واسطه سيله ياپدير مى ايجاب ايدر و بتون افراد ملت - هيچ بر عزم و اداره يه مالك اولميه جق درجه ده تدنى اخلاق يه دوشمكله مشهر كيسهل مستثنا - مملى انتخاب ايجون حق رايه مالك اولميدر . »

بو نقطه ده كوره جكزكه روسوبوس بوتون باشته بر نقطه نظر تعقيب ايديور مع مافيه ينه كوره جكزكه مونتسكيونك فكري اليوم ا كثر اقوام نزدنده فائده سى اولمق اعتباريله مظهر ترجيح اولمدر .

۳۱ روسو — روسونك تصور اتنده قابليت تطبيقه مونتسكيويه نظراً

دون اولمله برابر تدقيقات اساسيه شبهه يوق كه دها دريندر جمعيتك اساس تشكلاتى حقنده باشيجه آثارى ؛ انسانلر بيتنده مساواتسزلك اسبانى ، مقاوئه اجتماعيه ، طاغدن يازلمش مکتوبلر و لهستان حكومتنه متعلق بعض مطالعات در . ديكر آثارى ادبيانه ، امور تربيه يه ، اجتماعيه ، ترجمه حال ذاتى يه و حتى موسيقى به متعلقدر كه بونلر موضوعنر خارجنده در . تشكيلات سياسيه به متعلق اك مهم اثرى ايسه « مقاوئه

بر موقع ویردیکی زمان اصلدن زیاده شکلہ ، ماہیتدن زیاده فائده بہ ، نظریہ دن زیاده قابلیت تطبیقیہ بہ رعایت ایدیور . الحاصل کرک بو بحثده وکرک سائر مباحثده مونٹسکیونک تحلیلاتی دقیق تاریخیہ نقطہ نظرندن شایان حیرت ، فقط حقایق فلسفیہ اعتباریلہ لوقدن حتی روسودن پک نقصاندر زیرا بو تفریق قوی بحثی بیله امثلہ تاریخیہ ایلہ اکثفا ایدرک اوج شکل حکومتک نوعی محصلہ سنی بو اوج قوتک تفریقندہ ارامش ، یعنی فکرنبجہ قوای ثلثہ تقسیمتہ تابع اولان دولت عینی زمانده اشکال حکومتک اوجنی ده جامع بولونمشدر فی الحقیقہ او صرده انشکترہ قرالک ، زادکانک و اہالینک مختلف حقوقنی مزج و توحید ایدہ جک بر نوع اتفاق داخلی شکندہ اداره اولونیور ایدی وقرال ، لوردلر وعوام قمارسی بو اوج نوع قوتک آیری اولدقلری حلدہ متحداً حرکت ایتمکده اولدقلرنی کوستریور ایدی .

فقط طبع بشرده دہا زیاده تحلیلات اجرا اولونورسہ کوریلیرکہ تقریق قوی بالعکس انسانک کندی ماہیتندہ واردر : حر اولان بر آدم اولا یاپہ جفی دوشونور قرار ویرر ایشته بو قراری قانوندر . صوکرہ بو قرارینی ینہ کمال حریتلہ اجرا ایدر وبودہ قوہ اجرائیہ سیدر . بعضاًدہ بو اجرا انسانندہ بر مانعہ تصادف ایدر مدافعہ مشروعه حالندہ بولونور . بو صورتلہدہ لوقک نظریہ سی موجبنبجہ قوہ قضائیہ سنی کندی استعمال ایتمش اولور . حر وحال طبیعیہ اولان اشخاصک حال اجتماعدہ عینی ماہیتی جائز اولہ جقلری طبیعیدر .

مونٹسکیونک تدقیق ایتدیکی مشائل مهمہ دن بری ده حکومتدہ اصول نیابتدر . بو یابدہ وضع ایتدیکی قاعدہ عمومیہ نک خلاصہ سی شودر :  
 « اہالی کندی کندی ینہ ائی یاپہ جفی ایشلری بالذات یاعملی و فقط بالذات ائی یاپہ مدیفی شیلری باشقلرینہ و مثلاً کندی طرفندن تعین ایدلمش

تابع خصوصاً بدن متولد قوه اجرائیه و حقوق مدنی به تابع خصوصاً بدن متولد قوه اجرائیه . برنجی قوتله حکمدار و یا مأمور موقت و یا دائمی قانون یابار و موجود اولان قانونلری تصحیح و یا الفا ایدر ایکنجیسی ایله صلح و حرب یابار ، سفارتلر اعزام و یا قبول ایدر ، امنیت تأسیس استیلاری منع ایدر . اوچنجیسی ایله جنایاتی حکم و افراد اره سنده کی اختلافاتی حل ایدر . بوصول قوته عدلیه و دیگرینه دولتک ساده جه قوه اجرائیه سی دیمک ممکندر . بو اوچ قوتدن حکم اتمک قوتی ( قوه عدلیه ) بر درجه به قدر هیچدر . بو فقره ده اصل قوه اجرائیه نك امور داخلیه به متعلق جهتی همان همان مسکوت کچیشدیر یولور . بوتون اجرا آت دولتک نوعی مناسبات خارجیه سنه انحصار ایدیور . قوه عدلیه بی ده ذاتاً هیچه ایندیریور . حتی فصول متعاقبه ده ویردیکی ایضاحاتده هپ قوه تشریحیه ایله قوه اجرائیه بی قارشیلاشدیریور .

مع مافیله بو تناقض ظاهریدر . زیرا اساساً او وقتلر دولتدکی قوتک اساسی حقنده صحیح و صریح بر نظریه علمیه موجود دکل ایدی . مونتسکیو ایسه حقایق سیاسیه نك نظریاتنه کیریشمک ایسته مش ، کوردیکی انکلاتره مشروطیتنی تدقیق ایدرک تفریق قواده ماهیت مسئله دن زیاده فائده سیاسیه کوزه تمشدر . مختلف کیمسه لره بر نوع تقسیم اعمال دائره سنده مختلف وظائف تودیمی ایشته مونتسکیو نك زیاده نظر دفته آلدیغی مشر نقطه . بو اعتبارله مونتسکیو اوچ درلو قوای اصلیه دولت تعیین ایدیور . آنجق دولتده کی قوتک ماهیتنی ده بر ارا لاق مبهم صورتده تحلیل کیریشیور و کندیسندن اول کلن لوقه بر از اتباع ایدرک نظریه اعتباریله بوجه بالا مبهم بر تقسیم یابیور .

تعبیر دیگرله قوه عدلیه بی فدا ایدرکن باشقه بر نقطه نظر ، ماهیت قوتی تحلیل نقطه نظرینی کوزه تدیکی حالد قوه عدلیه آری و مستقل

ایله مجتمیع بولونورسه حریت اصلاً یوقدر زیرا عینی حکمدار ویا عینی اعیان مجلسنک ( که بوراده مقصد علی الاطلاق بر مجلسدر ) ظالمانه قانونلر یامسندن و ظالمانه صورتده تطبیق ایلمسندن قورقیلور ، فرضاقوه اجرائیه به مالک اولان هیئت اهلینک اموالنی کاملاً ویا قسماً ضبط ایتمک ایسترسه اول امرده بر قانون واسطه سیله بو اموالک کندیسنه عائد اولدیغنی اعلان و اندن صوکره ضبطه قیام ایدر . بناء علیه ملت قانون تنظیم ایتمک و قانونی اجرا ایتمک وظیفه لرینی عینی ادملره ویررسه الی ایاغنی باغلایه رق کندینی بو ادملره تسلیم ایتمش اولور .

کندلک حکم ایتمک قوتی ( قوه قضائیه ویا عدلیه ) قوه تشریحیه و قوه اجرائیه دن تفریق ایدلمزسه حریت ینه مفقوددر ، بو قوت قوه تشریحیه به منضم اولورسه افراد ملتک حیات وحریتی اوزرنده کی صلاحیت کیفی اولور زیرا حاکم اولان ذات عینی زمانده شارع اولمش اولور . شاید قوه اجرائیه ایله بر اشیرسه او وقت حاکم تضییق و تعدی ایدن بر کیسه ناک قوتنه مالک اولمش اولور .

اگر عینی ادم ویا عینی هیئت بو اوج درلو قوتی ، یعنی قانون یایمق ، مقررات عمومیه یی اجرا ایتمک و افراد اره سنده کی اختلافات ایله تحدت ایدن جنایاتی حکم ایتمک صلاحیت لرینی نفسنده جمع ایدرسه هرشی غائب اولور .

موتسکیونک بالایه نقل ایتدی کمز افاداتدن قوه عدلیه یی ( ویا قضائیه ) آیری بر قوت عد ایتدی کی صراحة مستبان اولغله برابر بعض مؤلفلر مشار الیه ک قوه عدلیه یی آیری بر قوت فرض ایتمه رک انی قوه اجرائیه به ملحق عد ایتمش اولدیغنی ادعا بونوک ایچون ینه مشار الیه ک دیگر بر عباره سنی دلیل کوستریورلر :

• هر دولتده اوج نوع قوت واردر : قوه تشریحیه ، حقوق دوله

بعده مونتسكيو زماننده كي كوچك و فقط فضيلت سياسيہ صاحبي اولان  
 هولانده و اسويچره كبي حكومتلري مثال كوسترييور . بو ايكي ملت  
 اوروپانك اكفنا وچتين يرنده اولدقلري حالده اك زياده كشيرالنفوسدرلر .  
 مونتسكيو حكومتلك اشكالي تعين ايلدكن صوكره حكومتلرده  
 تامين عدالت و قوتك سؤ استعمالنه ممانعت ايدهجك و سائطي تحري  
 و انكتره مشروطيتني مشق اتخاذا ايدرك تفريق قوي حقتده كي نظريه  
 مشهوره سني وضع ايدييور . مع مافيه بو خصوصده لوك حق تقدي  
 حائز اولديغني وحتي تدقيقات حكيمه سي اعتباريله فائق اولديغني اعتراف  
 ايتك ضروريدير . مونتسكيو انكتره ده كي شكل اداريني نمونه اتخاذا  
 ايتش و تفريق قوي ائناسنده استيداد ، مطلقيت و ده موقراسي يي بر  
 حكومت ايچنده خرج ايتك ايستمشدر . انجق بوتون مشاهدات  
 و استدلالاتي سطحه عائد اولمش ، تفريق قوتي پراتيق اواق اعتباريله  
 بكنمش ، يوقسه طبع بشرده اساساً بويله بر تمايل موجود اولديغني  
 كوره مامشدر . زيرا اولجه ده سويديكمز وجهله مونتسكيو حقوق  
 شخصيه يي ، حقوق طبيعيه يي ، مقاوله اجتماعيه يي دكل تاريخي تدقيق  
 ايتش . بناء عليه بابه كي فلسفه سي ده بر فلسفه حقوقه دن زياده بر  
 حكمت تاريخيدر ، بر محصول مشاهده و تجربه در .

بونكله برابر بو تفريق قوي نظريه سنك بوتون جهان اوزرنده كي  
 تاثيراتي حقيقتاً محيرالعقولدر . بو بابه كي مطالعه سني حرفياً نقل ايدلم :  
 « ازلدن بري تجربه اولونمش برشي واردركه اوده قوته مالك اولان  
 هر شخصك او قوتي سؤ استعماله ميال اولسيدير . بو قوت قارشوسنده  
 حدود بولونجهيه قدر توسع ايدر . بو قوت سؤ استعمال ايدلمك  
 ايچون ترتيب اشيا اويولنده اوليديركه بر قوت ديكر قوتي طورديرسون ...  
 عيني بر شخصده ويا عيني بر هيئت مأمورينده قوه تشريعيه قوه اجرائيه

ده موقراسیدر و اوراده ملت انتخاباتیلہ یعنی اراداتیلہ متبوع و تعیینکردهسی اولان مأمورینہ اطاعتیلہ تابعدر . بوشکل حکومتک ای اہالینک مأمور انتخاب ایتسی و قانون وضع ایلسیدر .

—+ جمهوریت و ده موقراسیلری یشاتان دستوره کلنجه اوده فضیلت سیاسیہ در . بوراده کی فضیلتدن مقصد حب وطن و حب مساواندر فضیلت اخلاقیہ ، فضیلت عیسویہ موضوع بحث دکلدر . استبداد و یا مطلقیت ادارهده ادامه حکومت ایچون چوق استقامت و فضیلتہ لزوم یوقدر . برنده حکمدارک بازوسی دیکرنده قانونک قوتی ہرشیہ تسویہ واحتوا ایدر . فقط ملی بر دولتده فضلہ بر زنبک لازمدرکہ اوده فضیلتدر . واقعا اخلاق فاضلہ صاحبی حکمدارلر بولنہ ییلیر فقط استبداد و یا مطلقیتہ ملتکده صاحب فضیلت اولمی کوچدر . ہردور مورخلرینک حکمدار سرایلری حقندہ کی افادہلری اوقونسون و بوتون مملکتلرده کی مداہن و مقربینک خلقت سفیلہلری تخطر اولونسون . تنبلکده حرص و امل ، غرور و عظمتدہ دنائت ، چالشمہدن زنکین اولق ہوسی ، حقیقتدن توحش ، مداہنہ ، خیانت ، دنائت ، ہردلو تعہداتدن فراغت ، ہردلو وظائف و وطنرورانہینی استحقار ، حکمدارک حسن اخلاق و فضیلتدن خوف ایتک ، ضعفندن بالعکس امیدوار اولق و بونلرک ہپسنک فوقندہ اولق اوزرہ فضیلت دنیلن شی ایلہ دائما استہزا و آنی کولنج بر حالہ افراغ ایتک ایشتمہ و نتسکیونک فکرنجہ بالجلہ ازمنہ و امکانہدہ قسم اعظم مداہنین و مقربینک طبع و اخلاقی بودر . ایمدی بر دولتک باشلیجہ رجالنک قسم اعظمی ناموسسز اولسوزدہ اشاغی طبقہدہ بولنانلر ای ادم اولسونلر بوکوجدر . یوقاری طبقہدہ کیلرک دائما اغفال ایدیجی و اشاغی طبقہلرک دائما اغفال ایدیجی اولسی متصور دکلدر .



بر کيمسه بي و يابر عائله بي حقوق عاديته نك فوقته اصعاع ايدر قرالك صلاحيتي تحديد ايچون اكا توازن ايده جك ديكر ممتاز صنفلر تحث ايدر . زادكانك ، رهبانك ، بعض بلاد مخصوصه نك ، دره بكارله كليالرده حقوق قضائيه و ساثره نك سبي بودر صوكره بو مرتب ميخا نيزمه بي يوروتوب ادامه ايتك ايچون ده يته مرتب بر فضيلت احداثي لازم كليركه اوده هر شخصك بوتون عزت نفس و غروريني حائر اولديغي وظائف و امتيازاته قارشى صداقت ايتك حصر ايلسيدر ايسته بوكا شرف ديرلر . شرف قرالى ، شرف عسكرى ، شرف زادكان ، شرف حكام . بو شكل اداره نك پايدار اولسي بو فضيائى ، يعنى هر كسك شرف عد ايتديكي امتيازاتى محافظه ايتك وابسته در قرال بيله كندى عظمت و امتيازى حقنده بر ظن - ولو كه سخي ف اولسون - بسلامت ايدراو درجه ده كه كندى عظمتيله دولتك عظمتى بر برينه قارشى درسون . شو قدر كه بوتون جسم دولت ده كندى شرفى محافظه يه عيني صورتده ساعى اولماز مه حكمدارك كندى حقنده كي ظنى تعبد درجه سنه واصل اولور .

امتياز مساواتسزلى انتاج ايده جكندن بو شكل حكومتده يوقا ريدن اشاغى يه قدر بر مساواتسزلك ، صنوف اهالى و مؤسسات اره سنده مرتب بر تسلسل واردزكه موقت افكار اوزرينه تأسس ايتديكي ايچون بالطبع نحو اولغه محكومدر .

مونتسكيو ده موقراسى و جمهوريتدن اول كندر كاھنده اصول مطلقيت ايله اصول جمهوريت اره سنده متوسط وكاه برينه وكاه ديكرينه متمايل بر شكل دها بولويور كه اوده آريستو قراسيدر بوده بالاده كي امتياز اصولنك بر بقيه سيدر . زيرا ملك يالكنز بر قسمى ، قسم خواصى ، قسم ممتازى حكومه واضع يددر .

ملك متبوع و تابع اولديغي شكل حكومه كانجه اوده اصل

کینی بر حکومتده هرشی نهایت ایکی اوج فیکرک محوری اطرافنده دوران ایدر بناء علیه یکی فکرلره حاجت یوقدر بر حیوانی تربیه ایتدیکنز ایتدیکنکز زمان اوکا افندیسنی ، درسیرینی و اوضاعنی تبدیل ایتدیمرمکن احتراز ایدر سکیز حیوانک باشنه ایکی اوج ضربه اورور و دها زیاده سنی یا نماز سکیز . حیوانلر ایچون موافق اولان بویله بر اداره به راست کلن حیوانک حکمران اولسی کندیسندن خوف ایدمک شرطیله کافیدر حتی بعضاً قومانده ایتمک ایچون آدمه بیله حاجت یوقدر . اون ایکنجی شارل بندرده ایکن اسوج اعیانک مغالفتنی ایشیده رک کندیلرینه قوماندا ایچون چیزمه لرندن برینی کوندره جکنی یازمش . بو چیزمه کیتسه احتمال که مستبد بر حکمدار کبی امر و نهی ایدردی .

ایشته مونتسکیویه کوره اداره مستبده . . قانونسز و کینی اداره یواش بواش ملایمت پیدا ایدرک قانون دائره سنده حکمران اصول مطلقه Monarchie حادث اولمش . بو ایکنجی شکل حکومت قوت ایله قانونک بر خلیطه سیدر ، بر استبداد مخففدر . شو حالده ماهیت اعتباریله بو ایکی حکومت بر بردن او درجه فرقلی دکدر . نهایت ارده بر تسلسل درجات واردر . وولتهر بیله مونتسکیوینی تدقیق ایدر ایکن » بو ایکی شکل حکومت یکدیگرینه اوقدر بکیزر ایکی قرداشدرکه اکتریا تفریق اولونه مازلر . اعتراف ایدلم که بو ایکی شکل حکومت من القدم فارمل طرفندن بوونلرینه بر چنغراق آصیللق ایستیلن ایکی بویوک کدیدن، باشقه برشی دکدرلر . « دیمشدر . بو چنغراق اصول مطلقته قانوندر و منبه و وظیفه سنی یاپار .

قواعد ثابتیه توفیقاً بر آدمک حکمرانلغندن عبارت اولوب بو اصولده قواعد مذکوره ملتن صادر اولدیغندن انجق امتیازاته مالک بعض قدیم قوتلره استناد ایدر . حقیقته قرالک قوتی ده بر امتیازدرکه

قيلبرني درپيش ايمه مش ويا لکڑ مشاهدات تاريخيه ايله اکتفا ايلمشدر .  
 بوتدقيقات تاريخ اعتباريله پک زياده شايان تقدير ، فقط فکر فلسفي اعتباريله  
 شبه سز نقصاندر .

مونسکيو به نظراً هر ملت کندينه لايق اولان حکومته مالک  
 اولاجغندن اشکال حکومتک ايلکني فنالغني موضوع بحث قيلمغه محل  
 يوقدر آرانه جق برشي وارسه اوده شکل حکومتک اولمئده احوال اقليميه  
 و اخلاقيه و روحيه سنه درجه موافقتيدر . مع مافيه قاعده تدریجه تابع  
 اوله رق اک مکمل شکل حکومتی جمهوريته آراديغي حالده اقوام قديمه  
 جمهوريتلرنده کی سؤاستعمالات و نتایجی کوره رک بوجراً تقييد ايليور .  
 اداره کيفيه نك باشليجه زبیرکی اهالی به خوف القا تيسيدر اخافه ايله  
 جمعيتک استراحتنی تأمین ايتک داعيه سنده بولونان بوشکل حکومت حقيقتده  
 جمعيتن کنديسنی يشاتان الكرو حلی عاملی ، یعنی استراحتنی نزع ايليور  
 ايسته بوندن طولانی استبداد کنديسندن لايته نك اولان برتناقض سبيله  
 کندي کندينی محو و افنا ايدر حب استراحت برملته حريتي فدا ايتديرير .  
 فقط استراحت امنیت اولمئجه غير ممکندر امنیت ايسه خوف ايله قابل  
 تألف دگدر . استبداد ايله اداره اولونان مملکتده کی سکون ظاهري  
 حقيقي بر سکون استراحت دکل زده ايسه بردشمن طرفندن اشغال اولونمغه  
 معروض بر شهرک سکوتيدر . بويه بر سکون و اسایشه علی العاده انضباط  
 Ordre نامی و بيلور استبداده الشيق اولان اقوام ايسته بو يلانچی  
 انضباط اوغورينه حس عدلویانه لرینی فدا ايدر لر حقيقي انضباط افراد اهالينک  
 اتحاديدر . استبدادک تأمین ايتدیکی انضباط ظاهري آلتنده ايسه حقيقي بر تفرقه مختلفيدر  
 اتحاده بکزر برشي کوريلور ايسه حقيقتده بومتحد کورينن افراد یکدیگرينک  
 دوستی دکل یکدیگری ياننه کومولاش اجسامدر .

نسبیتنی و شرائط خارجیہ به تابعیتنی بیان ایدیدرر زیرا عقل اکلامق دیمکدر اکلامق ایسه اشیااراسنده کی نسبتلری یعنی اشیا نك یکدیگرینه نظراً نسبی اولسنی تعیین ایدر ایشته بوندن طولای قانونك اشکال حکومته، اقلیم ایله، رعادات ایله، حسیات مذهبیہ ایله. اهالینك احوال اقتصادیه سیله حاصلی بزچوق احوال و شرائط محیطیه ایله متناسب اولمیدر. ایشته بوتناسب قوانینك روحنی تشکیل ایدر.

مونٹسکیو بوخصوصده کندیسندن صوکره کلن ژان ژاق روسو ایله دیگر پکچوق مؤلفردن ایریلدور قانونی یا لکزر عقل ایله عقله استناد ایدن اشیا نك مناسبانه حصر و ارجاع ایدن مونٹسکیو ماهیت بشریه نی درپیش ایتمکله برابر ماهیت بشریه ده بویوک بریراشغال ایدن ارزو و مرای تدقیق ایلمه مشدر بزچوق قانونلر وارکه معقول اولدقلردن طولای دکل حر ادملرك مقتضای حریتلری اولفرق ارزو ایدلکلردن طولای قانوندرلر. مونٹسکیونك کرک روح القوانینی، کرک ایران مکتوبلری، کرک رومانك تاریخ عظمت و انقراضی نامنده کی آثارندن اقتباس ایدیلن نتیجه معلومات مشارالیهك اشکال حکومت، تفریق قوا و حکومتلرده اصول نیابت بحشرنده بویوک برمدقق اولدیفی نمایان اولور.

زمانه قدر تدقیق ایتدیکی حکومتلره کوره شکللری حقنده وضع ایتدیکی قاعده شودر: بدایتده اقوام یا لکزر برادمک قوتنه تابع اولورلرکه بوکا اصول استبداد دینور Despotisme نهایتده ایسه یا لکزر کندی یابدقلری قانونه تبعیت ایدرلرکه بوکا جمهوریت دینور بویاکی شکل حکومت اراسنده معتدل بر شکل واردرکه بوتون تاریخی همان دولدیرر بوکاده مونارشئی دینور.

کوریلدورکه مونٹسکیو اشکال حکومتك منشأنی تدقیق ایدرکن مقاوله اجتماعیه نظریه جیلری کبی یاپمامش: تانسانلرك الكعیتق حال حقو-

مؤسسات سياسيه سي اوزرنده مقاومسوز وسچار بر جاذبه اجرا ايتشدرد .  
 بونلردن وولتر اساسلردن زياده فرعيات ايله اشتغال ايتش و تسكين  
 قلمی ايله ايچنده يشاديفي جمعيتي تنقيده و يالکيز امور جزائيه ده شايان  
 دقت بر يکيلک گوسترمکه موفق اولمشدر . مع مافيه اون سگزنچي  
 عسرك علوم سياسيه ده اک شعشه دار ايکي ييلديزي مونتسکيو ايله ژان  
 ژاق روسودر . برنجيسي محاکماتنده نه قدر منانت گوسترمش ايسه  
 ايکنجيسي مباحثات فکريه سنده او قدر اينجه لک ارائه ايتشدرد . بو ايکي  
 ذاتک خلاصه مسالکاري ني بوراده تشریح ايدر ايسه ک اون سگزنچي  
 عسرك علوم سياسيه سي اقليمنده تفرد ايتش بو ايکي سيماک حقوق  
 اساسيه مباحثنده کی موقع مهم و مستثالناريني بر درجه يه قدر ايضاح  
 ايتش اوله جغز .

۳۰ مونتسکيو . — مونتسکيو زمانتک تاريخي مسلکنه معادل  
 (Ecole historique) بر اصول تدقيق واستدلال تعقيب ايتمکله برابر اک  
 مهم منبع فيضي عقل ومحاکمه ده آرامش وقانون ايله عقل نظرنده عاداتا  
 مترادف کله لردن اولمشدر . قانون آنک تعريفنجه «ماهيت اشيان منبعث  
 مناسبات ضروريه در» انسانلرده بر مبدأ عقل واردرکه قانونلر ايسته بو عقل  
 ايله موجودات مختلفه اراسنده ويا بو موجودات مختلفه تک يکديکري اراسنده کی  
 مناسبتلريدر . قانونلر ياپلدن اولده انسانلر اراسنده مناسبات ممکنه عدل  
 وحقانيت وارايدی . قوانين موضوعه تک امر و نهی ايتديکي شيلردن ماعدا  
 حق و ناحق برشي يوقدر ديمک دائره لر ترسيم ايدلدن اول نصف فطرلرک  
 يکديکري نه مساوی اولديفني ادعا ايتمکدر . بناء عليه يکانه قانون بشریت  
 عقل بشردر .

مونتسکيو تک ادعاسنه باقيلورسه قانون منشأ اولان عقل کي بر  
 ماهيت مطلقه ني حائز اولاق اقتضا ايدرايسه ده مشاراليه بالعکس قانونک

تشمیلیدر) دنیایور و بواوچنجی قوتده قوهٔ اجرائیه اذخال اولونہ بیلیر.  
 لوقه نظراً « حکومت قوای عمومیه کندیلرینه تودیع ایدیلن  
 انسانلرک هیئت مجموعه سیدر» برحکومت هوبسک ادعاسی وجهله مطلقمی  
 اولمی؟ لوقه نظراً قطعا... زیرا انک نظرندہ اصول مطلقده اجتماعی  
 و مدنی بر شکل حکومت بیلہ موجود دکلدر بالکس حکومت مطلقہ  
 حال طبیعی بی ادامه ایدن بر اصول جبر و تضییقدن عبارتدر. فی الحقیقه  
 حال طبیعیده دوچار اولونان ظلملر ایچون مراجعتکاه اوله بیلہ چک  
 مشترک بر مراجع حکم و قضا یوقدر. ایدی حکومت مطلقده تبعہ انک  
 حکمداره قارشو وضعیتی عینیلہ بویلهدر، حکمدار اونلره نظراً حال  
 طبیعیدهدر وافراده اوکا نظراً وضعیت تدافعیدهدر. بوایسہ آچیق  
 ویا قبالی بر محاربهدر، فقط هر حالده بر محاربهدن عبارتدر و لوقک  
 افادهسنجه ملت قوی اولونجه کندیسنی اسیر ایدن فوتی بحق ده ویریر.  
 هوبس و لوق برنجیسی انکلاتره اختلاندن اول و دیگرى صوکره  
 نشر آثار ایتشلر و بالطبع او وقتکی افکار اوزرینه پک زیاده اجرای  
 تأثیر ایلمشردر بوصورتله تقرر ایدن انکلاتره مشروطیتی فرانسهیه جسمه  
 جسمه اجرای تأثیر ایتش هله اون سکزنجی عصرک ربع اخیرندہ متحدہ  
 امریقانک پیدای استقلال ایتسی و حریت و مقاولۂ اجتماعیه اساسلرینه  
 بناءً بر قانون اساسی نشر و تنظیم ایلمسی فرانسه انقلاب کبیرینه پک  
 زیاده یاردم ایتش ایدی.

اتجق فرانسه انقلاب کبیرینه بری بالنسبه اسکی و دیگرى بالنسبه  
 یکی اولان بو ایکی مثال فعلی کافی کلمه مش، بعض مؤلفلرک و بالخاصه  
 مونتنسکیو، ژان ژاق روسو و بر درجهیه قدر وولتر، مابله.  
 ههلوہ وس ایله زمان انقلابده پک چوق تقلبات حیاتیہ و مسالکیه  
 کبیرمش اولان راهب سییهسک افکار و نظریاتی انقلاب کبیر رجال و

بر جمعيت حاصل اولور .

شرکته داخل اولوق ايچون عقدي لازم کلمن مقاله نامه نك غايه سي حقوق طبيعيه نك حکمدار اوغورنده القاسي دکل بلکه بو حقوق تحت تأمينه آتسيدر . مقاله ده معاهد اولانلر حقوق طبيعيه لرندن انجق يکي شرکت و جمعيتک وجوديله غير قابل تأليف اولان اقسامی ترک ايدم بيليرلر . امدی لوقک فکرنجه جمعيت سياسيه ومدنيه فکربله ناقابل تأليف بر شی وارسه اوده هر کسک حال طبيعيه ايبکن بالذات حائز اولديغی حق جزا و تأديبي حال جمعيتدن سوکرده اجرا ايدم بيلمسيدر . بر جمعيت که افرا دی کندی حقلرينی کندیلری استحصاله ساعيدر او جمعيت حال طبيعيه دن فور تولامش وارتنق بر جمعيت سياسيه ومدنيه حالندن چيتمش اولور بو اختلافک يکانه نتیجه سي افراد اره سنده حرب دائميدير شو حالده افرادک جمعيت ترک ايدم بيلدکاری يکانه حق حق جزا و يا خود حق قضا در . ايسته لوق قدرت اجتماعيه و سياسييه ، يعني دولتک صلاحيتی منحصر آ بو عدالت جزائييه منبعنه استناد ايتدير مکده در . غايت درين بر دوشونجه محصولی اولان بو حق قضا دن باشقه صلاحيتلر تشبه ايدیور . اول امرده تجاوزلر ، تجاوزلره مقابل عوضلر . جرم لک صورت تعميري و جزال تعیین اولونملي ، يعني اولا جرم و او جرمه عائد جزا بيلنملي درکه بونی قانون تعیین ايدر .

ملته ک قوه تشریعيه سي ايسته بو اصلدن چيقار . ثانياً بو قانونلری اجرا و تطبيق ايتک لازم کلير که قوه اجرائيه بورادن کلير . ( لوق قوه عدليه يی آريجه بر قوت صایمامشدر . تفريق قوی بحشده بوجهت تفصيل اولونور ) . ثانياً برحق قضايی ديگر اقوامه قارشو ايستر حرب ايله ايستر صلح ايله استعمال ايلمليدر که بوکا قوه اتفایيه ( یعنی دولتله مقاله و اتفای عقدي که مقاله اجتماعيه نك دولتله نوعما

نفوذ سیاسی به کنگه آنک منبعی حقوق اوتده ارایانلر آلدانیر اساساً حق ابوت بر نفوذدن زیاده بر وظیفه و کلفت اولدیغی کبی ایکی حق . حق دولت ایله حق ابک، منبعلری ده آیری آیری شیلردر . حق ابوتک منشای بر وظیفه طبیعیہ در نفوذ و قدرت دولت و جمعیتک منبعی ایسه بلا اختیار منعقد بر مقوله نامه در . پدر ایله اولاد آره سنده ادراک و حریجه مساوات طبیعیہ یوقدر حال بوکه اداره ایدنلرله اداره اولونانلر آره سنده بو مساوات موجوددر . عالمه ایله دولت آره سنده تشبیه و مقایسه یایمق اساسی چوروک بر شیئه استناددر .

طبیعیته موجود مدافعه مشروعه حقنه کنگه انسانلر حال اجتماعه کلدیکی زمان بو حق حق مجازاة و یا حق تأدیب نامنی آلیر . حال طبیعیده ایکن بری بکا بر فئالق یایار و حقمده جبر و شدت استعمال ایدر ایسه متجاوزه قارشو واقع اولان مقابله مله حریمی و حیات و مالمی مدافعه ایتمش اولورم . شو حالده جزا و یرمک مدافعه مشروعه اساسنه مربوط بر مسئله در . انجق حال طبیعیده ایکن هر فرد متجاوزینه قارشو تعیین ایده چکی جزالت حاکمی کندی اوله جفنندن بوندن پیوک بر محذور تولد ایدر برده هر وقت حق و عدالت کندی طرفنده بولنان شخص عینی زمانده قوته ده مالک اولماز . ایسته انسانلری حال طبیعیدن حال اجتماعی و سیاسی به سوق و ادخال ایدن اسباب مهمه دن بری .

مقوله اجتماعیه نك منشای ده ذاتاً بودر هر هانکی بر شرکته کیره بیلیمک ایچون داخل شرت اولانلرک موافقت مشترک سی لازمدر . بوتون انسانلر حال طبیعیده اصلاً حر اولدقلرندن هر هانکی بر امر و نهیه انجق کندی موافقت تامه لر یله تابع اوله بیلیرلر . بو موافقت اولدقچه حال حرب دوام ایدر و جمعیت موجود اولماز و یا خود حق حربه . یعنی جبر و شدته بناءً تحکم ایدر بر رئیسک زیر اداره سنده ظاهری



ايله فرانسه فلاسفه سياسي سنك پك بويوك بر پيشواسيدر .

لوق حال طبيعديه بولماز انسانلري اول ايرده هوبس كبي تلق ايتيور . يعنى انسانلرك ماهيتنده قبا بر قوت دكل . حریت و مساواة غالبدر . حال طبيعديه انسانلرك يكديكريله تماسي قبا بر قوتك قبا ديكر بر قوتله چارپشمسي دكل حر اولان بر شخصك حر اولان ديكر بر شخصله مناسبيتدر كه بوده مساواته منجر اولور . مناسبات طبيعيه مقاولات اجتماعيه دن مستقل اولارق موجوددر بو مناسبات انسانلر ارمسندره جمعيت مدنيه دن مقدم تاريخلي بر جمعيت طبيعيه تاسيس ايدر حقوق مدنيه دن Droit Civil (حقوق مدنيه دن مقصد انسانلرك بر مقاوله ايله اجتماع حاله كلكدن سوكره مناسبتريني تاسيس ايدن حقوق حادثه در ) اول بر حقوق طبيعيه واردر . بناء عليه انسانلر حال طبيعديه ايكن هر شيشي هوبسك ادعاسي وجهله اجرايه حقلي دكلدرلر يلكه يالكز حريلريني انبساط ايتيرمك و آني مدافعه ايتمك و بو ايكي اساسدن تفرع ايدن افعاالي اجرا ايتمك حقه مالكلدرلر .

لوق بو صورتله تصور ايتديكي انساني اوج صفتله ممتاز فرض ايديورر : حق ملكيت، حریت شخصيه و بو ايكي حق مدافعه حق ... حق ملكيت اونك نظرنده سعيك محسوليدر . لوق بو حقيقي واضع علم اقتصاد عد ايديلن مشهور آدام اسمتدين اول تفصيل و محاكمه ايتمدر . حریت شخصيه به كلنجه بوده بالطبع اسارتك ضديدر حال طبيعديه بوتون اشخاص حر و مساوي اولدولرتدن هيچ برينك ديكرى اوزرنده حق تحكم طبيعيسي يوقدر بناء عليه نه حق ابوت، نه حق سياست تحكم مناسني افاده ايتمز ابك قدرت و نفوذى يالكز موقت بر واسطه در . مقصد اب چوجفك بويونجه اكنساب حریت ايلمسيدر . بوضورتله پدرك نفوذى بر حقدن زياده بر وظيفه اولمش اولور .

بناءً عليه حکمدارک صلاحیتی تصور اولنه بیلدیکی قدر مطلق ونا محدوددر . حقیقی ده حقسزی ده یاپار و هر نه بی امر ایدر ایسه و حتی برینه بدرینی قتل ایتدیرر ایسه بو امری محضا امر اولدیغندن طولانی حقدر . طوغری بی ده کندیسی اختیار ایدر فقط برشی ایچون طوغری ایدر دینجه طوغری اولور . افرادک حریت مذهبییه و وجدانییه سی . ماللری جانلری حکمدارک ید تصرفنده در .

بو صورتله حکمدار اوغورنده حقندن فراغت ایتمش اولان ملت نه وقت ارزو ایدر سه تکرار حقوقی استحصال ایده بیله جکمی ؟ اصلا . زیرا او وقت حکمدارک صلاحیتی مطلق اولماش اولور . ملتک فراغتی تام و قطعیدر مقاله دن خبرلری اولیان اولاد واحفادی بیله تقیید ایدر . ایتمه هوبسک اصول مطلقیت حقنده کی نظریه سخیفه سی . . . . . برنجی قسم اساسنده کی نقایصیله برابر نه قدر درین ودقیق ومنطقی ایسه ایکیجی قسم او نسبتده مغفل ، منطقسز و بی معنا دها طوغریسی محصول ریادره ، زیرا منفعت اساسی قبول ایدلسه دخی هر حالده بر جمعیتده حریت سیاسییه نك وجودی او جمعیتک اک بویوک منفعتی مقتضاسیدر حتی قوه سیاسییه نك . یعنی حکومتک ده اک بویوک منفعتی حریتک تأمینده در . چونکه حریت نه قدر تأمین ایدیلورسه حکومت اودرجه قوی اولور .

۲۹ لوق . — شمعی ینه حقوق طبیعییه علماسندن وینه مقاله

اجتماعیه نظریه سی سالکلرندن دیکر بر انکلیزک عینی مسئله ده کی استند . لالاتی خلاصه تدقیق ایدلم . انکلیز حکمدارلرینک زمان مغلوبیتی و پارلمنتونک نفوذ و قوتی زماننده یعنی هوبسندن پک چوق صوکره ۱۶۸۸ ده نشر آثار ایلین ( لوق ) دن بحث ایدلم . بو ذات هر نه قدر بر قانون شناس دماغنک بخش ایتدیکی انتظامله منظومه سیاسییه سنی تولید ایتهمش ایسه ده دوشونجه سی ، پک عالی و کشف ایتدیکی حقایق

طرفندن تدوين ايديلن حيات ايچون جدال قاعده سندن فرقى يوقدر .  
هوبس حریت و اختياردن و حس اخلاقيدن محروم ويالکيز ذوق و الم  
الم ايله متحرک انسانلر طرفندن ياييله ييله جک جمعيتک انجق بويله براساسه  
مستند اولديغني اثباته قيام ايتمکله برابر مقاوله نتيجه سنه کيتمش . مقاوله يني  
ايسه انسانلرک ارزوسنه تابع قيلمقله حریت و اختياري ينه تصديق  
ايلمشدر . بالاخره ديگرلری مقاوله اجتماعيه يني صرف بر ضرورت منطقيه  
و بر ارزوی شديدن زياده حریت و اختياره و اخلافه تابع طوتهرق  
بو نظريه نك ماهيت و قيمت معنويه سني يوكسلاتمش لر در . ( لوق و روسو  
کبي ) .

هوبس بورايه قدر گندي قورديغني دستورک ايچابات و نتايح  
منطقيه سنه حرفي حرفنه رعایت ايتمش اولديغني حالده بوندن صوکره  
بالعکس هپ منقسطز اقلره دوچار اولويور . في الحقيقه حکيم مشاراليه  
قانون طبيعتک حاميسي اولمق اوزره تلقی ايتديکي اک بويوک قوه ماديته نك  
موضعي تعين ايتک لازم کلنجه گندي فلسفه سني گندي تماماً بالظه .  
لامشدر . گنديسي انکلتره فرالرنندن ژاق و برنجي و ايکنجی شارله  
محمک و نديتمک ايتمش اولديغندن قوه ماديته يني افرادک حریت سياسي سنه  
دکل ، اصول مطلقيتک آرزوی کيفيسنه توديع ايلبور .  
هوبسک فکرنجه صلح و مسالمتي اداميه کافی بر قوت وجوده  
کتيرمک ايچون بوتون اراده لرک بر تک اراده يه منقاد اولسي لازمدر .  
بوتون اشخاصک بر تک شخص اوغورنده بوفراغتلری مقاوله سياسي يني  
تشکيل ايدر . بو مقاوله نك دستوری شو اوله جقدر : « - بن فلان  
حکمداره حقي ترک ايديمورم سنده حقي ترک ايتک شرطيله » و  
اطاعت مقاوله سي بوتون تبعه يني يکديگرينه و هيئت عموميه يني ده حکمداره  
ربط ايدر فقط حکمداری ربط ايتمز . حکمداره هر شئي آير فقط کيمسه يه  
بر شي ويرمه که مجبور دکلدز .

وعد ایتدیکنی او دیگره بانقابله وعد ایتلیدر . ایشته متقابلاً واقع اولان بو میدالهُ حقوق بر مقاوله در .

بوندن اوچنجی بر قانون طبیعی چیقار :

مقاوله نامه لره رعایت . تعبیر دیگرله صلح و مسالمت ارزو اولنور . ایشه مقاوله لره رعایت معقولدر . فی الحقیقه بر آدم صلحی آرزو ایدر . بونکله بر ابر مقاوله نی پامل ایدر ایشه بو آدم اساسی ایستوب نتیجه نی قبول ایتیمور دیمکدر و کندی کندی بکذیب ایتش اولویور . ایشته بو صورتله طوغری محاکمه ایتین شخصک صاحبه حرکتی . منطقسزافی حقسزاق دنیلان شیئی تولید ایدر شو خالده مقاوله دن اول حقسزاق دنیلن نیشته امکان بوفدر .

مع مافیبه وعدینی طومین . یعنی مقاوله به رعایت ایتین اولور ایشه او آدم صلح و مسالمتی ارزو ایتیمور دیمک اوله جنندن حال حربه داخل و دیگر لرلیله محارب اولور . انجق صلحی ارزو ایدنلر عددآ کثیر اولد . قلرندن بالطبع ده قوی اوله جقلدر .

هر شخصک مقاوله لری بوزمق صورتیله جمعیتی حال حربه ادخال ایتسی محذورن سالم اولمدیغندن بوکا چاره بولق لازمدر . ( هوبسک ) فکرنججه بوده قولایدرب یعنی قوتی مقاوله نامه لره خادم قیلمق . تعبیر دیگرله مقاوله لری هیچ کیمسه طرفندن اخلال اولونه مبه جق درجه ده مهم بر قوه مادیه ایله تأیید ایتمکدر . ایشته بو قوت قوه مدنیه و اجتماعیه درکه قانون طبیعی نی حمایه ایدیور . شمدی به قدر کوردیکمز بونسلسل افکار - هوبسک اساس فلسفه سی قبول ایدلک شرطیه - اولدجه پک منطقی و ناقابل اعتراضدر . انسانلری حیوانلر کی ذوق المذن غیری بر محرکه تابع اولماق اوزره تلقی ایدنجه بالاده کی نتیجه واصل اولق ضرور ایدر . بونک من حیث المجموع اون طغوزنجی عصرده داروهن

انسان ديگر بر انسانك قورديدر هر كس هر شيئي كندى اچون ايسته جكندن هر شيئي ديكرينك ضررينه ايستمش اولور ديكرلرى ده عنى ارزوي بسلكارندن هر كسك هر كسه محاربه ايتتى كبي بر نتيجه چيقار . ايشته بو حال حرب دائمي حال طبيعيدر .

كيم كيمه غلبه ايده جك ؟ قوى اولان . بو غلبه ايسه ضميميدر ، منطقيدير ، عقل سليمه موافقدر . بناءً عليه حق بوندهدر . شوالده حقوق ساثره نك منبى اولان حقوق طبيعیه حقيقه حق قويدن عبارتدو .  
حال طبيعیده قوی اولان ضعیفی اضرار ايدر . فقط بو اضرار حقسزلق دكلدر .

(هوبس) حال طبيعیده کی انسانلری بویله قورقونج بر وضعيته صوقدقن صوكره نتيجه سندن كندى ده غالباً نتره به ترك بو حال طبيعيتك پك سفيل اولديغى سويليور . حقوق طبيعیه به موافق اولان بو حال ممكن اولان سـمادتك يعنى منفعتك درجه اعظميتى انسانلر اچون استحصال ايتك قانون طبيعيسنه مخالفدر . زيرا قارشو قارشويه كلن انسانلر اچون اك بويوك فائده و منفعت صلح اسايشدر بو اولمازسه هيچ كيمسه اچون امنيت قالماز بناءً عليه صلح و اسايش نعمت و ذوقى تحرى قانون طبيعيتك نتيجه منطقيه سيدر . ايشته حال اجتماعه كلن انسانلر اچون برنجى قانون طبيعت بودر .

صلح و مسالتي آرامق نه قدر منطق ايسه بالجملة اشيا اوزرنده كى حق مطلقـدن فراغتـده او درجه معقول و منطقيدير حال اجتماعـده بولونان انسانلر اچون ايشته بوده ايكنجى بر قانون ضميميدر .

بو حق مطلق فدا ايدنى حال معقوله ارجاع اولته بيلمك اچون فدا كاراتق عوض مقابلى اولميدر . بناءً عليه فدا كاراتق متقابل اولميدر . شو حالده جمعيته داخل اولان علاقه داراندىن هر بى ديكرينك كنديسنه

اوزرینه بنا ایدرک « منفعت » نظریہ سنی اک معقول بر نتیجہ منطقیہ اولق اوزره ارانہ ایتشد در . هوسک فکر نجه کائتاده اجسامدن باشقه برشی یوقدر اجسامده جریان ایدن بوتون حادثات ایسه حرکاتدن باشقه برشی دکلدرد . تحسس دخی دماغک حرکتمدن عبارتدرد . شو حالده هرمانکی بر حرکت حیاتی تشکیل ایدن وظائفک هیئت مجموعه سنه موافق دوشر ایسه اوکا « ذوق » عکس حالده « الم » دیرز . ذوق ارزویی و بناء علیه انبساط و تحری بی استلزام ایدر؛ الم ایسه بالعکس توحشی یعنی طویلانی ، فراری انتاج ایلمر . عزم و اراده قوتلی بر ارزودن ، دیگر ارزولره غالب کلن بر تمایلدن باشقه برشی اولمدیفندن بالضروره فعالیتی موجب اولور . حریت معنویه ، یعنی برشیء ارزو ایدوب ایتمکده مختار اولمق بر خیالدر زیرا حریت ماده دن باشقه برشیئه مالک دکلز و اوده اک زیاده شدتله ارزو ایتدی کمز شیء یا مقی قوتی بزه اعطا ایدر .

بوفکری اخلاق بچشنه انتقال ایتدیریرسهک شوو نتیجیه واصل اولورز : دنیاده ایسک و فئالق ذوق و الم دن باشقه برشی اوله ماز و یا خود ذوقه خادم اولان شیء که نفع ، ویا المی موجب اولان شیء که

ضرردرد .

عینی فلسفه بی سیاسیات و حقوق عالمنده تدقیق ایدملم : ارزوی ذوق و توحش الم کبی محرکله تابع انسانلری قارشو قارشویه قویالم بو انسانلر عجباً قارشو قارشویه کلنجه یعنی مجتمع اولبور نجه تبدیل ماهیت ایده بیله جکلرمی ؟ اصلا هر بری کجا کان قانون طبیعی ، یعنی خود کاملنی تعقیب ایلیه جک ویا لکنز گندی ایچون و کسندینه طوغری حرکتمده دوام ایلیه جکلدر . بناءً علیه اریستونک دیدیکی کبی انسان مدنی بالطبع دکلدرد . بالعکس انسان خود کاملنی حسینله انسانک دشمنیدر حال طبیعیده هر

اولونیور ایدی . ( چیچرونندن ) ری قرون وسطایی استیلا ایدن بو فکر قرون وسطادن صوکره ، حتی اون سکزنجی عصرده طرفدار بولمقدن خالی اولدی . زمانمزده بیله اخلاق ایله حقوق ارسننده بر حدود وضعی لازمکله چکنی ( ۶ ) نومرولی فقرهده سویلمش ایدک .

حقوق طبیعییه ایله سائر علوم ارسننده موجود اولان بو تشوش نهایت اون یدنجی و اون سکزنجی عصرده ختام بونوب بو ایکی عصر علماسی که حقوق طبیعییه مسلکینی وضع و تدوین ایتدیلر علی العاده ( *Ecole du droit de la nature et du droit des gens.* ) عنوانی آلتنده یاد اولونورلر .

بونزک رئیسـی وحتی بو علمک واضعی صاییلان ذات هولاندهلی ( هوغو غروچیوس ) درکه مشهور حقوق حرب و صلح ( *De jure belli et pacis* ) نامنده کی اثرینی ۱۶۲۵ تاریخنده نشر ایتمشدر [ المانلردن ( کیرکه نک ) ادعاسنه نظراً فضل تقدم بالعکس ( آلتوزیوسه ) راجعدر | انک تلامیذی وفکرینک حقیقی ناشرلری میاننده بوفندروف ، وولف وواتل ذکر اولونمغه لایقدر . صوک ایکی ذات اون سکزنجی عصرده نشر آثار ایتمشدر .

مع مافییه اون یدنجی عصرده انگیز مشاهیر حکما سندن ایکی ذات هوبس و لوق نقاط نظر و استخراج احکام و نتایج اعتباریله باشقه باشقه طریقلر اختیار ایتمش اولدغنی حالده ینه بو حقوق طبیعییه مسلکی دائره سنده نشر افکار ایشلر و بو علمه پک بویوک خدمت ایتمشدر . فرانسه ده ایسه بو علمی بوتون طبقات خلق ارسننده تعمیه خدمت ایدن خاصه ( ژان ژاک روسو ) در .

۲۸ هوبس . — قرون قدیمده شهرتیب اولان ایقورک فلسفه سنی تجدید و احیا ایدن ( هوبس ) بوتون حقایق محسوسات و مادیات

علم سیاستہ بر کسوء استقلال بخش ایتک ، آنی دائرہ نقلدن  
 تمامیلہ تجربیدایله دائرہ عقلہ ادخال ایتک، حاصلی بو علمی بر علم مستقل حالندہ  
 تدوین ایتک شرفی حقوق دول و حقوق طبیعیہ مسلکی سالکرینه عائددر (Ecole  
 du droit de la nature et du droit des gens) حقوق طبیعیہ  
 تاریخ قدیمدن قرون وسطایہ و قرون متأخرہ انتقال ایتش بر فکر  
 ایدی. انجق بحث مخصوصندہ کوستردی کمز وجهله بو فکر انجق قرون  
 قدیمہ تک صوکلرینه طوغری ناتمام بر صورتدہ تعیم و انتشار ایتش  
 و بو ناتمام شکیلہ قرون وسطایہ میراث قالمش ایدی. قرون وسطی  
 ایسہ هر شیئی عیسویتک لایتفیر عقیدہ لرینہ نظر آما کہ ایتکده اولدیغندن  
 حقوق طبیعیہ فکریده بالطبع عیسویت کوزلیکی ایله تدقیق و محاکمہ  
 اولونور ایدی. شو حالده الهیات و حقوق ایله اشتغال ایدنلر حقوق  
 طبیعیہ دنیلن شیئی تسلیم ایتکله بر ایز بونی آنجق کندی مدطاریبی  
 اثباتہ خادم بر یاردجی کبی استعمال ایدرلر ایدی. حقوق طبیعیہ بعضاً  
 الهیات بعضاًدہ روما حقوق اطرافندہ طولاشیر بر ییک اولمش فقط  
 مضی بالذات بر شمس اوله ماش ایدی. الهیات ایله اشتغال ایدنلر بونی  
 اودرجه فرعی دینی عد ایدرلر ایدی کہ انلرک نظرندہ حقوق طبیعیہ  
 حقوق الهیہ تک (Droit divin) نتیجہ لازمه سی ایدی. زیرا حقوق  
 طبیعیہ بی انسانلر بخشایش الهی اولان عقل ایله کشف ایتدکلری حالده  
 حقوق الهیہ بی انجق وحی والهی ایله ا کلامق اقتدارینی حازر  
 اولورلر ایدی.

اون بشنجی و اون التنجی عصرلرده بو فکرلر حالاً بر حقیقت  
 سیاسیہ تلقی اولونمقده ایدی.

حقوق طبیعیہ بر طرفدن بویله الهیات و روما حقوق ایله  
 قارشیدرلدیغی کبی دیگر طرفندن ده اخلاق ایله یکو وجود فرض



طارلفنه بناءً بوندن صرفنظر ومع مافيه حقوق اساسيه به ودولتک تشکله  
 دائر نظرياتک صره سي کلديکه وقتيله بوکا دائر ارباب تأليف نه يولده  
 دوشونمشلر، نه يولده کنديلرينه معارضلر چيقمش، زمانمز علماسي نه يولده  
 تفکر ايدييورلر؛ بوجهتلى بجملاً وعلى طريق الاستطراد بيان ايتمكى  
 ترجيح ايدرز .

مع مافيه انقلاب كبير اوزرينه پك چوق اجراي تأثيرايدن حقوق  
 طبيعیه علماسي ومقاولة اجتماعيه طرفدارانى جانبندن سرد ايديلن  
 اون يدنجي واون سکزنجي عصر حکماستندن بعض ذواتک نظرياتنى ده  
 بجملاً ذکر ايتمکدن صرف نظر ايده ميز .

اون يدنجي واون سکزنجي عصرده حقوق طبيعیه علماسي

۲۷ اون يدنجي واون سکزنجي عصرده حقوق طبيعیه علماسي . . . . .  
 قرون وسطاده بر طرفدن دره بکک اصولى ديگر طرفدن پايا نفوذى  
 حکم فرما اولدينى ايجون علوم حقوقيه وسياسيه بو تأثيرات محيطيه به  
 تابع اوله رق استقلالانى غائب ايتمش والهيات واعتقادات ، سياسيات  
 وحکمت سياسيه ايله غريب بر اختلاط تشکيل ايتلش ايدى . يالکز  
 حکمت سياسيه ده دکل على العموم فلسفه ده بر اختلاط کوزه چارمقده  
 و بوتون قرون وسطا علماسي فلسفه ايله الهياتى از چوق صيق بر رابطه  
 ايله باغلايه رق فلسفه يى محتاج اولدينى حریت واستقلالدن محروم  
 قيلمده ايدى . قطعى المفاد والتأثير عقیده لرله تقر ايتمش فکرلرک  
 اساسى حقنده مناقشه اجرا ايدلز ويالکز بو اساسلرک ايضاحى امرنده  
 حریت مباحثه قاعده سي جريان ايدرايدى . ادوار مختلفه به تابع اولان  
 بو طرز تفکر فلسفى - که اسقولاستيق نام عموميسيله ياد اولنور -  
 مباحث حقوقيه وسياسيه ده دخى تاميله جارى ايدى .

شرقده کی مؤلفلرک دیگر نقصانی ده بتون دنیایی ایچنده یشادقلری ممالکدن عبارت فرض ایتملری و اک چوق و وسیع النظر اولانلرک بیله دیگر ممالک اسلامیه دن نادراً مثاللر اخذ ایتمک تنزل ایلملریدر؛ حکومت قدیمه غربیه دن ، رومادن ، یونانستاندن وستی اوروپادن هیچ بر مثال اراانه سنه حاجت کورولمه مشدر؛ بوده اولنلرک دوشونجه سنه کوره پک معقول ایدی . زیرا کفر و ضلال اوزره یونان حکومتلرک اداره سی حسن مثال دکل سؤ مثال اوله بیلیردی؛ سؤ مثال ایچونده اعمال ذهنه ، اجرای تفحصات و تعمیقاته نه لزوم واردر ؟

مؤلفین سلفک علم تشریح حقنده کی معلوماتلری نه قدر ناقص ایسه علوم سیاسیه حقنده کی معلوماتلری ده او درجه ناتامدر . ذاتاً کرک علم تشریح و کرک علوم اجتماعیه و اقتصادیه و مالیه بالنسبه یکی بر زمانده تدوین اولونه کلشدر . بو صورتله اخلاط اربعه حقنده ذکر ایتمکمز معلومات بو عصر ایچون نه قدر بی محل ایسه ارکان اربعه حقنده کی معلوماتده او نسبتده غیرواردردر . عسکرک یکچیرلک چیغرنندن چیقیدی و راست کلن اصناف مواجب ( علوفه دیمکدر ) آلمق ایچون بر سلیکه فرجه یاب دخول اولدیغی بر صرده اهل سینی بلغمه و سن وقوفده حاصل اولان بلغمک کثرتنه تشبیه ممکن ایدی ، فقط عسکرک کثرتی بن دولتده کی توقف و انحطاطدن زیاده اداره سز لکه عطف اولونمق ایجاب ایدر زیرا ایشته زمانمزده کوریورزکه اک چوق عسکره مالک اولان آلمانیا کی دولتلر اک زنده و کفج اولانلردر .

تعداد ایتمکمز خصوصاتک قسم اعظمی بونک کی قابل ردر و آرتق بو بحثده اوزون اوزادی به توقفه محل یوقدر .

غریبه قرون وسطا و قرون متأخریه عائد تألیفات و نظریات سیاسیه دن ده بوراده بجملاً بحث ایتمک آرزو ایدر ایدک ، آنجق زمانک

بو وادیده دها پک چوق مباحث و تفاسیل وار ایسه ده جمله سنی  
 تدقیقه اساساً نه محل نه ده فائده واردر . پک مجمل اولان بو معلومات  
 وقتيله جمعیت و دولت حقنده ارباب تألیفمیزک نه یولده دوشوندکرینی  
 بزه آ کلاغه کفایت ایدر ؛ نه علوم اجتماعیه ، نه علوم اقتصادیه  
 و مالییه اصلاً تماس ایدمهین بو نظریات عندییه شمدی بز بویه  
 غیر معقول بویورز فقط شرق عصر لجه بو عادات و افکارک زبونی  
 اولمشدر . صلاح الدین ایوبی ایچون عبدالرحمن شیرازی طرفندن یازیلوب  
 عالی طرفندن پک فضولی و مناسبتنسز علاوات ایله ترجمه ایدیلن  
 ( نصیحة السلاطین ) نام اثر مطالعه اولونسه ما کیاو ملک روحنی شاد  
 ایدمک بی حد و حساب دسایس و مکاید سیاسیه نیک برر دستور دولت  
 کبی بی پروا تحریر اولوندیغنی مشاهده ایدرز ؛ مع مافییه بو مؤلفرک  
 کافه سنی معذور کوره بیلیرز . فکر زمان ، تأثیر محیط دماغلردن باشقه  
 محصولات فکریه تولید ایدمه زدی . بتوز ، رؤسای حکومت و رجالک  
 اک بیوک موفقیتلری بربرینک ایاغنی قایدیرمقدن ، سلامت عمومیه نام  
 موهومی آلتنده قتل نفوس ، مصادره اموال ، نهب و یغمای مناصبدن  
 عبارت اولان عصرلده ظهور ایدن ارباب تألیف او احوالی احوال  
 طبیعیدن عد ایتمک مجبوریتنده بولمشلردر ؛ ذاتاً باشقه درلو افکار  
 و نظریات سرد ایتمه لر صافدر و نقلرینه حکم اولنور و شبهه سز رغبت  
 عامه دن ساقط اولورلردی . احکام شرعیه خلافتده اوله رق وضع ایدیلن  
 احکامک - که عقلدن کویا استخراج ایدلمش - قسم اعظمنده کی اساسلر  
 چور و کدر ؛ زیرا حقندن ، حقوق طبیعیدن ، سلامت فکریه دن ،  
 مجرای طبیعی بشردن دکل ایجابات زمانه دن ، اشکال موجوده حکومتدن ،  
 طرز مرئی اداره دن استنباط اولمشدر و دائماً فنا مثالر کوریلرک  
 تصور ایدلمشدر .

صغیرا مقامندہ اولان تجارہ کلنجہ : بونلرک دہ حال اعتدالده  
 قالمی ضرر سز ایسه ده بونلرک تناقصی کبی تفریط ویا بونلر آرمہ سنده  
 محتکر وطمعکار آدملر چوغالمی کبی افراط واقع اولدینی تقدیرده  
 مملکت دوچار فقر و پریشانی اولور .

بلغمہ تشبیہ ایدیلن عسکری صنفنه کلنجہ : بونلرک وجودده  
 معتدل مقداری مفید فضلہ ویا نقصانی مضر در . « انسان سن وقوفی  
 تجاوز ایسه . برودت ورطوبت کہ بلغم خلقتی وپیرلک طبیعتیدر . اول سن ده  
 بلغم غالب اونوب حکمنی اجرا ایدر اخراج و تسکین اولندبجه طبیعت  
 اونوی تکرار تولیدر ایدر وسائر اخلاط دخی اکا منقلب اولمغه میالدر .  
 سن وقوفدن صوکره هر دولتک عسکری زیاده اوله کلشدر . نه قدو  
 یوقلامه وضبط و ربط یاییسه ینہ خلق بالطبع عسکرانکه میل ایدر ؛  
 هیچ اوللازه کسوه ویاافتده تقلید ایدر » بوسنده بولنان بر کیمسه  
 بلغمی بالکلیه طور دیره ماز ، حتی طور دیرمغه چالیشمی عبثدر . اوحالده  
 یاپیله جق برشی وار ایسه اوده « بلغمک ضرر سز غلبه سی مرتبه سنہ راضی  
 اولمقدر . یعنی صنف عسکری ایله اداره مصلحت ایتمکدر . »

مؤلفلردن بری ارکان اربعه جمعیتی بوضورتله تشبیہ ایتدکن صوکره  
 نفس ناطقہ یی سلطان ، قوه عاقلہ یی وزیر وقوه مدرکہ یی مفتی مقامندہ  
 طوتیور . یدندہ کی معدہ خزینہ وقوه ذائقہ صراف وذرات وجاذبه  
 محصل ( تحصیلدار ) وماسکہ خزینہ دار دیور . قوه هاضمه دفتر داران  
 کتاب وقوای سائرہ دیگر ضابطلره نظیردر « معدہ یه وارد اولان  
 غذا قوای مذکورہ تصرفیله محلنہ توزیع وتقسیم اولونوب بدن غدالندیکی  
 کبی جمله اصناف دخی خزینہ دن بالذات ویا بالواسطه منتفع اولوب  
 چکینیرلر . « ایشته بو قوای مختلفہ دائره اعتدالدن منحرف اولونبجه  
 بدنہ فتور وهضم عملنہ قصور کلیر ]

ورعايدان عبارت برتقسيمه تابع طوتولشدن . وجودده كي اخلاط اربمه  
 كمر و انكسار ايله بربرندن منتفع اوله رق نظام جمعيت و مزاج دولت  
 بو صورتله صحت بولور . « قلب منبع روح خيوانيدر و روح حيواني  
 بر جوهر لطيفه دركه غايت لطافتندن بدنده بالذات جريان ايدم ميوب دم  
 آني حاملدر . دم آني عروقندن اطراف و اعماق بدنه كوتوروب جمله  
 اعضا و جوارحه ايصال ايدر . بدن آنكه حيات بولوب منتفع اولديني  
 كبي علم اي شريعت و حقيقت دخي روح حيواني مثابه سنده اولان علم  
 شريعتي اطراف بدن مقامنده اولان اميلره و عوامه ايريشديروب انلري  
 علمدن منتفع قيلارلر . »

طبيعتي ترابي و سفلي عد ايديلن سودا كه رعايانك معدليدر ،  
 قدماتك طب و تشريحنه كوره بدنده شو وظيفه يي ايفا ايديورمش :  
 طعام هضمندن سوكره براز زمان معديه غذا وارد اولماسه طحال براز  
 سودا دو كوب معديه يي بوش بر اقاماز شو حسابجه معده مقامنده طوتيلان  
 خزينه ده غذا مثابه سنده اولان مال و نقدجه تهى قالنجه رعايا فقراسي  
 اموال دو كوب خزينه يي على كل حال املا ايدرلر . رعايا ايشلرندن ،  
 كوچلرندن قاورلرسه بو پارهي بولوب ويره مزلر و خزينه بوش قاور ؛  
 ايشته بوندن طولايي « سلاطين سلف رعاياني ظلمه دن حمايت ايدوب  
 قصبات و قرانك خراب اولسنه و رعايان بري شهره كلوب سا كن  
 اولوب زراعت و حراثتن قالمسنه رضا و ير مزلردي . » معافيه سودانك  
 غالب كلمسي و سوسه و ماليخوليا كي امراض يابسه يي انتاج ايتديكنندن  
 بونك طاشقينلغي يعني رعايانك ترفهي اعتدال دن فضله اولسه او قدر اهميتي  
 بوقدر . زيرا سودا خسته لغني او قدر مهلك دكلدر . سودا آنجق ديكر  
 بر خلط ايله اختلاط ايدرسه او وقت طبيعتنده تغير و تعفن حاصل  
 اولور ؛ هر حالده بو يوزدن بدن دولته عارض اوله جق خسته لفاك  
 دفعي آساندر .

پیدا ایدوب « شرار الامور محدثاتہا » فحواسی اوزرہ عجیب و غریب  
ابنہ احداث ایدر .

خزائن مجموعہ نسوان وسائر مشتمیات مطبوعہ نک زیب وزینتی  
مثللو اسرافات غیر مشروعه یہ صرف اولئغلہ خونہ دخی فرصت ورخصت  
بولوب مستلذات نفسانیہ یہ متعلق دسائس شیطانیہ تدارکیلہ حریم دولتہ  
یول بولوب برر حیلہ ایلہ جہات منافعہ استیلا ایدرک واجبات دین  
ودولتدن اولان تعمیر مملکت وتوفیر خزائن وتجهیز عساکر مصلحتلری  
مہمل قالیر . ادخار مال ایلینلردن استقراض اقتضما ایدر . انلردہ  
اظہار تفقر ایدوب جزئی شی ویرسہ لر خامانمز بر باد اولدی دیہ فریادہ  
باشلار لر . نعوذباللہ تعالیٰ ، معاقبأسفر لر دخی اقتضا وبالضرورہ استقراض  
نامیلہ اموال اغنیا مصادرہ اولنور . بو صورتلہ جور و غدر عیوقہ  
چیقار و متمولان مملکت واتابکان دولتک کیمی حج شریفہ کیتکہ  
راغب کیمی دیار مصریہ یہ ویا بلاد بعیدہ یہ ہار ب اولوب تخلیص مالہ  
کونا کون احتیال ایدر لر . بو محاذیرک طریق اندفاعی بر عاقل روشن  
ضمیرک حسن تدبیریلہ ابتدا سفر غائلہ سی بر طرف قلنوب بعدہ طبع  
قنوع ایلہ تنظیم امورہ شروع بیورمغلہ حصول پذیر اولہ کاشدر .»

۲۶ تقسیمات دولت . — [ مؤلفین شرق دولتک اطوار وطبایع  
مختلفہ سنی بروجہ بالا شرح و تعداد ایتدکدن صکرہ ہیئت اجتماعیہ  
بشریہ یی یعنی دولتی - کہ ملک و سلطنت معناسنہ اولان دولت بر نوع  
آیین اوزرہ اجتماع بشردن عبارتدر دیہ تعریف ایدیور لر - نہ  
انسانہ بالتشبیہ انسان ناصل اخلاط اربعہ دن مرکب ایسہ جمعیت دہ  
درت رکنندن تألیف و ترکیب اولونمشدر دیر لر . طب قدیم موجبجہ  
اخلاط اربعہ دم و بلغم وصفرا وسودادن عبارت فرض اولوندینی کی  
بونلرک ہر برینک معادلی اولتی . اوزرہ جمعیت دخی علما و عسکر وتجار

تابع اولانلرك موضوعى اولان جهات منافعه قانع اولورلر . شايد اسلافه تقليد دن نكول ايدرلر ايسه فساد عمل امر مقرر در . ابتدا مجد دولتى بنا ايدنلر متأخرين دن زياده فكر شديد وعقل رشيد صاحبلريدنر ، بو طورده وكلايك قوتلرى كامل وعظمايك ثروتلرى نصاب كاله واصل اولوب عسكرينك بطونى شعبان ونم راحت ايله مرفه وبطران اولور . بو ايامده اصحاب مناصب مركزلرنده ثابتقدم اولوب تبديل وتغير نادر اولغله مسالك وطرقه سلوك متمسك اولوب رتب ودرجات اربابنك المقاب واعتباراتى حالت واحده اوزره مهادى اولور . بو حال بر مدت دوام ايتدكن صكره اصحاب جاه وجلال ادهسنه تحاسد وتنافس سببى ايله نفاق دوشر . علالخصوس تماطىء رشا وارثا طريقه مستوره ومناسبت مقصدهده خارجه افشا اولنوب حل وعقد اموره مالك اولان رجال مطلقا ماله ميال اولوب استعداد ذاتى واستحقاق حقيقى متروك قالير . بو محذورات سببيله صورت حقانيت قابله افراغ اولنمش غرض آميز دعوالر وطمع وطول امله مبتنى حيل ايله مدسسوس خيرخواهلقى شكلنده مدعالم حدود ايدرك اصحاب تزويراتك تحريكى ايله متهوران عسكردخى پرده بيرون وضع وحركته باشلار شورشلىنى ابطال ايچون مشاغل سفر ايله اشتغاللرى بالضروره لازم كير . اعاديدن اخذ نار ايچون توسيع ديار وقهر كفار بهانه سيله انسدادى مشكل بر قبو اچيلور . ظفر ميسر اولوب ابواب اسايش كشايش بولور ايسه فهوالمطلوب والا سفرلر متعاقب ومزاج دولته فتور وكلال عارض اولور . بونك چارمى ابتدا سفر غائله سنى برطرف وايام خاليه ده تنظيم اموره همت صرف ايتكله ممكن اوله كلشدر . « طور خامس » تبذير واسراف واضاعت ولتلاف طوريدنر . بو طورك اصحابى اسلافه مقايير قوانين وتوسيع مساكن وملا بسده احتشام تام نامنه تضبيع ماله باعث زينتلر

تعدیل اولور . بو تبدلات و تعدیلات بر عمر طبیعی بشر قدر آز  
زمانده واقع اولسه بيله هر سالده ار کچ بر زمان صکره واقع اولمقدن ده  
خالی اولماز . بو صورتله شخصیت معنویه دولت باقی و بلکه ده لایتنیر  
قالدینی حالد شکل ظاهریسی کسومسی تبدلات و تحولاته اوغرار .

۲۵ اطوار دولت . --- بعض شرق مؤلفرینک فکیرینه کوره دولتک  
حیاتنده بش طور تفریق ایدیلیور : « طور اول » دولتی ایادی غیردن  
انتزاع و ملکه استیلا ایچون مدافعری قهر ایله بقیه عز و نعمته ظفر  
وقتیدر . « طور ثانی » مقصود اصلی واعز و اولد مطالب انسانی اولا .  
ملک و دولته ظفر میسر اولدقدن صکره قومی مشارکتدن منع وعونه  
وانصاری امورده مداخله و معارضه دن ردع ایدوب منفرداً ملکی تصرف  
ایله استقلال وقتیدر . بو طورده صاحب دولتک حالی ظهور دولتته  
سبب اولان قبیله و عشیرت مثللو طائفه که عزتیه مشارک و منافع دولتته  
مقاسمدرلر . بونلر وقت بد اوئده مألوف اولدقلری مشارکته غرورلنوب  
تطاؤل و استیلا ایله ناز و استغنایه باشلاسلر کر کدر . ایشه بو دورده  
بونلرک نفوذینی قیرمتی ایچون مقام حکومت یکی قوتلرله استنصار و نهایت  
حکومتی ثقیر و تآکید ایدر . « اوچنجی طور » فراغ و راحت و سکون  
وامنیت وقتیدر . ارتق بو دورده عشیرت و عصیبت نزاعلری بوس بوتون  
اورته دن قالدقار ویرینه رفاه و تنعم مقدماتی تدریجاً قائم اولغه باشلاز  
بو زمانده حکومت اڭ زیاده کسب انتظام ایدر و اصحاب دولت بی منازع  
و مشارک رأی و تدبیرلرنده مستقل و استبداد تام ایله تنظیم قوانین امورده  
مستقل اولورلر . کذلک بو دورده ملک و دولت اهلته نصاب مخصوص  
ایله استقرار ریاست میسر اوئوب اعقاب کزینی وراثت ایله واحداً بعد  
واحد تخت نشین اوله رق کیتدیگه ریاستلری محکم اولور . « طور رابع »  
قناعت و مسالمة طوریدر بو طورک اصحابی طور سابقده کچنلرک قانونلرینه



اتخاذ ايدرلر. بناء عليه مملکتی توسيع ایتسه لر بيله هر حالده محافظه يه اولسون موفق اولورلر . و بونک ایچون خیلی اوغرا شیرلر ، فقط اوچنجی بطن که ، برنجی نسلده یشایان قهرمانلری کورمامش ، بالفعل جنک وجداله ایتلماش ، آلنک تریله برشی قزاعامشدر ، بالعکس میراث خوارلق ایدرک ناز ونعیم ایله پرورده اولمشدر . ایسته او بطن افرادنده کی قان صولانغه باشلار ، دها قوی الشکیمه اولان متجاوزلر بونلره پک قولای احراز غلبه ایدر . وانلرک مقامنه قائم اولور . فرض محال اوله رق ینه اوچنجی بطن تمديد حیاته موفق اولسه دخی دردنجی ویا بشنجی بطن مطلقا متقلبه واعدا نک طعمه تجاویزی اولور . ابن خلدون حکومت عثمانیه یی بيله بو قاعده دن استثنای ایتسه مش وحقیقت دوشنلیر ایسه عثمانلیرک او وقتکی خالی کندیسنی بو ظنده بولنغه پک زیاده سائق اولمشدر . کندیسنی ییلدیرم بایزید دورینی ادراک ایتش اولدیفندن وییلدیرمک زمان سلطنتنده ایسه تیمور انکک تجاویزی اوزرینه سلطنت عثمانیه نک انقراضنه همان هیچ برشی قالماش اولدیفندن مؤلفک بو مسئله نی ده کندی حسابات سیاسیه سی ایچون بر یاردجی اتخاذ ایتش اولدیفنه شبهه یوقدر .

دولتک اساسنی ملتده ارامق لازم کله جکی اعتباریله بو قاعده نک عدم اصابتی اشکاردر . زیرا حکومتلر ، خاندانلر ، بر مملکت مستولی اولان فاتحلر ایستدکری قدر تبدل ایتسون ، محو ومضحل اولسونلر ملت دائما پایداردر . ملتله برابر دولتک ده اوزون مدت باقی قالدینی مبرهندر . حتی ابن خلدون بونک ایچون رومادن دخی پک اعلا مثاللر الهیلردی . انجق شکل حکومتی ، طرز اداره یی نظر اعتباره الق ایجاب ایدنجه ابن خلدونک نظریه سی بوس بوتون بیانه ایتلماز . ملت پایدار اولسون ، فقط حکومتلرک شکلی اولدینی تقدیرده طرز وماهیتی متبادلاً دوچار

حکومتلرده ده انک مشایخی بولتی ایجاب ایدر دیمشیر . ایشته بوقاعده آنلرجه لایتغیردر . نصل که بعض انسانلر هنوز نشو و نما حالنده ویا حال توقفده اولدقنری صرمده بر قضایه اوغرایه رق نابهنگام بر موت کندیلرینی استقبالی ایدر بعض حکومتلرده بتون عمر طبعیلرندن هنوز نصیبهدار اوله مدن اضحلال و زواله اوغرازلر . کنلک ناصل که بعض انسانلر دور انحطاطلرینی ادویة شافیة وصحی تدابیر ایله تمدیده موفق اولورلر بعض حکومتلرکده دور انحطاطی او بولده اوزادیله بیلیر . ابن خلدونک حیاتکنذار اولدینی عصر هجریده ( سکزنجی عصر ) حکومات اسلامیة وحقی اورویا حکومتانی - دره بکک اصولی جاری اولدینی جهته - پک قیصه بر عمر سیاسی کچیرمکنده ایدیلر عینی رمآنده یوزلرجه حکومت ظهور ایدر و یوزلرجه سی بالمقابله محو نابود اولورایدی . هله بر حکومتک اوزون مدت بر خاندانده تقرر اتمسی نوادر دن ایدی . واقعا خلفای عباسیه بش عصر دن زیاده اجرای خلافت ایتدیلر ایسه ده بالفعل خلافت و حکومتلری هر ون الرشیدک خلقی المعتصمه قدر سورمشدر ، اندن صکره خلفای متغلبه وطوائف ملوکک وبعده طائفة اتراکک بازیچه سی اوله رق عادتا کولکه ایدیلر . بو صورتله ابن خلدون عباسیلرک امتداد حکومتی کنندی نظریه سینه مخالف دکل ، کنندی نظریه سنی بلکه مؤید فرض ایدیور .

مشار ایله بو نظریه سنی دلائل عقلیه ایله ده بروجه اتی ایضاح ایدیور : بر مملکتده مستولی اولان حکومتک ایلك بطن رجالی بطش و شدت صاحبی اولور ، جسارت و شجاعتلریله احراز غلبه ایدرلر . حرب و ضربه ، امر و نهیه قادر اولورلر . مملکتی کدیمتلیریله ضبط و تسخیر ایدرلر . انلرک اولادی ده واقعا پدرلرینک داستانی ایله یشار ، هنوز کوزلری اوکننده بولتان بر چوق حماسیاته متعلق وقایعی حسن مثال

استخراج اولنان احكام شرعيه دولتک نظريه تشکله عائد دکل ايدي . چونکه فقها دولتي نصل وجود بولاش ، نصل دوام ايتک ايجاب ايدر او جهتي دوشونمکله مکلف دکدرلر اونلر يوقا ريده ده بر نبنده بحث ايتمش اولديغيز وجهله يالکيز اصول فقعه توفيقاً ادائه اربمه دن احكام چيقاير و ذاتاً موجود اولان بر حالي تفرير و تفصيل ايدرلر . فرضا ولايت عهد شو سورتله اولور . زيرا حضرت ابوبکر شو سورتله حضرت عمري ولي عهد اتخاذا ايدي ديرلر . يعنى خلافتک يالکيز دينه کوره احکامنى تدقيق ايلرلر . حالبوکه ايشک برده جهت عقليه سي واردر . فرضا دولت نه ديمکدر ، اهالي ندر ، دولتي ترکيب ايدن عناصر اراسنده کي مناسبات و روابط نه کي شيلدر ، بونلر فقهانک دائره تدقيق خارجنده در . بو جهتلر بالخاصه مورخين طرفندن ، فقط مع التأسف يک ناقص اوله رق ، تدقيق ايدلمشدر .

مورخين ارسنده ايسه اک زياده ذکر اولنمغه شايبان ابن خلدوندر . بو ذات مقدمه سنده دولتک صورت ظهور و نشو و نماسته و تدني و انحطاطنه و نهايت زوالنه دائر خيلي دقيق مطالعه لر يوروش فقط مع التأسف اساسي تعميق ايتمامشدر . دو اتلري يالکيز حکومتلردن عبارت فرض ايدن ابن خلدون حکومتک منبع قوتى ارشديرمامشدر . حاکيت عليه و حاکيت عليه نك صورت تجليسي و اکثريت قاعده لري و سائر ه حقنده کرک حکماي سلف و کرک مدققين متأخره طرفندن بر جوق مباحثي بادي اولان مسائل مشارالهي اوقدر اشغال ايتمامشدر . کرک ابن خلدون و کرک اکا پيرو اولانلر حکومتلري انسانه تشبيه ايتمشلر و همان همان انسانه قريب بر عمر ايله معمر ايتک ايسته مشلر . شو حالده حکومتلرک سن نمو ، سن وقوف و سن انحطاطلري واردر . مادامکه حکومت ديدیکمز شي انسانلردن مرکبدر انسانلرده هر نه وار ايسه

اللرك و آياقك كسلسى ويا فقدانى بهمه حال يعنى كرك خلافتدن اول و كرك صوكره وقوع بواسون خلافتدن سقوطى ايجاب ايدن عوارض بدنيه دندر .

خلافتدن سقوطى موجب اولان احوالدين بريده خليفه نك سربستى\* حرکاتى تقيد ايدنه جك عوارضدر كه بونلرده بوجه بالا عوارضك ايكنجى قسمنه ، عوارض بدنيه قسمنه ادخال ايديله بيلير . بناء عليه ديكرلرينك نفوذ مضرينه تابع اولوب حرکاتنده اختياردن محروم اولان ويا دشمن يدينه اسير دوشن خلافتدن ساقط اولور . فقط اسير اولان خليفه نك بردها رجوعندن واطلاقندن قطع اميد ايدلك لازمدر . برده بواسارت كه فار يديده كى اسارته عائددر . يوقسه اهل رفض وضلات يدينه اسير دوشن خلفا حقتنده بو حكم جارى اوله ماز .

خلافتدن ماعدا سائر امور مهمه سياسيه حقتنده فقها طرفندن قواعد وضع اولمش و فرضا ولايتلك اداره سنه ، واليله ، وزيرله [ وزرات ايكيدير . برى وزرات تفويضى ديكرى وزرات تنفيذدر كه برنجيسيده مطلقا مسلمان اولمق شرط اولدينى حالده ايكنجيسنده بو قیده لزوم يوقدر ] اميرله ، اميرالجيشله ، حقوق حربه ، كفار ايله جهاده ، اهل ارتداد ايله ، اهل بغي وضلال ايله محاربه يه ، ارباب شقاوتك صورت تشكيلنه و سائر يه دائر خيلى مباحث موجود بولمقده در . مع مافيه بونلرك جمله سنى تدقيق و تشریحه موضوعمرك شمديكى حالده تحملى اوله ميه جفتندن بالطبع بوقدرله اکتفا مجبوريتنده يز .

۲۴ شرقده تعامللردن متولد بعض افكار . — منحصرأ احكام فقهيه دن استنباط ايديلن بوجه بالا خصوصاتدن ماعدا من القديم شرقده عرف و تعامل درجه سنه كجش بعض نظريات واردركه احكام شرعيه يه اودرجه تماس ايتز حتى بعض يرلرده شرعدن بوس بوتون تباعد ايدر . شمدي يه قدر

مع مافيه بوده براز مبهم اولديغى ايجون دها صريح بر تعريف ايله ديه بيليزكه : عادل كباڭرى ارتكاب ايتمين وصفائرى دخی مكرراً ومصراً ارتكاب ائتمه كه اعتنا ايدندر . شو حالده فاسق بر كبريه يي ارتكاب ويا صفائره اصرار ايدندر . [ ان تجتنبوا كباڭر مانهون عنه نكفر عنكم سيأتكم الحديث ]

كباڭره كي شيلردر؟ بونلر قرآن كريمده دكل قسط حديث نبويه تعداد اولمشدر شويله كه : (۱) شراب (۲) قتل (۳) قذف (۴) اموال ايتامى غضب وسؤاستعمال (۵) ربح غير مشروعى تملك وتصرف (۶) دشمن قارشوسنده فرار (۷) ابوينه عدم رعايت . حضرت على يه كوره سيرت وشرب خمر ده كباڭردندر . [ مع مافيه بو خصوصه يك چوق مباحثات واختلافات موجود اولديغى آبرجه ذكر ايتك لازمدر ]

ايسته بالاده كي قيود دائره سنده تعين ايدن فسقدر كه خلافتك يالكوز سقوطنى بادي دكل بدياة عقدينى دخی مانعدر .

عارضه معنويه نك ايكنجيسى كه معصيت يعنى اعتقاداً شبهه يي تضمن ايدر ايدى بونك ده شروط وتفرعانى حقتنده فقها يك چوق اقوال ايراد ايتمشلردر . آنجق بو مسئله ده هر شيدن اول كيمره كافر ديه بيله جكنك تعينى لازمدر وبو بحث ده معلوم اولديغى اوزره يك واسعدر .

مانع خلافت اولان عارضات بديه عمى وجنوندر . صاغيرلق وديلسزلك مانع خلافت اولوب اولديغى تعين امرنده علما اختلاف ايتمشلردر . خلافتدن عارض اولان بو امراضك مانع خلافت اولديغنده اتفاق وار ايسه ده بعدالخلافة عارض اولور ايسه نظر ايديلور . بعضيلرى كتابته اقتدارى اولان خليفه نك بو نواقصى دوام خلافتنه مانع اوله ماز ديمشدر ديكرلرى ايسه بونك عكسنى ادعا ايتمشلردر .

اجراسی ایجاب ایدن بر اطاعتدر . ذاتاً امامک رعیت اوزرینه تصرفی مصلحتہ منوطدر . یعنی اولاً قانون شریعتہ ثانیاً منافع عامہ بہ موافقت شرطلریلہ مشروطدر . [ علیکم بالسمع والطاعة اسکل من يؤمر علیکم مالم یأمرکم بمنکر ففی المنکر لاسمع ولاطاعة الحدیث ]

۲۳ خلیفہ نک خلافتدن سقوطنی ایجاب ایدن احوال . - خلافتدن سقوط [ ۱ ] و عارضات - کہ ایکدر - ظاہر اولنجه بالادہ کی اطاعت و معاونت غیر جائز اولور . برنجیسی عارضۂ معنویہ ایکنجیسی عارضۂ بدنیہ در . عارضۂ معنویہ فسق و معصیت کبی شیلردر کہ اشکال خارجیہ سی ظاہر اولمق لازمدر . کبائزده اصرار و دینی علناً انکار و اسراف اموال مسلمین و سائرہ بوجہ دندر . صفت عدلی نزع ایدن عارضۂ معنویہ ایکدر (۶) هوسات و احتراصاتہ تبعیتدن متولد فسق (۲) اعتقادده شہہنی تضمن ایدر .

هوسات و احتراصات شکل خارجیہ عائددر . فسق عدک ضدیدر . عدل تعریف اولثورسہ فسق دہا کوزل اکلشیلور . فاسقک ضدی اولان عادل عمومی بر تعریف ایله یایلمسی لازمکن شیلری یایار و یایلمامسی لازمکن شیلری یایماز عدک دہا شرعی معناسی ایسہ طریق مستقیم شرعیدن انحراف ایتہ مکدر . شو حالده فسق شریعتک ترسیم ایلدیکی طریقدن انحراف ایتک ، حرکات بشریہنی تقیید ایچون ارادۂ الہیہ ایله معین اولان حدودی تجاوز ایلمکدر .

[ ۱ ] خلافتدن اسقاطک امت ایچون جائزیمی واجیمی اولدینی مختلف فہدر . خارجیلرہ کورہ واجیدر . قول مختارہ کورہ جائزدر . امت اسباب سقوط قارشوسنده اسقاط ایله ابقای مقایسہ ایتلی واهون شرینی اختیار ایلمیدر . زیرا اولہ ییلیر کہ اسقاطدن حاصل اولان فساد ابقادن اعظم اولور .

سادساً : جهاد در كه اسلاميتي قبوله دعوت ايدل دكدن صـوكره دعوتى رد ايدنلره قارشو واقع اولور . جهاد قبول اسلامه ويا ذمت آلتنه دخوله قدر دوام ايدر .

سابعاً : تحصيل غنائم و تكاليف و بر نهج شرعى بونلرك توزيع و تقسيمى كه بو توزيع و تقسيم منصوص اولان محللرده نصه و اوليان محللرده اجتهاده كوره اولور .

ثامناً : بيت المال جانبدن ويريله جك معاشات و مواجيك تعيينى . بو بابدهكى تاديات نه اسراف ونه ده بخل و امساك واديسنده اوليه جق و تاديات وقت مرهوننده بلا امهال واقع اوله جقدر .

تاسعاً : امور اداره و ماليهيه امين و صاحب رأى كيمسه لرك نصب و تعيينيدر . تاكه مقتدر و ايليراسايشى ادامه ايديه بيلسون و خزينه بيت المالك منافى مستقيم ذوات طرفندن حسن محافظه اولسون [ خليفه بيت المال اموالنه نظراً صبينك وصيبي منزله سننده در . حضرت عمر ( رض ع ) مال الله نظراً ولى يتيم منزله سننده اولديغنى بيان ايتشدر . ]

عاشراً : بالذات امور دولته سعى و اقدام و وقايعك حسن جرياننه ممتادياً اهتمام . او صورتده كه خليفه امورك هيئت مجموعهنى احاطه ايديه .

ييلسون و ملك امر و اداره سنى و دينك محافظه سنى امنيت و متانت و اطمنان ايله اجرا ايديه بيلسون خليفه يا اذواقه ويا عبادت و طاعاته طالمق ايچون امر دولتى ديكر لر ينه ترك ايديه جك درجه ده تفافل ايتامليدر . زيرا اوله بيليركه صادق قرض ايديلن كيمسه اهانت ايتسون و جدى و طوغرى قرض ايديلن آدم اغفال ايديلسون .

ايشته انجق بو شرائطى حائز اولوب تعداد ايديلن وظائفى ايفا ايدن خليفهيه قارشو مسلمين اطاعت و معاونت وظيفه سيله مكلفدر لر . بو وظيفه اطاعت و معاونت بر توله تك نغنديسنه اولان اطاعتى قبيلندن دكلدر . بر اطاعت ربوبيه دكلدر . حقاً لله و حقاً للمسلمين

شیلردر؟ بولردن ده بر مقدار بحث ایدہ لم: خلیفہ احکام فقہیہ موجبہ اون وظیفہ ایله مکلفدر:

اولا: محافظہ دین و اعتقاد. اعتقادی بوزولان و طریق ہدایتدن آریلانلرہ خلیفہ حقیقی ادلہ سبلہ ارائہ و اثبات ایتمک مجبوریتندہ در. شاید ینہ حق یولنی قبول ایتمز ایسہ جزاسنی ویرر. بودہ تعزیردرکہ حدود شرعیہ دن شدتجه دوندر و ہر حالده موتی مستلزم اولہ حق درجہ ده دکلدر.

ثانیاً: احکام شرعیہ نک و اعلاماتک اجراسی و دعاوی نک فصل و رؤیتی. او درجہ ده کہ حس عدالت تعمیم ایتمسون قویلر قوتلرینی سوء استعمال ایتمسون و ضعفا دوچار تعدی و تجاوز اولسون.

ثالثاً: جان و مال و عرضتک ہر درلو تعرضہ قارشو مصون و محفوظ بولندرلمسیدر. او صورتدہ کہ اہالی سرہست و حر اولہ رق ارزولری دائرہ سندہ یشایہ بیلسون و کمال امنیتلہ ہریردہ و کندی نفسلری و ماللری ایچون سیاحت ایدہ بیلسونلر.

رابعاً: عقوباتک یعنی احکام جزائیہ نک اجرا و تطبیقیدر. او درجہ ده کہ بالجملہ منہیات و محرمات فعلاً منع و تجریم ایدیلہ بیلسون و ہر کسک حقوق محفوظ قالسون.

خامساً: سرحدک محافظہ سیدر. بو محافظہ ایستر تجاوزک وقوعی منع ایدہ جک تدابیردن عبارت اولسون ایستر فعلاً واقع اولان بر تجاوزک واسطہ قوتلہ ینہ فعلاً مدافعہ سندن عبارت بولنسون. او صورتدہ کہ اعدا ناگہانی تجاوز و تخطیدہ بولنسون، شرف اسلامی اخلال و نسوانک ناموسنی پامال ایتمسون و مسلمان ویا معاہدہ رجالک قاتنی اراقہ ایدہ مسون معاہدہ اہل ذمہ درلرکہ ذمتہ داخل اولقلہ عصمت کسب ایدرلر. [یعنی قانلری ہدر اولماز.]



برنجی ولی عهد خلافته کچه بیلیر . فقط دیگر ولی عهدلرک حقی اسقاط ایله کندی ارزو ایتدیکی ذاتی ولی عهد نصب ایده بیلیرمی ؟ بعضلری ایده من و صره به رعایت ایتسی لازم کلیر رأینده بولمشدر . دیگرلری ایسه بالعکس ایتدیکنی ولی عهد اتخاذا ایده بیلیر دیمشدر . ایکنجی قول امام شافعیته در . و اکثریت علما بو رأی ترجیح ایتکده درلر . مع مافیسه برنجی قوله کورده دیگرم ولی عهدلر حقلرندن فارغ اولورلر ایسه خلیفه دیله دیککنی ولی عهد اتخاذا ایده بیلیر . از جمله السفاح | ابو العباس عبده ابن علی ابن عبده ابن العباس السفاح | برنجی ولی عهد اوله رق برادری ابو جعفر المنصوری و ایکنجی ولی عهد اوله رق یکنی عیسایی تعیین ایتش ایدی . اوتوز یاشنده وفات ایدن السفاح ک حین ارتحالنده ابو جعفر مشهور ابو مسلم خراسانی ایله برلکده مجده بولنیور ایدی . عیسی ابو جعفر نامنه بیعتی قبول ایدی . و خلیفه یه ده ساعی\* مخصوص ایله خبر کوندردی فقط المنصور اوغلی المهدی بی ترجیح ایدی . و یکنی عیسایی ولایت عهدده ایفا ایتک ایتمدن و انک ایچون عیسی بن موسایی ولایت عهددن فراغته افتداع ایدی . برنجی رأی ترجیح ایدنلر بو فراغت لازم ایدی . بشقه درلو المهدینک ولایت عهدی صحیح اوله ماز ایدی دیورلر . ایکنجی قولی اختیار ایدنلر بونک بر لزوم شرعیسی یوق ایدی منصورک موسایی افتناع ایده رک انزالنه موافقتی استحصال ایتسی بر تدبیر احتیاطی و سیاسی ایدی زیرا عباسیلرک خاندانی هنوز تقرر ایتش اولوب بویله بر صره ده ارکان خاندان اراسنده تفرقه و آهنکسزلاک حصوله کتیرمک موافق حکمت حکومت اوله ماز ایدی . المنصور ایسه امور سیاسیه ده دهاتدن صابیلیر ایدی جوابی وریورلر .

۲۲ خلیفه نك وظائفی — خلیفه نك عهد سنه مودوع وظائف نه کی

ابن ابو طالب که - جعفر طیار نامیده معروفدر - و بوکاده بر شی اولورسه یرینه عبدها بن رواحه تعیین ایدیله جک و اکر بوکاده بر حال اولورسه مسلمین کندی آرله لردن بری انتخاب ایتسونلر . بیورمش ایدی .

معلوم اولدیفی اوزره اولا زیدشید اولدی، انک یرینه علمی طوتان جمفرك اولا بر قولی. آندن صکره دیکر قولی کسدیلر علمی براقدی، بدنیله طوتدی نهایت رأسی قطع اولندی ایشته آنک ایچون حضرت رسول آکا جعفر طیار عنوانی توجیه ایدی. متعاقباً عبدها بن رواحه دخی عین عاقبه اوغرادى وانک اوزرینه سیفاه السلول عنوان میجلیله یاد ایدیلن خالد بن ولید قوماندانلغه کچدی . مادامکه امارت جیشده حضرت رسول بو درلو معامله بی تجویز ایلدی . بناء علیه خلافتدهده بو اصول تجویز اولمق اقتضا ایدر . مع مافیه خلافت بشقه ، عسکره امیرلک ایتمک بشقه اولدیفنی بیان ایدن فقها بو مثال تاریخی بی خلافته تشمیل ایتمک ایستیمورلر .

فقط تاریخ اسلامده بوکا دائر ایکی مهم مثال واردر . بری امویه دن سلیمان طرفندن دیکری هارون الرشید طرفندن وضع ایدمشدر . سلیمان بن عبدالملک درجه اولاده عمر بن عبدالعزیزى، درجه ثانیدهده یزید بن عبدالملکی ولی عهد اتخاذ و زماننده کی علما وفقها بوکا اتباع ایتمشدر . كذلك هارون الرشید زماننده کی فقها دن بعدالاستشاره والاستشهاد درجه اولاده اوغلاری الامین و درجه ثانیدهده المأمون و درجه ثالثهده المؤمنی تعیین ایتمش ایدی. هاوون الرشید مککه یه کیتدیکی زمان بو باده کی عهد نامه بی کعبه یه تودیع ایدرک عقدک اهمیتنی تزید ایلمشدر .

خلیفه فرضا صره ایله اوچ ولی عهد تعیین ایدوب بونلرک صرعی معین اولدیفی و کندیلری بر حیات بولندیقی حالده وفات ایدر ایسه

خلیفه حال حیاتنده ولی عهدلی ترتیب ایدرسه یعنی ایکی و دها  
زیاده کیمسه لری علی الدرجات تعیین ایدرک ؛ خلیفه بندن صکره فلان  
اوله جق و ائک و فائبله فلان یرینه قائم اوله جقدز و بوده وقات ایدرسه  
آنک یرینه ده فلان دیرسه جا زدر . و بو صورتله خلافت بونلردن هر  
هر یرینه درجه و صرهمسئله انتقال ایدر .

زیرا حضرت فخر کاشنات موته غزاسی ایچون زید ابن حارثه بی  
امیرالجیش [ قوماندان ] تعیین ایتمش و آکا برشی اولورسه یرینه جعفر

ابن اسحقک روایتنه کوره خلیفه مجروحاً خانه سنده یتارکن سوقاقده بر  
غلهک صداسی ایشدیر . ناس نه ایستورلر دیه صورار . بوریه کیرمک  
و سنی کورمک جوابی و یریرلر . اونک اوزرینه مساعده ایدر و ناس  
حضورینه چیقار و دیرکه خلیفه بی تعیین ایت یا امیرالمؤمنین . عثمانی بزه  
خلیفه ویر .

— نصل بونی یاپه ییلیرم که هم اموال دنیایی هم جنتی سور . بونک  
اوزرینه ناس کیتدیبلر تکرار سوقاقده اها لیک کورلتیسنی ایشدیبلر .  
حضرت عمر — بو آدملر نه ایستورلر ؟ دیه صورار .  
— کیرمک و سنی کورمک .

خلیفه دخولارینه مساعده ایدر . اهالی کیرر ، دیرلرکه :  
— بزه علی بن ابوطالی خلیفه ویر .

— علی سزی برطریقه سوق ایدرسه او طریق طریق هدایتدر .  
عبده بن عمر دیبورکه : بونک اوزرینه صوردم یا امیرالمؤمنین ارزولرینی  
اشعاف ایتمکه مانع نه ؟

— اوغلم او وقت حمل خلافتی هم حیاطمه هم ماممه طاشیمش  
اوله جقم .

غیوبت امتداد ایدر و امر اداره ده تشوش حاصل اوله جفی جزم اولنورسه بروکیل تعیین اولنه رق ورودینه قدر امر خلافت بعدالبیعه اکاتفویض اولنور .

خلیفه نك استعفا وانزالى وفات حکمنده اولدیغندن ولی عهد یرینه چکر .  
خلیفه عین زمانده ایکی کشی بی ولی عهد اتخاذا ایدرسه حین وفاتده منتخبلر بو ایکی دن برینی ترجیح ایدر لر . زیرا حضرت عمر التی ذاتی بر دن ولی عهد اتخاذا ایتشدی . [ عثمان ، علی ، طلحه بن زبیر ، سعد بن ابی وقاص ، عبدالرحمن بن عوف ، ابو عبیده ] . [ ۱ ]

[ ۱ ] حضرت عمر معلوم اولدیغی اوزره بصره والیسی المغیره بن شعبه نك عجم کوله سی ابو لؤلؤ نامیله ملقب فیروز طرفندن خنجرله التی یرندن جریحه دار ایدیله رك شهید اولمشدی . ابو لؤلؤ کندنندن آلنان ویرکونك فاحش اولدیغنی مقام شکایتده خلیفه یه بیلدیرر . المغیره بی شکایت ایدر . صنعتك نه ؟ دیه وارد اولان سؤال اوزرینه :

— سرانغوز ، دمیرجی ، طاشجی جوانخی ویرر .

— او قدر صنعته کوره ویردیك ویرکو آغیر دکلدر . برده روز کارله دونن دکرمن یامغه مقتدر اولدیغنی مع الافتخار سویلیور .  
مشك بكاده بر دانه یاپارمیسك ؟

— سکا او یله بر دکرمن یاپهیم که شرق و غرب اندن بحث ایسون .

حقیقت ایرنسی کونی او یله بر ایش یاپدی که شرق و غرب الاکن ارتسکاب ایندیکی فضا حندن بحث ایدیور و ایده جکلدر . امیر المؤمنین جامعه نماز قیلارکن ابو لؤلؤ یاننه صوفیه رق کندیسنی اورور خلیفه مجروحاً خانه سنه نقل اولنور . و قرق سکز ساعت صکره ارتحال ایدر .  
۲۳ ذی الحجه سنه ۲۲ ( ۳ تشرین ثانی ۶۴۴ سنه سنه مصادف ) .

وانك وقوعه مشروط اولميدر زيرا انسانلر طبعاً و فطرهً پدردن زياده اولاده مهاييلدرلر و قرصنا ثروتى پددرلرينه دكل اولادلرينه ميراث اولوق اوزره ترك ايچون ادخار ايدرلر .

خليفه وكالت و تيايتنى حائزكافه مأمورين و حكامى عنمل ايتك صلاحيتنى حائز اولدينى حالده ولايت عهد حقندهكى قرارينى فسخ ايدمه من . مكر كه ولى عهدك احوال شخصيه سنه تبدلات عارض اوله . بوتبدلات ولى عهددن صفت عدلى نزع واحما ايدمه بيله جك بر عارضه بدنيه در . برنجيسى فسق و معصيتدر بوده باهوا و هوسنه فرط اتباعندن و يا امور اعتقاديه ده دوچار اشتباه اولسندن عبارتدر . عدالتى نزع ايدن فسق ، ارتكاب كباثرله برابر صفائزده اصراردر . خليفه نك حكام و مأمورى عنمل ايدمه بيلديكى حالده ولى عهدى بوجه بالا عنمل ايدمه مامسى شوندن ايلرى كلير كه حكامه تفويض ايلديكى وكالت صرف كنىدى حقوق جمله سندن اولدينى حالده ولى عهدده تفويض ايتديكى و كالتده عامه مسلمين علاقه دارد . نته كيم عامه مسلمين دخى خليفه نى يوقاروده بيان ايتديكمز عارضه لردن برينه اوغرامدقجه عنمل ايدمه منلر .

خليفه حال حياتنده ايكن ايكنجى برولى عهد اتخاذايدمه من . ايدرسه حكمسزدر شايد برنجى ولى عهد فارغ اولورسه ينه ايكنجيسنك ولايت عهدى صحیح اوله ماز ، مكر كه ايكنجيسنه دخى بيعت اولونه .

ولى عهدده خلافت ايچون لازم كلن شرائطى حائز بولمق اقتضاييدر بناءً عليه هنوز صبى و يافاسق اولان برولى عهد خلفنك حين وفاتنده سن بلوغه ابرمش و يافسندن عدله رجوع ايتمش بولنورسه خلافتى صحیح اولور شوشرطله كه كنديسنه بيعت تجديد اولونه .

غائب مفقود و مجهول اولان ايچون ولايت عهد صحیح دكلدر غائب معلوم ايچون موقوفاً منعقد اولور و قبوليله عقد تمام اولور . مرمافيه

ذاتی استخلاف ایتک ایستدیکی تقدیره راجعدر اقربا وتعلقاندن بری طرف خلیفه دن ولی عهد اتخاذ ایدمک ایجاب ایتدیکی تقدیره برادر و سائر اقربا ایچون یبانیجی معامله سی اجرا اولنور :

یعنی خلیفه یوقاریدمکی ایکی قولدن برینه تبعاً اقرباسنی ولی عهد اتخاذ ایدر . فقط ولی عهد اوله جق ذوات خلیفه نك اوغلی ویا باباسنی اولورسه نظر اولنور :

بر تقدیره کوره خلیفه اوغلی ویا باباسنی مطلقاً منتخب لک بیعتنی استحصال ایدرک ولی عهد اتخاذ ایده بیلیر وبوصورت اولدقجه عقد تمام ولازم اوله ماز . زیرا خلیفه نك اوغلی ویا باباسنی یالک زولی عهد اتخاذ ایدرک عقد تمام اولق لازم کلسه بوم امله سی خلقی اوله جق ذات حقنده برنوع شهادتدر شهادت ایسه باطلدر . کذلک بوصورتله استخلاف اوله جق اب ویا ابنک حاکمیت ملتی اکتساب ایتسی ، اهنده طرف ایردن ویرلمش ، بر نوع حکم و اعلام اولور بو ایسه جائز دکلدر . زیرا بر خلیفه نك پدر واولادینه نظراً حاکم اولسی بحق محل شبهه در و عادتاً ردحاکمی ایجاب ایتدیرن اسبابدن بریدر .

دیگر بر تقدیره کوره خلیفه کندی رأیله اوغلی ویا باباسنی ولی عهد اتخاذ ایده بیلیر . زیرا امیر المؤمنین اولق صفتیله افضل واعلم ناس اولق وحکم لری مرعی الاجرا بولمق اقتضا ایدر فضائل امارت حسیات قرابتیه غلبه ایدر بو طرز استدلالک برنجیسنه نظراً ضعیف اولدیغنی بیانه حاجت یوقدر . اوچنجی بر تقدیره کوره تقریق ایتلی . ولی عهد اوله جق ذات پدر ایسه بشقه ، اوغل ایسه بشقه مطالعه بولمایدیر ، پدر ایسه اقربا ویبانیجی حقنده یوقاریدمه ایضاح ایدیلن حکم جاریدر ، فقط اوغل محل شبهه اولدیغندن انک ولی عهد اتخاذ اولنسی برعقد موقوف اولمی یعنی منتخب لک بیعتنه معلق

ايکنجی مثال حضرت عمر طرفندن کوسترلشدر .  
 مشاراليه يالکمز برذاتی ولی عهد اتخاذ ایتمک جساتنده بوانه مامش ،  
 آلتی ذاتی بردن ولایت عهدہ تعیین ایتمشدرکه بو صورتله تشکل ایدن  
 شورا اعضاسی ایچلرندن يالکمز برینی خلافتہ انتخاب ایبتدیلر . حضرت  
 علی شورادن ایدی و حتی حضرت عباس کندیسنه اعتراض ایلدی .  
 فقط اعظم امور اسلام موضوع بحث ایدی اجتنابه حکم یوقدی  
 جوانی آلدی .

ولایت عهد اصولنه اعتراض ایدن یوقدر . فقط علامدن بمضیمی  
 ایشک یوقدرله منعقد وتمام اولدیغنه ذاهب اوله رق صرف وکالته قیاس  
 ماده ایتمشدر و بوکا منتخبلرک و بیعت ایده جکلرک بیعت و موافقتنه تعلیقہ  
 لزوم یوقدر دیمشدر .

زیرا خلیفه خلافتده هرکسدن زیاده تصرفه اهلدر .

بناءً علیه انتخاب واقعی قطعیدر و بو خصوصده کی فکری لازم  
 الاجرادر [ حضرت ابوبکرک عمری ولی عهد اتخاذ ایتمی کبی ]

فقط دپکر قوله کوره ولایت عهدہ عائد عقد عقود موقوفه دن  
 صاییلور زیرا خلافتک رکنی آنجق منتخبلرک قبولیله حاصل اولور و او  
 وقت عقد تام اولور . سائر عقود شرعیه کبی خلافتک رکنی ایجاب  
 و قبولدر . فقط بوکا برده شرائط لازمه فی حائز برذاتک تمیز و انتخاب ایلمسی  
 و بیعتک اجرایی منضم اولور ایشته بو اوصاف عقد انجق ایکنجی  
 قولده کوریله بیلیر .

مع مایه بو اختلاف رأی و مطالعه ولی عهد اتخاذ اولنان ذاتک  
 خلیفه نک نه پدری و نه ده اولادی اولماسیله مشروطدر بو يالکمز  
 خلیفه نک حال حیاطده ایکن اهلبتی اک زیاده مستبان و محقق اولان بر

اولسه وحتى كندینه بیعت دخی اولونسه ( بدون المبايعه ) مالا بطق برفتنه سببيله امامت وسلطنتی تجویز اولونور ( موافق الضرور مستثنیات من قواعد الشرع ) ( اشباحك ایکنجی جلدینسه مراجعت اولونه ) عینی زمانده ایکی ذات خلیفه اوله منزه. شاید خلافته درجه متساویهده صالح واحق ایکی ذات بولنورسه انلردن بری ایجاب حال وزمانه کوره ترجیح اولنور .

مختلف ایکی محلهده ایکی ذات بردن اعلان خلافت ایدرلرسه ایکیسنکده خلافتی باطلدر فقط بو صورت ایکی خلیفه نك اوصاف وارکان لازمه بی حائز اوله رق انتخابری تقدیرنده در یوقسه غصب وتعدی وخلاف مشروعیت اوله رق واقع اولان انتخابرك ذاتاً حکمی یوقدر . شاید بوایکی خلیفه دن بری تقدم ایتش ایسه مقدم تاریخی ترجیح اولنور . عین زمانده انتخاب اولنش ایسه لر هر بری دیکرینه ترك خلافت ایده رك کندی حقی اسقاط ایتلی بو صورتله هرا یکی خلافت ساقط اوله رق بالاخره یا اولنردن بری ویا بر دیکری انتخاب اولنور . بونك ایچون قرعه بهده مراجعت ایدیله بیلور . فقط بونلر طبیعی هپ نظریدر وتاریخ اسلام بودرلو مثالار کوسترمه مشدر . ولایت عهد — خلیفه سابق طرفندن ایفا ایلمش بر عقد نتیجه سی اولان ولایت بحثنه کلنجه :

اجماع امت بونی مجاز عد ایتشدر . صدر اسلامده بوکا دائر ایکی مهم مثال واردرکه : بونلر ظاهرده بر بردن فرقی اولقله برابر بر اصله ارجاع اولنق مکندر .

ایلك مثال حضرت ابوبكر دركه ولایت عهده حضرت عمر ابن الخطابی تعیین ایتش واو وقت عامه مسلمان ابوبكر بوتقویضنی حضرت عمر ایفای بیعت صورتیله تجویز ایلمشدر .



وارې برنجيسنه كوره خلافت (بالاتفاق والاختيار) تولد ايدر ايكنجيسنده  
 ايسه بر نص ايله اولور [الامامة تمت بالنص والتعيين] «  
 اتفاق و اختيار بالاده كي ايكي شق جامعدر . امامتک نص و تعيين  
 ايله ثبوت بولسي كيفيتهن كنجيه بو حضرت علي و اولاديني خلافته احق  
 كورنلرك اجتهاد ايدر. اولر ديورلر كه خلافت الك مهم بر امر ديني و دينوي  
 اولديغندن ملتک انتخاب و اختيارينه ترك اولونه ماز حتى بونك ايچون  
 نص وارد اولماشك<sup>اولمشر</sup> بناء عليه حضرت علي به متعلق اولان بو نص  
 خارجنده خلافت صحيح دكلدر و حضرت علي ايله اولادندن غيريني بو  
 ركن ديني انكار ايتش غاصب كيمسه لدر .  
 فقط بو اجتهاد كشف و موافقه نظرآ اهل السنه و الجماعه نزدنده  
 مردوددر . و اجماع امت ايله ثابت اولان شينه تماماً مخالفدر .  
 خلافت حقنده برى اهل السنه و الجماعه و ديكرى شيعه به مخصوص  
 بالاده كي ايكي مهم اجتهاددن ماعدا متأخرين علمانك ذاهب اولديني  
 اوچنجى بر طريق واردر كه خلفاي راشدين صوكره دوام ايدن  
 خلافت و سلطنت دورليني ايضاحه دها زياده مساعدر و الائمه من  
 قريش [ كه بر روایت كوره « الاسراء من قريش » و يا خود « ان  
 هذا الامر في قريش » در ] حديث شريفنك نصني تاويله خادمدر . بو  
 طريق « ضرورت » اساس و قاعده سنه مستنددر . ائمه متأخره حنفيه  
 اهل السنه و الجماعه نك قبول ايتديكي « اتفاق و اختيار » اساسي يعنى  
 انتخاب و ولايت عهد فكريني قبول ايله برابر طاق كستيرلز برفته  
 قارشوسنده تغلبدن متولد قوت و قدرت سياسي نك يعنى امامت و سلطنتك  
 مشروعيتني تصديق ايديورلر (وان لم يكن فيه شروط الامامه ) شوالده  
 بر تغلب و جبر نتيجه سي و دها يكي اصطلاحاتدن اولق اوزره بر اختلال  
 و محاربه ثمره سي اوله رق رأس كاره كچمش بر منقلب شروط امامتي حائر

یعنی انتخاب ایتک صلاحیتی ایچون بروجه بالا لازم کان شرائطی حائز اولانلرک انتخاب واتفاق آراسی لازمدر دیرلر . فقط دیگر بعض ذوات حضرت ابوبکرک خلافتنی مثال کوستره رک اووقت بوبله اولمدی دیبورلر . حضرت ابوبکره اک اول بیعت ایدن ذوات بش کشی ایدی : عمر ابن الخطاب ، ابو عبیده ابن الجراح ، اسید ابن خضیر ، بشیر بن سعد و ابو حذیفه نک معتی سالم . حضرت عمر دخی حضرت عثمانی بش کشی به انتخاب ایتدیرمش ایدی . ایشته بعضلری بویکی مثالی کوستره رک لاقول بش کشی کافیدر دیرلر . دیگر بعض فقها بری (فتح خاء ایله) منتخب و دیگرلری منتخب اولقی اوزره اوج کشینک بیعتی کافیدر و نصاب شهادت دخی بونی تأیید ایدر دیرلر . (کوفه لیلر) علولرله شیعه لره کلنجه اونلر اهلندن صادر اولنجه برکشینک ده بیعتی ایله مطلوب حاصل اولور دیبورلر و حضرت عباسک حضرت علی به خطاباً شو سوزینی مثال کوستریبورلر : « اوزات الکی سکا بیعت ایده ایم امت دیه جکدرکه عم رسول (صلم) یکننه بیعت ایتدی و بو صورتله هیچ بر معارض و مخالف بولنیه جقدر » بو رأیده بولنانلر بیعت واحده نی برحاکم منفردک اعلامنه تشبیه ایدیبورلر ( ابوالحسن الاشعری )

خلافت عهد سائر شرعیه کبی بر عقددر و شرطی ولایت عامه به لیاقت و اقتدار ورکنی ایسه ایجاب وقبول و بیعتدر . ایجاب اهل حل و عقد طرفندن اجرا وقبول کفایت و لیاقتی اولان ذات طرفندن واقع اولور و ایجاب وقبول انجق بیعت ایله اکمال و اتمام اولونور . مع مافیه بعضاً عقد خلیفه طرفندن واقع اولور ( ولایت عهدده اولدیفنی کبی ) بناء علیه شرعاً خلافتک ایکی سببی اولور یا اختیار ( که اسان مستعملزه نظراً انتخابدر ) و یا خود عهددر .

شهرستانی بو مسئلهده دیبورکه : « خلافت بمختمده ایکی نقطه نظر

اولاً ينه بوجه بالا عدالت مطلقه ،  
ثانياً قرار اتخاذ ايده بيلمك ايچون اجتهاد صاحبي اولغه كافي بر  
درجه علم ،

ثالثاً حواس وملكات عقليه به مالكيته تامه : بصير وسميع اولوق  
و خاصة منطقيه صاحبي بولتوق .

رابعاً صحت وسلامت بدن واعضا و جوارح . او درجه ده كه حریت  
وسرعت حرکاته حیولوت ایده جك برقصور عد اولنه مسون ،  
خامساً اهالی بی و معاملاتنی سوق و اداره ایچون لازم کلدیگی درجه ده  
حکمت و بصیرت ،

سادساً ارض اسلامی محافظه و حراست و دشمنه قارشی امر جهادی  
ایفا ایده جك درجه ده جسارت و شجاعت ،

سابعاً شجره عائله نك قريشه اتناسانی . زیرا بو خصوصده هم نص ،  
هم اجماع واردر ، فقط مشاهیر ائمه دن ضرار بوصول فکره معارضدر ،  
معرفیه جمهور علما قريشيدك شرطی لهنده اعطای رأی ایتمشدردر ، بوده  
ابوبكر ك حين خلافتنده حاصل اولان اجماع امتدن ایلری کلمشدر ، او  
وقت (الائمة من قريش) حدیث موثوق نبویسیله فصل اختلاف اولنش  
وحتی انصارك سزدن برامیر بزدن برامیر طرزنده واقم اولان تکلیفلیری  
دخی رد اولنهرق حضرت ابوبكر بز امرایز سز و زراسکز دیمش ایدی .  
بیعت . — بیعت ایکی صورته اولور .

- (۱) اهل حل و عقد اولان کیمسه لرك انتخابی ایله .
- (۲) خليفة سابقدن صادر اولان بر حکم موجبنجه (ولایت عهد) .  
اهل حل و عقد کیملدر ؟ ایشته بونلری و عددینی تعیین کوجدر  
و بین العلما مختلف فیله اولمشدر . بعضلری زمانزده کی آرای عمومیه به  
مشابه بر رأی و مطالعه در میان ایدرك بالجمله ولایاتده کی اهل حل و عقدك

دها ایلری کیده رک-خلافت صورت مطلقه ده حائز اولان امور دندر ،  
 زیرا ملت مناسب کوردیکی تقدیرده هیچ بر مجبورت و وجوب تحتنده  
 قالمسزین بویله بر خلافت ایچون عقد بیعت ایده بیلمک صلاحیتینی حائزدر .  
 امامیلر ایله اسماعیلیر بستیون عکسنی دوش-ونهرک وجوبی یالکنز  
 انسانلره دکل جناب حقه دخی عطف ایدرلر ، جناب حق مطلقا بر امام  
 [خلیفه] کوندرملیدر دیرلر ، و بوماری واحیات نهمه صر مسنه قورلر .  
خلیفه انتخابانته صلاحیتدار اولانلرک حائز اولملری ایجاب ایدن  
شرائط شونلردر :

اولا عدالت مطلقه یعنی ظاهراً و باطناً عدل ایله ممتاز اولوق ،  
 و فسق فجور دن و منیهادن علی قدر الامکان مصون اولوق ،  
 ثانیاً خلیفه اولوق حقیقی استحصالی ایچون برکیمسه نك حائز اولوسی  
 اقتضا ایدن اقتدار و کفایتی تمیزه یته جک قدر علم ،  
ثالثاً ذکا و حکمت .

بو اوچ شرطدن ماعدا مسلمان، عاقل بالغ اولوق کبی اوصاف  
 عمومیه نك تذکارینه لزوم یوقدر . پایتختده ساکن اولانلرله طشره ده  
 ساکن اولانلر ارسنده حق انتخاب و بیعتجه فرق یوقدر . معافیه بر  
 خلیفه نك حین وفاتنده بیعتک پایتختده وقوعه کلمسی (مقتضای شریعت)  
اولقندن زیاده مقتضای عادندر .

خلیفه حقنده اهلینک معلوماتی سلیمان بن جریر موجبجه تفصیلاً  
 اولوق لازمدر ، آنجق اکثریت علما معلوماتک اج-الی اولوسی کفایت  
 ایدر فکرکنده درلر؛ زیرا هرکسک پایتخته کلمسی متعسر و حتی بلکه فسادی  
 مستلزمدر ،

خلیفه انتخاب اولغجه صلاحیتدار اولان کیمسه لرک حائز اولملری  
اقتضا ایدن شرائطه کلنجه اولرده بوجه آیدر :

خليفه نك زمان اداره سنه مراجعت ايله استحصال منابع ممكندر آندن  
 صوكره [ الخلاقه من بعدى ثلاثون سنه ] حديث نبويى حكمنه نظراً  
 خلافت حقيقه اسلاميه غير موجود فرض اولنه بيلور صوكره كى خلافتلر  
 سلطنتله ممزوج وهر حالده صدر اسلامده كورد يكمز معايمانن محرومدر.  
 بو تفصيلات احكام شرعيه و اسلاميه دائره سنده اداره اولنه حق بر  
 حكومت قانون اساسيكن مکتوب اولديغنى ارانته ايدر قوانين اساسيه  
 مکتوبه حقنده تعداد ايتديكمز محاذيرك هيچ برى آرتق وارد اوله ميه.  
 جققدن ، عرف و عادت ايچون اسلاميتده پك واسع و پك مقبول بر  
 قيو آچيله شدر .

خلافت . — نظر اسلامده خلافت نه در؟ و بو بابده كى احكام فقهيه  
 نهدن عبارتدر؟ بجملاً بيان ايدلم :

خلافت كرك امر دينى مدافعه و محافظه و كرك امر دنيانى سسوق  
 و اداره كنى ايكي مهم وظيفه يي ايضا خصوصنده حضرت فخر كشائك و كالتنى  
 حائز ذاته مفوض و مودوع اولان صفت حكم و امارتدر . خلافت عموم  
 مسلمانلر ايچون واجبدر . آيجق بو وجوب مقام خلافتده بر ذاتك  
 موجود اولسيلاه ساقط اولور .

خلافت منحل اولديغى و او مقامى اشغال ايدم جك بر مستحق بولنديغى  
 تقديرده اهل اسلام ايكي قسم اولور ، بر قسمى منتخبلر ايچون لازم كلن  
 اوصافى حائز بولنورلر . ديكر قسمى خليفه اوله بيلمك ايچون لازم كلن  
 شرائطى حائز اولورلر ، برنجيلر خليفه انتخاب ايدر . ايكنجيلردن برى  
 خليفه انتخاب اولنور .

خلاقك وجوب حقدمه ده بين العلماء اختلاف افكار ظهور ايتشدر ،  
 خارجيلر خلافت جائدر ، مكر كه فساد و اغتشاش خليفه يه احتياج مس  
 ايتديرسون . ايشته او وقت واجب اولور ديورلر ، ديكر بعض خارجيلر

بالجمله صحابی فرداً فرداً — حضرت علی و بر روایت کوره سهد بن عباده مستثنا — کلوب بیعت ایتمشردر. بیعت تدقیق اولنورسه انتخاب و توکیلدن باشقه برشی دکلدر . شو تقدیره کوره سیاست اسلامیه تک اساسی شرع شریف اولقله برابر ینه قسم اعظمی احکام عقلیه و حقوق طبیعییه مستند اولدیقی نمایان اولیور . زیرا خلافت ابوبکر برحکومت نیابیه دن باشقه برشی دکلدر و یالکز مجلس نوایی اکسیکدر . ذاتاً او صروده بویله برشیتدهده احتیاج یوق ایدی .

ایکنجی خلیفه حضرت عمر ایسه ولایت عهدصورتیله تعیین اولمشدر . کویا که وکیل اولان حضرت ابوبکر باشقه سنی ده توکیله اساساً اهل و صالح اولمشدر . ایسته بوده ممالک شرقیهده خبلی وقت جریان ایدن ولایت عهد اصولنک مبدائی تشکیل ایدر .

اوچنجی خلیفه حضرت عثمان ملتک اعتمادینه مظهر اولش اعظم ملت طرفندن انتخاب ایدلش و نامزد اصولنه مراجعت اولمشدر . ایکی نامزد وار ایدی: بری حضرت علی، دیگرى حضرت عثمان. التی ذاتدن مرکب اولان مجلس انتخاب حضرت عثمانی ترجیح ایلدی و ینه بیعت اجرا ایلدی بوده بر اصول انتخابدر فقط ایکی درجه انتخاب اصولنه راز یا قلاشیر. صانکه امت اولا آلتی کشینی درجه اولاده آندن صکره خلیفهینی درجه ثانیدهده انتخاب ایتمشردر . حضرت علینک انتخابی ایسه دهها واسع مقیاسده آرای عمومیه اصولندن باشقه برشی دکلدر .

شو پک مختصر و اجمالی معلوماتدن مستنبان اولورکه صدر اسلام وراثتدن ماعدا هر درلو شکلی قبول ایتمش و بونلرک جمله سندهده اجتماع واقع اولمشدر . خلفای راشدین زمانندهکی کافه افعال و اجراءات سنن و افعال نبویه دن صوکره اهل اسلامک ائک زیاده مقتدا بهی اولان حرکاتدن عبارت اولقله احکام اساسیه اسلامیه ایچون انجق بو درت

اهمیتی عظیم در انصار که اوس و خزرج قبیله لرندن مرکب ایدیلر بولردن  
 خزرج قبیله سی رئیس انصاردن سعد بن عباده دعوی امامتہ قیام  
 ایدلی. کیفیتدن خبردار اولان حضرت ابوبکر رفاقتندہ حضرت عمر و ابو عبیدہ  
 بن جراح حضرت تری بولندی فی حالده مجلسه کیدر. او صرده حضرت  
 علی غسل و تدفین نبی ایلہ مشغول ایدی. اختلاف بیودی و نهایت  
 انصار سزدن بر امیر بزدن بر امیر دیدیلر. بونک محاذیری در میان  
 اولندی و ایسته او وقت (الائمة من قریش) حدیث نبویسی دعویانی  
 حل و فصل ایتدی. و مهاجرین بزدن امرا سزدن وزرا دیدیلر.  
 ذاتاً حضرت ابوبکرک خلافتہ احق اولدیغی کرک اسلامیتده قدم  
 و سبقتی و کرک عشره مبشره دن بولنسی و کرک انشای مرض نبویه  
 امامتک اک مهم و وظیفه سی عد ایدیلن مسلمینه نماز قیلدیرمی کبی دلالات  
 ایلہ و اصل مرتبه بدهت اولمش ایدی. بونکله برابر مشارالیهک  
 خلافتہ تعیین ایدیلرک کندیمنه بیعت اولجی حضرت علینک  
 ودها زیاده زوجہ سی فاطمة الزهراءک اغبرارینی موجب اولهرق  
 آنجق وفات حضرت فاطمه دن یعنی آتی آی صکره امام علی راسمه  
 یعنی ایفا ایشدر.

خلیفه نك وظیفه سی نهدر؟ حکمدارلره قابل قیاسمیدر؟ خلافت  
 ایلہ سلطنت آره سنده کی فرقلر نهدن عبارتدر؟ اسلامیت هانکی اشکال  
 حکومتی قبول ایدر؟ بو جهتلری ده براز تشریح ایدلم:

اوروپا ایلر خلافت اسلامیه نی، حکومت مطلقه و مستبدہ طرزنده تلقی  
 ایتمکله شبهه سز خطا ایدر لر. شکل خلافتی نصاً تعیین ایتمین اسلامیت  
 عدالت و اسلامیتہ توافق ایتمک شرطیلہ کلافه اشکال حکومتی قبوله  
 مستعددر و بونک ایچون ادله اربعمه دن اجماع امت و قیاس فقهایه استناد  
 ایدر. حضرت ابوبکرک خلافتی نوعما آرای عمومیه دن باشقه برشی  
 دکادر. [ Suffrage universel ] اودرجه ده که مدینه ده بولنان

واک روحلی شیلری تنصیص ایتمکله حکمتہ اکتفا بیورمشدر . زیرا  
 جمله نك معلومی اولدینی وجهله امورسیاسیه بارومتروکی متبدل وسنهسی  
 سنهسنه وحقی کونی کوننه اویمان بر طاقم مؤثراته تابع اولوب بونی  
 بالجمله تفرعاتیله صورت قطعیه ده تصریح ایلمک امور اساسیه دولتده  
 ایلیسی ایچون هر درلو اجماع و قیاس طریقنی قیامتق دیمک اوله حق  
 ایدی . بو ایسه اهالی اسلامیه نك حیات دنیویه سنی و بو حیات ایله  
 برابر عاقبت اخرویه سنی دوچار ضیق ایده بیله جکندن یالکز عدالت  
 و اطاعت کی الفاظ عمومیه ایله اکتفا و ایلیده ایجابات حالیه تبعیت  
 خصوصی تأمین اولنمشدر . اسلامیتده اوقدر مهم بر موقع اشغال ایدن  
خلافت مسئلهسی ایچون دخی قرآن عظیم الشانده حضرت داوده خطا بآرادییو -  
رلش اولان [ انا جعلناک خلیفه فی الارض ] نظم جلیندن باشقه هیچ بر نص  
 موجود اولدیفندن بوده احکام سیاسیه ده عقل و اقتضای حاله تبعیت  
 خصوصنک طرف باریدن ترجیح بیورلدیفنه اشارت عظامدر . قرآن  
 کریمده مسکوت عنه کچن بو بحث حقنده احادیث نبویه یالکز بر ذکر  
 واردرکه اوده [ الائمه من قریش ] قول مشهور نبوسیدر .

ذاتاً هیچ بر آیت وحیدنک شکل حکومت اسلامیه حقنده وضع  
 احکام ایتماش اولماسی ارتحال نبوی بی متعاقب (سقیفه بنو ساعده ده  
 عقد ایدیلن مجلس مهم مکمله ایله ده ثابتدر . فی الحقیقه هنوز نقش نبوی  
 غسل و تدفین ایدیلدن اول اهم امور دنیویه وحقی اخرویه نك توزیع  
 عدالت یعنی ایضای حکومت (که بوکا لسان شرعه ولایت و امامت  
اطلاق اولنور ) اولدینی صحابه کرام نزدنده تحقق ایدرک شکل  
 حکومتک و شکل خلافتک تعیینی دفن نبویه بیله ترجیح ایدلش  
 سیاست اسلامیه نك عادتاً قانون اساسیسی عد و اطلاق اولنقه لایق  
 اولان سقیفه بنو ساعده ده کی اجماع وقوعه کلمشدر . اوراده کی مجلسک



ينه قاعده توارث اليوم ماهه التطبيق اولان اصوللرك هيچ برينه تماس  
 ايتامكده ايدى . توارث بسبتون غيرمطرد بر قاعديه تبعاً جريان ايدر  
 وسراى انتريقه لرى وفاحه لرى اكسيك اولماز ايدى . ايران ايله اوروپا  
 آره سنده متوسط بولنان بيزانس روما ايپراطورلغنه متعلق احتشام  
 وعظمته دبدبه ودارات شرق ضم وعلاوه وهر ايكي سنك سياىنى جمع  
 ومزج ايدهر ك بيك سنه يي متجاوز بر مدت ظم ، سفاهت ، رزالت ،  
 انتريقه فساد كې هر برى بر دولتك نحو وانقراضى ايچون كافي اولان  
 دئامم عظيمه نك بتون بر قطعه يي ، بتون بر دور تاريخى يي شائبه دار ايتسنه  
 سبب اولمشدر .

### حاکمیت سياسيه واحكام اسلاميه

ظهور اسلام ، ايشته بيزانسك بودور سقوت اخلاق دوره سنه  
 مصادفدر . ساسانيان النده قاووريلوب طوران ايران دخى باشقه بر  
 منظره انحطاط ، باشقه بر تدنى اخلاق ارائه ايتمكده ايدى .

اسلاميت هر شىء كتاب ، سنت ، اجماع وقياس دنيلان ادله اربعه دن  
 اقتباس ايدى كې سياسى ياقده او منابع دن اخذ ايلمشدر . معلوم  
 اولدنى اوزر ( احكام اسلاميه احكام اعتقاديه ) واحكام شرعيه دن عبارت  
 اولوب برنجيسى الهيات وعلم كلام واىكنجيسى فقهه داخل اولور . فقه  
 ايسه اصول وفروع ناميله ايكيه منقسم اولارق اصول ، بوجه بالا  
 درت اساس دن نه صورتله استنباط احكام ايدلىكنى (فروع) ايسه  
 استنباط ايدلن احكامى كوسترر . (علم كلام) الهيات حكمت فلسفه  
 اسلاميه يي (اصول فقه) ايسه حكمت حقوق اسلاميه يي جامعدر . ايشته  
 بو حقوق اسلاميه نكده بر قسمى احكام سياسيه يه راجع بولمقده در .

رطب ويابس هر نه وار ايسه كتاب مييننه درج ايدن شارع تعالى  
 امور سياسيه حقننده يالكتر عدالت و اولوالامر ه اطاعت كې اك اساسلى

دها ایلمی کیدیور : « کوله دیدیک شنی سنی تولید ایدن عین تخمدن حاصل اولمش . عین سما آلتنده یشایور . عین هوایی تنفس ایلیور . وطیقی سنک کبی یشایور ، اولیور » معافیله بو حال روما قانونلرنده اسارته متعلق احکامک الفاسنه سبب اوله مامش وهرکسک بیلدیکی وجهله اسارت صوک عصره قدر دوام ایتشدرد .

یالکنز بر قسم قلینی ذکر ایده بیلدیکنز حکمای سالفه نیک بوتنظیبات علمیه سی حکومت قدیمه نیک اشکال سابقه سنه اجرای تأثیردن خالی قالمش ایسه ده کرک آتته نیک کرک روماک هر زمان فلاسفه نیک تعقیب ایتدکری آمال عالیله داتره سننده اداره ایدیله مامش اولدیغنی بیانه حاجت کوره میز . آتته ده سولون اسپارطده لیکورغ کبی واضع قانونلره رغماً یته جباره یتشمش آتته نیک وسائر یونانستانده کی کوچک حکومتلرک جمهوریتله اداره ایدلمش اولسنه و اریستیدوده نیس دالیقارناس کبی قانونشناسلره رغماً ظم و تعدی داتره سننده افعال وحرکات سیاسییه اکسیک اولمامشدره معافیله بالاخره یونانستانک طاری اولان فساد اخلاق سببیلله بدایه اسکندرک ودها صکره روما لیلرک استیلاسنه دوچار اولدیغنی معلومدر .

رومانه کلنجه : بدایتده قراللق طرزنده اداره اولمش ومؤخرآ حکم ونفوذ اصلزادکانده غالب اولق شرطیلله جمهوریتله منقلب اولمش ایسه ده بالاخره عوامک تدریجاً توسیع صلاحیت ایتلرینه رغماً یته ایمپراطورلق کسوه سنه بورونمک اوزره بر حکومت استبدادییه ظهور ایتشدرد . رومانک وضع ایتدیکی ایمپراطورلق اصولی علی الاکثر شرقده جاری اولان اصول مطلقه استبدادییه مقیس اولیوب ایمپراطورلق شرقی وغربی روما دیه ایکی یارچه یه بولننجه یه قدر بتون ایمپراطورلق قاعده ارثیه ایله دکل قاعده انتخابیه ایله تعیین ایدیله بیلیر ایدی . شرقی روما ایمپراطورلغنده بیله شکل حکومت ایمپراطورلق حالنده قالغله برابر

موافق چيقدیغنی و پاك چوق قواينيك بالمكس اجبر و تعدی به سبب اولدیغنی اليوم هر كس تقدیر ایدر .

زه نون . — قدیم یونانیلر میاننده حقوق طبیعیینی اك زیاده تقدیر ایدن زه نون و زه بونك شا كردلری اولشدر . زه نونك فضیلت اوزرینه مؤسس اولان حكمتی رومایه ده انتقال ایدرك اورانك عالم افكارینه اجرای تأثیر ایلشدر . خطیب شهر چیچرون استادینك ارشاد اتندن اقتباس علم و معرفت ایدهرك یازدیغنی بر اثر ده «فن حقوق نه روما پر تورلینك [١] امرنامه لرندن ونه ده الواح عشره دن استنباط اولتماز . بو علم منبع حكمتدن نبعان ایدر . امدی حكمت بزه اوكره تیوركه بتون انسانلرده مشترك بر عقل واردر . بو عقل ایسه قانوندر . ایشته بو قانون غیرممكنه توبدركه بزمه برابر و بزم قفسمزده طوغمش و آتی هیچ بریدن آلمق و هیچ بر كیمسه دن اوكرنمدهك روماده باشقه ، آتنده باشقه برشی دكلدر .» بناء علیه حق و عدالتی تأمین ایدن شی بر قومك ویا بر قوم اكابرینك ویا حكمدارلرك آرزو و مرامی دكلدر .

اكر بویله اولسیدی شقاوت ، زنا ، یلان یره بيمين و سائر منہیات دخی بحق و مشروع قلنه بیلیر ایدی . بوراده ظلم ایدن ، حقسزلق ایدن ایستر بر آدم اولسون ، ایستر بر چوق ، ایستر هب افراد مملكت . بونك نه اهمیتی وار؛ روماقوق ایشته اك زیاده بو استویسیزیم [٢] حكمت سیاسیة و حقوقیه سنه استناد ایدر . روما ایمپراطورلرینك ، اك مشهور حقوقشناسلرینك رهبری زه نون و تلامیدیدر . زه نون اسارت بچشده ارسطویه نظراً مهم بر خطوه ترقی آتمش . « اسارت واركه فتوحات نتیجه سیدر . اسارت واركه بیع و شرا ترمسیدر . هر ایکی صورتدن تولد ایدن حق تملك فنادر » دیمش شاگردی اولان رومالی سه نه ق

[١] روماده بر نوع شهر امینی ایدی .

[٢] فضیلت اوزرینه مؤسس بر نوع فلسفه دركه واضعی زنوندر .

ارباب مساعیدن نشأت ایده بیله جکنی یعنی عمله ، اصناف ، تجار و زراعت  
 - او پک مذموم و معیوب و مستلزم قید اسارت عدايتديکي - مساعیء شاقه  
 و خدمات میدهدلری ثمره سیله نهایت بر از اکتساب ثروت و رفاه ایدرک  
 دها یوکسک طبقه تشکین ایدن صنوف متوسطه به التحاق ایلدکرینی  
 کورهمامش . مع مافیله اختلالاتک اوکنی الملق ایچون املاک و اراضیء  
 متوسطه دائره سنک وجوب توسیعی در میان ایتمسی مهم بر کشفدر .  
 ارسطونک اختلالر و اختلالرک اسبابی حقیقده کی نظریاتی ده حقیقه  
 شایان حیرت بر دها و مفکره یه مالک اولدیغنی کوسترر . اونک فکر نهجه  
 تشکلات اساسیة دول و جمعیتده مساواته تخصیصی ایجاب ایدن بر حصه  
 مشروع و واردر . عدم مساواته افزای لازم کن دیگر بر حصه وار .  
 هر اختلال ایشته بو ایکی عنصر مهم و اساسینک غیر صحیح صورت  
 و مقدارده توزیع و تقسیمندن نشأت ایلدکده در ایضاح ایده م:  
 بر طرفدن مساوات سیاسیة ، حقوقه مساوات بالجمله افراده  
 عائددر . [ حر اولان افراد دیمکدر ] دیگر طرفدن افراد آره سنده  
 لیاقت ، ذکا کی احوال طبیعی و خلقیه دن منبعث مساواتسزلقلر وارکه  
 بونلر اجرائی اقتضا ایدن حرمت و اعتبارده و حیثیتده و اکتساب  
 ثروتده مساواتسزلی انتاج ایدر . بناء علیه مساوی اولق اقتضا ایدن  
 شی غیر مساوی قیلنور . ویا بونک عکسنه غیر مساوی قالمق ایجاب ایدن  
 شی مساوی قیلنور ایسه اختلالر ضروری اوله رق دعوت ایدلمش اونور ،  
 ظهور ایدن هر هانکی بر اختلال مساوات مشروع نك عدم مساوات  
 مشروعیه ویا عدم مساوات مشروع نك مساوات مشروعیه قارشو آز  
 چوق مصیب آز چوق محق مطالبندن نشأت ایتمکده در . ارسطو  
 اختلالک اوکنی الملق ایچون قانونه تمسک ایدیور . ویا لکنز بر نقطه ده  
 بر از شاشیریور . قانون ایله عدالتی توأم صانیور . هر قانونک عدالته

مدني بالطبع وحریتلرنی ترك و فدا ایتمهرك بر آرده طویلانمشلردره اساساً بو بحثده تفوق فکری بی آرامغه محل یوقدر . بوراده اساس حقوقده مساواتدر . اکثریت ترجیح ایدیلورسه اکثریتك حقه استناد ایتمکده اولسنندن طولاینی دکل بلکه اتفاق ارایه مهما امکان متقارب اولسننددر . مجموع ناس نظر اعتباره آلملی ومصدر حق ایشته بوهیئت مجموعه اعتبار ایدیلملیدر .

حکمدارلق بحثنده قانونی شخصی اجرای حکومت ایتمک لازم کلهجکی سؤالنی ایراد ایدن ارسطونك برنجی جهتی ترجیح ایتمش اولدیغنی بیان حاجت کورمه یز . قانونك حاکمیتی عقلت حاکمیتدر . ( حقوق طبیعییه و عقل سلیمه موافق اولان قانونلر ایچون بو ملاحظه شهه یوق که پاك مصیبدر ) قرالک حاکمیتی ایسه شخصکدر . اک طوغریسی شخصده کی بهیمنتکدر . مع مافیه شخصه بخش ایدیلن بو حاکمیت موقت بر زمان ایچون اولسه ینه ای فقط اکثریا بوکا وراثتده منضم اولیوره ارسطو دییورکه « اگر قرال زاده لرك هپسی بویله کوردکلر من کی ایسه وراثتک نه قدر مضر اولدیغنی کوزه چاربار » مع مافیه ارسطو دهاته حکمدارانی بوقاعده دن استثناییدیور .

ارسطواشکال حکومتده جمهوریت معتدله نی ترجیح ایلیور . واعتدالده مقصدی صنوف متوسطه خلقدره . صرف زنکیندن ویا صرف فقرادن مرکب اولان جمعیت ارسطوبه کوره افندیلرله کوله لردن مرکبدر . صنف متوسط خلق ایکی حد آره سننده تأمین موازنه واعتدال ایدر . ارسطونك فکرنه نظراً یونانستانده اختلاله بادی اولان شی املاک متوسطه نك فقدانی در . ارسطونك پاك مصیب بر محاکمه وپاك عمیق بر نفوذ نظره مالک اولدیغنی کوسترن بو مطالعه ده یالکیز بر نقصان وار : ارسطو برشیء اونوش و بونسیانی هاینده بحق موجب عتاب اولمش ؛ زیرا صنوف متوسطه خلقتک آنجق

ارسطونک حاکمیت حقنده کی نظریه سی ده نظر دفته آلمغه شایاندر .  
 بوذاتک وضع ایته کی حاکمیت ملیه قانونی قانون اکثریتدر . دیورکه :  
 « افرادن هر ری آریجه درپیش ایدلدیکی تقدیرده اهمیت  
 مخصوصه بی حائز اولیان اکثریت او حالیه برارینه الکالی و فائق ذواتک  
 فرداً فردا نظر اعتباره آلدقلمری زمان حاکمیت و مزیتلرینه مرجحدر .  
 ناصل که هر کسک اشتراکاً ترتیب ایستکلری بر طعام، مصرفی یالکیز بر  
 کشی طرفندن اختیار ایدیلن طعامدن ده لذتلی و پارلاقدر »  
 دیه جکسکزکه ینه خلقه حکم و نفوذ یوروتن ارباب علم و اقتداردر .  
 خلقک ، عوامک نه اهمیتی واردر ؟ فقط ارسطونک فکر نجه عالم و فاضل  
 اولان بر کیمسه نک بیله صیت و شهرت و نفوذ و حیثیتی تأمین ایدن ،  
 خلقدر ، عوام ناسدر . واقعا بر معمار انشا ایده جکی خانه نک الویریشلی  
 اولدیفنه حکم ایده بیلور فقط او خانه نک نه درجه قابل اسکان اولدیفنی  
 ایچنده ساکن اولان دها زیاده تقدیر ایدر . خلق هر حاله عمومیتی  
 اعتباریله شخصدن ، فرددن ایدر . سو کیدر صوبک مقداری نه  
 قدر چوق اولور ایسه یسلکی او درجه آز اولور کورلمز .  
 بو مطالعاتک طوغری بر قسمی اولدیفنی کبی یا کاش بر قسمی ده وار  
 [ لسان الخلق نداء الحق ] نظریه سی ایشته بو اساسدن تشعب ایدر .  
 Vox populi Vox dei فقط تجربه کوستریورکه خلق اکثریا  
 آلدانیر . خلقک عمومی، نظر اعتباره آلتیرسه تفوق فکری سی صورت  
 قطعیه ده تسلیم اولنه ماز ؛ فقط ارسطوده افلاطون کبی هر شیده اولدیفنی  
 مثللو حکومت و اداره دولت ایچون تفوق فکری و علمی بی آرایور .  
 افلاطون حکومتی علمایه ارسطو ایسه کندیسنده فصل و تفوق و تفکر  
 ملاحظه ایته کی عوامه عطف و اسناد ایتمک ایستور . حقیقته ده ایسه  
 حکومت هر کسکدر ، جمله افرادکدر شو حیثیتله که جمله افراد حردر .

عقلنی ادراك ایده جك درجده بر عقله مالكدردلر . بناءً عليه اسير اولانلری طبیعت اوله یاراتمشدرد. « غریب بر مغالطه! ..

اسارتك اسباب ولدنیاتی ترقیات فكریه و اخلاقیه ایله ایضاح اولنور . حال بو كه بوتدنئ اسارتك ثمره سیدرد . اسارت بو حالی تولید ایدر . یوقسه بو حال اسارتی دكل... .

مع مافیه ارسطویی معذو كورملى یز . زماننده بتون جمعیتلری او حالده ، هر زویه باقسه بر قسم خلقك آلتوب صاتیلور كوله لردن عبارت اولدیغنی، مشاهده ایدن بر حكیم نه قدر نفوذ نظره مالك اولسه ینه بو خلاف طبیعت حالی بر حال طبیعی عد ایده بیلور . طبیعتده اسارت وار ذهابنه دوشه رك بونی ده قوانین طبیعیه ایله حل و فصله و بو صورتله قلمبنده كویا هیچ بر عقده بر اقامغه چایشمش ، نفسنی ده بو كا اقتناع ایتمش . مع مافیه اسیرلرك حالنه آجیه رق بركون كلوبده صنایعده ماقاره لرك كندی كندی و بالجمله الات و ادوات عملیه محتاج اولمق سزین ایشلمسنى تمنی ایلش . ایشته عصر حاضر بو خارقه یی مهما امكن وجوده كتیره رك قوجه داهینك سلسله محاكات و نظریاتنده کی بو تقیصه یی اتمام ایتمش .

ارسطو جمعیتی افندیلر ایله كوله لردن مركب ایکی مهم قسمه تفریق ایتدك دنصكره سیتویه نلری مال و ملكه صاحب و كوله لری هیچ بر شیشه غیر مالك فرض ایدیور . بناءً عليه سیتویه ن اولق مال و ملك صاحبی اولغه متوقفدر . | ارسطو حق تصرفك اساسنی تماماً قوره مامش اولغله برابر علم اقتصادك مبادیسنی میدانه چیقاره جق درجده دها و ذكا اثری كوسترمش و فائض ایله اقراضی منع ایتمشدرد . زیرا فائض ثمره نقد اولان بر نقددر و خلاف طبیعت و بر تكثر

و زیاددرد .

باشقه بر شی دکلدرد . بو حاکمیت ده محدوددر ، ابدی دکلدرد . افراددن هر بری مناوبهٔ اطاعت و امر ایلمر ، هر کس هم حکمدار و هم عمومک محکومیدر . حکومت بر وکالت و نیابتدر ، بر وصایت دکلدرد . دولتی عائله ایله قاریشدیرمق استبداده منجر اولان نظریاتی قبول دیمکدر . بناء علیه افلاطون پدري ، چوبانی ، پادشاهی بر برینه قارشیدیره رق بونلره متملق حکملری یکدیگرینه تشمیل ایتمکده خطا ایتمشدر .

ارسطو تشکیلات سیاسیة نک الحقیقی اساسلرینی بولق ایچون (سیتوهن) دن باشلایور . سیتوهن وظائف عمومییه اشتراک ایدندر . بناء علیه مناوبهٔ امره اطاعت ایدنلر بونلردر . بونلر بو صورته هم امره اطاعت ایدیورلر ، هم امر ایدیورلر . ایشته تشکیلات سیاسیة نک اس اساسی... [ آشاغیده کوره جکمز وجهله ژان ژاق روسو و سائردهده بعض تعدیلات ایله همان همان بو نتیجهیه واصل اولیورلر ] .

ارسطو مثلنه پک نادر تعادف ایدیلن بر قوهٔ کشفیه ایله همان او وقت تفریق قوای حکومت قاعده سنی بر درجهیه قدر وضعه موفق اولمشدر . « سیتوتیلرک و ظائفی - باشلیجه - ایکیدر . وظائف استشاریه و وظائف عدلیه [ Fonction de libératrice ] [ Fonction - judiciaire ]

فقط ارسطونک مهم و فاحش بر خطاسی وارددر که زمان حاضره کوره دوشونیلورسه همان غیر قابل ایصاح بر معما کی کوزه چارپار . بو خطاسی ده اسارتک وجودینی تسلیم ایتسیدر . دیورکه « انسانلرک احتیاجاتی وارددر . بو احتیاجاتی دفع ایچون آلات و وسائطه محتاجدرلر . بو آلات ایکی درنودر : بی روح ، ذی روح . ذی روح اولان آلات اسرادر ، کوله لردر . مکمل اولان مخلوقات امر ایتک ایچون خلق اولمشلردر . اسرا ایسه آنجق دیکر لرینک



مرکبدر « صورتند. تعريف ايدييور و يواساسي قوردقندن صوکره افلاطونک عائله و حق تصرف حفته کی مطالعاتی رد ايدييور . بتوز خصوصي عائله لرك انقاضي ييغينندن عمومي ورتک عائله وجوده کتيرمک هيچ بريکی محبت و شفقت وجوده کتيرمدن موجود و محقق اولان محبت و شفقتلری رفع ايتمکدر . اووقت محبت عائله برقاچ طامله باز رايحه طيبه سنک درياده غائب اولوب کيتمی کبی جماعته بيهوده يره ياييلوب کيدر . اموال مشترکه حفته ده عين مطالعه و اعتراض واردر . اولاده باقيلديغي کبی اموالده باقان اولماز . تنوعی نظر اعتباره آلمقزين اشتراك ايله وحدت مطلقه حصوله کتيرمک و بردواتی تشکيله قالمشقی ، يالکيز برصوت ايله آهنک حصوله کتيرمک کيدر . ارسطو اعتراضه دوام ايله دييور که : « اشخاص ، دولته ، بعض صنوف خلق ديکرسنوف خلقه فدا ايديلن بر جمعيتده ناصل بر سعادت تصور اولنه ييلور ؟ افلاطونه کوره دولت مسعود اولدندن صوکره افرادک مسعود اولسنه حاجت بيله يوقدر . فقط دولتی تشکيل ايدن افرادک مسعودتی اولمازسه دولتک سعادتی نه ديمکدر ، حقیقی و ذیروح مخلوقلر بدبخت اولدندن صوکره تصوری بر معاندان بر فکرندن عبارت اولان دولتک سعادتی نه ديمکدر ؟ »

افلاطونک ديگر بر خطاسی عائله یی دولته تشبيه و تمثيل ايتمی ایدی . ارسطو بونی ده شدتله رد ايدييور . آنک فکرینه نظراً واقعا بد ايتده دول عائله دن چقمشدر . مع مافیه بو ايکی نوع جماعتک يکديکرنندن تماماً ایری اولدقلری ده غير قابیل انکاردر . عائله عدم مساوات و اطاعت اساسلرینه ايتنا ايدر ، غير مساويلر آره سنده بر جمعيتدر . اويله بر جمعيتدر که بر قسمی حر ديگر قسمی تحت وصايتده در . دولت ايسه بالمکس حر و مساوی اولانلرک اجتماعندن مرکبدر . بر حاکمک حکم و نفوذی بيله بر مساوينک ديگر بر مساوی يه اجرای حکم ايتسندن

یاد ایدیلن بوذات قدر محاکات فکریه بی تعمیق ایتمش بر حکیم تصور اولنه ماز . علوم طبیعیهدن ، تاریخندن بحث ایتدیکی کبی علم منطقی (Organisme) نامیله کلیات آئارنده ایلك دفعه اوله رق اووضع ایتمش ونهایتهده (Politique) نامیله حکمت سیاسییه متماق حقیقه غایت مهم بر اثر وجوده کتیر مشدر .

بو اثر قرون قدیمه نك وحتی بالجمله ازمنه نك ابداع اناری صایلمغه لایقدر . پایانسز بر قریحه و محاکمه مالک اولان بوذاتک علوم تصویریهده کی رسوخی علوم سیاسییهده دخی تمامیله انکشاف و حقیقه بی نظیر بر معمار سیاست اولدیغنی اثبات ایتمشدر . بو عظمت فکریله برابر بوذاتک خطادن منزله اولدیغنه ذاهب اولما لیدر . اوده اسنادی کبی سیاست ایله اخلاق بر برینه قاریشدیرمش ، بو ایکی علك حدودینی لایقيله تعیین ایلمه مامشدر ، نولر معذور ایدیلر . زیرا پرورده اولدقلری محیط علومک تأثیرندن بسیتون تجرید نفس ایده مزلردی . بناء علیه ارسطوده دولته اک مهم وظیفه اوله رق تأمین فضیلتی کوستر . یور . و بوضورتله دولت حربی احلاق اولور . بوسبيله شخص تماماً جمعیتک ، دولتک مالیدر . ارسطونک افکار باطله سندن بریده فضیلت و اعمال فاضله نك رفاه خالدن لاینفک اولسی و فضیلت تامه نك اجراسی ایله مشاغل بدنیه بی ایجاب ایتدیرن وظائفک غیر قابل تألیف بولمسیدر . بناء علیه [زراع ، عمله ، تجار ، سیتویهن حقوقنه مالک دکلدرلر . ستویه نلرک حقوق حریتی دیکر لر نيك اسارتیله قائمدر .

ارسطو افلاطوندن یک چوق اساسلی نقطه لرده آریلور . افلاطون ایچنده کی اشخاص عارضی شیلردن عبارت بولونان دولتی بر غایه امل زبده سی (substance ideale) فرض ایتدیکی حالده ارسطو دهها متأخر و بناء علیه دهها لیبرال اوله رق دولتی « حر و مساوی ادملرک اجتماعندن

استبداد کي برنتيجه حاصل اولور . افلاطون آلدائمش ، دولتک  
 وظيفه سنی تعیین ایده مامش . دولت تبعه سنی خالق ، بختيار قبله مقوله مکلف  
 دکدر . دولتک بروظيفه سی واریسه اوده هر کسی حر بولندیرمق ، تأمین  
 عدالت ایتمکدر . هر کس حریتده مساوی اولمی و بونک نتیجه سی اوله رق  
 حقنه مالک بولملی ؛ ایشته دولتک دوشونه جکی شی . . اقسام سائرۀ فضیلت  
 دولته دکل اشخاصه عائد وظیفه در . منافع ماده و معنویه سنی تأمین  
 واستحصال ایملک وظیفه سی شخصک کنديسنه راجعدر . بناء علیه حکومت ،  
 قوتی ، افراد طرفندن قوت سوء استعمال ایملدیکه ویا مقاولات اجتماعیه  
 اخلال ایملدیکه استه . مال ایده مزه . دیگر بالجمله خطیئاتمز ، ایستر کندي  
 نفسمزه غدر ایتمش اوله لم ، ایستر جناب حقه عصیان ایتمش اوله لم ،  
 ایستر وظائف رحم وشفقتده قصور ایتمش بولنه لم . بونلر ایچون جزا  
 تعیین ایده مزه . بونلر خالق ایله مخلوق اره سنده حل اولنور مسائل  
 وجدانیه دندر . افلاطون کفر ایملرک اعدامنی ایستیه جک درجه ده  
 ایلری وارمش ایدی ، حالبوکه استادی ده بویله بر مسئله اعتقادیه تک  
 قربانی اولمش ایدی .

افلاطونک بتون بوخطالری فردی استحققار ایتمسندن ، هر شیئی دولت  
 وعمومیت ایچون فدا ایتمکدن ایلری کلیر . زیرا شخصک غایه سی دواتدر  
 ظن ایدیور . حقیقتده افرادک حقوق وحریتی محافظه وظیفه سی دولت  
 مودوعدر . ( ره بوبلیق ) نامنده کی اثرینک باشلیجه خطاسی ایشته بونقطه در .  
 ار-طونک نظریه سی . — شرقده ارسطو وارسطو طالیس نامیله  
 معروف اولان اریستوت افلاطونه یکر می سنه شا کردلک ایتمشدر .  
 اسکندر کبیره معادلیکی معلوم جهاندر . علم کلامده مشائون نامیله  
 ( Pérìpatéticien ) معروف اولان حلقۀ فلاسفه تک استادی در .  
 متأخرینه وارنجه یه قدر بالجمله حکما طرفندن استاد ( Le Maître ) دیه

تعیین ایتکسزین این برسیاسی اولق ممکنه یدر؟ ایشته بونک ایچون افلاطون ، فیلسوف لر رأس کاره کچمدکجه و دولتک باشسندن بولنانلر حقیقی فیلسوف اولدکجه اقوامک تهوین سفالته، بشریتک سعادتته امکان یوقدر دییوره بوادعا جرأتکارانه و براز خیالپرستانه اولقله برابر حقیقتدن بسبتون آزاده دکدر . علمسز عمل اولیه جفی کبی حکمت حقیقیه دولت آکلا- شلمدن ده حسن اداره مملکت ممکن اولماز . افلاطونک قوردینی نظریه رضایه املدر . غایه امل ( Idéal ) ایله خیال محضی تفریق ایتلیدر . خیال ایله حقیقت منافاة اوزره بولنه ییلور . فقط حقیقت ایله غایه امل یکدیگرینه متناقض دوشه مز، آرالزنده برموازات حاصل اوله ییلور . غایه امل عقلک تصور ایتدیکی مقصدک تکمیلیاب و صلاحچنیر اولسیدر . طبیعت ذاتاً بوغایه و مقصده طوغرو رهرو تکملدر . بناء علیه غایه امل صوک درجه طبیعی برشیدر . هنوز بشریت بونی شکل حقیقته تماماً قلب ایده مدی . فقط تدریجاً بوهدفه واصل اولمیدر . خیال ایسه یاکش و موجب نکبتدر . افلاطون عائله وحق تصرفک العاسی لزومندن بحث ایتدیکی زمان ایشته بوخیاله دوشیور . زمانمز دکی آ نارشیسترلر ایشته بونک ایچون ( Utopistes ) ده دیرلر .

افلاطون دیگر بر نقطه ده اصابت ایده مامش ، زیرا بتون منظومه تصورات و تفکر اتی وحدت اساسنه ابنا ایتدیرن بو حکیم اخلاق ایله سیاسیاتی ده مزج و توحید ایتمش ( ذاتاً زمانمز قدر بوخطایه دوچار اولان چوقدر ) بوسبیلله افلاطون بر دولتک قوانین وضع ایدرکن تعقیب ایده جکی مقصد ، حمایه فضیلتدن عبارت اوله جفی سولیور و فضیلت سیاسییه نک عدالتدن عبارت اولدینی اونویور . انتظام جمعیتک محافظه سی ایسه منحصرأ عدالت دنیلان فضیلتک حکمفرما اولسنی اقتضا ایدر . دائرة فضیلت امور سیاسییه ده توسیع ایدیلنجه

آيريبور. حکام که انسانه نظراً عقل ، جنکا ورلر که قلب و وقوت و ايشجيلر ، چتجيلر که حس اشهادر . افلاطون هيچ اولمازسه جنکا ورلر آره سنده قادينک مشترک اولسي و خود کاملق حسنی بخش ايدن عائله نك قالد يرلسي فکرنده در . حاصل اوله جق چوجقلرده ابوينک دکل ، دولتک اوله جقدر . بناء عليه دولت آنلری تربيه ایده جکدر . نهايت افلاطون تربيه ايله سياسياتک عين برفن اولديفته حکم ایدیور . آندن مقدم اسپارطوده ايکورغ مان مان بودرجه به يقين برحکمت سياسيہ بي فعلاً تعليم ایتکده ایدی . اشتراك اموال هيچ برزمان اسپارطوده اولديغي کبي تطبيق ايديله مامشدر . زیرا تاريخشناسانجه معلوم اولديغي اوزره بتون وطنداشدر برارده طعام بيله ايدرلردی . مع مافيه ليکورغ ممکن مرتبه فعلیات واديسنده قالدی ، اسپارطه بي تاريخده امثالی نامشهود برقهرمانلق درجه سنه ايصال ایلشدر . افلاطون ايسه صرف امل و خيال ارقه سنده در . ره بولبق نام اثرنده زمانزه کوره پک غريب نظريات بسط ایده رک اخلاق ايله سياسياتک ده شیء واحد اولديفته حکم ایدیور .

افلاطونه کوره الک انی بر دولت آنجق علما و حکما طرفندن اداره اولنه بيلور ( چينده ده مان مان بوقاعده حکمفرمادر ) زیرا دولتده غايه مقصد عدالتدر ؛ عدالت ايسه آنجق حکمت و فلسفه ايله ادراک ايديله بيلور افلاطونک بونظريه سي احتمال که طوغريددر . مع التأسف عدالتک بودرجه سي هيچ بروقت تطبيق اولنه مامشدر . هب ايجاب حال و مصلحت ، منافع مختلفه دوشونيامش . بوقسه اصل حق و حقانيت ، عدالت مطلقه ، دساتير حقيقيه حکمت هيچ بر زمان اجرا ايديله مامشدر . واقعا سياست بر دولت داخنده عدالتی حکمفرما قيله جق وسائطک الک ايسنی تحری ايدر . شو تقدیرده عدالت حقنده بر فکر صريح پيدا ایتکسزین ، حریت حقيقيه و منافع بشريه نه ديمک اولديغنی لايقيه

مطلع اوله‌جق درجه‌ده مصر آیدنلرینه ، عبادت‌لرینه واقف اولدی .  
 نه‌دن صوکرآ تکرار آتیه عودت ایدرک استادی کبی درس‌لر و برمه  
 باشلادی . فلسفه الله اشتغالی مناسب‌تله بولتیه‌ده‌ن بخت ابتدی . بزم  
 شودقیقه‌ده تدقیق ایده‌جکمز نقطه فلسفه‌سی دکل ، فلسفه سیاستدر .  
 افلاطونه نظراً سیاست ، دولتده وحدت حصوله کتیرن ، برعابدر .  
 واقعا سیاستک بدایتنده افراد یعنی تنوع واردر . بوکثرت وتنوع  
 وحدته مخالف اولدیفی ایچون برقصاندر . ذاتاً اونک نظرنده کمال وحدته‌ده‌ر ،  
 وحدت کائنات‌ده وحدت الهیه‌ده‌در . بناء‌علیه وحدته نه‌قدر تقرب ایدیلورسه  
 کمال‌ده اودرجه حاصل اولور . افرادک تکاثری دولت دنیلن وحدته  
 نه‌قدر یا‌قلاشیرسه جمعیتده اوقدر مکملیت واردر . بناء‌علیه غایه امل  
 جانلی بروحدت متشخصه وجوده کتیرمکدر ، قوللکتیف برشخص  
 احداث ایلمکدر . اشخاص بو هیئت شخصیته‌ک اعضا و جوارحی منزله‌سنده  
 اوللیدر . بناء‌علیه « هرشی هرکس ارسنده مشترک اوللیدر . حتی  
 کوزلر ، حتی قوللر ، حتی اللر » افلاطونه نظراً شخص هیچدر .  
 دولت هرشیدر . سیاست اخلاق‌دها واسع مقیاسده تطبیقندن ، شخصیته  
 متعلق علم احوال روحک جمعیته متعلق برعلم احوال روحیه‌یه تشمیلندن  
 عبارتدر . بو اساس جمعیتلری شم‌دیکی سوسیالیزم دنیلان حاکم دهامفرط  
 بردرک‌سینه دوشوره‌بیلیر . نه وارا‌یسه ، نه یوق ایسه دولتک انه‌چکر ،  
 شخص برجزؤ فرد کبی عمومیت النده محو وزبون اولور . ذاتاً افلاطون  
 بوتعقیب ایتدیکی غایه امله یالکیز ایکی اهمیتسز مانع کوربیور . بونلرک  
 بری سنلک بئلکدن عبارت اولان حق تصرف و دیگری حس‌عائله‌در .  
 بونلر ایسه اخلاق‌ک تجویز ایدمه‌جکی خود کاملقندن باشقه برشی‌دکلدر .  
 بناء‌علیه دولتک یعنی عمومیتک سلامتق ایچون حق تصرفی حتی  
 عائله‌بی قالدیرمایدر . افلاطون جمعیتی اوزمانه کوره اوچ صنف خلقه

علمندان استعانه ایدہ رک میدانہ قومشردر . هیچ برشی غائب اولماز ،  
هیچ برشی خلق وابداع اولماز ، علمدہ اولیلہ در .

بشريتك نسلًا بعدنسل تعاونی قضیه سی هرشیده اولدیغی کبی  
ساحه علوم و فنونده دخی ترقیات عمومیه به پک زیاده تأثیر ایتمشدر .  
مع مافیہ عرق ایضجه معلوم اولان تاریخ دها اسکینسی قید ایتدیکی  
ایچون تدقیقاتمز شمیدیک بواک قدیم حکماءه طیانوب قالیور . بوفیلسو-  
فلردن صوکره سنايان قید و تذکار اولانلر ، دها طوغریسی شهرنجه  
سلفلرینی بیله کولکده برافانلر سوقراط ، افلاطون ، ارسطودر .

دورقدیمک بحق اقایم ثلثه علمیسی اطلاقنه سزا اولان بواوچ ذات  
بربرندن تدرس ایتمشلر ، برعصره قریب زمانده شمس علومک یونانستاد  
ندن طلوع ایتسنه سبب اولمشلردر . بشریت الان بونلرله قابل قیاس  
ویا بونلره فائق ذوات یتشدیره مامشدر . بونلردن بالخاصه افلاطون  
وارسطونک نظریه سیاسیهلرینی پک بجل صورتده ذکر ایدم . زیرا  
قرون قدیمه وحی قرون وسطا ایله قرون متأخره بونلرک صاچدیغی  
تخیم سیاستدن قورتیله مامشدر . حالا اوفکرلر اره صره بشقه بشقه  
کسوملر اکتساب ایدوب میدانه چیقیور ! . .

افلاطونک نظریه سی . — افلاطون هم شاعر ، هم فیلسوفدر .  
وسوقراط فلسفه سنی احیا ایدن اودر . سوقراط یالکنز تدریس ایله  
مشغول اولیوردی . افلاطون ایسه اونلری هم قید ایدر ، همده  
کندیلکندن مطالعه لر علاوه ایلر ایدی . اودرجه ده که سوقراط افلاطونک  
قید و ضبط ایتدیکی شیلری کورنجه « بوکنج تلذیب بکا بعضاً خاطر مه  
کلین شیلری بیله سویلتیور » دیر ایدی . سوقراط اعدامه محکوم ایدیلرک  
زهر ایچدکن صوکره افلاطون آتنده طوره مدی . مختلف استادلری ،  
مختلف مملکتلری زیارت ایتدی وحی مصدره کاهنلرک اسرارندن برقسمنه

اوجمیت مقاوله نامه سنه روی موافقت کوستره جکلرندن مقاوله  
اجتماعیه فکریخی ترویج ایتمش اولور که بونک دولتک شیمدیکی طرز  
تلقیسینجه نه درجه قابل قبول اولدیغنی ایلریده ایضاح ایده جکره .  
دولت حقنده ادوار قدیمه ده کی افکار — بو خلاصه دن سوکره  
دولت حقنده ، دولت و سیاست فکر لرینک منبع و مصدرینه دائر  
بعض مشهور نظریه لری بیان و تشریح و یکدیگریله مقایسه  
ایتمک فائده دن خالی اولماز .

اساس دولتک نه دن عبارت اولدیغنه متعلق تدقیقات حکمییه و فلسفییه  
انسانلرله برابر طوغمشدر . اک ابتدائی انسانلرده ، عشیرت و قبیله لرده  
جمیئتک نظام و انتظامی نه کی اساسلردن نشأت ایتمکده اولدیغنه دائر  
بفکر تدقیق و تفحص اویانمش اولدیغنه شبهه یوقدر . چیننده ،  
هندستانده ، مصرده ، قدیم ایرانیلرده ، بابل و آثور اهالیسنده شبهه  
یوقدر که دولت اولدجه منتظم و متمدن برشکلده عرض وجود ایتمش  
اولدیغنی کی وجود دولتی تشریح و اسباب ظهورینی تدقیقه قیام ایدن  
ارباب تفکر یتممشدر . آنجق بوزمانلر یك اسکی ادواره عائد اولد-  
یغندن متأخرین اونلرک بوباده کی انارینه دسترس اوله مامشدردر .

ایوم علوم سیاسییه متعلق تدقیقاتک منابعی قازله قازله نهایت  
قدیم یونانیلرله قدرطیانهرق ، طالس ، هراقلیت ، اناقساغور ، ده وقریت ،  
دها سوکره فیثاغور ، پارمنید ، ثهمیه دوقل ، نام ذاتلره منتهی اولیور .  
اونلردن اول فلاسفه یوقی ایدی ؟ . . .

شبهه یوق که یك چوق ایدی . وینه شبهه یوق که بونلر علم  
وحکمتی منحصرأ کندی دماغلرینک قوتیله ایجاد ایتممشلر ، والته  
دیگر اقوامک ظلام ماضی ده عدم اباد نسیانه قاریشوب کیدن دیگر ارباب



تعريف ايديوور. ديكر بر مؤلف موسيو ايسمه نك فكري نه تقرب ايدرك « دولت ملت طرفندن تشكيل ايدلمش بر جمعيت سياسيه در امير ديكر له ملتك تشخص حقوقيسيدر» ديور. بو تعريفلردن برنجيسني ساده لكى و متلاسق اولسى اعتباريله ترجيح ايدم جگنز. زيرا كوره جگنز كه ايكي مهم عنصر، اراضى و حكومت عنصر. لرى بو تعريفده داخلدر. ايكنجه تعريفده ملت و اراضى عنصرى قاله آلتامش يالكنز نفوذ سياسيدن، آمرىت و ماموريتدن بحث ايدلمش، اوچنجه تعريفده ملتدن باشقه عنصره بر اقلما. مش، ملتله حكومت و حاكميت مليه گله لر ينك، مدلولى بر نقطه ده جمع ايدلمشدر. حالبو كه ينه موسيو ايسمه نك ديواجه سنك بر قاچ صحيفه اشاغيدنده حكومتى دولتدن غيرى بر شكل و ممانده تعريف ايدرك « حكامدار ( كه بوراده حكامدار يعنى souverain دن مقصد منبع حاكميت اولان جهت بو جهت ايستر ملت ايستر عمومك بيلديكي معنايله پادشاه اولسون) طرفندن نفوذ عمومينك اجراسى، حاكميتك حال فعالينه mise en oeuvre و ضعيدر» ديور. حاكميتك حال عطالته قالمسى اقدامى و بناء عليه دولتك محو اولسنى مؤدى اوله جغندن دولتى عطالته دن محروم فرض ايتك اولماز. بناء عليه حكومته متعلق شو تعريف دولتك تعريف عموميسنه انضمام ايتلى ايدى. در دنجى تعريف جمعيت سياسيه تعبيريله ايسمه نده كي تعريفك نقصانى بوس بوتون تشويش ايديوور و جمعيت سياسيه به داخل اوله جقلر مطلقا

## دولت و دولت حقنده قدیمدن بزی جاری اولان

### مختلف نظریه لر

دولتک تعریفی . . . حقوق اساسیه و سیاسیه نك موضوعی دولت تشکیل ایدر. حتی شمولی بر معنایله بو علمه «علم دولت» دخی اطلاق اولونه بیله جکنی مقدا بیان ایتمش ایدک. شو حالده دائرة تدقیقاتک مهم بر قسمی «دولت» اشغال ایدر سه یریدر بزیسه دولت حقنده تدقیقاتزه کیریشمدن اول دولتک تعریفاتی حقنده ایضاحات مجمله اعطا واوندن صوکره اسکی ویکي علما طرفندن دولت فکری حقنده واقع اولان تحلیلاتی و مختلف زمانلرده کی تلقیاتی ممکن اولدینی قدر مجمل صورتده مطالعه ایلیمه جکنر .

دولت «شیرتک اهالی به اراضی به و حکومته مالک بر جمعیت نامه و مستقه سنه اطلاق اولونور» [فهلقس مورو] دیگر بر تعریفه نظراً و بر معنای عمومی ایله دولت «بر تفریق سیاسی بی یعنی اداره ایدن لرله اداره اولونانلر اره سنده بر مناسبتی تعمیر دیگرله بر نفوذ و اقتدار سیاسی بی حاوی هر هانکی بر جمعیه اطلاق اولونور» [لهئون دوکی] موسیو ایسمه ن ایسه حقوق اساسیه اثرینک دیباجه سنه شو تعریفی قویبور : دولت «بر ملتک تشخص حقوقی سیدر و نفوذ عمومی نك موضوع و استنادکا هیدر» صورتنده

برشي با تبع تجویز ایدیه بیلیر قاعده سنه بئاء مجلس مبعوثان طرفندن معدلاً کلن ماده لرك بعضلرینی تصدیق بعضلرینی تعدیلاً اعاده ایتمش ایسه ده مجلس مبعوثانده هیچ طوقونیلیمیان ماده لره ده طوقونمش، حتی مجدداً ماده لر وضع ایلشدر . مجلس مبعوثان قانونك سکوتندن بالاستفاده بونی یابه بیلمش ایسه ده مجلس اعیان ایچون بو سکوت مفقود ایدی حتی عکسی صریح ایدی . زیرا قانون اساسی ماده لری تعدیلاتنه متعلق مذاکرات ایستر هیئت وکلا، ایستر اعیان و ایستر مبعوثان طرفندن تکلیف اولونسون همه حال درجه اولاده مبعوثانده مذاکره اولونمق لازمدر . اعیانده تعدیلاتك قرائت اولاسی بو صراحتنه مغایر اولدی . حتی بوندن طولاییدرکه تعدیل ویا مجدداً وضع صورتیله مجلس مبعوثانه اعاده ایدیلر قانون اساسی موادینی مجلس مبعوثان قانون اساسی انجمنی کچن سنه بر مجلسده قرائتی اکیال اولونمش بر لایحه دکل ، هنوز تدقیق اولونمامسینی بر تکلیف طرزنده تلتقی ایلدی . یعنی هیئت اعیان اکثریت ثلثان ایله بر ماده نك تعدیلانی ویا مجدداً وضعی بدایه مجلس مبعوثانده تدقیق ایدمك اوزره تکلیف ایتمش بولونیور ایدی .

قانون اساسی عثمانی بالنسبه منقح وحشویاتدن آزاده در ، قوانین اداره وعدلیه به آتیله بیله جك موادی همان هیچ بوق کیدر . بوجهتلرله بك چوق قانون اساسیلره حائر رجحانددر . محتوی اولدینی احکامه کلنجه اولنرده بختلری کلدکجه بیدرپی تدقیق اولنه جقدر .

اولور . وقانون اساسينك تعديلی تکلیف اولونان بر ماده سی بروجه مشروح مذاکرات لازمه سنک اجراسیله اراده سنیه سنک صدورینه قدر حکم و قوتی غائب ایتمکسزین مرعی الاجرا طوتیلور . »

شوتفصیلات تعدیلی تکلیف اولونان ماده ویلماده لک اولو مجلس مبعوثان و صوکره مجلس اعیان طرفندن مذاکره اولو . نه جغنی صراحة ذکر ایدیورسده قانون اساسی مواد مندرجه سندن بعضیرینک تعدیلی تکلیف ضمننده دیگر موادک دخی تعديل ايدیلوب ایدیله میه جکنی مسکوت عنه بر افقده در . الحقی مجلس مبعوثان و اعیانک تعاملی اوصورتله تقرر ایتدی که هر هانکی بر ماده نک تعدیلی مناسبیله دیگر موادک کافه سی ده نظر تدقیقدن کچه بیلیر . قانون اساسینک قسم اعظم موادی ایشته بوذهاب و نظریه یه بناءً تعديل اولونه بیلدی ، یوقسه مجلس مبعوثانک برنجی سنه اجتماعیه سنده قانون اساسینک تعدیلی تکلیف اولوندیغی صره ده الیسوم دوچار تعديل اولان موادک کافه سی برر برر صاحب تکلیف طرفندن ذکر و تعداد ایلامش ایدی . مجلس مبعوثان ایشته بو صورتله او وقتک فوران حسیاتندن و تمایلات مفرطه سندن بالاستفاده نوعما بر قانون اساسی مجلسی شکلنی کندی کندینه توجیه ایتش اولدی .

حتی بوتمایل اورایه ده انحصار ایتیه رک اعیان مجلسی دخی بویماجک اوزرندن آياغنی قایدردی و او ده بالذات تجویز اولونان

من القديم تطبيق اوله كان بر عادت مستحسنه شرعيه من  
 واردر كه قانون اساسي به طرف حكمداريدن ويرلمش  
 كورنديكي حالده ايكي جهتجه لازم الاتباع بر مقاوله حكم وقوتني  
 ويريبور؛ اوده بيعتدر. حكمدارك حين جلوسنده اركان  
 وامراي دولتله برابر اعيان ومبعوثانك بيعتلري قانون اساسي  
 دائره سنده بروكالت مقيده معناسني افاده ايدر. وكالت ايسه بر  
عقد ومقاوله در ويالكز طرف واحدك رجوعي ايله حكمدن  
ساقط اولماز.

مع مافيه منبع حقوقي بي هانكي جهته فرض ايدرسهك  
 ايدلم محقق برشي وار كه اوده قانون اساسيمزك قابليت تعديليه.  
سنده كي سهولت نسبيدر. دائرة منحصره افكاردن دائرة  
مقیده افعاله چيقارسهق بونك بويله اولسونه تشكر ايتليدر.  
۱۱۶ نجی (كه معدل قانونده ۱۲۰ نجی در) ماده موجبنجه قانون  
 اساسينك مواد مندرجه سندن بعضلرينك ايجاب حال ووقته  
 كوره تغير وتعديله لزوم صحيح وقطعي كورلديكي حالده ذكری  
 آتی شرائط ايله تعديلي جائز اوله بيلور. شويله كه ياهيئت وكلا  
ياهيئت اعيان ويا هيئت مبعوثان طرفندن اشبو تعديله دائر بر  
تكليف وقوع بولديني حالده اولا مجلس مبعوثانده اعضاي  
مرتبتهك ثلثان ا كثرتيه قبول اولونور وبقبول مجلس اعيانك  
كذلك ثلثان ا كثرتيه تصديق ايدلا كدن صوكره اراده سنه  
 دنخي اومركزده صدور ايدرسه تعديلات مشروحه دستور العمل

مع مافیه بومسئله بی صرف نظریات دائره سنده تحلیل ایتمک خطا در. ۱۲۹۳ ده بر تفویض و توجیه ماهیتی حائز اولان قانون اساسی ۱۳۲۴ تموزنده جبر و قوتله ملت طرفندن استرداد اولوندی. واقعا جبر و قوت ایله مسائل حقوقیه حل اولنه ماز. ایسه ده ملتک اوصرمده تظاهرات فوق العاده سی حرکت واقعه جبریه یه ملتجه ضمناً موافقت ایتمش اولدیفنی کوستردی. هیچ بر طرفندن هیچ بر اعتراض واقع اولماسی ملتک حال جدیدی متفقاً قبولانه مهم بر اشارتدر.

بویوقاریده بر نبذه بحث ایتمدی کمز حق اخلاک مشروعبیت کسب ایتمش شکلی در.

متعاقباً عقدایدیلن مجلس مبعوثانه کننجه اوده صلاحیت تعدیلیه سنی اودرجه کنیش طوتدی که بر مجلس قانون اساسی ماهیتی اکتساب ایتمسه بر شی قالمدی. مذاکراتده حاکمیت ملیه اساسلری اوزرینه مداوله افکار ایلمسی واحکام معده، جدیده نك بواساسلره ابتدا ایتمدی ریله رک قلمه آلتمسی ملتک فعلاً کندی مقدراتنه حاکم اولمق دعواسنده بولوندیغنه دلیلدر. شو حالده بر طرفده نظریات علمیه یه مستند بر حال فعلی، دیگر طرفده نفوذ فعلیسی سکتهدار اولمش بر وضع حقوقی وار. . . . ایشته قانون اساسی حاضر مزك صرف حقوقجه ماهیتی حقیقده کی مطالعه من . . .

قانون اساسیمزده مندرج اولیان بونکله برابر فعلیاتده

بيلسه اکتساب ايتمينجه تمعهدك تعهدى وعد دائره سندن چيقه ماز. اخلاقاً فنا بر حرکت ارتکاب ايتمش اولور فقط مقاوله يه مربوط اولميان بويله بر تعهدى اجرايه تمعهدى هيچ بر محکمه حقوقاً اجبار ايده جك براعلام ويره مز .

بومطالعه عجباً شيمديكى معدل قانون اساسى يه كوره ده واردميدر ؟ شمديكى معدل قانون اساسى نك بوتون منبع قوتى وحتى صلاحيت تعديليه يه متعلق اولان احكامى بيله اسكى قانون اساسى اولديغندن سى يه سى ك نظريه سته تبعيت ايتك اقتضا ايدرسه اصل همچون ويريلن حکمك فرع همچون دخى ويرلمى لازم كله چكنه شبهه يوقدر . واقعا يكي قانون اساسى بر چوق معدل ومجدد احكامى محتويدر وبو تعديل اولونان احكام مبعوثان واعياندن ثلثان ا كثریت آرا ايله چكدكن صوكره تصديق شاهانه يه دخى اقتران ايدرك ملت ايله مقام حكمدارى آره سنده برنوع مقاوله انعقاد ايتمشدر . آنجق بو مقاوله نك انعقادينه مأذونيت ورن مقام ، يعنى تعديلانك بويله اولايكى مجلسدن چكدكن صكره تصديقه اقترانى حقنى ورن يه بدايه مقام حكمدارى ايدى . شو حالده بويله بر مقاوله عقدينه واقع اولان مساعده ومأذونيتى يه برنوع هبه تلقى ايدرسه ك مقام حكمدارى آنى هبه قواعدينه تبعاً استرداد ايده بيلير . بوراده هبه يه مانع رجوع اوله بيله جك شى دخى يوقدر زيرا هبه اولونان شينك ماهيت وحتى شكل اصليدى بيله تغير ايتمه مشدر .

میں کی بر قوۃ تائیدیہ منویہ بہ بیلہ تابع دکل ایدی . بوقوۃ  
تائیدیہ آنجق قانون اساسی' معدلك در دنجی مادہ سنہ شوقفرہ  
ایلہ علاوہ اولوندی :

« . . . ذات حضرت پادشاهی حین جلوسلرنده هیئت  
مجمع ایسه مجلس عمومیده و مجلس مجتمع دکل ایسه ایلك  
اجتماعده شرع شریف و قانون اساسی احکامنه رعایت و وطن و  
ملتہ صداقت ایده جگنه مین ایدر . »

بوقید و تائید ایله برابر صرف حقوق غربیه نقطه نظرندن  
تحلیل ماده اولونورسه برشی و یرن آنی دائماً کبری آلق  
حقنه مالک اوله جغندن حکمدارک قانون اساسی بی — بالاده کی  
تعهداتی دیکلمیه رک — الغا و تعطیل ایتمی ممکندر زیرا قانون  
اساسی حاکمیت ملیه نظریه سی کوزه دیله رک بر مجلس قانون  
اساسی انتخاب ایدیله رک وجوده گلش و اشاغیدن یوقاری چیمقش  
دکلدر . اشاغیدن یوقاری به چیمقار کن ملت ( سی به س ) ک  
ادعاسنه کوره قانون اساسی بی کندی وضع ایتمیکی شکل  
و تعهداته رعایت ایتمکسزین ناصل الغا و یا تعدیل ایده بیلیرسه  
یوقاریدن آشاغی به اینرا یکن ده عینی صلاحیتی — منبع قوت حکمدارده  
مفروض اولدیغنه کوره — حکمدار استعمال ایده بیلیر . برنجی  
شقه نظر آ ملت کندی کندی تعهدی ایله ناصل تقیید ایدیور .  
سه ایکنجی شقه نظر آده حکمدار یعنی ایله کندی کندی  
تقیید ایتمش اولور . آنجق تعهد متقابل اولینجه بر مقاوله شکلی



اولونمش ایکن حکمنی غائب ایله مشدر . بونک کبی دها پک  
چوق امثال وازدر .

۱۳ قانون اساسی عثمانیک ماهیتی و صورت تعدیلی . — قانون  
اساسی عثمانیک ماهیتنه و تعدیلی ایچون لازم کلن شرائطه کاندجه:  
قانون مذکور هیچ شبهه یوقدر که اساس و منبع اعتباریله  
بر مجلس قانون اساسیدن صادر اولمش دکلدرد . تملی منبع  
حکمداریدر . زیرا ۱۲۹۳ ده طرف پادشاهیدن بافرمان ملته اعطا  
اولونمش و ملته قارشو طرف حکمداریدن بر تعهد آلتنه کیرلشدر .  
ملت نه طوغریدن طوغری به حکومت صورتیله، نه ده رفته .  
ره ندوم طریقته مراجعت ایله رک و حتی نه ده نبابت اصولندن  
استفاده ای دوب بر مجلس قانون اساسی وجوده کتیره رک  
(Assemblée Constituante) کندی شکل حکومتنی تعیین ایتمش  
دکلدرد . حتی هبه ماهیتی حائز اولان بوقانون اساسی بی حکمدار  
تعهداتی اجرا ایتمه مک کبی بر عیب و ذلت قارشو سنده بولونسه  
کیری آله بیلر ایدی؛ نهه کیم قانون اساسی بی تطبیق ایتمه مکله بو  
عیب و ذلته قاتلادی . یعنی یوز اون بشنچی ماده ده ( که معدل  
قانون اساسیده ۱۱۹ نجی ماده در ) محرر اولان « قانون اساسینک  
بر ماده سی بیله هیچ بر سبب و بهانه ایله تعطیل و یا اجرادن  
اسقاط ایله مز . » ماده سنه مغایر حرکتله عهدنده حانث  
اولدی . شوراسی ده شایان دقتدر که ۱۲۹۳ قانون اساسیسنده  
حکمدار توجیه ایله دیکی قانون اساسی به تمامی رعایت ایچون

قانون اساسی اساساته متعلق وحال جدید ایله غیر قابل توفیق شیلردن ماعدا خصوصاً قوه معدله ومغیره بی حاز دکلدر آنجق اسکی قانونلردن صراحةً ویاضمناً وبالفرض دلالت حال ایله طی والغا ایدلمین مادهلر بر قانون عادی مادهلری درکه سنه ساقط اولور . زیرا یکی قانون اساسی یالکز کندی وضع ایتدیکی مواد حقنده قانون اساسی صفتی طانیر قوانین سابقه نك قانون اساسی متعلق صفتی طبیعتیه ملغا اولور ، کندیسندن باشقه بر قانون اساسی طانیماز . آنجق بوصفت جدیده قانون سابقه کی مواد عادی بی اعدامه کافی کلز .

بر چوق قانون اساسیلرده اساسدن زیاده فروعه ، قانون اساسیدن زیاده فرضاً قانون جزا واداریه متعلق احکام موجود اولسنه نظراً بونقطه نظرک قبولنده بر فائده وار . فرانسه قوانین اساسیه سی دفعاتله تجدید ایدلمش اولدینی حالده ایوم اسکی قانون اساسیلردن قالمه پک چوق احکام بالاده کی نظریه بیه بناءً معمول بهدر .

فرانسه محکمه تمیزی ده ۱۸۲۱ ده ویردیکی برقرارده بوفکرکی  
 ترویج ایلش وایشته بوندن طولایی نظاردن ماعدا مأمورین حقنده امور موکوله لرندن طولایی تعقیبات قانونیه اجرایی اول بول شورای دولت طرفندن قرار ویرلسنه وابسته اولدیغنه دائر سنه ۸ (یعنی ۱۸۰۰) قانون اساسینده محرر ماده اوزماندن  
بری فرانسه قانون اساسیسی دفعاتله وسرپا تجدید وتبديل

قوانین اساسیه نك طرز و صورت تحریری نه یولده اولمق لازم  
 كله چكي قولایلقله مستبان اولور. بر قانون اساسی ممکن مرتبه  
 زوائد وحشو یاتدن آزاده اولمی ، منقح ، مختصر ویا لکنز  
مقصد اساسی دواته معطوف اولمیدر . بر قانون اساسی نه قدر  
 مفصل و موسع اولور سه تعدیله اوغرامسی ، و بناءً علیه مملکتده  
 تشوش و وقوعه کثیرمی احتمالی اونسبتده چوق اولور .

منقح و مختصر قانون اساسی هر دلو احتمالی دریش  
 ایدمامك کبی براعتراضه هدف اوله بیلیر ایسه ده بر طرز فدن  
 قوانین عادیه ایله مهم و نقصان قالان نقطه لرك تصریحی ممکن  
 اولدیغی کبی دیگر طرفندن ده تفسیر و تعامل ایله قانون  
 اساسی نك معناسی توسیع و امثال و صور کثیر یله رك قانون  
 اساسی قوتنده احکام وضع ایتمك ممکن اولور . بزده قانون  
 اساسی نك تفسیری اعیانه ویرلمش اولدیغندن نا تمام قالان جهت لرك  
 تفسیر ایله اکمالی دائرة امکانه کیریور .

بر قانون اساسی ، یا باختلاف جبری ویا بر انقلاب سا کفانه  
 ایله الفا ویا خود یرینه اصولنه توفیقاً یکی بر قانون اساسی  
 اعلان ایددیکی تقدیرده بوتون موادی حکمدن ساقط اولورمی ؟  
 فرانسه حقوق شناسلری بو مسئله ده بر فرق کوزه دیور لر .  
 انقلاب و اختلال ویا یکی بر قانون اساسی ایله تعدیل ایدیلن  
 نقاط آنجق نقاط معدله یه منحصر قالیر . اسکی قانونك قانون  
 جدیده منافی اولمیان احکامی باید اردر . بونك حکمتنه کلنجه یکی

وفلاکته سوق ايدر حتى بوندن طولاييدر که فرانسه ده قانون اساسينک هر جهتی تعديل اولونه بيلديکي حاليه شکل حکومت قانون اساسی تعديلاتی ایچون موضوع بحث اوله ماز . یعنی جمهوريتک قرالته تجویلی ایچون قانون اساسیده تعديلات اجرایی تکلیف اولونه ماز (۱۸۸۴ قانونی) مع مافیله بوماده نک حکمی مؤلفینجه متفق علیه دکادر . بو محبثه دیکر بر مهم جهت ده در پيش اولونمق اقتضا ايدر . قانون اساسی یه دولتک تشکلات اساسیه سی ایله هیچده مناسبتی اولمان و فرضا اداره ، جزا و حقوق مدنیه وسائر قوانین عادیه ده یر بولسی ممکن اولان پک چوق مواد املا ایدیله رک بر نوع مجموعه قوانین تنظیم اندلش ایسه آرتق بونک هر هانکی ماده عادیه سنک تعدیلی ایچون قانون اساسی مجلسی تشکیل ، یا ثلثان اکثریتک قبولی کبی قیود نامحل اولور و بلکه ده حیات مملکتی معطل بر اقییر . شو حالده بونوع مفصل قانون اساسیلر ده تعديلاته متعلق تقیداتی تخفیف ایتمک حیات مملکتک صارصتیسز جریانی ایچون الزمدر .

بوکا مقابل قانون اساسی یانکیز اساسادن ، اک بویوک تمل طاشلرندن ، بناء دولتی طوتان بویوک قیالردن باحث ایسه او وقت قیودک تزیدنده فائده کلمه واردر ؛ زیرا تمله یر طوتان بر قیا پارچه سنی اولور اولماز اسباب ایچون اویناتمق ویا یری دکیشد یرتمک بنانک انهدامنه سبب اولور .

۱۲ قانون اساسیلرک مندرجاتی — بو حقیقت معلوم اولانجه

شوحالده قوانين اساسيه نك وضع ويا تعديلنده باشديجه ايكي مهم نقطه نظر موجود اولديغي كوريليور . برنجيسي قوانين اساسيه ماهيت مخصوصه وبره رك آنك تنظيم وتعديلي اشكال و تكلفات مخصوصه به تعليق اتمك و ايكنجيسي قوانين عاديهدن قطعياً فرقلي عدا اتمك .

هر ايكي نقطه نظرك محسنات و محاذيري اولديغي بيانه حاجت يوقدر . برملكتهده كه ايكي مجلس بولونور و قوانين عاديهدن قبولي بر قاج قرائته و تصديق حكمداري به متوقف اولور اورالرده قوانين اساسيه نك قوانين عاديه قواعدينه تابع طوتو- لمسنده بر محذور موجود اوله مازه انجق برملكتهده كه مجلس بردر و قوانين عاديه ايچون اودرجه تقيدات و تكلفات يوقدر اوراده قوانين اساسيه يي قوانين عاديه مشابه سنده طوتمق مملكتمك دائماً تمل طاشريله اوينامغه ميدان ويرمكدر . برنجيسنده غايت الاستيقيت وسهولت ايكنجيسنده ايسه بالعكس استقرار و متانت وارد . طبيعتي ذاتاً محافظه كار و مآثره رعایتكار اولان برملكتهده برنجي اصولي تطيقيه محذور يوقدر قوانين اساسيه يي بي لزوم اوله رق بونجه قيود زائده به تابع طوتمق نابلجدر . انجق اخلاقي تحول و تجدهده بك ميال اولان برملكتهده ايكنجی اصول سکون اذهان و تمادی انتظام ايچون قوي بر تأمیناتدر . هله حكمدارلق موجود اولميان مملكتهرده شكل حكومتي تغيير مبحثنكده قوانين عاديه ايله حلي درجه سنده مساعده كار طاور انجق مملكتي تشوش

اولسه دخی قانون اساسی تنظیمنده شرائط مخصوصه به رعایت اولونور بعضاً قوه تشریعیه نك ایکی مجلسی بر آره به کلور (فرانسه ده اولدینگی کی) بعضاده قانون اساسی تنظیمی لازم کلیور بجه قوه تشریعیه ایچون انتخابات جدیده به مراجعت ایدیلور (بلجیقاده کی کی) کندک علی العاده مجلسلر قانون اساسی مجلسی صفتنی اکتساب ایدنجه اتحاد قرار ایچون مقتضی اکثریتلرکده ماهیتی دکیشر ومثلاً قانون اساسی به متعلق مقرر اتده قوه تشریعیه عثمانیه ده اولدینگی وجهله ثلثان اکثریت قیدینه رعایت اولونور .

بونکه برابر هر یرده قانون اساسی ایله قانون عادی ارسنده بوکی قیدلره رعایت اولونور بعض مملکتلر واردر که اونلرده قانون اساسی قوانین عادیه کی تعدیلاته تابع اوله بیلور بونلر میاننده بالخاصه انکلتره ، روسیا وایتالیاذکره شایاندر . انکلتره ده هیچ بر مسئله اساسیه یوقدر که پارلمنتو آنی اکثریت عادیه ایله حل ایتمسون . اودرجه ده که برنوع معاهده دیمک اولان اساسلر وبالفرض اسقوجیا وایرلانده نك الحاقنه متعلق مهم ماده لر بیله پارلمنتونک اکثریت عادیه سی قرار یله تعدیل ویا بوس بوتون حذف وتبديل اولونه بیلمشدر . انکلتره پارلمنتوسی اودرجه هر شیشی پانمغه صلاحیتدار فرض اولونور که بعض مؤلفلر ایستره کندینه متعلق صلاحیتلری بیله ملت اعتراض ایتمدیکی تقدیرده نزع و فرض مقام حکمداری به توجیه و تحمیله مقتدر در دیور لر .

قانون اساسينك يه قانون اساسى دائره سنده تعديلنه امكان براقيلمى ملتك كندينه قارشو برطاقم تعهدات علميه اجراسى ديمك ايدى . بوصولته وقتيله هر درلو قوانين اساسيه نى كيف مائشا تغير صلاحيتى نفسلر نده برحقه - حقوق طبيعيه يه - بناءً موجود فرض ايدن حكمدارلر يمين و تعهدات سائره ايله كندى كنديلرينه برحد تعيين ايتمش اولدقلى كى ملتدرده قانون اساسيلرينى انجق قانون اساسى دائره سنده تعديل ايتمه موافقتله كيف مائشا حر كترلرينه برحد معقول وضع ايتمش اولويورلر .

شوتفصيلاتدن مستبان اولويوركه ملتريك برقانون اساسى تنظيم ايتك حقلرى و برده بوقانون اساسيندن متفوع برقوة تشريعيه و برتشرىع حقلرى وار . دها اولكى فصلده برنبذبحث ايتديلمز وجهله ( ٢٤ صحيفه ) ا كثر مالكدكه قانون اساسى مجلسى آيرى وقوة تشريعيه مجلسى آيرى اولور . برنجيسى قانون اساسى ايكنجيسى قانون عادى تنظيم ايدر .

١١ قانون اساسيلرده تعديلات نه صورتله اجرا ايديلور ؟ —  
مع مافيه قوانين اساسيه نك تعديللى دائما آيرى برقانون اساسى مجلسنك وجودينه احتياج مس ايتديرمز . عيني بر مجلسنك اعضاسى ايكي درلو هويت ا كتساب ايديه بيلير : ايجابنده قانون اساسى مجلسنك اعضاسى صفتنى ا كتساب ايدرلر . مع مافيه همان هر برده قانون اساسى ايله قانون عادى نى تنظيم ايدنلر عيني آدملر

دها وارد در که بونی الك زیاده ژان ژاق روسو تعمیمه موفق اولمشدر . روسو لهستانه دائر یازدیغی بر اثرده : « هیئت اجتهاد عیبهك فسخ ایده میه جکی قوانینه انقیاد ایتمی طبیعته مخالفدر . انجق بوقوانینی ناصل بردبدبه و مراسم ایله وضع و تاسیس ایدیور ایسه ینه عینی دبدبه و مراسم ایله فسخ ایتمی نه عقله ونه طبیعته مخالف دکلدر . جمعیتك آنی انجق کندی ایاغنه طاقه بیله جکی زنجیر بوندن عبارتدر . « بناءً علیه قانون اساسی قانون اساسی بی وجوده کترین هیئت طرفندن وینه قانون اساسیده تعیین اولونان اصول دائره سنده تعدیل اولونه بیلیر بواصول اتفاق آرا ایله منعقد اولدیغی ادعا ایدیلمن مقاوله اجتماعیه اساسنده مخالف دکلدر . چونکه قانون اساسینك تعدیلی ینه ایلك قانون اساسی ایچون ویریلن اتفاق آرانك نتیجه سیدر ووافق آرانك ویردیکی صلاحیت وشکل دائره سنده واقعدر .

قانون اساسینك برحرفی بیله تبدیل اولونمیه جغنه یمین ایدیلدیکی حالده ینه قانون اساسینك تعدیلنه امکان لونمسی بوقبیلدندر . چونکه تبدیل اولونمامسنه یمین ایدیلمن قانون اساسیده صورت تبدیل و تعدیل حقهنده احکام واردر . وبو احکامه رعایت ، یعنی ایجابنده اصولی دائره سنده تعدیلاته تشبثده مقتضای یمیندر . مقاوله اجتماعیهك ومقاوله اجتماعیه بی تولید ایتدیکی روایت ایدیلمن اتفاق آرا شرطنك قوانین اساسیهك تعدیلنه متعلق حکمی ده بوکا مقیددر .



معنوی بر تأمینات اولور ایدی. ملتتری طور دیره جق بویله بر وعد و تعهد دخی متصور اولدیغندن قانون اساسیلری ملتیر ایستدیکی زمانه و صورتده تغیر و تعدیل ایده بیللمسی صلاحیتنه بر نك مشروعیت و یرمك اختلاله بر شکل دائمی و مستقر اعطا ایتك دیمكدر .

بوصورتله قانون دائره سنده بر قانون اساسی نی دیکش دیرمك مستحیل اولور و هر هانکی بر اختلالك موفقیتله نتیجه نلمسی اوزرینه قانون سابق مفسوخ العمل اولق ایجاب ایدر. فرانسه ده بونك امثال عدیده سی کورلمشدر . بالفرض ۱۸۷۰ ایلولنده اهالی مجلس مبعوثانه هجوم ایدرک جمهوریتی اعلان و اوچنجی ناپولیون و عائله سنی ایمراتور لقدن اسقاط ایلش ایدی. میدانده بر قانون اساسی وار ایکن بو حرکت بو قانون اساسی به هیچ بر صفت قانونیه نی حائز اولمیانلر طرفندن اورولمش بر ضربه ایدی. بونکه برابر بوردوده اجتماع ایدن ایلک مجلس ملی ایمراتور حقتنده اسقاط قراری و یرمیور « آرای عمومی ایله و یرلمش اولان اسقاط قراری نی تأکید ایله » اکتفا ایدرک حرکت واقعیه اجازت ورنك مشروعیت بخش ایدیور . بو اصول فعلیاتك تضییقی ایله قابل ایضاح بر ایجاب مصلحت عد اولونه بیلیرسه ده هر حالده فکر حقوقی ایله قابل تحلیل دکلدردر . بوکا اولسه اولسه ترجمان وقایع اونق اوزره بر حق اختلال اطلاق اولونه بیلیر. تعریف ایتدی کمز ایکی طریق ااره سنده متوسط اوچنجی بر طریق

رابطه‌سندن آزاده‌قاله‌جق‌لرینی و بناءً علیه مقاوله‌نک‌کنندی  
 جق‌لر‌نده‌کی حکمی منفسخ اوله‌رق حال طبیعی به عودت ایده .  
 جق‌لرینی سویلیور . شو حالده مقاله اجتماعیه اساسی صحیح فرض  
 اولونسه دخی بونک هر حالده قابلیت تطبیقیه دن محروم اولدیغنی  
 بیانه حاجت یوقدر .

بالاده‌کی طریقک بوس بوتون ضدی اولان ایکنجی برطریقه  
 کوره قانون اساسی هیچ بروقت هیچ بر ملت ایچون بر زنجیر  
 اولامار بو قانون هر نه قدر تولید و تشکیل ایتدیکی قوتلر اوزرنده  
 بر نفوذ و تأثیری حائز اوله بیلیر ایسه ده ملتی هیچ بر صورتله  
تقید ایتمز . ملت نه وقت ایستر سه قانون اساسیسی تعدیل و یا تغییر  
 ایدر و حتی بونک ایچون ده اولکی قانون اساسیده محرر اولان  
 قیود و شروطه بیله تابع اولماز . زیرا ملتر هر درلو روابط  
اجتماعیه دن آزاده اولان حال طبیعیده کی انسانلره مقیدر . بناءً  
 علیه اراده لرینی هر درلو اشکال دن تجرید ایدرک اظهاره مقتدر لر .  
 حاکمیت ملیه‌نک غیر قابل ترک اولدیغنی نظریه سی تقرر  
 ایتدن اول بو حاکمیتک حکمدار لر له قابل ترک اولدیغنی قاعده سی  
 (غروچیوس)، (هوبس) و سائر طرفندن قبول ایدلمش ایدی .  
 او وقت قوانینی ایستدیکی کبی بوزوب دوزه لتمکدن عبارت اولان  
 بو عینی صلاحیت حکمدار لر له ویرلمش ایدی . آنجق حکمدار لر  
 هیچ اولماز سه مقام حکمداری به چیقار ایکن وعدلر و میمنلر له وضع  
 ایتدکری قوانینه رعایتکار اوله جق‌لرینی تأمین ایدر لر و بوده

اساسی ترقیات بی نہایۂ بشریہ نیک تولید ایلدیکی احتیاجات قارشوسنده ناصل طایانه بیلجه جک؟ باشقه عصرده ، باشقه بر جمعیت ، باشقه بر مدنیت ایچون یاییلان بر قانون الی نہایه بر قومی زنجیر قانونیسیله باغلايه بیلیرمی؟ اون سکزنجی عصر نظریات علمیه سنی تدریس ایدنلر بو محذور عظیمی دخی درپیش ایدرک دولتک بنیانی تعیین ایدن بو قانونلرک تعدیل و تبدیلی ایچون بر قاچ طریق کوستریورلر ایدی :

مقالهء اجتماعیه بی پک مفرط صورته تطبیقندن عبارت اولان برنجی بر طریقہ نظرآ مادام که مقالهء اجتماعیه ، یعنی ملتک کندینه و پردیکی شکل حکومت و اداره افراد ملتک اتفاق آراسیله وقوعه کلشدر. ] چونکه مقالهء اجتماعیه نیک تقرری مبحث مخصوصنده کوستریله جکی وجهله افراد ملتک اتفاق آراسنه وابسته عد اولمشدر. ]

اوحالده بومقالهء اجتماعیه بی افاده ایدن قانون اساسینک تعدیل ویاتگیری ایچونده ینه اتفاق آرایه احتیاج واردر .

بونظریه نیک تطبیقنده بر تفسیر دکل بر تعذر موجود اولدیغنی بیانه حاجت یوقدر . متمدن و مترقی بر مملکتده بر قانون ایچون اتفاق آرایی ایستیمک محالی تمی ایتمکدر . شوفکرده پک ایلری کیتمش اولان مشهور واتهل بوفکرینک نتایجی تماماً کشف و تخمین ایدرک واکثریتله اتخاذ مقرراتدن باشقه بر چاره اولمدیغنی کوره رک اقلیتده قالانلرک آرتق مقالهء اجتماعیه

مستنددر . بناءً عليه مشروطيته اداره اولونان بر مملکتده برده — ولوکه هر درلو معاملات اساسیه دولتی استیعاب ایده . مسون — محرر بر قانون اساسی بولونمق عمومی بردستور حالی آلمشدر .

بونلرك كرك ماهيت اصلیه لری و كرك تحمیل ایلدكلى مجبوریتلر نقطه نظرندن قوانین عادیهدن فرقلری چوقدر . قوانین عادیه ایله قوانین اساسیه آرسنده بویله بر فرق موجود اولدیغنی اك اول میدانه قویانلر اون یدنجی و اون سگزنجی عصرك حقوق طبیعیه علماسی ایدیلر . اونلرك نظرندهدولتك باجمله قوای مشكله سی ، قوای اساسیه سی بومنبعدن نبعان ایلیور ایدی . یالکزر قوه عدلیه واجرائیه دكل قوه تشریعیه بیله بو اصلدن نشأت ایدیور ، وظیفه و صلاحیتی بوااسمدن اقتباس ایله یورایدی . بونك نتیجه سی اولارق بوقانونلر قوانین عادیه یه مقدم وبونلره متفوق فرض اولونور و بناءً علیه قوه تشریعیه بیله بوکاتبعیته مجبور اولمق ایجاب ایدر ایدی . فی الحقیقه قوه تشریعیه قوانین اساسیه یی لغو وتعدیله غیرمقتدر اولدقدن ماعدا آنجق قانون اساسینك تعیین ایتدیکی اشكال دائره سنده وضع قوانینه مقتدر اوله بیلیر .

اون یدنجی و اون سگزنجی عصرده تعمم ایدن بودستور قانون اساسیلره برلایتغیرلك کسوه سی اعطا ایلیور ایدی . قوه تشریعیه طرفندن دخی تعدیله ایدیله مین بر قانون

دیگر ممالکده قوانین اساسیه محرره یوزندن اختلال ظهور ایتماسی ده بو مدعا به دلیلدر . مع مافیله رابط و یابس هر نه وارایسه بر قانون اساسی متنه صیقیشدیر یله بیله جکی ادعاسی ده سخیفدر . علی العموم قوانین مکتوبه کی مکتوب قانون اساسی ده هر درلو احتیاجی تسویه به ، هر درلو امور و مشکلاتی رفع و دفعه کافل و قادر اوله ماز .

بر ملتک هر دم متبدل و مترقی اولان حیات عمومی سی لایتبدل بعض دستور لرك قوالیب و کلماتیله زنجیر بنداسارت اوله ماز . حیات مملکتده لفظدن بشقه معنائک ده تأثیر کلیسی واردر . قانون احوال و معاملات بشریه نك میلیونده برینی استیعاب ایده من . بناءً علیه متون و عاده کنیش بر میدان بر افاضه ایکی نتیجه دن بری ظهور ایدر : یا عادات ، متون و عبارات قانونیه به رغماً بر موقع مخصوص اشغالنه موفق اولور که آمریقا ده الیوم بو حال جاریدر . زیرا اوراده عادات قانون اساسی بی ا کمال و تمام ایتمیور . بلکه احکامنی فعلاً تعدیل ایده جک مرتبه ده غلبه چالمشدر . و یا خود بر موقع مخصوص اشغالنه موفق اولماز . او وقتده قانون اساسی عملمانده و عاطل قالیر ، ایشلیه من بر ما کنه حالنه کلیر .

۱۵ مکتوب قانون اساسی لرك تابع اولسی ایجاب ایدن شرائط . —

زمانزده انگلتره ، مجارستان ، مکلمبورغ عرا ندوقه سی استئنا ایدلدیکی حالده همان هر دولتک مکتوب بر قانون اساسی می واردر . بالاده کی دولت لرك بیله تشکلات اساسیه سی قسماً متونه

فرانسه‌ده سیاسی فرقه‌لرک انکلترویه نظر آدها زیاده متفرق و متشتت اولدیغنی ده نظر اعتباره آلمق لازمدر . فرانسلر بر حکومتک شکلنه متعلقک اساسلی شیلری بیه تنقید و موأخذده تردد ایتمز و بوکبی مسائلی آزچوق وضوح و قطعیت ایله تذکر ایتمکدن چکنمزلر . انکلزلر ایسه دها زیاده کندلی اینشیرینه باقهرق پولتیقه‌یه او قدر کندیلرینی قاپدرمازلر . و بوکبی مسائلی رجال معدوده و ممتازیه ترک وحواله ایدرلر . مع مافیه انکلترویه بیه فرقه‌لر اسکی درجه انتظامنده قالماش، بو نقطه نظر دن حاصل اولان انتظام صوگ زمانلرده مختل اولغه یوز طوتمشدر . او درجه‌ده که شمدی اوراده دخی مکتوب برقانون اساسینک لزومی حس ایدن ارباب تألیف و رجال سیاسییه ظهور ایتمشدر .

فرانسه‌ده بک چوق اختلاللر ظهور ایتمسی و شکل حکومتک صیق صیق تبدله اوغرامه‌سی حقوق اساسیه مکتوبه بیه بک زیاده اهمیت ویرلدیکندن ایلری کلکده اولدیغنی بعض کیمسه لرجه ادعا ایدلمکده و بناء علیه مکتوب قانون اساسی یه مالک اولان مملکتلرده آسایش و حضور قالمیه جنی استدلال اولنقمده ایسه‌ده بو طرز استدلال موافق حال و منطق اولمدیغنی ادانا ملاحظه ایله آکلاشیلور . اختلاللرک وقوعه کللی قانون اساسیلرک یوزندن دکدر بالعکس هر اختلال وقوعه کلکجه قانون اساسی تحریری لزومی حس ایدلمشدر . یعنی قانون اختلالی دکل اختلال قانونی تولید ایلمشدر .

اولنور . بالخاصه حکومت مطلقه مساعدات و امتيازات اعطاسنه مغلوباً مجبور اولدبني و ملتک جبراً استحصانه موفق اولدبني حقوقک تأييدي لازم کلدیکی زمان مکتوب بر قانون اساسی به شديد احتياج حاصل اولور .

بو تفصيلاتدن آکلاشيلبور که هر ايکی طرفک قوتلی دليللری ، ضعيف نقطه لری وار . نظريه لرك هر برنده پک چوق حقایق مند مجدر . اساساً بو دعوايی صرف تفکرات و محاکات ذهنيه ايله حل ایتکه قالقيشمق ، يالکز نظريات ايله اکتفا ايدرك فعلياتی نظر دفته آلامق جائز دکلدر . بو اختلاف هر قومک مزاج و طبيعته احوال اقليميه سنه ، دوچار اولدبني ايجابات و الجآت سياسيه به کوره تبديل حکم و معنی ايدر . انکلير قومی مهمجه عادات و تعاملاته آيشمش ، بومهمیتی کنديسی چون بر فائده عد ایدیور . زیرا بوضورتله بو عاداتک هم محافظه سی وهم تعدیلی قولای اولیور . انکلير لرقیات و تکاملات تدریجیه به بو طرزى دهامساعد بولیور لر و بو اصولک حائر اولدبني الاستيقیت وشک و تردد کندیلرینی مشکل موقعه صوفیور . فرانسر لرایسه تحصيل حقوق و قوانینه پک آیشیق و اوتنه دن بری روماحقوقنی تدوين و تدقيق ایتکه مألوف بولندقلرندن وضوح منطقی بی و بناء علیه عبارات و متونی پک زیاده سورلر و عادات و تعاملاتک شکل مهمیتدن چيقه رق شکل صراحت تحریریه اخذ و اکتساب ایلسنی ، قوانین مدونه شکلنه وضع اولنسنی بیوک بر خطوه ترقی صایار لر . بسبتون حقسنزده دکلدر لر .

آمریقادده ره بوبلیقهن و ده موقراط نامیله ایکی مهم فرقه  
 مناوبهٔ رأس کارده بولنورلر . اون بش سنه دن بری هپده  
 ره بوبلیقه نلر حکم سورییور . تروستلرک مملکته ایقاع ایده جکی  
 تخریبات اوزرینه بر سنه صوکره کی انتخاباته یینه ره بوبلیقه نلرک  
 محافظهٔ اقتدار ایتملی مشکوکدر . مکرکه تعدیل مسلك ایده لر .  
 حقوق اساسیه ده تعامل طرفدارانی اولانلرک بو نظریاتنه ،  
 حقوق مکتوبه و صریحه طرفدارانی غایت معقول جوابلر  
 ویریورلر .

قوانین اساسیهٔ مکتوبه نكده طرفدارانی پك چوقدر .  
 بونردیورلر که قوانین اساسیهٔ مکتوبه ده اکه مهم ماده لر برصراحت  
 مفیده و مقبوله ایله محرردر . قوای حکومتک هر بری نه کبی  
 صلاحیت و وظیفه ایله مکلفدر ؛ بونلرک حدودینی لایقیله تعیین  
 ایدر . بوسایه ده قوای مختلفهٔ حکومت آره سنده ظهوری ملحوظ  
 اولان تشوش و تعارض زائل اولور . علی الاکثر مشکوک  
 و درجهٔ تنوذ و تأثیری جای تردد بر عاده تبعیتدن متولد محاذیر  
 قوانین محرره نك صراحتی ثمره سیله زائل اولور . باخصوص  
 انقلابات و اختلافات سیاسیه دن صوکره صریح و مکتوب برقانون  
 اساسی نتایج حاصله یی تجسم ایتمیرمک ، میدانه وضع ایتمک کبی  
 محسناتی ده موجب اولور . بوصورتله احراز ظفر ایدن فرقهٔ  
 سیاسیه نك غلبه سی برکسوهٔ انتظامه کیرر . مغلوبلرک حال جدید  
 دولته اطاعتلی ، غالبلرک اعتدال ایله حرکت ایتملی تأمین



انكلتره نك كوستردىكى مثال بو خصوصده پك مفيد بردرس تشكيل ايدر . شمديكى شكل حكومتى ۱۳ نجى ، اون بشنجى و اون سگزننجى عصر لرده كى طرز اذاره دن پك فرقليدر . بونكه برابر دبده مخصوصه ايله نشر و اعلان ايدلمش هيچ برمطنطن قانون اساسى يوقدر كه اصول قديمه نك شو يولده تعديلاته دوچار اولديغنى صراحةً و مفصلاً تعين اتمش اولسون . قرالك صلاحيتى تحديد ايدن ، لوردلر قاره سنك نفوذى تنقيص ايلين ، مملكتده اقتدار حقيقى نى عوام قاره سى ايله هيئت و كلايه توديع ايدن سائق و محرك اعتيادات سياسيه دن باشقه بر شى دكلدر . انكلتره ده ديكر مهم بر عادت سياسيه تقرر ايتمشدر كه بونك ممالك سائرده امثالى - آمريكا استئنا ايديليرسه - هان هيچ يوقدر . مملكتك قوه سياسيه سى محافظه كاران ( تورى ) ايله احرار ( ليبرال ويا ويغ ) آره سنده بر انتظام و تناوبه اوغرا مشدر . برى سقوط ايدر ، ديكرى راس كاره كچر ، اوزون مدت محافظه كارلر راس كارده قالوبده مملكتده ترقيرورلكه جزئى برسكته عارض اولديمى در حال عكس العمل آتارى مشا . هده ايديلهرك فرقه احرار راس كاره كچر . كذلك بونك عكسده احرار براز ايلرى آتليدي مملكتك طبيعت احتياط پرور . انه سى انكشاف ايدرك محافظه كارلر لهنه بر توجه عمومى حاصل و تكرار محافظه كارلر مقام حكومه واصل اولورلر . انكلتره نك اك بيوك قوتلرندن بريخده ايسته بوفرتلر آره سنده كى موازنه تشكيل ايدر .

ومشروطيته عائد احكامى هپ اومنبهه ارجاع ايتدير مكدوده .  
احكام شرعيه مليه مزك بر قسمى حقوق مكتوبه به ادخال  
ايدليكي كبي ديكر بر قسمى ده عرف وعادته فقط عرف وعادات  
شرعيه به ارجاع ايدلك مقتضيدر . هر حلاله حقوق اساسيه  
عثمانيه نك حين تدقيق وتذ كرنده بومنبع مهمى بالخاصه تعميق  
ايتهمز اقتضا ايدم جكنندن بو نقطه به شمديدن عطف اهميت  
ايدلمى ايجاب ايدر .

۹ قوانین اساسیه مكتوبه و عرف و تعامل . — بر ملكت ايجون  
 قوانین اساسیه مكتوبه به مالك اولقمى ايدر ؛ يوقسه عرف  
 و تعامل ايله اداره اولنقى ؟ بو بحث بين المؤلفين بك زياده  
مناقشاتی دعوت المشر .

بعضیاری شك و تردده، سوؤ تفسیره اك آز ميدان ویرمسی  
 لازم كنن حقوق اساسیه ده دخى اك بيوك اهميت و موقعك عرف  
وعادته بر اقلمسی لازم كله جكي فكرنده درلر . زیرا احوال  
جمعيته متادياً حصوله كنن تحولات بطيه و تدريجيه نك استلزام  
 ايدليكي متادى و فقط حس اولنجه جق درجه ده خفيف  
 تعديلات آنجق بواصول سايه سننده استحصال اولنه بيلور .  
 بوسورتله ملتك تحولات تدريجيه سيله قوانينك — كه بوراده  
 مقصود قوانين تعاملیه در — اشكال خارجيه و معدله سی  
 آره سننده بر آهنگ خوشجریان حاصل اولور . انقلابات عظيمه ،  
 اختلافلار، سفك دمايى موجب مقاتله لر بوسايه ده بر طرف ايديلور .

مجلسی و یا حکم‌داری تعیین اتمز دولت‌ر آره‌سندده منعقد بر معاهده نامه او مملکتک شکل حکومتی تعیین ایدر . بالقصان حکومتک قسم اعظمی بو جمله دن اولدینی کبی انکلتزه نک ده قوانین اساسیه‌سندن بر قسمی معاهداته مستنددر . ۱۷۰۷ ده استوقچیا و ۱۸۰۰ ده ایرلانده ایله منعقد معاهدات بو جمله دن صایلیر .

ینه منابع حقوق اساسیه دن بحث ایدر ایکن بالخاصه ممالک اسلامییه معطوف اولق اوزره احکام شرعییه ذکر ایتک ایجاب ایدر ، دولتمتک شکیلی ، قوانین عمومیه من همان دائماً بر اصله ارجاع اولتمتده درکه اوده شرع شریفدر . تنظیمات خیره دن مقدم باشلیجه بر قانون اساسی یوق ایکن احکام شرع شریف اک مشکل ومهک زمانلرده بر ملجأ وبر پناه عد ایدلیکی کبی سلطان مجید دوری رجالی دخی کرک تنظیمات خیره بی و کرک مؤخرأ اصدار ایتدکری فرمانلری هپ اواصل-  
الاصوله استناد ایتدیر مشلردر . ذاتاً بو مملکتده باشقه درلو یایغه امکان یوق ایدی . زیرا امور سیاسییه ومذهبییه سی اک زیاده لاینفک اولان ممالک ، ممالک اسلامییه در . اسلامیت قیصره عائد اولان شینئی قیصره اعاده ایدیکنز دستورینی وضع ایتمش دکلدر . ایوم معمول به اولان ۹۳ قانون اساسی معدلی دخی بو اصلدن انحراف ایتدیکنی مناسبت دوشدکجه تصریح ایتدکه و کرک مقام خلافته و کرک محاکم شرعییه و کرک اصول مشورت

شکل اساسیستند تکرر ایدرک عامهجه مظهر قبول اولان بعض حرکتر بالاخره قانون حکم و قوتی احراز اتمکده در .

اساساً عرف و عادت جمعیتک ظهوریله توأمدر . انسانلر اک کوچک بر قبیله حالنده ایکن دخی البته کندیلرینی اداره ایچون بعض اصول و قواعد تابع ایدیلر .

قانون اساساً هر شیئی استیعاب ایدمز. واضع قانون نه قدر بصیرتکار و وسیع النظر اولورسه اولسون ینه تمامدی الظهور اولان وقایع و شئون متنوعه و بی نهایت عالی کاملاً استیعاب و احاطه ایدمز اونک ایچون معاملاتی قوانین ایله اک زیاده تحت انضباطه آلنان مملکتلرده بیله ینه تعامل و عرف و عاده دها واسع بر میدان بر افاق ضروری اوله کلشدر .

بو سببله : قانون اساسی ایله دولتک شکل و وضع اصلیمینی اک اوفق تفرعاته وارنجهیه قدر تعیین اید بیلیمک ادعاسی هیچ بروقت وارد اوله ماز. قوانین اساسیه سی اک مکمل اولان دولتلرده بیله قوانین محرره و مکتوبه مطلقاً عادات و تعاملات ایله مترج بر حالده بولنقددر. یالکیز بعض مملکتلرده قوانین مکتوبه جهتنه بالنسبه دهازیاده اهمیت ویرلمش، دیگر بعضلرنده قوانین مکتوبه یه او درجه رعایتیه لزوم کورلما مشدر. بونلرک برنجیسنه فرانسه یی مثال کوستر بیلرسه ک ایکنجیسنک مثالی ده انکلتره اولور.

حقوق اساسیه منابعدن بحث ایدرکن معاهداتی اونوتماق ایجاب ایدر. بعض مملکتلرک شکل حکومتی او مملکت اهالیسنک

تابع اولديني کبي ديگر بر نقطه نظر دن ده قابل تقسيمدر . شويله که بر قسم قوانين اساسيه خارجاً بر و فقط داخلاً متعدد اولور . بعض حکومت متحده نك روابط اساسيه سني تعيين ايدر . آمريقا حکومت متحده سنك ، آوستريا و مجارستانك قوانين اساسيه لري بوجه دندر . ديگر قوانين اساسيه که اکثرتي تشکيل ايدر داخلاً و خارجاً حائز وحدت تامه اولان حکومتله عائد اولور .

قوانين محرره اساسيه نك نشر و اعلاني ايسه پك يكي بر اصولدر . ازمنه قديمه ده صرف شکل حکومته عائد قانونلر نشر و اعلاني معتاد دکل ایدی . فرانسه اختلال کيرينه کنگجه به قدر بحق قانون اساسی ، ( محرر و مکتوب ) دنمکه لایق بر بر قانون عمومی - آمريقای شمالينک پك يكي اولان قانون اساسی . مستثنا اولمق اوزره - نشر ايدليکي يوقدر . انکلتريه بيله مشروطيت اداره به تابع اولديني حلاله فرمانلر ، عادتلر ، معاهده لر اصولنه تابع و بويله هر جهتي جامع بر قانون اساسيدن محروم ایدی حالاده بوندن محرومدر .

عرف و عاده کنگجه : بو منبع بالجمله قرانينده اولديني وجهله حقوق اساسيه ده دخي غايت مهم ، الک مهم بر يري اشغال ايدر . ديه بيليرزکه قرانين اساسيه ده اصل اولان ينه عادتدر زيرا عادت قديمدر ، حقوق مکتوبه ايسه حاندر عرف و عادت کتب فقهيه ده دخي تعريف ايدليکي وجهله عقول سليمه اصحابنک تلقی بالقبول ايلدکاري امر مکرردر . بناء عليه دو اتملرک حياتنده ،

ایدر و قانون جدید موجباً تکرار انتخابات اجرا ایدیلهرک  
 بو دفعه حاکمیت ملیه اساسنک روحنه بحق موافق بر مجلس  
 تشکیل ایدلمش اولور .

۱۷۸۹ ده تشکیل اولنان فرانسه مجلس عمومی بر مجلس  
 قوانین ایدی کذلک فرانسه ده کی ۱۸۷۵ قانون اساسی ینه  
 بویله بر مجلس طرفدن تنظیم ایدلمشدر .

شو حالده بر قانون اساسی نظریات حقوقیه به تماماً توافق  
 ایدیه بیلیمک ایچون بویله بر مجلس ملیدن صادر اولمیدر فقط بو  
 قاعده هر وقت جای تطبیق کورمامکده اولدیغندن طوغریدن  
 طوغری به حکمدار طرفدن نشر و اعلان ایدیلن قانونلردخی  
 بعض قیوده تابع اولمق ایجاب ایدر فرضاً صورت تعدیلی دیگر  
 قوانینه بکزه مز و بکزه ماملیدر. حکومتک تمل طاشنی تشکیل  
 ایدر بر قانون سلمه السلام تعدیلاته دوچار اولورسه بنای حکومت  
 ایکیده بر منهدم اولمق تهلکه سنه معروض قالیر .

قانون اساسیلرک بعضیسی، بر دولتک مجدداً بنیاتی تأسیس  
 ایتدیکی حالده دیگر بعض قوانین اساسیه ذاتاً بنیاتی، شکلی  
 موجود بر دولته بر وضع جدید اعطا ایدر. آمریقانک آلمانیا  
 ایمپراطورلغنک قوانین اساسیه سی برنجی قسمه، دیگر پک چوق  
 قوانین اساسیه و از جمله قانون اساسی عثمانی ایکنجی قسمه  
 ادخال ایدیلور .

قوانین محرره اساسیه بو نقطه نظر دن بر تفریق و تقسیمه

بو نقطه نظر دن حقوق اساسيه نك منابعي باشليجه ايكي مهم  
 قسمه آريله بيلور (١) حقوق و قوانين مكتوبه (٢) عادات  
 و تعامل . بو ايكي منبع آره سنده باشليجه مدار تفريق و تميز  
 شودر : حقوق محرره ويا مكتوبه آنجق آنلره مشابه ديكر  
 بر قانون ايله صراحة فسخ ايدملك صورتيله حكملريني، قوه  
 تنفيذلريني غائب ايدر ، عادات و تعاملك حكمدن سقوطلی ايسه  
 بام باشقه در .

حقوق و متون محرره به على العاده قانون اساسی ، فرمان  
 اصلاحات ، تنظيمات کي ناملر و يريلير قانون اساسی بر ملتک  
 حقوق سياسيه سني، شکل حکومتی و بو حکومتک مرکب اولدینی  
 دوائر عموميه نك تنسيقات و تشکيلاتی تعيين ايدن برسند ، بر  
 بر عهدنامه در . قانون اساسينک دها نافذ ، دها مؤثر ، دها  
 عمومی بر معنایي حائر اوله بيلمسی ایچون شکل و افاده جه ديكر  
 قوانين متندن بر از دها فرقلی اولسی اقتضا ايدر . فرضا او  
 قانونی اصدار ايدن مجلس ، مجلس تشریعی دن بشقه اولمليدر ،  
 اکثر مملکتلرده قانون اساسی بی ده ملتدن ، ملتک نوایی اولان  
 مبعوثلردن تلقی ایتک ایچون بر قانون اساسی مجلسی تشکیل  
 اولونور . (Assemblée constituante) اول امرده ملت بو  
 مجلسک اعضاسنی تعیین ايدر . بو مجلس مملکتک احوال  
 و مشوارينه توافق ایده جک بر قانون اساسی تنظیم ایلدکن  
 صوکره وظيفه سنه ختام بولمش نظریله باقهرق تعطیل مذاکرات

بو سبيله بلونجی نك تشریح ایتدیكى نظریه بی حقیقت دكل  
 بر معذرت فرض ایده بیلورز. بشریت شمذلك باشقه درلو  
 یاهه مدینی ایچون بوکا اغماض عین ایدر. آنجق بونظریه هیچ  
 بر زمان مقصود بالذات اولماز واولماملیدر حقیقت اخلاقیه الجای  
 زمان واحوال ایله دیکشمز. بردر، قطعیدر، لایتغیردر. یالکز  
 طرز تلقی دیکشیر. زمان حاضر ایسه بوقدر تام حقیقته متحمل  
 دکلدر. بناءً علیه فعلاً ایش باشنده بولنانلر زمانلرینی دوشونمیه رک  
 زمان حلولی دها یک اوزاق اولان سعادت مطلقه و بالطبع  
 حقیقت تامه دورینه کوره اتخاژتدابیر ایدر لر ایسه حقیقتی خیاله  
 قلب ایش وخیالات آرقه سنده قوشان هرکس کی کندی نفسلرینی  
 ونفسلریله برابر مملکتلرینک منفعتی تهلکه کیه القا ایتش اولور لر.  
 پراتیق پولتیقه تعقیب ایتلی (Utopiste) خیالپرور اولماملیدر.  
 سوسیالیستلرک مسلکی ایشته بونک ایچون ایوم فائده یرینه  
 مضرت تولید ایلور و آنارشویستلرک حدوشنه بادی اولور.  
 ۸ حقوق اساسیه نك منابى. -- حقوق اساسیه سائر  
 اقسام حقوق کی حقوق طبیعیة سیاسیه ایله حقوق موضوعة  
 اساسیه یه انقسام ایدر. ایکنجی قسم برنجی یه نه قدر یا قلاشیرسه  
 اودرجه تکمل ایلر. زیرا حقوق طبیعیه عقل سلیمدن و وجداندن  
 اقتباس انوار ایدر مع مافیة بز بومبجئده یالکز حقوق موضوعه  
 اساسیه دن بحث ایله اکتفا ودولتک تشکلات تاریخیه سی و حقوق  
 طبیعیه عالمنده کی موقعی حقه نده کی تدقیقا تمزی دیگر بر مبحثه  
 تعلیق ایلرز.



و بدبختی در. قواعد حاضره هنوز بین الدول حقیقت اخلاقیه نك  
 تمامیه تطبیقه مساعد دکلدر. ازمنه قديمه ده ، قرون وسطاده  
 وحشت حکمفرما اولدینی زمانلرده ، شیمدیکی قواعد  
 دولیه بی تطبیقه قالیشان بر حکومت محافظه موجودیت بیله  
 ایده مز ایدی. اسرا ، اموال حرب ، غنیمت و سائره حقیقده  
 ایوم مدار افتخارمز اولان قواعدی ، اوج عصر اول بر  
 حکومت یالکز باشنه اجرا هوسنه دوشسه ایدی ازیلور ،  
 مضمحل اولور ایدی. اونک ایچون او حکومت اطراف و محیطنه  
 تبعیت مجبوریتنده بولنور ایدی شمدی ده فرضاترك-الاح ویلاهی  
 حکم محکمه سنه مراجعت شبهه یوقدر که اخلاقك صوك درجه توصیه  
 ایتدیکی بر تدبیر مستحسندر. فقط هانکی بر دولت بویاده اوک ایاق  
 اولغنی کوزینه کسدره پیلور بر دولت بوینه بر علو جناب ابرازینه  
 و درس اخلاقی اعطاسنه تشبث ایده جک اولور ایسه موجودیتنی  
 غائب؛ ایدر زیرا سعادت اقوامه خدمت ایده یم دیرکن ملکتنک  
 محو و پریشانیسی احضار کی دیگر بر در که به دوشمش و بناء علیه  
 حرکتی ینه ایسته بو نقطه نظر دن ، وجدان عامه تقبیح  
 و حتی تلغین ایتمش اولور. بشریت بر کلدر ، بر هیئت عمومیه در.  
 یالکز بر فردی ، رجزئی ترقی ایده مز. هیئت عمومیه بر دن  
 ترقی ایدر. آیرلق ، پک ایلری آتلق ایستین تاثیر محیطدن  
 آزاده قالمغه ساعی اوله رق کندی غیرتی قیرار. اخلاق سیاسیسه ده  
 بویله در یالکز بر حکومت و بر قوم اخلاقك تعقیب ایتدیکی  
 غایه عالییه وصوله چالیشه ماز .

استثنائره طریق امکان بولیور. جنایت بر مملکتی ظلمدن قورتاریر و او مملکتک ظلمدن قورتیلیمی ایچون باشقده بر چاره بولمازسه و باخصوص او ظلمک دوامی مملکت ایچون ظالمک اتلافتدن دهها زیاده داعیء فلاکت اولور ایسه حاصلی حکیم شهر اسپینوزانک دیدیکی کبی «قودورمش بر کوبکدر اولدیرک.» دیمک ممکن ایسه تاریخ او جنایاتی معذور کوریر. [\*] شبه یوق فنا برایشک سعادت عمومبه یه خادم قیلنمی کبی بر مقصد صریح ایله اجرا ایدیلن بومعامبهء استثنایه تهلهکه دن عاری دکدر. قیزغین قفالی بر آدم کندینی بیوک بر منجی عد ایلدیکی حاله وجدان عامه آکا مکروه بر جانی نظریله باقه بیلور. جنایت اک تهلهکه لی بر واسطه در. قیصرک قتل بیله او وقتک جمهوریتی تخلص ایده مامش، بالعمکس روماعلمنی انحطاطه، استبداده سوق ایلشدر.

فکر زمانه، محیط حاضره کوره محاکمه ایلدیکی تقدیرده رد وانکاری قابل اولیمان بو طرز استدلال حقیقت محضه عد اولناملیدر. شبه یوقدر که سیاسیات حاضره ایچنده یو وارلانان بر کیمسه یوقارودن بری تفصیل ایدیلن خط حرکتدن براز شاشنجه هم کندینی، هم مملکتی حفرهء مصیبه القا ایدر. زمانک آدمی اولمق ایجاب ایدر. محیطنی - ولو که عالی بر مقصد ایچون اولسون - یرتوب ایلری آتلق بادیء فلاکت

[\*] ظلمه قاوشو مقاومت بحثنه مراجعت

طرفدن ويريلن مقدس امرلر بيله بو خونين جناياتي نظر عامه وتاريخده تميزليه مامش وطن وحریت نامنه ارتکاب ايديلن ۱۷۹۳ دهکي ايلول قتللريني — انقلاب عظيمه خدمتي ادعا ايدنلر اولديني حالده — هيچ بر صاحب انصاف معذور کوره مامشدر. قتل او قدر مهلك و او قدر کوتو عد و اعتبار اولمشدر که بونک واسطه اوله رق اتخاذه بيله هيچ بر مؤلف مساغ ويره ميور .

بونکله برابر بو قاعده نك هيچ بر استثنا قبول ايتسه نمانكان يوقى ؟ تاريخ بزه اويله سياسى قتللر کوسترييور که اك عالى متفكرلر بيله بونلرى تقييحه جرات ايدمه ميورلر. حتى بعضا تصويب بيله ايدسيورلر. بر چوق آغير باشلى آدملر واردر که قيصرى قتل ايدن (بروتوس) ايله هم فکدرلر. کذلک روسيه امپراطورى برنجى پولک قتلنى بر ضرورت سياسيه عد ايدسيورلر هولوفه رنى قتل ايدن ژوديت ومارايى قتل ايدن شارلوت قورده؛ قدح دکل، مدحه مظهر اوليورلر. شاعر شهر شيللر اوستريالى واليى قتل ايدن اسويچره لى قهرمان (کيوم تل) ايچون شانلى بر پيس بيله يامش. بونکله برابر دردنچى هازرى بي اولديرن راواياق ايله آمريقا رئيس حکومتى (لينقوله ن) ک قاتلنى هر کس تعيب ايدسيور .

شوحالده تاريخک ويرديكى حکم بر فرق کوزه ديور. مقصد واسطه يى مشروع قتلار قاعده سنى تصديق ايتماکله برابر بعض

نسبتسز ویا ایلیسکدن زیاده فبالغه منجر اولان برواسطه  
 هر وقت سز اوار قدح و تعییدر. فرضا وجدان عامه عهدنده  
 خلف ایدن وحانت اولان کیمسه بی دایماید آ تویسخ ایدر.  
 شرائط تسلیمی پامال ایدن مظفر بر قوماندان کبی. زیر او بریلن  
 سنده رعایت انتظام عالمک، آهنگ بشریتک مفتاحیدر. بر  
 دولتک بویله بر عهد شکنلکدن استحصال ایده جکی فوائد  
 خصوصیه بو قدر مدهش ومصیبت انکیز برسوء مثالدن حاصل  
 اوله جق عمومی بر فبالغه قات، قات فائقدر. فقط بوکا مقابل  
 افکار عمومیه دولت ایچون مضر اولان بر معاهده نامه نک  
 عدم اجراسنه نظر مسامحه ایله باقار و بر غالبک ویردیکی سوزه  
 عدم رعایای ایله بر مغلوبک تعهد الیمینی عدم اجراسی اره سنده کی  
 فرقی تعیین ایدر. اساساً افکار عمومیه ظاهر بیندر ویا لکنز پک  
 صریح اولان کذب و اغفالدن تنفر ایدر بویوک فره دریق بر  
 فرد اولمق حیثیتیه دایما ویردیکی سوزه رعایتکار اولدغنی  
 و فقط حکمدار صفتیه ناموس ذاتینسی سلامت عمومیه ایچون  
 ایجاب ایدر سه فدا ایده بیله جکنی دایما تکرار ایدر. [ و بونی  
 فعلاً ده دفعاتله یامشدز ]

دنیاده هیچ بر جنایت یو قدر که قتل نفس قدر قبیح اولسون.  
 قاتل سلامت دولت کبی بر معذرت ایله دامننی تطهیره چالیشسه  
 بیله ینه وجدان عامه آنی عفو ایتمکدن امتناع ایلر. سن بارتلی  
 قتل عاملرینک خاطره سی تذکیر ایچون پاپا اون دردنجی غم غوار

منفرداً فنالق کورینن برشی هیئت عمومی ایله مناسبت و علاقه پیدا ایدنجه ایلیک اوله بیلور. الیریکه فنالق مغلوب ایدلمش و ایلیکه خادم قلمش اولسون .

هوسات و احتراصات ذاتیه انتظام قدسی جهان ایچون الزم اولدینی کبی دولتک ترقیسی ایچون ده الزمدر . قلمزدن هر درلو خیر دکاملنی ، منفعتپرستلیکی ، غروری ، املی سوکر ایسه ک بشریتی تحریک ایدن پک جسم سائقتری کو کندن ییقمش اولوروز . ایلیک دنیلن شی ده تناقص ایتمش اولور . وطنپرورلک حسنده کوردیکمز فضیلت مردانه دائماً بو هوسات و احتراصاتک بعضیسنه قاریشیر . مسکوکاتده خلیطیه نه قدر احتیاج و ارسه فعلیات سیاسییه دده بوکا اودرجه محتاجز .

« بردولت آدمیک بالنسبه ناپاک بعض مظاهر تدرن مستغنی اولسی کنديسندن طلب ایديله مز . الحآت ضروریه نك تضیقنه تابع بر حکمدار اعتباری نقصان و فقط دولته خدمات مهمه ابرازینه مستعد بر ناظری ردایتمه سه مؤاخذه اولملمیدر ؟ کذلک حکمدارک ضعفی و یا حرصی خیره صرف ایتمک صورتیه موقع استفاده یه وضع ایدن بر ناظر تعیب ایدیلور می ؟ فقط فنالق هیچ بر زمان حاکم و نافذدکل خادم و تابع اولملمیدر ؛ بناء علیه ایلیکه غلبه ایتمه سنه صوک درجه اعتنا و غیرت ایتمیدر فنالق ایلیکک مشوقی اوله بیلور صورت قطعیه و محققه ده تابع اولمق شرطیه .. بو صورتله تحدید ایدلسه دخی بو اساس و قاعده مخاطره دن خالی دکلدز و سفسطه و سوء تفسیره میدان ویره بیلور .

و ام نقطه نظر نندن فنالق دینین شینک ماهیت و حقیقتنی تعیین  
ایتمک ایجاب ایدیور .

« فنالق آنی ارتکاب ایدن شخصه نظراً باشقه و حیات عمومیّه

بشریته نظراً ینه باشقه بر شکلده عرض چهره ایدر جرمی

ارتکاب ایدن مجرمه نظراً فنالق اولان شیء ایلیکک بر شرط

واجبی کی تظاهر ایدر و بو حیثیتله کل و عموم ایله اولان ارتباطه

نظراً بر ایلیک اولور ایلیکده واقع اولان هر بر ترقی فنالغه

قارشی احراز ایدلمش بر ظرفدر ناصل که خطانک امکان وجودی

مدقتی تحریء حقایقه سوق ایدیور جهانده کی فنالق دخی هر

درلو تکمل اخلاقینک شرط ابتدائیسیدر [هر شینک نسبی

اولدیغنی و فنالق اولسه ایلیکک قدری اوله میه جغنی و بودنیانک

حقیقی بر دار امتحانندن باشقه بر شیء اولدیغنی مؤلف بوراده

الفاظ و اشکال ایله قصد ایتمک ایستیور ] . «

مؤلف هیئت عمومیّه انسانییه نظراً درپیش ایدلمک ایجاب

ایدن نقطه اساسیه فنالغک ایلیککه آلت اولمسندن عبارت اولدیغنی

ویالکیز تصویبه شایان مقصد ایله تقییحجه سزاوار واسطه بی تفریق

ایجاب ایده جگنی و هر حالده فنالغک ایلیکک زیر حا کیمتده

و ایلیککه تابع بر عنصر اولسی لازم اولدیغنی بیاندن صوکره نظریه .

سنی شو صورتله توسیعه دوام ایدیور :

« نظام عالم ایچون تشریح ایتدیگمز حقیقت دولته ده قابل

تطبیقدر . زیرا دولته برکلدر و کندی باشنه بر عالمدر بوراده ده .

مطبوعات تشیعلر تقییحلر یاغدی رییور و امضاسنی یا لایان حکومت عاجز ایسه جزاسنی ده کورییور .

۷ اخلاق و منفعت عمومیہ . — بوراده استطراد قیلندن بر بحث مهمه لزوم کوریلیمور . جزویتلرک ، مقصد هر درلو وسائطی مشروع قیلار دبه، وضع ایتدکلری قاعده عمومیہ بی کافه اخلاقیون و علوم سیاسیہ اربابی قطعاً رد و تقییح ایتدکلری حالده ینه منفعت عمومیہ حکمت حکومت، ایجاب حال و مصلحت کبی سوزلر بین الناس دائماً زبانزد دره؛ حتی مجله ده — ضرر عامی دفع ایچون ضرر خاص اختیار اولنور — دییه بر قاعده کلیه من موجود اولدینی معلومدر . ماکیاومل ده ایلری کیده رک « منفعت و سعادت عمومیہ دولت آدمک هر درلو جنایاتی معذور قیلار » دییور . ماکیاوملک بو مفروضوزینی قواعد حاضره قبول اتمه مکله برابر فعلیاتده حکمت حکومت و منافع عمومیہ اوغورنده ارتکاب ایدیلن منافی اخلاق بعض افعال و حرکاتی نظر عفو و مسامحه ایله اورتیور . تألیفات سیاسی ایله معروف آلمان مؤلفلرندن بلونچلی حکمت حکومت بختنده ایضاحات آتیہی ویریور :

« حکمت حکومت بوش بر کله دکلدرد . تاریخک ویردیکی حکم کوسترییور که اکثریا حکمت حکومت اجرا ایدیلن افعال و حرکاتک قبحنی تخفیف ایدر و افعالی موافق اخلاق کبی کوسترد . بوفرقت نه دره؛ ایشته بوراده نظام عالم و انتظام اقوام

مدنیت ایلیدیکجه ، افکار انسانیتپرورانه تعمیم ایلیدیکجه دولتلرک مقصده و اصول ایچون استعمال ایلیدیکری وسه نط دوزه لیور ونظریات اخلاقیه نك قبوله دهها زیاده میال بولندی اشکال مقبوله اخذ ایلیدیور. زمان قدیمده یونانیلر، رومالیلر دشمن عد ایلیدیکری اقوامه قارشى هر حرکتی جائز کوریرلر ایلی؛ سلاجسز مغلوبلری اولدیرمک کنیدیلرنجه بروطفه ایلی. اسرای حرب آلتوب صاتیلور، شهرلر کویلربی لزوم اوله رق احراق بالنار ایلیلور ایلی. بو عادات حربیه بلکه ایکی عصر اولنه کلنجه به قدر شر قده سیله تعامل مقبول حکمنده ایلی. فقط شمدی بویولده حرکت ایتمک جرات ایدن بر قوماندانه شتی وجانی نظریله باقیلور وجدان مدنیت کنیدیسی لنت ایله یاد ایدر .

قرون وسطاده آوروپاده اعتقادیات بر مسئله ایلی اعتقادی بوزوق عد ایلیلر حقنده هر درلو تعدی و تجاوزه مساع و ار ایلی. خریستیانلغک اک بیوک تمثال اخلاقیسی اولوق اوزره لازم کلن پایا کفاره قارشو هیچ بر تهده هیچ بروعد اوله میه جفی دستوری وضع ایدر ایلی - که بودستورک تاریخ عثمانیده بک آجی نتایجی کورلمشدر - قانونلک اولمیانلره قارشو بینهک سیله حکمی اوله ماز ایلی. افکار عمومیه وجدان امت بونلری تقیم دکل بالمکس تقدیر ایدر ایلی زیر اطرز تلقی اویله ایلی. فقط او وقتدن بری حقیقت دیو کی آدیملر آندی. شیمدی بر پایا ، بر حکمدار امضاسنک حقنی ویرمز ایسه السنه



و بو حکومتلره دولتلك اعضاى مرثيه واشكال خارجيه سندن عبارت اولان حکومت آدملىرى و سياسيلر ايجون دم اولويتله اخلاقه او درجه اعتنا ايتملمسى كې بر تيجه ضربه چيقارمق اقتضا ايديور .

فقط بو اساس پك ياكلشدر . وقتيله ما كياومل بيله بو اساسى باشقه طرزده قورمنه چالشمش ، سياسياتده رجال سيا . سيه ايجون هر شى جائدر كې ، بر نظريه سخيفه وضع ايتمش ايدي فرده ريق كې سياسيات داخليله و باخصوص خارجيه . سنده قواعد اخلاقيه مبالاى اولميان بر قرال بيله ( Anti-machival ) نامنده كې اثرنده ( Le Prince ) نام اثرده كې نصايحي رد ايتمش و دولتلك نهايت انسانلردن يعنى طبيعتلىرى و ماهيت خلقى نرى سبيله اخلاقه تابع اولملى لارم كلن مو . جودادن ، تشكىل بر كل اولدقلىنى و هر كلك اجزاسنى تميز ايدن اوصاف ايله متصف اولملى لازم كله جكنى اثبات ايتشدر . مع مافيه اعتراف ايتليدر كه بيوك فرهدريق بو اثرينى يازدينى زمان هنوز برنس ايدي و مقام حكومهت كچر كچمنز منافع عموميه ايجون هر شئى تجويز ايدر اولدى ؛ فعلاً ما كياوه لك شا . كردى اولديبى حالده قولاً معارضى صاييله بيلير ايدي .

شبه يوق كه اخلاق ايله سياست بر بزندن آيرى شيلردر . علم اخلاق ايله علم سياستك ساحه شموللارى ، حدودلى باشقهدر ؛ مع مافيه بو ايكي فن آره سنده صيقي روابط ، متعدد تماس نقطه نرى موجود بولندينى ده غير قابل انكاردر .

ایدن سیاسیون بویله بر شیء فعلاً تجویز ایتسه لر بیله صرف  
 حقیقته خدمت ایله مکلف اولان ارباب فن و تألیف هیچ بر  
 زمان وجدان بشری لیکدار ایده جک بویله بر دستور فساده  
 تبعیت ایده مزله. مع مافیه حیات ایچون مجادله (Lutte pour  
 l'existence) قاعده سنی، خلقت عالمک صفحات متوالیه سنی  
 تدقیق ایده رک استخراج ایدن علوم طبیعییه منتسبلرینی بو نظر-  
 یاتک سلسله استدلالاتنده الی نهایت تعقیب ایدر ایسه ک صراحة  
 دکسه بیله ضمناً انسانلر آره سنده کی اخلاق قواعدینک افعال  
 و حرکات بشریه ایچون بر رهبر اوله میه جنی کبی بر نتیجه  
 معکوسیه و صولمز استبعاد اولناملیدر. افراد آره سنده تأمین  
 حیات و تفوق ایچون هر شیء مشروع کورن و اخلاقی خلقی  
 و طبیعی دکل انسانلرک محافظه بقا و دوامی ایچون تصنیع  
 ایدلش بر شکل و تکلف خارجیدن عبارت فرض ایدن پک  
 یکی بعض حکمایه باقارسه ق فرضایچه تک فوق الانسان (Sur  
 homme) حقنده کی نظریاتی تدقیق ایلر ایسه ک دولت لک افعال  
 لنده اخلاقک یر بولماسی مشکل اولور. بو تعریف ایتدی کمز  
 نظریات جدیده حکمییه اخلاقک عدم لزومنی صراحة بیان  
 ایتما مکده و حسن اخلاقی بیله توصیه دن خالی قالماتده ایسه ده  
 هیئت عمومیه سندن بر نتیجه استخراجنه قالدیشیلدجه اخلاقه  
 بر از کوچ یر بولنه بیلور. افراد ایچون بویله اولنجه ملیونلرجه  
 خلقک منفعت و سلامتندن مسؤل اولان حکومتلر و دولتلر

یوق. ایدی برچوق دیلوماتلر برچوق سیاسیلر، برچوق ناظرلر ایسه فن سیاست ایچون هیچ برخده تده بولنماشلردر. مع مافیہ اعتراف ایتلیدر که اک داهی سیاسیلر اکثریا اک بیوک علمای سیاسیه زمره سندن اولمشلردر: اسکندر، قیصر، مأمون، فاتح، ایکنجی فرهدریق، واشینگتون، برنجی ناپولیون الخ کبی . .  
 بو تفصیلاتدن آکلاشیلیور که علوم سیاسیه نك فعلاً اجرای سیاست خصو صنده فائده سی محققدر و بوفن متسبلری منسوب اولدقلری علمه خدمت صورتیله خادم انسانیت اولدقلری کبی طوغریدن طوغری به فعلیات سیاسیه ده موفقیت کویستمکده مملکتلرینه فائده تأمین ایتمش اولیورلر و تدقیق ایتمکده اولد. یغمز علمک فائده سی ایشته بوضورتله انظارده تعین ایدر .

۶ - حقوق اساسیه نك غایه سی و اخلاق . — حقوق اساسیه نك غایه سی مملکتلرک سلامت داخلیه و خارجییه سی و انسانلرک سعادت ممکنه سیدر . بو غایه به و صول ایچون استعمال ایدیله جک و سائطک تعیینی امرنده اختلاف واقع اولمشدر . بعضلری سیاستی بوس بوتون اخلاقدن تجرید ایدرک مقصده و صول ایچون هر درلو وسائطی مشروع عدایدیبور . جزویت لرک ( *La fin justifie les moyens* ) قاعده سنی رهبر اتخاذ ایلورلر . حق و اخلاق فکری هوز تامیله تقرر ایتماش اولان عصرلرده بو قاعده نك بر حقیقت اوله رق تلقی ایدلسنه امکان اوله بیلیر ایدی؛ فقط زمامزده بو قاعده دن استفاده

نواحی مجهوله سنی فنویر و صاحب صنعت و تجربه اولانلره رهبرلك اجرا ایتشدرد. مشهور ارسطو واقعا یونان جمهوریتلرینك تشكلی کوردکدن سوکره (بولیتیق) نام اثرینی یازدی فقط اسکندر کبیر کی جهانکیر بر حکمدار یتشدیردی. رومالی چیچرونه نك آثار سیاسی روم جمهوریتلرینك خاتمہ اقبالنه تصادف ایتدی فقط قیصرلره، انطوانلره، اوقداولره تقدم ایتدی.

سیاسیاتی حیله و خدعه ایله توأم ظن ایدن و ایچنده یشادینی محیط فسادده باشقه برطن بسلامنه ذاتا اسکان اونیان فلورانسه لی (ماکیاوهل)ك برنس نام اثری ده فرانسه لی دساس شهر قرال اون برنجی لوئی دن سوکره انتشار ایتمش فقط اون دردنچی لوئی کی برستبدك یتشمه خیلی خدمت ایتشدرد؛ موتسکیو انکلین اختلانندن سوکره کلیور فقط فرانسه انقلاب کیرینك تمللرینی وضع ایتمش اولیور؛ وولتهر و باخصوص روسو اولسه فرانسه انقلاب کیرنده ابدی برصیت قازانان او شبان سیاست یتشه من، جهان مدنیت و سیاست آلت اوست اوله مار ایدی. اون سکزننجی عصرک فلاسفه سیاسی اولسه آمریکا جمهوریتی تشکل ایده من، فرانقلن و واشینگتون کی اعظم یتشه من ایدی.

صاحب صنعت سیاسیترله صاحب علم سیاسیتر ایچون لازم کنن اوصاف عالیه پک نادر اوله رقی شخص واحدده مجتمع اولور. افلاطون و ارسطونك فعلیات سیاسی ایچون هیچ بر میل و هوسلری

برابر دنيایي فتح ايدہ جک درجہ درہ عملیات سياسيه علمنه آشنا ایدی . مصرلی محمد علی پاشا امی ایدی بونکله برابر عزم و تدبیری ایله قوص قوجه خلافت عثمانیه بی صارصه جق درجہ دره موفقیت کوستردی . مع مافیه زمانزده آرتق حقوق و سیاست فکری الی عادی طبقه ناسه قدر آرزجوق تععم ایتمش اولدیغندن صرف عملیات ایله اقوامک زمام اداره سنی اله آلمق بر از کوچ کورینور صاحب حکومت اولانلرک عینی زمانده صاحب علم و معرفت اولملری ایجاب ایدر . عملیات ایله نظریات بر رندن لاینفک بر حاله کشش و بر لرینه لازم و ملزوم قیلندن اولمشدر . مدنیت حاضره نك جمعیات سياسيه و دولیه نك شکل و تفرعانه آلات و ادواتنه واقف اولیانلر نه قدر صاحب ذکا اولور لر سه اولسون لرینه اداره امورده موفق اوله مازلر . برامی سياسی اوله بیلیر ، فقط کورلرک مملکتنده یکچشم لرك قرال اولملری قیلندن ، زیرا آنجق جاهل بر قوم سياسی امینک ربقه اداره سنه تحمل ایده بیلیر . متمدن ، مترقی و روح مشروطیت وجودینه بحق حلول ایتمش بر قومی اداره ایتک ایچون یالکز تجربه کافی کلز ، یالکز فعلیات و درایت و فطانتله تدویر امور اولنه ماز ، علمه ده ، نظریاته ده احتیاج واردر . الحاصل اقوامک آوان طفولیتنده صنعت سیاست همان منفرداً حکمران ایکن جمعیات بشریه تکامل ایتدکجه نظریات و فن بوضعتی بدایه بطی و دها صکره سریع آدیملزله تعقیب ایتمش و نهایت تیشهرک ، بعضاً ایلری به بیله کچه رك مشعله هدایتیله سياسیاتک

کله بیلسون . هر فنده اولدینی کبی بوفنده ده بالطبع ( براتیق ) یعنی عملیات ، نظریاته تقدم ایتشدرد . جمعیت اُک ابتدائی حالده ایکن البته بر طرز اداره یه مالک ایدی . فقط او وقت نه علمای حقوق ونه ددرین ، درین نظریه لروضع ایدن فلاسفه وار ایدی . هر فنک نظریاتندن ، مدون کتابلردن اول او فن البته موجودد .

علمی سیاست ایله اصل ارباب سیاستک هدف املرنجه فرقلر واردر : برنجیلر ، دولت و جمعیتک حال موجودینی قید و ضبط ایله اکتفا ایتزلر . نوردکالریله ماضینک پردۀ ظلام و جهالتی بیرتارق ابتدای بشریتی کشفه ، جمعیتک ایلك تمللرینی حفره چالیشیر ، آتی نی آ کلامقله اوغراشیر و جمعیتی کندی مفکره و محاکمه لرینه کوره تنظیم ایتک ایچون بر طاقم پلانلر ترتیب ایدرلر . سیاسی بر آدمک برنجی دوشونه چیکی شی فعلاً موجود اولان حالک تأمینیدر . اونک نظری او قدر مدید دکدر فقط زمان حالی مدنظر صاحبی اولان حکیمدن دهها زیاده تقدیر ایدرک همان حکم و قرارینی اعطا و تدابیر عاجله سنی اتخاذ ایدر . اونک نظریده آسایشی ، امنیت و عدالتی قوانین موضوعه و موجودیه بالتوفیق محافظه ایتک الپارلاق موقیتیدر . دهها اوتهمی نهسنه لازم ؟

حقوق اساسیه و سیاسیه علمندن قطعاً بی خبر نیجه دهه ارباب حکومت ظهور ایتشدرد . جنکیزخان عالم دکل ایدی بونکله

دولتک تملک کردن و حکومتک قواعد اساسيه سندن بحث ایدن بر قسميدر « آلمان مؤلفلرندن ( بلونچلی ) » پوليته دولتک عقل و شعور دائره سنده گذار اولان حياتی ، حیات فعاليتدر (La vie consciente de l'Etat) امور عموميه دولتک طرز سوق و اداره سيدر ، اجرای حکومته مخصوص عملی بر فندر « ديه رک عمليات و نظرياتی مزج و توحيد يولنده بر تعريف يابور . « حقوق اساسيه حقوق سياسيه نک تمليدر . « ( ايسمن ) « شکل دولتی ، دولتک اکیوکسک عضويتلرینی و بوعضويتلرک افراده قارشوشمول صلاحيتلرینی تعین ایدن حقوق سياسيه شعبه سيدر . « ( رنه فووانيه )

۵ حقوق اساسيه نک فائده سی — بلونچلی ديور که : « رجال سياسيه کرک وظيفه ، کرک استعداداً مملکتک حیات عموميه سی اوزرنده بر اثر مهم اجرا ايدنلردر نظار ، بعض اکابر مأمورین ، مبعوثان و غزته جيلر کبی . « بونلره ( Homme Politique ) ديرلر . برده ( Homme d'Etat ) وار درکه بونلر نادراً يتيشن ارباب ذکاودهادرلر . بسمارق . قاوور ، ايکنجی فره دريق کبی . پوليته اساساً علم دولتدر و او وقت بو علمک منتسبيلری حکمادر ، نظريات سياسيه ايله اشتغال ايدنلردر . برنجی نقطه نظرندن پوليته بر صنعت ، بر هنردر . ( Art ) ايکنجی نقطه نظرندن بر فن . بر فلسفه ، بر حکمتدر . بری عملی ، ديکری نظريدر . بورادهده عمليات و نظريات ، تجربه ايله علم يکديکریله اتحاد ايتليدرکه حقيقه شایان تقدير نتایج حصوله

حقوق اساسيه دولتک مؤسساتي ، تشکيلاتی تعريف ايله  
اکتفا ایتمز بومؤسساتک افراده قارشى حدود اجرائيه لرینى ده  
تعین ایدر. بونی حقوق اساسيه طوغری بدن طوغری به دکل بالواسطه  
یاپیور. فرضاً اشخاصک حقوقی تعین ایتمکه دولتک بو حقوقه  
تجاوز ایدمیه چکنی ضمناً افهام ایدیپور. شو تقدیره کوره حقوق  
اساسيه باشلیجه اوچه تقسیم اولنه بیلیر :

برنجی قسم ، دولت و اونک ماهیت حقوقیه سی ، ایکنجی  
قسم دولتک تشکيلاتی ، اوچنجی قسم افراد ايله دولت  
آره سنده کی حقوق و وظائف متقابله. فرضاً دولت نه در ، حاکمیت  
ملیه نره دن چیقار ، بونک مشروعیتی نره دن کلیور ؟ برنجی  
قسمه داخلدر ؛ کذلک حکمدار ناصل تعین اولنیور ، دولت  
مطلقیتله می ، مشروطیتله می ، جمهوریتله می اداره ایدیلور ،  
ملت مجلسی نصل انتخاب ایدیلور ، اعیان نه دیکدر ، مبعوثان  
نه در ؟ ایشته بونلرده ایکنجی قسمه <sup>دولت</sup> کیررلر ؛ دولتک  
قوه اجرائیه سی نه قدر ایلری کیده بیلور ، حدودی نه دن  
عبارتدر ، افرادک حقوقی نه دن عبارتدر ، بو حقوقه قارشى  
نه کبی وظائفه مالکدرلر ؟ بونلرده اوچنجی قسمه داخلدر .  
ع حقوق اساسیه نک تعریفی . — فرانسه نک کچن عصر  
مشاهیرندن ( پول ژانه ) قاموس سیاسیه سنک بشنجی جلدنده  
حقوق سیاسیه یی — که بوکا اکثریا فن دولت ( Politique ) دخی  
دیگ جائزدر — بروه آتی تعریف ایدیپور: «علوم اجتماعیه نک



داخلدر؛ كذلك على العاده افراد دخى عين زمانده هم اداره ايله مناسبته همده قوانین اساسيه دولتله مشاركتده بولنورلر. مع مافيه باشليجه ايكي نقطه نظر كوزدهرك آز چوق بر حدود تعينى مكندر.

برنجي نقطه : بر فرد عين زمانده بر چوق مرا كوزه ، فرضا بر ناحيه ، بر قضايه ، بر سنجاغه ، بر ولايته ، بر نظارته تابعدره فقط بونلردن ماعدا بوفرد بر دولتك ده ماليدر. دولت بالطبع دها شمولي ، دها واسعدره ؛ عين زمانده بر قومك بتون افرا دخي ، اراضيسنى استيعاب واحاطه ايدر. حقوق اساسيه ايسته يالكتر دولتدن بحث ايدر؛ ديكر تقسيمات اداره و افرادك ديكر تقسيمات اداره ايله اولان ارتباطلري حقوق اداره دائره نفوذينه داخلدر . ايكنجى نقطه نظر : تاسيسات ودوائر دولت آره سنده بعضيلري واردركه دائره شمول و فعاليتلري عموم منافع مليه معطوف اولور و بونلر بو منافع يوكسكدن وصورت عموميه ده سوق و اداره ايدر. ديكر بر قسم مؤسسات واردركه بو منافع دها ياقيندن ، دها فرعى و دها اختصاصى اوله رق اداره ايدرلر . برنجيلر حقوق اساسيه نك ، ايكنجيلر حقوق اداره نك دائره تدقيقه كيرلر .

٣ حقوق اساسيه نك موضوعى . — شو حالده حقوق اساسيه نك موضوعى بالاده كي قيدلرله على قدر الامكان تعين اتمكده در؛ يعنى حقوق اداريه قاريشمامق شرطيله مؤسسات عموميه دولتدر .

خدمت‌لرینه تعلق ایدر. بونلرک ده هیئت مجموعه سنه (حقوق عمومیه) ودها طوغریبی اصطلاحات عدلیه دن بریله التباس محذوری میدانن قالمق ایچون (حقوق سیاسیه) دیمک ایجاب ایدر. حقوق سیاسیه دخی ایکی مهم شعبه یه انقسام ایدر. بری (حقوق سیاسیة خارجیة) درکه بوکا علی العاده (حقوق دول) تعیر اولمقده در؛ دیکری ایه (اصل حقوق سیاسیة) درکه؛ (۱) (حقوق جزائیة)، (۲) (حقوق اداره) و (۳) (حقوق اساسیة) قسملرینه منقسمدر.

۲ حقوق اساسیة ایله حقوق اداره . - حقوق جزائیة نك موضوعن بوراده بحثه محل اولدیغندن یالکنز حقوق اداره ایله حقوق اساسیة آرسنده کی تماس نقطه لرندن بحث ایتک ایجاب ایدر. برچوق کیسه لر حقوق اداره یه تعلق ایدن شیلری حقوق اساسیة یه و حقوق اساسیة یه تعلق ایدن شیلری حقوق اداره یه قاریشدیریورلر. حالبوکه مساعی بشریه نك حسن ثمره ویرمی ایچون تقسیم اعمال قاعده سنه نه درجه احتیاج وارسه علومکده بحق استفاده بخش اوله بیلیمی ایچون تصنیف و حدودی تحدید اولنمی اقتضا ایدر.

حقوق اساسیة نك حقوق اداره دن تفریق اعتراف ایتلدرکه اساساً کوچ بر ماده در. زیرا حقوق اساسیة یی تشکیل ایدن عوامل و عناصرک برچوغنه حقوق اداره ده دخی تصادف ایدیورز. فرضاً ناظرلر بونلر هم هیئت اداره یه، هم هیئت اساسیة حکومت

علوم متنوعه اكلينك اكل پارلاق، اكل مشعشع بر حجر قيمتداريدر.  
 ذاتاً علم حقوق، باخصوص حقوق طبيعیه فلسفه نك عادتاً بر شعبه سنی  
 تشكيل ايدیور. اكل اسكي زمانلردن بری فيلسوفلر حقایق عوالمی  
 ظلمات شك و تردددن استخراج ايله توغرا، ايتدكجه علوم  
 حقوقیه ايله و باخصوص علوم حقوقیه نك اساسی تشكيل ایدن  
 علوم سیاسیه و اجتماعیه ايله ده اوغراشمشلردر. هيچ بر  
 بيوك حكيم كلامشدر كه انسانلرك، كائناتك سر خاقتی حقنده  
 تعمیق فكر ايتدكدن صكره جمعيتلرك صورت تشكلی، دولتلرله  
 حكومتلرك وجوده كلسی حقنده مختلف نظریه لر درمیان  
 ایلسون.

ایشته حقوق اساسیه ده معلومات بشریه نك بو قسمندن بر  
 موقع مهم اشغال ايدر و علوم حقوقیه میاننده بر امتیاز مخصوص  
 آلتساب ايدر.

علوم حقوقیه بر معنای عمومی ايله تقسم ایدلك لازم كلیرسه  
 ایکی مهم شعبه یه آیریلیر. بر قسم علوم افرادك شخصلری  
 و ذاتلری اعتباریله آره لرنده جریان ایدن مناسباته تعلق ایدر كه  
 ( حقوق خصوصیه ) بوكا دیرلر. دیگر علوم حقوقیه ایسه اولا  
 اهالیدن متشكل جمعیتلره و از جمله دولتلره، نانیاً قوای حكومتك  
 طرز شكلنه، ثالثاً بو قوای حكومتك نه صورته ایشلمكده اولدیغنه  
 و رابعاً افرادك شخصلری اعتباریله دكل جمعیه، دولته منسوبیتلری  
 اعتباریله جریان ایدن معاملاتنه، یعنی دولت و جمعیت نامنه واقع اولان

## حقوق اساسيه

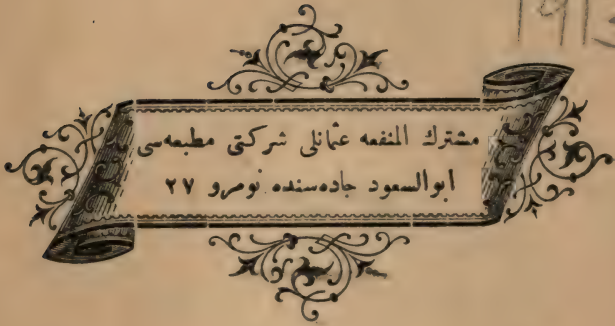
### مدخل

حقوق اساسيه نك موضوعي ، حدودي ، تعريفی ، فائده سي ، غايي ، اخلاق ايله مناسبتی ، منابعی ، مكتوب

### قانون اساسيلر

۱) حقوق اساسيه نك علوم سائره حقوقيه به نظراً موقعی .- انسانلر آره سنده تأمين روابط انتظامك الك مهم منبى ، الك اساسلى استنادكاهى شبه يوق كه حقوق دينيلن فن عايدر . زير اسعادت ممكنه بشريه آنجق بو علومك بحق افراد جمعيت آره سنده تطبيق اولنسنه متوقفدر . عدالت كه بشريتك غايه سي ، انسانيتك منتهای آماليدر ايسته انك توزيعنه ومظلومك ظالمدن تحصيل حقوق ايلسنه بوفن جليل وساطت ايدر . زيرا حقوقك لدنياتنه ، كنه وحقيقتنه تماماً وقوف پيدا ايدلديكجه حقانيت وعدالت ديه انسانلر ك تشنه اولدقلرى منابع زلال حيا بخشادن لايقيه . اخذ فيوضات اولنه ماز ؛ عدالت اولمازسه مدنيت ، ترقى ، آسايش ، امنيت جان و مال برر امر موهوم اولور ؛ افراد آره سنده قوت حكمفرما و اقوام و جمليات وادى و وحشته پويان اولور .  
بو حيثيته علم حقوق ، فلسفه و حكمت ايله اله ويرمرك

JF  
56  
T8 B35  
1913



2665

# حقوق اساسیه

قانون اساسی

مؤلفی

بابان زاده

اسماعیل حقی

کتابخانه

ایکینجی طبعی



طابعی

مکتب ملکیده دن مآذون

محمد طاهر



طابعک مہر بنی حاوی اولیان نسخہ لہ ساختہ در

قسط طبعیہ

مشترک المنفعہ عثمانی مطبعہ سی — ابوالسعود جادہ سندہ نومبر ۲۷

۱۳۲۹











BINDING SECT. SEP 1 1979

PLEASE DO NOT REMOVE  
CARDS OR SLIPS FROM THIS POCKET

---

UNIVERSITY OF TORONTO LIBRARY

---

JF  
56  
T8B35  
1913

Babanzade, Isma'il Hakki  
Hukuk-i esasiye

15

